خلاصه ترین
تفسیر قرآن کریم

به زبان فارسی
و
(به ترتیب نزول)

از: جمال گنجه ای

بسم الله الرحمن الرحيم

شناسنامه کتاب

نام کتاب: خلاصه ترین تفسیر قرآن کریم به زبان فارسی و (به ترتیب نزول)

مولف : جمال گنجه ای

ماخذ: ویرایش دهم «تفسیر سخن نو»

تاریخ قرار دادن در فضای مجازی: زمستان ۹۷

http://jamal-ganjei.com/
jamalganjei@gmail.com

فهرست

موضوع	صفحه
مرحله اول ، معارف پایه	۶
مرحله دوم ، اعلام موجودیت و ارشاد اجمالی	۱۵
مرحله سوم ، مطرح نمودن پر رنگ آخرت	۳۰
مرحله چهارم ، اولین باز تاب های تکذیبی	۶۷
مرحله پنجم ، تکذیب پررنگ و همه جانبه و مصرّانه	۸۷
مرحله ششم ، افزایش فشارها و دلداری خداوند	۱۳۷
مرحله هفتم ، افزایشِ بیشتر فشارها و دلداری بیشتر	۲۱۱
مرحله هشتم ، بلوغ جبهه ایمان	۳۰۱
مرحله نهم ، هجرت و رسمیت یافتن جبهه ایمان	۳۶۶
مرحله دهم ، استحکام جبهه ایمان و پیروزی های گسترده	۴۵۵

ذکر نکته ای ضروری :

متنی که در پیش رو دارید «ترجمه» به نظر میرسد، ولی توجه داشته باشید که «ترجمه آزادِ تفسیری» است،

یعنی اینکه این متن، ضمن اینکه محتوای قرآن را به فارسی برگردانده، اما از بین انواع تفاسیر، به «تفسیرِ سخن نو» (جمال گنجه ای) گرایش داشته است.

البته برای کسانیکه به این مباحث آشنا نیستند، این موضوع را می باید در سخنی طولانی توضیح داد، اما روش ما اختصار است و از پُرگوئی فراری میباشیم.

مرحله اول

نزول معــارف پــایه

و
انعقاد هستــهٔ اولیه
جامعــه‌ی مسلمین

سوره عصر

بسم الله الرحمن الرحیم

قسم به روزگاران (۱) که:
اکثر انسان ها در زیانکاری عظیمی میباشند (۲)
مگر کسانی که ایمان داشته و عمل صالح انجام داده و یکدیگر را به حقی که به آن معتقد میباشند سفارش نموده و یکدیگر را به پایداری در راه آن حق توصیه نمایند (۳)

سوره توحید

بسم الله الرحمن الرحیم

ای پیامبر! دائما، هم به خویش تلقین، و هم به مردم ابلاغ کن، که خداوند همان الله است که یگانه است (۱)
که بی نیازِ موردِ نیازِ همگان است (۲) و اینکه نه زاده و نه زائیده شده است (۳) و هیچ همتائی ندارد (۴)

سوره حمد

بسم الله الرحمن الرحیم

ستایش مخصوص خداوندی است که پرورش دهنده آدمیان است (۱) و مهربانی عمومی و مهربانی خصوصی اِعمال میکند (۲) و همچنین مالک روز جزاء است (۳)

ای خداوند! فقط رهنمودهای تو را پیروی می کنیم و فقط از تو یاری می جوئیم (۴) پس، ما را به جاده مستقیم هدایت کن (۵) جاده همان کسانی که نعمتشان داده ای، نه آنان که از نظر انداخته ای و نه آنان که راه حق را نیافته اند (۶)

سوره زلزال

بسم الله الرحمن الرحیم

ای پیامبر! هنگامی که زمین با لرزشی شدید که در تقدیرش بوده لرزانده شود (۱) و بارهای سنگین خود را بیرون دهد (۲)

و انسان از روی تعجب بگوید «چه اش شده؟» (۳)

آن روز زمین اخبارش را گزارش خواهد کرد (۴) زیرا که پروردگارت به او وحی کرده است (۵)

در آنروز مردم بطور گوناگون بیرون میشوند تا اعمالشان به آنان نمایانده شود (۶)

پس، آنکس که به سنگینی ذره ای نیز عمل خیر کرده باشد آنرا خواهد دید (۷) و نیز، آنکس که به اندازه ذره ای هم عمل شرّ کرده باشد آنرا خواهد دید (۸)

سوره قارعه

بسم الله الرحمن الرحیم

آن کوبنده! (۱) چیست آن کوبنده؟ (۲) و ای پیامبر! چه چیز آگاهت کرد که چیست آن کوبنده؟ (۳)

روزی که مردم مانند ملخ های پراکنده شوند (۴) و کوهها مانند پشمِ حلاجی شده گردند (۵)

پس از وقوع این وقایع قیامت خواهد بود که در آن روز، کسی که موازین اعمالِ این جهانیش سنگین باشد (۶) در قیامت دارای زندگیی پُررضایت خواهد بود (۷) اما کسی

که موازینش سبک باشد (۸) بازگشتِ او به هاویه خواهد بود (۹)

و ای پیامبر! چه چیز دانایت کرده که آن هاویه چیست؟ (۱۰) آتشی برشته کننده است (۱۱)

سوره ضحی

بسم الله الرحمن الرحیم

قسم به روز وقتیکه روشنایی آن گسترده میشود (۱) و قسم به شب وقتیکه فراگیر میشود (۲)

ای پیامبر! پروردگارت رهایت نکرد و بر تو خشم نگرفت (۳) و حتما آنچه که بعدا برایت پیش می آید بهتر است (۴) و حتما بزودی پروردگارت عطایت می کند و خشنود میشوی (۵)

آیا یتیمت نیافت و پناهت نداد؟ (۶) و سرگردانت نیافت و هدایتت نکرد؟ (۷) و تنگدستت نیافت و بی نیازت ننمود؟ (۸)

پس به یتیم تندی مکن (۹) و پرسشگر را مرنجان (۱۰) و راجع به نعمت پروردگارت سخن گوی (۱۱)

سوره فلق

بسم الله الرحمن الرحیم

ای پیامبر! به خویش تلقین کن و بگو:

پناه میبرم به پروردگارِ غلبه دهنده نور بر ظلمت (۱) از شرِ آن قسمت از خواص اینهمه مخلوقات که متضمن شر است (۲) و از شر ظلمت ضخیم فراگیر (۳) و از شر ایجادکنندگان و محکم کنندگان مشکلات در راه حق (۴) و از شر حسودان وقتی که حسودی کنند (۵)

سوره ناس

بسم الله الرحمن الرحیم

ای پیامبر! تلقینا به خویش بگو:

پناه میبرم به پروردگار مردم (۱) که فرمانروای مردم (۲) و معبود مردم نیز هست (۳) از شر وسوسه کننده های پنهان شونده (۴)
که وسوسه میکنند در ذهن مردم (۵)

که برخی از این وسوسه گران در میان مردم ناپیدا، و برخی هم در میان مردم آشکارند (۶)

سوره تین

بسم الله الرحمن الرحیم

قسم به انجیر و زیتون که نماد تغذیه مناسب است (۱) و به کوه سینا که نماد وحی است (۲) و به این شهر امن که نماد محیط مناسب نشو و نما است (۳) که:

انسانها را در بهترین ساختار شخصیتی آفریدیم (۴) سپس سیستم های عاملِ جهان را طوری مرتب کردیم که اگر انسان سعی خویش را برای ماندن در همان بهترین ساختار نکند به پست ترین پستی ها سقوط کند (۵)

و البته آنانکه ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند در همان موقعیت می مانند و برای

تلاشی که در این رابطه میکنند پاداشی دریافت خواهند کرد که حقشان است (۶)

ای پیامبر! پس با توجه به این واقعیات، چه چیزی سبب میشود برخی از مردم در دین تکذیبت کنند؟ (۷) آیا خداوند حکیم ترین حکیمان نیست؟ (۸)

سوره لیل

بسم الله الرحمن الرحیم

قسم به شب وقتی که همه چیز را می پوشاند (۱) و قسم به روز وقتیکه همه چیز را ظاهر میکند (۲) و قسم به آن سیستم های مخلوق خداوند که نر و ماده را به وجود می آورد (۳) که:

کوششهای فکری و رفتاریِ شماها مختلف است (۴)

پس، اگر کسانی اِعطا کردند و تقوا پیشه نمودند (۵) و نیکویی را تصدیق کردند (۶) ما نیز بزودی آسانی را برایشان فراهم خواهیم نمود (۷)

و اما آنانکه بخل ورزیدند و نسبت به خدا و آخرت بی نیازی درپیش گرفتند (۸) و نیکویی را تکذیب کردند (۹) بزودی سختی را برایشان مهیا می‌کنیم (۱۰) و ثروتشان وقتی که هلاک میشوند کمکی به آنان نمی کند (۱۱)

البته هدایت بر عهده ما است (۱۲) و البته آخرت و این جهانِ نخستین نیز از آن ما است (۱۳)

پس، ای مردم! از آتشی که زبانه میکشد هشدارتان میدهم (۱۴) که غیر از بدترین ها کسی دچارش نمیشود (۱۵) همانها که تکذیب نموده و به حق پشت میکنند (۱۶)

و بزودی تقوادارتر ها از آن بر کنار میمانند (۱۷) همانها که مال را در راه حق میدهند که رشد یابند (۱۸) و این کارشان بخاطر پاداشی نیست که کسی به آنها دهد (۱۹) بلکه فقط بخاطر کسب رضایت پروردگار والایشان است (۲۰)

و البته بزودی راضی میشوند (۲۱)

سوره شمس

بسم الله الرحمن الرحیم

قسم به خورشید و پخش شدن روشنائیش (۱) و به ماه و دنباله روی اش از خورشید (۲) و قسم به روز هنگامیکه درجه زندگی ها و اختلاف های درجات آنها را آشکار میکند (۳) و قسم به شب هنگامیکه آنها را فرا میگیرد (۴) و قسم به آسمان و عواملی که آن را بنا کرد (۵) و به زمین و عواملی که آن را گسترد (۶) و به نَفْس و عواملی که آن را بپرداخت (۷) سپس نافرمانیها و تقوایش را به آن الهام کرد (۸)

البته هر کس که نفس را رشد داد پیروز شد (۹) و هر کس که آنرا در بی رشدی نگهداشت شکست خورد (۱۰)

قوم ثمود بسبب طغیانشان فرمان خداوند را که از سوی پیامبرشان به آنها اعلام شده بود تکذیب کردند (۱۱) هنگامی که بد ترینِ خویش را برگزیدند (۱۲) و پیغمبر خدا به آنان میگفت: شتر خدا و آبشخورش را رعایت کنید (۱۳) که تکذیبش کردند و آن را کشتند، و پروردگارشان بسبب آن گناه بزرگ همه چیز را بر سرشان خراب کرد و با خاک یکسان نمود (۱۴) و از نتیجهء این عمل نیز نگرانیی ندارد (۱۵)

سوره طارق

بسم الله الرحمن الرحیم

قسم به آسمان و قسم به طارق (۱) و ای پیامبر! چه چیز تورا، آگاه نمود که طارق چیست (۲) طارق آن ستاره پرتو افکن است (۳)

هیچکس نیست مگر اینکه بر او نگهبانی گماشته شده است (۴)

پس آدمی بنگرد که از چه آفریده شده (۵) از آبی جهنده آفریده شده (۶) که از بین سخت و نرم بیرون می آید (۷) البته خداوند بر بازگرداندنش تواناست (۸)

در روزی که پنهانی ها آشکار شود (۹) که او در آن روز نه نیرویی و نه یاوری خواهد داشت (۱۰)

قسم به آسمانِ دارای بازگشت (۱۱) و زمینِ قابل شکافتن (۱۲) که البته آن گفتمانِ مربوط به قیامت گفتاری نهائی است (۱۳) و اصلاً شوخی نیست (۱۴)

البته آن کافران نیرنگی می زنند (۱۵) و من نیز ضد نیرنگی می زنم (۱۶) پس، تو ای پیامبر! آنان را چندان جدی نگیر و به آنان اندک مهلتی ده (۱۷)

سوره قدر

بسم الله الرحمن الرحیم

ای پیامبر! ما البته آن را در شب قدر نازل کرده ایم (۱)

و تو از کجا ممکن است بدانی که شب قدر چیست؟ (۲) شب قدر از هزار ماه نیز برای

بشر پربرکت تر است (۳)

ملائکه و روح به فرمان پروردگار دائما در آن شب برای همه امور نازل میشوند (۴) آن شب تا هنگام صبح امنیت و سلامت دارد (۵)

مرحله دوم

اعلام موجودیت
و
ارشاد اجمالی مخاطبان غافل

سوره علق

بسم الله الرحمن الرحیم

ای پیامبر! بخوان بنام پروردگارت که
همه چیز و همه کس را آفرید (۱) همانکه انسان را از علقِ به ظاهر بی اهمیت آفرید (۲)

بخوان و بدان که
پروردگارت بخشنده ترین است (۳) همو که بوسیله قلمِ ظاهرا بی اهمیت آموخت (۴) و به انسان آنچه را که نمیدانست آموخت (۵)

ای پیامبر! اینطور نیست که این آیات چنان اثری داشته باشد که همگی فورا پیروِ توشوند، بلکه، اکثرِ انسان ها چنین اند که طغیان می کنند (۶) در صورتیکه خود را نسبت به خدا و آخرت بی نیاز ببینند (۷) البته بازگشت همگان بسوی پروردگارتو است (۸)

ای پیامبر! چه فکر میکنی راجع به کسی که نهی می کند؟ (۹) بنده ای را که نماز میخواند؟ (۱۰) چه فکر میکنی راجع به این عمل در صورتیکه آن بندهء نمازگزار برجادهء هدایت باشد؟ (۱۱) یا به تقوا فرمان دهد؟ (۱۲) چه فکر میکنی درباره کسی که حق را تکذیب میکند و روی بر می گرداند؟ (۱۳) مگر نمیداند که خداوند می بیند؟ (۱۴)

البته آنها چنین نپندارند و بدانند در صورتیکه بس نکنند حتماً به خواری گرفته و به ذلّت کشانده خواهند شد (۱۵) پیشانی دروغگوی خطاکارشان (۱۶)

البته آنها نیز پس از احساسِ عقوبت ما، همگنان خویش را فرا میخوانند (۱۷) ما نیز

نیروهای جدّی خویش را فرامیخوانیم (۱۸)

نه! ای پیامبر! لازم نیست با چنین کسانی هیچ همراهیی کنی! سجده کن و به ما تقرب جوی (۱۹)

سوره قریش

بسم الله الرحمن الرحیم

قریش برای ادای شکرانهء نعمت اصلی خویش که همبستگی شان باشد، (۱) که سبب مسافرتهای زمستانی و تابستانی آنها است، (۲) باید خداوندِ صاحبِ این خانه کعبه را عبادت کنند (۳)

همو که آنها را پس از گرسنگی سیر نمود، و پس از احساس ترس امنیت داد (۴)

سوره تکاثر

بسم الله الرحمن الرحیم

زیاده طلبیِ نامعقول شما را به رفتارهای بیهوده انداخت (۱) تا اینکه عمرتان را باختید (۲)

نه! بلکه بد فهمیدید! و بزودی خواهید دانست (۳) باز هم نه! و بزودی خواهید دانست (۴)

نه! اگر علمِ حاصل از یقین به آخرت را می داشتید (۵) حتماً عذاب را به چشم عقل خویش میدیدید (۶) سپس حتماً آن را عین یقین تلقی میکردید (۷) و می فهمیدید که در روز قیامت درباره نعمت ها از شما پرسش خواهد شد (۸)

سوره بلد

بسم الله الرحمن الرحیم

ای پیامبر! قسم نمیخورم به این شهرِمکه، به سبب چیزهای نامطلوبی که در آن جریان دارد، علیرغم اینکه خود این شهر فی نفسه عزیز و محترم است (۱) و علیرغم اینکه تو در این شهر ساکنی (۲) و همچنین قسم نمیخورم به توالد و تناسل علیرغم اینکه فی نفسه عزیز و محترم است (۳)

البته زندگیِ پسندیده و متعالیِ انسانی را در گروِ رنج ها قرار دادیم (۴)

ای پیامبر! برخی از توانگران که به مسئولیت های انسانی خویش ولنگارانه عمل نمیکنند، آیا می پندارند هرگز هیچکس بر آنها چیره نخواهد شد؟ (۵) که میگویند مال زیادی را تلف کرده ام؟ (۶) آیا می پندارند هیچکس آنها را ندیده؟ (۷) آیا برایشان دو چشم قرار ندادیم؟ (۸) و زبان و دو لب؟ (۹) و دو راه خیر و شر را نشانشان ندادیم؟ (۱۰)

با وجود همه این نعمت ها که به آنان داده ایم، از آن «گردنه» عبور نکرده اند (۱۱)

و تو ای پیامبر! چه دانی که آن گردنه چیست؟ (۱۲) آن، آزاد کردن بنده است (۱۳) یا غذا دادن در روزی سخت (۱۴) به یتیمی خویشاوند (۱۵) یا فقیری خاک نشین، یا هرمورد دیگر که از مصادیقِ شریک کردن محرومان و خیلی محرومان در مواهبی که جزء نیاز های اساسیِ هر انسان است، (۱۶)

و اگر محرومان را شریک کنند از کسانی خواهند شد که ایمان آورده و سفارش متقابل به صبر و سفارش متقابل به مرحمت کرده باشند (۱۷) که در اینصورت اهل خیر و برکت خواهند بود (۱۸) و آنانکه چنین نباشند به آیات ما کفر ورزیده اند و اهلِ عاقبتِ

شوم میباشند (۱۹) که آتشی زبانه کش بر آنها مسلط خواهد بود (۲۰)

سوره همزه

بسم الله الرحمن الرحیم

وای بر کسانی که ثروتی دارند و به سبب آن نسبت به دیگران بسیار عیب جو و بسیارطعنه زن می باشند (۱) کسانیکه مالی جمع میکنند و به شمارش آن مشغول اند (۲) و می پندارند مالشان نگهدارشان خواهد بود (۳)

نه! چنین کسانی حتماً در حُطمه انداخته میشوند (۴)

و ای پیامبر! چه چیزی میتواند آگاهت کند که حطمه چیست؟ (۵) آتشی است که تحت عنایت خاص الهی افروخته شده (۶) که بر وجود و شخصیت چنان کسانی راه می یابد (۷) و بر آنها احاطه دارد (۸) و مانند ستونهایی بر کشیده است (۹)

سوره فجر

بسم الله الرحمن الرحیم

قسم به سپیده دم (۱) و به شبهای دهگانه ای که پرداختن به عبادات در آنها فضیلت زیاد دارد (۲) و به جفت و تک (۳) و به شب وقتی که سرآمدنش نزدیک باشد (۴)

آیا در اینها چیز مهمی که قابل قَسَم یاد کردن باشد، برای خردمندان هست؟ (۵)

ای پیامبر! آیا ندانستی که پروردگارت با قوم عاد چه کرد؟ (۶) همانها که تمدنشان آنقدر پیشرفته بود که باغ اِرمِ دارای ستونها را بنا کرده بودند (۷) که مانندش در شهرها ساخته نشده بود؟ (۸) و نیز با قوم ثمود که در آن درّه صخره ها را می بریدند (۹) و با فرعونِ صاحب میخها (۱۰) که در شهرها طغیان کردند (۱۱) و فساد را در آن

شهرها گستردند (۱۲) و پروردگارت تازیانه عذاب را بر آنها فرود آورد (۱۳)
و البته پروردگارت در کمینگاه چنین ظالمانی است (۱۴)

اکثر انسانها چنین اند که اگر پروردگار امتحانشان کند و نعمتشان را زیاد کند می گویند پروردگار گرامیمان داشته (۱۵) اما اگر بیازمایدشان و روزی شان را به اندازه دهد گویند پروردگار خوارمان کرده (۱۶)

نه! چنین مپندارید، زیرا نه مالداری به معنیِ عزت نزد خدا و نه عکسش به معنیِ وهن نزد اوست،

بلکه شما یتیم را گرامی نمیدارید (۱۷) و یکدیگر را بر غذا دادن فقیران تشویق نمی کنید (۱۸) و میراث را به حق و ناحق یکسره می خورید (۱۹) و مال را خیلی دوست میدارید

و با این رفتار چگونه عزیزانه به حضور خداوند در خواهید آمد؟ (۲۰)

در روزی که زمین به سختی کوبیده شود (۲۱) و امر پروردگارت و ملائکه صف در صف بیایند (۲۲) و در آن روز جهنم را هم بیاورند، که آن روز روزی است که انسان متوجه خطایش میشود، اما آن موقع چه وقت فهمیدن است؟ (۲۳) انسان در آن روز با خویش میگوید ای کاش برای زندگی خویش چیزی از پیش فرستاده بودم (۲۴) در آن روز کسی را به عذابی مانند عذاب چنین کسانی معذب نمی کنند (۲۵) و کسی را مانند بستن آنان نمی بندند (۲۶)

اما به آنهائی که بطور صحیح زندگی کرده بودند خطاب میشود: هان! ای آرام جانِ آرامش یافته (۲۷) بسوی پروردگارت باز گرد که راضی و پسندیده ای (۲۸) و به جمعِ بندگانم درآی (۲۹) و به بهشتم وارد شو (۳۰)

سوره نجم

بسم الله الرحمن الرحیم

قسم به ستاره هنگامیکه فرود آید (۱)
که این پیامبر که همنشین شماست نه گمراه شده و نه براه باطل رفته (۲) و از روی خواهش نفس نیز سخن نمیگوید (۳) و نیز آن پدیده ای که او را چنین متحول نموده چیزی جز وحیی که به او میشود نیست (۴)

آن وحی را صاحب نیروهایی پر شدت به او منتقل میکند (۵) هموکه صاحب عقل کامل است و بر جایگاه رفیع خویش استوار است (۶) او در هنگام وحی بر بالاترین افق بود (۷) سپس نزدیک شد و نزدیک تر شد (۸) تا اینکه به اندازه دو کمان و بلکه نزدیکتر رسید (۹) آنگاه به او که بنده و پیامبرِ خدا است، وحی کرد آنچه را که وحی کرد (۱۰)

دل این پیامبر آنچه را که دید دروغ نپنداشت (۱۱)

ای مردم! آیا بر آنچه این پیامبر همواره می بیند با او مجادله می کنید؟ (۱۲)

و البته یکبار دیگر نیز فرود آمدنِ فرشتهء وحی را به وجهی خاص دیده (۱۳) کنار همین درختزارِ انتهائیِ پر از درختان سِدر (۱۴) که جایگاه اطراق کاروانیان است (۱۵)

هنگامی که آن درختان سدر را پوشانده بود آنچه که پوشانده بود، وحی را دریافت کرد (۱۶) در آن حالت چشمش به کجی نرفت و مانند سراب نیز نبود که بیش از واقعیت ببیند (۱۷) براستی که بعضی از نشانه های بزرگ پروردگارش را دید (۱۸)

ای مردمِ مشرکِ معاصر نزول قرآن! آیا شما لات و عزّی (۱۹) و آن سومی، منات را، که به الوهیت گرفته اید، را دیده اید؟ (۲۰)
آیا به نظر شما پسر که مطلوب تان است برای شما باشد، و دختر که از نظر شما نامطلوب است برای خدا باشد؟ و تازه الوهیت هم بکند؟ (۲۱) در اینصورت، تقسیم تان ناعادلانه است (۲۲)

آن نامهایی که شما و پدران تان روی بُت ها، گذاشته اید، خداوند هیچ دلیلی برای آن نفرستاده است.

و ای پیامبر! علیرغم اینکه آن هدایت که از جانب پروردگارشان بسویشان آمده است، اینان غیر از گمان و نیز آنچه را که دلشان را خوش می آید از چیزی پیروی نمی کنند، (۲۳)

آیا مگر انسان هر چه بخواهد باید همان شود؟ (۲۴) در حالیکه این خداوند است که مالک آخرت و دنیاست (۲۵) و چه بسا فرشتگانی که در آسمانها هستند، شفاعت آنها سودی نمیرساند، مگر پس از آنکه خداوند برای کسی که بخواهد و بپسندد، اجازه شفاعت دهد (۲۶)

آنانکه به آخرت ایمان ندارند ملائکه را به نامهای زنانه مینامند (۲۷) و علمی به این موضوع ندارند، و جز گمان را پیروی نمی کنند، و گمان هم بجای حق فایده ای نمیرساند (۲۸)

ای پیامبر! پس، از کسانی که از یاد ما روی برمیگردانند و جز زندگی دنیا را نمیخواهند روی بگردان (۲۹) علم و فهمشان همینقدر است. البته پروردگارت بهتر میداند چه کسی از راه او منحرف شده و همو بهتر میداند چه کسی هدایت یافته است (۳۰)

و آنچه در آسمانها و زمین هست مال خداست تا عمل آنان را که بد می کنند جزا دهد و به آنانکه عمل نیکو انجام میدهند پاداش نیکو دهد (۳۱)
همان کسانی که از گناهان بزرگِ آبروریز دوری میکنند - مگر گناهانی کوچک – که البته وسعت مغفرت پروردگارت زیاد است.

البته همو به وضعیت شما داناتر است، از همان وقتی که شما را از زمین بوجود آورد و هنگامی که جنین هائی در شکم های مادرانتان بودید وضعتان را میداند پس خود را نستائید زیرا او بهتر میداند چه کسی با تقواتر است (۳۲)

ای پیامبر! در باره کسی که به پیرویت در آمده و سپس رویگردان شده، چه می اندیشی؟ (۳۳)
همو که انفاق مختصری نموده و سپس دست کشید؟ (۳۴) آیا علم غیب نزدش است و حقایق را می بیند؟ (۳۵) یا اینکه از مفاد صحیفه های موسی آگاه نشده؟ (۳۶) و همچنین از صحیفه ابراهیم خبر نیافته، همان ابراهیم که وظایفش را بطور کامل ادا کرد؟ (۳۷)

مثلا از این حقیقت ناآگاه است که کسی بار گناه دیگری را برنمی دارد؟ (۳۸) و اینکه هیچکس در آخرت، جز سعیی که کرده چیزی نخواهد داشت؟ (۳۹) و اینکه نتیجه کوشش او بزودی به او نشان داده میشود (۴۰) و آنگاه به کاملترین وجه پاداش داده میشود (۴۱) و اینکه سرانجام همگان بسوی پروردگار است (۴۲) و اینکه خداوند است که میخنداند و میگریاند (۴۳) و اینکه اوست که میمیراند و زنده میکند (۴۴) و اینکه اوست که جفت های نر و ماده را آفریده (۴۵) از مایعی که ریخته میشود (۴۶) و اینکه پدید آوردنِ زندگی بعدی برعهده اوست (۴۷) و اینکه هموست که بی نیاز میکند و سرمایه میدهد (۴۸) و اینکه همو پروردگار ستاره شِعرا است (۴۹) و اینکه اوست که قوم عادِ نخستین راهلاک کرد (۵۰) و ثمود را هم وانگذاشت (۵۱) و قوم نوح را نیز قبلا همچنین، که آنها ظالم تر و طغیانگرتر بودند (۵۲) و همو قریه هائی را که زیر و

رو شدند سرنگون کرد (۵۳) و آنها را فرو پوشاند به آنچه فرو پوشاند (۵۴)

ای پیامبر! جادارد از اینان پرسش شود: پس، در کدامیک از نعمتهای پروردگارتان بگومگو دارید؟ (۵۵)

ای مردم! این پیامبر هم هشدار دهنده ای از نوع هشدار دهندگان قبلی است (۵۶)

بدانید که نزدیک شده است آن نزدیک شونده (۵۷) که غیر از خداوند ظاهر کننده دیگری ندارد (۵۸) آیا از این سخن تعجب می کنید؟ (۵۹) و می‌خندید و نمی گریید؟ (۶۰) و همچنان دنبال سرگرمی های بیفایده هستید؟ (۶۱)

نه! چنین بیخیال مباشید و برای خداوند سجده کنید و عبادت نمائید (۶۲)

سوره عبس

بسم الله الرحمن الرحیم

چهره در هم کشید و رو برگرداند (۱) که چرا آن نابینا نزد وی آمده (۲) و چه میدانی شاید میخواهد رشد معنوی کند (۳) یا پندی گیرد و آن پند سودش دهد (۴)

اما کسی که بی نیازی نشان داد (۵) و تو به او پرداختی (۶) اگر هم پاک نشود جریمه ای بر تو نیست (۷)

و اما آنکس که شتابان بسوی تو می آید (۸) و همو برای خداوند حرمت قائل است (۹) و تو از او به دیگری میپردازی!! (۱۰)

نه! البته قرآن حامل تذکرها و پندهای مهمی است (۱۱) پس هر کس که خواهد پند

گیرد (۱۲) همان قرآنی که در صحیفه هائی ارجمند است (۱۳) صحیفه هائی بلند مرتبه و پاک (۱۴) که به دست سفیرانی (۱۵) گرامی و بزرگوار به تو، ای پیامبر! میرسد (۱۶)

کشته شود انسان! که چقدر ناسپاس است! (۱۷) خداوند از چه چیزی آفریدش؟ (۱۸) از نطفه ای آفریدش، و سر و سامانش داد (۱۹) سپس راهش را هموار نمود (۲۰) آنگاه او را می میرانَد و داخل قبرش میکند (۲۱) سپس وقتی که وقتش شد، زنده اش خواهد نمود (۲۲) نه! باوجود همه اینها، اکثر انسان ها چنین نیستند که آنچه را که خداوند امر کرده انجام دهند (۲۳)

انسان باید به غذای خویش به عبرت بنگرد (۲۴) که پروردگارش آب را به چنان ریختنی ریخت (۲۵) سپس زمین را به چنان شکافتنی شکافت (۲۶) و در آن دانه ای رویاند (۲۷) و انگوری و سبزیی (۲۸) و زیتونی و نخلی (۲۹) و باغهای انبوهی (۳۰) و میوه ای و چراگاهی (۳۱) که برخورداریی برای شما و چهارپایانتان باشد (۳۲)

پس در آن هنگام که آن صدای گوشخراش بیاید (۳۳) در پیِ آن، روزی خواهد بود که آدمی از برادرش فرار کند (۳۴) و از مادرش و پدرش (۳۵) و از همسرش و فرزندانش (۳۶) برای هر کسی درآن روز آنقدر هست که او را بس است و مانع میشود به چیز دیگر توجه کند (۳۷) در آن روز چهره هائی تابانند (۳۸) خندان و بشارت یافته (۳۹) و چهره هائی هم در آن روز غبار آلودند (۴۰) که سیاهی و تاریکی آنها را فرا گرفته (۴۱) آنها همان کافران وگناهکارانند (۴۲)

سوره کافرون

بسم الله الرحمن الرحیم

ای پیامبر! بگو:

هان ای کافران ! (۱) عبادت نمی کنم آنچه را عبادت می کنید (۲) و شما نیز عبادت کننده آنچه من عبادت می کنم نیستید (۳) و من هم عبادت کننده آنچه شما عبادت می کنید نیستم (۴) و شما نیز عبادت کننده آنچه من عبادت می کنم نیستید (۵) دین شما برای خودتان باشد و دین من نیز برای خودم (۶)

سوره اعلی

بسم الله الرحمن الرحیم
ای پیامبر! منزه دار نام پروردگارت را که همو والاترین است (۱)
همو که همه چیز و همه کس را آفرید و بپرداخت (۲) و همه چیز را تقدیر کرد و و درجهت تحقق تقدیرش هدایت نمود (۳)

و از جمله چراگاه ها را رویاند (۴) سپس بصورت خاشاکی سیاه در آورد (۵)

ای پیامبر! نگران آینده مباش که بزودی قرآن را بر تو میخوانیم و فراموش نخواهی کرد (۶) مگر آنچه را که خدا بخواهد که او به آشکار و نهان داناست (۷)

و بزودی آسانی را برای تو میسر می کنیم (۸) پس تذکر بده، اگرتذکرت فایده داشته باشد (۹)

بزودی آنکه پروا دارد پند خواهد پذیرفت (۱۰)

و بدترین ها از آن دوری خواهند کرد (۱۱) همانها که به آن آتش بزرگ در خواهند افتاد (۱۲) سپس در آن نه میمیرند و نه زندگی مطلوبی خواهند کرد (۱۳)

البته کسی که راه رشد را در پیش گرفت رستگار خواهدشد (۱۴)
همو که اسم پرورگارش را یاد کرد و نماز گذاشت (۱۵)

اما اکثرِ شما زندگی دنیا را انتخاب می کنید (۱۶) در حالیکه آخرت بهتر و پایدارتر است (۱۷)

این مطالب در صحیفه های پیامبران پیشین نیز هست (۱۸) از جمله در صحیفه های ابراهیم و موسی (۱۹)

سوره مزّمّل

بسم الله الرحمن الرحیم
ای پیامبر! که در اثر سنگینیِ وحی که هنوز به آن عادت نکرده ای، جامه به خویش پیچیده ای! (۱) شب را - جز اندکی از آن را - به عبادت بپاخیز (۲) نصف آن یا کمی کمتر از نصف را (۳) یا کمی بیشتر از آن را، و قرآن را شمرده و شیوا بخوان (۴)

بزودی قولی سنگین رسالت را برتو القا خواهیم کرد (۵)

البته اثر عبادت شب ثابت تر و از لحاظ درک سخن استوار تراست (۶)
و البته در روز کارهای زیادی خواهی داشت (۷) و نام پروردگارت را یاد کن و از همه ببُر و به او بپیوند (۸)

همان پروردگار مشرق و مغرب که خدائی جز او نیست، و او را کارساز خویش بنما (۹)
و بر آنچه مخالفانت میگویند صبر کن و بخوبی از آنان کناره گیر (۱۰) و مرا با تکذیبگرانِ صاحب نعمت واگذار و اندکی به آنان مهلت ده (۱۱)
زیرا که نزد ما جریمه هایی و جهنمی (۱۲) و غذاهائی گلوگیر و عذاب هائی سخت

هست (۱۳)

و در روزی که زمین و کوهها بلرزند و کوهها چون تپه ای از ماسه گردند به رفتارهایشان رسیدگی خواهد شد (۱۴)

ای مردم! رسولی بسوی شما فرستادیم که بر شما گواه باشد، همانطور که بسوی فرعون رسولی فرستاده بودیم (۱۵) اما فرعون نافرمانی آن رسول کرد و او را به گرفتنی سخت بگرفتیم (۱۶) پس اگر کفر بورزید چگونه خود را از روزی حفظ خواهید کرد که کودکان را پیر میکند؟ (۱۷) آسمان از آن پاره میشود که وعده ای تحقق یافتنی است (۱۸)

البته این پندی است. پس هر که خواهد، بسوی پروردگارش راهی بجوید (۱۹)

ای پیامبر! پروردگارت حتما میداند که نزدیک به دو ثلث شب، و گاهی نصف آن، و گاهی ثلث آن، را به پا میخیزی و همچنین عده ای از کسانی که با تو هستند نیز چنین میکنند.
خداوند است که شب و روز را تقدیرمیکند و میداندکه هرگز نخواهید توانست آنرا تماما به عبادت فراگیرید، لذا از شما گذشت میکند،
پس هرچه توانستید قرآن بخوانید،
خداوند میداند که بزودی عده ای از شما مریض خواهند شد و عده ای برای جستجوی فضل خدا به سفر خواهند رفت، و عده ای در راه خدا به جنگ مشغول خواهند شد، و نمیتوانند به این عبادات طولانی ادامه دهند،
پس هر چه توانستید از قرآن بخوانید و نماز بپا دارید و زکوۀ داده و به خداوند قرض الحسنه دهید،
و البته هر مالی که برای خویش پیشاپیش بفرستید، آنرا نزد خدا خواهید یافت که برایتان بهتر و پاداشش بزرگتر است،

و از خداوند آمرزش بخواهید که خداوند آمرزشگر مهربان است (۲۰)

مرحله سوم

مطرح نمودن پررنگ آخرت
و
جذب نفوس مستعد

سوره انفطار

﴿ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

بسم الله الرحمن الرحيم

روزی خواهد آمد که چیزی را که آسمان مینامید و به نظرتان یکپارچه می آید پاره خواهد شد (۱) و چیزهایی را که می بینید و آنها را ستاره مینامید، چنین به نظرتان خواهد آمد که آنها دارند فرو میریزند (۲) و چنین به نظرتان خواهد آمد که دریاها دارند می پیوندند (۳) و زمین چنان دگرگونیی خواهد داشت که همه چیز و از جمله قبرها که همواره مورد احترام و رعایت همگان بوده دچار دگرگونی خواهد شد (۴) در آن روز برای هرکس حقیقتِ اعمالی که کرده، و یا در اثر مواریثی که گذاشته و دیگران انجام داده اند، روشن خواهد شد.

ای انسانها! در مقابل این پرودگار بخشنده ای که دائما و لحظه به لحظه دارد نعمت بر وجودتان نثار میکند، چرا خودتان را عمدا و آگاهانه فریب میدهید (۶)
این خداوند شمارا از نبود به وجود آورده و سپس رشدتان داده، تا اینکه شما را به بهترین حالتی که استعدادش را دارید رسانده (۷) و در این مراحلِ آفرینش در هر حالتی که مناسبتر بوده صورتبندی تان کرده، که اینک به اینجا رسیده اید (۸)
اما شما بجای رفتار مناسب فرستاده اش را و نیز پیام اصلیِ آن فرستاده را که وقوع قیامت باشد تکذیب میکنید (۹)

البته فکر نکنید که این تکذیب هایتان فایده ای برایتان دارد، زیرا نگهبانانی رفتارتان را زیر نظر دارند (۱۰) و ثبت میکنند و به ثبت آنها اهمیت داده میشود (۱۱) و گول شما را نمیخورند و به حقیقتِ رفتارهایتان آگاه میباشند.

اشخاص با ایمانی که نیکوکار هم باشند در آن روز غرق نعمت ها و چیزهای خواستنی خواهند بود (۱۳) و اشخاصی که خیلی بدکاری میکنند در شرایط مخالف و متضادِ نیکوکارانِ مومن خواهند بود (۱۴)
که در آن شرایط نامطلوب سقوط میکنند (۱۵) و در همان شرایط می مانند (۱۶)

و تو ای پیامبر! از کجا ممکن است بدانی که آن روز چیست (۱۷) و واقعا هم اینک که در این دنیا هستی نخواهی دانست که آن روز چیست (۱۸)

در آن روز هیچکس اختیار و قدرتی ندارد که بتواند به نفع هیچکس دیگر کوچکترین کاری کند،

و در آن روز تنها و تنها امر خداوند پیش میرود (۱۹)

سوره تکویر

بسم الله الرحمن الرحیم

روزی که چنان اوضاع دنیا دچار اختلال گردد که به نظر رسد خورشید در هم پیچیده و بی نور شده (۱) و وقتی که ستارگان کدر شوند (۲) و وقتی که کوهها خُرد و جابجا شوند (۳) و وقتی که شتران حامله که جنین ده ماهه دارند، با آنهمه اهمیتی که دارند، بدون اینکه دیگر به آنها اهمیتی داده شود به حال خود رها شوند (۴) و هنگامی که حیوانات وحشی، هم از انسانها و هم از موجودات دیگر، فرار نکنند (۵) و هنگامی که دریاها بر افروخته شوند (۶) و هنگامی که همه موجودات جاندار گرد آیند،

آن روز، روز قیامتی است که همه پیامبران هشدار وقوعش را داده اند (۷)

و در آن روز در باره دختران زنده به گور و همه استعدادهایی که به ظلم از بالندگیی که حقشان بوده ممنوع شده اند سئوال شود (۸) که به چه گناهی چنین رفتاری در باره آنها شده (۹)

و وقتیکه کارنامه اعمال هرکس صادر شود (۱۰)

و وقتیکه آسمان برکنده شود (۱۱) و وقتیکه جهنم شعله ور گردد (۱۲) و وقتیکه بهشت نزدیک گردد (۱۳)

هر کس میداند اعم از اعمال نیک و بد چه با خویش آورده است (۱۴)

قسم به آن پنهان شونده هایی (۱۵) که مانند شب و روز و ستاره ها و سیارات و فکرانسان، جریان دارِ بازگشت کننده اند (۱۶) و قسم به شب وقتیکه شتابان میگذرد (۱۷) تا صبح که نَفَس می کشد از راه برسد (۱۸)

که البته این قرآن قولِ جبرئیل است که فرستاده ای گرامی است (۱۹) و صاحب قدرتی بزرگ است که نزد خداوندِ صاحبِ عرش مقامی والا دارد (۲۰) و در آن عالَم بالا از او اطاعت میشود و او امین است (۲۱) و این پیامبر که رفیق شماست دیوانه نیست (۲۲) و جبرئیل امین را در آن افق آشکار دیده است (۲۳)

و این قرآن راجع به مطلع کردن شما از حقایق غیبی با توجه به ظرفیت و استعداد شما بخیل نیست (۲۴) و این قرآن چنان مقام والائی دارد که نمیتواند جز از گفته های هیچکسی غیر از خداوند که به جبرئیل تعلیم داده، باشد، چه رسد به اینکه به گفته دشمنان این پیامبر از سخنان شیطانِ رانده شدهء مطرود باشد (۲۵)

پس، حالا که این مطالب را فهمیده اید چه خواهید کرد؟ (۲۶) این قرآن جز پندی برای همه انسانها نیست (۲۷) برای هر یک از شما که بخواهد مستقیم شود (۲۸)

و البته بدانید که معلوم نیست بعدا در چه موقعیتی خواهید بود و دست-دست و امروز-فردا نکنید که نمیدانید فرداتان چه خواهد بود و برای همسوشدن عجله کنید (۲۹)

سوره حاقه

بسم الله الرحمن الرحیم

آن اتفاقی که حتما و بطور ناگهانی تحقق خواهد یافت (۱)

چیست آن اتفاقی که حتما و بطور ناگهانی تحقق خواهد یافت (۲)

و ای پیامبر! تو نیز از کجا خواهی دانست که چیست آن اتفاقی که حتما و بطور ناگهانی تحقق خواهد یافت (۳)

آن، همان چیزی است که بی اعتنایی به آن سبب شد قوم عاد و ثمود تکذیبش کنند (۴)

نتیجه تکذیبشان این شد که قوم ثمود نوعی از زندگی را در پیش گیرند که نهایتش هلاکت دستجمعی به وسیله آن نیرویی شد که آنان آن را طغیانگر نامیدند (۵)

و قوم عاد نیز با تند باد مهیبی ناسازگار (۶) که هفت شب و هشت روز بر آنان میوزید هلاک شدند، طوری که اجساد آنان مانند کُنده بی مصرف نخل در اینجا و آنجا پراکنده شده بود (۷)

و همگی شان هلاک شدند و هیچکس از آنان باقی نماند (۸)

و قوم فرعون و برخی دیگر از پیشینیان،

و نیز اهالی آن شهرهای واژگون شده، یعنی قوم لوط هم که مرتکب چنان خلافی شده بودند، به همین عاقبت دچار شدند (۹)

که از گرایش به فرستاده پروردگارشان سرپیچیده بودند که آنها را بطوری مهیب مواخذه کرد (۱۰)

همچنین بود وضع قوم نوح که او را تکذیب کرده بودند که تکذیبگران را غرق نمودیم

و گروندگان را با آن کشتی نجات دادیم که پدران شما نیز جزء آن نجات یافتگان بودند (۱۱) و داستان قوم نوح و نجات یافتگان را وسیله عبرتی قرار دادیم که اذهان

مستعد با شنیدن داستان آنها پند گیرند (۱۲)

و روزی که آن صیحه گوشخراش ناگهان بر آید (۱۳) و زمین و کوه ها جابجا و کوبیده و متلاشی شوند (۱۴) آن هنگام است که وقوع قیامت انفاق می افتد (۱۵)
و پس از آن آسمان از هم می شکافد و سست می‌شود (۱۶) و ملائکه بر کناره های عرش پروردگار به فرمانبری مشغول هستند که خود آن عرش بر هشت مؤلفه علم و قدرت و عدالت و رحمت و . . . . برپا خواهد بود (۱۷)

در آن روز همه مردم در چنین شرایطی به دستگاه ارزیابی عرضه میشوند وحتی هیچ چیز جزئیِ هیچکس نیز مخفی نمی‌مانَد (۱۸)

کسانی که در روز قیامت کارنامه شان را در دست راستشان دریافت کنند چنان ذوق زده میشوند که نمیتوانند خوشحالیشان را پنهان کنند و میخواهند با دیگران تقسیم کنند و هر یک از آنها میگویند آهای ای مردم شما هم کارنامه ام را ببینید (۱۹) من فهمیده بودم که این پیغمبر راست میگوید و چنین روزی خواهد آمد و ارزیابی خواهیم شد (۲۰)
آنها در روز قیامت زندگیی مورد رضایت خواهند داشت (۲۱)
محترمانه در باغهایی والامرتبه (۲۲) که چیدنی هایش در دسترس است (۲۳) و به آنان خطاب میشود فعلا تا به جایگاه های دائمی تان بروید به گوارائی و دل خوش از میوه های این باغهای عالی بخورید و از چشمه سارهایش بیاشامید زیرا که در آن روزهای خالی از نعمتِ زندگی دنیائی تان رفتار و عقیده خوب داشته اید (۲۴)

ولی کسانی که کارنامه شان را با دست چپ دریافت میکنند چنان دچار حسرت و اندوه میشوند که میگویند کاش کارنامه ام را بمن نمیدادند (۲۵) و نمیدانستم حسابم چیست (۲۶) ای کاش این وضعیت گذرا بود (۲۷) ثروتی که در دنیا فراهم کرده بودم در اینجا فایده ای به حالم ندارد (۲۸) از آن اقتداری که در دنیا داشتم در اینجا اثری

نیست (۲۹)
و هنگامیکه آنها با خویش مشغول این اندیشه ها هستند اعلامی ابلاغ میشود که اینها را بگیرید و به یوغ بکشید (۳۰) و سپس به جهنم بیفکنید (۳۱) و به زنجیرهای طولانی ببندیدشان (۳۲) که آنها از لحاظ فکری بدعقیده بودند و به خدای بزرگ ایمان نداشتند (۳۳) و از لحاظ رفتاری بدرفتار بودند و به رنج و ناراحتی فقیران اهمیتی نمیداند (۳۴)
و البته امروز در اینجا نیز به آنها اهمیتی داده نخواهد شد (۳۵) و غذاهای نامطلوبی خواهند داشت (۳۶) که غذای خاص خطاکاران است (۳۷)

ای مردم! قسم به آنچه که می بینید (۳۸) و آنچه که نمی بینید (۳۹) بدانید که البته این قرآن گفتار جبرئیل، فرستاده گرامی ما بسوی پیامبرتان است (۴۰)
و از نوع اقوال شاعران نیست، چقدر در ایمان آوری سستی میکنید (۴۱)
و از نوع اقوال کاهنان هم نیست، چقدر پند پذیری تان کم است (۴۲)
بلکه قرآن فرو فرستاده ای از جانب پروردگار جهانیان است (۴۳)

و در باره ناممکن بودنِ دخل و تصرف در محتوای وحی، این را بدانید که حتی این پیامبر نیز اگر در هر یک از عناصر محتوای وحی گفتاری را بما می چسباند، (۴۴) با شدّت او را به عذاب میگرفتیم (۴۵) سپس شاهرگش را قطع میکردیم (۴۶) و هیچکس از شما نمیتوانست حفظش کند (۴۷)

البته آن قرآن پندی برای متقیان است (۴۸)

البته ما میدانیم بعضی از شما تکذیبگر هستید (۴۹) و البته روزی خواهند فهمید که این تکذیب برایشان حسرتی به بار آورده است (۵۰)

و البته آن قرآن حق یقین است (۵۱)

پس ای پیامبر! نام پروردگار بزرگت را به پاکی بستای (۵۲)

سوره مرسلات

بسم الله الرحمن الرحیم

قسم به فرستادگانی که پیاپی و بی وقفه کار میکنند (۱) و قسم به همانها که پشت سر هم و بسیار سریع روانه میشوند (۲) و قسم به همانها که موضوع ماموریت شان پخش کردن مطلب خاصی است (۳) و قسم به همانها که بطور دقیق مرسوله هرکس را جدا میکنند (۴) و قسم به همانها که مرسوله هرکدام شان حاوی تذکر است (۵) و موضوع تذکرشان هشداری است یا اینکه برای بی توجهی به موضوع مرسوله عذرخواهیی است (۶) و موضوع مرسولهء همگیِ دریافت کنندگان، این است که قیامتی که به همگان وعده داده شده حتماً واقع میشود (۷)

قیامت هنگامی وقوع می یابد که ستارگان بی فروغ به نظر آیند (۸) و آسمان شکافته به نظر آید (۹) و کوه ها خُرد شوند (۱۰) و مهلتی که به مامورانِ الهی داده شده بود به اتمام برسد (۱۱) که آن مهلت برای استقرار قیامت به آنان داده شده بود (۱۲) که یکی از کارهای آن روز جدا سازی مومنان از غیرمومنان است و به علت اهمیت این مطلب نیز نام آن روز «روز جداسازی» گذاشته شده است (۱۳)

و تو ای پیامبر! آن روز چنان غیر قابل تصور است که انتظار تصورش از تو نیز نمیرود (۱۴) و در آن روز تکذیبگران وضع بسیار سختی خواهند داشت (۱۵)

آیا اقوام تکذیبگرِ سابق را هلاک نکردیم؟ (۱۶) و بعدی ها را جایگزین شان ننمودیم؟ (۱۷) البته با مجرمین چنین میکنیم (۱۸) وای در آن روز بر تکذیبگران (۱۹)

آیا شما را از مایعی که در نظرتان پست به نظر می آید نیافریدیم؟ (۲۰) و در جایگاهی مطمئن قرارش ندادیم؟ (۲۱) که تا هنگامی معین در آنجا باشد و رشد کند (۲۲) و این فرایند را سامان ندادیم؟ و ساماندهنده قابلی نیستیم؟ (۲۳) وای در آن روز بر تکذیبگران (۲۴)

آیا زمین را فراگیر نکردیم؟ (۲۵) چه برای زنده ها و چه مرده ها؟ (۲۶) و در آن لنگرگاههایی رفیع قرار ندادیم؟ و آبی گوارا به شما ننوشاندیم؟ (۲۷) وای در آن روز بر تکذیبگران (۲۸)

ای تکذیبگران بسوی روزی که برایتان پیش خواهد آمد بروید (۲۹) که در آن چیزهایی سایه-مانند خواهید دید که مانند درختان شاخه هایی دارند (۳۰) که نه سایه گستراست و نه از لهیب آتش باز میدارد (۳۱) و شراره هائی بزرگ پرتاب میکند (۳۲) چنان پرتاب های بزرگی که گویی شتر است (۳۳) وای در آن روز بر تکذیبگران (۳۴)

این روزی است که تکذیبگران سخنی نمیگویند (۳۵) و عذرخواهیی هم نمیتوانند کنند (۳۶) وای در آن روز بر تکذیبگران (۳۷)

این روزِ جدا کردنِ مومن و تکذیبگران حق است که همه شما و پیشینیان تان را جمع خواهیم کرد (۳۸) پس اگر میتوانید نیرنگی کنید، آن را بکار بندید (۳۹) وای در آن روز بر تکذیبگران (۴۰)

البته تقوا داران در سایه ها و چشمه هائی هستند (۴۱) و میوه هائی که میلش را دارند (۴۲) به آنان خطاب می شود بخورید و بیاشامید. گوارایتان باد به سبب آنچه انجام داده اید (۴۳) که احسانگران را چنین پاداش میدهیم (۴۴) وای در آن روز بر تکذیبگران (۴۵)

گوئی دائما در طول زندگی شان دارد به آنان خطاب میشود که از این جهان که در مقابل آخرت جز چیز حقیر و اندکی نیست بخورید و از نعمت هایش که در مقابل آخرت جز چیز ناچیزی نیست استفاده کنید که از نعمت های آخرت نصیبی نخواهید داشت زیرا که مجرمید (۴۶) وای در آن روز بر تکذیبگران (۴۷)

و هنگامی که به آنها گفته میشود در مقابل آیات الهی و تعالیم پیامبرانش احترام و خضوع کنید چنان نمیکنند (۴۸) وای در آن روز بر تکذیبگران (۴۹)

پس آنها به چه چیزی پس از این آیات می گروند؟ (۵۰)

سوره قلم

بسم الله الرحمن الرحیم

نون. قسم به قلم و آنچه می نویسند (۱)

ای پیامبر تو به نعمت پروردگارت دیوانه نیستی (۲) و پاداشی بی منت خواهی داشت (۳) و شخصیتی عظیم داری (۴) و به زودی همگان خواهند فهمید (۵) که مخالفانت مفتون میباشند (۶) البته پروردگارت داناتر است که چه کسی از راه او بیرون شده و همو به حال هدایت یافتگان آگاه تر است (۷)

پس اطاعت تکذیبگران مکن (۸) که دوست دارند چرب زبانی کنی تا آنان نیز چرب زبانیی کنند که دیگران از اینطور چرب زبانی ها چنین تلقی کنند که پیامبر تاییدی از آنها میکند (۹) و اطاعت هیچ قَسَم خورِ فرومایه ای را نیز مکن (۱۰) که بسیار عیب جو و طعنه زن اند و همواره برای اختلاف افکنی بین مردم روانند (۱۱) و نیز بازدارنده از خیر و تجاوزگر و گناهکارند (۱۲) و علاوه بر همه اینها، بد دهن و خشن و نامحترم

نیز میباشند (۱۳) و علت این سوء رفتارشان مال و فرزندانی است که دارند وفکر میکنند که مال و فرزندان ارزش است و به همین جهت خود را از دیگران برتر میشمارند (۱۴) و هنگامی که آیات ما بر آنها خوانده میشود میگویند اینها افسانه های گذشتگان است (۱۵)

بزودی آنها را به موقعیت خفت و خواری میرسانیم (۱۶) مانند چنین کسانی را خواهیم آزمود، همانطور که صاحبان آن باغ را آزمودیم،

آن هنگام که قسم خورده بودند که صبحگاهان حتماً میوه ها را بچینند (۱۷) و هیچ استثناء نکنند (۱۸) اما در حالیکه خواب بودند گردنده ای از جانب پروردگارت آنرا در نوردید (۱۹) و مانند باغی که میوه هایش چیده شده باشد، گردید (۲۰) صبحگاهان یکدیگر را صدا میزدند (۲۱) که اگر میوه چین هستید برای کار برخیزید (۲۲) و میرفتند و با هم زمزمه میکردند (۲۳) که مبادا امروز فقیری سروقت تان بیاید (۲۴) و سحرگاهان به این قصد که با شدت فقیران را برانند بیرون شدند (۲۵) اما هنگامی که آن باغ را دیدند چنان تغییر کرده بود که در ابتدا آن را نشناختند و گفتند حتماً راه گم کرده ایم (۲۶) یا اینکه بد شانسی آورده و محروم گشته ایم (۲۷) از میان آنها کسی که نسبت به آنان بهتر بود گفت آیا به شما نمی گفتم چرا اهل عبادت خداوند نیستید و او را تسبیح نمیگویید؟ (۲۸) گفتند منزه است پروردگارمان، حالا فهمیدیم که ظالم بوده ایم (۲۹) و بعضی از انها بعضی دیگر را به سرزنش گرفتند (۳۰) گفتند وای برما که ما طغیانگر بوده ایم (۳۱) شاید پروردگارمان بهترش را بما دهد زیرا که اینک بسوی پروردگادمان راغبیم (۳۲)

عذاب چنین است و عذاب آخرت بزرگتر است، اگر بدانند (۳۳)

البته متقیان نزد پروردگارشان بهشتهای پر نعمت دارند (۳۴)

آیا مسلمین را مانند مجرمین قرار میدهیم؟ (۳۵) ای مجرمان! چه تان شده؟ چگونه حکم میکنید؟ (۳۶)

آیا کتابی آسمانی دارید که این درس ها را در آن میخوانید؟ (۳۷) که در آن اینطور نوشته که هر چه شما بخواهید همان میشود؟ (۳۸) یا اینکه عهد و پیمانی بر عهده ما دارید که تا قیامت هم پا بر جا باشد که هر چه شما حکم کنید همان بشود؟ (۳۹) ای پیامبر! از آنان بپرس کدامشان ضامن این است؟ (۴۰)

یا اینکه در مقابل خداوند شریکانی دارید؟ در این صورت باید شرکاء خویش را نشان دهید اگر راستگوئید (۴۱)
ای پیامبر! روزی خواهد آمد که حقایق آشکار شود و اینها دعوت به سجود شوند و نتوانند (۴۲) چشمهاشان فرو افتاده خواهد بود در حالیکه ذلت آنها را فرا گرفته باشد، زیرا در این جهان آنها را به سجود فرا میخواندند و علیرغم اینکه سالم بودند اجابت نمینمودند (۴۳) پس ای پیامبر! ما را با آنانکه این سخن را تکذیب میکنند واگذار، که آنها را کم کم از جائیکه نمیدانند میگیریم (۴۴) و مهلتشان میدهیم که البته تدبیرمان محکم است (۴۵)

یا اینکه ای پیامبر! از آنها دستمزدی میطلبی و آنها از سنگینی غرامتش گرانبارند (۴۶)

یا اینکه علم غیب نزدشان است و آنها از روی آن چنین میگویند (۴۷)

پس ای پیامبر! به حکم پروردگارت صبر کن و مانند یونس نبی که همراه آن ماهی بود نباش، همو که هنگامی که در شکم آن ماهی بود دلگیرانه پروردگارش را به ندا خواند (۴۸) و اگرنعمتی ازجانب پروردگارش جبرانش نکرده بود حتماً به بیابان انداخته میشد و سرزنش شده میگردید (۴۹) اما پروردگارش برگزیدش و از صالحان قرارش

داد (۵۰)

و نزدیک است کافران هنگامیکه این قرآن را می شنوند به تو خیره شوند و زُل بزنند و نیز بگویند دیوانه شده ای (۵۱)

اما تو نگران نباش و توجه دائمی داشته باش که این قرآن که به تو داده شده مقامی والا دارد و حاوی پندهایی برای جهانیان است (۵۲)

سوره غاشیه

بسم الله الرحمن الرحیم

ای پیامبر! آیا از موضوع آن فراگیرنده، یعنی قیامت، خبر یافته ای؟ (۱)

که در آن روز عده ای خوارند، (۲) و مجبورند تلاشی سخت کنند و رنجی بزرگ کشند، (۳) و درون آتشی سوزان افتند، (۴) و از چشمه ای داغ نوشند، (۵) و خوراکیی بسیار نامطلوب خورند، (۶) که نه فربه و نه رفع گرسنگی میکند، (۷)

در مقابل، کسانی هم در آن روز از نعمتهای بزرگ برخوردارند، (۸) از تلاشی که در این دنیا کرده بودند راضی اند، (۹) و در باغهایی عالی جای دارند، (۱۰) که در آن سخن بیهوده نمی شنوند، (۱۱) و چشمه هایی در آن جاری است، (۱۲) و تختهایی رفیع، (۱۳) و جامهایی مرتب، (۱۴) و بالشهایی ردیف شده، (۱۵) و فرشهایی گسترده، در آن است.

(۱۶) چرا اکثر مردم در همین دنیا با نظر دقت و حکمت در آفریده های خداوند نمینگرند؟

مثلا در چگونگیِ آفرینشِ شتر، (۱۷) و چگونگی برافراشته شدن آسمان، (۱۸) و

چگونگی نصب شدن کوه ها، (۱۹) و چگونگیِ صاف شدن زمین؟ تا توجه در این موضوعات سبب شود ایمان بیاورند و در قیامت اوضاعشان مطلوب باشد؟ (۲۰)

ای پیامبر! تو فقط به مردم تذکر بده. زیرا فعلا مسئولیت تو فقط همین است (۲۱) و سلطه ای برآنان نداری (۲۲) البته در مورد کسانی که از تعالیمت روی برمیگردانند و به آن کفر میورزند حتی لازم نیست تذکر هم بدهی (۲۳) زیرا چنین کسانی دچار عذاب اخروی خواهند بود (۲۴) و توجه داشته باش که بازگشت شان به سوی ما است (۲۵) و مورد حسابکشی قرار خواهند گرفت (۲۶)

سوره نباء

بسم الله الرحمن الرحیم

ای پیامبر! این مردم راجع به چه چیز از یکدیگر میپرسند؟ (۱)
راجع به آن خبر بزرگ (۲) که درباره اش با هم اختلاف دارند (۳)

نه! آنطور که فکر میکنند نیست و بزودی اعتقاد پیدا خواهند کرد که قیامت وقوع خواهد یافت (۴)
بله! حتما بزودی معتقد خواهند شد که وقوع قیامت قطعی است (۵)

آیا زمین را زیرانداز قرار ندادیم (۶) و کوهها را میخ هایی؟ (۷) و شما را جفت نیآفریدیم؟ (۸) و خواب را مایه آرامش، (۹) و شب را مانند لباسی، (۱۰) و روز را مایه زندگی قرار ندادیم؟ (۱۱) و بر فرازتان هفت آسمان پرشدتِ استوار بنا نکردیم؟ (۱۲) و خورشید را چراغی پر نور و حرارت قرار ندادیم؟ (۱۳) و از میان ابرهای فشرده آبی پی در پی فرو نریختیم؟ (۱۴) تا بوسیله آن حبوبات و نباتات، (۱۵) و باغهای انبوه در آوریم؟ (۱۶)

البته روز قیامت وعده گاه همگی و هنگام جدا شدن خوب و بد است (۱۷)

روزی که در آن شیپور آسمانی دمیده شود، و شما مردم، گروه گروه در آن حاضر شوید، (۱۸) و درب های آسمان باز شود (۱۹) و کوه ها به حرکت بیفتند (۲۰)

البته جهنم کمینگاهی است (۲۱) که برای طغیانگران بازگشتگاه است (۲۲) که در آن قرن های طولانی توقف خواهند داشت (۲۳) و در آن نه خنکی و نه نوشابه ای نخواهند چشید (۲۴) غیر از آبی جوشان و چرکاب (۲۵) که این جزائی موافق رفتارشان است (۲۶) زیرا که آنها حسابرسی را باور نمی داشتند (۲۷) و آیات ما را دائماً تکذیب میکردند (۲۸) و البته ما همه چیز را در کتابهایی با دقت به حساب آورده ایم (۲۹) و در آن روز به آنان خطاب می شود: بچشید که بر شما جز عذابی نخواهیم افزود (۳۰)

و در مقابل، البته اهل تقوا نجات و پیروزیی بزرگ خواهند داشت (۳۱) بوستانهائی و تاک هایی (۳۲) و دخترکانی کمسال به خدمتشان خواهند بود (۳۳) در جایگاه هایی عالی بسیار مرفه خواهند بود، با جامهائی پر از نوشابه های مطلوب در اختیارشان (۳۴) و در آن نه بیهوده ای و نه دروغی نمی شنوند (۳۵) به آنان نیز خطاب می شود: این جزائی از جانب پروردگارتان است که از روی حساب به شما اعطا گردیده است (۳۶)

همان پروردگارآسمانها وزمین وآنچه بین آنهاست، که همان خدای رحمان است، و هیچکس از جانب او اجازه خطابی ندارد (۳۷) در روزی که ملائکه و روح به صف ایستاده باشند، و کسی مجاز نیست سخنی گوید، مگر کسی که خدای رحمان اجازه اش دهد و او هم فقط سخن درست خواهد گفت (۳۸)

آن روز، روز آشکارشدنِ حق است، پس چه کسی می خواهد بسوی پروردگارش بازگشتگاهی بجوید؟ (۳۹)

در آن روز به مجرمان خطاب شود ما شما را نسبت به عذابی نزدیک هشدار داده بودیم، و در چنین روزی است که هر کس اعمالش را می بیند و کافر میگوید ای کاش خاک بودم (۴۰)

سوره طور

بسم الله الرحمن الرحیم

قسم به کوه طور، (۱) و قسم به طومار های نوشته شده حفاظت شده، (۲) که در اوراقی قابل باز شدن و خواندن بوده و دارای حقایقی بسیار مهم میباشند (۳) و قسم به آن خانه های آباد، (۴) و قسم به آن سقف های بلند، (۵) و قسم به آن دریاهای سرشار، (۶) که ای پیامبر! و ای مومنان! عذاب پروردگار در مورد کسانی که استحقاقش را دارند حتما واقع میشود (۷) و هیچ چیز جلوگیرش نیست (۸)

هنگامی که چنین به نظرتان بیاید که آسمان به حرکت درآمده (۹) و کوهها راه افتاده اند (۱۰) در آن روز تکذیبگران وضع خیلی سختی خواهند داشت (۱۱) همان کسانی که به اصلِ چنین واقعه ای اهمیت نمیدهند بلکه بجای سعی در تحقیقِ درستی آن، به فرورفتن در بگو مگوی بیجا در باره آن مشغول میشوند (۱۲)

در آن روز آنان را با شدت بسوی جهنم پرت میکنند (۱۳) و به آنان خطاب می شود این است آن آتشی که تکذیبش میکردید (۱۴) آیا این جادوست یا شما بصیرت نداشتید؟ (۱۵) وارد آن شوید که اینک دیگر چه صبر کنید و چه صبر نکنید فرقی به حالتان نخواهد داشت و این فقط نتیجه رفتار خودتان است (۱۶)

البته تقوا پیشگان در بهشتها و نعمتها خواهند بود (۱۷) و از آنچه پروردگارشان داده لذت می برند و همو آنها را از آن عذاب سوزنده حفظشان خواهد نمود (۱۸) به آنان خطاب می شود بخورید و بنوشید که گوارایتان باد بسبب آنچه انجام داده اید (۱۹)

بر مبل های بهم پیوسته تکیه میزنند و آنان را با حوری ها تزویج خواهیم نمود (۲۰)

کسانی که ایمان آورده و فرزندانشان نیز در ایمان به آنان پیوسته اند، آن فرزندان را نیز در آن نعمتها به آنان ملحق می نمائیم و چیزی هم از پاداش خودشان کم نمیکنیم، زیرا که هر کس در گرو چیزی است که کسب کرده است (۲۱)

و از میوه جات و گوشت ها که دلشان میخواهد، پی در پی در اختیارشان میگذاریم (۲۲) و ظرف های نوشابه ای که نه حاوی لغو و نه گناه است و آنها خیلی به آن اشتیاق دارند (۲۳) و غلامانشان که گویی مانند جواهرِ دست نخورده هستند به خدمت دور و برشان میگردند (۲۴)

در این احوالِ خوش، بعضی از آنها به بعضی دیگر روی آورده و از یکدیگر پرسش می کنند (۲۵) و میگویند ما قبلاً در میان اهل خویش نگران عاقبت خویش بودیم (۲۶) اما خداوند بر ما منت گذاشت و از عذاب سوزنده حفظمان کرد (۲۷) ما پیشتر هم او را به دعا و ندا می خواندیم و او البته نیکوکار مهربان است (۲۸)

ای پیامبر ! فعالان کفر به علت اغراض باطلی که دارند بهانه جوئی میکنند، پس به آنها اهمیتی مده و به تذکر دادن خویش ادامه ده که تو به نعمت پروردگارت نه کاهن و نه مجنون هستی (۲۹)

یا اینکه درباره تو میگویند شاعری است که چشم براه مرگش هستیم (۳۰) بگو چشم

براه باشید که من نیز همراه شما از چشم براهان خواهم بود (۳۱)
شاید آرزوهایشان به چنین چیزهایی وادارشان میکند یا قومی طغیان پیشه می باشند(۳۲)

ممکن است بهانه بیاورند که تو این قرآن را به خداوند افتراء بسته ای، اگر چنین بگویند به این سبب است که ایمان ندارند (۳۳) پس باید سخنی مانند این قرآن بیاورند اگر راست میگویند (۳۴)

آیا اینها که چنین چیزها میگویند از چیزی غیر از جنس سایر مخلوقات خلق شده اند یا خودشان خالقند (۳۵) یا آسمانها و زمین را اینها خلق کرده اند؟ نه، بلکه علت این رفتارهایشان این است که یقین ندارند (۳۶)

یا انبارهای پروردگارت نزد آنهاست یا اینکه برخداوند نیز غالبند (۳۷)

یا نردبانی دارند که از آن بالا رفته و در آسمانها حقایق را استماع می کنند، در اینصورت باید شنوده خود را با دلیلی آشکار بیاورند (۳۸)
آیا دختران مال او و پسران مال شماست؟ (۳۹)

یا اینکه ای پیامبر! مزدی خواسته ای و از غرامتش سنگین بار شده اند (۴۰)

یا علم غیب نزد آنان است و آنها از روی آن مینویسند (۴۱)

یا قصد توطئه ای دارند که البته توطئه شان به خودشان بر خواهد گشت (۴۲)

یا معبودی غیر از خداوند دارند که البته خداوند منزه است از آنچه با او شریک میکنند (۴۳)

آنها چنین لجبازند که اگر قطعه فشرده ای از آسمان را هم که سقوط میکند ببینند باز هم میگویند ابر فشرده ای است (۴۴)

پس، ای پیامبر! آنها را به حال خودشان واگذار تا به آن روزی برسند که صاعقه زده خواهند شد (۴۵)
روزی که توطئه های آنها دردی دوا نخواهد کرد و یاوری هم نخواهند داشت (۴۶)
و البته ظالمان عذابی غیر از آن نیز خواهند داشت ولیکن اکثرشان نمیدانند (۴۷)

پس، ای پیامبر! به حکم پروردگارت صبر کن، که البته تو را در نظر داریم، و به هنگام بپا خاستن در نماز به ستایش پروردگارت تسبیح گوی (۴۸) قسمتی از شب را، و نیز هنگام رفتن ستارگان، (۴۹)

سوره واقعه

بسم الله الرحمن الرحیم
هنگامی که آن واقعه قیامت به وقوع پیوندد (۱)
که وقوعش دروغ نیست (۲)
و آن واقعه پایین آورندهء کسانی وبالابرنده کسانی دیگر است (۳)

هنگامی که زمین به شدت بلرزد (۴) و کوهها بسختی خُرد شوند (۵) و مانند غباری پراکنده گردند (۶)

و مردم پس از آن سه گروه خواهند بود (۷)
گروه خجسته گان که چه گروه خوبی هم می باشند (۸)
و گروه نا خجستگان که چه گروه نامطلوبی هم میباشند (۹)

و سبقت گیران پیشتاز (۱۰) که همان مقربانند (۱۱)

که آنان در بهشتهایی پر نعمت خواهند بود (۱۲)
که گروهی از امت های اولیه (۱۳) و تعداد کمی هم از بعدی ها جزء آنان میباشند (۱۴)

آنان بر مبل هائی گوهر نشان (۱۵) در مقابل یکدیگر تکیه زده‌اند (۱۶) و دور و بر آنها پسرانی که همواره بر همان حال خواهند ماند به خدمت میچرخند (۱۷) با فنجانها و پارچ ها و کاسه ای از نوشابه ای جاری (۱۸) که از آن نه سردرد و نه مستی میگیرند (۱۹) و میوه هایی که انتخاب میکنند (۲۰) و گوشت پرندگانی که دلخواهشان باشد (۲۱) و حوریانی درشت چشم (۲۲) که مانند مرواریدِ پوشیده هستند (۲۳) و همه این نعمت ها پاداشی است بسبب آنچه در دنیا انجام داده اند (۲۴) در آنجا نه بیهوده ای و نه گنـــاهی می‌شنوند (۲۵) مگر گفته ای که معنی صلح و صفا میدهد (۲۶)

و گروه خجستگان، که چه خوش عاقبت اند! (۲۷) در سایه سِدری بی خار (۲۸) و متمتع از میوه های مغذی فراوان از جمله موزِ روی هم چیده (۲۹) در خانه هایی که سایه گسترده دارد (۳۰) و آب فراوان در دسترسشان (۳۱) و انواع میوه های دلخواه به فراوانی در اختیارشان است (۳۲) که نه تمام میشود و نه ممنوع است (۳۳) و زنانی قابل احترام (۳۴) که در آفرینش آنها نهایت مطلوبیت ها منظور شده است (۳۵) و برای اولین بار با شوهران بهشتی خویش آشنا میشوند (۳۶) و شوهرشان را دوست میدارند و همسطحشان هستند (۳۷) آری این نعمتها و نعمتهای دیگر برای هریک از خجستگان خواهد بود (۳۸)
که عده ای از آنان از اقوام اولیه پیروان پیامبران (۳۹) و عده ای هم از اقوام بعدی میباشند (۴۰)

وگروه بد عاقبت ها، که چه گروه ناخجسته رقت انگیزی هم هستند (۴۱) در آتشبادی

و آبی جوشان (۴۲) و سایه ای از دود سیاه (۴۳) که نه خنک است و نه فایده ای دارد خواهند بود (۴۴)
آنها قبلا در زندگیِ دنیائیِ خویش خیلی مرفه و ناز پرورده بودند (۴۵) ولی رفاهشان بجای اینکه سرمایه رشدشان شود به علت بدرفتاری شان سبب شد عقاید غلط بیابند، و برآن گناه بزرگ اصرار نمایند (۴۶) و بگویند چه حرفها! آیا پس از اینکه مُردیم و خاک و استخوان شدیم برانگیخته میشویم؟ (۴۷) همچنین نیاکانمان؟ (۴۸) ای پیامبر! بگو فرق نمیکند چه پیشینیان و چه شماها (۴۹) حتماً همگی تان در وعده گاهِ روزی معلوم جمع خواهید شد (۵۰) و شما ای گمراهان تکذیب گر (۵۱) خوراک تان از درختی که دارای میوه های ناگوار و نامطبوع است خواهد بود (۵۲) و شکمهایتان را از آن پر خواهید کرد (۵۳) و سپس روی آن از آب جوشان خواهید نوشید (۵۴) چنان می نوشید که گویی شترِ تشنه باشید (۵۵) آری ای پیامبر! این پذیراییِ اولیهء شان است (۵۶)

ای مردم! این ما بودیم که شما را آفریدیم پس چرا عملا تصدیق نمیکنید؟ (۵۷)

آیا در باره چیزی که در رحم ها میریزید اندیشه ای کرده اید؟ (۵۸) آیا آن را شما می آفرینید یا ما خالق آن هستیم؟ (۵۹) ما مرگ را مقدر نمودیم و شما در چارچوب تقدیراتی که قرار داده ایم محصور میباشید و تصور نکنید از ما پیشی خواهید گرفت (۶۰) و نیز تصور نکنید نمیتوانیم همانندان شمارا جایگزینتان کنیم و شما را در قالب دیگری در بیاوریم (۶۱) و البته شما آفرینش قبلی انسانها را در مراحل جنینی دیده اید پس چرا پند نمیگیرید؟ (۶۲)

آیا درباره کشاورزیی که میکنید اندیشیده اید؟ (۶۳) آیا شما زارع واقعی آن هستید یا مائیم؟ (۶۴) اگر بخواهیم میتوانیم آنرا بوته خشکی کنیم و شما حسرت خورید (۶۵) که عجب ضرری کردیم (۶۶) و محروم شدیم (۶۷)

آیا آن آبی را که می آشامید دیده اید؟ (۶۸) آیا شما از ابر نازلش کرده اید یا ما نازلش می کنیم؟ (۶۹) اگر میخواستیم آنرا تلخابی قرار میدادیم، پس چرا شکر نمی‌کنید؟ (۷۰)

آیا در باره آتشی که می افروزید اندیشه کرده اید؟ (۷۱) آیا شما درختش را ایجاد کرده اید یا ما خالق آن بوده ایم؟ (۷۲) ما آن را مایه پند گیری و کمک به رونق زندگی های بی‌رونق قرار داده ایم (۷۳)

ای پیامبر! اینک که می بینی مردمت اینقدر غافلند، نام پروردگار بزرگت را به پاکی بستای (۷۴)

پس قسم نمیخورم به محل های ستارگان! (۷۵) واین اگر بدانید، قسمی بزرگ است! (۷۶) که این قرآن البته خواندنیی است گرامی (۷۷) که مطالبش در کتابی قرار داده شده و حقایقش فرو پوشیده شده است (۷۸) که جز پاک شدگان با آن حقایق امکان تماس ندارند (۷۹) و مجموعا فرو فرستاده ای است از جانب پروردگار جهانیان (۸۰)

آیا، پس، این سخنان را سرسری میگیرید؟ (۸۱) و بهره خود را این قرار داده اید که تکذیبش کنید؟ (۸۲) چه بد! پس وقتیکه که جان به گلوگاه تان میرسد (۸۳) و شما در آن هنگام نظاره میکنید (۸۴) و نمیدانید که ما به شما از جانتان نزدیکتریم (۸۵) پس اگر تحت قوانین خدائی نیستید (۸۶) آن مرگ را از خود دور کنید اگر راست میگویید (۸۷)

در آن اوضاع و احوال اگر محتضر از مقربان باشد (۸۸) راحتی و بوی خوش و بهشت پرنعمت خواهد داشت (۸۹) و اگر از خجستگان باشد (۹۰) به او گفته میشود سلام بر تو باد از سوی خجستگان (۹۱) و اما اگر جزء تکذیبگران گمراه باشد (۹۲) در اینصورت یک پیشکشیی از آب جوشان متعفن (۹۳) و افتادنی در آتش خواهد داشت (۹۴)

ای پیامبر! و ای پیروانش! البته این مطالب همان حقِ یقینی است (۹۵)
پس نام پروردگار عظیمتان را به پاکی بستایید (۹۶)

سوره رحمان

بسم الله الرحمن الرحیم

آن خداوندِ دارای رحمت عام برای همگان (۱) که قرآن را به سیستم وحی رسانی آموخت (۲) و انسان را آفرید (۳) و بیان را به او آموخت (۴) و گردش خورشید و ماه را از روی قاعده و قانون قرار داد (۵) و همه کس، چه بدانند و چه ندانند، و همه چیز و از جمله ستاره و درخت مطابق قانون و قواعد او زندگی میکنند (۶) و آسمان را برافراشت و وسیله سنجش و تعادل و شناخت عدالت را قرار داد (۷) که شما آن را بشناسید و از عدالت تجاوز نکنید (۸) و درستکار باشید و عدالت را برپا دارید و در معامله کم ندهید (۹) و زمین را برای همه آفریدگان قرار داد (۱۰) که در آن میوه ها ونخل های دارای خوشه های غلاف دار (۱۱) و دانه های برگ دار و گیاه خوش بو هست (۱۲) اینک شما ای دو صنف بزرگ از مخلوقاتش که انسان و جن باشید کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید؟ (۱۳)

انسان از چیزی که شبیه به لایه خشکیده ای چون سفال است (۱۴) و جن هم از چیزی که شبیه به شعله ای از آتش است آفریده شده اند (۱۵) پس شما دو نوعِ مهم از موجودات که انسان و جن باشید کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید؟ (۱۶)

نعمت وجود پروردگار، دو مشرق برای جن و انسان، و همچنین دو مغرب را پاس بدارید (۱۷) پس شما دو تا کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید؟ (۱۸)

همو که دو دریای بهم رسیده را بهم آمیخت (۱۹) بین آنها حالتی هست که به نظر می آید یک حالت بینابینی دارند که مانع میشود که به یکدیگر تجاوز کنند (۲۰) پس شما دو تا کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید؟ (۲۱) از هر دو آنها چیزهایی که برایتان ارزشمند است بیرون می آید (۲۲) پس شما دو تا کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید؟ (۲۳) و چیز های بزرگی که از بزرگی مانند کوه ها هستند، و در دریاها روانند، از آن اوست (۲۴) پس شما دو تا کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب می کنید؟ (۲۵)

هر چه که در این جهانی که می شناسید، فانی میشود (۲۶) و وجه پروردگارِ شکوهمند و بخشنده تان باقی میماند (۲۷) پس شما دو تا کدامیک از نعمتها ی پروردگارتان را تکذیب میکنید؟ (۲۸) تمام موجودات، در آسمانها و زمین، دائما از او درخواستی دارند. او در هر زمانی در موقعیتی است (۲۹) پس شما دو تا کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب می کنید؟ (۳۰)

بزودی به شما خواهم پرداخت ای دو گرانقدر (۳۱) پس شما دو گروه کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب می کنید؟ (۳۲) ای جماعت جن و انس! اگر توانستید از کرانه های آسمان ها و زمین، در روید، این کار را بکنید. اما نخواهید توانست مگر اینکه نیروی کافی و مجوز لازم را داشته باشید (۳۳) پس شما دو گروه کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب می کنید؟ (۳۴)

در قیامت، آتشی بدون دود و آتشی دارای دود بسوی شما فرستاده میشود و توانِ یاریِ یکدیگر را نیز ندارید (۳۵) پس شما دو گروه کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب می کنید؟ (۳۶) به هنگامی فکر کنید که قبل از وقوع قیامت، آسمان شکافته شود و مانند چرمی سرخ رنگ گردد (۳۷) شما دو گروه کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب می کنید؟ (۳۸) پس در آن روز نه جن و نه انس درباره

گناهانشان بازجوئی نمیشوند (۳۹) پس شما دو گروه کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب می کنید؟ (۴۰) مجرمان از روی علامتهایشان شناخته میشوند و از پیشانی ها و پاها گرفته میشوند (۴۱) پس شما دو گروه کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب می کنید؟ (۴۲) در آن روز ندا داده میشود که این همان جهنمی است که مجرمان تکذیبش میکردند (۴۳) که بین آن و بین آبی جوشان در تردد اند (۴۴) پس شما دو تا کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب می کنید؟ (۴۵)

و کسانی که بیم این را دارند که در برابر پروردگار حاضر خواهند شد و چگونه خواهند توانست عظمت ملاقات شونده را تاب بیاورند، و چنین کسانی پروردگار را در ذهن خویش خیلی والا و محترم میدانند دو بهشت خواهند داشت (۴۶) پس شما دو گروه جنّ و انس کدام نعمت پروردگارتان را تکذیب میکنید؟ (۴۷) که درختانِ آن بهشت ها پرشاخ و برگند (۴۸) پس شما دو گروه کدام نعمت پروردگارتان را تکذیب میکنید؟ (۴۹) در آن دو بهشت دو چشمه جاری است (۵۰) پس شما دو گروه کدام نعمت پروردگارتان را تکذیب میکنید؟ (۵۱) در آندو از هر میوه ای چند گونه است (۵۲) پس شما دو گروه کدام نعمت پروردگارتان را تکذیب میکنید؟ (۵۳) بر فرشهائی که آسترش از ابریشم است تکیه میزنند و میوه های آن دو بهشت در دسترس شان است (۵۴) پس شما دو گروه کدام نعمت پروردگارتان را تکذیب میکنید؟ (۵۵) در آنجا زنانی هستند که فقط به شوهرشان نظر دارند و قبلا دست جن و انسی به آنها نرسیده است (۵۶) پس شما دو گروه کدام نعمت پروردگارتان را تکذیب میکنید؟ (۵۷) از شدت زیبائی گوئی که یاقوت و مرجان هستند (۵۸) پس شما دو گروه کدام نعمت پروردگارتان را تکذیب میکنید؟ (۵۹) آیا پاداش احسان جز احسان است؟ (۶۰) پس شما دو گروه کدام نعمت پروردگارتان را تکذیب میکنید؟ (۶۱)

و سطحِ پائین تر از آندو، دو بهشت دیگر هم برای هریک از آدم های خوب هست (۶۲) پس شما دو گروه کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید؟ (۶۳) که از زیادیِ سبز بودن بنظر سیاه می آیند (۶۴) پس شما دو گروه کدامیک از نعمتهای

پروردگارتان را تکذیب میکنید؟ (۶۵) در آنها دو چشمه است که فواره میزنند (۶۶) پس شما دو گروه کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید؟ (۶۷) در آنها میوه و نخل و انار و سایر میوه هایی که مطلوبشان باشد نیز هست (۶۸) پس شما دو گروه کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید؟ (۶۹) در آنها زنانی خوشرو و نیکو هست (۷۰) پس شما دو گروه کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید؟ (۷۱) که مانند حوریانی پرده نشین در خیمه هایند (۷۲) پس شما دو گروه کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید؟ (۷۳) که قبلا دست هیچ انسان و جنی به آنها نرسیده است (۷۴) پس شما دو گروه کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید؟ (۷۵) که بر بالشهای سبز رنگ ابریشمی و فرشهای دیبای رنگارنگ تکیه میزنند (۷۶)پس شما دو گروه کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید؟ (۷۷)

ای پیامبر! پر برکت است نام پروردگار که شکوهمند و گرامی است (۷۸)

سوره دهر (انسان)

بسم الله الرحمن الرحیم

آیا اینطور نیست که برهه ای از زمانی طولانی بر انسان گذشته، در حالیکه او چیز مهمِ قابلِ ذکری نبود؟ (۱)

سیستم آفرینش الهی، انسان را از نطفه ای دارای استعدادهای مختلف و متنوع آفریده، و او را به همه وسایلی که برای کمال یافتنش لازم است مجهز فرموده، و حتما او را از جهات مختلف خواهد آزمود (۲) همچنین او را به آن راه صحیح هدایت نموده و اینک این انسان است که اگرخواست میتواند شکرگزارباشد، یا اینکه ناسپاسی کند (۳)

اشخاصی که در این دنیا کافر و مومنِ عامل و بسیار مومنِ عامل بوده اند در آخرت هریک متناسب با رفتار این دنیائی شان جایگاهی خواهند داشت و برای کافران زنجیرها و قید ها و آتش سوزان تهیه کرده ایم (۴)

و نیکان علاوه بر نعمتهایی که بهشتیان دارند، از کاسه‌ای مینوشند که محتوایش بسیار مطبوع و خوشایند است (۵) و بندگان خاص خدا از همان نوشابه به وفور دارند، بطوریکه اختیار چشمه اش در دست آنها است (۶) صفات غالب مومنان این است که به نذر وفا می کنند و از روزی که شر آن فراگیر است ترس دارند (۷) و خوراک را علیرغم خواستنش به مسکین و یتیم و اسیر میخورانند (۸) و با خویش میگویند که ما شما را بخاطر خدا خوراک میدهیم و از شما انتظار پاداش و تشکری نداریم (۹) ما از پروردگارمان پروای روز قیامت را داریم که روزی عبوس و سخت است (۱۰)

و خداوند شر آن روز را از آنان برطرف و شادابی و خوشحالی نصیبشان میکند (۱۱) به خاطر آنچه که بر آن صبر کردند، بهشت و البسه فاخر پاداششان می دهد (۱۲) که بر تخت ها تکیه زده و در آنجا نه آفتاب داغی و نه سرمائی می بینند (۱۳) و سایبان ها از نزدیک برفرازشان سایه افکنده و میوه های چیدنی در دسترسشان است (۱۴) و کوزه های شیشه گون و فنجان های بلورین دور و بر آنها به پذیرائی گردانده میشود (۱۵) بلور هائی نقره-گون که دقیق اندازه شده است (۱۶) و از کاسه ای نوشانده میشوند که چاشنی آن زنجبیل، (۱۷) از چشمه ای بنام سلسبیل است (۱۸) و دور و بر آنان بچه هائی میگردند که به همان شکل باقی خواهند ماند، و وقتیکه به آنان نگاه میکنی تصور میکنی مروارید پراکنده هستند (۱۹) و اگر آنجا را ببینید نعمت زیاد و پادشاهیی بزرگ می بینید (۲۰) بر تن آنان جامه هائی سبز از دیبائی نازک و دیبائی ضخیم است، و دستبندهائی گرانبها بر دست دارند و پروردگارشان نوشابه ای پاک به

آنان می نوشاند (۲۱) به آنان گفته میشود این جزایتان است و اینک کوشش تان پاداش داده شده است (۲۲)

ای پیامبر! البته خودمان این قرآن را بخوبی بر تو نازل کرده ایم (۲۳) پس تو نیز راجع به حکم پروردگارت صبور باش و در باره اصول و فروع رسالتت با گناهکاران ناسپاس آنها هیچگونه همراهی مکن (۲۴) و اسم پروردگارت را صبحگاهان و شامگاهان به دعا یاد کن (۲۵) و پاره ای از شب را سجده بگذار و مدتی طولانی از همان پاره ای از شب را به تسبیح او بگذران (۲۶)

اینان این زندگی زودگذر را دوست دارند و آن روز سنگینِ قیامت را که خواهند داشت، وامیگذارند (۲۷) البته ما خلقشان کردیم و بنیانشان را محکم نمودیم و هر وقت بخواهیم میتوانیم همانندان آنان را بجایشان بیاوریم (۲۸)

این یک تذکر است، پس کیست که بخواهد راهی بسوی پروردگارش در پیش گیرد؟ (۲۹) و نخواهید خواست مگر اینکه خداوند بخواهد، که خداوند البته دانای فرزانه است (۳۰) هر که را لایق باشد در رحمتش داخل میکند، و برای ظالمان عذابی دردناک تهیه نموده است (۳۱)

سوره مطففین

بسم الله الرحمن الرحیم

وای بر کم فروشان (۱) که وقتی برای خویش پیمانه میگیرند آن را تمام میگیرند (۲) اما وقتی که برای مردم پیمانه میگیرند یا برایشان وزن می کنند کم میدهند (۳) آیا گمان ندارند که حتما برانگیخته خواهند شد؟ (۴) در روزی بزرگ؟ (۵) روزی که مردم در پیشگاهِ پروردگارِ همگان، می ایستند؟ (۶)

ای مردم! نه! آنطور که شما بیخیالانه سهل انگاری میکنید نیست، حکم زندانیِ گناهکاران به سجین که زندان در زندان است ابلاغ میشود (۷)
و ای پیامبر! سجین چگونه میتواند برای مردمان قابل تصور باشد؟ (۸) قانونی است که در مورد تنبیه مجرمان نوشته شده (۹) که وای در آن روز برتگذیبگران (۱۰)
که روز قیامت را تکذیب می کنند (۱۱)
و کسی آن را تکذیب نمی کند مگر اینکه تجاوزگر و گناهکار باشد (۱۲) آنقدر تجاوزگر و گناهکار که وقتی آیات ما بر او خوانده میشود بگوید اینها افسانه های پیشینیان است (۱۳)

نه! ای مردم! چنانکه بیخیالانه سهل انگاری میکنید نیست، رفتار مجرمانه آنها سبب شده که دلهاشان زنگار ببندد (۱۴) و آنها در آن روز از الطاف پروردگارشان در پردهء محرومیت باشند (۱۵) سپس در جحیم فرو خواهند افتاد (۱۶) سپس به آنها گفته خواهد شد این است آنچه تکذیبش میکردید (۱۷)

اما در باره مردمان خوب نیز آنطور نیست که شما مجرمان می انگارید، زیرا حکم بهشتی بودن آنان به علّیین ابلاغ میشود (۱۸)
و ای پیامبر! علیین چگونه میتواند برای مردمان قابل تصور باشد؟ (۱۹)
که قانونی است که در باره پاداش خوبان نوشته شده (۲۰)
و مقربان به آن گواهی میدهند (۲۱) که البته نیکان در نعمت ها خواهند بود (۲۲)

بر مبل های تزیین شده تکیه زده و با خوشایندی همه چیز را زیر نظر دارند (۲۳) و شادابی نعمتها از سیمایشان مشخص است (۲۴) و از نوشابه ای صاف و بی دُرد که درب آن مُهر دارد به آنان نوشانده میشود (۲۵) که مُهر آن مُشک است و و آن آنقدر نفیس است که شایسته است مسابقه دهندگان برای دستیابی به آن مسابقه دهند (۲۶) و تسنیم نیز با آن آمیخته است (۲۷) که چشمه ای است که مقربان از آن می

نوشند (۲۸)

امروز در این دنیا آنانکه مرتکب جرائم میشوند به مومنان می خندند (۲۹) و وقتیکه از آنان رد میشوند چشمک میزنند (۳۰) و وقتیکه بسوی نزدیکان خود بر میگردند سرخوشند (۳۱) و وقتیکه آنها را می بینند میگویند اینها گمراهند (۳۲) درحالیکه کسی آنها را ناظر آنان نکرده که در کار آنها مزاحمت کنند (۳۳)

اما در قیامت مومنان به کفار می خندند (۳۴) در حالیکه بر مبل های تزئین شده تکیه زده اند و فرجام آنها را ناظرند (۳۵) و می نگرندکه آنها دارند به جزای کار خویش میرسند (۳۶)

سوره قیامه

بسم الله الرحمن الرحیم
قسم به روز قیامت (۱) و قسم به نَفْسِ ناخودآگاهِ سرزنشگر (۲)

آیا انسان می پندارد مجددا زنده اش نخواهیم کرد؟
بله! حتما او را به تمامی زنده اش میکنیم، بطوریکه حتی استخوانهایش را نیز به خوبی جمع کنیم؟ (۳)
بله، حتی قادر به پرداختکاریِ سر انگشتانش نیز هستیم (۴)

اما انسان میخواهد پیشِ رویِ خود را با بهانه گیری باز کند (۵)
لذا می پرسد: قیامت چه وقت خواهد بود؟ (۶)

وقتی که چشم برق بزند (۷) و ماه خسوف کند (۸) و ماه و خورشید جمع شوند (۹) انسان در آن روز که ببیند قیامت برقرار شده، با خویش میگوید آن گریزگاه کجاست؟ (۱۰) اما بزودی می فهمد که: نه! هیچ گریزگاهی نیست (۱۱)

ای پیامبر! در آن روز قرارگاه همگان بسوی پروردگارت است (۱۲) در آن روز به انسان اعمالی را که از پیش فرستاده و یا بعدأ پس از مرگش بصورت باقیات الصالحات یا سیئات فرستاده، خبر میدهند (۱۳)

البته انسان در این جهان به خودش بیناست، که میزان صداقتش چقدر است (۱۴) گرچه بهانه هایی بیاورد (۱۵)

ای پیامبر ! زبانت را برای اینکه آن آیات را فوراً فرا گیری به تندی حرکت مده (۱۶) جمع کردن آن و ترویج خواندنش بر عهده ما است (۱۷) پس وقتی که آنرا می خوانیم از خواندنش پیروی کن (۱۸) آنگاه بیان آن نیز بر عهده خود ما میباشد (۱۹)

نه! ای کافران! چنین نیست که فکر کرده اید! بلکه این رفتارهایی که میکنید و این بهانه هائی که می آورید، به این خاطر است که شما این زندگی فانی زودگذر را دوست میدارید (۲۰) و به آخرت اهمیتی نمیدهید (۲۱)

ای مردم! بدانید که در قیامت چهره هائی شادابند (۲۲) نظر بسوی پروردگارشان دارند (۲۳) و چهره هائی هم در آن روز دژم اند (۲۴) و دیگر فهمیده اند که با آنان به سختی رفتار خواهد شد (۲۵)

نه! اینطور نیست که شایسته باشد اینقدر بیخیالی کنید، بلکه متوجه باشید که آن هنگام که جان به گلوگاه برسد (۲۶) و اطرافیان تان از بهبودی تان مایوس شوند و بگویند دیگر کیست که شفایش دهد (۲۷) و خودتان مطمئن شوید که دیگر هنگام جدایی فرا رسیده است (۲۸) و ساق به ساق بپیچد (۲۹) در آن روز، خواهیدفهمید که در مسیری افتاده اید که بطرف پروردگار تان رانده میشوید (۳۰)

نه تصدیقی کردید و نه نمازی گزاردید (۳۱) ولیکن تکذیب کردید و روی برگرداندید (۳۲) آنگاه خرامان خرامان بسوی اهل تان رفتید (۳۳) سزاوارتان همین عاقبتی است که برای خویش ساخته اید و بازهم سزاوارتان باد (۳۴) و باز هم سزاوارتان باد و باز هم سزاوارتان باد (۳۵)

آیا انسان می پندارد او را مهمل وامیگذاریم؟ (۳۶)
آیا نطفه ای از منی ای که ریخته میشود نبود؟ (۳۷) سپس علقه ای شد، سپس آفریده شد، سپس پرداختکاری گردید؟ (۳۸) آنگاه جفتهایی نر و ماده از او پدید آمد؟ (۳۹)

آیا این خداوند قادر نیست برای تحقق هدف آفرینش او، پس از مرگش زنده اش کند؟ و اورا در جهانی غنی و نامحدود قرارش دهد تا هدف از آفرینش او تحقق یابد؟ (۴۰)

سوره انشقاق

بسم الله الرحمن الرحیم
وقتی که آسمان بشکافد (۱)
و گوش به فرمان پروردگارش دهد و سزاوارش هم همین است (۲)
و وقتی که زمین کِش بیاید (۳) و آنچه را که در آن است بیرون بیاندازد و تخلیه کند (۴)
و گوش به فرمان پروردگارش دهد و سزاوارش هم همین است (۵)

هان ای انسان! البته با رنج بسوی پروردگارت راه میسپاری، والبته حتما در قیامت به ملاقات او خواهی رسید (۶)

در قیامت کسی که کارنامه اش به دست راست او داده شود (۷) بزودی با محاسبه ای آسان رسیدگی خواهد شد (۸) و شادمان به سوی اهل خویش باز میگردد (۹) ولی

کسی که نامه اش از پشت سرش به او داده شود (۱۰) بزودی فریادش بلند خواهد شد (۱۱) و به داخل آتشی سوزان خواهد افتاد (۱۲)
البته او قبلاً در میان اهل خویش شادمان و بیخیال بود (۱۳) و گمان میکرد هرگز گذارش بسوی ما نمی افتد (۱۴) بله. البته پروردگارش نسبت به او بیناست (۱۵)

قسم به شفق (۱۶) و به شب و آنچه که گَرد می آورد (۱۷) و به ماه وقتی که نورش کامل میشود (۱۸) که البته شما از طبقی بر طبقی دیگر سوار خواهید شد (۱۹)

این کافران چه شان است که ایمان نمی اورند؟ (۲۰) و وقتی که قرآن بر آنان خوانده شود به سجده نمی افتند؟ (۲۱) بلکه علاوه بر اینکه کفر میورزند تکذیب هم می کنند (۲۲)
و البته خداوند به آنچه که در دل پنهان می کنند داناتر است (۲۳) پس به عذابی دردناک مژده شان ده (۲۴)
مگر کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند که پاداشی بی منت خواهند داشت (۲۵)

سوره ق

بسم الله الرحمن الرحیم
قاف و قسم به قرآن با عظمت (۱)

بلکه کافران تعجب کردند که هشدار دهنده ای از جنس خودشان بسویشان آمد، و میگویند این چیزی که این پیامبر میگوید چیز عجیبی است (۲)
میگویند آیا وقتیکه مردیم و خاک شدیم بازمیگردیم؟ این خیلی بعید است (۳)
ای پیامبر! البته ما حتی میدانیم زمین چه چیز از آنها کم میکند و نزد ما کتابی هست که اطلاعات کامل همه چیز در آن است (۴)

اما این کافران در موضوعی سردرگم اند، و به این سبب حق را وقتیکه بسویشان آمد تکذیب میکنند (۵)

آیا به آسمانِ بالایِ سرِ خود نمی نگرند که چگونه بنایش کردیم و چگونه زینتش دادیم و رخنه ای ندارد؟ (۶) و آیا به زمین نمی نگرند که چگونه گسترشش دادیم و لنگرهائی در آن قرار دادیم و در آن از هر نوع گیاه مسرت بخشی رویاندیم؟ (۷) تا این نعمتها مایه بصیرت و تذکری برای هر بنده ای باشد که خواهد به مسیر صحیح بازگشت کند (۸) و همچنین از آسمان آبی پربرکت فرستادیم و بوسیله آن باغها و دانه ها رویاندیم (۹) و نیز نخل های بلند که میوه های روی هم دارد (۱۰) تا روزیی برای بندگان باشد و همچنین بوسیله آن آب، سرزمین مرده ای را زنده کردیم،
ای مردم! بدانید که خروج شما از این جهان نیز شبیه به همین زنده کردن زمین مرده است (۱۱)

ای پیامبر! پیش از مکذبان قوم تو، قوم نوح و قوم رسّ و قوم ثمود نیز تکذیب کرده بودند (۱۲) و قوم عاد و فرعون و قوم لوط نیز (۱۳) و قوم اَیکه و قوم تبع نیز همچنین. همگی شان پیامبرانشان را تکذیب کردند، اما، آن تهدید بر آنان فرود آمد (۱۴)
آیا ما در اثر آفرینش اول خسته شده ایم؟ نه، بلکه تکذیب قوم تو درباره آفرینش جدید در قیامت و پس از آن است که در موردش به شک افتاده اند (۱۵)

و البته انسان را ما آفریدیم و میدانیم چه چیزی وسوسه اش میکند، و از رگ گردنش هم به او نزدیک تریم (۱۶)

و آن دو فرشته دریافت کننده اعمال که چپ و راستش هستند اعمالش را ثبت و ضبط میکنند، (۱۷) هیچ گفتاری را به لفظ نمی آورد مگر اینکه نزد او مراقب و آماده اند (۱۸) و هنگامی که سستی مرگ را درک میکند، گوئیا به او خطاب میشود این است آنچه از آن میگریختی (۱۹) و وقتیکه دوره برزخش هم پایان یافت، و در آن

شیپورِ اعلامِ برقراریِ قیامت دمیده شد، خطاب میشود این همان روزی است که همگی تان به آن هشدار داده میشدید (۲۰)

و هر کسی که به قیامت می آید با او یک گواه و یک سوق دهنده هست (۲۱) به او گفته میشود البته تو نسبت به این غافل بودی اما اینک پرده ات را کنار زده ایم و چشمت بخوبی بینا است (۲۲) و هنگامیکه وارد محشر میشود فرشته ای همراهِ او است، و او را به عنوان کسی که تحت نظرش بوده معرفی میکند، و به مسئول جدیدش تحویل میدهد (۲۳)

چیزی نمیگذرد که حکم عمومی صادر میشود که هر ناسپاسِ ستیزه جو را به جهنم بیفکنید (۲۴) که دردنیا جلوگیرِ خیر و بسیار تجاوزگر و شک افکن بود (۲۵) همانها که برای خداوند، همتا جعل میکردند، و اینک در عذاب شدید قرارشان دهید (۲۶)

در این موقع مجرمان میگویند خدایا این شخصی که در دنیا رفیقم بود مرا گمراه کرد اما همان رفیقش میگوید خدایا من او را به طغیان نیفکندم، لیکن خودش در گمراهیی دور بود (۲۷) و جواب می شنوند که در نزدم ستیزه نکنید زیرا که پیشاپیش برایتان هشدار دهنده فرستاده بودم (۲۸) سخن در نزد من عوض نمیشود و نسبت به بندگانم ستمکار نیستم (۲۹)

در آن روز به جهنم خطاب میشود آیا پر شده ای؟ و میگوید باز هم هست؟ (۳۰)

و بهشت بدون اینکه طولی بکشد به متقیان نزدیک میشود (۳۱) و به آنان خطاب میشود این همان چیزی است که به هر کسی که زیاد بسوی خداوند باز میگشت، وعده داده بودیم (۳۲) همان هائی که در نهان نسبت به خدای رحمان پروا داشتند و دلشان بسوی او بازگشت کننده بود (۳۳) به آنان گفته میشود به سلامت واردش شوید، که امروز شروعِ جاودانگیِ شما است (۳۴) در آنجا آنچه بخواهید خواهید داشت و نزد ما

زیادتی هم هست (۳۵)

ای پیامبر! به تکذیب های مکذبانت اهمیت مده و توجه کن که چه نسل هائی که قبل از اینان بودند و از اینان سرسخت تر هم بودند، به شهرها لشکر کشی هم میکردند، هلاک شدند، که و اینها که هنوز به حد آنها نرسیده اند چه اهمیتی دارند، و ببین عاقبت آنها که قوی تر هم بودند چه شد؟ و آیا از عاقبت اخروی هیچ گریزی هست؟ (۳۶)

ای پیامبر! به این نکته نیز توجه کن که در این گزاره قیامتی، برای کسی که فهم داشته باشد، یا لااقل به سخن حق گوش داده، و تصدیقش کرده باشد، پندی است (۳۷)

و البته آسمانها و زمین و ما بین آنها را در شش مرحله آفریده ایم، و خستگیی هم بما نرسید (۳۸)

پس ای پیامبر! بر آنچه اینها میگویند صبر کن، و پیش از طلوع خورشید، و نیز از اندکی قبل از غروب، به ستایش پروردگارت تسبیح گوی (۳۹) و نیز قسمتی از شب را چنین کن، و همچنین پس از سجده ها نیز (۴۰) و گوش فرادار برای ندا کننده ای که روزی از جائی نزدیک ندا دهد (۴۱)
روزی که همگان، به حق، آن فریاد بلند را در مورد برپائی قیامت بشنوند، که روز خروج از این دنیا همان خواهد بود (۴۲)

البته ما زنده می کنیم و ما میمیرانیم و بازگشت همگان هم بسوی ما است (۴۳)

روزی که زمین بسرعت میشکافد، تا همگان به تندی برای برپائی قیامت حاضر شوند، و این گردآوری برای ما آسان است (۴۴)

ای پیامبر! ما به بی ارزشیِ آنچه این تکذیبگران میگویند داناتریم، و تو نیز برآنها چیره نیستی، پس، کسانی را که نسبت به این هشدار بیمناک باشند، بوسیله قرآن پند ده (۴۵)

مرحله چهارم

اولین بازتاب‌های

تکذیب‌آمیز مخالفان

سوره مدثر

بسم الله الرحمن الرحیم

ای پیامبر! که در اثر دریافت وحی طاقت از کف داده و جامه خواب به خویش پیچیده ای! (۱) برخیز و مردم را نسبت به عاقبت ناخوشایندی که ممکن است دچارش شوند هشدار ده (۲) و پروردگارت را به بزرگی یاد کن (۳) و جامه ات را پاکیزه دار (۴) و خویشتن را از پلیدی دور کن (۵) و بخششی مکن که بیشتر بگیری (۶) و بخاطر پروردگارت بر مشکلاتِ راهت پایداری کن (۷)

پس وقتی که آن اعلامِ واضح بلند بشود و قیامت شروع گردد (۸) آن روز، برای همگان سخت خواهد بود (۹) اما برای مومنان آسان خواهد شد ولی برای کافران همچنان سخت خواهد ماند (۱۰)

ای پیامبر! از این تکذیب هایی که نسبت به تو میشود دلگیر مباش و مرا با آنکس که به تنهائی آفریدمش واگذار (۱۱)
همانکه برایش ثروتی جاری (۱۲) و پسرانی حاضر به خدمت قرار داده (۱۳) و اوضاع و احوال را برایش روبراه کرده ام (۱۴) و با وجود همه اینها بازهم طمع دارد که زیادتش دهم (۱۵) نه! توقعش بیجاست زیرا او نسبت به آیات ما ستیزه گر است (۱۶) بزودی به او سختی میرسانم (۱۷) زیرا که او در باره قرآن فکر کرد و سنجید، (۱۸) مرگ بر او باد، این چه سنجشی بود که کرد؟ (۱۹) باز هم مرگ بر او باد که چگونه سنجید (۲۰) آنگاه نظری کرد (۲۱) بعدش روی درهم کشید و ترشروئی کرد (۲۲) وآنگاه رو گرداند و گردنکشی کرد (۲۳) و گفت این قرآن چیزی جز جادویی فرا گیر نیست (۲۴) این چیزی جز گفتار یک بشر نیست (۲۵)

بزودی او را در سقر می اندازم (۲۶) و از کجا میتوانی بدانی که سقر چیست؟ (۲۷)

سقر چنان است که هیچ عذاب شونده ای را از قلم نمی اندازد، و از وجود آنان هیچ جائی را عذاب نکرده باقی نمیگذارد، (۲۸) و پوست را سیاه میکند (۲۹) نوزده عامل در اداره آنند (۳۰) و ماموران آن آتش غیر از ملائکه نیستند و تعداد واقعی شان را هم جز فتنه ای برای کافران قرار ندادیم، و نیز اینکه اهل کتاب به اینطریق به یقین رسند، و ایمان مومنان نیز زیادتر شود، و اهل کتاب و مومنان شک نکنند، و اینکه کافران و کسانی که در دلهاشان مرضی هست نیز به این طریق به فتنه بیفتند و بگویند خدا از این مَثَل چه منظوری داشت؟ خداوند چنین روشی دارد که با این طرز سخن گفتن هر که را که استعداد گمراهی دارد گمراه میکند و هر که را که لیاقت هدایت دارد هدایت میکند، و تعداد لشکریان پروردگارت را کسی جز او نمیداند،
و این قرآن جز پندی برای بشر نیست (۳۱)

نه! اینطور نیست که بسیاری فکر میکنند، قسم به ماه، (۳۲) و قسم به شب وقتی که پشت کند، (۳۳) و قسم به صبح وقتی که همه را به زندگی می آورد، (۳۴) که آن مطرح کردنِ وقوع قیامت یکی از دو چیز مهم است (۳۵) و هشدار دهنده بشر است، (۳۶) برای هر کدامتان که بخواهد در جاده نیکی ها جلو بیفتد یا عقب بماند (۳۷)

هر کسی در گرو چیزهای منفیی است که کسب کرده (۳۸) مگر خجستگان که خود را از بار مکتسبات منفی مذکور می رهانند (۳۹) آنها به علت این تصمیم صحیح، خویشتن را در راه صحیح قراردادند

و عاقبتشان این شد که در بهشتهایی قرار میگیرند و در این موقعیتِ سرخوشانه جویای احوال دیگران میشوند (۴۰) و از جمله از گناهکاران سوال میکنند (۴۱) که چه چیزی شما را در سقر انداخت؟ (۴۲) آنها در پاسخ میگویند که از نمازگزاران نبودیم، (۴۳) و از آنانکه به مسکین غذا میدهند نیز نبودیم، (۴۴) و با فرو روندگان در باطل فرو میرفتیم، (۴۵) و روز قیامت را تکذیب میکردیم، (۴۶) تا اینکه به این اوضاع جهنمی رسیدیم، که حالا به آن یقین رسیده ایم (۴۷)

و در این اوضاع دیگر شفاعت شفیعان سودی به آنها نمیرساند (۴۸)

اما این کافران، که اگر رفتار خویش را اصلاح نکنند چنان عاقبی خواهند داشت، حالا چه شان است که از این پند اینقدر روگردانند؟ (۴۹) و چنان از تعالیم پیامبر فرار میکنند که گوئی گورخرانی رم کرده باشند (۵۰) که از شیر میگریزند (۵۱) و چنان پرتوقعند که میگویند میخواهیم صحیفه هائی گشاده از آسمان برایمان بیاوری (۵۲)

نه! بلکه علت رفتارشان این است که آنان از آخرت نمی ترسند (۵۳) نه! اما اینطور نیست که آنها میپندارند، بلکه این قرآن و مندرجاتش که به آخرت هم تاکید میکند پندی است (۵۴)

و کیست که بخواهد پند گیرد (۵۵) و البته پند نخواهند گرفت مگر آنکه آنقدر عاقل باشند که لیاقت پندگیری را داشته باشند و خداوند هم که اهل تقوی و اهل مغفرت است میخواهد حرکتی از آنان ببینید تا یاریشان کند و توفیق پندگیری را به آنها میدهد (۵۶)

سوره نازعات

بسم الله الرحمن الرحیم

قسم به آن جدا کنندگان که غرق در انجام کارشان هستند (۱) و قسم به آن ماموران پرنشاط (۲) و قسم به آن شناگران خوش شنا (۳) و قسم به آن سبقت جویان پیشتاز (۴) و قسم به آن کار سازان خوش تدبیر، که لشکرهای پر تعداد از ملائکهء کارگزارِ برقراریِ قیامت اند (۵)

در اثر کارِ آنان چنان است که زمین بشدت بلرزد (۶) و پس از آن لرزه که همه چیز

تخریب میشود سازندگی وسیع و عمیقی خواهد بود که مجددا اوضاع جدیدی ساخته و ایجاد گردد (۷)

در آن روز گوئی دلهای اشخاص زیادی که از گورها برخاسته اند فرو میریزد (۸) و چشمهایشان گوئی بیحال و فرو افتاده است (۹) آنها به خویش و دیگران میگویند آیا پس از اینکه در این حفره بودیم دو باره زنده شده ایم؟ (۱۰) پس از اینکه استخوان هائی پوسیده شده بودیم؟ (۱۱) اینان کسانی هستند که در دنیا هم که بودند میگفتند اگر قیامتی در کار باشد بیفایده و پر ضرر خواهد بود (۱۲) وقوع قیامت مانند یک نهیب است (۱۳) که پس از آن همگی فوراً در زمینی هموار خواهند بود (۱۴)

ای پیامبر! آیا داستان موسی بتو رسیده؟ (۱۵) هنگامی که پروردگارش در آن وادی مقدس کوه طور که طُوی نام داشت، ندایش کرد (۱۶) که ای موسی! بسوی فرعون رو، که طغیان کرده (۱۷) و بگو آیا میل داری رشد کنی؟ (۱۸) و بسوی پروردگارت راهنمائیت کنم و حرمتش گزاری؟ (۱۹) آنگاه معجزه بزرگی به او نشان داد (۲۰) اما فرعون تکذیب کرد و عصیان ورزید (۲۱) سپس پشت کرد و بسرعت دوری گزید (۲۲) آنگاه اطرافیان خویش را فرا خواند و ندا در داد (۲۳) و گفت من پروردگار برترتان هستم (۲۴) پس خداوند، هم، به جریمه رفتارش در این جهان و هم به جریمه انکار آخرت، او را بگرفت (۲۵) و البته در این برای کسی که حرمت میگذارد عبرتی است (۲۶)

ای مردم!آیا آفرینش شما سخت تر است یا آفرینش آن آسمانی که خداوند بنا کرده؟ (۲۷) که سقف آن را برافراشت و سپس آن را بپرداخت (۲۸) و شبش را تاریک و روزش را برآورد (۲۹) و پس از آن زمین را گسترد (۳۰) آبش را و چراگاه هایش را درآورد (۳۱) و کوهها را لنگرش نمود (۳۲) برای برخورداری شما و چارپایان تان (۳۳)

پس وقتیکه آن بزرگترین حادثه بیاید (۳۴) در آن روز انسان هر چه را که راجع به

آن کوشش نموده بیاد می آورد (۳۵) و جهنم برای هر کس که می بیند، مقابل دید قرار میگیرد (۳۶)

پس، آنکه طغیان کرده (۳۷) و زندگی پست تر را ترجیح داده (۳۸) جحیم جایگاه اوست (۳۹) و اما کسی که از مقام پروردگارش خوف نموده و جلوی خواهش های پست نفس خویش را گرفته (۴۰) بهشت جایگاه اوست (۴۱)

ای پیامبر! از تو درباره زمان دقیق وقوع قیامت میپرسند (۴۲) تو از ذکر بسیار آن، که از زمان وقوعش آگاه شوی، چه نفعی می بری؟ (۴۳) علم به این مطلب، مخصوص پروردگارت است (۴۴) جز این نیست که تو هشدار دهنده کسانی هستی که از آن دلواپسی دارند (۴۵) و روزی که آن را ببینند، چنین بنظرشان میرسد که گویی پس از مرگ بیش از شبی یا روزی، در برزخ و قبر درنگ نکرده اند (۴۶)

سوره نوح

بسم الله الرحمن الرحیم

ما نوح را بسوی قومش فرستادیم که آنان را قبل از اینکه عذابی دردناک بسویشان بیاید هشدارشان ده (۱)

نوح گفت ای قوم! من برای شما هشدار دهنده ای آشکارم (۲) که خدا را عبادت و از او پروا و مرا اطاعت کنید (۳) تا از بعضی گناهانتان درگذرد و تا سرآمدی معین مهلتتان دهد. زیرا سرآمد خدا وقتی که قرار شود بیاید تأخیر نخواهد کرد (۴)

نوح پس از اینکه قومش را دعوت کرد و جواب مساعد نگرفت به درگاه الهی روی کرد و گفت:

پروردگارا! قومم را شبها و روزها دعوت کردم (۵) و دعوتم چیزی جز فرارشان نیفزود

(۶) و هر وقت که دعوتشان میکردم که آنان را ببخشی، انگشتانشان را در گوشهایشان میکردند و جامه بر سر می کشیدند و بر همان باطل خویش اصرار میکردند و سخت گردنفرازی مینمودند (۷) آنگاه آنها را با صدای بلند دعوت مینمودم (۸) سپس دعوت خود را، هم آشکارا و هم پنهانی، انجام میدادم (۹) و میگفتم از پروردگارتان بخشش بخواهید زیرا که او بسیار بخشنده است (۱۰)

او همان خداوندی است که آب را از آسمان بصورت ریزش پیایی بسویتان میفرستد (۱۱) و شما را به اموال و فرزندان مدد میدهد و برایتان باغها و نهرها قرار میدهد (۱۲) پس چه تان شده که به خدا اهمیتی نمیدهید؟ (۱۳) در حالیکه شما را درچند مرحله آفریده است (۱۴) آیا نمی بینید که خدا چگونه هفت آسمان را بصورت طبقه طبقه آفریده؟ (۱۵) و در میان آنها ماه را روشنائیی و خورشید را چراغی قرار داده؟ (۱۶) و شما را در زمین به چه خوبی رویانده (۱۷) آنگاه باز هم شما را به آن برمیگرداند و باز هم به چه شگفت انگیزی خارجتان میکند (۱۸) و خدا زمین را برای شما فرشی قرار داده (۱۹) تا در آن، در جاده هائی چه هموار و چه کوهستانی، به راه های خویش بروید (۲۰)

نوح همچنین گفت پروردگارا آنها نافرمانیم کردند و از کسانی پیروی کردند که مال و فرزندانشان جز خسارتشان نیفزود (۲۱) و توطئه ای سترگ کردند (۲۲) و گفتند مبادا خدایانتان را واگذارید، و مبادا «ودّ» و «سواع» و «یغوث» و «یعوق» و «نسر» را واگذارید (۲۳) و بسیاری را گمراه کردند و اینک که چنین است خداوندا! ظالمان را جز گمراهی میفزای (۲۴)

به سبب خطاهایشان هلاک گردیدند، و به غرقاب، و سپس به داخل آتش رانده شدند، و برای خویش در مقابل خداوند یاوری نیافتند (۲۵)

نوح گفت پروردگارا در روی این زمین، از کافران هیچیک را وا مگذار (۲۶) که اگر آنان

را واگذاری بندگانت را گمراه خواهند کرد و جز گناهکارِ کفران پیشه ای نخواهند زائید (۲۷) پروردگارا مرا، و والدینم را، و هر مومنی را که به خانه ام در آید، و نیز سایر مومنان را، ببخش، و ظالمان را جز تباهی میفزای (۲۸)

سوره قمر

بسم الله الرحمن الرحیم
قیامت نزدیک شد و ماه در نزدیکیِ وقوعش خواهد شکافت (۱)

ولی، ای پیامبر! این تکذیبگران هر آیه ای را هم ببینند روی برمیگردانند و می گویند این قرآن جادویی است که تمامی ندارد (۲) و قرآن را تکذیب کرده و خواهشهای نفسانی خود را پیروی میکنند، ولی هر امری که از جانب خداوند مقرر شده باشد، همان امر استقرار خواهد یافت (۳) و از حقایق، آنقدر که متضمن هشدار کافی باشد بسویشان آمده (۴) و نیز حکمت های رسا بقدر کفایت به آنها رسیده، اما نه هشدارها و نه حکمتها و نه معجزات برای آنان فایده ای ندارد (۵)

پس ای پیامبر! اینک که آنها چنین اند روی از آنان بگردان تا آن روزی که آن دعوت کننده به سوی چیزی ناخوشایند دعوتشان کند (۶) در حالیکه چشمهاشان پایین افتاده، از گورها در می آیند، گویی که ملخ های پراکنده اند (۷) و به طرف دعوت کننده می شتابند، و کافران در آن روز می‌گویند چه روز سختی است (۸)

ای پیامبر! قبل از تکذیبگرانِ قوم تو، قوم نوح پیامبرشان را تکذیب کردند، و گفتند مجنونی است، وبا توهین اورا راندند (۹) و او خدایش را خواند که: من مغلوبم یاری برسان (۱۰) پس درب های آسمان را با آبی سیل آسا گشودیم (۱۱) واز زمین چشمه هایی جوشان شکافتیم و این دو آب برای امری که مقدر شده بود به هم رسیدند (۱۲) و او را بر چیزی که تخته و میخ داشت حمل کردیم (۱۳) که زیر نظر ما حرکت می

کرد و پاداشی بود برای کسی که نسبت به او ناشکری شده بود (۱۴) و البته آن کشتی را بعنوان نشانه ای بجای گذاشتیم، که معلوم شود آیا پند پذیری هست؟ (۱۵) پس بنگرید عذاب ها و هشدارهایم چگونه بود؟ (۱۶) و البته قرآن را برای پند گیری آسان قرار دادیم که معلوم شود آیا پند پذیری هست؟ (۱۷)

قوم عاد نیز تکذیب کردند پس عذاب و هشدارهایم چگونه بود؟ (۱۸) بر آنها بادی بسیار سردِ قطع نشدنی در مدتی نحس فرستادیم (۱۹) که مردم را مانند نخلی که از ریشه درآمده باشد از زمین میکَند (۲۰) پس عذاب و هشدارهایم چگونه بود؟ (۲۱) و البته قرآن را برای پند، آسان قرار دادیم که معلوم شود آیا پند پذیری هست؟ (۲۲)

قوم ثمود نیز تکذیب کردند (۲۳) گفتند آیا از کسی که بین ما و تنهاست پیروی کنیم؟ در آنصورت در گمراهی و سردرگمی خواهیم بود (۲۴) آیا از بین همه ما آن وحی فقط به او القاء شده؟ نه! بلکه او دروغگوئی جاه طلب است (۲۵) به پیامبرشان وحی کردیم که: بزودی خواهند دانست آن دروغگوی جاه طلب کیست (۲۶) و نیز اینکه آن شتر را بعنوان آزمایش برایشان میفرستیم پس منتظر باش و صبر کن (۲۷) و به آنان خبر ده که آب بین آنان و شتر تقسیم است. هر روز صاحب قسمت، برای آب، حاضر شود (۲۸) و آن قوم همنشین خود را صدا زدند و او دست بکار شد و آن شتر را کشت (۲۹) و عذاب بر سرشان فرود آمد، پس عذاب و هشدارهایم چگونه بود؟ (۳۰) یک فریاد بلند بر آنان فرستادیم و آنها مانند چوب خشک های جمع آوری شده گردیدند (۳۱) و البته قرآن را برای پند آسان نمودیم که معلوم شود آیا پندپذیری هست؟ (۳۲)

قوم لوط نیز هشدارها را تکذیب کردند (۳۳) بر آنها بادی سنگدار فرستادیم، که غیراز پیروان لوط که سحرگاهان نجاتشان دادیم بقیه را بگرفت (۳۴) که این نعمتی از جانب ما برای پیروان لوط بود، و کسانی را که شکر کنند چنین پاداش می دهیم (۳۵) البته پیامبرشان به آنان در باره کیفرِ سختِ ما هشدار داده بود اما آنها به هشدارها با تردید

نگریستند (۳۶) و مهمانانِ او را برای کار زشت خواستند، و چشمانشان را کور کردیم و که این مقدمه عذابشان بود (۳۷) و صبحگاهان عذابِ پا برجا رسید (۳۸) خطاب کردیم: اینک عذاب و هشدارهایم را بچشید (۳۹) و البته قرآن را برای پند آسان کردیم، آیا پند پذیری هست؟ (۴۰)

و البته هشدارها به پیروان فرعون نیز رسید (۴۱) اما آنها همه آیات ما را تکذیب کردند، پس آنها را بگرفتیم، گرفتنی که از جانب پیروزمندی توانا متصور است (۴۲)

ای کافرانِ معاصر! آیا شما بهتر از کفار اقوام پیشین هستید؟ یا برای شما در کتب آسمانی امان نامه ای مقرر شده؟ (۴۳)
شاید میگوئید ما گروهی مددکار یکدیگر و انتقام ستان هستیم! (۴۴) بدانید بزودی گروه تان پاشیده میشود و به کارزار پشت کرده و مغلوب خواهند شد (۴۵)
و البته موعدِ نهائی شان شکست بزرگ در قیامت است و آن مهم تر و تلخ تر است (۴۶)
که در آن زمان، شما مجرمان در گمراهی و آتش های افروخته خواهید بود (۴۷) که با رخسارها بسوی آتش کشیده شوید، و به شما گفته شود حرارت و عذاب سقر را بچشید (۴۸)

ما البته هر چیزی را به اندازه آفریده ایم (۴۹)
و فرمان ما جز یکی نیست، و مانند پلک زدن فوری است (۵۰)
و البته امثال شما را در اقوام پیشین هلاک کردیم، آیا در بین شما پند پذیری هست؟ (۵۱)
و آنها هر چه کرده بودند در سوابقشان مضبوط است (۵۲)
و تمام ریز و درشتش نوشته شده (۵۳)
و البته تقوا پیشگان در بهشتها و نهرها خواهند بود (۵۴)
در جایگاهی درست و متناسب، نزد فرمانروائی قدرتمند (۵۵)

سوره فیل

بسم الله الرحمن الرحیم
آیا ندیدی پروردگارت با دارندگان فیل ها چه کرد؟ (۱)
آیا توطئه شان را به سوی خودشان برنگرداند؟ (۲)
و پرندگانی گروه گروه را بر آنها نفرستاد؟ (۳)که سنگریزه هائی از سنگ-گل برآنان می انداختند؟ (۴) که آنان را مانند علفِ جویده شده نمود؟ (۵)

سوره بروج

بسم الله الرحمن الرحیم
قسم به آسمان که دارای برج ها است (۱) و قسم به روز موعود (۲) و قسم به گواهی دهنده و گواهی شونده (۳) که عمل آن آتش افروزانِ آن گودال پُرآتش رسیدگی خواهد شد (۴)

آتشی که دارای هیزم مشتعل بود (۵) و آنان بر آن نشسته (۶) و شاهد شکنجه ای بودند که نسبت به مومنین انجام میشد (۷) و هیچ چیزی از آنها سراغ نداشتد مگراینکه به خدای قدرتمند ستوده ایمان آورده بودند (۸) خدایی که فرمانروائی آسمانها و زمین ازآنِ اوست و همو بر هر چیزی گواه است (۹)

کسانی که مومنان را شکنجه میکنند و سپس توبه نمیکنند البته عذاب جهنم و عذاب آتش خواهند داشت (۱۰) آنان که ایمان آورده و عمل صالح انجام میدهند در قیامت حتماً باغهایی خواهند داشت که نهرها در آن جاری است و این پیروزیی بزرگ است (۱۱)

البته ای پیامبر! گرفتنِ خشمناکانه پروردگارت شدید است (۱۲) و اوست که همه چیز را آغاز و اعاده میکند (۱۳) و او در عین حال آمرزشگر و نسبت به مومنان پر محبت است (۱۴) و او صاحب عرش با عظمت است (۱۵) و همو انجام دهنده هر چیزی است که بخواهد (۱۶)

آیا خبر آن لشکریان به تو رسیده؟ (۱۷) همان لشکریان قوم فرعون و قوم ثمود؟ (۱۸) قوت و قدرت آن لشکرهای با عظمت نتوانست آنها را حفظ کند بلکه تکذیبشان آنها را به کفر کشاند و کفر سبب شد آنها نتوانند موقعیت ضعیف خود را دریابند (۱۹) و نتوانند بفهمند که خداوند از همه سو بر آنها احاطه دارد (۲۰)

بله، این سخن را سرسری نگیرید و درک کنید که این از قرآنی است که نزد خداوند مقام با اهمیتی دارد (۲۱) و در سیستم الهی، در لوحی است که از آن حفاظت میشود (۲۲)

سوره مسد (تبت)

بسم الله الرحمن الرحیم

ابولهب زیانکار شد و تمام امکاناتی که داشت نتوانست در کار تکذیب پیامبر موفقیتی برایش بوجود بیاورد و او زیانکار شد (۱) و ثروتش و آنچه کسب کرده بود به دردش نخورد (۲)

بزودی پس از مرگ هم آتشی زبانه دار را می چشد (۳) و زنش نیز بارکش هیزم آن است (۴) که ریسمانی از لیف خرما به گردن دارد (۵)

سوره معارج

بسم الله الرحمن الرحیم

خواهنده ای از روی تکذیب و انکار، وقوعِ آن عذابِ واقع شدنی را بر خویش خواستار

شد (۱) همان عذابی که هیچ چیز آن را از کافران باز نمی دارد (۲) عذابی که از جانب خداوندِ صاحبِ پایگاه هایِ رفعت بخش است (۳) همان خدائی که هر مرحله از حرکت تکاملی ملائکه و روح بسوی او پنجاه هزار سال است (۴)

پس ای پیامبر! به زیبایی بر این تکذیب هائی که دائما از سوی مخالفانت می بینی صبر کن (۵)
زیرا آنها آن واقعهء قیامت را دور می بینند (۶) ولی ما آن را نزدیک می بینیم (۷)

آن واقعه هنگامی رخ میدهد که آسمان مانند فلز گداخته شود (۸) و کوهها مانند پشم حلاجی شده گردند (۹) و دوست صمیمی حال دوست صمیمی را نمی پرسد (۱۰) علیرغم اینکه دوست صمیمی را به او نشان میدهند، حالش را ندارد با او معاشر شود،

مجرم در آن روز آرزو میکند کاش میتوانست عذاب آن روز را با فدا کردن فرزندش دفع کند (۱۱) و نیز با فداکردن همسرش و برادرش (۱۲) و همچنین با فامیل نزدیکش که او را در بین خود جای میدادند (۱۳) و نیز با فداکردن همگی آنهائی که در روی زمین زندگی میکنند، تا نجات یابد (۱۴)

نه! آنطور نیست که کفر ورزان می اندیشند، آن عذاب شعله ور است (۱۵) و پوست را می کَنَد (۱۶) و میداند باید چه کسانی را به خویش جذب کند، یعنی، هر کس را که به حقّ پشت کند فرا می خواند (۱۷) و همچنین هر کس را که مال را جمع کند و بجای اینکه آن را در مصارف معقول و مشروع مصرف کند ذخیره اش نماید (۱۸)

البته اکثریت انسانها بسیار نا شکیب اند (۱۹) وقتی که چیزی که آن را شرّ می پندارند به آنان برسد بی تابی میکنند (۲۰) و وقتی که چیزی که آن را خیر می پندارند به آنان برسد مانع از رسیدنش به دیگران میشوند (۲۱)

مگر نمازگزارانی که چنین صفاتی دارند: (۲۲)
در نمازشان دائمی هستند (۲۳)
و در اموالشان حقی معلوم (۲۴) برای سائل و محروم در نظر گرفته اند (۲۵)
و روز قیامت را تصدیق میکنند (۲۶)
و از عذاب پروردگارشان نگران هستند (۲۷) زیرا هیچکس نباید خود را از عذاب پروردگارش ایمن بداند (۲۸)
و اعضای جنسی خویش را حفظ میکنند (۲۹) مگر در رابطه با همسران و مملوکان خویش که در این صورت قابل سرزنش نیستند (۳۰) و هرکس که از این بیشتر بخواهد از تجاوزگران است (۳۱)
و عهدها و امانات را رعایت میکنند (۳۲)
و پایبند گواهی هایشان می باشند (۳۳)
و مواظب درستیِ نمازهاشان هستند (۳۴)

آنها در بهشتهایی مورد احترام خواهند بود (۳۵)

ای پیامبر! این کفار چشان است که جلوی روی تو هستند و از تو چشم بر نمی دارند؟ (۳۶) اما از چپ و راست در میروند و به تعالیمت نمیگروند؟ (۳۷) آیا تک تک آنها طمع دارند که بدون ورود به وادی ایمان به بهشتی پر نعمت داخل شوند؟ (۳۸)
نه! البته که پندارشان باطل است، زیرا میدانند آنها را از چه آفریده ایم و می باید این مقدار را فهمیده باشند که صِرف آن جثه شان وقتی که ایمان داخلش نشده باشد لایق ورود به آنجا نیست (۳۹)

قسم به پروردگاری مشرق ها و مغرب ها که توانا هستیم (۴۰) که بهتر از آنها را جایگزینشان کنیم و کسی از ما جلو نخواهد افتاد (۴۱)

پس، ای پیامبر! آنها را بحال خودشان واگذار، که به باطل فرو روند و بازی کنند تا

اینکه به روز موعودشان برسند (۴۲)
همان روزی که با سرعت از قبورشان خارج گشته و همه شان گوئی که به سوی علامت نصب شده ای روانند (۴۳) چشمهاشان فرو افتاده وسرافکندگی آنها را فرا گرفته، این است آن روزی که به آنان وعده داده شده است (۴۴)

سوره ذاریات

بسم الله الرحمن الرحیم

قسم به ملائکه ای که در سطوحی بسیار گسترده اقلامی را مانند بذرپراکنان پخش می کنند (۱) و قسم به ملائکه ای که در مقیاسی عظیم نتیجه کار پخش کنندگان قبلی را حمل می کنند (۲) و قسم به روندگانی که با محموله های عظیم پیشین به آرامی ره می سپارند (۳) و قسم به ملائکه ای که در بستر سازی برای وقوع قیامت مدیریت میکنند (۴) جز این نیست آنچه که به شما وعده داده شده حتما درست است (۵) و البته قیامت حتماً واقع خواهد شد (۶)

قسم به آسمان که دارای شبکه بندی و استحکام است (۷) که شما البته عقاید مختلفی دارید که برخی عقاید شباهتی به شبکه مند بودن و استحکام ندارد و عین گمراهی است (۸)

کسانی هستند که از راه صحیح بدر شده و به تکذیب حق می پردازند (۹)

نابود گشتند کسانی که به تخمین و حدس و گمان راجع به حق سخن راندند (۱۰) آنها کسانی هستند که در گردابی عمیق، به اشتباهات گرفتار شده اند (۱۱) نتیجه اش این است که می پرسند قیامت چه وقت خواهد بود؟ (۱۲)

قیامت همان روزی خواهد بود که آنان دچار آن آتش شوند (۱۳) در آن حال، به آنان

گفته میشود اینک فتنه خود را بچشید که خودتان خویش را در آن انداخته اید، مگر این عذاب همان چیزی نیست که با عجله هِی میخواستیدش؟ و میگفتید ای پیامبر اگر راست میگوئی آن عذاب را برما فرودآر؟ (۱۴)

البته تقوا پیشگان در بهشتها و چشمه ساران خواهند بود (۱۵)

در آنجا دریافت کنندگانِ چیزهائی میباشند که پروردگارشان به آنها میدهد، آنها قبلاً نیکوکار بودند (۱۶)
فقط اندکی از شب را میخوابیدند (۱۷) و در سحر ها استغفار میکردند (۱۸) و در اموالشان حقی برای سائل و محروم قرار داده بودند (۱۹)

و در زمین برای اهل یقین نشانه های زیادی وجود دارد (۲۰) و نیز در خودهاتان، آیا نمی بینید؟ (۲۱) و همچنین آیا توجه ندارید که روزیِ شما و آنچه به شما وعده داده میشود در آسمان است؟ (۲۲)

پس قسم به پروردگار آسمان و زمین، که آن قول که میگوید قیامت واقع خواهد شد حق است، همانطور که شما آگاهی خودتان نسبت به خویش را حق میدانید (۲۳)

ای پیامبر! آیا داستان مهمانان گرامی ابراهیم بتو رسیده؟ (۲۴) هنگامی که بر او وارد شدند و سلام کردند و او جواب داد: سلام بر شما ناشناسان (۲۵) پس بسوی خانواده اش رفت و گوساله ای فربه آورد (۲۶) و آنرا پیشکش کرد و پرسید چرا نمیخورید؟ (۲۷) و ترسی از آنها در دل احساس کرد، گفتند نترس و بشارت پسری دانا به او دادند (۲۸) پس همسرش بسوی آنان آمد و با شنیدن این خبر به روی خود میزد و میگفت چگونه ممکن است پیرزنی عقیم بچه دار شود؟ (۲۹) گفتند پروردگارت چنین گفته که او البته صاحب حکمت و داناست (۳۰)

سپس ابراهیم از آنان پرسید کارتان چیست ای فرستادگان؟ (۳۱) گفتند بسوی قومی از مجرمان فرستاده شده ایم (۳۲) تا بر آنان سنگ هائی از گِل ببباریم؟ (۳۳) که به امر پروردگارت برای تجاوز کاران نشاندار شده است (۳۴)

ای پیامبر! البته در این واقعه مومنانی را که در آن قریه بودند قبلا بیرون آوردیم (۳۵) و در آن قریه فقط یک خانه بود که مومنان در آن بودند (۳۶) و در آن قریه برای کسانی از آیندگان که از عذاب دردناک میهراسند نشانه ای به جا گذاشتیم (۳۷)

ای پیامبر! همچنین داستان موسی را بیاد آور وقتی که او را با دلیلی آشکار بسوی فرعون فرستادیم (۳۸) اما او بر پاشنه اش چرخید و گفت این موسی یا ساحر یا دیوانه است (۳۹) پس او و سپاهیانش رابگرفتیم و در دریا انداختیم و او از آن پس از سرزنش شدگان گردید (۴۰)

و نیز داستان قوم عاد را به یاد آر که بر آنها بادی عقیم فرستادیم (۴۱) هیچ چیزی را که بر آن وزیده بود وانمیگذاشت مگر اینکه آنرا می پوساند تا مانند خاشاک گردد (۴۲)

و نیز داستان قوم ثمود که به آنان گفته شده بود تا مدتی معین با درستی زندگی کنید (۴۳) و آنها از امر پروردگارشان سرپیچیدند و لذا صاعقه در حالیکه میدیدند بگرفتشان (۴۴) و نه میتوانستید کاری کنند و نه یاری میشدند (۴۵)

و قوم نوح نیز که قبل از آنها بودند نیز فاسق بودند که آن عاقبت را یافتند (۴۶)

و آسمان را با نیروئی بنا کردیم و خودمان هم توسعه دهنده اش هستیم (۴۷) و زمین را فرش کردیم و به چه نیکوئی تدارکش نمودیم (۴۸) و هر چیز را جفت آفریدیم، شاید از این نمونه هایی که بر شمردیم پند گیرید (۴۹)

ای پیامبر! به آنان بگو پس بسوی خدا بگریزید که من از جانب او برایتان هشدار دهنده ای آشکارم (۵۰) و جز خدا پرستش شونده دیگری قرار ندهید که باز هم من از جانب او هشدار دهنده‌ای آشکارم (۵۱)

چنین است که قبل از اینان هم هیچ رسولی نیامد مگر اینکه گفتند ساحر یا دیوانه است (۵۲) آیا اقوام تکذیبگر یکدیگر را به این کار توصیه میکردند یا اینکه اساسا در ذات خویش مردمی طغیانگر بودند؟ (۵۳)

پس، ای پیامبر! از آنها روی بگردان که تو سزاوار سرزنش نیستی (۵۴) و پندشان ده تا مومنان پندگیرندکه پند برای مومنان مفید است (۵۵)

و جن و انس را نیافریدم مگر اینکه زندگیی شایسته در پیش گیرند و رشد و تعالی یابند (۵۶) هیچ احتیاجی به آنان ندارم و رزقی از آنها نمیخواهم (۵۷) زیرا که البته خداوند خودش روزی دهنده نیرومند استوار است (۵۸)

پس البته این ظالمان نیز نتیجه ای جز مانند نتیجه همانندانِ قبلی شان نخواهند داشت. پس عجله ای نکنند (۵۹) و وای بر کافران از آن روزی که وعده اش را به آنان داده اند (۶۰)

سوره جنّ

بسم الله الرحمن الرحیم

ای پیامبر! بگو بمن وحی شده که عده ای از جنّ که به تلاوت قرآن گوش داده اند گفته اند ما قرآن عجیبی شنیده ایم (۱) که به سوی رشد هدایت می کند، پس به آن ایمان آوردیم و دیگر نسبت به پروردگارمان شرک نخواهیم ورزید (۲) و اینکه پروردگار

ما بلند پایه است، نه همسری و نه فرزندی برگرفته است (۳) و اینکه آنچه که آن سفیه درباره خدا میگفت بی پایه بود (۴) و ما فکر میکردیم که هرگز هیچ انسان وهیچ جنّی بر خداوند دروغ نمی بندند (۵) و اینکه مردانی از نوع انسان به مردانی از نوع جن پناه می آوردند، اما آنها ضرر بیشتری به آنان میزدند (۶) و آنها هم مانند شما گمان میکردند که خداوند هرگز هیچ کسی را برنمی انگیزد (۷) و اینکه ما آسمان را لمس کرده و دریافته ایم که از نگهبانان پرشدت و شهابها پر شده است (۸) و اینکه ما عادت داشتیم و در آنجا در محل هائی برای گوش ایستادن جای بگیریم، اما حالا اگر کسی از ما بخواهد گوش بدهد شهابی را در کمین خویش خواهد یافت (۹) و اینکه ما نمیدانیم علت وقوع این تغییرات چیست و آیا برای اهل زمین کژی خواسته شده یا اینکه پروردگارشان برایشان رشدی اراده کرده است (۱۰) و اینکه عده ای از ما صالح و عده ای هم ناصالح اند، ما به راه های مختلف میرفتیم (۱۱) و ما چنین می اندیشیم که نمیتوانیم خدا را در زمین عاجز نموده و نیز نمی‌توانیم از او فرار کنیم (۱۲) و اینکه وقتی دعوت هدایت را شنیدیم به آن ایمان آوردیم، پس هرکس که به پروردگارش ایمان بیاورد، از هیچ نقصان و ستمی نگرانی نخواهد داشت (۱۳) و اینکه بعضی از ما مُسلِم و بعضی دیگر منحرف هستند، و آنکه تسلیم حق باشد در پی یافتن رشد و تعالی است (۱۴) و منحرفان هم هیزم جهنم خواهند بود (۱۵) و اینکه هر کس اگر بر طریقت حق استقامت بورزد حتماً خداوند به آنها گشایش و روزی خوب میدهد (۱۶) تا در آن امتحانشان کند و هر کس که از یاد پروردگارش روی گرداند، او را به عذابی فزاینده سوق میدهد (۱۷) و اینکه مساجد از آن خداست و اینکه نباید خداوند را همراه با دیگری به دعا و مناجات خواند (۱۸) و اینکه وقتی بنده خدا برخاست تا او را بخواند، نزدیک بود مشتاقانه بر سر او بریزند (۱۹)

ای پیامبر! بگو جز این نیست که پروردگارم را میخوانم و هیچکس را شریک او قرار نمیدهم (۲۰) بگو من برای شما مالک هیچ ضرر و رشدی نیستم (۲۱) بگو هیچ چیزی نیست که بتواند مرا درمقابل خداوند پناه دهد و من هرگز پناهگهی جز او نخواهم یافت (۲۲) من مقامی ندارم مگر اینکه پیامی از جانب خداوند و رسالت او بمن میرسد

و من آن را ابلاغ و تبلیغ میکنم و قدرت دیگری ندارم، و هر کس که خدا و رسولش را نافرمانی کند آتش جهنم را خواهد داشت که در آن جاودان خواهد بود (۲۳) تا اینکه آنچه را که راجع به آن بیم داده شده ببیند و بزودی خواهد فهمید که یاران کدامیک ضعیف تر و کمتر است (۲۴) بگو نمیدانم آنچه که راجع به آن بیم داده میشوید نزدیک است یا اینکه پروردگارم برای آن مهلتی معین نموده (۲۵) فقط اوست که دانای غیب و امور مربوط به قیامت است و هیچکس را بر امور غیبی قیامت مطلع نخواهد کرد (۲۶) غیر از فرستادگانی که آنها را برای رسالت پسندیده باشد و آنها را به آن قسمت از غیب که به وحیِ به آنها مربوط باشد مطلع میکند و با این حال از پیش رو و نیز از پشت سرِ آنها مراقب هائی میگمارد (۲۷) تا معلوم کند که آنها حتماً رسالت های پروردگارشان را همانطور که دریافت کرده اند رسانده باشند و بر آنها احاطه دارد و همه چیز را به عدد می شمارد (۲۸)

سوره کوثر

بسم الله الرحمن الرحیم

ای پیامبر! البته آن خیر کثیر را بتو داده ایم (۱)

پس برای پروردگارت نماز بگذار و قربانی کن (۲)

و بدان که عیب جوی تو، خودش، بی دنباله است (۳)

مرحله پنجم

پررنگ شدن تکذیب‌ها
و
ورود به مرحله‌ی لجبازی و عناد

سوره دخان

بسم الله الرحمن الرحیم

حم (۱)

قسم به آن کتاب روشنگر (۲) البته ما آنرا در شبِ پر برکتِ قدر فرو فرستاده ایم که همواره هشدار دهنده بوده ایم (۳) در آن شب هر امر مجملی تفریق و تقدیر میگردد (۴) که این خودش امری از جانب ما اســت زیرا که همواره فرســتنده خیر و برکات بوده ایم (۵) که خود این رحمتی از جانب پروردگارت است که او شنوای درخواست های مخلوقات و دانا است (۶)

همان پروردگار آسمانها و زمین و بین آندو، اگر یقین داشته باشید (۷) که خدائی جز او نیست، زنده میکند و میمیراند، که پروردگارتان و پروردگار نیاکانتان است (۸)

ای پیامبر! اما این مخالفانت در شکّی هستند، و به بیهوده مشغولند (۹)
پس تو نیز چشم براه روزی باش که آسمان دود-مانندی آشکار بیاورد (۱۰) که همه را فرا گیرد، که اگر چنین شود فورا بی طاقت میشوند و میگویند این دیگر چه عذاب دردناکی اســت (۱۱) و فورا رو به بما میکنند و میگویند پرودگارا عذاب را از ما بردار که ما ایمان آوردیم (۱۲)
چطور ممکن است ایمان آورده باشند درحالیکه قبلا تو را بسویشان فرستاده ایم و تکذیبت کرده اند (۱۳) و از تو روی برگردانده بودند و گفته بودند دیوانه ای است که این چیزها را به او یاد میدهند (۱۴)
و به محض اینکه آن عذاب مختصــر را کمی رفع کنیم آنها فورا به به کفر خویش بازمیگردند (۱۵)
در هر حال عاقبت شان این است که در روز قیامت تکذیبگران را با قوت بگیریم زیرا

لازم است برای این رفتارهایشان تادیب شوند (۱۶)

ای پیامبر! قبل از این کافرانِ قوم فرعون را نیز آزمودیم و پیامبری گرامی بنزدشان آمد (۱۷) که به آنان گفت بنی اسرائیل را که بردگی گرفته اید به من بسپارید، که من از سوی خداوند برای شما فرستاده‌ای امینم (۱۸) و اینکه نسبت به خداوند سرکشی مکنید که با دلیلی روشن بسویتان آمده ام (۱۹) و البته از اینکه سنگسارم کنید به خدای خویش و خدای شما پناه می‌برم (۲۰) و اگر باورم ندارید از من کناره گیرید (۲۱) اما از آنان رفتار نا مناسب دید و پروردگارش را خواند که اینها مردمی گناه پیشه اند (۲۲) به او جواب دادیم که بندگانم را شبانه ببر، زیرا که تعقیب خواهید شد (۲۳) و از آن رود بزرگ که به دریا شبیه است به همواری بگذرید که فرعونیان که تعقیت تان خواهند کرد غرق خواهند شد (۲۴) این اتفاقات به وقوع پیوست و عاقبت چنین شد که فرعونیان باغها و چشمه سارهائی عالی را که در آن بودند ترک کردند (۲۵) و نیز کِشت ها و مقامها و مراتب عالی را (۲۶) و نیز نعمتهائی را که با دلخوشی استفاده میکردند (۲۷) چنین شد و آنها را به قومی دیگر دادیم (۲۸) و آسمان و زمین اشکی هم برآنها نریخت و مهلتی نیز نیافتند (۲۹)

و البته بنی اسرائیل را از آن عذاب خفت بار نجات دادیم (۳۰) از فرعون، که متکبری از اسراف‌کاران بود (۳۱) و بنی اسرائیل را آگاهانه بر معاصرانشان برتری دادیم (۳۲) و از آیات و نشانه ها، چیزهائی به آنان دادیم که در آنها مایهء امتحان هایی آشکار بود (۳۳)

ای پیامبر این کافرانِ معاصرت میگویند:
(۳۴) جز این نیست که مرگی جز همین مرگ اول نداریم و برانگیخته نخواهیم شد (۳۵) اگر بقول تو زندگی بعدیی خواهد بود پدرانمان را بیاور اگر راست میگویی (۳۶) اقوام قبلی هم همین رویکرد را داشتند، آیا اینان از آنها، مثلا قوم تبّع و یا پیشینیان آنها که هلاکشان کردیم و مجرم بودند، بهترند؟ (۳۷)

و آسمانها و زمین و آنچه را که بین آنهاست به بازی نیافریده ایم (۳۸) آنها را جز به حق نیافریده ایم ولیکن اکثر اینان به آنچه میگویند علمی ندارند (۳۹)

البته روزِ جدا کردنِ خوب و بد که همان روز قیامت باشد، وعده گاهِ همگی است (۴۰) روزی که هیچ دوستی نمیتواند برای دوستش کاری کند و کافران و مجرمان هیچ یاریی نمیشوند (۴۱) مگر کسانی که شایسته رحمتی از جانب خداوند باشند که همو پیروزمند رحیم است (۴۲)

درخت زقوم (۴۳) غذای آن گناهکاران است (۴۴) مانند مسِ مذاب است و در شکمها میجوشد (۴۵) مانند جوشش چرکابه جوشان (۴۶) و در چنین اوضاع و احوالی به ماموران عذاب خطاب میشود که این کافران و مجرمان را بگیریدشان و به وسط جهنم بکشیدشان (۴۷) آنگاه از بالای سرشان از آن عذاب جوشان بر آنان بریزید (۴۸) در آن موقعیت به خود آنها خطاب میشود که ای کسانیکه که به نظر خودتان عزتمند و گرامی بودید اینک بچشید (۴۹) این همان چیزی است که در آن تردید میکردید (۵۰)

اما تقوا پیشگان در موقعیتی امن خواهند بود (۵۱) در باغها و چشمه سارها (۵۲) جامه هایی از ابریشم نازک و ضخیم بر تن داشته و با یکدیگر هم صحبتند (۵۳) و آنها را با حوریان تزویج خواهیم کرد (۵۴) در آنجا در حالیکه امنیت دارند از هر نوع میوه ای می طلبند (۵۵) مرگی جز همان مرگ اول نخواهند داشت و خداوند آنها را از عذاب جهنم دور نگهداشته است (۵۶) که این لطفی از جانب پروردگارت است و پیروزی بزرگ نیز همین است (۵۷)

ای پیامبر! جز این نیست که این قرآن را بر زبانت آسان کرده ایم شاید پند گیرند (۵۸) پس چشم براه پیشرفت رسالتت باش که آنان نیز چشم براه ناکامی تو می باشند

(۵۹)

سوره زخرف

بسم الله الرحمن الرحیم

حم (۱)

قسم به قرآن که کتابی روشنگر است (۲) که ما آن را خواندنیی به زبان روشن و قابل فهم قرار دادیم شاید تعقل کنید (۳) و آن، در مادرِکتابهای آسمانی که نزد خداوند است، دارای موقعیتی والا و محکم است (۴)

ای کافران! آیا چون شما مردمی اسرافگر هستید از فرستادن آن قرآنِ حاوی پند بسوی شما منصرف شویم؟ (۵)
تکذیب رسولان نیز چیز بی سابقه ای نیست و چقدر رسولانی که در اقوام اولیه فرستادیم (۶) و هیچ پیغمبری بسویشان نیامد مگر اینکه مسخره اش میکردند (۷) و نیرومند ترین آنها را هلاک کردیم بطوریکه مَثَلِ اقوام اولیه شدند (۸)

ای پیامبر! اگر از آنان بپر سی چه کسی آ سمانها و زمین را آفریده، با تأکید خواهند گفت آن خدای عزتمند دانا آنها را آفریده (۹) به آنان بگو این خدا همان است که که زمین را برایتان آ سایشگاه نموده و در آن برایتان راه هائی قرار داده تا به سهولت راه بسپارید (۱۰) و هموست که از آسمان آبی به اندازه میفرستد که با آن سرزمین مرده را زنده میکند، و شما را هم همینطور، پس از مرگتان زنده میکند (۱۱) و هموست که همه جفت ها را آفرید و از کشتی ها و چارپایان برایتان و سیله سواری مهیا کرد (۱۲) تا بر آنها سوار شوید، سپس، پس از استقرار، متذکر نعمت پروردگارتان شده و بگویید: منزه است کسی که این را برای ما رام کرد، وگرنه ما رام کننده آن نبودیم (۱۳) و البته ما حتماً بسوی پروردگارمان برخواهیم گشت (۱۴)

ای پیامبر! با وجود اینهمه نعمت ها که میدانند از جانب کیســـت، از میان بندگانش، فرزندانی برای او قرار دادند، که این یک ناسپاسی آشکار است (۱۵)

آیا خداوند از میان چیزهائی که می آفریند دختران را برای خویش برمیگیرد وشما را به داشـــتن پســـران ترجیح میدهد؟ (۱۶) و هنگامی که به یکی از آنها به تولد همان چیزی که مَثَلش را برای خداوند رحمان زده، مژده دهند، بر چهره اش سایه سیاه می نشـیند و خشـمناک میشـود اما خشـمش را فرو میخورد (۱۷) و با خود میگوید آیا کســـی که در زیور آلات بزرگ میشـــود و در جنگ چندان کارایی ندارد برایم متولد شده؟ (۱۸)

و ملائکه را که بندگان خدا هستند ماده حساب کرده اند. آیا شاهد آفرینش آنها بوده اند؟ بزودی شهادت آنها نو شته شده و در باره این اعتقاد شان پر سش خواهند شد (۱۹)

و میگویند اگر خدا نمیخواســـت ما آن بت ها را عبادت نمیکردیم و لذا اگر آنها را عبادت میکنیم به خواست خداست! هیچ علمی به این قول خویش ندارند و همینطور یک چیزی میگویند و این کارشان جز تخمین نیست (۲۰)

مگر پیش از این کتابی آســـمانی به آنان داده ایم که به آن چنگ انداخته اند و این قول را بر اســـاس آن میگویند؟ (۲۱) نه، بلکه میگویند پدرانمان را بر چنین روشـــی یافته ایم و از روی آثار آنها میرویم (۲۲)

ای پیامبر! و چنین بوده که قبل از تو هیچ هشدار دهنده ای در هیچ جائی نفرستادیم مگر اینکه هوسرانانشان میگفتند ما پدرانمان را بر دینی یافته ایم و از آثار آنها پیروی می کنیم (۲۳) پیغمبرانشان میگفتند آیا اگر چیزی برایتان آورده باشیم که نسبت به

آنچه پدرانتان را بر آن یافته اید هدایت کننده تر باشــد چه؟ آنها در پاســخ پیامبران خویش میگفتند ما به هر چه که شما برای ابلاغ آن فر ستاده شده اید کافریم (۲۴) آنگاه، از آنها انتقام کشیدیم، بنگر که عاقبت تکذیبگران چه بود (۲۵)

ای پیامبر! هنگامی را بیاد آر که ابراهیم به پدرش و قومش گفت از آنچه می پرستید بیزارم (۲۶) مگر کسی که مرا آفرید که بزودی هدایتم خواهد کرد (۲۷) و خداوند این سخن صحیح و این رفتار درست او را ماندگار نمود و کسانی از نسلش را پیروِ آن قرار داد.

ای پیامبر! اینها و پدرانشان را برخوردار کردم و علیرغم آن، تا حق و فرستاده ای آشکار بسویشان آمد (۲۹) گفتند این جادوست و ما به آن کافریم (۳۰) و نیز گفتند چرا این قرآن بر یکنفرِ دیگر که در میان این دو شهر، که بزرگ و متمکن باشد نازل نشده؟ (۳۱) آیا آنها رحمت پروردگارت را تقسیم می کنند؟ نه، بلکه در همین زندگی دنیا نیز ما معیشتشان را تقسیم می کنیم و بعضی را بر بعضی چندین درجه برتری داده ایم که بعضی از آنها بعضی دیگر را استخدام کنند و البته که رحمت پروردگارت و مسئولیت پیامبری از آنچه جمع می کنند بسیاربسیار مهم تر است و نمیتوان آن را جز در فرد لایق قرار داد (۳۲)

و اگر اینطور نبود که می باید مردم بر یک روش اداره شوند، از آنجا که در نظرما مال دنیا بی اهمیت است برای کافران چنان میکردیم که اطاقهایشان سقف هائی از نقره داشته باشد و نردبانهائی که بر آن بالا روند (۳۳) و نیز اطاقهایشان درب هائی داشته باشد و تختهائی که بر آن تکیه زنند (۳۴) و جواهرات زیادی داشته باشند، و همه اینها چیزی جز بهره زندگی دنیا نیست و آخرت نزد پروردگارت مخصوص تقوا داران است (۳۵)

و کسی که خود را از یاد خداوند رحمان عمدا به کوری بزند، برایش شیطانی در نزدش

قرار داده میشود که همنشین او باشد (۳۶) و آن شیاطین اینان را از راه باز میدارند و اینان که گول آن شیاطین را خورده اند به غلط چنین می پندارند که خودشان هدایت یافته هستند (۳۷) تا اینکه بالاخره در قیامت نزد ما بیایند و در آنصورت است که چشمشان باز میشود و به شیاطین خویش میگویندکه ای کاش بین من و تو فاصله دو مشرق بود و تو چه همنشین بدی بودی (۳۸) و در آن روز به آنان خطاب میشود امروز پشیمانی تان سودی ندارد و بیاد آورید که شما هم ظلم کرده اید و هر دو در عذاب شریکید (۳۹)

ای پیامبر! آیا تو میتوانی به کران بشنوانی؟ یا کوران را هدایت کنی؟ و یا کسی را که در گمراهیی آشکار باشد؟ (۴۰)

پس البته اگر تو را از این دنیا ببریم، از آنها حتماً انتقام می کشیم (۴۱) یا آنچه را که به آنها وعده داده ایم، نشانت میدهیم که ما البته بر آنها مسلطیم (۴۲)

پس وحیی را که بسوی تو نموده ایم محکم بگیر که تو البته بر جاده ای مستقیم هستی (۴۳) و اینکه این قرآن برای تو و قومت پندی است و بزودی در باره آن پرسش خواهید شد (۴۴) و از پیامبرانِ قبل ازخودت نیز بپرس آیا غیر از خداوند خدایانی قرار دادیم که پرستش شوند؟ (۴۵)

و موسی را با آیاتمان بسوی فرعون و بزرگان دربارش فرستادیم و گفت من فرستاده پروردگار همگان هستم (۴۶) و هنگامی که با نشانه های ما بسوی شان رفت آنها از روی تحقیر او خود را به خنده انداختند (۴۷) و هیچ نشـــانه اعجازیی را به آنان ارائه نکردیم مگر اینکه از دیگری بزرگتر بود و آنها را به عذابی هم معذب نمودیم شاید باز گردند (۴۸) ولی در انتها به پیامبر خویش گفتند: ای جادوگر پروردگارت را به آن چیزی که نزدت عهد نموده بخوان که عذاب را از ما برطرف کند زیرا که ما هدایت یافته ایم (۴۹) و چون آن عذاب را برطرف کردیم فوراً عهد شکستند (۵۰) و فرعون

در قوم خویش ندا درداد که آیا فرمانروائی سرزمین مصر از آن من نیست؟ و نیز آیا نمی بینید که این رودهای بزرگ که از کف زمینهای من جاری اســت؟ (۵۱) آیا من بهترم یا این آدم بی اهمیتی که چندان بیان خوبی هم ندارد؟ (۵۲) پس چرا دستبندهائی از طلا ندارد یا ملائکه ای همراه او نیستند؟ (۵۳)
روش او این بود که قومش را خوار میکرد و آنها نیز اطاعتش میکردند و آنها البته قومی گناه پیشه بودند (۵۴)
پس هنگامیکه از حدّ گذراندند، از آنان انتقام گرفتیم و همگی شـــان را غرق نمودیم (۵۵) و آنها را جزء گذشتگان و مَثَلی برای آیندگان قرار دادیم (۵۶)

ای پیامبر! هنگامی که به پسر مریم مثل زده میشود، قوم تو ناگهان سروصدا می کنند (۵۷) و میگویند آیا خدایان ما بهتر است یا او؟ که به عقیده مسیحیان او نیز خداست؟ این مثل را نمیزنند مگر به این خاطر که با تو جدالی کنند زیرا که اینها مردمی خصومت پیشه میباشند (۵۸) عیسی بن مریم جز بنده ای که نعمتش داده بودیم نبود که او را برای بنی اسرائیل نمونه ای قرار داده بودیم (۵۹)

و اگر میخواستیم، میتوانستیم از میان شما ملائکه ای قرار دهیم که در روی زمین بگردند (۶۰) و البته آن گردش ملائکه در روی زمین نیز، اگر وقوع یابد، نشانه ای درباره قیامت خواهد بود، که مردم را هشدار دهد که شکی در باره آن مکنید، و تو ای پیامبر! بگو ای مردم پیرویم کنید که جاده مستقیم همین است (۶۱) و شیطان شما را از پیرویم باز ندارد که او برایتان دشمنی آشکار است (۶۲)

و هنگامی را بیاد آورید که عیسی با آن دلائل روشن آمد و گفت با حکمت بسویتان آمده ام و برای اینکه بعضی چیزها را که در آن اختلاف دارید برایتان روشن کنم، پس، از خدا پروا نموده و مرا اطاعت کنید (۶۳) البته خداوند پروردگار من و شماست پس

او را عبادت کنید که جاده مستقیم همین است (۶۴) پس آن گروه ها از میانشان اختلاف کردند و برخی عیسی را به خدائی گرفتند، پس وای بر آنان که هم به خویش و هم به کسانی که گمراهشان کردند ظلم کردند و چه عذاب سختی، در آن روزِ سخت، خواهند داشت (۶۵)

آیا منتظر چیزی غیر از قیامت هستند که ناگهان برآنها درآید و متوجه نباشند؟ (۶۶) در آن روز دوستان صمیمی، بعضی نسبت به بعضی دیگر دشمن خواهند بود، مگر متقیان (۶۷) که به آنان خطاب میشود ای بندگانم! امروز نه نگرانیی داشته و نه اندوهگین باشید (۶۸) اینها همان کسانی بودند که به آیاتمان ایمان آوردند و تسلیم حق شدند (۶۹) به آنان خطاب میشود خودتان و همسرانتان با خوشی داخل بهشت شوید (۷۰) سینی های طلایی و فنجانهائی دور آنها گردانده میشود و در آنها چیزهائی است که دل میخواهد و چشم لذت میبرد و شما در آن نعمتها جاودان خواهید بود (۷۱) و این بهشت را بسبب اعمالتان به شما داده ایم (۷۲) که در آن میوه های زیاد خواهید داشت که از آن خواهید خورد (۷۳)

اما مجرمان البته در عذاب جهنم جاودان خواهند بود (۷۴) و هیچ تخفیفی نخواهند داشت و در آن پژمرده خواهند شد (۷۵) و ما ظلمی به آنان نکرده ایم بلکه خودشان ظالم بودند (۷۶) و میگویند ای نگهبانان جهنم پروردگارتان باید ما را از بین ببرد و آنها در جواب میگویند نه! شما در اینجا جاودان خواهید ماند (۷۷) حق را برایتان آورده بودیم اما اکثرتان حق را ناخوش میداشتید (۷۸)

ای پیامبر! اینها چه فکر میکنند؟ یا اینکه راجع به چیزی اصرار دارند؟ در اینصورت ما نیز اصرار داریم (۷۹) یا اینکه تصور میکنند پنهان و آشکارشان را نمی شنویم؟ بلی فرستادگان ما نزدشان هستند و می نویسند (۸۰) بگو اگر خداوند رحمان فرزندی

داشت خودم اولین عبادت کننده اش بودم (۸۱) منزه است پروردگار آسمانها و زمین که پروردگار عرش هم هست از آنچه درباره اش میگویند (۸۲)

پس، ای پیامبر! آنها را بحال خودشان واگذار که در باطل فرو روند و بازی کنند تا اینکه بالاخره به آن روزشان که وعده داده میشوند برسند (۸۳)

او در آسمانها خداست و در زمین هم خداست و همو حکیم داناست (۸۴) و پر برکت است کسی که فرمانروائی آسمانها و زمین و بین آنها از اوست و همو که علم قیامت را دارد و بسوی او بازمیگردید (۸۵)

و کسانی را که غیر از او میخوانند قدرت شفاعت ندارند مگر کسی که به حق شهادت دهد و علم داشته باشد (۸۶)

و ای پیامبر! اگر از آنها بپرسی چه کسی خلقشان کرده، با تأکید خواهند گفت البته خدا. پس بنگر به کجا منحرف میشوند؟ (۸۷) و نیز به این قول توجه کن که مومنان در باره این نوع کسان چنین میگویند که : پروردگارا این مردم ایمان نمی آورند (۸۸) پس، ای پیامبر! از اینان در گذر، و سلامی بگو و بزودی خواهند دانست (۸۹)

سوره فصلت

بسم الله الرحمن الرحیم

حم (۱)

این سوره، فرو فرستاده ای از جانب خداوند بخشنده مهربان است (۲) کتابی است که آیه هایش از یکدیگر متمایز شده و خواندنیی است به زبان واضح برای مردمی که علم دارند (۳) مژده دهنده ای و هشدار دهنده ای بزرگ است. اما کافران اکثرا

رویگردان شده و گوش نمیدهند (۴)

و میگویند دلهای ما نسبت به آنچه دعوتمان میکنی در پوششی است و گوش هایمان هم سنگین ا ست و بین ما و تو حجابی بزرگ ا ست، پس تو بکار خودت برس، ما هم بکار خودمان برسیم (۵)

بگو جز این نیســـت که من بشـــری مانند خودتان هســـتم با این فرق که بمن وحی میشود که خدایتان خدائی است واحد. پس بسوی او مستقیم شوید و از او رفع موانع رشـــدتان را بخواهید. و وای بر مشـــرکان (۶) که زکوۀ نمیدهند و به آخرت هم کفر میورزند (۷)

البته آنان که ایمان آورده و عمل صالح کرده اند پاداشی بی منت خواهند داشت (۸)

ای پیامبر! به کافران بگو واقعاً شما به کسی که زمین را در دو مرحله آفریده، و پروردگار همه جهانیان است، کفر میورزید؟ و برای او همتایانی قرار میدهید؟ (۹) همو که در زمین کوه ها را لنگرهائی قرار داد و در زمین برکت نهاد، و نیازهای همه مخلوقات را نیز در چهار مرحله در آن قرار داد که همه از سوی درگاه الهی بطور مساوی حق دارند از آن مواهب استفاده کنند (۱۰) آنگاه به آسمان که به شکل گاز بود پرداخت و به آن و به زمین گفت چه از روی میل و چه از روی اجبار از سیستم هایی که قرار داده ام فرمانبری کنید و آنها گفتند با میل و رغبت فرمان می بریم (۱۱) آنگاه طی دو مرحله قضا راند که آسمانها بصورت هفت آسمان باشند و کار هر آسمان را به آن وحی نمود و آسمانِ نزدیکتر را بوسیله نور ستارگان که از زمین بصورت چراغ هائی به نظر میرسند زینت داد و ضمنا همان آسمان را حافظ زمین قرار داد. ای کافران! آیا به خداوندی که چنین قدرتمند و داناست کفر میورزید و برایش همتایانی قرار میدهید؟ (۱۲)

ای پیامبر! اگر کافران قوم تو روی برگرداندند بگو به صاعقه ای مانند صاعقه عاد و

ثمود هشدارتان میدهم (۱۳) همانها که وقتی پیامبران خدا از روبرو و از پشت سرشان بسویشان می آمدند و میگفتند که جز خداوند را نپرستید، میگفتند اگر خدا میخواست فرشتگانی را به رسالت بسوی مان میفرستاد و ما نسبت به آنچه که بخاطر آن فرستاده شده اید کافریم (۱۴) اما قوم عاد، در روی زمین به خود بزرگ بینی بیجا پرداختند و گفتند چه کسی از ما قویتر است؟ آیا درک نمیکردند که خدائی که آنها را آفریده از آنها قویتر است که نسبت به آیات ما انکار میورزیدند؟ (۱۵) پس بر آنها بادی سخت و سرد و تند، در ایامی نحس، فرستادیم تا عذابِ خواری را در همین زندگانی دنیا به آنها بچشانیم و البته عذاب آخرت خفّت بارتر است و آنها هیچ یاریی نخواهند داشت (۱۶) اما قوم ثمود، آنها را هم هدایتشان کردیم اما کوری را بر هدایت ترجیح دادند پس صاعقهء عذابِ خواری آنها را نیز بسبب آنچه که انجام میدادند بگرفت (۱۷) و البته کسانی را که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند قبلا نجات داده بودیم (۱۸)

و روزی که دشمنان خدا را بسوی آتش برانند و آنها را دستجمعی در یکجا جمع کنند (۱۹) تا اینکه به نزد آن رسند و در آنجا گوششان و چشمهایشان و پوستشان راجع به آنچه انجام میدادند علیه آنها شهادت دهند (۲۰) آنها به پوستهایشان میگویند چرا علیه ما شهادت میدهید؟ جواب میدهند خداوند ما را به سخن در آورده، و او کسی است که همه چیز را به سخن در میآورد و در ابتدا هم همو شماها را آفریده و بسوی او بازمیگردید (۲۱) به آنها خطاب میشود شما از اینکه مبادا گوش و چشم و پوستتان علیه شما شهادت دهند نگرانیی نداشتید و گناهانتان را پنهان نمیکردید بلکه چنین گمان میکردید که خداوند به بسیاری از اعمالتان دانا نیست (۲۲) و همین گمانتان به پروردگارتان بود که نابودتان کرد و از خسارت دیدگان شدید (۲۳) در آن اوضاع و احوال اگر آنها صبر کنند آتش جایگاهشان است و اگر هم معذرت خواهی کنند فایده ای برایشان نخواهد داشت (۲۴)

علت اینکه آنها اینطور شدند این بود که برای خویش نزدیکان بد برگرفتند و آنها آنچه را که برای آینده در سر می پروراندند و نیز آنچه را که درگذشته شان بود برایشان جلوه و زینت میدادند و در نتیجه آنچه که بر سر اقوامی از جن و انس که قبل از آنها درگذشته اند آمده بود بر سر اینها هم آمد و آنهم این بود که دچار خسران شدند (۲۵)

فعالان کفر میگویند به این قرآن گوش ندهید و در آن سر و صدا کنید شاید غالب شوید (۲۶) پس حتماً به آنان عذابی شدید می چشانیم و حتماً جزای بدترین کارهائی را که میکردند به آنها میدهیم (۲۷) اینطور است که جزای دشمنان خداوند آتش است که در آن جاودانند، و به آنان تفهیم میشود که این جزائی است در مقابل انکاری که نسبت به آیات ما مینمودید (۲۸)

وکافران در آن شرایط اخروی و عذاب میگویند پروردگارا! آن کسانی از جن و انس را که گمراهمان کردند نشانمان ده تا آنها را زیر لگدهای خویش بگذاریم تا از جمله پست ترین ها گردند (۲۹)

این اوضاع کافران است اما کسانی هم هستند که در زندگی دنیا میگویند پروردگارمان خداوند است و آنگاه بر این سخن استقامت می ورزند، آنها کسانی هستند که فرشتگان پی در پی بر آنها نازل میگردند و در مقابل مشکلاتِ این جهت گیری شان به آنها دلداری میدهند که نترسید و اندوهگین نباشید و به بهشتی که وعده تان میدهند شاد باشید (۳۰) ما در زندگی دنیا و همچنین در آخرت دوستان شمائیم. در آن هر چه دلتان بخواهد و بلکه هر چه طلب کنید خواهید داشت (۳۱) که پیشکشیی است از جانب خداوندِ آمرزشگرِ مهربان (۳۲)

و چه قولی بهتر است از قول کسی که بسوی خدا میخوانَد و عمل شایسته میکند و میگوید من از مسلمین هستم؟ (۳۳)

ای پیامبر! نیکی و بدی مساوی نیست. بدی را به آن روشی که بهتر است دفع کن. در آنصورت کسی که بین تو و او عداوتی هست مانند یک دوستِ حمایتگر میشود (۳۴) البته کسی این توصیه را بکار نمی بندد مگر اینکه از صابران باشد و نیز این توصیه را نمی پذیرد مگر کسی که صاحبِ بهره عقلیِ بزرگ باشد (۳۵) و اگر از جانب شیطان تحریکی به تو رسید به خداوند پناه بر که او شنوای داناست (۳۶)

و از نشانه های اوست شب و روز و آفتاب و ماه. ای مردم! به آفتاب و ماه سجده نکنید و به خداسجده کنید که آنها را آفریده، اگر واقعا او را میپرستید (۳۷) ای پیامبر! اگر گردنکشی کردند و به همان روش غلط خویش ادامه دادند ناراحت نشو زیرا کسانی که نزد پروردگارت هستند شب و روز فقط خداوند را عبادت میکنند و خسته هم نمیشوند (۳۸) و از نشانه های اوست که زمین را پژمرده می بینی. اما هنگامیکه آب باران بر آن فرو فرستیم زنده شده و به جنبش در می آید و نمو میکند. البته آنکس که زنده اش میکند زنده کننده مردگان نیز هست، زیرا که او بر همه چیز تواناست (۳۹)

کسانی که در آیات ما انحراف میورزند کارشان از دید ما مخفی نیست. آیا کسی که در آتش انداخته میشود بهتر است یا کسی که در روز قیامت با ایمنی وارد میشود؟

ای پیامبر! به آنان بگو هر چه میخواهید انجام دهید که خداوند به آنچه میکنید بیناست (۴۰)

کسانی که به این قرآن که بسویشان آمده کفر میورزند چه زیانکارند! در حالیکه آن کتابی ارجمند است ۴۱) باطل را در آن راهی نیست. چه در آینده و چه در گذشته. فرو فرستاده ای از جانب خداوند فرزانه ستوده است (۴۲)

ای پیامبر! این کافران به تو چیزی نمیگویند جز آنچه که به پیغمبران قبلی میگفتند. البته پروردگارت صاحب بخشش است و صاحب پیگیری دردناک هم هست (۴۳)

و اگر آن قرآن را خواندنیی به زبانی غیر از زبان این مردم قرار داده بودیم میگفتند چرا آیه های آن تفصیل و جداسازی نشده؟ آیا برای عرب زبان کتابی به زبان دیگر آورده ای؟ بگو این قرآن برای مومنان مایه هدایت و شفا است. و کسانیکه ایمان نمی آورند در گوش هایشان سنگینیی هست. و همین قرآن مایه کوردلی آنهاست و نمیتوانند با آن ارتباط برقرار کنند گویی که از مکانی بسیار دور فرا خوانده میشوند (۴۴)

و البته به موسی نیز آن کتاب آسمانی را دادیم اما در آن اختلاف شد و اگر قبلا کلمه ای از جانب پروردگارت که عقوبتشان به تاخیر بیفتد صادر نشده بود حتماً نابود میشدند و البته کافران درخصوص قرآن نیز در شکّی بزرگ اند (۴۵) کسی که عمل شایسته کند به نفع خود کرده و کسی که بد کند به ضرر خود کرده و خداوند نسبت به بندگان خویش ظالم نیست (۴۶)

علم مربوط به قیامت مختص خداوند است و بسوی او برمیگردد ، و همچنین است که هیچ میوه ای از پوسته خود بیرون نمی آید مگر به علم او، و هیچ ماده ای حامله نمیشود و وضع حمل نمی کند مگر به علم او، و روزی که در روز قیامت کافران را ندا کند که شریکان من کجا هستند میگویند اعلام می کنیم که هیچیک از ما در این مورد شاهدی نداریم (۴۷) و آنچه که به دعا شریک خداوند میخواندند، از خاطرهایشان محو میشود و می فهمند گریزگاهی ندارند (۴۸)

انسان از درخواست خیر خسته نمیشود و اگر شری به او برسد فوراً نومید و مأیوس میشود (۴۹) و اگر از پسِ سختیی که به او رسیده رحمتی از جانب خویش به او

بچشانیم خواهد گفت این از آن خودم است و فکر نمی کنم قیامت بپا شود و اگر هم بســوی پروردگارم برگردم البته وضــع خوبی خواهم داشــت. پس البته کافران را از اعمالشــان خبر خواهیم داد ، و از آن عذاب پرغلظت به آنان خواهیم چشــاند (۵۰) و هنگامیکه به انسان نعمتی دادیم روی بر میگرداند و دوری میکند و وقتیکه شری به او رسید دعاهای طولانی میکند (۵۱)

بگو چه نظری دارید اگر این قرآن از جانب خدا باشد و شما به آن کفر ورزیده باشید؟ چه کسی گمراه تر خواهد بود از کسی که از حقیقت بسیار دور افتاده باشد؟ (۵۲) ای پیامبر! بزودی آیاتمان را درافق ها و همچنین در وجود خودهاشان به آنان نشان خواهیم داد تا برایشان محقق شود که آن مطالبی که قرآن مبلغ آنهاست حتماً حق است. آیا کافی نیست که پروردگارت به هر چیزی گواه است؟ (۵۳)

ای مومنان! آگاه باشید که آنها نسبت به لقاء پروردگارشان در شکی هستند و آگاه باشیدکه خداوند به هر چیز احاطه دارد (۵۴)

سوره جاثیه

بسم الله الرحمن الرحیم

حم(۱)

ای پیامبر! فرو فرستادن این کتاب از جانب خداوند عزتمند حکیم است (۲)

البته در آسمانها و زمین آیاتی برای مومنان است (۳) و در آفرینش شما و آنچه از جنبندگان که پراکند، آیاتی برای یقین داران است (۴) و در گردش شب و روز، و روزیی که خداوند از آسمان نازل کرده و بوسیله آن زمین را زنده نموده و گرداندن

بادها، آیاتی برای صاحبان عقل است (۵) این آیات خداست که بر تو میخوانیم و این کافران بعد از خدا و آیاتش به چه چیز ایمان می آورند؟ (۶)

وای بر هر دروغزن گناه پیشه ای (۷) همان کسانی که وقتی آیات خدا را که بر آنان خوانده میشود، می شنوند گردنفرازانه بر همان رفتارهای غلط خویش اصرار میورزند مثل اینکه اصلا آن آیات را نشنیده اند، لذا ای پیامبر! فعلا آنها را به عذابی دردناک مژده شان ده (۸) آنها اینطورند که اگر هم از آیات ما چیزی بدانند به مسخره اش میگیرند و عذابی خفت بار خواهند داشت (۹) پیشِ رویشان جهنّم است و نه چیزی که بدست آورده اند و نه دوستان غیر خدائی که پیدا کرده اند فایده ای برایشان نخواهند داشت (۱۰)

ای مردم! این قرآن هدایت است و کسانی که به آیات پروردگارشان کافر شده باشند عذابی از شکنجه دردناک خواهند داشت (۱۱)

خداوند همان است که دریا را برایتان رام کرد که به امر او در آن کشتی میرانید و از فضلش در آن میجوئید و شاید سپاس گویید (۱۲) و آنچه را که در آسمانها و زمین است، که همه از اوست، همگی را رام شما کرد. البته در این برای مردمی که اهل تفکرند آیاتی هست (۱۳)

ای پیامبر! به مومنان بگو با کسانی که امید به روزهای ظهور آیات خاصِ خدا ندارند مدارا کنند، تا خداوند به وقتش کسانی را برای آنچه انجام میدهند کیفر دهد (۱۴) هر کس عمل صالح کند بنفع خویش کرده و هر کس بد کند نیز همچنین. آنگاه بسوی پروردگار تان باز میگردید (۱۵)

ای پیامبر! و البته به بنی اسرائیل کتاب و حکم و پیامبری دادیم و ازچیزهای پاکیزه روزیشان نمودیم و آنها را بر مردمِ معاصرشان برتری دادیم (۱۶) و نیز دلایل روشنی درباره آن امر نبوت که مایه برتریشان بود به آنان دادیم. اما ، قدر ندانستند و اختلاف کردند و اختلاف هم نکردند مگر پس از اینکه آن علم بسویشان آمده بود و اختلافشان هم بعلت تجاوزی بود که به حقوق یگدیگر میورزیدند و البته پروردگارت بین آنها درباره موضوع مورد اختلافشان در روز قیامت داوری خواهد نمود، و در هر حال موقعیتِ عالی شان را از دست دادند (۱۷) آنگاه تو را از آبشخوری از امرِ وحی و دین برخوردار کردیم، پس پیرویش کن و از امیال کسانی که علم ندارند پیروی مکن (۱۸) آنها در قبال خداوند نمیتوانند برایت کاری کنند و ظالمان، بعضی شان دوستان بعضی دیگرند اما خداوند دوست مومنان است (۱۹) این، متضمن بصیرت هائی و هدایتی و رحمتی است، اما، فقط یقین داران از آن مایه های بصیرت استفاده میکنند (۲۰)

آیا آنانکه کارهای زشت را ترجیح میدهند خیال کرده اند آنان را مانند کسانی که ایمان و عمل شایسته دارند از لحاظ زندگی و مرگ یکسان قرار میدهیم؟ چه بد حکم میکنند (۲۱) خداوند آسمانها و زمین را به حق آفریده و این نوع تفکر و عمل، با جهانِ وجود هماهنگ نیست، بلکه ، هر کسی مطابق آن حقی که آسمانها و زمین بر اساس آن آفریده شده اند به سبب آنچه که بدست آورده اند جزا می یابند و هیچ ستمی نخواهند شد (۲۲)

ای پیامبر! آیا کسانی را که امیال خویش را خدای خویش گرفته، و بی چون و چرا از آن امیال پیروی میکنند را دیده ای؟ که همین موضوع علیرغم علمی که دارند گمراهشان کرده و بر گوش و قلبشان مهر زده و روی چشمشان پرده قرار داده؟ فکر

میکنی غیر از خدا چه کسی میتواند امثال اینان را هدایت کند؟ به امثال آنان بگو آیا پند نمیگیرید؟ (۲۳)

و میگویند زندگی ما، غیر از همین زندگی این جهانی چیز دیگری نیست، و زندگی میکنیم و میمیریم و جز روزگار نابودمان نمی کند! علمی به این چیزی که میگویند ندارند. فقط یک نوع گمانی است که میکنند (۲۴) و هنگامیکه آیات روشن ما بر آنها خوانده میشود دلیلی ندارند مگر اینکه بگویند پدرانمان را بیاورید اگر راست میگویید (۲۵)

بگو خداوند است که زنده تان میکند آنگاه شما را میمیراند آنگاه در روز قیامت که شکی در آن نیست جمعتان میکند ولیکن اکثر مردم نمیدانند (۲۶) و فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست و روزی که قیامت بپا شود در آن روز اهل باطل زیانکار خواهند بود (۲۷)

ای پیامبر! در آن روز، هر امتی را می بینی که به زانو در آمده اند. هر امتی بسوی کتابشان خوانده میشوند، به آنان خطاب میشود امروز جزای آنچه را که انجام میدادید میگیرید (۲۸) این آئین دادرسیِ ما است که به حق علیه شما سخن میگوید. البته آنچه را که قبلا انجام میدادید نسخه برداری میکردیم (۲۹) پس کسانی که ایمان آورده و عمل صالح داشته اند پروردگارشان در رحمتش داخلشان میکند و این همان پیروزی عظیم است (۳۰) اما به کافران خطاب میشود آیا آیاتم بر شما تلاوت نشده که گردنفرازی میکردید و مجرم گشتید؟ (۳۱) و وقتیکه به شما گفته شد که وعده خدا حق است و شکی درباره قیامت نیست میگفتید قیامت چیست؟ ما آن را جز گمانی نمی پنداریم و در راه کسب یقین راجع به آن نیستیم (۳۲) و در چنان موقعیتی، بدی های اعمالشان برایشان آشکار شده و آنچه را که مسخره میکردند بر آنها فرود می آید (۳۳) و به آنان گفته میشود همانطور که شما دیدار این روز را فراموش کرده

بودید ما هم امروز با شما رفتاری میکنیم که انگار شما را فراموش کرده ایم، و جایگاهتان آتش است و یاورانی ندارید (۳۴) و به آنان توضیح داده میشود که این رفتاری که امروز با شما میشود، به آن علت است که آیات خدا را به مسخره میگرفتید و زندگی دنیا فریبتان داد، پس امروز، از آن نوع رفتاری که با شما میشود، نه خارج میشوید و نه عذرتان پذیرفته میشود (۳۵) و ستایش از آنِ خداوند است که پروردگار آسمانها و زمین و پروردگار همه جهانیان است (۳۶) و در آسمانها و زمین، بزرگی فقط از آنِ اوست و همو عزتمند حکیم است (۳۷)

سوره احقاف

بسم الله الرحمن الرحیم

حم(۱)

نازل شدن این کتاب از جانب خداوند عزتمند حکیم است (۲)

آسمانها و زمین و آنچه را که بین آنهاست جز به حق و سرآمدی معین نیافریده، و کافران از آنچه هشدار داده میشوند روگردانند (۳)

ای پیامبر! به آنها بگو خبرم دهید: آنچه را که بجز خداوند میخوانید چه چیزی در زمین آفریده اند یا چه شرکتی با خداوند در آسمانها دارند؟ مدرکی از کتابی آسمانیِ قبلی یا یک دلیل علمی بیاورید اگر راست میگوئید (۴) و چه کسی گمراه تر است از کسی که چیزی را بجز خداوند به دعا بخواند که تا روز قیامت هم جوابش را نخواهد داد و اصلا از دعاء او بیخبر است (۵) و وقتی که مردم محشور میشوند دشمنش هم میشود و نسبت به عبادتش نیز منکر میگردد (۶) و هنگامیکه آیات روشنگر ما بر آنها خوانده میشود کافران به این حق که بسویشان آمده میگویند جادوئی آشکار است (۷)

بلکه میگویند آن را افترا بسته. بگو اگر افترا بسته باشم هیچکس نمیتواند در برابر خداوند برایم کاری کند. او بهتر میداند که شما دروغ میگوئید و میداند شما در چه اموری فرو میروید. همو بعنوان گواه بین من و شما بس است و همو آمرزشگر مهربان است (۸) بگو من یک پیغمبر نوظهوری نیستم و نمیدانم با من و شما چه رفتاری خواهد شد. جز این نیست که فقط وحیی را که بمن میشود پیروی میکنم و جز هشدار دهنده ای آشکار نیستم (۹) ای کافران! بمن بگوئید اگر این قرآن از جانب خدا باشد و شما به آن کفر ورزیده باشید و یک گواه از بنی اسرائیل به مثل آن گواهی دهد و ایمان بیاورد و شما گردنفرازی کرده باشید چه؟ البته خداوند قوم ظالمان را هدایت نمیکند (۱۰)

و کافران راجع به مومنان میگویند اگر خیری در این دینی که این پیامبر تبلیغ میکند بود، ما آن را تشخیص میدادیم و به پیوستن به آن از پیروان این پیامبر سبقت میگرفتیم. ای پیامبر! اینک که آنها به این دین هدایت نشده و به آن نگرویده اند این حرف را میزنند و آن را یک دروغ قدیمی قلمداد میکنند (۱۱) و قبل از آن کتاب موسی رهبر مردم و رحمتی از جانب خداوند بود و این قرآن هم تصدیق کنندهٔآن است و به زبان روشن و مفهوم نازل شده و ظالمان را هشدار و نیکوکاران را مژده میدهد (۱۲)

البته آنان که میگویند پروردگار ما خداوند است و سپس استقامت میورزند در قیامت نه ترسی خواهند داشت و نه در دنیا اندوهگین باشند (۱۳) آنها به پاداش اعمالی که میکردند اهل بهشتی خواهند بود که در آن جاودانند (۱۴)

و به انسان سفارش والدینش را کردیم که مادرش او را به حملی دشوار حمل کرده و به وضعی دشوار زائیده و حمل و از شیر گرفتنش سی ماه طول کشیده تا اینکه به رشد خویش و به چهل سالگی میرسد و در این موقعیت برخی ها میگویند پروردگارا موفقم کن که شکر نعمتت را که بمن و والدینم عطا کرده ای بجای آورم و عمل

صالحی کنم که راضی گردی و اولادم را به صلاح بیاور که من بسوی تو بازگشته ام و از مسلمین هستم (۱۵) آنها کسانی هستند که بهترین عملشان را از آنها قبول می کنیم و از بدیهایشان درمیگذریم. آنها در زمره یاران بهشت خواهند بود. این وعده راستی است که به آنها میدهیم (۱۶)

و برخی ها هم اینطورند که به والدینشان میگویند: آه. آیا بمن میگوئید که پس از گذشت قرنها از قبر خارج میشوم؟ و آنها در حالیکه به خدا پناه میبرند میگویند وای بر تو ایمان بیاور که وعده خدا حق است و او میگوید اینها چیزی جز افسانه های گذشتگان نیست (۱۷) چنین کسانی آن قول بر آنان فرود می آید. همان قولی که بر امتهای قبلی اعم از جن و انس فرود آمد که چنین کسانی زیانکارند (۱۸)

هر کس به خاطر عملش درجاتی خواهد داشت و اینکه خداوند جزای اعمالش را به طور کامل به او بدهد و از این لحاظ مورد هیچ ظلمی نخواهند شد (۱۹) و روزی که کافران بر آتش عرضه شوند به آنان گفته میشود چیزهای خوبی را که در زندگی دنیا داشتید تمام کردید و از آنها استفاده کردید. و امروز بخاطر آن گردنفرازی که به ناحق در زمین میکردید و نیز بسبب آن گناه پیشگی که می نمودید عذابی خفت بار خواهید داشت (۲۰)

ای مردم! به یاد آرید پیامبرِ قوم عاد را، آن هنگام که آنان را در سرزمین شان هشدار میداد، و سخنانی مانند پیامبران قبل و بعد خویش میگفت که: جز خداوند را عبادت نکنید که من نگرانتان هستم که مبادا آن عذابِ آن روزِ بزرگ برسرتان بیاید (۲۱) قومش گفتند: آیا بسویمان آمده ای که ما را از خدایانمان جدا کنی؟ آنچه را که به ما وعده میدهی بیاور اگر را ست میگویی (۲۲) و او گفت: علم آن نزد خدا ست و من آنچه را که به ر سالتِ ابلاغِ آن فر ستاده شده ام به شما میر سانم ولی شما را قومی جاهل می بینم (۲۳) پس وقتیکه دیدند نشانه های آن عذاب دارد بسوی بیابانهای آنها می آید میگفتند چیزی نیست، ابری است که بر ما خواهد بارید. نه! بلکه این

همان عذابی ا ست که شما به عجله آن را میخوا ستید، بادی ا ست که در آن عذابی دردناک است (۲۴) و چنین بود که آن باد به امر پروردگارش همه چیز را نابود کرد و طوری شـــد که جز خانه هایشـــان چیزی دیده نمیشـــد و ما گروه مجرمان را چنین مجازات میکنیم (۲۵) و البته به آنها قدرتهائی داده بودیم که هنوز شـــما به آن مقدار نرســـیده اید و برای آنها نیز گوش و چشـــم و دل قرار داده بودیم و گوش و چشـــم و دلشـــان به دردشـــان نخورد هنگامیکه آیات خدا را انکار میکردند، و بر ســـرشـــان آمد آنچه را که مسخره اش میکردند (۲۶)

همچنین در دور و بر شما شهر های دیگری هم بودند که همین رفتار ها را کردند، و علیرغم آن آیات متنوعی که برای پند گرفتن و به راه صـــحیح بازگشـــتن به آنها ارائه داده بودیم، لجاجت میکردند و به همان عاقبت دچار شـــدند (۲۷) پس چرا آن خدایانی که به خیال خویش شـــرکای خداوند حســـاب میکردند و به آنها تقرب می جستند کمکی به آنان نکردند؟ بلکه در آن حالِ رویت نشانه های عذاب، گوئی که آن باصطلاح خدایانشان را به کلی از یاد بردند، زیرا آن اساسا درغی بیش نبود و افترائی که بسته بودند (۲۸)

و هنگامی که عده ای از جنیان را بطرفت چرخاندیم که به قرآن گوش دهند، وقتیکه حاضر شدند، گفتند ساکت شوید و وقتیکه تمام شد بسوی قومشان برگشتند و هشدارشان میدادند (۲۹) میگفتند ای قوم! مطالب کتابی را شنیدیم که بعد از موسی نازل شده که تصدیق کننده قبل از خویش است و بسوی حق و بسوی طریقی مستقیم هدایت می کند (۳۰) ای قوم! دعوت کننده خدا را اجابت کنید و به او ایمان بیاورید تا برخی از گناهانتان را بیامرزد و از عذاب دردناک پناهتان دهد (۳۱) و کسانی که دعوت کننده خدا را اجابت نکنند نمیتوانند خدا را عاجز کنند و بجز خدا هیچ سرپرستی ندارند و در گمراهیی آشکارند (۳۲)

آیا نمی بینند که خداوندی که آسمانها و زمین را آفرید و از آفرینش آنها خسته نشده، قادراست مردگان را زنده کند؟ بلی البته او برهمه چیز تواناست (۳۳) و روزی که کافران بر آتش عرضه شوند از آنان سئوال میشود آیا این حق نیست؟ میگویند آری قسم به پروردگارمان که حق است، گوید بعلت آن کفری که میورزیدید این عذاب را بچشید (۳۴)

پس ای پیامبر! همانگونه که فرستادگانِ صاحب عزم صبر کردند تو نیز صبر کن، و در باره آنها عجله مکن. روزی که آنچه را که به آنان وعده داده میشود ببینند گویی که چیزی بیش از ساعتی از روز درنگ نکرده باشند. این یک پیام رسانی است، آیا جز قوم گناه پیشه هلاک میشوند؟ (۳۵)

سوره مؤمن

بسم الله الرحمن الرحیم

حم (۱)

فرو فرستادن این کتاب از جانب خداوند عزتمند دانا است (۲)

همان خداوندی که آمرزشگر گناه و توبه پذیر است، در پیگیری شدید، و صاحب قوت است، خدائی جز او نیست، و سرانجامِ همه چیز و همه کس بسوی اوست (۳)

غیر از کافران در آیات الهی مجادله نمی کنند، پس ای پیامبر رفت و آمد و قدرت و شوکت شان فریبت ندهد (۴)

قبل از آنها قوم نوح و گروه های بعدشان نیز تکذیب کردند و هر گروهی برای پیغمبرشان توطئه میکردند تا بگیرندش و او و پیروانش را نابود کنند، و به باطل مجادله میکردند تا حق را از بین ببرند، اما بگرفتمشان و ببینید پیگیریم چگونه بود؟ (۵)

حکم پروردگارت بر کافران اینگونه فرود میآید و آنها علاوه بر عقوبت این دنیائی اهل آن آتش هم هستند (۶)

ملائکه ای که در مرکز کنترل و هدایت جهان خدمت میکنند، و اطرافیانشان، پروردگارشان را به ستایش تسبیح میکنند و به او ایمان دارند و برای مومنان درخواست رشد می کنند و میگویند پروردگارا! وسعت علم و رحمت تو همه چیز را فرا گرفته، پس توبه کاران را که راه توصیه شدهء تو را میروند ببخش و آنها را از عذاب جهنم حفظ فرما (۷) پروردگارا! آنها و شایستگانِ پدران و همسران و فرزندانشان را به آن بهشتهای جاودان که وعده شان دادی درآر، که عزتمند حکیمی (۸) و از بدیها حفظشان کن و کسی را که تو از بدیها حفظش کنی در آنروز مورد لطف و رحمتت است و آن همان پیروزی بزرگ است (۹)

در قیامت کافران را ندا میدهند: ای کسانیکه کفر ورزیدید! البته خشم خداوند از خشمتان برخودتان بزرگتر است، زیرا به ایمان دعوت میشدید اما کفر می ورزیدید (۱۰) میگویند پروردگارا! دوبار ما را میراندی و دوبار زنده مان کردی. به گناهانمان معترفیم. آیا برای خروج از این موقعیت راهی داریم؟ (۱۱) به آنان گفته میشود این موقعیت تان به آن سبب است که وقتی خداوند به تنهائی خوانده میشد کفر میورزیدید و اگر با او شریک قرار میدادند قبول می کردید. اینک، همانطور که می بینید حکم ازآنِ خداوند بلند مرتبه است (۱۲)

ای مردم! از کسانی که به چنان وضعیتی دچار خواهند شد مباشید و همواره توجه کنید که اوست که آیاتش را به شما مینمایاند و از آسمان برایتان روزیی میفرستد، و البته فقط کسانی که توبه و بازگشت میکنند پند میگیرند (۱۳)

پس ای مردم! خداوند را در حالیکه دین خویش را برای او خالص کرده اید بخوانید حتی اگر کافران بدشان بیاید (۱۴)

خداوند همان کسی است که بلند مرتبه صاحب عرش است که روح را از امر خویش به هر کس از بندگانش که لیاقت داشته باشد به وحی میفرستد، تا به آن روزِ دیدار هشدار دهد (۱۵) روزی که همه چیز ها نمایان شود، که چیزی از آنها بر خداوند پوشیده نیست. در آن روز به همگان خطاب میشود که امروز فرمانروایی از آن کیست؟ و همگی جواب خواهند داد از آنِ خداوندِ یگانه مقتدر است (۱۶) و در آن روز اعلام میشود امروز هر کسی به آنچه که کرده پاداش داده میشود، و هیچ ظلمی نخواهد بود، که خداوند در حساب سریع است (۱۷)

ای پیامبر! راجع به آن روز که نزدیک خواهد شد هشدارشان ده. هنگامی که جان به گلوگاه میرسد، خشم خود را فرو میخورند، در آن موقعیت ظالمان هیچ حمایت کننده ای و هیچ شفاعت کننده ای که سخنش پذیرفته شود نخواهند داشت (۱۸) ای مردم! بدانید که خداوند حتی به نگاه های زیر چشمی تان و آنچه در دلها میگذرانید نیز آگاه است (۱۹) خداوند به حق قضاوت میکند ولی آنهائی که برخی از مردم به خطا غیر از او عبادت میکنند هیچگونه تاثیری ندارند، ای مردم! بدانید که خداوند شنوای بیناست (۲۰)

ای پیامبر! آیا اینان در زمین نمیگردند تا ببینند عاقبت پیشینیانشان چه شد؟ همانها که از اینان، هم قوی تر بودند، و هم آثار بیشتری بجا گذاشتند، اما خداوند بسبب گناهانشان بگرفتشان و کسی نبود که در مقابل خداوند بتواند برایشان کاری کند (۲۱) و البته حقشان هم همین بود، زیرا پیغمبرانشان با دلایل روشن بسویشان می آمدند اما آنها کفر میورزیدند و خداوند هم میگرفتنشان که او قوی و در پیگیری شدید است (۲۲)

و موسی را نیز با آیاتمان و دلایل روشن فرستادیم (۲۳) بسوی فرعون و هامان و قارون. اما گفتند او جادوگری بسیار دروغگو است (۲۴) و هنگامیکه با حقی از جانب ما بسویشان رفت گفتند هر کس که به او ایمان آورد پسرانشان را بکشید و زنان و دخترانشان را نگهدارید و البته این حیله آن کافران به نتیجه نرسید و نتوانستند چنان کنند (۲۵) و فرعون به مجلس حکومتی خویش گفت بگذارید موسی را بکشم، تا پروردگارش را بخواند، زیرا میترسم آئین شما را تغییر دهد، یا در زمین آن فساد را بوجود بیاورد (۲۶) و موسی گفت پناه میبرم به پروردگارم که پروردگار شما هم هست از هر متکبری که به روز حساب ایمان ندارد (۲۷)

و شخصی از فرعونیان، که ایمانش را پنهان میداشت، گفت آیا مردی را فقط به این خاطر که میگوید پروردگارم خداوند است، و تازه از جانب پروردگارتان دلائل روشنی هم برایتان آورده است، میکشید؟ تازه اگر دروغگو هم باشد همان دروغ کارش را میسازد، اما اگر راست بگوید بعضی از آن چیزهایی که ادعا میکند به شما میرسد. البته خداوند هیچ اسرافکارِ دروغگویی را هدایت نمیکند (۲۸) ای مردم امروز شما در این سرزمین غالبید. اما اگر خشمِ خدائی بسویمان بیاید چه کسی کمکمان میکند؟

فرعون گفت رأی من همین است که گفتم و شما را جز به راه رشد هدایت نمیکنم (۲۹)

و آن مومن گفت: ای مردم میترسم بر سر شما همان بیاید که بر سر آن گروه های پیشین آمد (۳۰) مثل آن روشی که با قوم نوح و عاد و ثمود و بعدی ها رفتار شد و البته خداوند خواستار هیچ ظلمی نسبت به بندگانش نیست (۳۱) ای مردم برای شما از روز قیامتی که مردم همدیگر را صدا میزنند میترسم (۳۲) روزی که روی برمیگردانید و میگریزید. اما از عذاب خدا هیچ پناهگاهی نخواهید داشت و کسی را که خداوند گمراه کند هیچ هدایت کننده ای نخواهد داشت (۳۳)

و قبلا هم یوسف با دلایل روشن بسویتان آمده بود اما شما همواره در شک بودید تا اینکه هلاک شد. آنگاه گفتید خداوند هرگز پس از او پیغمبری بر نخواهدگزید و خداوند هر اسرافگر شکاکی را چنین گمراه میکند (۳۴) همانها که در آیات خدا بدون دلیلی که به سویشان آمده باشد مجادله می کنند. که این سببِ بوجود آمدن خشم بزرگی نزد خداوند و مومنان است. چنین است که خداوند بر قلب هر متکبر جباری مُهر میزند (۳۵)

و فرعون گفت ای هامان برایم قصر بلندی بساز شاید به آن اسباب برسم (۳۶) همان اسباب آسمانها. تا اینکه به خدای موسی اِشراف پیدا کنم. چونکه گمان میکنم دروغگو باشد
و چنین بود که عمل زشت فرعون برایش زیبا جلوه داده شد و او را از راه درست بازداشت و حیله فرعون مگر در جهت نابودیش عمل نکرد (۳۷)

و آن مومن گفت ای مردم مرا پیروی کنید تا شما را به راه رشد هدایتتان کنم (۳۸) ای مردم جز این نیست که این زندگی دنیا برخورداریی اندک است اما آخرت خانه قرارگاه همیشگی است (۳۹) هر کس که عمل بدی کند فقط به مثل آن مجازات میشود اما هر کس که عمل شایسته ای کند چه زن باشد و چه مرد، و ایمان هم داشته باشد، داخل بهشت میشود که در آن بی حساب روزی خواهد داشت (۴۰) ای مردم! چه تان شده که من شما را به سوی نجات دعوت میکنم اما شما مرا به سوی آتش

میخوانید؟ (۴۱) مرا میخوانید که به خداوند کفر ورزم و چیزی را که علمی به آن ندارم با او شریک کنم و من بسوی آن عزتمند آمرزشگر دعوتتان میکنم (۴۲) چیزی که هست این است که آنچه شما مرا به آن میخوانید، نه در دنیا و نه در آخرت شایستگیی ندارد، و بازگشتگاه همگی بسوی خداوند است و اسرافگران هم یاران آتشند (۴۳)

البته بزودی بیاد خواهید آورد که چه به شما میگفتم. و من البته کارم را به خداوند واگذار میکنم که خداوند به بندگانش بینا است (۴۴) پس خداوند از بدیهای آنچه که راجع به او حیله میکردند حفظش کرد و آن عذابِ بد بر آل فرعون فرود آمد (۴۵) آن آتش، صبحگاهان و شامگاهان بر آنها عرضه میشود و روزی هم که قیامت بپا شود ندا میشود آل فرعون را به عذاب شدید داخل کنید (۴۶)

ای مردم! هنگامی را درنظر بیاورید که کافران در آتش مجادله میکنند و ضـــعفاء به گردنکشـان میگویند ما تابع شـما بودیم آیا حالا چیزی از آتش را از ما رفع میکنید؟ (۴۷) گردنک شان میگویند ما همگی با هم در آن ه ستیم. این خداوند ا ست که بین بندگان حکم کرده اســت (۴۸) و همگی آنها که در آتش هســتند به نگهبانان جهنم میگویند از پروردگارتان بخواهید یک دوره از عذاب را بما تخفیف دهد (۴۹) میگویند آیا پیغمبرانتان با دلیل های روشـــن بســـویتان نیامدند؟ میگویند بلی. آنها به طعنه میگویند پس خودتان از آن خدایانتان که در دنیا عبادتشـــان میکردید بخواهید که برایتان چنین کنند. و البته خواستن کافران، در آن شرایط بی فایده است (۵۰)

البته ما پیغمبران خویش و نیز کســـانی را که در زندگی دنیا ایمان آوردند در روزی که گوا هان به گواهی بپا میخیز ند یاری میکنیم (۵۱) روزی که معذرت خواهی ظالمان سودشان نمیدهد و لعن و سرای بد خواهند داشت (۵۲)

ما به موســـی آن هدایت و به بنی اســـرائیل نیز آن کتاب را دادیم (۵۳) که حاوی

هدایت و پندی برای خردمندان است (۵۴)

پس ای پیامبر! بر م شکلات ر سالتت صبر کن. وعده خداوند البته حق ا ست و برای خطاهایت ا ستغفار کن و پروردگارت را صبحگاهان و شامگاهان به ستایش ت سبیح گوی (۵۵)

ای پیامبر! آنانکه بدون اینکه دلیلی بسویشان آمده باشد در آیات خدا مجادله میکنند جز این نیست که در دلهاشان تکبری هست. آنها به دلخواه خویش نمیرسند. پس به خدا پناه بر که او شنوای داناست (۵۶)

البته آفرینش آســمانها و زمین از آفرینش مردم مهم تر اســت ولیکن اکثر مردم نمیدانند (۵۷) و کور و بینا، و نیز آنانکه ایمان و عمل صالح دارند و بدکاران، م ساوی نیستند، ای کافران! چقدر پند پذیری تان کم است (۵۸) البته قیامت حتما می آید و شکی در آن نیست، ولیکن اکثر مردم ایمان ندارند (۵۹)

ای پیامبر! به مردم بگو پروردگارتان گفت فعلا عبادتتان این باشد که مرا صمیمانه صداکنید تا اجابتتان کنم. آنانکه از عبادتم گردنفرازی می کنند بزودی بخواری داخل جهنم خواهند شد (۶۰) من همان کسی هستم که شب را برایتان مایه آرامش و روز را روشنی بخش ساخت. و البته نسبت به مردم بخشنده است لیکن اکثر شان شکر نمیگزارند (۶۱) من که چنینم، خداوندِ پروردگارتانم. همه چیز را آفریده ام. خدائی جز من نیست. پس به کجا منحرف میشوید (۶۲)

علت اینکه بعضی ها اینقدر منحرف میشوند در اثر این است که به آیات خداوندی دشمنی میکنند (۶۳)

خداوندتان است که زمین را برای شما قرارگاه و آسمان را بنا کرد و شما را صورتگری و صورتهایتان را نیکو نمود و از چیزهای خوشایند روزیتان داد. این خداوندِ پروردگارتان است. چه پر فایده است پروردگار جهانیان (۶۴) زنده است. خدائی جز او نیست. پس او را در حالی که دین خویش را برای او خالص می کنید به دعا بخوانید. ستایش مخصوص اوست که پروردگار جهانیان است (۶۵)

ای پیامبر! بگو نهی شده ام آنهایی را که شما غیر از خدا میخوانید عبادت کنم. آنهم پس از اینکه این دلیلهای روشن از سوی پروردگارم به سویم آمده، بلکه مأمور هستم که تسلیم پروردگار جهانیـــان باشم (۶۶)

همو که شما را از خاک آفرید، سپس از نطفه ای، و سپس ازعلقه ای، و سپس بصـــورت طفلی در آورد، سپس به حدی از قوت، و سپس تا به پیری میرسید. بعضی از شما قبل از آن و بقیه تا سرآمدی معین فوت می نمائید و شاید تعقل کنید (۶۷) هموست که زنده میکند و میمیراند. و هنگامی که امری را بگذراند جز این نیست که به آن میگوید « باش» و سپس آن میشود (۶۸)

ای پیامبر! آیا ندیدی کسانی که در آیات خدا مجادله میکنند به کجا منحرف میشوند؟ (۶۹) همانها که آن کتاب و آنچه رسولانمان برای ابلاغ آن آمده اند را تکذیب می کنند و بزودی خواهند فهمید (۷۰)

وقتی که غل ها و زنجیرها بر گردنهایشان قرار گرفت و کشیده شدند (۷۱) در آب جوشان، آنگاه در آتش بیفتادند (۷۲) آنگاه به آنها گفته میشود کجا هستند آن چیزهائی که غیر خدا شریک میگرفتید (۷۳) میگویند گمشان کردیم. بلکه قبلا هم چیزی را به شرک نمیخواندیم. خداوند کافران را چنین گمراه میکند (۷۴) به آنها گفته میشود این به آن سبب است که شما در زمین به ناحق شادی میکردید و در آن

شادی ناحق افراط هم میکردید (۷۵) اینک داخل درب های جهنم شوید که در آن جاودان خواهید بود و جایگاه متکبران چه بد است (۷۶)

و خودت هم ای پیامبر صبر کن. وعده خداوند البته حق است. پس، چه برخی از آنچه را که به آنان وعده میدهیم به تو نشان دهیم، و چه تو را بوسیله وفات دریابیم، در هر حال آنها بسوی ما باز میگردند (۷۷) و البته رسولانی قبل از تو فرستادیم. از میان آنها قصه کسانی را برایت گفتیم وقصه کسانی را هم نگفتیم وهیچ رسولی را نمیرسد که جزبه فرمان خدا معجزه‌ای بیاورد. پس وقتیکه امر خدا آمد بین آنها به حق قضاوت خواهد شد و در آن هنگام اهل باطل زیانکار خواهند بود (۷۸)

خداوند است که چارپایان را برایتان قرار داد که از آنها سواری بگیرید و نیز از آنها بخورید (۷۹) و در آنها منافعی دارید و بوسیله آنها به حوائجی که دارید میرسید و بر آنها و بر کشتی ها سوارمی شوید (۸۰) وخداوند اینگونه آیاتش را به شما می نمایاند. پس کدامیک از آیاتش را انکار می کنید؟ (۸۱)

ای پیامبر! آیا در زمین نگشتند تا ببینند عاقبت پیشینیان چگونه بوده؟ همانها که از اینها زیادتر بودند و قدرتشان و آثاری هم که از خود بجا گذاشته بودند بیشتر بود. و آنچه بدست آورده بودند کمکی به آنها نکرد (۸۲) و هنگامیکه رسولانشان با دلایل روشن بسویشان آمدند، به علم و قدرت ناچیزی که نزد خویش داشتند می نازیدند، اما آنچه که مسخره میکردند بر آنها فرود آمد (۸۳) اما هنگامیکه سختیِ ما را دیدند گفتند به خدای واحد ایمان آوردیم و به آنچه شرک میورزیدیم کافریم (۸۴) ولی ایمانشان، پس از اینکه سختی ما را دیدند، کمکی به آنها نمیکند. و در آن هنگام کافران زیانکار خواهند بود، این سنت خداست که درباره بندگانش قبلا مقرر شده است. (۸۵)

سوره یس

بسم الله الرحمن الرحیم

یس (۱)
قسم به قرآن پر حکمت (۲) که تو حتماً از فرستادگان الهی میباشی (۳) که بر جاده ای مستقیم قرار داری (۴) با قرآنِ فرو فرستاده آن خدای پیروزمند مهربان (۵)

تا هشدار دهی مردمی را که به پدرانشان هشدار داده نشد و آنها غافلند (۶) البته آن قانون الهی بر اکثرشان فرود آمد و آنها ایمان نمی آورند زیرا در نپذیرفتن پیام تو لجبازی میکنند و بالاخره شکست میخورند (۷) آنها گرفتارانی هستند که گوئی در گردنهایشان غُل هائی باشد که تا چانه هایشان را هم گرفته باشد که دیگر نتوانند گردنهاشان را تکان دهند (۸) و جلویشان و پشت سرشان نیز سّدی قرار داشته باشد که دیگر نتوانند ببینند (۹) و با این حالی که اینها دارند برایشان فرقی نمیکند که هشدارشان بدهی یا ندهی در هر حال ایمان نخواهند آورد (۱۰)

جز این نیست که تو فقط موفق به تاثیر هشدار در کسانی میشوی که از آن پندها که در قرآن است پیروی کنند و بطور نهانی از خداوند رحمان بیم داشته باشند، و لذا آنها را به آمرزشی و پاداشی گرامی مژده شان ده (۱۱)

البته ما همگان را پس از مرگ زنده میکنیم و حساب آنچه را که از پیش برای زندگی اخروی خویش فرستاده اند و همچنین حساب آثارشان را داریم و همه چیز را در جایگاهی مهم به دقت شماره میکنیم (۱۲)

ای پیامبر! برای لجبازان مخالفِ رسالتت مثالی از شهروندانی که آن فرستادگان بسویشان آمده بودند بزن (۱۳) هنگامی که آن دو نفر را بسویشان فرستادیم و تکذیبشان کردند آنگاه آنها را با نفر سوم تقویت کردیم و گفتند ما بسوی شما فرستاده

شده ایم (۱۴) آنها گفتند شما جز بشری مانند خودمان نیستید و خداوند بخشنده هم هیچ چیزی نفرستاده و شما هم دروغ میگوئید (۱۵) آن رسولان گفتند پروردگارمان میداند که ما بسویتان فرستاده شده ایم (۱۶) و بر عهده ما جز پیام رسانیِ آشکار نیست (۱۷) گفتند شما را به فال بد گرفتیم. اگر بس نکنید حتماً سنگسارتان می کنیم و از جانب ما عذابی دردناک به شما خواهد رسید (۱۸) گفتند فال بد زدن خرافه ای است که از جانب خودتان است، آیا این رفتاری است که هنگام پند گرفتن می کنید؟ بلکه شما اسرافگرید (۱۹) و مردی از دورترین نقطه شهر شتابان بسوی آنان آمد و گفت ای مردم فرستادگان خدا را پیروی کنید (۲۰) کسانی را که خودشان هدایت شده هستند و از شما مزدی هم نمیخواهند (۲۱) و در باره خویش گفت که من به آنان ایمان آورده ام زیرا چرا خداوند را که خلقم کرده عبادت نکنم؟ و او کسی است که هم من وهم شما بسوی او باز میگردید (۲۲) آیا مانند شما بجز او خدایانی بگیرم که اگر خداوند رحمان خواست مرا به ناراحتی بیندازد، نه شفاعتشان فایده ای به حالم داشته باشد و نه بتوانند نجاتم دهند؟ (۲۳) در آنصورت در گمراهیی آشکار خواهم بود (۲۴) پس شاهد باشید که من به پروردگار واقعی تان که خداوند باشد ایمان آورده ام (۲۵) اما آن مردم اورا کشتند

و پس از قتل او به او خطاب شد: داخل بهشت شو و او با حسرت میگفت: کاش قومم میدانستند (۲۶) که پروردگارم چگونه مرا آمرزید و مرا از گرامی ها قرار داد (۲۷) و پس از او بر آن قوم هیچ لشکری از رحمت های الهی از آسمان نفرستادیم و اصلاً در قصد آن که فرستنده چنین چیزی باشیم نبودیم (۲۸) و بلکه آنچه فرستادیم جز صدایی بسیار بلند نبود و آن قوم ناگهان نابود شدند (۲۹) افسوس بر آن قوم! زیرا که هیچ رسولی بسویشان نیامد مگر اینکه مسخره اش میکردند (۳۰) آیا آن مردم از سرنوشت اقوام پیشین که به هلاکت دستجمعی دچار شده بودند و دیگر کسی امکان دسترسی به آنان ندارد آگاه نبودند؟ (۳۱) و البته همگی آنها در قیامت نزد ما احضار خواهند شد (۳۲)

و برای آنها نشانه ای است که زمین مرده را با بارش باران بهاری زنده میکنیم و از همان زمین دانه بیرون می آوریم که از آن میخورند (۳۳) و باغهائی از درختهای خرما و انگور در آن قرار میدهیم و در میان آن چشمه هائی میشکافیم (۳۴) تا از نتیجه این نعمت ها و یا تغییراتی که در آنها میدهند و چیزهای جدیدی به وجود می آورند بخورند، آیا شکر نمی گزارند؟ (۳۵) منزه است کسی که تمامی جفتها را آفرید چه از آنچه از زمین میروید و چه از خودهاشان و چه از چیزهائی که نمی دانند (۳۶) و این هم برایشان نشانه ای است که روز را از شب بیرون میکشیم و آنگاه در تاریکی قرار میگیرند (۳۷) و نیز اینکه خورشید بسوی قرارگاه خویش در جریان است نیز نشانه دیگری است از علم و قدرت ما، این ها نمونه هایی از تقدیرات ما است که پیروزمندِ دانائیم (۳۸) و برای ماه نیز منزل هائی مقرر کرده ایم تا اینکه پس از طی آنها وقتی که به انتهای دوره ماهانه خویش رسید به شکل خمیده ای چون شاخکی خشک، مانند هسته خرما، به نظر آید (۳۹) نه خورشید را میرسد که ماه را دریابد و نه شب از روز سبقت میگیرد و هریک در مداری شناورند (۴۰) و نیز برایشان نشانه ای است که اولادشان را در کشتیی ها حمل می کنیم (۴۱) و برایشان مانند آن را از حیوانات آفریدیم که سوارش میشوند (۴۲) و اگر بخواهیم کشتی ها را غرق می کنیم در آنصورت نه فریادرسی خواهند داشت و نه کسی که نجاتشان دهد (۴۳) مگر اینکه رحمتی از جانب ما بصورتی دیگر بفریادشان برسد که تا مدتی برخوردار باشند (۴۴)

و هنگامیکه به آنان گفته شود درباره آنچه در آیندهء قیامتیِ خویش خواهید داشت، و نیز از نتایج کارهای نامقبولی که در گذشته کرده اید پروا کنید شاید مورد رحمت واقع شوید، ناراحت میشوند (۴۵) و هیچ آیه ای از آیات پروردگارشان به آنان نمیرسد مگر اینکه از آن روی میگردانند (۴۶) و هنگامی که به آنان گفته شود از آنچه خداوند روزیتان کرده به فقرا بخشش کنید، به مومنان می گویند آیا کسی را غذا دهیم که اگر خدا می خواست خودش غذایش میداد؟ شماها در گمراهیی آشکارید (۴۷) و میگویند این وعده قیامت که صحبتش را می کنید کی است اگر راست میگویید؟ (۴۸)

با این سخنشان گوئی دعوت کنندهء چیزی میشوند که جز یک فریاد مهیب نیست که در همان حالی که دارند بگو مگو می کنند، ممکن است فراگیرشان شود (۴۹) که نه فرصت خواهند داشت وصیتی کنند و نه بسوی اهل خویش برگردند (۵۰) و بهتر است نگران روزی باشند که در آن شیپور آسمانی دمیده میشود تا فوراً از قبرهاشان بسوی پروردگارشان بتندی روان شوند (۵۱) در آن حال خواهند گفت وای بر ما چه کسی ما را از خوابگاه مان برانگیخت؟ جواب خواهند شنید که این همان وعده خداوند است و پیامبران نیز راست میگفتند (۵۲) آن جز فریاد بلندی نخواهد بود و آنها ناگهان همگی در پیشگاه حق حاضر خواهند بود (۵۳) در آن هنگام به آنان خطاب میشود امروز به هیچ کس ظلمی نمیشود و فقط جزای اعمالی را که انجام میدادید دریافت میکنید (۵۴)

البته بهشتیان در آن روز مشغولیت های لذت بخشی خواهند داشت (۵۵) خودشان و همسرانشان در سایبان هائی بوده و بر تخت هائی تکیه خواهند زد (۵۶) در آنجا میوه هائی و نعمت هایی دیگر که بخواهند برایشان فراهم خواهد بود (۵۷) واز آن مهمتر، پیامی اطمینان بخش از جانب پروردگار مهربان شان خواهند داشت (۵۸)

آنگاه به برخی خطاب میشود ای گناهکاران! اینک از سایر مردم جدا شوید (۵۹) به آنان عتاب میشود که ای آدمیان! مگر قرار نبود پیروی شیطان نکنید که او دشمن آشکارتان است؟ (۶۰) و اینکه فقط مرا اطاعت کنید که جاده مستقیم همین است؟ (۶۱) و البته شیطان گروههای زیادی از شما را گمراه کرد آیا تعقل نمی‌کردید؟ (۶۲) این همان جهنمی است که به شما وعده داده میشد (۶۳) امروز بسبب کفری که میورزیدید به آن درآئید (۶۴)

در آن روز بر دهانهایشان مُهر میخورد و دستهایشان به سخن درمیآیند و پاهایشان گواهی میدهند که چه انجام میداده اند (۶۵)

و اگر خداوند میخواست میتوانست بینائی شان را در همین دنیا از بین ببرد و در آنصورت نمیتوانستند راه مطمئن را بیابند (۶۶) و نیز اگر میخواست در همان موقعیتی که بودند مسخ شان میکرد که نه راه پیش و نه راه پس داشته باشند (۶۷) ای مردم! آیا تعقل نمیکنید که که کسی را که عمر طولانی به او میدهیم از لحاظ خلقت واژگونه اش می کنیم؟ (۶۸)

آیا توجه ندارید که به او که پیامبرتان است شعر نیاموختیم و درخور او هم نیست؟ بلکه آن قرآنی که به او وحی کرده ایم چیزی جز پندی و خواندنیی روشن نیست؟ (۶۹) تا هر که را که زنده است هشدار دهد و آن حکم هم بر کافران فرود آید؟ (۷۰)

آیا ندیدید که ما به قدرت خویش برایتان چارپایانی آفریده ایم که مالک آنها میشوید؟ (۷۱) و آنها را رام تان کرده ایم که هم از آنها سواری میگیرید و هم از آنها میخورید (۷۲) و در آنها منافع و نوشیدنی هائی هم دارید آیا شکر نمیگزارید؟ (۷۳)

با وجود همه اینها غیر از خداوند خدایانی برگرفتند با این خیال که یاری شوند (۷۴) آنها نمیتوانند اینها را یاری کنند اما اینها خودشان سرباز حاضر بخدمت آنها میشوند (۷۵) پس ای پیامبر! سخن آنها اندوهگینت نکند ما خودمان آنچه را که آشکار یا پنهان میکنند میدانیم (۷۶)

ای پیامبر! آیا انسان ها نمیدانند که آنان را از نطفه آفریده ایم که چنین آشکارا دشمنی میکند؟ (۷۷) و برای ما مثلی میزنند و میگویند چه کسی استخوان پودر شده را زنده میکند؟ (۷۸) بگو همان کسی که اول بار زنده اش کرده! و او بر هر آفرینشی داناست (۷۹)

همو که از درخت سبز برایتان آتشی قرار داد و شما آنرا برمی افروزید (۸۰) آیا کسی که آسمانها و زمین را آفریده، قادر نیست مانند آن انسان ها را بیافریند؟ بلی و همو آفریننده ای بسیار داناست (۸۱) امرش وقتی که اراده چیزی کند فقط میگوید باش وآن میشود (۸۲) پس منزه است کسی که سررشته همه چیز بدست اوست و بسوی او باز میگردید (۸۳)

سوره شوری

بسم الله الرحمن الرحیم

حم (۱) عسق (۲)

ای پیامبر! چنین وحی میکند خداوند عزیزحکیم بسویت و بسوی کسانی که قبل از تو بوده‌اند (۳)

آنچه که در آسمانها و زمین است از آن اوست و همو والامرتبه بزرگ است (۴) نزدیک است آسمانها از فراز سر این کافران بشکافد و ملائکه، در عین حال، به ستایش پروردگارشان تسبیح میگویند و برای زمینیان نیز استغفار میکنند، که ای مردم بدانید خداوند آمرزنده مهربان است (۵)

آنانکه غیر از او سرپرستانی برگرفته اند، خداوند مراقب آنان است، و تو ای پیامبر! مسئول آنها نیستی (۶)

چنین است که قرآنی دارای زبان روشن به تو وحی کردیم تا مردمِ مرکز و اطراف آن را هشدار دهی، و نیز در مورد روزِ جمع شدن در قیامت که شکی در آن نیست هشدارشان دهی، و اینکه عده ای در بهشت و عده ای در آتش سوزان خواهند بود خبردارشان کنی (۷)

البته اگر خدا میخواست همه را یکجور قرار میداد و همه هدایت میشدند لیکن اینطور نیست، تا هرکس باطن خویش را نشان دهد تا معلوم شود که خداوند هر را که در رحمتش داخل میکند و ظالمان را که وامیگذارد حقشان است و البته ظالمان هیچ سرپرست و یاوری نخواهند داشت (۸)

آیا این کافران غیر از خداوند سرپرستانی برگرفته اند؟ حال آنکه خداوند سرپرست واقعی همه است و همو مردگان را زنده میکند و هموست که بر هر چیزی تواناست؟ (۹)

ای مردم! اگر درباره چیزی اختلاف کردید، حکم صحیحش نزد خداوند است. ای پیامبر! بگو این همان خدائی است که پروردگار من است و بر او توکل میکنم و بسوی او باز میگردم (۱۰) که آفریننده آسمانها و زمین است. و اوست که از جنس خودتان برایتان همسرانی آفرید و چارپایان را نیز بصورت جُفت هایی قرار داد و شما را در این جهان ریخته، چیزی مانند او نیست و همو شنوای بیناست (۱۱) کلید های آسمانها و زمین از آن اوست. برای هر کس که بخواهد روزی را میگشاید یا به اندازه میدهد که او بر هر چیزی داناست (۱۲)

ای پیامبر! همو از دیانت ها برای شما تشریع کرد، آنچه را که نوح را به آن سفارش کرد، و آنچه را که به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کرد، که همان را هم به تو وحی نمودیم، که به مردم بگوئی دین را بپا دارید و درباره آن به تفرقه نگرائید. برای مشرکان گران است آنچه را که بسویش میخوانی. خداوند هر که را که لایق باشد به راه خویش برمیگزیند و کسی را که توبه و بازگشت کند بسوی خویش هدایـت میکند (۱۳)

و اقوام گذشته از راه حق متفرق نمی شدند مگر پس از اینکه شناخت حق را پیدا

میکردند، اما به خاطر قصد تجاوزی که به دیگران داشتند حق را زیر پا میگذاشتند، و اگر اینطور نبود که قانونی از جانب پروردگارت قبلا صادر شده بود که تا سرآمدی معین مهلتشان دهد، البته حتما نابودشان میکرد، و سپس کسانی جایگزین آنها شدند، که در اثر عمل پیشینیان خویش در شکی گمراه کننده افتاده بودند (۱۴) پس، تو ای پیامبر! به این خاطر اینان را به حق و هدایت دعوت کن و در آنچه که مأمور شده ای استقامت ورز و امیال آنان را پیروی مکن و بگو به هر کتاب آسمانی که خداوند فرو فرستاده است ایمان آورده ام و مأمورم که بین شما عدالت کنم. خداوند پروردگار ما و شماست. اعمالمان برای ما و اعمال شما برای خودتان است و هیچ حجتی تمام نشده بین ما و شما نیست. خداوند ما را در قیامت گرد می آورد و سرانجامِ همه چیز بسوی اوست (۱۵) و کسانیکه درباره خداوند، پس از اینکه دعوت وی پذیرفته شد، مجادله میکنند، دلیلشان نزد پروردگارشان زایل است و غضبی علیه آنهاست و عذابی شدید خواهند داشت (۱۶)

خداوند است که کتاب را به حق و نیز ترازو را فرستاد و چه میدانی شاید قیامت نزدیک باشد (۱۷) آنهائی که به آن ایمان ندارند راجع به آن عجله میکنند و میگویند آن را بیاورید اگر راست میگوئید، و اما آنهائی که ایمان دارند میدانند حق است و از آن دلهره دارند و البته آنهائی که درباره قیامت مجادله میکنند در گمراهیی دور هستند (۱۸)

خداوند به بندگانش لطیف است. هر که را خواهد روزی میدهد و همو قوی عزتمند است (۱۹) هر کس که کشت آخرت را بخواهد در کشت او زیادت میدهد و هر کس که کشت دنیا را بخواهد از آن به او میدهد و او در آخرت نصیبی نخواهد داشت (۲۰)

ای کافران! آیا شرکائی دارید که برایتان خلاف آنچه خداوند میگوید دینی تشریع کرده اند؟ بدانید که اگر حکم فیصله بخش سابقِ خداوندی نبود حتماً بین شما قضاوت میشد و البته ظالمان عذابی دردناک میداشتند (۲۱) ای پیامبر! ظالمان را خواهی دید که از نتیجه اعمالشان نگرانند و البته همان چیزی که مایه نگرانی شان است بر آنها

واقع میشود و دارندگان ایمان و عمل صالح در باغهای بهشتی خواهند بود و نزد پروردگارشان آنچه بخواهند خواهند داشت. این همان برتری بزرگ است (۲۲) این همان چیزیست که خداوند مژده اش را به بندگانش که ایمان و عمل صالح دارند میدهد. ای پیامبر! بگو من مزدی از شما نمیخواهم جز اینکه آدمهای خوبی بشوید و در باره نزدیکانتان دوستی و نیکی کنید، و اگر کسی نیکیی کند، در آن نیکیی که کرده پاداشی میافزائیمش که خداوند آمرزشگر شکرگزار است (۲۳) ای پیامبر! اینکه میگویند بر خدا افترا بسته ای، بدانند که اگر خدا بخواهد بر قلبت مهر میزند و آن را از کار می اندازد، و خداوند باطل را محو و حق را بوسیله کلماتش محقق میکند. البته او به آنچه در دلها میگذرد آگاه است (۲۴)

و هموست که توبه را از بندگانش میپذیرد و از بدی ها درمیگذرد و میداند چه میکنید (۲۵) و کسانی را که ایمان و عمل صالح دارند اجابت نموده و از فضل خویش بر آنها می افزاید و کافران عذابی شدید خواهند داشت (۲۶) و اگر خداوند روزی را بر بندگانش گشاده گرداند حتماً در زمین طغیان می کنند ولیکن به اندازه ای که بخواهد فرو میفرستد که او به بندگانش آگاه و بیناست (۲۷) و هموست که پس از نومیدیِ مردم باران را فرو میفرستد و رحمتش را پخش میکند و همو دوست و سرپرست ستوده است (۲۸) و از نشانه های اوست آفرینش آسمانها و زمین و آنچه از جنبندگان که در آن دو گسترانید و همو هر وقت که بخواهد نسبت به جمع کردن آنها تواناست (۲۹) و آنچه به شما اصابت کند نتیجه اعمال خودتان است و بسیاری را هم عفو میکند (۳۰) و شما نمیتوانید خداوند را عاجز کنید و غیر از خداوند سرپرست و یاریگری ندارید (۳۱) و از نشانه های اوست کشتی های حرکت کننده در دریاها که مانند کوه ها به نظر می آیند (۳۲) اگر بخواهد باد را ساکن میکند و آن کشتی ها بر روی آب ساکن میمانند، و در این برای هر صبر پیشهء شکر گذاری نشانه هائی است (۳۳) یا بسبب آنچه کرده اند نابودشان میکند و خیلی از گناهان را هم عفو مینماید (۳۴) و نیز اینکه، تا آنهائی که در آیاتمان جدال میکنند بدانند گریزگاهی ندارند (۳۵)

ای مردم! آنچه به شما داده شده متاع زندگی دنیاست و آنچه نزد خداست برای آنانکه ایمان آورده و به پروردگارشان توکل میکنند بهتر و پایدارتر است (۳۶)

همان کسانی که از گناهان بزرگِ آبروریز دوری میکنند و چون غضب کنند در میگذرند (۳۷) و همانها که پروردگارشان را اجابت میکنند و نماز بپا میدارند و کارهاشان بصورت شورا در بینشان انجام میشود و از آنچه روزی شان کرده ایم انفاق میکنند (۳۸) و آنانکه وقتی ظلمی به آنها میرسد از یکدیگر یاری می طلبند (۳۹) و البته جزاء بدی، بدیی است مثل آن؛ اما کسی که ببخشید و اصلاح کند، پاداشش بر عهده خداوند است که او ظالمان را دوست نمیدارد (۴۰) و البته کسی که بعد از ظلمی که به او شده یاری طلبد گناهی ندارد (۴۱) گناه بر کسانی است که به مردم ظلم نموده و در زمین به ناحق سرکشی میکنند که عذابی دردناک خواهند داشت (۴۲) و البته کسی که صبر کند و ببخشد دارای خصلتی شده که از خصال بزرگ است (۴۳)

ای مردم! کسی که اعمالی انجام دهد که نتیجه اش گمراهیی باشد که به آن درخواهد غلطید در قیامت هیچ دوست و سرپرستی نخواهد داشت و چنین کسانی هنگامی که عذاب را ببینند خواهندگفت آیا راه برگشتی هست؟ (۴۴) و آنها در حالیکه از خواری خاکسارند بر آن عذاب عرضه میشوند و در آن حالت با گوشه چشم به آن مینگرند و مومنان میگویند زیانکار واقعی کسانی هستند که خودشان و اهلشان را در قیامت به ضرر دچار کرده اند. و در آن موقعیت به آن ضررکردگان خطاب میشود که بدانید ظالمان در عذابی طولانی خواهند بود (۴۵) و هیچ دوست و سرپرستی غیر از خداوند نخواهند داشت، و چنین خواهد بود که کسانی که لیاقت هدایت را کسب نکرده باشند راهی به نجات نخواهند داشت (۴۶)

ای مردم! خدایتان را اجابت کنید قبل از اینکه روزی برسد که از حکم خدا بازگشتی نیست. آنروز نه پناهگاهی دارید و نه میتوانید انکاری کنید (۴۷)

پس، ای پیامبر! اگر مخالفانت از این مواعظ روی برگردانند تو مسئول اعمال آنها نیستی. بر عهده تو فقط ابلاغ است. و انسان چنین است که وقتیکه چیز خوشایندی از جانب ما به او میرسد شادی میکند و اگر چیزی که به نظر او ناخوشایند است، به سبب آنچه قبلا انجام داده، به او برسد، بسیار کفران پیشه خواهد شد (۴۸)

فرمانروائی آسمانها و زمین از آن خداست. آنچه بخواهد می آفریند. به هر که خواهد دختر و به هر که خواهد پسر میدهد (۴۹) یا هر دوی پسر و دختر را با هم میدهد و هر که را خواهد عقیم میکند که او دانای قدرتمند است (۵۰)

هیچ بشری را نمیرسد که خدا با او تکلم کند مگر اینکه بصورت وحی یا از پشت پرده ای باشد یا فرستاده ای بفرستد و آن فرستاده، به او، به فرمان خدا، آنچه خواهد وحی کند که خداوند والامرتبه حکیم است (۵۱) و چنین است که روحی از امر خویش را بسوی تو به وحی فرستادیم. تو نمیدانستی کتاب چیست و ایمان چیست ولیکن آن وحی را نوری قرار دادیم که بوسیله آن هر کس از بندگان خویش را که بخواهیم هدایت میکنیم و البته تو بسوی جاده ای مستقیم هدایت میکنی (۵۲) جاده آن خدائی که آنچه در آسمانها و زمین است از آن اوست.

ای مردم! بدانید که سرانجام همه امور بسوی خداست (۵۳)

سوره سباء

بسم الله الرحمن الرحیم

ستایش خدائی را سزاست که آنچه در آسمانها و زمین است از آن اوست و در آخرت هم ستایش مخصوص اوست و همو فرزانه آگاه است (۱) نسبت به آنچه در زمین فرو میرود و آنچه از آن بیرون می آید و آنچه از آسمان نازل میشود و آنچه بسوی آن بالا میرود علم دارد و همو آمرزنده مهربان است (۲)

کافران میگویند قیامت بر ما درنمی آید. بگو آری، قسم به پروردگارم که حتما می آید، همان پروردگاری که دانای غیب است و هیچ چیز حتی اگر به خردی ذره ای هم باشد، چه در آسمانها و چه در زمین، و حتی کوچکتر و بزرگتر از آن، از او پنهان نیست (۳) و همو قیامت را قرار داد تا مومنان و صاحبان اعمال شایسته را پاداش دهد که آمرزش و روزیی گرامی خواهند داشت (۴) و آنهائی نیز که سعی میکنند جلوی پیشرفت آیات الهی را بگیرند به عذابی پلیدِ دردناک معذب فرماید (۵)

اما، ای پیامبر! در عین حالی که کافران چنین میگویند و چنین میکنند صاحبان علم آنچه را که از سوی پروردگارت بتو نازل شده حق می بینند، و اینکه قرآن بسوی راه خدای پیروزمند پسندیده هدایت می کند (۶)

و کافران میگویند میخواهید کسی را به شما نشان دهیم که میگوید پس از اینکه بعد از مرگ پاره پاره شدید، دوباره به خلقت جدیدی در می آئید؟ (۷) آیا این شخصی که خویش را پیغمبر مینامد به خدا افترا می بندد یا دیوانگیی در او راه یافته؟ به آنان بگو نه! بلکه کسانی که به آخرت ایمان ندارند در عذاب و گمراهیی دور میباشند (۸) آیا آنچه را که از آسمان و زمین که در مقابل چشمانشان است و نیز حالت و وضعیت گذشته آندو را نمی بینند که اگر بخواهیم زمین را زیر پایشان می شکافیم و یا قطعه

ای از آسمان را برسرشان می کوبیم؟ البته در این آرامش و ثبات آسمان و زمین برای هر بنده توبه کننده ای نشانه ای است (۹)

و البته از جانب خویش فضلی به داود دادیم و طوری برایش همه چیز را رام نمودیم که گویا به او و پرندگان و کوها گفته باشیم ای کوه ها وای پرندگان! با او همنوا شوید و نیز علمِ نرم کردن آهن را برایش فراهم کردیم (۱۰) که زره بسازد و حلقه های آن را اندازه گیری کند و به او و پیروانش نشان دادیم که عمل صالح بجا آورند و اینکه البته به آنچه میکنند نظارت داریم (۱۱) و برای سلیمان نیروی باد را مسخر کردیم که صبح مسافت یکماه را میرفت و عصر نیز. و چشمه قیر را برای او جاری ساختیم، و از جنّیان کسانی به اذن پروردگارش در مقابل او کارگری میکردند و به آنها توجه دادیم که هر کدامشان که از فرمان ما منحرف شود عذابی سوزان خواهد داشت (۱۲) آن جنیّان برای او محراب ها و مجسمه ها و کاسه هائی بزرگ چون حوض و دیگهای ثابت در زمین میساختند. و به آنها الهام نمودیم که ای آل داود شکر کنید و البته همیشه چنین بوده که بندگان شکرگزارم کم بوده اند (۱۳) و وقتیکه مرگ را بر سلیمان مقرر کردیم هیچکس خبر از مرگ او نداد مگر موریانه ای که عصایش را خورد و او به زمین افتاد و آنگاه جنّیان و همگان فهمیدند که اگر جنّیان غیب میدانستند آنقدر در عذابِ خوار کننده به سر نمی بردند (۱۴)

البته برای قوم سباء در سکونتگاهشان نعمت بزرگی قرار داده بودیم که نشانه ای بود. دو باغ در راست و چپ. از رحمت خویش چنین مقرر کردیم که از روزی پروردگارشان از این دو باغ بخورند و شکرش را بگزارند که شهری دلپسند و پروردگاری آمرزشگر داشتند (۱۵) ولی از وظایف خویش روی گرداندند و ما نیز یک سیل بنیان کن که در اثر عدم نگهداری و خراب شدن سدّشان درست شده بود فرستادیم و دو باغشان را به دو باغ که جز خوراکیی تلخ، و گیاه، و مختصری سدر، نمی رویاند، بدل کردیم (۱۶)

بسبب کفرانشان اینگونه مجازاتشان کردیم و مگر کسی غیر از کفران پیشگان را مجازات می کنیم؟ (۱۷) و قبلا بین آنها و شهرهائی که در آنها برکت قرار داده بودیم، شهرهائی جدید بوجود آورده بودیم، و مسافرت بین آنها را به اندازه نموده بودیم، و چنین مقرر کردیم که چه شب باشد و چه روز با امنیت در آنها سفر کنند (۱۸) اما تنبلی کردند و گفتند پروردگارا بین سفرهای ما دوری بیانداز و بدین گونه بر خویش ظلم کردند. پس آنها را کاملاً متفرق شان نموده و تبدیل به داستانهائی کردیم. و البته در این برای هر صبر پیشه شاکری نشانه هائی است (۱۹)

و البته شیطان در موضوع آنها گمانش را راست یافت و آنها هم و غیر از عده ای از مومنان پیرویش کردند (۲۰) البته شیطان هیچ تسلطی برآن مومنان نداشت، و این کار را نکردیم مگر اینکه معلوم کنیم چه کسی به آخرت ایمان دارد و چه کسی درباره آن در شک است و پروردگار بر هر چیزی ناظر است (۲۱)

ای پیامبر! بگو کسانی را که به خیال خود غیر از خداوند به خدائی گرفته اید در آسمانها و زمین به وزن ذره ای نیز مالک چیزی نیستند و در آندو در هیچ چیز شراکتی نداشته و از جانب خداوند نیز هیچ پشتیبانیی نمیشوند (۲۲) و نزد او هیچ شفاعتی فایده ای ندارد مگر کسی که خداوند به او اجازه شفاعت داده باشد،

تا آنکه پس از اینکه در قیامت اضطراب مومنان برطرف شود، آنگاه، بعضی از مومنان از بعضی دیگر میپرسند پروردگارتان چه گفت؟ میگویند حق گفت و او بلند مرتبه والاست (۲۳)

ای پیامبر! بگو چه کسی است که از آسمانها و زمین روزیتان میدهد؟ بگو خدا. و ما یا شما چه هدایت یافته و چه در گمراهیی آشکار باشیم (۲۴) بگو نه شما مسئول جرائم ما میباشید و نه ما مسئول اعمالتان خواهیم بود (۲۵) بگو پروردگارمان است که در قیامت ما را جمع میکند، آنگاه به درستی بین ما داوری می نماید، و او جدا کننده ای

داناست (۲۶) بگو آن شرکائی را که به او چسبانده اید نشانم دهید. نه! شریکی ندارد، بلکه او خداوند پیروزمند فرزانه است (۲۷)

و تو را جز بعنوان مژده دهنده و هشدار دهنده برای کلیه مردم نفرستاده ایم ولیکن اکثر مردم نمیدانند (۲۸)

و میگویند این وعده قیامت چه وقت است اگر راست میگوئید (۲۹) بگو وعده گاه تان روزی است که نه ساعتی عقب و نه جلو می افتد (۳۰)

و کافران میگویند هرگز نه به آنچه تا کنون از این قرآن که میگوئی برتو نازل شده و نه به آنچه که در آینده نازل خواهد شد ایمان نخواهیم آورد، و کاش ظالمان را وقتی که نزد پروردگارشان بازداشت باشند میدیدی که چگونه با یکدیگر گفتگو میکنند و مستضعفان به مستکبران میگویند اگر شما نبودید ما مومن بودیم (۳۱) و مستکبران میگویند آیا ما شما را از هدایت وقتیکه بسویتان آمد بازداشته بودیم؟ نه، بلکه خودتان مجرم هستید (۳۲) مستضعفان میگویند نه، بلکه آن توطئه های شبانه روزی شما که ما را به طرف کفر نسبت به خداوند و قرار دادن همتایان برای او میراند، باعث این شد، و وقتیکه عذاب را ببینند پشیمانی خویش را پنهان میکنند و زنجیرها را به گردن کافران افکنده میشود. آیا آنها جز جزای اعمال خویش را می بینند؟ (۳۳)

و در هیچ شهری هشدار دهنده ای نفرستادیم مگر اینکه هوسرانانشان گفتند نسبت به آنچه که برای آن فرستاده شده اید کافریم (۳۴) وگفتند ما از لحاظ مال و اولاد از شما برتریم و عذاب نخواهیم شد (۳۵) بگو پروردگارم روزیِ هر کس را که خواهد فراخ یا تنگ میگرداند ولیکن اکثر مردم نمیدانند (۳۶) واموال و اولاد شما مایه تقرب شما نزد خداوند نیست. مگر اینکه کسی ایمان و عمل صالح داشته باشد که آنها بسبب اعمالشان پاداش مضاعف خواهند داشت و در غرفه هائی ایمن خواهند بود (۳۷)

و آنانکه توطئه می کنند که جلوی پیشرفت آیاتمان را بگیرند البته در عذاب بازداشت خواهند گردید (۳۸)

بگو پروردگارم برای هر کدام از بندگانش که خواهد روزی را گشاده یا تنگ میگرداند و آنچه که انفاق کنید همو جایگزینش میکند و همو بهترین روزی دهنده است (۳۹) و روز قیامت که همگان را گرد بیاورد، به ملائکه خطاب خواهد نمود آیا اینها شما را عبادت میکردند؟ (۴۰) آنها در جواب میگویند خداوندا تو منزهی. خودت تنها سرور مائی. بلکه آنها چیزهای نا معلومی را عبادت میکردند و اکثرشان به آنها اعتقاد داشتند (۴۱) به آنان خطاب خواهد شد امروز هیچیک از شما برای دیگری نه نفعی خواهد داشت و نه ضرری و به ظالمان خطاب میشود بچشید عذاب آتشی را که تکذیبش میکردید (۴۲) و هنگامی که آیات روشن کننده ما بر آنها خوانده میشد میگفتند جز این نیست که این پیامبر کسی است که میخواهد شما را از آنچه پدرانتان عبادت میکردند باز دارد و میگفتند این چیزی نیست مگر دروغی که به خدا افترا میزند و وقتی که حق بسویشان آمد، میگفتند این چیزی جزء جادوئی آشکار نیست (۴۳) با اینکه کتابی برای آنها نفرستاده بودیم که این سخنان را در آنها خوانده باشند و قبل از تو نیز هشدار دهنده ای بسویشان نفرستاده بودیم (۴۴) و کسانی که قبل از اینان هم بودند تکذیب نموده بودند و اینها به یک دهم نیرو و مکنت آنان نیز نرسیده اند، بنگر کیفرم راجع به پیشینیانشان که قوی تر و مکنت دار تر بودند چگونه بود، و این ها دلشان به چه خوش است؟ (۴۵)

ای پیامبر! به مردم عادی که هنوز ایمان نیاورده اند بگو شما را به یک چیز سفارش میکنم: چه تکی و چه دو نفری بخاطر خدا فکر کنید: آیا من که مصاحب شما بوده ام هیچگونه دیوانگیی دارم؟ خواهید گفت نه، او کسی نیست جز اینکه اظهار میدارد هشدار دهنده ای است که ما را به عذابی که در مقابلمان است هشدار میدهد (۴۶) به آنان بگو اگر از شما مزدی خواستم مال خودتان باشد. مزدم جز بر عهده خداوند نیست و همو بر همه چیز گواه است (۴۷) بگو پروردگارم حق را بالاخره به کرسی می نشاند

زیرا او دانای نهانها است (۴۸) بگو حق آمد و باطل نه چیزی را شروع و نه اعاده می کند (۴۹) بگو تازه اگر گمراه هم باشم جز این نیست که ضررم متوجه خودم است، اما اگر هدایت یافته باشم به سبب وحی پروردگارم است که او شنوای نزدیک است (۵۰)

و کاش میدیدی که هنگام مرگ چگونه مضطرب خواهند شد و درخواهند یافت که راه گریزی نیست و از جائی نزدیک دستگیر میشوند (۵۱) و پس از دستگیری در میگویند به آن حق ایمان آورده ایم. ولی چگونه میتوانند از مکانی دور، از موقعیتی که باید مومن میشدند، آن ایمان رابدست بیاورند (۵۲) در حالیکه قبلا به آن کفر ورزیده بودند و از جائی دور نسبت به حقیقت تیر به تاریکی رها میکردند؟ (۵۳) و آنگاه بین آنها و بین چیزهائی که آرزویش را دارند جدائی خواهد افتاد چنانکه قبلا نیز با همگنان پیشین آنها همین رفتار شد، آنان هم مانند اینان در شکی سخت بودند (۵۴)

مرحله ششم

افزایش فشارها

و

دلداری خداوند به

پیامبر و مؤمنان و امید پیروزی

سوره مومنون

بسم الله الرحمن الرحیم

البته مومنان رستگار خواهند شد (۱)
همان کسانی که در نمازهایشان فروتن اند (۲)
و همانها که از چیزهای بیهوده روی برمیگردانند (۳)
و همانها که پرداخت کننده زکاتند (۴)
و همانها که راجع به آمیزش جنسی عفیف اند (۵) مگر با همسرانشان یا مملوکانشان که در آنصورت درخور سرزنشی نیستند (۶) و اگر کسی بیش از این بخواهد تجاوز کار است (۷)
و همانها که عهد و امانت را رعایت می کنند (۸)
و همانها که مواظب نمازهای خویش میباشند (۹)
آنها همان کسانی هستند (۱۰) که فردوس را ارث میبرند و در آن جاودانند (۱۱)

والبته همه انسان ها را از عصاره ای از گِل آفریده ایم (۱۲)
سپس او را در جایگاهی نگهدارنده، نطفه ای نمودیم (۱۳)
سپس آن نطفه را علقه و آن علقه را مضغه و آن مضغه را استخوانی نمودیم و بر آن استخوان نیز گوشتی پوشاندیم.
آنگاه آن را به حالتِ آفرینش نهایی ساختیم،
پس توجه داشته باشید که برای شما بسیار پر منفعت است خداوندی که بهترین آفرینشگر است (۱۴)
آنگاه شماها پس از آن خواهید مُرد (۱۵)
آنگاه شماها روز قیامت حتماً برانگیخته خواهید گردید (۱۶)

و البته بالا سرتان هفت راه آفریدیم و هرگز از آفریدگان غافل نبوده ایم (۱۷) و از آسمان آبی به اندازه فرستادیم و آن را در زمین جای دادیم،

و البته برای ازبین بردن آن نیز توانائیم (۱۸)
و بوسیله آن برای شما باغهایی از خرماها و انگورها درست کردیم که در آن میوه های زیاد دارید و از آنها می‌خورید (۱۹)
و نیز درختی که از طور سیناء می‌روید که برای خورندگان روغن و خورش دارد (۲۰)

و البته در خصوص چارپایان نیز برایتان عبرتی است، از آنچه در شکمهایشان است به شما می‌نوشانیم و در آنها منافع زیادی دارید و از گوشت آنها میخورید (۲۱) و بر آنها و بر کشتی سوار می‌شوید (۲۲)

و نوح را بسوی قومش فرستادیم و گفت ای قوم خدا را عبادت کنید که هیچ معبودی غیر از او ندارید. آیا پروا نمی کنید؟ (۲۳)
بزرگانِ کافرانِ قومش گفتند این جز بشری مثل شما نیست که میخواهد بر شما برتری یابد و اگر خدا میخواست حتماً فرشتگانی میفرستاد. راجع به این از نیاکان خویش چیزی نشنیده ایم (۲۴) جز این نیست که به جنون مبتلا شده لذا تا مدتی با او مدارا کنید (۲۵)
نوح گفت پروردگارا راجع به اینکه تکذیبم کردند یاریم فرما (۲۶)
پس به او وحی کردیم که زیر نظرما و بر اساس وحی ما آن کشتی را بساز. و وقتی که امر ما آمد و آن تنور فوران کرد، اهل و پیروان خود، غیر از آنانکه آن قولِ فرود آمدن عذاب بر تکذیبگران بر آنان رفته، واز هر نوعی از حیوانات دو جفت، به داخل آن ببر، و درباره ظالمانِ بیرون از کشتی مرا به دعا مخوان، زیرا که آنها حتماً غرق خواهند شد (۲۷) پس هنگامی که خودت و همراهانت در کشتی مستقر شدید بگو سپاس خداوندی را سزاست که ما را از قوم ظالمان نجات داد (۲۸) و بگو پروردگارا ما را به منزل پربرکتی فرودآر که تو بهترین فرود آورنده ای (۲۹)

ای پیامبر! در این داستانِ نوح، البته، نشانه های بزرگی هست و البته این ما نبودیم که مورد ابتلاء واقع شدیم! (۳۰)

سپس، پس از قوم نوح، قومی دیگر بوجود آوردیم (۳۱) و رسولی از خودشان به میانشان فرستادیم که میگفت خداوند را عبادت کنید که خدائی غیر از او ندارید آیا پروا نمیکنید؟ (۳۲)

و بزرگانی از قوم آنان که کافر بودند و دیدار آخرت را تکذیب مینمودند و در زندگی این جهان نیز به آنان رفاه داده بودیم میگفتند این شخص جز بشری مانند خودتان نیست. همان چیزی را میخورد که شما میخورید و همان چیز ی را مینوشد که شما مینوشید (۳۳) و اگر شما اطاعت بشری مثل خودتان را کنید در آن صورت حتما زیانکار خواهید بود (۳۴) آیا وعده تان میدهد که وقتی مُردید و خاک و استخوان شدید دوباره برای زندگی مجدد بیرون خواهید آمد؟ (۳۵) چیزی که وعده تان میدهد چه بسیار بعید است (۳۶) زندگی فقط همین زندگی دنیاست که زندگی میکنیم و میمیریم و برانگیخته نخواهیم شد (۳۷) این مرد کسی نیست جز اینکه بر خداوند دروغ می بندد و ما باورش نداریم (۳۸)

آن رسول میگفت پروردگارا در مورد تکذیبی که میکنند یاریم کن (۳۹) خداوند در جواب میگفت به همین زودیها به سختی پشیمان خواهند گردید (۴۰) پس آن صدای مهیبِ ناگهانی به حق بگرفتشان و آنگاه آنها را مانند خاشاک نمودیم. و رحمت الهی را از قوم ظالمان دور نمودیم (۴۱)

سپس بعد از آنها اقوامی دیگر بوجود آوردیم (۴۲)

هیچ قومی از سرآمد خویش نه جلو می افتد و نه از آن عقب میماند (۴۳)

آنگاه رسولانمان را یکی پس از دیگری فرستادیم. هرقومی که رسولشان بسویشان آمد تکذیبش کردند و ما نیز آنها را نابود کرده و پیِ اقوام قبلی فرستادیم و تبدیل به داستانهای گذشتگان گردیدند. و رحمت الهی را از آن قوم ظالمان دور نمودیم (۴۴)

سپس موسی و برادرش هارون را با آیاتمان و دلیلی آشکار بسوی فرعون وسرکردگانش فرستادیم (۴۵) و آنها گردنفرازی کردند و خود را قومی بلند مرتبه قلمداد نمودند (۴۶) و گفتند آیا ما به دو نفر بشر مانند خودمان ایمان بیاوریم؟ آنهم در صورتیکه قوم آنها ما را بندگی میکنند؟ (۴۷) پس تکذیبشان کردند و از هلاک شدگان گردیدند (۴۸)

و ما البته آن کتاب را به موسی دادیم شاید قومش هدایت شوند (۴۹)

و پسر مریم و مادرش را نشانه ای قرار دادیم و آنها را در سرزمینی بلند که هموار ودارای چشمه سارهائی بود جای دادیم (۵۰)

ای رسولان! از چیزهای پاکیزه بخورید و عمل شایسته کنید که من به آنچه میکنید دانایم (۵۱) و این مردم نیز که همه یکجورند و اعتقاد واحد دارند امت شما هستند، و من نیز پروردگارتان هستم، پس، از من پروا کنید (۵۲)

ای پیامبر! بدان که آنها کار خویش را بین خود قطعه قطعه کردند، و هر گروهی به آنچه نزد خودشان بود دل خوش نمودند (۵۳)
لذا تو خیلی به کافرانِ مخالفت اهمیتی مده، و آنهارا تا مدتی در این وضعیت شان واگذار (۵۴)

آیا اینها می پندارند اینکه مال و فرزندانشان را زیاد کنیم (۵۵) در جهت نفعشان شتاب کرده ایم؟ نه! بلکه درک نمی کنند (۵۶)

همانا آنانکه به احترام پروردگارشان هراسانند، (۵۷)
و آنانکه به آیت های پروردگارشان ایمان دارند، (۵۸)
و آنانکه با پروردگارشان شریک نمی گیرند، (۵۹)

وآنانکه از آنچه به آنها داده شده به دیگران میدهند، و باز هم نگران روزی هستند که بسوی پروردگارشان باز میگردند (۶۰)
آنها هستند که در جهت نفعشان شتاب کرده اند و بسوی آن سبقت میگیرند (۶۱)

و کسی را جز به اندازه ظرفیتش تکلیف نمی کنیم و نزد ما کتابی است که مطابق حق است و بر اساس آن، ظلمی به آنان نخواهد شد (۶۲)

بلکه این کافرانِ مخالفت، دلهاشان از این حقایق غافل است و اعمالی غیر از آن که باید داشته باشند دارند و به همانها هم مشغولند (۶۳) و اگر عذابی هم بیاید، هوسرانان شان ناگهان ناله و فریاد میکنند (۶۴) به آنان خطاب میشود امروز ناله و فریادتان را بلند نکنید زیرا از جانب ما یاریی نخواهید دید (۶۵) زیرا آیاتم بر شما تلاوت میشد و شما به آن پشت میکردید (۶۶) و خود را بزرگ تر از آن میدانستید که به آن آیات توجه کنید و در مجالس شبانه به بیهوده گوئی مشغول بودید (۶۷)

آیا اینها در آن سخن حق دقت نکردند یا اینکه چیزی بسویشان آمده بود که بسوی نیاکانشان نیامده بود؟ (۶۸)
یا اینکه رسولشان را نمی شناختند و با او بیگانه بودند؟ (۶۹)
یا میگفتند دیوانگیی در او هست، نه! بلکه پیامبر به حق بسویشان آمد ولی اکثرشان حق را خوش نمیداشتند (۷۰)
و اگر حق از هوسهای آنان پیروی کند آسمانها و زمین و کسانی که در آنها هستند تباه خواهند شد، نه! بلکه مایه پندشان را فرستادیم و آنها از پند روگردانند (۷۱)
یا اینکه از آنها مُزدی میخواهی! البته که نمیخواهی، و خراج خدا بهتر است و همو بهترین روزی دهندگان است (۷۲)

و تو، ای پیامبر! البته آنها را بسوی جاده محکم هموار مستقیم دعوت می کنی (۷۳)
و آنانکه به آخرت ایمان ندارند ازآن جاده منحرف میشوند (۷۴)

و اگر به آنان، پس از ابتلاءشان به عذابی مختصر، رحم کنیم، و ناراحتیی را که در آنند برطرف کنیم، لج میکنند و در طغیانشان بیشتر فرو میروند (۷۵) و البته همانطور که همانندانشان را به عذاب گرفتیم، در آن حالت نه بسوی پروردگارشان مایل میشوند و نه تضرع میکنند (۷۶) و اگر دری از عذاب شدید بر آنان بگشائیم، در آن وقت دیگر کاملا پژمرده میشوند (۷۷)

و ای مردم! بدانید که هموست که برای شما گوش و چشمها و دلها قرار داد چه کم شکر می گذارید! (۷۸) و هموست که شما را در زمین گستراند و بسوی او محشور خواهید شد (۷۹) و هموست که زنده میکند و میمیراند و جایگزینی شب و روز هم از اوست، آیا تعقل نمی کنید؟ (۸۰)

نه! بلکه علیرغم همه این نعمتهای ذکر شده و ذکر نشده، همان چیزی را میگویند که قبلی ها میگفتند (۸۱) آنها هم میگفتند آیا وقتیکه مُردیم وخاک و استخوان شدیم، برانگیخته میشویم؟ (۸۲) چه بما و چه به نیاکان ما همین وعده داده شده. این ها جز افسانه های پیشینیان نیست (۸۳)

ای پیامبر! بگو اگر میدانید برایم توضیح دهید: زمین و هر کس که در آن است متعلق به کیست؟ (۸۴) بزودی، پس از اینکه تعالیمت جا افتاد، خواهند گفت متعلق به خداوند است، اینک به آنان بگو آیا پند نمی گیرید؟ (۸۵)
بگو پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار آن عرش بزرگ کیست؟ (۸۶) باز هم بزودی خواهند گفت مال خداوند است، اینک به آنان بگو پروا نمیکنید؟ (۸۷)
بگو سررشته همه امور به دست کیست که پناه میدهد و کسی علیه او پناهگاهی ندارد؟ (۸۸) باز هم بزودی معتقد خواهند شد که اینها صفات الهی است، اینک به آنان بگو از کجا افسون شده اید؟ (۸۹)
نه! بلکه اینها حق را می شناسند و عمدا دروغ میگویند (۹۰)

خداوند هیچ فرزندی برنگرفته و با او هیچ خدائی نیست، و اگر چنین بود، هر خدایی آفریده های خود را میبرد، و بعضی از آنها بر بعضی دیگر برتری میجستند، و خداوند از آنچه توصیف میکنند منزه است (۹۱)
او دانای پیدا و نهان است و از آنچه با او شریک می کنند بالاتر است (۹۲)

ای پیامبر! با خویش چنین بگو: خدایا اگر آنچه را که به آنان وعده میدهی بمن بنمائی (۹۳) در آنصورت مرا جزء ظالمان قرار مده (۹۴)
و البته ما قادریم آنچه را که به آنان وعده میدهیم نشانت دهیم (۹۵)
پس، بدی را بوسیله آنچه بهترین رفتار است دفع کن. ما بهتر میدانیم آنها در باره ما چه وصفی میکنند (۹۶)
و نیز چنین بگو: پروردگارا از بدگوئیهایی که شیاطین به اینان القاء میکنند بتو پناه میبرم (۹۷)
و نیز از اینکه آن شیاطین به نزدم حاضر شوند نیز بتو پناه میبرم (۹۸)

و وقتیکه مرگ یکی از این کافران سر میرسد میگوید پروردگارا مرا برگردان (۹۹) شاید در آنچه بجا گذاشته ام کار شایسته ای کنم،
نه! هرگز چنین نخواهد شد بلکه حرفی است که اینها میزنند، و از پسِ مرگِ آنها فاصله زمانیی است، تا روزی که برانگیخته شوند (۱۰۰)
پس آنگاه که در آن شیپور دمیده میشود بین آنها نه پیوندی خواهد بود و نه از یکدیگر احوالی می پرسند (۱۰۱)
و هر کس که موازین او سنگین باشد رستگار خواهد بود (۱۰۲)
و هر کس که موازینش سبک باشد از کسانی است که خویش را به خسران افکنده و در جهنم جاودان خواهد بود (۱۰۳)
آتش صورتهایشان را برشته میکند و در آنجا زشترو خواهند بود (۱۰۴)

به آنها خطاب میشود آیا آیاتم بر شما خوانده نشد؟ و تکذیبش نمیکردید؟ (۱۰۵)
میگویند پروردگارا بدبختی مان بر ما غالب شد و ما گمراه بودیم (۱۰۶) پروردگارا از آن خارجمان کن پس اگر به همان کارها بازگشتیم، پس دیگر واقعاً ظالم هستیم (۱۰۷)
جواب می شنوند که در آن جایگاهی که شایسته تان است وارد شوید و با من سخن مگویید (۱۰۸)
همان موقع که شما کفر میورزیدید و به گناه مشغول بودید عده ای از بندگانم میگفتند پروردگارا ایمان آورده ایم، ما را بیامرز، و بما رحمت روا دار، و تو بهترینِ مهربانان هستی (۱۰۹)
و شما آنها را به مسخره میگرفتید، آنقدرکه پندهایم را فراموش کردید و به آنها می خندیدید (۱۱۰) امروز به آنان، بسبب صبری که میکردند، پاداش میدهم و آنها حتماً کامیابند (۱۱۱)

در آغاز قیامت پرسشگری می پرسد چند سال در زمین درنگ کرده اید؟ (۱۱۲)
برخی خواهند گفت روزی یا قسمتی از آن، از شمارشگران بپرسید (۱۱۳)
یکی دیگر گوید جز مقدار کمی درنگ نکردیم، کاش میدانستیم (۱۱۴)

ای مردم! آیا فکر کرده اید شما را بیهوده آفریده ایم و بسوی ما باز نمیگردید؟ (۱۱۵)
والامرتبه است خداوند، که فرمانروای حق است، خداوندی جز او نیست، که پروردگارِ آن عرش ارجمند است (۱۱۶)

کسی که با خداوند خدائی دیگر را نیز بخواند، دلیلی برای آن ندارد والبته حساب او نزد پروردگارش است که او کافران را رستگار نمی کند (۱۱۷)

و بگو پروردگارا، بیامرز و رحم کن که تو از همه مهربانتری (۱۱۸)

سوره ابراهیم

بسم الله الرحمن الرحیم

الف.ل.ر.

این کتاب با عظمتی است که بسویت فرستادیم تا مردم را به فرمان پروردگارشان از تاریکیها بسوی نور بیرون آوری. بسوی جاده ای که به سوی آن پیروزمند ستوده است (۱)

همان خداوندی که آنچه در آسمانها و زمین است از آن اوست و وای بر کافران از عذابی شدید (۲)
همان کسانی که زندگیِ پست تر را بر آخرت ترجیح میدهند و از راه خدا باز میدارند و آنرا کج میخواهند، آنها در گمراهیی بوده و از حقیقت بسیار دور میباشند (۳)

و هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم تا برایشان حقایق را بیان کند. پس خداوند هر که را که لایق گمراهی باشد گمراه میکند و هر که را خواهد هدایت میکند و همو پیروزمند فرزانه است (۴)

و البته موسی را با آیاتمان به ماموریت فرستادیم که قومت را از تاریکیها بسوی نور خارج کن، و روزهای خدا را به یادشان آر. که در این البته برای هر صبر پیشهء شکر گزاری آیاتی است (۵) ای پیامبر! هنگامی را بیاد آر که موسی به قوم خویش گفت نعمتهای خداوند را بر خویش بیاد آورید که شما را از فرعونیان نجات داد، از همانها که بر شما عذاب سخت روا میداشتند و پسرانتان را سر میبریدند و زنانتان را زنده میخواستند و در اینها از جانب پروردگارتان امتحانی بزرگ بود (۶) و هنگامی که پروردگارتان مقرر کرد اگر شکر گزاری نمودید زیادتتان میدهم و اگر کفران کردید عذابم شدید خواهد بود (۷) و موسی گفت اگر شما و هر که در زمین هست کفر ورزد

البته خداوند بی نیاز ستوده است (۸) ای مردم! آیا خبر کسانی که قبل از شما بوده اند بسوی شما نیامده است؟ خبر قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که پس از آن ها بوده اند که جز خداوند کسی نمی شناسدشان، که پیامبرانشان با دلایل روشن بسویشان آمدند وآنها دستهایشان را به دهانهایشان می بردند و با صدای رسا می گفتند ما به آنچه شما راجع به آن فرستاده شده اید کافریم، و درباره آنچه که ما را به آن میخوانید در شک هستیم (۹) پیامبرانشان می گفتند آیا درباره خداوند که آفریننده آسمانها و زمین است شکی هست؟ که دعوتتان میکند تا گناهانتان را ببخشد و تا مدتی معین مهلتتان دهد؟ گفتند شما جز بشری مانند ما نیستید، میخواهید ما را از آنچه پدرانمان عبادت میکردند باز دارید. پس معجزه و دلیلی روشن برایمان بیاورید (۱۰) پیامبرانشان می گفتند ما جز بشری مانند شما نیستیم ولیکن خداوند بر هر کس از بندگانش که خواهد منت میگذارد و ما را نمیرسد که برایتان معجزه و دلیلی جز به فرمان خدا بیاوریم و مومنان باید بر خداوند توکل کنند (۱۱) و ما را نمیرسد که جز بر خدا توکل کنیم و البته راهمان را بما نشان داد، اینک بر آنچه که شما آزارمان کنید صبر خواهیم کرد و توکل کنندگان باید به خدا توکل کنند (۱۲) و کافران به پیامبرانشان می گفتند یا به دین ما بر میگردید یا اینکه از سرزمینمان اخراجتان می کنیم ولی خداوند بسوی آنان وحی می کرد که البته ظالمان را هلاک خواهیم کرد (۱۳) و شما را پس از آنان در آن سرزمین جای خواهیم داد. این برای کسی است که از مقامم و تهدیدم خوف دارد (۱۴) و آنها با پیامبران درگیر می شدند و بدنبال پیروزی بودند اما همه جباران ستیزه جو نابود می شدند (۱۵)

از پس آن هلاکت، جهنم است و در آن چرکابه ای خون آلود نوشانده می شوند (۱۶) جرعه جرعه از آن مینوشند و مایل نیستند با رغبت و به راحتی از آن بنوشند و از هر طرفی مرگ به سراغشان میاید اما نمیمیرند و از پسِ آن عذابی پرغلظت خواهند داشت (۱۷)

مثالِ اعمالِ آنانکه به پروردگارشان کافر شدند مانند خاکستری است که باد سختی

در روزی طوفانی به آن بوزد، نسبت به حفظ هیچ چیزی که کسب کرده اند قدرتی ندارند، این همان گمراهی دور است (۱۸)

مگر ندیدید که خداوند آسمانها و زمین را به حق آفرید؟ ای کافران! اگر بخواهد شما را می برد و آفریدگانی جدید می آورد (۱۹) و این برای خدا دشوار نیست (۲۰)

و در قیامت همگان در مقابل خداوند حاضر میشوند وضعیفان به مستکبران میگویند ما پیرو شما بودیم آیا شما چیزی از عذاب خدا را از ما برطرف می کنید؟ میگویند اگر خدا هدایتمان کرده بود ما نیز شما را هدایت میکردیم. برایمان فرقی نمی کند که بیتابی یا صبر کنیم. گریزگاهی هم نداریم (۲۱) و وقتیکه کار از کار گذشت شیطان میگوید خداوند به شما وعده حقی داد و من به شما وعده ای دادم که از انجام آن تخلف کردم و من بر شما تسلطی نداشتم، مگر اینکه دعوتتان کردم و شما هم اجابتم کردید پس مرا سرزنش نکنید و خودتان را سرزنش کنید. نه من فریادرس تان هستم و نه شما فریادرس من هستید. خودم هم قبلا به آنچه شما شرک می ورزیدید کافر بودم. البته ظالمان عذابی دردناک خواهند داشت (۲۲) و کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند داخل بهشت هائی میشوند که نهرها از کف آن جاریست که در آن به فرمان پروردگارشان جاودانند و درود گفتنشان در آنجا سلام است (۲۳)

ای پیامبر! آیا نمی بینی خداوند چگونه مثالی می زند؟ کلمه طیبه و خوب را به درخت خوب مثل می زند که ریشه اش ثابت و شاخه هایش در آسمان است (۲۴) در هر هنگام خوردنی هایش را به فرمان پروردگارش می آورد و خداوند برای مردم چنین مثالهائی میزند شاید پند گیرند (۲۵) و کلمه خبیث و بد مانند روئیدنی بد است که جثه اش در روی زمین است و قرار و استحکامی ندارد (۲۶)

خداوند مومنان را با قول ثابت در زندگی دنیا و در آخرت تثبیت می کند و ظالمان

را گمراه مینماید و هر چه بخواهد میکند (۲۷)

آیا نمی دانی کسانی که نسبت به نعمت خداوند ناسپاسی میکنند و مردمشان را به دیار نابودی میکشانند (۲۸) به درون چه جهنمی می افتند و چه بد جایگاهی است (۲۹) و برای خداوند همتایانی قرار دادند تا مردم را از راهش گمراه کنند. بگو اندکی در این دنیا برخوردار شوید که بالاخره سرانجامتان بسوی آتش است (۳۰)

ای پیامبر! به بندگان مومنم بگو نماز بپا دارند و از آنچه روزیشان کرده ایم پنهان و آشکار انفاق کنند، قبل از آنکه روزی بیاید که در آن نه معامله ای و نه دوستیی باشد (۳۱)

چنین است خداوندتان که آسمانها و زمین را آفرید و از آسمان آبی فرستاد و بوسیله آن روزیی از میوه جات برایتان رویاند و کشتی را رامتان کرد که به امر او در دریا حرکت کند و نهرها را نیز به تسخیر شما درآورد (۳۲) و آفتاب و ماه را که پیوسته در حرکتند و نیز و شب و روز را نیز رام شما نمود (۳۳) و از هر چیزی که از او خواستید به شما عطا کرد و اگر نعمتهای خدا را بشمارید نخواهید توانست. اما اکثرا نسبت به خداوند ناسپاسی میکنند که البته انسانها اکثرا ظلم پیشه بسیار ناسپاس اند (۳۴)

هنگامی را بیاد آرید که ابراهیم گفت پروردگارا این شهر را ایمن قرار ده و مرا و فرزندانم را از عبادت بت ها دور نگهدار (۳۵) پروردگارا افکار بت پرستانه، بسیاری از مردم را گمراه کرده، پس هر کس که مرا پیروی کند از من است و هر کس که مرا نافرمانی کند البته تو آمرزگار مهربانی (۳۶) پروردگارا برخی از فرزندانم را در بیابانی غیر قابل کشت نزد خانه محترم تو سکونت داده ام، تا نماز بپادارند. پروردگارا دلهای مردم را بسوی آنان متمایل کن و از ثمرات روزیشان ده شاید شکر بگزارند (۳۷) پرورگارا آنچه را که مخفی یا آشکار کنیم میدانی، و هیچ چیز چه در زمین یا

در آسمان باشد از تو مخفی نمی ماند (۳۸) سپاس خدای را سزاست که علیرغم پیری اسمعیل و اسحق را بمن داد که پروردگارم شنونده دعاست (۳۹) پروردگارا مرا و برخی از فرزندانم را بپا دارنده نماز قرار ده و دعایم را قبول فرما (۴۰) پروردگارا مرا و والدینم را و مومنان را در روزی که حساب بر پا میگردد بیامرز (۴۱)

ای پیامبر! مبادا خداوند را از آنچه ظالمان انجام میدهند غافل پنداری، جز این نیست که جزای آنها را تا روزی که قیامت چشمها را خیره میکند به تأخیر می اندازد (۴۲)

در آن روز گردنها کشیده، چشمها به یک سو دوخته، پلک ثابت، و دلها بعلت اضطراب خالی است (۴۳)
و ای پیامبر! مردم را از روزی هشدار ده که عذاب بر آنها بیاید و ظالمان گویند پروردگارا تا سرآمدی نزدیک عذاب را از ما به تأخیر بینداز که دعوتت را اجابت و رسولان را پیروی کنیم، که به آنها جواب داده میشود آیا همین شماها نبودید که قبلا قسم میخوردید که زوالی ندارید؟ (۴۴) و شما نبودید که در مسکن های کسانی که به خویش ظلم کردند ساکن شدید و برایتان روشن شد که ما با آنها چگونه معامله کردیم و برایتان مثالها زدیم؟ (۴۵)
به هر حال آنها زندگیی پر از توطئه داشتند و البته توطئه شان نزد خدا معلوم بود و مکرشان چنان بزرگ بود که گوئی کوهها با آن زایل میشدند (۴۶)

پس ای پیامبر! مبادا خداوند را نسبت به وعده ای که به فرستادگانش داده بی توجه بپنداری. البته خداوند پیروزمند انتقامگیر است (۴۷)

در روزی که زمین مبدل به زمینی غیر از این زمین شود و آسمانها هم به نظر همینطور بیاید و آنها در مقابل خداوند یگانه قهار قرار گیرند (۴۸) و در آن روز مجرمان را بینی که در غل و زنجیرها با هم اند (۴۹) پیراهن هایشان از قیر است و

آتش چهره هایشان را فرا گرفته است (۵۰) تا خداوند هر کس را بسبب آنچه که کسب کرده جزا دهد که خداوند تند حساب است (۵۱)

این پیام رسانیی برای مردم است، و تا به وسیله آن هشدار داده شوند و نیز بدانند که جز این نیست که او خدائی است یگانه و نیز صاحبانِ خرد پند گیرند (۵۲)

سوره اسراء

بسم الله الرحمن الرحیم

دور از هر عیب و نقصی است خداوند، که بنده اش را شبانه از مسجدالحرام تا مسجدالاقصی، که اطرافش را برکت داده، سِیر داد تا بعضی از آیاتش را به او بنماید که او البته شنوای بینا است (۱)

ای پیامبر! به موسی تورات را داده و آنرا برای بنی اسرائیل هدایتی قرار دادیم که جز من تکیه گاهی مگیرید (۲)

آنها فرزندان کسانی بودند که با نوح حملشان کرده بودیم که نوح بنده ای شکرگزار بود (۳)

و درباره آنان در کتابِ تقدیرات الهی چنین مقرر شده که ای بنی اسرائیل حتماً دوبار در زمین فساد نموده و سرکشی بزرگی خواهید کرد (۴) آنها به فساد پرداختند و وقتیکه موعد اولشان سر رسید به آنها فهماندیم که بنده ای از بندگان خویش را علیه شما برگماشتیم که بسیار نیرومند است و او بر اینها مسلط شد تا اینکه درون شهرهایشان را نیز جستجو کردند و این وعده ای بوده که قبلاً انجام شده است (۵)

ای بنی اسرائیل سپس شما را مجدداً به اموال و فرزندان مددتان دادیم و شما را

قوی تر نمودیم (۶) اینک اگر احسان کردید بنفع خودتان است و اگر هم بدی کردید به ضرر خودتان خواهد بود، و وقتیکه موعد دوم بیاید چهره هایتان اندوه بار خواهد شد و آنها حتماً داخل آن مسجد میشوند همانطور که آن قبلی ها بار اول شدند و آنچه را که برآن مسلط شوند نابود خواهند کرد (۷)

چه بسا پروردگارتان به شما رحم کند و اگر از رفتارهای سوءتان بازگشتید ما نیز به نظر رافت به شما باز میگردیم، و جهنم را برای کافران مانند زندان قرار دادهایم (۸)

البته این قرآن به چیزی که محکمتر و استوارتر است هدایت میکند و مومنانی را که عمل صالح می کنند مژده میدهد که پاداشی بزرگ خواهند داشت (۹) و اینکه برای کسانی که به آخرت ایمان ندارند عذابی دردناک آماده شده است (۱۰)

و اکثر انسان ها چیزی را که واقعا برایشان بد است همانطور طلب میکنند که انگار دارند چیز خوب را طلب میکنند، زیرا که انسان عجول است (۱۱)

شب و روز را دو آیت قرار دادیم، و نشانه شب را محو و نشانه روز را تابان مینماییم تا از فضل پروردگارتان بجویید و شماره سالها ونیز حساب کردن را یادگیرید و همه چیز را فصل بندی دقیقی کرده ایم (۱۲)

و در مورد هر انسان سرگذشتش را بر گردنش می آویزیم و روز قیامت آنرا بصورت کارنامه ای گشاده برایش بیرون می آوریم (۱۳) در آن موقعیت به او الهام میشود که خودت کارنامه ات را بخوان که خودت برای حسابرسی خویش کافی هستی (۱۴)

کسی که دنبال هدایت باشد جز این نیست که بنفع خویش هدایت شده و کسی هم که گمراه شد جز این نیست که به ضرر خویش گمراه شده و هیچ کس بار دیگری را بر نمی دارد، و ما قبل از اینکه رسولی برانگیخته باشیم عذاب نمی کنیم (۱۵)

و هنگامیکه بخواهیم شهری را هلاک کنیم، خوشگذرانهایش در آن گناه میکنند، سپس آن حکم بر آن فرود می آید و آنگاه نابودش می کنیم (۱۶)

و چه بسا اقوامی که پس از قوم نوح هلاکشان کردیم و پروردگار برای آگاهی بر گناهان بندگانش کافی است (۱۷)

هرکس که لذت های دنیای زودگذر را بخواهد برای او آنچه لیاقتش باشد، برای هر کس که صلاح بدانیم، در آن پیش می آوریم، آنگاه جهنم را خواهد داشت که سرزنش شدهء رانده شده در آن خواهد افتاد (۱۸) و کسی که آخرت را بخواهد و برای آن سعی کند، و مومن هم باشد، البته سعیش مورد قدردانی خواهد بود (۱۹)

همگی آنها را و اینها را، از عطاء پروردگار مدد میدهیم، و عطاء پروردگار جلوگیر ندارد (۲۰)

ببین چگونه بعضی را بر بعضی برتری دادیم، و در آخرت نیز، هم درجات و هم برتری ها، بزرگتر خواهد بود (۲۱)

ای پیامبر! همراه خداوند از دیگری پیرویِ بی چون و چرا مکن که سرزنش شدهء رانده شده خواهی گردید (۲۲)

پروردگارت چنین مقرر کرده که تو و پیروانت کسی جز او را عبادت نکنید و با والدین نیکی کنید، اگر یکی از آنها یا هر دو، در نزدتان به سن بالا رسیدند مبادا به آنها حتی«آه» هم بگویید، و آنها را مرانید بلکه با آنها سخنی محترمانه بگوئید (۲۳) و در برابر آنها بامهربانی فروتنی کنید و بگوئید پروردگارا با آنها مهربان باش، همانگونه که آنها هنگام پرورشم مهربان بودند (۲۴)

پروردگارتان به آنچه در دلهایتان میگذرد داناتر است، اگر صالح باشید خواهد دانست و خداوند در مورد توبه کاران آمرزشگر است (۲۵)

ای پیامبر! خودت و پیروانت حق خویشاوند، و بیچاره، و در راه مانده را بدهید، اما ریخت و پاش بیجا مکنید (۲۶) که ریخت و پاش کنندگان از برادران شیاطین اند و شیطان نیز نسبت به پروردگارش ناسپاس است (۲۷) و اگر به علت تنگدستی مجبورید تا زمان بدست آوردن گشایشی از جانب پروردگارتان که امیدش را دارید از خواسته آنان سر بپیچید به آنها سخنی نرم بگوئید (۲۸) ای پیامبر! نه آنقدر از گشاده دستی دورشو که گویا دستت را به گردنت زنجیر کرده باشی و نه آن را آنقدر گشاده دار که بزودی دستت خالی شود که سرزنش شدهء درمانده بنشینی (۲۹)

البته پروردگارت روزی را برای کسی که بخواهد گشاده و تنگ میگیرد که همو نسبت به بندگانش آگاه و بیناست (۳۰)

ای پیروان پیامبر! اولادتان را از نگرانی تنگدستی مکشید، مائیم که هم به شما و هم به آنان روزی میدهیم. البته قتل آنها خطائی بزرگ است (۳۱)

و به زنا حتی نزدیک هم نشوید زیرا که عمل زشتی و راه بدی است (۳۲) و کسی را که خداوند کشتنش را حرام کرده مکشید مگر بر اساس حق، و اگر کسی به ظلم کشته شود برای ولیّ او حقی قرار دادیم که البته او هم نباید در قصاص اسراف کند و در اینصورت یاری هم خواهدشد (۳۳)

و به مال یتیم جز به شیوه ای که نیکو تر است نزدیک مشوید، تا اینکه به رشدش برسد، و به عهد وفا کنید زیرا که از عهد پرسش میشود (۳۴) و پیمانه را هنگام پیمانه کردن تمام بدهید و با ترازوی صحیح وزن کنید، که این، هم بهتر و هم نیک فرجام

تر است (۳۵)

ای پیامبر! و از آنچه علمش را نداری پیروی مکن که گوش و چشم و دل مورد سئوال واقع میشوند (۳۶) و در زمین خرامان راه مرو که نه میتوانی زمین را بشکافی و نه به بلندی کوهها خواهی رسید (۳۷)

بدی های همه اینها نزد پروردگارت معلوم و ناپسند است (۳۸) اینها چیزهائی بود که پروردگارت از حکمت ها به تو وحی کرد و همراه خداوند چیزی دیگر را به پرستش مگیر که در جهنم افکنده شوی و راندهء سرزنش شده خواهی شد (۳۹)

ای مشرکان! آیا می پندارید پروردگارتان شما را برخویش ترجیح داده و به شما پسر داده و ملائکه را دختران خویش برگرفته؟ البته شما کافران قائل به قول باطل بزرگی میباشید (۴۰) و البته در این قرآن دلائل و مثال ها را به وفور قرار دادیم تا پند گیرید اما در مورد شما جز دوری تان نیفزوده (۴۱)

ای پیامبر! بگو اگر چنانکه میگوئید همراه با او خدایانی دیگر هم باشند در اینصورت آن باصطلاح خداها سعی میکردند بسوی خدای واقعی و پر قدرت راهی بجویند (۴۲) خداوند پاک و منزه و بسیار برتر وبالاتر است از آنچه میگویند (۴۳) آسمانهای هفتگانه و زمین و هر که در آنهاست برایش تسبیح میگویند و هیچ چیز نیست مگر اینکه به ستایشش تسبیحگو است ولیکن شما تسبیح آنها را درنمی یابید. و او البته حلیم آمرزگار است (۴۴)

ای پیامبر! هنگامی که قرآن میخوانی بین تو و بین آنانکه به آخرت ایمان ندارند حجابی پوشنده قرار می گیرد (۴۵) که بر دلهاشان پرده میشود و آنرا نمی فهمند و در گوشهایشان سنگینی بوجود می آید و اگر پروردگارت در قرآن بطور تکی ذکر شود با نفرت روی پاشنه هایشان میچرخند (۴۶) ما میدانیم که آنها وقتی که دارند

سخن تو را گوش میدهند به چه چیزی گوش میدهند و نیز هنگامیکه راز میگویند چه ها میگویند، و نیز میدانیم هنگامی که ظالمان میگویند شما دارید مردی جادو زده را پیروی میکنید (۴۷) ببین چگونه برایت مثل ها میزنند و گمراه شده اند و نمیتوانند به راه بیایند (۴۸)

و میگویند آیا هنگامی که استخوان شدیم و پوسیدیم آیا دوباره در آفرینشی جدید برانگیخته میشویم؟ (۴۹) بگو بله، حتی اگر سنگ یا آهن باشید (۵۰) یا چیزی که در نظرتان بزرگتر باشد، و بزودی خواهند گفت چه کسی ما را برمیگرداند؟ بگو کسی که دفعه اول آفریدتان. پس سرهاشان را بسویت برمیگردانند و میگویند چه وقت؟ بگو شاید نزدیک باشد (۵۱) همان روزی که بخواندتان و شما ستایشگرانه اجابتش کنید و گمان کنید که جز اندکی در برزخ مکث نکرده اید (۵۲)

ای پیامبر! به بندگانم بگو آنچه را که بهتر است به مردم بگویند، زیرا که شیطان بین آنها را بهم میزند، چونکه شیطان نسبت به انسان دشمنی آشکار است (۵۳)

پروردگارتان به حال شما داناتر است، اگر خواهد بر شما رحمت گیرد و اگر خواهد عذاب تان کند و ای پیامبر! با آنها مدارا کن، که تو را به سرپرستی شان نفرستاده ایم (۵۴)

ای پیامبر! پروردگارت به حال همه کسانی که در آسمانها و زمین هستند داناتر است، و ما البته برخی از پیامبران را بر برخی دیگر برتری داده ایم و به داود نیز زبوری دادیم (۵۵) وبه مخالفانت نیز بگو هرکس را که غیر از خداوند به نظرتان میرسد، به دعا بخوانید، خواهید دید که نه ناراحتی تان را برطرف میکنند و نه تحولی در اوضاع شما به وجود می آورند (۵۶)

ای پیامبر! کسانی را که مخالفانت به دعا میخوانند، خودشان وسیله ای میجویند که

بسوی پروردگار راهی بیابند، که در نزدش نزدیکتر گردند و رحمتش را امید دارند و از عذابش می هراسند، زیرا که می باید از عذابش برحذر بود (۵۷)

و هیچ شهری نیست مگر اینکه قبل از قیامت هلاک یا به شدت عذابش می کنیم که این موضوع در آن کتابِ تقدیرات نوشته شده است (۵۸) و چیزی مانع ما نمیشود که معجزاتی بفرستیم مگر اینکه مردم میدانند که پیشینیان معجزاتی را که برایشان فرستاده شده بود تکذیب کردند و لذا این مردم میدانند معجزه فرستادن چندان فایده ای ندارد، و با وجود این باز هم معجزه طلب میکنند، و به قوم ثمود هم آن شتر را به نمایانی دادیم، اما به آن ظلم کردند، و ما معجزات را جُز برای ترساندن کافران نمی فرستیم (۵۹)

و ای پیامبر! به یاد آر که به تو گفتیم که پروردگارت به مردم احاطه دارد و آن خوابی که دیده ای و همچنین آن شجره ای را که در قرآن لعنت شده، در آن خواب به تو نمایاندیم، همه آن چیزها را جز فتنه ای برای مردم قرار نداده ایم، که بر عاقبت خویش بترسند، اما در این کافران اثری جز طغیانی بزرگ نخواهد داشت (۶۰)

ای مردم! توجه داشته باشید که آن هنگامیکه به ملائکه گفتیم بر آدم سجده کنید، همه سجده کردند غیر از ابلیس که گفت آیا به کسی سجده کنم که از گِل آفریدی؟ (۶۱) این موجودی که به من برتریش دادی، اگر تا روز قیامت مهلتم دهی تمام فرزندانش را بجز اندکی فریب داده و گمراه خواهم کرد (۶۲) و جواب شنید که برو و هر کس از آنان که پیرویت کرد جزایتان جهنم خواهد بود که جزائی کامل است (۶۳) و هر کس از آنها را که توانستی، با صوت خویش بلغزان، و با پیادگان و سوارگانت بر آنان بتاز، و در اموال و اولاد شریکشان شو، و وعده شان ده، و شیطان جز فریب وعده ای نمیدهد (۶۴) تو بر بندگانم تسلطی نخواهی داشت و پروردگار بعنوان کارسازشان کافی است (۶۵)

ای مردم! توجه داشته باشید که این پروردگار شماست که کشتیها را در دریا به حرکت درمی آورد تا از فضلش روزی تان را جستجو کنید که او نسبت به شما مهربان است (۶۶) و هنگامی که بلائی در دریا به شما رسد هر که را که غیر از او میخوانید از یادتان میرود. ولی هنگامی که نجاتتان داد و به زمین برگرداند، از او روی میگردانید زیرا که اکثر انسان ها کفران پیشه اند (۶۷) آیا ایمن شده اید که گوشه ای از زمین شما را فرو ببرد یا آسمان بر سرتان سنگ ببارد، و آنگاه کارسازی برای خویش نیابید؟ (۶۸) یا اینکه ایمن شده اید که مجدداً شما را به آن دریا برگرداند، و تند بادی بفرستد و بسبب کفرتان غرقتان کند، و علیه ما فریادرسی نیابید؟ (۶۹)

و ما البته آدمی زاده را گرامی داشته، و آنها را در خشکی و دریا حمل کرده، و از چیزهای خوشایند روزی شان داده ایم، و آنان را بر بسیاری از کسانی که آفریده ایم برتریی بزرگ داده ایم (۷۰)

و در قیامت که روزی است که هر کس را با نام رهبرش صدا میزنند، هر کس که کارنامه اش به دست راستش داده شود، نامه‌اش را میخواند و ذره ای ناراحتی نمی بیند (۷۱) و هر کس که در این جهان کور دل باشد، در آخرت هم کور، و بلکه گمراه تر خواهد بود (۷۲)

ای پیامبر! نزدیک بود در موردی از آنچه به تو وحی کرده ایم منحرفت کنند تا غیر آن را به ما افترا ببندی و در آنصورت تو را دوست خویش میگرفتند (۷۳) و اگر تو را ثابت قدم نکرده بودیم نزدیک بود کمی بسویشان متمایل شوی (۷۴) در آنصورت تو را حتما به عذابی سخت معذب میکردیم که انگار محنت دو چندانِ حیات و دو چندانِ ممات را چشیده باشی، و در آنصورت هیچ کسی را نمی یافتی که در مقابل ما یاورت باشد (۷۵) و نزدیک بود تو را وادار کنند که از مکه بیرون روی، که در حقیقت تو را اخراج کرده باشند، که در آنصورت در اثر عذابی که برآنان نازل میشد پس از تو جز اندکی در آن درنگ نمیکردند (۷۶) چنین است قانون ما و سنت خویش را در مورد

سایر پیامبرانِ قبل از تو نیز همین قرار داده ایم که اگر مخالفانشان از حد بگذرانند معذب گردند و در سنت ما هیچ تغییری نخواهی یافت (۷۷)

نماز را از زوال آفتاب در نیمروز تا تاریکی شب بپا دار، و نیز نمازِ صبح را بپا دار، که وقت نماز صبح مشخص است (۷۸) و مقداری از شب را به خواندن نافله ای برای خویش بیدار باش چه بسا که پروردگارت برایت مقامی پسندیده برگزیند (۷۹) و بگو پروردگارا مرا با داخل شدنی درست به هر کار داخلم کن، و با خارج شدنی درست خارجم کن، و برایم از جانب خویش دلیلی عطا کن که یاریم کند (۸۰) و بگو حق آمد و باطل از میان خواهد رفت که باطل خودش نابود شدنی است (۸۱) و ای پیامبر! بدان که در قسمتی از محتوای قرآن چیزهایی هست که برای مومنان شفاء و رحمت است و برای ظالمان چیزی جز خسارت نمی افزاید (۸۲)

و هنگامیکه به انسان نعمتی میدهیم روی برمیگرداند و دوری میجوید و هنگامیکه چیزی به او میرسد که شر میپنداردش نومید میگردد (۸۳) ای پیامبر! بگو همگی بر اساس طبع خود عمل می کنند و پروردگارتان بهتر میداند چه کسی هدایت یافته تر است (۸۴)

و از تو درباره جبرئیل میپرسند، بگو آن از امر پروردگارمن است و به شما جز اندکی از آن علم داده نشده است (۸۵) و اگر میخواستیم حتماً آنچه را که بسویت وحی نموده ایم از بین میبردیم، آنگاه برای خویش علیه ما وکیلی نمی یافتی (۸۶) مگر رحمتی از پروردگارت، که فضل او بر تو بزرگ است (۸۷) بگو اگر جن و انس مجتمع شوند که مانند این قرآن را بیاورند نخواهند توانست حتی اگر بعضی شان بعضی دیگر را یاری کنند (۸۸) و البته در این قرآن برای مردم از هر مثلی گرداندیم اما اکثر مردم از روی ناسپاسی رو گردانند (۸۹)

و میگویند به تو ایمان نخواهیم آورد مگر اینکه از زمین برای ما چشمه ای بشکافی

(۹۰) یا اینکه باغی از انگورها و خرماها داشته باشی و بین آنها بخوبی نهرهائی روان کنی (۹۱) یا اینکه آسمان را آنطور که فکر میکنی بر سر ما بیاندازی یا اینکه خدا و ملائکه را جلویمان بیاوری (۹۲) یا اینکه خانه ای جواهر نشان داشته باشی، یا اینکه به آسمان بالا روی و بالا رفتنت را هم باور نخواهیم کرد مگر اینکه برایمان نامه ای پائین بیاوری که آنرا بخوانیم، بگو منزه است پروردگارم، مگر من غیر از بشری فرستاده هستم؟ (۹۳)

و چیزی مانع ایمان آوردن مردم نشد مگر اینکه میگویند آیا خداوند بشری را به رسالت برانگیخته؟ (۹۴) بگو اگر در زمین فرشتگانی بودند که با اطمینان در آن راه میرفتند حتماً از آسمان فرشته ای را به رسالت نازل میکردیم (۹۵) بگو خداوند برای گواهی بین من و شما کافی است زیرا که او به بندگانش آگاه و بینا است (۹۶) و هر کس را که خداوند هدایت کند همو هدایت یافته است و کسی را که گمراه کند دوستانی غیر از او برایشان نخواهی یافت، و روز قیامت بر صورتهایشان محشورشان می کنیم در حالیکه کور و کر و لالند. جایگاهشان جهنم است که هر گاه آتشش فروکش کند باز سوزان و فروزانش میکنیم (۹۷) این جزایشان است زیرا به آیاتمان کافر شدند و گفتند آیا وقتیکه استخوان شدیم و پوسیدیم آیا در آفرینشی جدید برانگیخته خواهیم شد؟ (۹۸)

آیا نمی بینند خداوندی که آسمانها و زمین را آفریده تواناست که مانند آنها را بیافریند؟ و برایشان سرآمدی قرار داده که شکی در آن نیست. اما ظالمان جز سرِ ناسپاسی ندارند (۹۹) بگو اگر شما مالک گنجینه های رحمت پروردگارم بودید از نگرانیِ تنگدستی تنگ چشمی میکردید و چیزی به کسی نمیدادید، که انسان بسیار بخیل است (۱۰۰)

و البته به موسی نُه نشانه و معجزه واضح دادیم. پس، از بنی اسرائیل در باره آن هنگام بپرس که معجزه ها بسویشان آمد و فرعون به او گفت ای موسی من تو را جادو شده

می پندارم (۱۰۱) موسی گفت حتماً دانستی که این معجزه ها را کسی غیر از پروردگار آسمانها و زمین نازل نکرده و من تو را ای فرعون هلاک شده می بینم (۱۰۲) پس فرعون تصمیم گرفت موسی و پیروانش را از آن سرزمین بیرون کند و او را با همه آنهائی که با او بودند غرقشان کردیم (۱۰۳) و پس از آن به بنی اسرائیل گفتیم در آن سرزمین که برایتان در نظر گرفته شده سکونت کنید، و هنگامی که قیامت بیاید، شما را یکجا باهم بازمیآوریم (۱۰۴)

ما قرآن را به حق نازل کردیم و به حق نازل شد و تو را جز مژده دهنده و هشدار دهنده ای نفرستادیم (۱۰۵) به همراهت این قرآنی را که قسمت قسمتش کردیم قرار دادیم تا آنرا به تدریج برای مردم بخوانی و آنرا بخوبی فرو فرستادیم (۱۰۶) بگو چه به آن ایمان بیاورید چه نیاورید کسانی که قبلا آن علم را یافتند، هنگامی که بر آنان خوانده میشود سجده کنان به رو در می افتند (۱۰۷) و میگویند پروردگارمان منزه است، و البته وعده پروردگارمان حتما شدنی است (۱۰۸) و به رو در می افتند و می گریند و خشوعشان افزون میشود (۱۰۹) بگو چه خداوند را به نام «الله» بخوانید و چه به نام «رحمان»، به هر یک از نامها که بخوانید درست است زیرا نامهای نیکو از آن اوست،

ای پیامبر! تو نیز نمازت را نه با صدای بلند بخوان، و نه به آهستگی، و حالتی بین آن دو را در پیش گیر (۱۱۰) و در نیایش های خویش بگو: ستایش مخصوص خداوندی است که فرزندی بر نگرفته و در فرمانروائی شریکی ندارد، و هرگز اینطور نیست که از روی زبونی سرپرستی داشته باشد، و او را چنانچه باید و شاید به بزرگی یاد کن (۱۱۱)

سوره هود

بسم الله الرحمن الرحیم

ا.ل.ر.

این کتابی است که آیاتش اجمال، و سپس از جانب صاحب حکمتی آگاه، تفصیل یافته است (۱) که جز خداوند را عبادت مکنید که من از جانب او برایتان هشدار دهنده و مژده دهنده ای هستم (۲) و اینکه از پروردگارتان آمرزش خواسته و بسوی او بازگردید تا شما را به برخورداریی نیکو تا مدتی معین برخوردار کند و فضل هر صاحب فضلی را به او بدهد و اگر روی برگردانید برشما خوف عذابِ روزی بزرگ را دارم (۳) بازگشتتان بسوی خداوند است و همو بر همه چیز توانا است (۴)

ای مومنان! آگاه باشید که آن کافران همان دم که رو برمیگردانند تا خود را از شنیدن قرآن مخفی کنند، و همان هنگام که جامه بر سر می کشند، خداوند آنچه را که پنهان می کنند و آنچه را که آشکار میکنند میداند که او به حقیقتِ دلها آگاه است (۵) و هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر اینکه روزیش برعهده خداوند است و محل استقرار و محل نهایی او را میداند و همه اینها در کتابی روشنگر هست (۶) و هموست که آسمانها و زمین را در شش مرحله آفرید و مرکز تقدیر و فرماندهی جهان در ابتدای پیدایش آن بر حالتی مستقر بود که به نظر شما به مایع می مانَد و اوضاع را از آنجا تا به اینجا رساند تا شما را بیازماید که کدامتان خوش عمل ترید

و ای پیامبر! اگر بگویی حتماً پس از مرگ برانگیخته خواهید شد کافران خواهند گفت این قرآن جز جادویی آشکار نیست (۷) و اگر عذاب را تا مدتی کم و تعیین شده از آنها به عقب بیاندازیم خواهند گفت چه چیزی جلویش را گرفته؟ بدانید روزی که عذابشان بیاید از آنها بر طرف نخواهد شد و آنچه را که به مسخره میگیرند بر آنها فرود خواهد آمد (۸)

و اگر به انسان رحمتی از جانب خویش بچشانیم سپس آن را از او جدا کنیم نومید و ناسپاس میشود (۹) و اگر پس از ناراحتیی که به وی رسیده، نعمتی به او بچشانیم بدون اینکه به مبدا نعمت توجه کند میگوید بدیها از من دور شد و شاد شده و فخر

میفروشد (۱۰) تقریبا همگان چنین اند مگر آنانکه صبر نموده و عمل شایسته انجام میدهند که آمرزشی و پاداشی بزرگ خواهند داشت (۱۱)

ای پیامبر! در اثر تکذیب اینان، شاید میخواهی بعضی از آنچه را که بسویت وحی شده ترک کنی و دلت تنگ شود که میگویند چرا گنجی بر او نازل نشده یا فرشته ای همراه او نیامده، جز این نیست که تو فقط هشدار دهنده ای هستی و خداوند مواظب همه چیز هست (۱۲)

یا اینکه میگویند این قرآن را به خداوند افترا بسته، بگو ده سوره مانند همین چیزهای به اصطلاحِ شما افترایی، بیاورید، و هر کس غیر از خدا را که توانستید به ارزیابی آنچه آورده اید دعوت کنید اگر راست میگویید (۱۳) ای پیامبر! پس اگر در این موضوع استجابتت نکردند بدان که قرآن به علم خدا نازل شده و خدایی جز او نیست، پس ای منکران! آیا تسلیم میشوید؟ (۱۴)

کسانی که زندگی پست تر و زینت آنرا بخواهند نتیجه اعمالشان را بطور کامل به آنها میدهیم و هیچ نقصانی نمی یابند (۱۵) اما آنها در آخرت بهره ای جز آتش نخواهند داشت و آنچه را که ساخته باشند از بین میرود و عملی که میکرده اند باطل است (۱۶)

ای پیامبر! آیا کسانی که بر دلیلی از پروردگارشان استوارند، و نیز کتابی را که شاهدی از جانب اوست، تلاوت میکنند، و قبل از آن هم کتاب موسی پیشوا و رحمتی بوده، مانند کافرانند؟ در حالیکه حق این است که آنها به آن ایمان می آورند، و کسانی از گروه ها که به آن کافر شوند، وعده شان آتش است. پس درباره این حقیقت و آن عاقبتِ دوگروه هیچ شکی مدار. البته آن حق و از جانب پروردگارت است، ولیکن اکثر مردم نمیدانند (۱۷)

و چه کسی ظالم تر است از کسی که به خداوند افترای دروغ ببندد؟ آنها به

پروردگارشان عرضه میشوند و شاهدان میگویند اینها کسانی هستند که به پروردگارشان دروغ بسته اند. بدانید لعنت خدا بر ظالمان خواهد بود (۱۸)
همان کسانی که مردم را از راه خدا باز میدارند و آن را کج میخواهند و به آخرت نیز کافرند (۱۹)
آنها نمیتوانند خداوند را در زمین عاجز کنند و جز خداوند نیز هیچ سرپرستی ندارند. عذابشان مضاعف میشود و توان شنیدن و دیدن نخواهند داشت (۲۰)
خودهاشان را به خسارت افکندند و آنچه را نیز که افترا می بستند از آنان گم میشود (۲۱)
و ناگزیر در آخرت از زیانکارترین ها خواهند بود (۲۲)
اما صاحبان ایمان و عمل صالح که بسوی پروردگارشان با تواضع رو میکنند از بهشتیان خواهند بود که در آن جاودانند (۲۳)

مَثَل دو گروه مانند کور و بینا و کر و شنوا است. آیا اینها مساویند؟ آیا پند نمیگیرید؟ (۲۴)

و البته نوح را بسوی قومش فرستادیم، و او به قومش چنین توضیح داد که من برایتان هشدار دهنده ای آشکارم (۲۵) که غیر از خداوند را عبادت مکنید که بر شما از عذابِ روزی دردناک بیمناکم (۲۶)
پس بزرگانِ کافران قومش گفتند: تو را جز بشری مثل خودمان و پیروانت را نیز جز فرومایگانی بیخرد نمی بینیم و برتریی برای شما بر خویش نمی شناسیم بلکه شما را دروغگو میدانیم (۲۷)
گفت ای قوم! اگر با دلایل روشنی از جانب پروردگارم همراه باشم و رحمت و وحیی از جانب خویش بمن داده باشد که بر شما پوشیده مانده باشد، من حق دارم که رسالت و ماموریت خویش را انجام دهم و باید امکان انجامش را داشته باشم و بتوانم بطور آزادانه و بدون فشار و اکراه مطالبم را تبلیغ کنم، آیا من به شما زور گفته ام؟ آیا شما را به قبول دعوتم ملزم کرده ام؟ حتی اگر اکراه داشته باشید؟ (۲۸)

ای قوم! من که از شما اموالی نمی خواهم، مُزدم بر عهده خداوند است و من نمیتوانم مومنانِ پیروِ خویش را طرد کنم، آنها پروردگارشان را ملاقات خواهند کرد ولیکن من شما را قومی نادان می بینم (۲۹) ای قوم اگر آنها را طرد کنم چه کسی مرا در مقابل خداوند یاری خواهد کرد؟ آیا متوجه نیستید؟ (۳۰)
و نمیگویم خزائن خداوند نزد من است و نیز نمیگویم علم غیب دارم و نمیگویم فرشته هستم و به کسانی که به چشم شما کوچک می آیند نمیگویم خداوند هرگز خیری به آنان نخواهد داد. خداوند به قلوب آنها داناتر است. اگر چنان کنم از ظالمان خواهم بود (۳۱)
گفتند ای نوح با ما جدال کردی و جدالت هم زیاد شد پس آنچه را که وعده میدهی برایمان بیاور اگر راست میگویی (۳۲)
گفت جز این نیست که خداوند اگر بخواهد آنرا برایتان می آورد و شما نمیتوانید مانع شوید (۳۳)
و اگر بخواهم برایتان خیر خواهی کنم و خودتان لایق آن نباشید نصیحت هایم فایده ای برای شما ندارد. همو پروردگارتان است و بسوی او بازخواهید گشت (۳۴)

ای پیامبر! تکذیبگران قوم تو نیز مانند قوم نوح میباشند و میگویند تو این قرآن را بر ما افتراء بسته ای. بگو اگر چنین باشد گناهش بعهده من است ولی من از گناهی که شما میکنید و کلام خدا را تکذیب مینمائید بیزارم (۳۵)

به نوح وحی‌شد که غیر از کسانیکه تاکنون ایمان‌آورده‌اند دیگر کسی ایمان نخواهد آورد لذا از آنچه می‌کنند ناراحت مباش (۳۶) و آن کشتی را در مقابل چشمان ما و به آموزش ما بساز و درباره کسانی که ظلم کرده اند بعنوان وساطت چیزی مگوی که آنها غرق خواهند شد (۳۷) و او آن کشتی را میساخت و هر بار که برخی از بزرگان قومش بر او عبور میکردند مسخره اش مینمودند و او میگفت اگر مسخره مان میکنید ماهم به وقتش مانند شما مسخره تان خواهیم کرد (۳۸) پس بزودی خواهید فهمید عذاب خوار کننده و ماندگار بر چه کسی فرود خواهد آمد (۳۹) تا اینکه فرمان ما آمد و آن

تنور که علامت شروع عذاب بود فوران کرد. به نوح گفتیم اهل خویش را و نیز از همه جانوران جفتی و نیز مومنان را در آن سوار کن، و در این زمان، جز عده کمی کسی همراه با او ایمان نیاورده بود (۴۰) و نوح گفت بنام خدا در آن سوار شوید که رهسپاری و توقفش بنام خداست، که البته پروردگارم آمرزگار مهربان است (۴۱) و آن کشتی آنها را در میان امواجی که مانند کوهها بود میبرد و نوح پسرش را در حالیکه برکرانه ای بود صدا زد که ای پسرکم با ما سوار شو و با کافرا ن مباش (۴۲) گفت بزودی به کوهی پناه میبرم که مرا از آب حفظ کند. نوح گفت امروز چیزی کسی را از فرمان خدا حفظ نمیکند مگر کسی که همو رحمش کند و بین آنها موجی حائل شد و پسر نوح از غرق شدگان گردید (۴۳) آنگاه به زمین گفته شد آب خویش را فرو خور و ای آسمان تو هم نبار، آب فرو رفت و امر خداوند اجرا شد، و کشتی بر کوه جودی مستقر شد، و از سوی خداوند مقرر شد ظالمان از رحمت الهی دور باشند (۴۴)

و نوح پروردگارش را ندا داد که پروردگارا! پسرم جزء اهل من است و وعده تو نیز حق است و تو بهترین حکمرانی (۴۵) گفت ای نوح او از اهل تو نیست. او عملی ناصالح است. پس درباره چیزی که علمش را نداری از من خواهشی مکن. نصیحتت میکنم که مبادا از جاهلان شوی (۴۶)

گفت پروردگارا به خودت پناه میبرم از اینکه خواهشی کنم که علمی به آن ندارم و اگر مرا نیامرزی و رحم نکنی از زیانکاران خواهم شد (۴۷)

آنگاه گفته شد ای نوح فرود آی! با سلامی از جانب ما و برکاتی بر خودت و بر اقوامی که از نسل همراهان تو هستند و اقوامی از همان نسلها خواهند بود که بزودی برخوردارشان خواهم کرد سپس آنها گمراهی را انتخاب خواهند کرد و لذا از جانب ما عذابی دردناک به آنان نیز خواهد رسید (۴۸)

ای پیامبر! این از اخبار غیبی است که بسویت وحی میکنیم. نه تو و نه قومت قبلا آن را نمیدانستید. پس صبر کن که عاقبت از آنِ متقیان است (۴۹)

و بسوی عاد نیز برادرشان هود را فرستادیم،

گفت ای قومم! خداوند را عبادت کنید که معبودی غیر از او ندارید و کار شما در جهت شریک قراردادن برای خداوند چیزی جز افتراء نیست (۵۰)
ای قوم! من برای این رسالت مُزدی از شما نمیخواهم. جز این نیست که مُزدم جز بر عهده کسی که مرا آفریده نیست آیا به عقل در نمی یابید؟ (۵۱)
ای قوم! از پروردگارتان آمرزش بخواهید و بسوی او بازگردید تا آسمان را بر شما بباراند و نیروئی بر نیروی شما بیفزاید و با گناه به حق پشت نکنید (۵۲)
گفتند ای هود! دلیل روشنی برای ما نیاوردی و ما معبودهای خود را به ِصرف قول تو رها نمی کنیم و تو را باور نداریم (۵۳) چیزی که معتقدیم این است که بعضی از معبودان ما تو را آسیبی رسانده اند که چنین میگوئی. گفت خدا را به شهادت میگیرم و شما هم شاهد باشید که از آنچه با خدا شریک میگیرید بیزارم (۵۴) پس هر چه حیله علیه من دارید جمع کنید و هیچ مهلتی هم به من ندهید (۵۵) من به خداوند که پروردگار خودم و شماست توکل کرده ام. هیچ جنبنده ای نیست مگر اینکه او زمامدارش است و پروردگارم بر طریقِ صحیح است (۵۶) پس اگر رویگردان شدید بدانید که من رسالتم را به شما ابلاغ کردم و پروردگارم قومی دیگر را جایگزینتان میکند و شما نمیتوانید ضرری به او رسانید، زیرا که پروردگارم بر هر چیزی مسلط است (۵۷)
و هنگامیکه عذاب آمد، هود و کسانیکه با او ایمان آورده بودند را به رحمت خویش از عذابی غلیظ نجات دادیم (۵۸) و این قوم عاد بود که آیات پروردگارشان را انکار نموده و فرستادگانش را نافرمانی کرده و فرمان هر گردنکش ستیزه جو را پیروی کرده بودند (۵۹)
و در این جهان، و نیز تا روز قیامت، برای خویش لعنت بجان خریدند.
آگاه باشید که قوم عاد به پروردگارشان کافر شدند و از رحمت الهی دور خواهند بود (۶۰)

و بسوی قوم ثمود برادرشان صالح را فرستادیم که میگفت ای قوم! خداوند را عبادت کنید که معبود دیگری غیر از او ندارید.

همو شما را از زمین آفرید و به آبادانی آن گماشت. پس، از او آمرزش خواسته و بسوی او توبه کنید که پروردگارم البته نزدیک و جوابگوست (۶۱)
گفتند ای صالح قبل از این مایه امیدمان بودی، آیا نهی مان میکنی که چیزی را عبادت کنیم که پدرانمان عبادت میکردند و البته ما درباره آنچه که دعوتمان میکنی دودلیم و شک داریم (۶۲)
گفت ای قوم اگر بر دلیل روشنی از جانب پروردگارم باشم و بمن رحمتی داده باشد، چه کسی در صورتی که او را نافرمانی کنم کمکم خواهد کرد؟ و شما برای من جز خسارت نخواهید افزود (۶۳) ای قوم! این شتری است که خداوند فرستاده است که برایتان نشانه و معجزه ای است. بگذارید در زمین خدا بچرد و بدیی به آن نرسانید که عذابی نزدیک شما را در خواهد گرفت (۶۴)
اما کشتندش و گفت سه روز در خانه هایتان برخوردار باشید. این وعده ای است که دروغ نخواهد شد (۶۵) پس هنگامی که فرمان ما آمد، صالح و کسانی را که به او ایمان آورده بودند به رحمت خویش از خواری آن روز نجات دادیم که پروردگارت البته قویِ پیروزمند است (۶۶)
و آن ظالمان را فریاد بسیار بلندی در گرفت و ناگهان در خانه هایشان جسدهایی بیجان شدند (۶۷) که گوئی اصلاً در آن زنده نبودند. قوم ثمود پروردگارش را کافر شد. هان! دور باد رحمت الهی از قوم ثمود (۶۸)

و فرستادگان ما با مژده بر ابراهیم درآمدند و سلام گفتند. او هم سلامی گفت و طولی نکشید که گوساله‌ای چاق و بریان آورد (۶۹) وچون دید بسوی آن دست دراز نمی کنند آنها را ناشناس گرفت و نگرانیی از آنها پیدا کرد. گفتند مترس که ما بسوی قوم لوط فرستاده شده ایم (۷۰) و همسرش ایستاده بود وحیض شد و آنها مژده اسحق و پس از اسحق یعقوب را به او دادند (۷۱) گفت وای برمن! آیا من که که پیرزنی هستم و شوهرم نیز پیرمردی است خواهم زائید؟ البته این عجیب است (۷۲) گفتند آیا از امر خدا تعجب‌می‌کنی؟ در حالیکه رحمت خدا و برکاتش بر شما خانواده نازل شده که او پسندیدهء بلندمرتبه است (۷۳)

هنگامیکه نگرانی ابراهیم برطرف شد و مژده هم به او رسید با ما درباره قوم لوط مجادله میکرد (۷۴) و ابراهیم البته موقر و دردمند و توبه کار بود (۷۵) به او خطاب شد ای ابراهیم! از این بگذر. این امر پروردگارت است و البته عذابی برگشت ناپذیر برایشان مقدر شده است (۷۶)

و وقتیکه فرستادگانمان به لوط درآمدند، از دیدنشان ناراحت شد و خود را بیچاره یافت و گفت امروز چه روز سختی است (۷۷) و قوم او که قبلا هم کارهای زشت میکردند با شتاب بسوی او آمدند،
گفت ای مردم این زنان که در این شهر هستند مانند دختران من اند، که برای شما پاکیزه ترند، از خدا بترسید و مرا در مقابل مهمانانم خوار نکنید، آیا در میان شما یک مرد فهمیده نیست؟ (۷۸)
گفتند میدانی که در دخترانت حقی نداریم و خودت میدانی چه میخواهیم (۷۹)
گفت ای کاش نیروئی زیاد میداشتم یا میتوانستم از شرّتان به گوشه محکمی پناه ببرم (۸۰)
مهمانانش گفتند ای لوط ما فرستادگان پروردگارت می باشیم و آنها هرگز به تو دست نخواهند یافت، پس شبانه اهل خویش را ببر و نباید کسی از شما به پشت سر خویش نگاه کند غیر از زنت که البته به او همان خواهد رسید که به آنها میرسد. موعد عذابشان صبح است. آیا صبح نزدیک نیست؟ (۸۱)
وقتیکه امر ما آمد بالای شهرشان را پائین قرار دادیم و بر آنها سنگ-گِل هایی باراندیم که مرتب و ردیف شده بود (۸۲) که نزد پروردگارت نشاندار بود و آن از ظالمان دور نیست (۸۳)

و بسوی مدین برادرشان شعیب را فرستادیم. گفت ای مردم خداوند را عبادت کنید که معبود دیگری غیر از او ندارید. و ترازو و پیمانه را ناقص ندهید. من شما را در رفاه می بینم و بر شما از عذاب روزی فراگیر میترسم (۸۴) ای مردم پیمانه و ترازو را بطور کامل بدهید و از مال مردم نکاهید و در زمین به فساد نگرائید (۸۵) ذخیره خدائی و

سود معامله برایتان بهتر است درصورتی که باور داشته باشید و من نگهبان شما نیستم (۸۶)

گفتند ای شعیب آیا دینت تو را مأمور میکند که ما آنچه را که پدرانمان عبادت میکردند رها کنیم یا اینکه در اموال خویش هر چه خواستیم نکنیم؟ تو که شخص حلیم رشد یافته ای هستی! (۸۷)

گفت ای مردم چه نظری دارید اگر من بر دلیل روشنی از جانب پروردگارم باشم، و از آن، روزیی نیکو بمن داده شده باشد؟ و این سخنان را از پیش خود نمیگویم و در این مورد صرفاً قصد مخالفت با شما را ندارم. جز این نیست که قصدم اصلاح است. آنقدر که بتوانم، و توفیقم جز بر عهده خداوند نیست که بر او توکل کرده ام و بسوی همو باز میگردم (۸۸)

ای مردم مبادا بعلت مخالفت با من همان چیزی به شما برسد که به قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح رسید و قوم لوط هم که از شما دور نیست (۸۹) و از پروردگارتان آمرزش بخواهید سپس به سوی او بازگردید که البته پروردگارم مهربان و دوستدار است (۹۰)

گفتند ای شعیب بسیاری از چیزهایی را که میگویی نمی فهمیم و تو را در بین خویش ضعیف می بینیم و اگر قبیله ات نبود سنگسارت میکردیم و تو چندان عزتی نسبت به ما نداری (۹۱)

گفت ای مردم آیا قبیله ام بنظر شما از خداوند که فرمان او را پشت سر انداخته اید مهم تر است؟ البته پروردگارم به اعمال شما احاطه دارد (۹۲) ای مردم هر چه میتوانید انجام دهید. من نیز کار خویش میکنم. بزودی خواهید فهمید عذاب خوار کننده به سوی چه کسی خواهد آمد و دروغگو کیست و منتظر باشید که من نیز همراه شما منتظر خواهم ماند (۹۳)

و هنگامیکه فرمان ما آمد شعیب و کسانی را که با او ایمان آورده بودند به رحمت خویش نجات دادیم و ظالمان را فریادی بلند بگرفت و در خانه هایشان جسدی بی جان شدند (۹۴) گویی که هرگز در آن نبودند.

هان ! نابود باد قوم مدین همانگونه که ثمود بود (۹۵)

و البته موسی را با آیاتمان و دلیلی روشن فرستادیم (۹۶) بسوی فرعون و بزرگانش، پس آنها امر فرعون را پیروی کردند و امر فرعون رشد یافته نبود (۹۷)
در روز قیامت پیشاپیش مردمش راه میرود و آنان را به آتش درمی آورد که چه بد جایگاهی است (۹۸)
و در این جهان با لعنت بدرقه شدند و روز قیامت نیز چه عطای بدی خواهند داشت (۹۹)

ای پیامبر! این مطالب از خبرهای اقوام باستانی بود که برایت گفتیم، آثار بعضی از آنها هنوز پا برجا و بعضی برچیده است (۱۰۰) و ما ظلمی به آنان نکردیم بلکه آنان بر خویش ظلم کردند و آن معبودهائی که غیر از خداوند به عبادتشان میپرداختند، وقتیکه امر خدا آمد فایده ای برایشان نداشت و غیر از تباهی چیزی برآنها نیفزود (۱۰۱) و گرفتن پروردگارت چنین است. هنگامیکه شهرهائی را که به ظلم میپردازند میگیرد، گرفتنش شدید و دردناک است (۱۰۲) البته در این برای کسی که از عذاب آخرت بترسد آیه عبرتی است.

آن روز، روزی است که مردم در آن جمع میگردند و روزی است که در آن شهادت ها داده میشود (۱۰۳) و ما آنرا جز تا مدتی شماره شده و کم، به تأخیر نیانداخته ایم (۱۰۴) آن روز روزی است که هیچکس جز به فرمان خداوند سخن نمیگوید و بعضی از مردم سعادتمند و بعضی بی بهره خواهند بود (۱۰۵)
آنانکه بی بهره شدند در آتش خواهند بود که صدای بدهنجار خواهد داشت (۱۰۶) و در آن جاودان خواهند بود، آنقدر که آسمانها و زمین برقرار باشد، مگر اینکه پروردگارت، به حکمت، چیزی دیگر بخواهد، که البته پروردگارت در آنچه اراده اش تعلق گیرد فعّال است (۱۰۷)
اما آنانکه لیاقت خوشبختی داشتند در بهشت جاودان خواهند بود آنقدر که آسمانها و زمین برقرار باشد، مگر آنکه خدا بخواهد و این عطائی است که قطع نخواهد شد (۱۰۸)

پس، ای پیامبر! درباره آنچه اینها عبادتش میکنند در شکّی مباش. عبادت اینها مانند عبادت پدرانشان است و ما البته نصیب آنها را بطور کامل میدهیم (۱۰۹)

و البته ما آن کتاب را به موسی دادیم و در آن اختلاف شد و اگر اینطور نبود که کلمه ای از جانب پروردگارت قبلا صادر شده بود، حتماً فرمان نابودی شان میرسید. و آنها البته درباره آن در شکی بزرگ هستند (۱۱۰)
و البته پروردگارت سزای اعمال همه آنها را بطور کامل میدهد زیرا که از اعمالشان با خبر است (۱۱۱)

پس چنانکه مأمورهستی استقامت کن و کسانی که با تو بسوی خدا بازگشته اند را نیز به استقامت وادار،
و ای مردم! شما نیز سرکشی مکنید که خداوند به اعمال شما بیناست (۱۱۲)
و بسوی ظالمان حتی اندکی نیز متمایل مشوید که آتش به شما میرسد و جز خدا دوستانی نخواهید داشت و در آنصورت از جانب خدا یاری هم نمیشوید (۱۱۳)

ای پیامبر! نماز را در دو طرف روز و پاسی از شب بپا دار. البته نیکی ها بدی ها را نابود می کند. این پندی است برای کسانی که اهل تذکرند (۱۱۴)
و پایداری کن و خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند (۱۱۵)

پس چرا از قرون قبل از شما خیر اندیشانی نبودند که از فساد در زمین نهی کنند؟ مگر عده کمی که نجاتشان دادیم؟ و مردم ظالمان را در خوشگذرانیهای آنها پیروی کردند و گناهکار شدند (۱۱۶)
و پروردگارت اینطور نیست که شهرها را به ظلم هلاک کند در حالیکه آنها اصلاحگرند (۱۱۷)
و اگر پروردگارت میخواست، همه مردم را یکجور قرار میداد ولی پیوسته در اختلاف

خواهند بود (۱۱۸) مگر کسی که پروردگارت رحمش کند و برای همین هم خلقشان کرده و کلمه پروردگارت تمامیت یافت به اینکه جهنم را از همگیِ گناهکارانِ جن و انس پر خواهد کرد (۱۱۹)

ای پیامبر! کلّا از اخبار پیامبران برایت نقل میکنیم تا دلت بوسیله آن آرام شود و در این سوره حق و موعظه و پندی برای مومنان است (۱۲۰)
و به بی ایمان ها بگو هر چه میتوانید انجام دهید که ما نیز کار خویش میکنیم (۱۲۱)
و منتظر باشید که ما نیز منتظریم (۱۲۲)
و علمِ نهانی های آسمان ها و زمین از آن خداست و همه امور به سوی او بازمیگردد.

پس ای پیامبر و ای مومنان بر او توکل و او را عبادت کنید و پروردگارتان از آنچه انجام میدهید غافل نیست (۱۲۳)

سوره شعراء

بسم الله الرحمن الرحیم

طسم (۱)

این آیاتِ آن کتاب آشکار است (۲)

ای پیامبر! شاید میخواهی خودت را هلاک کنی که آنان ایمان نمی آورند (۳)
به خویش سخت نگیر! زیرا اگر بخواهیم میتوانیم از آسمان معجزه ای بر آنان نازل کنیم تا گردنهایشان در مقابلش خاضع شود (۴)

و سران این کفار چنانند که هیچ پند تازه ای از جانب خداوند رحمان بسویشان نمی آید مگر آنکه از آن رویگردانند (۵) و تکذیب میکنند و البته بزودی اخبار آنچه که

مسخره اش میکنند بسویشان خواهد آمد (۶)

آیا به زمین نمی نگرند که نعمتها را ببینند؟ از جمله اینکه چه بسیار از گیاهان ارزشمند از هر گونه ای در آن رویاندیم (۷) البته در این نشانه ای است و اکثرشان مومن نیستند (۸) و البته پروردگارت آن پیروزمند مهربان است (۹)

و هنگامیکه پروردگارت موسی را ندا داد که بسوی قوم ظالمان برو (۱۰) سوی قوم فرعون، و به آنها بگو آیا پروا نمی کنید؟ (۱۱) گفت پروردگارا میترسم تکذیبم کنند (۱۲) و دلم تنگ میشود و زبانم گشاده نیست پس وحی را بسوی هارون بفرست (۱۳) و بنظر آنها من نزدشان گناهی دارم و میترسم مرا بکشند (۱۴) گفت هرگز! شما دو نفر با آیاتم بروید. ما با شمائیم و متوجهیم (۱۵) و بسوی فرعون بروید و بگوئید ما فرستاده پروردگار جهانیانیم (۱۶) که بنی اسرائیل را همراهمان بفرست (۱۷)

آنها همانطور که مامور شده بودند رفتند و موضوع ماموریتشان را برای فرعون شرح دادند و فرعون به موسی گفت آیا وقتی که نوزاد بودی در میان خویش پرورشت ندادیم؟ و سالهائی از عمر خویش را در میان ما نگذراندی؟ (۱۸) اما تو در عوض، آن کار زشت را کردی و از کافران شدی (۱۹) گفت آن کار را در زمانی کردم که به حق نرسیده بودم (۲۰) و از شما ترسیدم و فرار کردم اما پروردگارم بمن لطف کرد و مرا حکم داد و از فرستادگان قرارم داد (۲۱) و تازه، مگر این نعمتی است که بنی اسرائیل را به بردگی گرفته ای و منتش را بر من میگذاری؟ (۲۲)

فرعون گفت پروردگار جهانیان چیست؟ (۲۳) گفت پروردگار آسمانها و زمین و آنچه بین آنهاست اگر یقین داشته باشید (۲۴) فرعون به اطرافیانش رو کرد و گفت نمی شنوید؟ (۲۵) موسی ادامه داد: پروردگار شما و پروردگار نیاکانتان (۲۶) فرعون گفت پیغمبرتان که بسویتان گسیل شده دیوانه است (۲۷) موسی ادامه داد: پروردگار مشرق و مغرب و بین آنها اگر تعقل کنید (۲۸) فرعون گفت اگر معبودی غیر از من اتخاذ

کنی حتما زندانیت میکنم (۲۹) گفت حتی اگر یک چیز آشکار برایت آورده باشم؟ (۳۰) گفت بیاورش اگر راست میگویی (۳۱) پس عصایش را انداخت و آن فورا اژدهایی آشکار شد (۳۲) و دستش را از گریبانش بیرون آورد پس فورا برای ناظران سفید و درخشان شد (۳۳)

فرعون به بزرگان اطرافیانش گفت این یک جادوگر متخصص است (۳۴) میخواهد شما را با جادویش از سرزمین تان بیرون کند پس چه میفرمایید؟ (۳۵) گفتند او و برادرش را نگهدار و ماموران جمع آوری به شهرها بفرست (۳۶) تا همه جادوگران متخصص را بسوی تو بیاورند (۳۷) چیزی نگذشت که آن جادوگران را در موعدی معین گرد آوردند و مردم هم به تماشا جمع شدند (۳۸) فرعون به مردم گفت اینک که اجتماع کرده اید (۳۹) شاید جادوگران را پیروی کنیم اگر غالب شوند (۴۰) چون جادوگران آمدند، به فرعون گفتند آیا پاداشی هم خواهیم گرفت اگر غالب شدیم؟ (۴۱) گفت بله. و در آنصورت از مقربان خواهید شد (۴۲)

موسی به آنان گفت بیاندازید آنچه را که در چنته دارید (۴۳) پس طنابها و چوبهای خویش را انداختند و گفتند به عزت فرعون حتما خودمان غالبیم (۴۴) پس موسی عصای خویش را انداخت و در دم همه آنچه را که به دروغ ساخته بودند بلعید (۴۵) پس جادوگران به سجده افتادند (۴۶) و گفتند به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم (۴۷) پروردگار موسی و هارون (۴۸) فرعون گفت آیا قبل از اینکه اجازه تان دهم ایمان آوردید؟ حتما او بزرگ شماست که جادو را یادتان داده پس بزودی خواهید دانست. دست و پایتان را به خلاف یکدیگر قطع خواهم کرد و البته همه تان را به دار خواهم کشید (۴۹) گفتند مهم نیست زیرا که ما بسوی پروردگارمان روی آورده ایم (۵۰) امیدواریم پروردگارمان خطاهایمان را ببخشد، به این جهت که ما اولین مومنانیم (۵۱)

و به موسی وحی کردیم که بندگانم را شبانه ببر زیرا که تعقیب خواهید شد (۵۲) آنگاه فرعون ماموران جمع آوری را به شهرها فرستاد (۵۳) که اینها گروهی کم

جمعیتند (۵۴) که ما را به به خشم آورده اند (۵۵) و ما انبوهی مسلحیم (۵۶)

اینطور بود که فرعونیان را از باغستانها و چشمه سارها (۵۷) و از گنج ها و جایگاههای نیکو (۵۸) بیرون کردیم و آنها را به بنی اسرائیل دادیم (۵۹)

فرعونیان صبحگاهان دنبالشان کردند (۶۰) و هنگامیکه دو گروه یکدیگر را دیدند همراهان موسی گفتند گیر افتادیم (۶۱) گفت هرگز! پروردگارم با من است و بزودی هدایتم میکند (۶۲) و به موسی وحی کردیم که با عصایت به دریا بزن. پس بشکافت و هر بخشی چون کوهی بزرگ شد (۶۳) و دیگران را به آنجا نزدیک کردیم (۶۴) و موسی و همراهانش همگی را نجات دادیم (۶۵) و دیگران را غرق کردیم (۶۶) البته در این نشانه ای است و اکثرشان مومن نیستند (۶۷) و البته پروردگار تو پیروزمند مهربان است (۶۸)

ای پیامبر! خبر ابراهیم را بر آنان بخوان (۶۹) هنگامیکه به پدرش و قومش گفت چه چیزی عبادت می کنید؟ (۷۰) گفتند بتهایی عبادت میکنیم و در خدمتشان معتکفیم (۷۱) گفت آیا هنگامیکه دعایشان میکنید می شنوند؟ (۷۲) یا نفع و ضرری برایتان دارند؟ (۷۳) گفتند پدرانمان را دیدیم که چنین میکردند (۷۴) گفت میدانید آنچه را که میپرستید؟ (۷۵) چه شما و چه نیاکانتان (۷۶) بدانید که آنها را دشمن میدارم مگر پروردگار جهانیان را (۷۷) که مرا آفرید و هدایتم کرد (۷۸) و غذا و آبم می دهد (۷۹) و وقتی که مریض شدم شفایم می دهد (۸۰) و مرا میمیراند و سپس زنده ام میکند (۸۱) و امیدوارم خطاهایم را در روز قیامت ببخشد (۸۲) پروردگارا بمن حکم عطا کن و مرا به شایستکان ملحق فرما (۸۳) و برایم در اقوام بعدی نام نیک عطا فرما (۸۴) و مرا از برندگان بهشت پر نعمت کن (۸۵) و پدرم را ببخش که از گمراهان است (۸۶) و روز برانگیختگی خوارم مکن (۸۷) در روزی که نه مال فایده میکند و نه فرزندان (۸۸) مگر کسی که با قلبی سلیم بسوی خداوند آمده باشد (۸۹) و بهشت به اهل تقوی نزدیک میشود (۹۰) و جهنم به کسانی که خودشان را گمراه کرده اند نمایان میگردد (۹۱) و به آنها گفته میشود کجاست آنچه که غیر از خداوند میپرستید؟

(۹۲) آیا یاریتان میکنند؟یا از شما دفاع میکنند؟ (۹۳) در آن روز به رو در آن عذابگاه انداخته میشوند، هم خودشان و هم کسانی که خودشان خویشتن را گمراه کرده اند (۹۴) و تمامی لشکریان ابلیس، نیز (۹۵) و در حالیکه در آنجا با یکدیگر ستیزه میکنند، به معبودان باطل میگویند: (۹۶) بخدا که ما در گمراهیی آشکار میبودیم (۹۷) که شما را با پروردگار جهانیان مساوی میگرفتیم (۹۸) و ما را کسی جز بدکاران گمراه نکرد (۹۹) اینک هیچ شفیعی نداریم (۱۰۰) و دوستی مهربان نیز نداریم (۱۰۱) پس اگر فرصت دیگری بیابیم البته از مومنان خواهیم بود (۱۰۲) البته در این آیتی است و اکثرشان مومن نیستند (۱۰۳) و پروردگارت پیروزمند مهربان است (۱۰۴)

قوم نوح نیز فرستادگان را تکذیب کردند (۱۰۵) هنگامیکه برادرشان نوح به آنان گفت آیا پروا نمیکنید؟ (۱۰۶) البته من برای شما پیامبری امین هستم (۱۰۷) پس، از خداوند پروا نموده و اطاعتم کنید (۱۰۸) و از شما هیچ مزدی نمیخواهم. مزد من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست (۱۰۹) پس، تقوا کنید و مرا پیروی نمائید (۱۱۰) گفتند آیا به تو ایمان بیاوریم در حالیکه فرومایگان پیرویت میکنند؟ (۱۱۱) گفت نمیدانم چه میکرده اند (۱۱۲) حساب آنها جز نزد پروردگارم نیست، اگر متوجه باشید (۱۱۳) و من کسی نیستم که مومنان را پراکنده کنم (۱۱۴) فقط هشدار دهنده ای آشکارم (۱۱۵) گفتند ای نوح اگر دست نکشی حتما سنگسارت میکنیم (۱۱۶) گفت پروردگارا قومم تکذیبم کردند (۱۱۷) بین من و آنان حکم کن و مومنانِ همراهم را نجات ده (۱۱۸) پس او و همراهانش را در آن کشتیِ پر نجات دادیم (۱۱۹) سپس بقیه را غرق کردیم (۱۲۰) البته در آن امر آیه ای هست و اکثرشان مومن نیستند (۱۲۱) و البته پروردگارت پیروزمند مهربان است (۱۲۲)

قوم عاد نیز پیامبران را تکذیب کردند (۱۲۳) هنگامیکه برادرشان هود به آنان گفت پروا نمی کنید؟ (۱۲۴) و البته من برایتان پیامبری امینم (۱۲۵) پس، از خداوند پروا نموده و اطاعتم کنید (۱۲۶) و برای آن مزدی از شما نمیخواهم. جز این نیست که مزدم بر عهده پروردگار جهانیان است (۱۲۷) آیا در هر بلندی علامتی به بیهودگی

بنا میکنید؟ (۱۲۸) و کوشک هائی میسازید شاید جاودان مانید؟ (۱۲۹) و هنگامیکه غضب میکنید، از حد میگذرانید (۱۳۰) پس از خدا بترسید و مرا پیروی کنید (۱۳۱) از کسی پروا کنید که شما را به آنچه میدانید یاری داد (۱۳۲) به فرزندان و چارپایان یاریتان کرد (۱۳۳) و باغستانها و چشمه سارها (۱۳۴) من بر شما از عذاب روزی عظیم نگرانم (۱۳۵) گفتند برای ما فرقی نمیکند که موعظه مان کنی یا نکنی (۱۳۶) این حرفها که میزنی جز شیوه گذشتگان نیست (۱۳۷) و ما عذاب نخواهیم شد (۱۳۸) پس تکذیبش کردند و هلاکشان کردیم. البته در این نشانه ای است و اکثرشان مومن نبودند (۱۳۹) و پروردگارت البته پیروزمند مهربان است (۱۴۰)

قوم ثمود نیز پیامبران را تکذیب کردند (۱۴۱) هنگامیکه برادرشان صالح گفت پروا نمیکنید؟ (۱۴۲) من برایتان پیامبری امینم (۱۴۳) پس، از خدا پروا نموده و اطاعتم کنید (۱۴۴) و مزدی از شما نمیخواهم و مزدم بر عهده خداوند است (۱۴۵) آیا در آنچه در اینجاست در ایمنی رها میشوید؟ (۱۴۶) در باغستانها و چشمه سارها (۱۴۷) و کِشت ها و نخل هایی دارای چغاله خوش هضم (۱۴۸) و در کوهها ماهرانه اطاقهائی میتراشید (۱۴۹) از خدا پروا نموده و پیرویم کنید (۱۵۰) و فرمان مسرفان را نبرید (۱۵۱) همانها که در زمین فساد میکنند و اصلاح نمی کنند (۱۵۲) گفتند جز این نیست که جادو شده ای (۱۵۳) تو جز بشری مانند ما نیستی پس علامتی بیاور اگر راست میگویی (۱۵۴) گفت این شتری است. برای آن نوبت آبی، و برای شما هم نوبت آبی، در هر روز معین شده است (۱۵۵) و به آن بدیی نرسانید که عذابی سهمگین شما را در خواهد گرفت (۱۵۶) پس آن را کشتند و سپس پشیمان شدند (۱۵۷) آنگاه عذاب بگرفتشان که البته در این آیه ای است و اکثرشان مومن نبودند (۱۵۸) و البته پروردگارت پیروزمند رحیم است (۱۵۹)

قوم لوط نیز پیامبران را تکذیب کردند (۱۶۰) هنگامیکه برادرشان لوط گفت آیا پروا نمیکنید؟ (۱۶۱) من برایتان پیامبری امینم (۱۶۲) پس از خدا پروا نموده اطاعتم کنید (۱۶۳) و من از شما مزدی نمیخواهم. مزدم بر عهده خداوند پرودگار جهانیان

است (۱۶۴) آیا شما از میان جهانیان با مذکّرها می آمیزید؟ (۱۶۵) و آنچه را که پروردگارتان برایتان از همسرانتان آفریده رها میکنید؟ بلکه شما تجاوزکارید (۱۶۶) گفتند ای لوط اگر بس نکنی حتما اخراج میشوی (۱۶۷) گفت من از عملتان بیزارم (۱۶۸) پروردگارا مرا و اهلم را از شر آنچه انجام میدهند نجات ده (۱۶۹) پس او را و اهلش را تماما نجات دادیم (۱۷۰) مگر پیرزنی که جزء ماندگان بود (۱۷۱) سپس بقیه را نابود کردیم (۱۷۲) بر آنها بارانی باراندیم. و چه بد است باران آن هشدار یافتگان (۱۷۳) در این البته نشانه ای است و اکثرشان مومن نبودند (۱۷۴) و البته پروردگارت پیروزمند رحیم است (۱۷۵)

قوم أیکه نیز پیامبران را تکذیب کردند (۱۷۶) هنگامیکه شعیب به آنها گفت آیا پروا نمی کنید؟ (۱۷۷) من البته برایتان پیامبری امینم (۱۷۸) پس از خدا پروا نموده و اطاعتم کنید (۱۷۹) و من از شما مزدی نمی طلبم. مزدم جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست (۱۸۰) پیمانه را کامل بپردازید و از کم فروشان مباشید (۱۸۱) و با ترازویی درست بسنجید (۱۸۲) و اشیاء مردم را کم ندهید و در زمین به فساد نکوشید (۱۸۳) و از کسی که شما و پیشینیان را آفریده پروا کنید (۱۸۴) گفتند جز این نیست که تو از جادوشدگانی (۱۸۵) و تو جز بشری مانند ما نیستی و ما تو را جز از دروغگویان نمی پنداریم (۱۸۶) پس اگر راست میگویی پاره ای از آسمان را بر سر ما بیانداز (۱۸۷) گفت پروردگارم به رفتار شما داناتر است (۱۸۸) پس تکذیبش کردند و عذابِ روزِ ابر بگرفتشان که عذاب روزی بزرگ بود (۱۸۹) البته در این نشانه ایست و اکثرشان مومن نبودند (۱۹۰) و البته پروردگارت پیروزمند مهربان است (۱۹۱)

و البته آن قرآن فرو فرستاده پروردگار جهانیان است (۱۹۲)
جبرئیلِ روح‌الامین آن را نازل کرده (۱۹۳)
بر قلب تو، تا از هشدار دهندگان باشی (۱۹۴)
که به زبانی عربیِ واضح است (۱۹۵)
و البته خبر نزول آن در کتابهای آسمانی قبلی نیز هست (۱۹۶)

آیا این برای مخالفانت نشانه ای نیست که علماء بنی اسرائیل از نزول آن خبر دارند و آن را می شناسند؟ (۱۹۷)
و اگر آن را به بعضی از عجم ها نازل کرده بودیم (۱۹۸) و آن پیامبرِ عجم آن را بر آنها میخواند به آن ایمان نمی آوردند (۱۹۹)

آن سرکشی را چنین در دلهای گناهکاران راه میدهیم (۲۰۰) که به آن قرآن ایمان نمی آورند تا اینکه عذاب دردناک را ببینند (۲۰۱) که ناگهانی بر سرشان درآید و متوجه نباشند (۲۰۲) و اگر چنین اتفاقی برایشان بیفتد خواهند گفت آیا مهلتی خواهیم یافت؟ (۲۰۳)

اینان که چنین اند، حالا دیگر چرا عذاب را به عجله میخواهند و میگویند اگر راست میگوئی آن عذابی را که ادعا میکنی بر ما فرود بیاور؟ (۲۰۴) فکرش را بکن، اگر سالهائی مهلتشان دهیم (۲۰۵) آنگاه آنچه که به آن تهدیدشان میکنیم برسرشان بیاید (۲۰۶) نعمتی که حالا از آن برخوردارند بدردشان نخواهد خورد و نمیتوانند بوسیله آن نعمت عذاب را از خودشان دفع کنند (۲۰۷)

و هیچ شهری را هلاک نکردیم مگر اینکه هشدار دهندگانی داشتند (۲۰۸) تا متوجه شوند، و ما ظالم نیستیم (۲۰۹) و شیاطین آن قرآن را نازل نکرده اند (۲۱۰) و آنها را نمیرسد که چنین کنند و نمیتوانند (۲۱۱) آنها از شنیدن وحی معزول و برکنارند (۲۱۲)

پس، ای پیامبر! همراه با خداوند خدایی دیگر مخوان که معذب خواهی شد (۲۱۳) و خویشاوندان نزدیکت را هشدار ده (۲۱۴) و برای مومنانی که پیرویت میکنند مهربان و فروتن باش (۲۱۵) اما اگر نافرمانیت کردند بگو از آنچه می کنید بیزارم (۲۱۶) و بر خداوندِ عزتمندِ مهربان توکل کن (۲۱۷) همو که تو را می بیند هنگامیکه بر میخیزی (۲۱۸) و نیز گشتن تو را در میان ساجدان نیز می بیند (۲۱۹) که او خودش شنوای

دانا است (۲۲۰)

به اینان بگو آیا به شما بگویم که شیاطین بر چه کسی فرود می آیند؟ (۲۲۱)
بر همه باطل پراکن های گناهکار فرود می آیند (۲۲۲) که گوش میخوابانند تا یک سخن باطل پیدا کنند و اکثرشان دروغگویند (۲۲۳) و آن شاعرانی که گمراهان پیرویشان میکنند نیز چنین اند (۲۲۴) نمی بینی که در هر وادیی سرگردانند؟ (۲۲۵)
و چیزهایی میگویند که عمل نمی کنند؟ (۲۲۶)
غیر از آنهائی که ایمان آورده و عمل صالح نموده و خدا را بسیار یاد کرده و پس از ظلمی که به آنها شده در صدد انتقام بر می آیند،

و بزودی ظالمان خواهند دانست به چه بازگشتگاهی باز میگردند (۲۲۷)

سوره یونس

بسم الله الرحمن الرحیم

الف. ل.ر.

این آیاتِ آن کتاب آسمانی پر حکمت است (۱)

آیا مردم تعجب می کنند که بسوی شخصی از خودشان وحی نمودیم که مردم را هشدار و مومنان را مژده دهد که نزد پروردگارشان جایگاهی شایسته دارند؟
و کافران میگویند این پیامبر یک جادوگر آشکار است (۲)

البته پروردگارتان کسی است که آسمانها و زمین را در شش مرحله آفرید، سپس بر عرش استیلا یافت. اوست که آن امر را تدبیر میکند. هیچ شفیعی قبل از اجازه اش نمیتواند کاری کند، این خداوندی است که پروردگارتان است، پس او را عبادت کنید،

آیا پند نمیگیرید؟ (۳) بازگشتگاه همگی تان بسوی اوست، وعده خداوند حق است، که همو البته آفرینش را شروع و اعاده میکند، تا آنان را که ایمان آورده و عمل شایسته کرده اند به عدالت پاداش دهد و کافران بسبب کفرشان نوشابه ای جوشان و عذابی دردناک داشته باشند (۴) هموست که خورشید را تابان و ماه را درخشان قرار داد و آن را چنان تقدیر کرد که منزلهائی داشته باشد، و تا اینکه شمارش سال ها را بدانید، خداوند آن را جز به حق نیافرید، و او چنین، نشانه ها را برای مردمی دانا شرح میدهد (۵) البته در جایگزینیِ شب و روز و آنچه در آسمانها و زمین آفریده برای تقواپیشگان نشانه هائی است (۶)

کسانی که امید ملاقات ما را ندارند و به زندگی دنیا راضی شده و به آن دل خوش کرده اند و نیز کسانی که از آیاتمان غافلند، (۷) به سبب آنچه که میکرده اند جایگاهشان آتش است (۸) البته آنانکه ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند پروردگارشان با همان ایمانشان هدایتشان میکند، و از نتیجه های ایمان وعمل صالحشان هم این است که در آخرت نهرها در کف بهشت های پر نعمت شان جاری است (۹) سخنشان در آن «خداوندا تو منزهی» و درودشان «سلام» و سخن دیگرشان «ستایش مخصوص خداوند پروردگار جهانیان است» میباشد (۱۰)

و اگر خداوند شرِّ «به عجله خواستن خیر» را برایشان تعجیل کند اجلشان فرا میرسد، ولی آنانی را که امیدی به ملاقاتمان ندارند در طغیانشان به سرگردانی رها میکند (۱۱)

ای مردم! اگر انسان به ناراحتیی دچار شود ما را به پهلو و نشسته و ایستاده به دعا میخواند، اما پس از اینکه ناراحتیش برطرف شد چنان میگذرد که انگار اصلا ما را برای ناراحتیی که برایش پیش آمده بود نخوانده است. برای اسرافگران اعمالشان چنین آراسته شده است (۱۲) و البته گروههای زیادی را قبل از شما وقتیکه ظلم کردند هلاک کردیم. همانها که رسولانشان بادلایل روشن بسویشان آمده بودند، اما آنها ایمان آور نبودند. ما مجرمان را چنین سزا میدهیم (۱۳) آنگاه شما را پس از آنها جانشینانی

قرار دادیم تا ببینیم چگونه رفتار میکنید (۱۴)

ای پیامبر! هنگامیکه نشانه های روشن ما بر آنها خوانده میشود آنانکه ملاقات ما را امید ندارند میگویند قرآنی غیر از این بیاور یا تغییرش بده. بگو مرا نمیرسد که از جانب خویش تغییری در آن بدهم، جز این نیست که چیزی را که بسویم وحی میشود پیروی میکنم. من میترسم در صورت نافرمانی نسبت به پروردگارم به عذاب روزی بزرگ دچار شوم (۱۵) بگو اگر خواست خدا نبود آنرا بر شما نمیخواندم و شما را به آن آگاه نمیکردم و قبل از آن نیز مدتی طولانی در میان شما زیسته ام آیا تعقل نمی کنید؟ (۱۶) پس چه کسی ظالم تر است از کسی که به خدا افترای دروغ بندد و یا آیاتش را تکذیب کند؟ البته او مجرمان را رستگار نمی کند (۱۷) و غیر از خدا چیزی را که نفع و ضرری برایشان ندارد عبادت می کنند و میگویند اینها شفیعان ما نزد خدا هستند. بگو آیا چیزی را به خداوند نسبت میدهید که خودش در آسمانها و زمین اطلاعی از وجودش ندارد؟ خداوند منزه و بالاتر است از آنچه با او شریک می کنند (۱۸)

و مردم جز یکجور نبودند، و بعدا مختلف شدند. و اگر کلمه ای از جانب پروردگارت قبلا صادر نشده بود، حتما درباره آنچه اختلاف میکردند بین آنها حکم میشد (۱۹) و میگویند چرا معجزه ای از جانب پروردگارش بر او نازل نمی شود؟ بگو جز این نیست که غیب از آنِ خداست. پس منتظر باشید که من نیز با شما در انتظارم (۲۰)

و هنگامیکه رحمتی پس از ناراحتیی به مردم بچشانیم فورا در آیاتمان نیرنگی میکنند. بگو تدبیر خدا سریعتر است. البته فرشتگانِ فرستاده ما آنچه را که آنها نیرنگ میزنند می نویسند (۲۱)

هموست که شما را در خشکی و دریا میگرداند، تا اینکه چون در کشتی شوید، و با بادی خوشایند راه رود، و شما از آن شاد شوید، بادی سخت بوزد و امواج از هر سو بیاید، و بدانید که احاطه شده اید، در آن حالت دین خود را برای خدا خالص کرده و

او را به دعا میخوانید که اگر از این نجاتمان دهی حتماً از شاکران خواهیم بود (۲۲) اما هنگامیکه نجاتشان میدهیم فورا در زمین به ستمگری ناحق می پردازند. ای پیامبرا! بگو ای مردم! جز این نیست که ستمگری تان به ضرر خودتان است. نتیجه اش برای شما، اندک برخورداریی از زندگی دنیاست، سپس بازگشت تان بسوی ما است و شما را به آنچه انجام میدادید آگاه خواهیم کرد (۲۳)

جز این نیست که مثالِ زندگی دنیا مانند آبی است که از اسمان فرو میفرستیم که با روئیدنی های زمین که خوراک آدمی و چارپایان است مخلوط میشود تا اینکه آن زمین پر زینت و قشنگ میشود و مردم فکر میکنند بر آن توانائی دارند، تا اینکه امرمان شب یا روز به آن میرسد و چنان درو میکند که انگار دیروز اصلا نبوده. ما بدین گونه آیات را برای اهل تفکرتشریح میکنیم (۲۴)

و خداوند به سوی خانه صلح و سلامت دعوت میکند، و هر که را که لایق ببیند بسوی جاده ای مستقیم هدایت مینماید (۲۵) نیکوکاران نیکوئی و زیادت خواهند داشت و چهره شان را غبار و خواریی فرا نمی گیرد. آنها اهل بهشت و در آن جاودانند (۲۶) و کسانی که بدی ها را کسب کرده اند سزای هر بدی به مانند آن خواهد بود و ذلت فرا میگیردشان و چیزی در مقابل خداوند محافظتشان نمی کند. مانند آن است که چهره هاشان را قطعاتی از شب تاریک پوشانده باشد. آنها اهل آتشند و در آن جاودانند (۲۷)

و روزی که همگی شان را گرد آوریم و سپس به مشرکان بگوییم شما و شرکایتان در جایگاه خویش باشید. و بین آنها جدائی افکنیم و شرکاء میگویند شما اصلا ما راعبادت نمیکردید (۲۸) و خداوند به عنوان گواه بین ما و شما کافی است، ما از عبادت شما غافل بودیم (۲۹) آنجاست که هر چه را هر کس پیشاپیش فرستاده ارزیابی میکنیم و آنچه که حق است بسوی مولایشان که خداوند باشد برمیگردد و آنچه که افترا باشد از نزدشان گم میشود (۳۰)

ای پیامبر! به اینان بگو چه کسی از آسمان و زمین روزی تان میدهد؟ یا چه کسی مالک گوش و چشمهاست و چه کسی زنده را از مرده و مرده را از زنده در می آورد و چه کسی آن امر را تدبیر میکند؟ بزودی خواهند گفت خداوند است، بگو پس پروا نمی کنید؟ (۳۱) آن کسی که همه این امور به ید اوست، خداوند است، پروردگارحق تان. اگر از چنین مطلب حقی روی برگردانید، غیر از آن جز گمراهی چیست؟ و به کجا روی میچرخانید؟ (۳۲)

ای پیامبر! بدینگونه کلمه پروردگارت بر فاسقان فرود آمد که ایمان نمی آورند (۳۳) بگو آیا آن شریکان شما هیچکدامشان آفرینش را آغاز و سپس آنرا تجدید می کند؟ بگو خداوند است که آفرینش را آغاز و تجدید میکند پس به اشتباه به کجا رو میکنید؟ (۳۴) بگو هیچکدام از آن شرکاء شما به سوی حق هدایت میکند؟ بگو خداوند است که بسوی حق هدایت میکند. آیا کسی که بسوی حق هدایت میکند برای پیروی شایسته تر است یا کسی که خودش هدایتی ندارد مگر آنکه هدایت شود؟ پس چه تان است، چگونه قضاوت میکنید؟ (۳۵) ای پیامبر! اکثرشان از چیزی جز گمان پیروی نمیکنند. البته گمان به هیچ وجه جای چیزی از حق را نمیگیرد. البته خداوند به آنچه انجام میدهند داناست (۳۶)

و این قرآن را نمیرسد که افترایی و از جانب غیر خدا باشد ولیکن تصدیقی است بر آنچه قبل از خود بوده و تفصیل و تشریحی بر آن کتاب آسمانی است و شکی در آن نیست و از جانب پروردگار جهانیان است (۳۷) ای پیامبر! یا اینکه میگویند آنرا از پیش خودش درآورده و به خدا افترا بسته، بگو سوره ای مانند آن بیاورید و غیر از خدا هر کس را که توانستید به ارزیابی دعوت کنید اگر راست میگویید (۳۸) بلکه چیزی را تکذیب کردند که علم و احاطه ای به آن نیافته اند و هنوز حقیقت مطالب آن به آنان نرسیده، پیشینیان آنها نیز همین طور تکذیب میکردند. پس ببین عاقبت ظالمان چگونه خواهد بود (۳۹)

ای پیامبر! از اینان بعضی ها به آن ایمان می آورند و بعضی ها ایمان نمی آورند و خداوند به حال مفسدان داناتر است (۴۰) و اگر تکذیب کنند بگو عمل من برای من و عمل شما برای شما. شما از عمل من بیزارید و من نیز از عمل شما بیزارم (۴۱) و کسانی از انها بسوی تو گوش میدهند، اما تاثیری نمی پذیرند، مثال آنها مانند کر است که به نظر می آید گوش میدهد اما چیزی نمی شنود، آیا میتوانی به کر بشنوانی و تازه اگر عقل هم نداشته باشد؟ (۴۲) و کسانی از آنها بسوی تو نگاه میکنند آیا میتوانی کور را هدایـت کنی و تازه اگر بصیرت هم نداشته باشد؟ (۴۳) البته خداوند به مردم ظلمی نمی کند ولیکن برخی از مردم به خویش ظلم میکنند (۴۴)

و روزی که در قیامت گردآوریشان کند چنان خواهد بود که گویی فقط ساعتی از روز را در قبر گذرانده اند و به هم آشنایی میدهند. البته کسانی که ملاقات خداوند را تکذیب نمودند خسران یافته اند و هدایت نیافتند (۴۵) و اگر بعضی از چیزهایی را که به آنان وعده میدهیم به تو بنمایانیم یا تو را به وفات برسانیم در هر حال بازگشتگاه آنها بسوی ما است و آنگاه خداوند است که گواه اعمالشان است (۴۶)

و هر گروهی رسولی دارد که وقتی رسولشان بیاید بین آنها به عدالت قضاوت میشود و مورد ظلمی واقع نمیشوند (۴۷) و میگویند این وعده قیامت کی خواهد بود اگر راست میگویید؟ (۴۸) بگو من مالک نفع و ضرری برای خویش، جز آنچه خدا بخواهد نیستم. برای هر گروهی سرآمدی است که وقتی برسد نه ساعتی تاخیر خواهد داشت و نه جلو خواهد افتاد (۴۹) بگو چه نظری دارید؟ اگر عذاب خدا شبانه یا در روز به شما برسد؟ چه خواهید کرد؟ مجرمان چه عجله ای برای رسیدن به آن عذاب دارند! (۵۰) آیا فقط وقتی که بر شما فرود آمد به آن ایمان خواهید آورد؟ به آنان گفته خواهد شد: ایمان آوردن و آنهم الان؟ و این همان نیست که به عجله میخواستیدش؟ (۵۱) آنگاه به کسانیکه ظلم میکردند گفته میشود عذاب جاودانی را بچشید. آیا جز سزای آنچه را که کسب کرده اید می بینید؟ (۵۲)

و از تو میپرسند آیا آن واقعا حق است؟ بگو بله بخدایم آن حق است و شما هم نمیتوانید جلوگیری کنید (۵۳) و اگر کسانی که ظلم کرده اند تمام آنچه را که در زمین هست مال آنها بود تا در مقابل رفع آن عذاب فدیه بدهند از انها قبول نمیشود و وقتیکه آن عذاب را ببینند پشیمانی شان را پنهان میکنند و بین آنها عادلانه قضاوت میشود و هیچ ظلمی نمیشوند (۵۴)

بدانید که آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست. بدانید که وعده خدا حق است. ولیکن اکثر آنها نمیدانند (۵۵) هموست که زنده میکند و میمیراند و بسویش باز میگردید (۵۶)

ای مردم! موعظه ای از جانب پروردگارتان بسویتان آمده و چیزی که مایه شفای دلها و هدایت و مهربانی برای مومنان است، پس قدرش را بدانید (۵۷)

ای پیامبر! بگو البته شایسته است مردم به فضل خدا و رحمتش شادباشند. این از آنچه جمع میکنند برایشان بهتر است (۵۸) بگو نظرتان چیست درباره اینکه خداوند روزیی برای شما فرستاده اما شما قسمتی از آن را به خیال خود حرام و بقیه را حلال می کنید؟ بگو آیا خداوند اجازه ای به شما داده یا به او افترا می بندید؟ (۵۹) و آنهایی که به خدا افترای دروغ می بندند درباره قیامت چه گمان میکنند؟ البته که خداوند نسبت به مردم بخششگر است ولیکن اکثر آنها شکرگزار نیستند (۶۰)

ای پیامبر! در هیچ موقعیتی قرار نمی گیری و هیچ چیزی از قرآن تلاوت نمی کنی و ای مردم! شما هیچ عملی انجام نمی دهید مگر اینکه آن هنگامی که به آن کار مشغولید بر شما گواهیم. و هیچ چیزی حتی اگر به اندازه ذره ای هم باشد چه در زمین و چه در آسمان و چه کوچکتر و چه بزرگتر از آن، از خداوند مخفی نمی ماند و در کتابی آشکار هست (۶۱) بدانید که دوستان خدا در قیامت نه ترسی خواهند داشت

و نه اندوهگین خواهند (۶۲) همانهائی که ایمان آورده و تقوا پیشه نموده اند (۶۳) آنها چه در زندگی دنیا و چه در آخرت مژده خواهند داشت. کلمات خداوند تغییر نخواهد کرد. پیروزی بزرگ هم همان است (۶۴)

ای پیامبر! گفتار آنها اندوهگینت نکند. عزت تماماً از آن خداست و همو شنوای دانا است (۶۵) بدانید که البته هر کس که در آسمانها و زمین است مال خداست، و همچنین آن کسانی هم که این کافران آنها را به خیال خویش شریک خداوند حساب میکنند نیز مملوک خدا هستند، آنها چیزی جز گمان را پیروی نمی کنند و جز تخمین نمیزنند (۶۶)

خداوند هموست که شب را برایتان مایه آرامش قرار داد و روز را که بخوبی ببینید. البته در آن برای کسانی که گوش شنوا داشته باشند آیاتی هست (۶۷) و گویند خداوند فرزندی برگرفته، منزه است از آن. بی نیاز است. آنچه در آسمانها و زمین است مال اوست. به آنان بگو راجع به آن دلیلی ندارید. آیا درباره خداوند چیزی میگوئید که نمیدانید؟ (۶۸) بگو کسانی که افترای دروغ به خدا می بندند رستگار نخواهند شد (۶۹) برخورداریی کوچک در دنیا خواهند داشت و آنگاه بازگشتشان بسوی ما است. سپس آن عذاب شدید را بسبب آن کفری که میورزیدند به آنها می چشانیم (۷۰)

ای پیامبر! خبر نوح را بر آنان بخوان، آن هنگام که به قومش گفت ای مردم اگر موقعیت من و تذکری که راجع به آیات خداوند به شما میدهم برایتان سنگین است بدانید که توکلم بر خداست. و شما هم درباره کارتان و شریکانتان هماهنگ کنید و هیچ غم و غصه ای نخورید و تصمیم خویش را درباره من بگیرید و هیچ مهلتی هم به من ندهید (۷۱) ولی اگر از تعالیم من روی برگرداندید، بدانید که من از شما مزدی نخواسته بودم. مزدم جز بر عهده خداوند نیست و من مأمورم از مسلمین باشم (۷۲) پس تکذیبش کردند ولی او و همراهانش را در آن کشتی نجات دادیم و آنها را جانشینان قرار دادیم و کسانی را که آیاتمان را تکذیب کرده بودند غرق نمودیم. پس

بنگر عاقبت هشدار یافتگان چگونه بود (۷۳)

آنگاه پس از او رسولانی بسوی مردمانشان فرستادیم و آنها با دلایل روشن بسویشان رفتند اما اینطور نبود که آنها به چیزی که از پیش عملا تکذیبش کرده بودند با زبان ایمان بیاورند. بر دلهای تجاوزکاران چنین مهر میزنیم (۷۴)

آنگاه پس از آنان موسی و هارون را با آیاتمان بسوی فرعون و بزرگانش فرستادیم اما گردنکشی کردند و قومی مجرم شدند (۷۵) و هنگامیکه حق از جانب ما بسویشان آمد گفتند این جادوئی آشکار است (۷۶) موسی گفت آیا درباره حق وقتی که بسویتان آمده چنین میگویید؟ آیا این جادوست؟ در حالیکه کار جادوگران به ثمر نمیرسد؟ (۷۷) گفتند آیا بسویمان آمدی که ما را از آنچه پدرانمان را بر آن یافتیم منصرف کنی و در این سرزمین بزرگی کنید؟ و ما به شما دو نفر قطعاً ایمان نمی آوریم (۷۸) و فرعون گفت همه جادوگران خبره را برایم بیاورید (۷۹) پس هنگامیکه جادوگران آمدند موسی به آنان گفت بیاندازید آنچه را که می اندازید (۸۰) و هنگامیکه انداختند موسی گفت هر جادوئی را که بیاورید خداوند به زودی باطلش میکند. خداوند عمل مفسدان را درست درنمی آورد (۸۱) و خداوند حق را با کلماتش درست درمی آورد و لو آنکه کافران خوششان نیاید (۸۲)

تعداد قابل توجهی از قومش جز عده ای از فرزندانشان، از ترس فرعون و بزرگانش ایمان نیاوردند مبادا که آزارشان کنند زیرا فرعون در آن سرزمین از گزافکارانِ بلند پرواز بود (۸۳) و موسی گفت ای قومم اگر به خدا ایمان آورده اید پس بر همو توکل کنید اگر واقعا تسلیم هستید (۸۴) پس گفتند بر خدا توکل کردیم. پروردگارا ما را آماج فتنه ظالمان مکن (۸۵) و از رحمتت ما را از قوم کافران نجات ده (۸۶)

و به موسی و برادرش وحی کردیم که برای قومتان در مصر خانه هائی بگیرید و خانه هایتان را به حالت محلِ مراجعات مردم درآورید و نماز بپا دارید و مومنان را مژده

دهید (۸۷) و موسی گفت پروردگارا به فرعون و بزرگانش زینت و اموالی در زندگی دنیا داده ای که با آن مردم را از راه تو بازمیدارند. پروردگارا اموالشان را در مسیر نابودی قرار ده و دلهاشان را سخت کن تا آنقدر ایمان نیاورند که عذاب دردناک را ببینند (۸۸) گفت دعایتان مستجاب شد پس استقامت کنید و راه کسانی را که علم ندارند پیروی مکنید (۸۹)

و بنی اسرائیل را از آن دریا گذراندیم و فرعون و لشکریانش از روی ظلم و تعدی دنبالشان کردند تا اینکه غرق شد، در آن حال گفت ایمان آورده ام که خدائی نیست مگر آن کسی که بنی اسرائیل به او ایمان آوردند و من از تسلیم شدگانم (۹۰) به او به طعنه گفته شد آیا اینک؟ وقت ایمان آوردن است؟ در حالیکه قبلا عصیان میکردی و از مفسدان بودی؟ (۹۱) امروز بدنت را نجات میدهیم تا نشانه ای برای پسینیانت باشد و البته بسیاری از مردم از آیاتمان غافلند (۹۲) و بنی اسرائیل را در منزلگاهی مناسب منزل دادیم و از چیزهای نیکو روزیشان کردیم و اختلاف نکردند مگر پس از اینکه آن علم بسویشان آمد. البته پروردگارت در روز قیامت درباره آنچه که در آن اختلاف کرده اند بینشان قضاوت خواهد کرد (۹۳)

ای پیامبر! اگر درباره قسمتی از چیزی از آنچه بر تو نازل کرده ایم در شکی هستی از کسانی که قبل از تو آن کتاب را میخواندند، مثلا از پیامبران پیشین یا فرشته وحی رسان بپرس. البته حق از جانب پروردگارت بسویت آمده. پس از دو دلان مباش (۹۴) و مبادا از کسانی باشی که آیات خداوند را تکذیب نمودند که از زیانکاران خواهی شد (۹۵)

کسانی که کلمه پروردگارت بر آنان فرود آمد ایمان نمی آورند (۹۶) حتی اگر همه جور معجزه ای هم بسویشان بیاید باز هم ایمان نخواهند آورد تا اینکه آن عذاب دردناک را ببینند (۹۷) پس چرا هیچ شهری ایمان نیاورد تا ایمانشان فایده ای به آنها برساند مگر قوم یونس که وقتی ایمان آوردند عذابِ خفت بار در زندگیِ دنیا را از آنها

دور کردیم و تا مدتی برخوردارشان نمودیم (۹۸)

ای پیامبر! اگر پروردگارت میخواست، تمام مردم روی زمین همگی شان مومن میشدند، آیا تو میخواهی مردم را به زور مومن کنی؟ (۹۹) و هیچکس را نمیرسد ایمان بیاورد مگر به اذن خدا، و همو پلیدی را بر کسانی که خِرد نمی ورزند قرار میدهد (۱۰۰) بگو ببینید در آسمانها و زمین چیست؟ البته این نشانه ها و هشدارها برای کسانی که ایمان نمی آورند فایده ای نخواهد داشت (۱۰۱) آیا چیزی غیر از آن را انتظار دارند که بر سر اقوام قبلی آمد؟ بگو منتظر باشید که من نیز به همراه شما جزء منتظرانم (۱۰۲) آنگاه رسولانمان و مومنان را نجات خواهیم داد و البته نجات مومنان حقی است که بر عهده ما است (۱۰۳)

بگو ای مردم اگر درباره دین من شکی دارید بدانید که من آنچه را که شما غیر از خداوند می پرستید نمی پرستم ولیکن آن خداوندی را می پرستم که جان شما را دریافت می کند و مأمورم که از مومنان باشم (۱۰۴) و اینکه رویم را به سوی دینِ بی انحراف کنم و مبادا از مشرکان باشم (۱۰۵) و اینکه به غیر از خداوند چیزی را که نفع و ضرری برایم ندارد به دعا نخوانم که اگر چنین کنم از ظالمان خواهم بود (۱۰۶)

ای پیامبر! و اگر خداوند ناراحتیی به تو برساند هیچ کسی غیر از او نمیتواند بر طرفش کند و اگر بخواهد خیری به تو برساند هیچ کس نمیتواند لطفش را جلوگیری کند. به هر کس از بندگانش که بخواهد لطف میرساند و همو آمرزگار مهربان است (۱۰۷)

بگو ای مردم! حق از جانب پروردگارتان بسویتان آمد. هر که خواست راه هدایت در پیش گیرد به نفع خویش کرده و کسی که گمراه شد به ضرر خویش گمراه شده و من نگهبانِ مجبور کننده نیستم (۱۰۸) و آنچه را که بسویت وحی میشود پیروی کن و صبر کن تا خداوند حکم کند و همو بهترین حاکمان است (۱۰۹)

سوره انبیاء

بسم الله الرحمن الرحیم

حساب مردم نزدیک شد ولی این کافران در غفلت بوده و از حق روی گردانند (۱) هیچ پند جدیدی از سوی پروردگارشان بسویشان نیامد مگر اینکه آنرا شنیدند ولی به بازی مشغولند (۲) دلبسته هوسند و نجوایشان را پوشیده میدارند و به یکدیگر می‌گویند ای ظالمان! آیا این پیامبر جز بشری مثل خودتان است؟ آیا در عین بصیرت به سحرِ او رو می کنید؟ (۳)

اما کسی که آنها سعی دارند او را به کفر سابقش برگردانند میگفت پروردگارم هر سخن را در آسمان ها و زمین میداند و اوست که شنوای داناست (۴) اما آنهائی که با او به مجادله می پرداختند میگفتند بلکه این قرآن پراکنده گویی است، یا آنرا از خودش در آورده و به خدا افترا زده، یا شاعراست، و گرنه باید مانند پیامبران پیشین معجزه ای بیاورد (۵)

ای پیامبر! هیچیک از پیشینیان آنها که هلاکشان کرده بودیم ایمان نیاورده بودند آیا اینها ایمان می آورند؟ (۶) و قبل از تو نیز کسی را نفرستادیم مگر اینکه مردانی بودند که وحی بسویشان میفرستادیم. پس، ای مردم! از اهل خبره بپرسید اگر نمیدانید (۷) و آنها را کسانی قرار نداده بودیم که بدن هائی باشند که به غذا احتیاج نداشته باشند و جاودان بمانند (۸) آنگاه آن وعده را برایشان به تحقق رساندیم و آنها و هر کس را که خواستیم نجات دادیم و مسرفان را هلاک نمودیم (۹)

ای مردم! البته بسویتان کتابی فرو فرستادیم که پندتان در آن است آیا تعقل نمی کنید؟ (۱۰) و چه بسا شهرهائی را که ظلم میکردند درهم شکستیم و پس از آنان اقوامی دیگر بوجود آوردیم (۱۱) پس هنگامی که عذاب ما را احساس کردند آنگاه بود که از آن گریزان شدند (۱۲) به آنها خطاب میشد نگریزید و بسوی آنچه که در آن

هوسرانی میکردید و نیز بسوی خانه هایتان برگردید، باشد که پرسش شوید (۱۳) گفتند وای بر ما، ما ظالم بودیم (۱۴) گفتارشان جز این نبود تا اینکه آنها را همچون گیاه درو شده پژمرده نمودیم (۱۵)

ای پیامبر! برای مخالفانت روشن کن که آسمان و زمین و بین آنها را به بازی نیافریده ایم (۱۶) اگر میخواستیم بازیچه بگیریم از نزد خویش برمیگرفتیم زیرا که کاردانیم (۱۷) بلکه حق را بر باطل می افکنیم تا آنرا در هم بشکند تا اینکه باطل نابود شود و وای بر کافران از آنچه وصف میکنند (۱۸) و هر کس که در آسمانها و زمین است از آن اوست و هر کس که نزد اوست از عبادت او گردنفرازی نمی کند و خسته نمیشوند (۱۹) و شب و روز به راز و نیاز با او میگذرانند و سستی نمیگیرند (۲۰) آیا این مخالفانت از زمین خدایانی برگرفته اند که به آنها زندگی دوباره میدهند؟ (۲۱) اگر خدایانی غیر از خداوند در آسمان و زمین موثر باشند حتما هر دوی زمین و آسمان فاسد خواهند شد و خداوندِ صاحبِ عرش از آنچه وصف میکنند بالاتر است (۲۲) هرچه کند بازخواست نمیشود اما همه توسط او بازخواست میشوند (۲۳) یا اینکه غیر از او خدایانی برگرفته اند. به آنان بگو دلیل رفتار خویش را توضیح دهند.

ای پیامبر! به آنان بگو این قرآن حاویِ پندهایی برای من و پیروانم و پند پیامبرانِ قبل از من است، ولی در عین حال متوجه باش که اکثرشان حق را نمی شناسند و از آن رویگردانند (۲۴) و قبل از تو هیچ رسولی نفرستادیم مگر اینکه بسویش وحی می کردیم که خدائی جز من نیست پس عبادتم کنید (۲۵) ای پیامبر! مخالفانت میگویند خداوند رحمان فرزندی برگرفته. منزه است بلکه آنها بندگانی گرامی اند (۲۶) در هیچ قولی از او سبقت نمی گیرند و به فرمان او عمل می کنند (۲۷) به پیش رو و پشت سرشان علم دارد و شفاعت کسی را نمی کنند مگر اینکه او راضی باشد و به سبب خشیتِ او نگرانند (۲۸) و اگر کسی از آنها بگوید من به غیر از او خدا هستم جهنم را سزایش میدهیم و با ظالمان چنین رفتار میکنیم (۲۹) آیا کافران توجه نمی کنند که آسمانها و زمین پیوسته بود و ما آنها را باز کرده و از آب همه چیز را زنده کردیم، و

ایمان نمی آورند؟ (۳۰) و در زمین لنگرهایی قرار دادیم تا مبادا آنها را بلرزاند و در آن دره ها و راه هائی قرار دادیم شاید هدایت یابند (۳۱) و آسمان را سقفی محفوظ نمودیم، ولی با وجود همه این آیات رویگردانند (۳۲) و هموست که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید که همگی شان در چرخه ای شناورند (۳۳)

ای پیامبر! برای هیچ بشری قبل از تو جاودانگی قرار ندادیم. آیا اگر بمیری، آنها جاودان خواهند ماند؟ (۳۴) هر کسی چشنده مرگ است و شما را با شر و خیر می آزمائیم و بالاخره بسوی ما باز می گردید (۳۵) و هنگامیکه کافران تو را ببینند، جز به مسخره ات نمیگیرند و بین خودشان میگویند آیا این همان کسی است که در باره خدایانمان حرف هایی میزند؟ در حالیکه آنها خودشان به پندهای خداوند رحمان کافرند (۳۶) اکثر انسان ها گوئی که از شتاب آفریده شده اند. ای پیامبر! به اینان بگو خداوند میگوید بزودی آیاتم را به شما نشان خواهم داد، پس به عجله نخواهیدش (۳۷) و میگویند این وعده قیامت کی خواهد بود اگر راست میگوئید (۳۸) کاش کافران حالشان را آن هنگامیکه نمیتوانند آن آتش را از صورتهاشان و پشتهاشان دورکنند و هیچ یاریی نمیشوند میدانستند (۳۹) بلکه بطور ناگهانی به سراغشان می آید و مبهوت میشوند و نمی توانند آنرا برگردانند و مهلتی نیز نمی یابند (۴۰)

و البته رسولانِ قبل از تو نیز مسخره میشدند و آنچه را که مسخره اش میکردند بر سرشان فرود آمد (۴۱)

بگو چه کسی شما را شبها و روزها از خداوند رحمان حفظ خواهد کرد؟ بلکه آنها از یاد پروردگارشان رویگردانند (۴۲) آیا خدایانی دارند که آنها را در قبال ما حفظ کنند؟ آن باصطلاح خدایان، خودشان را هم نمیتوانند یاری کنند و از جانب ما هم همراهیی نمیشوند (۴۳) بلکه اینها و پدرانشان را نیز برخوردار کردیم تا اینکه عمرشان طولانی شد. آیا نمی بینند که حوزه اقتدارشان دائما دارد کوچکتر و

کوچکتر میشود؟ با این حال آیا آنها می پندارند غالب میشوند؟ (۴۴)

بگو جز این نیست که بوسیله وحی هشدارتان میدهم و گرچه آنها برای شنیدن صدای حق ناشنوا باشند (۴۵) و اگر وزش خفیفی هم از عذاب پروردگارت به آنان برسد حتما خواهند گفت وای بر ما، ما ظالم بودیم (۴۶)

و روز قیامت ترازو های عدالت را میگذاریم و هیچکس هیچ ظلمی نمیشود و اعمالشان را اگر به وزن دانه خردلی هم باشد هم به حساب می آوریم، و خودمان برای حسابرسی کافی هستیم (۴۷)

و البته به موسی و هارون آن کتاب را دادیم که فرق گذارِ بین حق و باطل، و روشنائی، و پند برای متقیان بود (۴۸) همان متقیانی که از پروردگارشان در نهان خشیت دارند و از قیامت نگرانند (۴۹) و این قرآن نیز پندی پر برکت است که نازلش کرده ایم آیا شما منکرش هستید؟ (۵۰)

و البته قبلا به ابراهیم رشدش را داده بودیم و نسبت به او دانا بودیم (۵۱) آن هنگام که به پدرش و قوم خویش گفت این تمثال ها چیست که بطور پیگیر عبادتشان می کنید؟ (۵۲) گفتند پدرانمان را چنین یافتیم که عبادتشان میکردند (۵۳) گفت البته هم خودتان و هم پدرانتان در گمراهیی آشکارید (۵۴) گفتند آیا با سخن حقی بسویمان آمده ای یا بازیگری میکنی؟ (۵۵) گفت پروردگارتان همان پروردگار آسمانها و زمین است که آنها را آفریده و من بر این گواهم (۵۶) و به خدا قسم که پس از اینکه برگردید و بروید کاری با بتهایتان خواهم کرد (۵۷) پس آنها را تکه تکه کرد مگرآن را که بزرگشان بود شاید بسوی او بازگردند (۵۸) پس از اینکه مردم متوجه واقعه شدند گفتند چه کسی این کار را با خدایانمان کرده؟ البته که او از ظالمان است (۵۹) گفتند شنیده ایم جوانی ذکرشان میکرد که به او ابراهیم می گویند (۶۰) گفتند او را نزد چشمان مردم بیاورید شاید گواه باشند (۶۱) گفتند ای ابراهیم آیا تو این کار را با خدایانمان کردی؟ (۶۲) گفت بلکه این بت بزرگ این کار را کرده، لذا از آنها بپرسید

اگر سخن میگویند (۶۳) پس بازخواست کنندگان به خویش مراجعه کردند و گفتند البته ما خودمان ظالمیم (۶۴) آنگاه سر به زیر انداختند و گفتند تو میدانستی که آنها سخن نمیگویند (۶۵) گفت آیا غیر از خداوند چیزی را پرستش می کنید که نه فایده ای برایتان و نه ضرری دارند؟ (۶۶) ننگتان باد بر آنچه که غیر خدا عبادت میکنید. آیا نمی اندیشید؟ (۶۷) بالاخره چنین تصمیم گرفتند که گفتند خدایان خویش را یاری نموده و او را بسوزانید اگر اهل عمل هستید (۶۸) گفتیم ای آتش برای ابراهیم خنک و بی گزند باش (۶۹) و خواستند حیله ای درباره اش کنند و ما آنها را زیانکارتر نمودیم (۷۰) و او را و لوط را نجات داده و بسوی سرزمینی که در آن برای مردم برکت قرار داده بودیم گسیل داشتیم (۷۱) و به او اسحق و علاوه بر آن یعقوب را دادیم و همگی شان از صالحان بودند (۷۲) و آنها را پیشوایانی نمودیم که به امر ما هدایت میکردند و نیکو کاری و برپاداشتن نماز و دادن زکوۀ را یادشان دادیم و عبادت ما میکردند (۷۳)

و به لوط نیز حکم و علم دادیم و از شهری که کارهای زشت میکردند نجاتش دادیم که آنها قوم بدِ فاسقی بودند (۷۴) و او را داخل رحمت خویش نمودیم که از صالحان بود (۷۵)

و نوح که قبلا ندا کرده بود و اجابتش نموده و او و اهلش را از آن گرفتاری بزرگ نجاتش داده بودیم (۷۶) و در مقابلِ مردمی که آیاتمان را تکذیب می نمودند یاریش نمودیم که آنها مردم بدی بودند و همگی را غرق کردیم (۷۷)

و داوود و سلیمان، هنگامی که درباره کشتزاری قضاوت میکردند که گوسفندان آن قوم شبانه چریده بودند و ما نیز گواه قضاوتشان بودیم (۷۸) و آنرا به سلیمان فهماندیم و به آنها حکم پیامبری و علم دادیم و کوهها را برای داود رام کردیم که به همراه پرندگان با او تسبیح میگفتند و ما فاعل این کار بودیم (۷۹) و به او ساختن لباسهائی را آموختیم که شما را از سختی تان در جنگ حفظ میکند، آیا شکر گزار هستید؟ (۸۰) و برای سلیمان بادِ سرکش را رام کردیم که به فرمان او بسوی زمینی که در آن برکت نهاده بودیم میرفت و ما به همه چیز دانائیم (۸۱) و از موجودات شریر و مزاحم کسانی بودند که برای او غواصی و کارهای دیگر میکردند و ما نگهبانشان بودیم (۸۲)

و ایوب آن هنگام که پروردگارش را ندا داد که گزندی بمن رسیده و تو مهربانترین مهربانانی (۸۳) پس اجابتش کردیم و ناراحتی او را برطرف نمودیم و پیروانش را به علاوه مثل آنان به او برگرداندیم که رحمتی از جانب ما و پندی برای عابدان بود (۸۴)

و اسمعیل و ادریس و ذاالکفل که همگی از صابران بودند (۸۵) و آنها را داخل رحمت خویش قرار دادیم که آنها از شایستگان بودند (۸۶)

و ذالنون آن هنگام که خشمناک میرفت و گمان میکرد او را در نظر نداریم، که گرفتار شد و در آن ظلمات ندا درداد که خدائی جز تو نیست. منزهی. که من البته از ظالمان بودم (۸۷) پس اجابتش کردیم و از غم نجاتش دادیم و مومنان را چنین نجات میدهیم (۸۸)

و زکریا آن هنگام که پروردگارش را ندا داد که پروردگارا مرا تنها مگذار که تو بهترین وارثانی (۸۹) پس اجابتش کردیم و یحیی را به او دادیم وهمسرش را برایش ازنازائی اصلاح کردیم، زیرا که آنها کسانی بودند که درکارهای نیک می شتافتند و ما را با بیم و امید میخواندند و برای ما فروتن بودند (۹۰)

و آن زن که دامن خویش حفظ کرد و از روح خویش در آن دمیدیم و خودش و پسرش را برای جهانیان آیتی قرار دادیم (۹۱)

ای پیامبرانی که شما و پیروانتان را نجات دادیم! اینک این امت شماست، امتی یکجور، و من پروردگارتان هستم پس مرا عبادت کنید (۹۲)

اما، به تدریج امت ها کار خویش را در بین خویش پاره پاره کردند غافل از اینکه همگی شان بسوی ما بازمیگردند (۹۳) پس هر کس که از کارهای شایسته انجام دهد و مومن هم باشد نسبت به کوشش او ناسپاسی نمیشود و ما خودمان بنفع او می نویسیم (۹۴)

و بر هر شهری که هلاکش کردیم حرام شده است که رفتارِ غالبِ آنها مجددا در روی زمین غالب شود (۹۵) تا نزدیک وقوع قیامت که یاجوج و ماجوج آزاد شوند و از هر بلندی سرازیر گردند (۹۶) و آن وعده حق نزدیک شود و آنوقت چشمهای کافران خیره میمانَد که وای بر ما که ما از این غافل بودیم بلکه ظالم هم بودیم (۹۷) به آنها خطاب میشود شما و آنچه که غیر خدا عبادت میکنید، سوخت جهنمید که وارد آن خواهید شد (۹۸) اگر آن معبودان قلابی خدا بودند وارد آن نمیشدند اما همگی در آن جاودان خواهند بود (۹۹) در آن ناله ها خواهند کرد و در آن نمی شنوند (۱۰۰) آنان که از جانب ما نیکی برایشان رقم خورده، از آن برکنار خواهند ماند (۱۰۱) حتی زمزمه آن را نیز نخواهند شنید و در آنچه دلشان بخواهد جاودان خواهند بود (۱۰۲) و آن هراس بزرگتر نیز به سراغشان نخواهد آمد و غمگینشان نخواهد کرد و فرشتگان به استقبالشان خواهند آمد که این همان روزی است که به شما وعده میدادند (۱۰۳)

روزی که آسمان را در هم بپیچیم، مانند در هم پیچیدن طومارهای نوشته. همانطور که آفرینش نخستین را آغاز کردیم آن را به همان حالت باز می گردانیم که البته انجام دهنده اش هستیم (۱۰۴)

و البته در زبور نیز پس از آن پند نوشتیم که زمین به بندگان صالحم به ارث میرسد (۱۰۵) که البته در این برای مردمِ عبادت پیشه پیامِ رسائی هست (۱۰۶)

ای پیامبر! ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم (۱۰۷) بگو جز این نیست که بمن وحی میشود که البته خدایتان خدائی است واحد، آیا قبول میکنید؟ (۱۰۸) پس اگر روی گرداندند بگو به همه تان اعلام کردم و نمیدانم آنچه که به آن وعده تان میدهند نزدیک یا دور است (۱۰۹) که او البته به آنچه از گفتارتان که آشکار یا پنهان میدارید آگاه است (۱۱۰) و نمیدانم شاید آن مایه امتحانی برایتان باشد و یا برخورداریی تا زمانی معین (۱۱۱)

ای پیامبر! در دعایت بگو : پروردگارا به حق حکم کن و به پیروانت بگو پروردگارمان خدای رحمان است که در مورد آنچه که آرزویش را میکنید مورد کمک خواهی است (۱۱۲)

سوره صافّات

بسم الله الرحمن الرحیم

قسم به صف بستگانِ صف در صف (۱) که با تندی و غضب مزاحمان را می رانند (۲) و خوانندگانی که پند با عظمتی را می خوانند (۳) که البته خدای شما یکی است (۴) که پروردگار آسمانها و زمین و بین آنها و پروردگار مشرق هاست (۵)

البته آسمانِ نزدیک به شما را به زینت ستارگان آراستیم (۶) و از هر موجود مزاحمی محفوظش داشتیم (۷) هیچکس نمی تواند به گفتگوی بزرگانِ عالیمرتبه آسمانی گوش سپارد و اگر کسی چنین قصدی داشته باشد از هر طرف رانده میشود (۸) به دورها، و عذابی سخت خواهد داشت (۹) و گر کسی از آنها چیزی حتی کوچک را نیز برباید شهابی درخشان درتعقیب او خواهد بود (۱۰) پس، ای پیامبر! از آنان که کفر میورزند بپرس آیا خلقت آنها محکمتر است یا آن کسانی که در آسمانها آفریده ایم؟ اینان را که از گِلی چسبنده آفریده ایم (۱۱)

ای پیامبر! بساکه تعجب میکنی که اینها تعالیم ما را مسخره میکنند (۱۲) و هنگامی که پند داده میشوند نمی پذیرند (۱۳) و وقتی که نشانه ای ببینند به ریشخند میگیرند (۱۴) و میگویند این چیزی جز جادویی آشکار نیست (۱۵) و مَثَل می زنند که آیا هنگامی که مُردیم و خاک و استخوان شدیم برانگیخته میشویم؟ (۱۶) همچنین نیاکانمان؟ (۱۷) بگو بله و خوار و ذلیل خواهید بود (۱۸) و جز این نیست که آن یک نهیب خواهد بود و سپس همگی نگران خواهند گردید (۱۹) و میگویند وای بر ما این روز قیامت است (۲۰) به آنها خطاب میشود این همان روز جدا کردن است که تکذیبش

میکردید (۲۱) و به ماموران قیامت فرمان داده میشود که ظالمان و همگونانشان و آنچه را که به غیر از خداوند عبادتش میکردند (۲۲) بیاورید و راه جهنم را نشانشان دهید (۲۳) و متوقفشان کنید که باز خواست شوند (۲۴) در آن روز به آنان خطاب میشود چه تان شده؟ چرا یکدیگر را یاری نمی کنید؟ (۲۵) بله، در آن روز تسلیم خواهند بود (۲۶) و پرسش کنان به یکدیگر روی می آورند (۲۷) برخی به برخی دیگر میگویند شما بودید که به نزد ما میآمدید که گمراهمان کنید (۲۸) آنها میگویند نه، بلکه خودتان مومن نبودید (۲۹) ما بر شما تسلطی نداشتیم، خودتان سرکش بودید (۳۰) و گفتار پروردگارمان بر ما فرود آمد که داریم آنرا می چشیم (۳۱) تازه اگر هم شما را گمراه کردیم، به این سبب بود که خودمان هم گمراه بودیم (۳۲) پس آنها در آنروز در عذاب مشترکند (۳۳) با مجرمان چنین می کنیم (۳۴) آنها چنان بودند که وقتی به آنها گفته میشد خدائی جز خداوند نیست گردنفرازی میکردند (۳۵) و میگفتند آیا باید خدایانمان را فقط برای گفتار یک شاعر مجنون رها کنیم؟ (۳۶) بلکه آن کسی که او را چنین می نامیدند به حق آمده بود و پیامبرانِ قبلی را نیز تصدیق میکرد (۳۷) و اینک البته شما چشندهِ عذاب دردناک خواهید بود (۳۸) و کیفری نمی بینید مگر برای آنچه انجام داده اید (۳۹)

البته بندگان ناب خدا اوضاعشان خیلی متفاوت خواهد بود (۴۰) آنها روزیی معلوم خواهند داشت (۴۱) از همه نوع میوه ها، و بسیار محترم هم خواهند بود (۴۲) در بهشتهایی پر نعمت (۴۳) که بر تختهائی روبروی یکدیگر تکیه زده و مصاحبت هایی دلپذیر خواهند داشت (۴۴) کاسه هائی از نوشابه های روان برای استفاده شان گردانده میشود (۴۵) که رنگی سفید خواهد داشت و برای نوشندگان لذیذ خواهد بود (۴۶) که نه دارای ضرری بوده و نه از آن مست خواهند شد (۴۷) و نزدشان زنانی درشت چشم خواهد بود که فقط به همسران خویش نظر دارند (۴۸) و مانند تخم نهفته پرندگانند (۴۹) آنگاه این خوشبختان پرسش کنان به یکدیگر روی می آورند (۵۰) یکی از آنها میگوید رفیقی داشتم (۵۱) که میگفت تو واقعاً از تصدیق کنندگان این پیامبری؟ (۵۲) آیا وقتیکه مُردیم و خاک و استخوان شدیم واقعاً دو باره احیاء شده و

جزا خواهیم یافت؟ (۵۳) آیا شما که این چیزها را قبول دارید و واقعاً اطلاع پیدا کرده اید؟ (۵۴) در همین حین سرک میکشد و او را در وسط آتش می بیند (۵۵) و به او میگوید به خدا که نزدیک بود نابودم کنی (۵۶) و اگر نعمت پروردگارم نبود اینک مثل تو از بازداشت شدگان بودم (۵۷) و با خوشحالی با خویش میگوید آیا این ما هستیم که دیگر مرگ نداریم؟ (۵۸) غیر از آن مرگ اول؟ و دچار عذاب نمیشویم؟ (۵۹) البته این همان پیروزی بزرگ است (۶۰)

پس البته اهل عمل، باید برای چنین هدفی بکوشند (۶۱) آیا این پیشکشی بهتر است یا درخت زقوّم؟ (۶۲) که آنرا مایه فتنه ای برای ظالمان قرار دادیم (۶۳) درختی است که از عمق جهنم در می آید (۶۴) میوه اش گوئی سرِ شیطانها است (۶۵) از آن میخورند و شکم هایشان را از آن پر میکنند (۶۶) سپس روی آن آبی کثیف جوشان خواهند داشت (۶۷) آنگاه بازگشتگاهشان آتش سوزان خواهد بود (۶۸) آنان پدرانشان را گمراه یافتند (۶۹) با وجود این، شتابان دنبال آنان میرفتند (۷۰) و البته قبل از آنان اکثر پیشینیان گمراه شدند (۷۱) در حالیکه در میان آنان هشدار دهندگان را فرستاده بودیم (۷۲) پس بنگر که عاقبت هشدار شوندگان چگونه شد؟ (۷۳) مگر بندگان خالص شده خداوند که نجات یافتند (۷۴)

نوح وقتیکه به دشواری برخورد صدایمان زد و ما هم به خوبی جوابش دادیم (۷۵) و او را و اهلش را از آن گرفتاری بزرگ نجات دادیم (۷۶) و خاندانش را باقی گذاشتیم (۷۷) و در میان اقوام بعدی در میان مردم جهان برایش (۷۸) سلامی بر نوح بجا گذاشتیم (۷۹) نیکوکاران را چنین پاداش میدهیم (۸۰) زیرا که از بندگان مومن ما بود (۸۱) و بقیه را غرق کردیم (۸۲)

و از پیروان او ابراهیم بود (۸۳) هنگامی که با قلبی سلیم به سوی پروردگارش آمد (۸۴) آن وقت که به پدرش و قومش می گفت چه میپرستید؟ (۸۵) آیا بجای خداوند خدایانی دروغین را میخواهید؟ (۸۶) پس نسبت به پروردگار جهانیان چه گمانی دارید؟ (۸۷) آنگاه نگاهی به ستارگان انداخت (۸۸) و گفت مریضم (۸۹) پس

همشهریانش او را بحال خویش گذاشته و رفتند (۹۰) وقتیکه ابراهیم تنها شد بسوی خدایان آنها رفت و گفت چه تان است چرا نمیخورید؟ (۹۱) چه تان است؟ چرا سخن نمیگویید؟ (۹۲) پس پنهانی با ضربتی محکم آنها را زد (۹۳) پس از مدتی همشهریانش سراسیمه بسوی او شتافتند و از او توضیح خواستند (۹۴) گفت آیا چیزی را که خودتان میتراشید میپرستید؟ (۹۵) در حالیکه خداوند شما و آنچه را عمل می کنید آفریده؟ (۹۶) گفتند بنای بلندی برایش بسازید و او را در آتش سوزان بیفکنید (۹۷) و نیرنگی برایش ترتیب دادند ولی ما آنهارا فروتر قرار دادیم (۹۸) و او پس از اینکه نجاتش دادیم از آنها کناره گرفت و گفت من بسوی پروردگارم میروم و او البته بزودی هدایتم خواهد کرد (۹۹) پروردگارا فرزندی از صالحان بمن عطا کن (۱۰۰) پس مژده پسری موقر را به او دادیم (۱۰۱) و هنگامی که بالغ شد و در حج همراهش بود به او گفت: پسرکم! در خواب هایم می بینم که تو را ذبح میکنم. نظرت چیست؟ گفت: پدر جان! آنچه را که مأمور هستی انجام ده. انشاء الله مرا صابر خواهی یافت (۱۰۲) پس چون تسلیم شدند و پیشانی او را بر زمین گذاشت (۱۰۳) ندایش دادیم: ای ابراهیم! (۱۰۴) تو موضوع رویایت را تصدیق کردی؟ و ما نیکوکاران را چنین پاداش میدهیم (۱۰۵) البته این یک آزمایش آشکار بود (۱۰۶) و با قربانی عظیمی جایگزینش دادیم (۱۰۷) و درمیان بازماندگان برایش (۱۰۸) سلامی بر ابراهیم بجا گذاشتیم (۱۰۹) و نیکوکاران را چنین پاداش میدهیم (۱۱۰) که او البته از بندگان مومن ما بود (۱۱۱) و او را به تولد اسحق نیز مژده دادیم که پیغمبری از شایستگان بود (۱۱۲) و به او و به اسحق برکت دادیم و از اولاد آنها کسانی مومن بودند و کسانی هم بطور آشکار به خویش ظلم میکردند (۱۱۳)

و البته به موسی و هارون نیز لطف کردیم (۱۱۴) و آنها و قومشان را از آن گرفتاری عظیم نجات دادیم (۱۱۵) و یاری شان کردیم و آنها غالب شدند (۱۱۶) و آن کتاب روشنگر را به آنها دادیم (۱۱۷) و آنها را بجاده مستقیم هدایت کردیم (۱۱۸) و در میان بازماندگان برای آنها (۱۱۹) سلامی بر موسی و هارون بجا گذاشتیم (۱۲۰) و نیکوکاران را چنین پاداش میدهیم (۱۲۱) آنها از بندگان مومن ما بودند (۱۲۲)

و الیاس هم از فرستادگان بود (۱۲۳) هنگامی که به قومش گفت پروا نمیکنید؟

(۱۲۴) که «بعل» را به دعا میخوانید و بهترین آفریدگار را وا می گذارید؟ (۱۲۵) که خداوند است و پروردگار شما و نیاکانتان است؟ (۱۲۶) اما تکذیبش کردند و در جرگه بازداشت شدگانِ اخروی گردیدند (۱۲۷) مگر بندگان خالص شده خداوند که از میان آنها نجات یافتند (۱۲۸) و برای او در میان مردمِ بعدی (۱۲۹) سلامی بر الیاسی ها قرار دادیم (۱۳۰) و نیکوکاران را چنین پاداش میدهیم (۱۳۱) که او البته از بندگان مومن ما بود (۱۳۲)

و لوط هم از فرستادگان بود (۱۳۳) هنگامی که او و اهلش را جمعاً نجات دادیم (۱۳۴) مگر پیرزنی را که در عذاب شدگان ماند (۱۳۵) آنگاه بقیه را هلاک کردیم (۱۳۶) و شماها صبحگاهان بر آنها عبور میکنید (۱۳۷) و نیز شب ها. آیا تعقل نمی کنید؟ (۱۳۸)

و البته یونس هم از فرستادگان بود (۱۳۹) هنگامی که با قهر و غضب نسبت به امت نافرمانش بسوی آن کشتی پر از جمعیت میگریخت (۱۴۰) و هنگامی که کشتی دچار تلاطم شد و نگران شدند و خواستند کشتی را سبک کنند و قرعه کشیدند و او از باختگان شد (۱۴۱) و آن ماهی غول آسا او را لقمه ای کرد و او سزاوار نکوهش بود (۱۴۲) پس اگر اینطور نبود که حتی در شکم آن ماهی هم جزء تسبیح گویان بود (۱۴۳) تا روز قیامت در شکم آن میماند (۱۴۴) اما او را به کرانه ای بایر انداختیم و مریض هم بود (۱۴۵) و بر او درختی از کدو رویاندیم (۱۴۶) و پس از بهبودیش او را بسوی صد هزار نفر بلکه بیشتر به رسالت فرستادیم (۱۴۷) و ایمان آوردند و ما هم تا مدتی بهره مندشان کردیم (۱۴۸)

ای پیامبر! از آنان بپرس آیا دختران را که خودتان جنس پست میشمارید برای خدا می پسندید و پسران را برای خودتان میخواهید؟ (۱۴۹) آیا ما ملائکه را ماده آفریده ایم و آنها شاهد این موضوع هستند؟ (۱۵۰) بدانید آنها از دروغگوئی شان است که میگویند (۱۵۱) خداوند فرزندی زاده و آنها که چنین میگویند حتما از دروغگویانند (۱۵۲) آیا خداوند دختران را بر پسران ترجیح داده که ملائکه را دختران خویش قرار داده و به فرزندی گرفته؟ (۱۵۳) چه تان شده چگونه حکم میکنید؟ (۱۵۴) آیا اندیشه

نمی کنید؟ (۱۵۵) آیا دلیل روشنی دارید؟ (۱۵۶) پس کتابتان را بیاورید اگر راست میگوئید (۱۵۷)

و آنها علاوه بر این، بین خداوند و بین جنّیان نیز نسبتی قرار دادند در حالیکه خودِ آن جنیان دانسته اند که جزء بازداشت شدگانند (۱۵۸)

منزه است خداوند از آنچه وصفش می کنند (۱۵۹) البته بندگان خالص شده خداوند چنین باطل هائی نمیگویند (۱۶۰)

ای پیامبر! به آنان بگو البته شما و آنچه میپرستید (۱۶۱) نمیتوانید فتنه ای علیه خداوند بپا کنید (۱۶۲) جز اینکه به درون آتش سوزان خواهید افتاد (۱۶۳) و خود فرشتگان هم از اینگونه سخنان در باره خویش برائت میجویند و میگویند از ما نیست مگر کسی که جایگاهی معلوم دارد (۱۶۴) و البته ما همواره در صف خدمت و اطاعت خدائیم (۱۶۵) و تسبیحش میگوئیم (۱۶۶)

و البته این کافران علاوه بر آن سخنان باطل دیگری نیز می گفتند: (۱۶۷) مثلا اینکه اگر نزد ما پندی از گذشتگان بود (۱۶۸) البته ما هم جزء بندگان خالص شده خداوند میبودیم (۱۶۹) و این سخن به این معنی است که به این قرآن کفر ورزیدند و بزودی عاقبت خویش را خواهند دانست (۱۷۰)

و البته قبلا کلمه ما راجع به بندگان فرستاده مان صادر شده بود (۱۷۱) که آنها حتما یاری خواهند شد (۱۷۲) و اینکه لشکر ما حتماً غالب خواهد گردید (۱۷۳)

ای پیامبر! پس تا مدتی از آنان روی برگردان (۱۷۴) و در کار آنها بنگر و خودشان هم بزودی خواهند دید که چه عاقبتی خواهند داشت (۱۷۵) آیا عذاب ما را به عجله میخواهند؟ (۱۷۶) پس وقتیکه عذاب ما به محدوده آنها رسید، حالت آنها که قبلا

هشدار یافته بودند بد خواهد گردید (۱۷۷) پس، تا مدتی از آنان روی برگردان (۱۷۸) و در کارشان نظاره کن و بزودی آنها هم خواهند فهمید که: (۱۷۹) منزه است پروردگارت، همان پروردگار پیروزمند، از آنچه وصف میکنند (۱۸۰)

و سلام بر فرستادگان (۱۸۱) و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است (۱۸۲)

سوره ص

بسم الله الرحمن الرحیم

ص.
قسم به قرآنِ پنددار (۱)

لیکن کافران در غرور و مخالفتی بزرگ هستند (۲) چه اقوامی را قبل از آنان هلاک کردیم که هنگامِ دیدنِ نتیجه رفتارشان به فریاد درآمدند که دیگر فایده ای نداشت (۳) آیا اینان تعجب کرده اند که هشدار دهنده ای از میان خودشان بسویشان آمده که گفته اند این جادوگری بسیار دروغگوست (۴) که همه خدایان را یکی کرده؟ و گفته اش چیز بسیار عجیبی است (۵)

ای پیامبر! نگران مباش، سران و بزرگانشان این راه را انتخاب کردند که به زیر دستان خویش گفته اند به این پیامبر گوش نکنید و به مشی خویش ادامه دهید و بر خدایان خویش پایداری کنید که این چیزی است که از شما میخواهیم (۶) همچنین به آنها گفته اند این چیزهایی که این پیامبر میگوید را از هیچ قوم دیگری نشنیده ایم و اینها چیزی جز دروغ ساخته و پرداخته نیست (۷) آیا ازمیان ما، این وحی فقط براونازل شده؟

ای پیامبر! نگران مشو، آنها با این نوع سخنان نسبت به تذکرات خداوند در شکی هستند، زیرا هنوز عذاب را نچشیده اند (۸) آیا انبارهای رحمت پروردگار عزتمند

بخشنده ات نزد آنان است که چنین میگویند؟ (۹) یا اینکه فرمانروایی آسمانها و زمین و بین آندو از آنِ آنان است ، پس اگر چنین باشد، این تکذیب کنندگانت باید بتوانند با اسباب و وسایلی به آسمانها بالا روند (۱۰) اینان لشکری شکست خورده هستند و از نوع همان احزاب هلاک شده پیشین میباشند (۱۱)

ای پیامبر! قبل از این تکذیبگران، قوم های نوح و عاد و فرعون که سلطنتش ریشه دار بود نیز پیامبرانشان را تکذیب کردند (۱۲) و نیز ثمود و قوم لوط و یاران أیْکه. آنها همان احزابی بودند که نابود شدند (۱۳) همگی آنها پیامبران را تکذیب کردند و مجازاتم محقق گشت (۱۴) این کافرانِ معاصرت نیز چیزی را انتظار ندارند مگر صدائی بلند را که پس از آن مهلتی نخواهند داشت (۱۵) با وجود این، جاهلانه در جهت تکذیب تو میگویند پروردگارا سهم ما را قبل از روز حساب فورا از آن عذابی که این پیامبر ادعا میکند بده (۱۶)

ای پیامبر! بر آنچه میگویند صبر کن و بنده مان داوود را یاد کن که نیرومند و بسیار توبه کار بود (۱۷) کوه ها را رامش کردیم که شامگاهان و صبحگاهان با او تسبیح میگفتند (۱۸) و همچنین پرندگان را نیز که نزد او گرد میآمدند و بسوی او باز می گشتند (۱۹) و فرمانروائی او را محکم کردیم و به او حکمت و سخن پایان بخش در قضاوت دادیم (۲۰) آیا داستان آن دو طرف دعوا را هنگامی که به محراب او درآمدند شنیده ای؟ (۲۱) هنگامی که بر داوود وارد شدند، از آنان بیمناک شد. گفتند مترس. دو طرف یک دعوا هستیم که یکی بر دیگری تجاوز روا داشته. لذا بین ما به حق حکم کن و ناحق مگو و ما را به راه راست هدایت کن (۲۲) این برادر من است که نود و نه گوسفند دارد و من فقط یکی دارم و میگوید آن را هم بمن واگذار و در کلامش هم درشتی میکند (۲۳) داود گفت البته در اینکه گوسفندت را برای مخلوط کردن با گوسفندانش از تو میخواهد به تو ظلم کرده و البته بسیاری از شریکان چنین اند که بعضی شان به بعضی ظلم می کنند مگر آنانکه ایمان آورده و عمل شایسته میکنند و چقدر هم آنها کم هستند و داوود گمان کرد ما در این قضیه او را امتحان کرده ایم لذا

از پروردگارش از این لحاظ که در قضاوت عجله کرده بود استغفار کرد و به سجده افتاد و توبه کرد (۲۴) اما این موضوع را بر او بخشودیم و البته او نزد ما جایگاه نزدیک و سرانجام نیکو دارد (۲۵) به او خطاب کردیم ای داوود! تو را در زمین جانشین قرار دادیم. لذا بین مردم به حق حکم کن و از هوای نفس پیروی مکن زیرا که تو را از راه خدا گمراه میکند. البته آنها که از راه خدا گمراه شوند بخاطر اینکه روز حسابرسی را فراموش کرده اند عذابی شدید خواهند داشت (۲۶)

و آسمان و زمین و آنچه را که بین آنهاست به باطل نیافریده ایم. این گمان آنان است که کفر ورزیده اند، و وای بر کافران از آن آتش (۲۷) آیا آنان را که ایمان آورده و عمل شایسته کرده اند مانند مفسدانِ زمین قرار میدهیم؟ یا اینکه با اهل تقوا مانند گناهکاران رفتار می کنیم؟ البته که چنین نخواهیم کرد (۲۸)

ای پیامبر! کتابی پر برکت بسویت فرستادیم تا در آیاتش اندیشه کنند و تا اینکه خردمندان پند گیرند (۲۹)

و به داود سلیمان را دادیم، که بنده ای خوب و بسیار بازگشت کننده بود (۳۰) وقتی غروب هنگام، آن اسبان تیز تک را به تماشایش آوردند (۳۱) آنقدر متوجه آنها بود که از عبادتش غافل شد، پس با تاسف گفت من دوستی مال را به یاد پرودگارم ترجیح دادم تا اینکه آفتاب غروب کرد (۳۲) آنها را بمن برگردانید. پس بنا کرد به نگاه عبرت به گردنها و ساقهای آنها دست کشیدن (۳۳) و البته سلیمان را نیز آزمودیم و بر تخت او جسدی افکندیم، پس بسوی ما توبه نمود (۳۴) گفت پروردگارا مرا بیامرز و بمن سلطنتی ده که هیچکس پس از من به آن نرسد. که تو بسیار بخشنده ای (۳۵) پس باد را رام او کردیم که به امر او هر جا که میخواست به نرمی میوزید (۳۶) و نیز از شیطان ها و جن ها و اشخاص خلافکار عده ای را رام او کردیم که برایش بنایی و غواصی میکردند (۳۷) و دیگرانی را نیز در غل و زنجیر نمود (۳۸) وبه او خطاب کردیم ای سلیمان! این عطای ما است، هر که را خواهی از این نعمت که به تو داده ایم

برخوردار کن و از هر که خواهی دریغ ورز (۳۹) و البته او در نزد ما جایگاهی نزدیک و سرانجامی نیک دارد (۴۰)

ای پیامبر! بنده مان ایوب را یادآر. هنگامی که پروردگارش را صدا زد که عوامل شر مرا به خستگی و ناراحتی و تلخکامی انداخته اند (۴۱) به او یاد دادیم که پایت را به این زمین بزن. این آبی است که مایه تن شوئی، و نیز نوشیدنیی خنک است (۴۲) در اثر آن نوشیدن وآن غسل، حالتش بهبود، و نیروئی درخور یافت و مانند سابق در کار مقابله با عوامل شر فعال شد و در اثر بهبود یافتنش و تجدید فعالیتش پیروانش به او بازگشتند، و عدّه ای دیگر نیز که تقریبا هم اندازه پیروان سابقش بودند به پیروی او درآمدند. تا رحمتی از ما و تذکری برای خردمندان باشد (۴۳) به او ندا دادیم که ای ایوب! قسمتی از هر کدام از نیروهایت را که خواستی اختیار کن و با آن به مقابله آن عامل شر برو و او را از آن شرور بازدار، اما در این مورد زیاده روی مکن. البته او را صبور یافتیم، بنده ای خوب و بسیار توبه کار بود (۴۴)

و ای پیامبر! همچنین یادآر بندگانمان ابراهیم و اسحق و یعقوب را که نیرومند و بصیر بودند (۴۵) که ما البته آنها را به آخرت اندیشی خالص کرده بودیم (۴۶) و البته آنها در نزد ما از بین خوبان برگزیده شده اند (۴۷) و نیز اسمعیل و یسع و ذالکفل را نیز بیاد آر که همه از نیکان بودند (۴۸)

ای پیامبر! اینها پندی است. و البته تقوا داران سرانجامی نیک خواهند داشت (۴۹) بهشت هائی جاودان که درب های آن برایشان گشوده است (۵۰) در آن تکیه زده و دستور میوه و نوشیدنی خواهند داد (۵۱) و نزدشان همسرانی است که جز به شوهران خویش نظر ندارند (۵۲) و به آنان گفته میشود این است چیزی که برای روز حساب به شما وعده داده شده (۵۳) البته این رزق ماست که تمامی ندارد (۵۴)

چنین است، و البته طغیانگران نیز بد سرانجامی خواهند داشت (۵۵) جهنمی که در

آن انداخته میشوند که بد جایگاهی است (۵۶) که در آن باید آبی داغ و چرکین و متعفن بچشند (۵۷) و چیزهای دیگری مانند آنها (۵۸) و ماموران جهنم هنگام ورودِ عده ای جدید، به جهنمیان میگویند این گروه انبوه که دارند به جهنم انداخته میشوند نیز باشمایند. آنها جواب میدهند خوششان مباد، زیرا که داخل آتش خواهند شد (۵۹) جهنمیان جدید به اینها میگویند خودتان خوشتان مباد، شما این عذاب را برای ما فراهم کرده اید و چه بدقرارگاهی است (۶۰) میگویند پروردگارا هر کس که این را برایمان فراهم کرده او را در آتش دو چندان عذاب فرما (۶۱) و همچنین میگویند چه مان شده که مردمی را که جزء اشرار می شمردیم نمی بینیم؟ (۶۲) آیا آنها را دست کم میگرفتیم و بعکس تصور ما نجات یافتند یا در اینجا به چشممان نمی آیند؟ (۶۳) ای پیامبر! این گوشه ای از دعوای اهل آتش است، و کاملا همینطور خواهد بود (۶۴)

ای پیامبر! به اینها بگو جز این نیست که من هشدار دهنده ای هستم و جز خداوندِ واحدِ قهّارخدائی نیست (۶۵) همو که پروردگار آسمانها و زمین و بین آنهاست و عزتمند آمرزشگر است (۶۶)

ای پیامبر! بگو آن خبرِ قیامت خبری بسیار مهم است (۶۷) که شما از آن رویگردانید (۶۸) هیچ علمی نسبت به آن بزرگان عالیمرتبه آسمانی، آن هنگام که مشاجره میکردند، ندارم (۶۹) بمن جز این وحی نمیشود که هشدار دهنده ای آشکارم (۷۰)

ای پیامبر! آن هنگام را یاد کن که پروردگارت به ملائکه گفت آفریدگار بشری از خاک خواهم بود (۷۱) پس هر گاه او را پرداختم و از روح خویش در او دمیدم برایش به سجده بیفتید (۷۲) آنگاه ملائکه همگی سجده نمودند (۷۳) مگر ابلیس که گردنفرازی کرد و از کافران گردید (۷۴) خداوند گفت ای ابلیس! چه چیز مانعت شد که برای چیزی که با علم و قدرت خویش آفریدمش سجده کنی؟ آیا خود را بزرگ دیدی یا واقعاً از بزرگ مرتبگانی؟ (۷۵) گفت من از او بهترم. مرا از آتش و او را از خاک آفریده ای (۷۶) گفت، پس، از اینجا بیرون شو که رانده شده ای (۷۷) و تا روز قیامت از

رحمت من دور خواهی بود (۷۸) گفت پروردگارا! تا روزی که برانگیخته میشوند مهلتم ده (۷۹) گفت باشد، تو از مهلت یافتگانی (۸۰) تا روزی که وقت معلومی دارد (۸۱) گفت: قسم به عزّتت که همگانشان را گول خواهم زد (۸۲) مگر آن بندگانت که خالص شده باشند (۸۳) گفت حق این است که میگویم (۸۴) حتماً جهنم را از تو واز کسانی که پیرویت کنند پر میکنم (۸۵)

ای پیامبر! به اینها بگو من برای آن رسالت از شما مزدی نمیخواهم و من از آن متکلفان که چیزی بخود ببندند اما واقعا آنطور نباشند نیستم (۸۶) این قرآن چیزی جز پندی برای جهانیان نیست (۸۷) و البته خبرش را پس از چندی خواهید دانست (۸۸)

مرحله هفتم

افزایش فشارها
به پیامبر (ص) و مومنان
و
نزول سوره های
دارای بارِ امید بیشتر

سوره قصص

بسم الله الرحمن الرحیم

ط.س.م. (۱)

این آیات آن کتاب آسمانی آشکار است (۲)

ای پیامبر! قسمتی از داستان موسی و فرعون را، بدرستی، برای استفاده مردمی مومن، برایت میخوانیم: (۳) فرعون در آن سرزمین گردنکشی کرد و اهل آنرا گروه هائی نمود. گروهی از آنها را ضعیف میداشت بطوریکه پسرانشان را میکشت و زنانشان را زنده نگه میداشت که او البته از مفسدان بود (۴)

و ما چنین میخواهیم که بر آنانکه در زمین ضعیف داشته میشوند منت گذارده و آنها را پیشوایان قرار داده و آنها را وارثان زمین نمائیم (۵) و در آن زمین به آنها مکانت دهیم و به امثال فرعون و هامان و نیروهایشان آنچه را که از آن می هراسند بنمایانیم (۶)

به مادر موسی وحی کردیم که او را شیر ده. و هنگامی که بر او ترسیدی که توسط ماموران حکومت کشته شود در نیل بیندازش و نترس و اندوهگین هم مباش که ما خودمان مواظبش هستیم و حتما بسویت برش میگردانیم و از پیامبران قرارش میدهیم (۷)

چیزی نگذشت که نزدیکان فرعون یافتندش تا برایشان هم دشمن و هم مایه اندوه باشد. البته فرعون و هامان و سپاهیانشان خطا کار بودند (۸) و زن فرعون گفت این بچه روشنی چشمی برای من و تو است، نکشیدش چه بسا برایمان فایده ای داشته باشد یا به فرزندی بگیریمش و آنها متوجه نبودند (۹) و گوئی که دل مادر موسی

خالی شده باشد و اگر قلبش را مطمئن نکرده بودیم تا از مومنان باشد نزدیک بود آن راز را آشکار کند (۱۰) مادر موسی به خواهر او گفت پی او را بگیر و او در حالیکه آنها متوجه نبودند از جائی او را میدید و تعقیبش میکرد (۱۱) و قبلا قبول پستان شیر دهندگان را بر او حرام کرده بودیم، و خواهر موسی به کسانی که موسی را از آب گرفته بودند گفت آیا شما را به خانواده ای که او را نگهدارند و خیرخواهش باشند راهنمائی بنمایم؟ (۱۲) به این ترتیب بود که او را به مادرش برگرداندیم تا چشمش روشن شود و اندوهگین نباشد و بداند که وعده خداوند حق است ولیکن اکثرشان نمیدانند (۱۳)

و هنگامیکه به رشد و قوت خویش رسید و استوار شد، به او حکم و علم و نبوت دادیم و نیکوکاران را چنین پاداش میدهیم (۱۴) و هنگامیکه اهل شهر متوجه نبودند داخل آن شد و دو نفر را یافت که میجنگیدند. این از پیروانش و او از دشمنانش بود. و آنکه از پیروانش بود از او بر ضد آنکه از دشمنانش بود کمک خواست. پس موسی به او مشتی زد و کارش را تمام کرد. با خود گفت این از کارهای شیطان است که او دشمنی گمراه کنندهء آشکار است (۱۵) و گفت پروردگارا بر خویش ظلم کرده ام پس مرا ببخش و او بخشیدش که او بسیار مهربان است (۱۶) گفت پروردگارا بسبب نعمتی که بمن دادی هرگز پشتیبان مجرمان نخواهم بود (۱۷) آنگاه در آن شهر به صبح رساند درحالیکه ترسان و نگران بود. پس همانکه دیروز از او کمک خواسته بود باز هم از او کمک خواهی کرد و موسی به او گفت تو البته یک گمراه کننده آشکاری (۱۸) پس چون خواست آن کسی را که دشمن هر دوشان بود با قوت بگیرد گفت ای موسی آیا میخواهی مرا نیز بکشی همانطور که دیروز یک نفر را کشتی؟ جز این نیست که تو میخواهی در زمین زورگو گردی و نمیخواهی از اصلاحگران باشی (۱۹) و مردی از دورترین نقطه شهر دوان دوان آمد و گفت ای موسی بزرگان شهر تصمیم به قتل تو گرفته اند پس از این شهر خارج شو که من خیر خواه تو میباشم (۲۰) و او در حالیکه

ترسان و مراقب بود از آن خارج شد و گفت پروردگارا مرا از مردم ظلم پیشه نجات ده (۲۱)

و هنگامیکه بطرف مدین روی نمود گفت چه بسا که پروردگارم مرا به راه صحیح هدایت کند (۲۲) و هنگامی که بر آب مدین وارد شد عده ای را بر آن یافت که آب میدادند و دنبال آنها دو زن را دید که مواظب بودند که گوسفندانشان با مال دیگران مخلوط نشود، موسی به آنها گفت کارتان چیست؟ گفتند ما آب نمیدهیم مگر آنکه چوپانان گوسفندانشان را آب داده و بروند و پدرمان پیرمردی فرتوت است (۲۳) پس موسی گوسفندانشان را آب داد و سپس بسوی سایه رفت و گفت پروردگارا به هر خیری که بسویم بفرستی نیازمندم (۲۴) پس یکی از آن دو زن با حیا بسوی او آمد و گفت پدرم تو را فراخوانده تا پاداش آب دادنت را بدهد. و چون بسوی او رفت و داستانها را برای او گفت، گفت مترس که از مردم ظلم پیشه نجات یافته ای (۲۵) یکی از آن دو گفت پدر جان استخدامش کن. البته بهترین کسی که استخدام کنی کسی است که قوی و امین باشد (۲۶) گفت میخواهم یکی از این دخترانم را در مقابل هشت سال کار به ازدواجت درآورم اگر هم خواستی ده سال را تمام کنی بر عهده خودت است و من نمیخواهم بر تو سخت بگیرم و انشاءالله بزودی مرا از صالحان خواهی یافت (۲۷) گفت این بین من و تو باشد هر کدام از دو مدت را که تمام کردم فشاری بر من نباشد و خداوند بر آن چیزی که میگوییم وکیل است (۲۸)

پس چون موسی آن مدت را گذراند و خانواده اش را حرکت داد از جانب کوه طور متوجه آتشی شد. به خانواده اش گفت مکث کنید، متوجه آتشی شده ام شاید از آن برایتان خبری بیاورم یا پاره ای از آتش را، شاید گرم شوید (۲۹) پس چون به نزدیک آن آتش در آمد از کرانه راست آن دره از درختی که در قطعه زمین پربرکتی بود،

ندائی شنید که ای موسی من البته خودم «الله» هستم که پروردگار جهانیانم (۳۰) و اینکه عصایت را بیانداز. پس چون دید مانند ماری می جنبد پشت کرد و دوید و بر نمی گشت. به او خطاب شد ای موسی! پیش آی و نترس، تو ایمن هستی (۳۱) و دستت را در گریبانت داخل کن. سفید، بدون اینکه بدیی داشته باشد خارج خواهی کرد و دو بازویت را به هم بچسبان تا از ترس آرام گیری و اینها دو دلیل از پروردگارت است برای فرعون و بزرگانش، که البته آنها مردمی گناه پیشه اند (۳۲) گفت پروردگارا من کسی از آنها را کشته ام میترسم بکشندم (۳۳) و برادرم هارون زبانش از من روانتر است پس او را نیز با من بعنوان کمک بفرست که تصدیقم کند که میترسم تکذیبم کنند (۳۴) گفت بزودی بازویت را بوسیله برادرت قوی میکنیم و برایتان دلیلی قرار میدهیم و بواسطه آیاتمان به شما دست نخواهند یافت. شما دو نفر و هر کس که پیرویتان کند غالب خواهید شد (۳۵)

هنگامیکه موسی با آیات روشنگرمان بسویشان آمد گفتند این چیزی جز جادوئی از روی افترا نیست و ما درباره اش چیزی از نیاکانمان نشنیده ایم (۳۶) و موسی گفت پروردگارم بهتر میداند چه کسی هدایت را از جانب او آورده و چه کسی سرانجام خوب خواهد داشت. که او البته ظالمان را رستگار نمی کند (۳۷) و فرعون گفت ای بزرگان! من برای شما هیچ معبودی جز خودم نشناخته ام و ای هامان! بر گِل برایم آتش بیفروز و آجر بساز و برجی برایم برآور شاید به معبود موسی اِشراف پیدا کنم زیرا که موسی را از دروغگویان میدانم (۳۸) و او و سپاهیانش در زمین بدون اینکه حقی داشته باشند بزرگی می طلبیدند و گمان نمیکردند که بسویمان بازگشتی خواهند داشت (۳۹) پس او و سپاهیانش را بگرفتیم و در آن دریا انداختیم. بنگر عاقبت ظالمان چگونه است (۴۰) و آنها را رهبرانی قرار دادیم که بسوی آتش جهنم دعوت میکنند و روز قیامت

یاری نمیشوند (۴۱) و در این جهان نیز در پی آنها لعنت قرار دادیم و روز قیامت نیز از زشت رویان خواهند بود (۴۲)

ای پیامبر! البته پس از اینکه مردم قرون گذشته را هلاک کردیم، آن کتاب را به موسی دادیم که مایه بصیرت ها برای مردم و نیز هدایت و رحمت بود شاید پند گیرند (۴۳) و آن هنگام که برای موسی آن امر را میگذراندیم، تو نه در کناره غربی و نه از شاهدان بودی (۴۴) ولیکن ما مردمِ قرن های زیادی را بوجود آوردیم و عمرهایشان هم طولانی شد و همچنین تو در میان اهل مدین هم نبودی که آیاتمان را بر آنها بخوانی ولیکن خودمان فرستنده پیامبران بوده ایم (۴۵) و تو در آن کناره کوه طور هم نبودی آن هنگام که موسی را صدا کردیم ولیکن رحمتی از جانب پروردگارت هستی تا قومی را که قبل از تو هشدار دهنده ای نداشتند هشدار دهی شاید پند گیرند (۴۶)

ای پیامبر! اگر اینطور نبود که وقتی بسبب اعمالشان مصیبتی به آنان میرسید میگفتند پروردگارا چرا رسولی بسویمان نفرستادی تا آیاتت را پیروی کنیم و از مومنان باشیم به فریاد شان نمی رسیدیم (۴۷) اما تا این حق، از جانب ما بسویشان آمد گفتند چرا چیزی مانند آنچه به موسی داده شد به او داده نشد؟ آیا به آنچه قبلا به موسی داده شد کفر نورزیدند و نگفتند که قرآن و تورات دو جادوست که از یکدیگر پشتیبانی می کنند و نیز نگفتند نسبت به همه آنها کافریم؟ (۴۸) بطور طعنه وار به آنان بگو پس کتابی از جانب خداوند بیاورید که از آن دو هدایت کننده تر باشد که من هم پیرویش کنم اگر راست میگویید (۴۹) پس اگر اجابتت نکردند بدان که هوا و هوس خویش را پیروی می کنند و چه کسی گمراه تر است از کسی که هوا و هوس خویش را که خالی از هدایت خدا باشد پیروی کند؟ البته خداوند ظالمان را هدایت نمی کند (۵۰) و البته آن قولِ وحی را پیوسته نمودیم شاید پند گیرند (۵۱)

آنانکه قبلا کتابشان داده ایم به آن قرآن ایمان می آورند (۵۲) و وقتیکه بر آنان تلاوت

شود میگویند به آن ایمان آورده ایم. آن حق است و ماقبل از آن تسلیم حق بوده ایم (۵۳) آنها پاداششان دوبار داده میشود، بسبب پایداریی که میکنند و بدی را با نیکی دور میکنند و از آنچه به آنان روزی نمودیم انفاق می نمایند (۵۴) و وقتیکه بیهوده ای میشنوند از آن روی میگردانند و میگویند اعمالمان برای ما و اعمالتان برای شما باشد، سلام بر شما، ما بدنبال جاهلان نیستیم (۵۵)

البته اینطور نیست که تو هر که را که دلت خواهد هدایت کنی ولیکن خداست که هر کس را خواهد هدایت میکند و همو به حال هدایت یافتگان داناتر است (۵۶)

و میگویند اگر آن هدایتی را که همراه توست پیروی کنیم از سرزمین خویش ربوده میشویم. آیا ما آنها را در حرمی امن جای نداده ایم که فرآورده های همه چیز بسوی آن گسیل میشود؟ که روزیی است از نزد ما؟ ولیکن اکثرشان علم ندارند (۵۷) و چه بسا شهرهایی را که در معیشت خویش طغیان کردند و این مسکن های آنهاست که جز کمی پس از آنها مسکون نبود و ما وارثانیم (۵۸) و پروردگارت اینطور نیست که شهرها را هلاک کند مگر اینکه در مرکز آنها رسولی برانگیزد که آیاتمان را بر آنان بخواند و ما اینطور نیستیم که شهرها را هلاک کنیم مگر اینکه اهلش ظالم باشند (۵۹) و آنچه به شما داده شده متاع زندگی دنیا و زینت آن است و آنچه نزد خداست بهتر و باقی تر است آیا تعقل نمی کنید؟ (۶۰) آیا کسی که به او وعده نیکوئی دادیم و او به آن رسید مانند کسی است که او را به متاع زندگی دنیا برخوردار کردیم و آنگاه در قیامت از احضار شدگان است؟ (۶۱)

و به روزی فکر کنید که در قیامت صدایشان زنند و گفته شود آن شریکانی که برای من می پنداشتید کجا هستند؟ (۶۲) کسانی که آن قول بر آنان فرود آمده میگویند پروردگارا اینها کسانی هستند که ما گمراهشان کرده بودیم. همانطور که خودمان هم گمراه بودیم. در پیشگاه تو از این کار بیزاری میجوئیم. البته آنها فقط ما را عبادت نمیکردند (۶۳) به آن کافران گفته میشود شریکان خویش که برای خداوند فرض کرده

بودید صدا بزنید، و آنها صدایشان می کنند اما آنها جوابشان نمیدهند و در این حال عذاب را می بینند و آرزو میکنند که کاش هدایت یافته بودند (۶۴) و هنگامی که ماموران قیامت صدایشان میزنند و می پرسند چه جوابی به رسولان داده اید؟ (۶۵) در آن وضع واقعیات بر آنها مشتبه میشود و چنان سر در گم میشوند که از یکدیگر احوال پرسی هم نمی‌کنند (۶۶)

اما کسی که توبه کند و ایمان بیاورد و عمل صالح در پیش گیرد چه بسا که از رستگاران باشد (۶۷) و پروردگارت آنچه خواهد می آفریند و برمیگزیند. آنها اختیاری ندارند. خداوند پاک و منزه است از آنچه با او شریک میگیرند (۶۸) و پروردگارت آنچه را که دلهایشان مخفی میکند و آنچه را که آشکار میکنند میداند (۶۹) و همو خداوند است که خدائی جز او نیست. ستایش در این جهان و در آخرت مخصوص اوست و قضاوت نیز همچنین. و بسوی او بازمیگردید (۷۰)

بگو بیندیشید اگر خداوند شب را تا قیامت همیشگی کند، غیر از خداوند چه خدائیست که روشنایی را برایتان بیاورد آیا نمی شنوید؟ (۷۱) بگو بیندیشید اگر خداوند تا قیامت روز را همیشگی کند، چه خدائیست که شب را برایتان بیاورد که در آن استراحت کنید؟ آیا نمی بینید؟ (۷۲) و از رحمتش برایتان شب و روز را قرار داد که در آنها استراحت کنید و از فضل او روزی خویش بجوئید شاید شکر گزارید (۷۳) و روزی که آنها را ندا دهد و بگوید کجا هستند شریکانی که به خیال خویش برای من در نظر گرفتید (۷۴) و در آن روز از هر مردمی شهادت دهنده ای جدا خواهیم کرد و به آنها خواهیم گفت دلیل خویش بیاورید، آنگاه خواهند دانست که حق مخصوص خداست و آنچه که افترا میزدند از نزدشان گم و نابود میشود (۷۵)

قارون از بنی اسرائیل بود که بر آنها طغیان کرد و به او آنقدر از ثروت داده بودیم که فقط حمل کلیدهایش جوانانی نیرومند را خسته میکرد. هنگامیکه برخی از قومش به

او میگفتند خوشحالی مکن که خداوند این قبیل خوشحالان را دوست ندارد (۷۶) و در آنچه خداوند بتو داده سرای آخرت را جستجو کن و در عین حال نصیب خویش را نیز از دنیا فراموش مکن و نیکی کن چنانکه خداوند بتو نیکی نموده و در روی زمین در پی فساد مباش که خداوند مفسدان را دوست نمیدارد (۷۷) گفت جز این نیست که این ثروت را بعلت لیاقتم یافته‌ام. آیا نمی دانست که خداوند قبل از او کسانی را هلاک کرده که از او قوی تر و از لحاظ جمعیت از او فزون تر بودند؟ و مجرمان درباره گناهانشان سئوال نمیشوند (۷۸) و هنگامی که با زینت هایش بر مردم درآمد کسانی که زندگی دنیا را میخواستند گفتند ای کاش آنچه به قارون داده شد برای ما هم میبود که او صاحب بهره عظیمی است (۷۹) و کسانی که علم به آنها داده شده بود میگفتند وای بر شما ثواب خداوند برای کسی که ایمان آورده و عمل صالح کند بهتر است و جز کسانی که اهل پایداری باشند به آن نمیرسند (۸۰) پس او و خانه اش را در زمین فرو بردیم و هیچ نیروئی نبود که علیه خداوند یاریش کند و خودش هم از کسانی نبود که داد خویش بستاند (۸۱) و آنهایی که دیروز موقعیت او را آرزو میکردند چنان شدند که میگفتند وای! گویی که خداوند است که برای هر یک از بندگانش که بخواهد روزی را فراخ میکند یا تنگ میگیرد. اگر خدا بر ما منت نگذاشته بود حتماً زمین ما را نیز فرو میبرد. و ای! گویی که او کافران را رستگار نمی کند (۸۲)

ای مردم! این خانه آخرت را برای کسانی قرار داده ایم که در زمین اراده سرکشی و فساد ندارند و عاقبت از آنِ متقیان است (۸۳) کسی که نیکیی بیاورد برای او بهتر از آن خواهد بود و کسی که بدیی بیاورد بداند کسانی که کارهای زشت می کنند جز سزای آنچه را که انجام میدهند نمی بینند (۸۴)

ای پیامبر! البته کسی که قرآن را بر تو فرض کرده، حتما تو را به آن بازگشتگاه برمیگرداند. بگو پروردگارم بهتر میداند چه کسی هدایت آورده و چه کسی در گمراهیی آشکار است (۸۵)

و تو امیدی نداشتی که قرآن بر تو القاء شود، این نبود مگر رحمتی از جانب پروردگارت، لذا به نفع کافران همپشتی مکن (۸۶) و مبادا تو را از آیات خداوند، پس از اینکه بسویت نازل شده بازدارند. و بسوی پروردگارت دعوت کن و مبادا که از مشرکان باشی (۸۷) و مبادا که همراه خداوند خدائی دیگر را بخوانی. خدائی جز او نیست. همه چیز هلاک شدنی است مگر وجه او. حکومت مخصوص اوست و بسوی او بر میگردید (۸۸)

سوره نمل

بسم الله الرحمن الرحیم

طس.
این، آیات قرآن و کتابی آشکار است (۱) که هدایت و مژده ای برای مومنان است (۲)

برای همان کسانی که نماز بپا میدارند و زکوۀ میدهند و به آخرت یقین دارند (۳)

کسانی که به آخرت باور ندارند اعمالشان را برایشان زینت داده ایم و کوردل و سرگردان میمانند (۴) آنها کسانی هستند که عذاب بد خواهند داشت و در آخرت هم زیانکار تر خواهند بود (۵) و مردم بدانند که تو قرآن را از نزد خداوند که حکیمی دانا است دریافت میکنی (۶)

هنگامی که موسی خانواده اش را از مدین کوچ میداد شب در بیابانی مجبور به اطراق شدند و او به خانواده اش گفت آتشی می بینم. بزودی خبری از آن بسویتان میاورم یا شعله ای شاید گرم شوید (۷) پس هنگامیکه نزد آن آمد به او ندا شد پربرکت است کسی که در این آتش است و هر کس که دور و بر آن است، و منزه است خداوند پروردگار جهانیان (۸) ای موسی من همان خداوند پیروزمند فرزانه هستم (۹) عصایت را بیانداز. و وقتی که آن را انداخت، آن را چنان دید که گوئی که ماری باشد، برگشت و فرار کرد، چنانکه حتی به پشت سر نگاه هم نکرد، خطاب شد ای موسی نترس، پیامبران در پیشگاه من نمی ترسند (۱۰) مگر کسی که ظلم کرده باشد و حتی او هم اگر از پیِ بدی نیکی آورده باشد باز هم لطف خویش از او دریغ نمیکنم، که آمرزگار مهربانم (۱۱) اینک دستت را در گریبانت کن و بیرون آر، خواهی دید که بدون اینکه بیماریی داشته باشد سفید است. با اینها در نُه آیه و علامت بسوی فرعون و قومش برو، زیرا که آنها قومی گناهکارند (۱۲) پس هنگامی که با آیات روشنگرانه ما بسویشان رفت گفتند این جادوئی آشکار است (۱۳) و انکارش کردند در حالیکه دلهاشان به آن یقین داشت. علت آن هم ظلمی و تکبری بود که آلوده اش بودند. ای پیامبر! بنگر عاقبت مفسدان چگونه شد (۱۴)

و البته به داوود و سلیمان علوم مهمی دادیم و آنها گفتند سپاس خدای را که بر عده زیادی از بندگان مومنش برتریمان داد (۱۵)

و سلیمان وارث داوود شد و گفت ای مردم زبان پرندگان به ما آموخته شده و از هر چیزی بما داده شده، البته این همان فضل آشکار است (۱۶) لشکریان سلیمان اعم از جن و انس و پرندگان بر او گرد آمدند، آنگاه بهم پیوستند (۱۷) تا اینکه به بیابان مورچگان رسیدند، مورچه ای گفت ای مورچگان داخل مسکن های خود شوید تا سلیمان و لشکریانش در حالیکه متوجه نیستند لِه تان نکنند (۱۸) پس او از گفته

اش به تبسمی خندیده و گفت پروردگارا روزیم کن که شکر نعمتی را که بمن و پدرم داده ای بجا آورده و عمل صالحی که بپسندی بعمل آورم و از روی رحمتت مرا در زمره بندگان صالحت درآور (۱۹) و جویای پرندگان شد و گفت چه ام شده که هدهد را نمی بینم یا اینکه از غایبان است؟ (۲۰) او را به شدت عذاب خواهم کرد یا ذبحش خواهم نمود، مگر اینکه برایم دلیلی آشکار بیاورد (۲۱) چیزی نگذشت که هدهد آمد و گفت چیزی فهمیدم که تو متوجه نشدی و از سباء خبری یقینی برایت آورده ام (۲۲) دیدم زنی پادشاهشان است و از همه چیز به او داده شده و تخت بزرگی داشت (۲۳) دیدم او و قومش آفتاب را بجای خدا سجده می کنند و شیطان اعمالشان را برایشان آراست و آنها را از راه راست بازداشت و آنها هدایت یافته نیستند (۲۴) مگر اینکه برای خداوندی سجده کنند که هر نهانی را در آسمانها و زمین بیرون می آورد و آنچه را که پنهان میکنید یا آشکار میکنید میداند (۲۵) همان خداوندی که خدائی جز او نیست، که پروردگار آن عرش عظیم است (۲۶)

گفت بزودی می فهمیم که راست میگویی یا از دروغگویانی (۲۷) با این نامه ام برو و آنرا بسویشان بیانداز سپس از آنها دور شو و بنگر چه میکنند (۲۸) آن زن گفت ای بزرگان! نامه ای گرامی بسویم افتاده است (۲۹) که از سلیمان و بنام خداوند بخشنده مهربان است (۳۰) که بر من بزرگی مکنید و تسلیمم شوید (۳۱) آنگاه گفت ای بزرگان نظرتان را درباره این موضوع بگوئید، که من هیچ کاری را به تصمیم نرسانده ام مگر اینکه شما شاهد بوده اید (۳۲) گفتند ما نیرومندیم و نیرویمان هم سخت است و فرمان دادن کار تواست. ببین چه فرمان میدهی (۳۳) گفت پادشاهان وقتی که داخل شهری میشوند آن را خراب و بزرگانش را ذلیل میکنند و روش شان چنین است (۳۴) و من هدیه ای بسویشان میفرستم و بررسی می کنم که فرستادگان با چه پاسخی برمیگردند (۳۵) پس هنگامیکه هدیه نزد سلیمان آمد گفت آیا بمن کمک مالی میدهید؟ آنچه خداوند بمن داده از آنچه به شما داده بهتر است. بلکه شما از هدیه خودتان دلخوشید (۳۶) و به آن فرستاده گفت برگرد بسویشان. پس البته با سپاهیانی بسویشان خواهیم آمد که خارج از تحملشان باشد و حتماً آنها را ذلیلانه از آن شهر

اخراج خواهم کرد در حالیکه سرافکنده باشند (۳۷) آنگاه سلیمان رو به درباریان خویش گفت ای بزرگان! کدامتان تخت او را برایم می آورید قبل از اینکه بحالت تسلیم نزد من آیند؟ (۳۸) عفریتی از جن گفت قبل از اینکه از جایگاهت بلند شوی آن را برایت می آورم و من بر این کار قوی و امین هستم (۳۹) کسی که علمی از آن کتاب نزدش بود گفت آن را قبل از اینکه پلک بر هم بزنی نزدت می آورم. پس چون آن را نزد خویش مستقر یافت گفت این از فضل پروردگارم است تا امتحانم کند که آیا شکر میگذارم یا کفران میکنم وکسی که شکر کند بنفع خویش کرده و کسی که کفران کند البته پروردگارم بی نیاز ارجمند است (۴۰) گفت تختش را برای او ناشناس کنید ببینیم آیا پی میبرد یا اینکه از کسانی خواهد بود که هدایت نمیشوند (۴۱) وقتیکه آن زن آمد به او گفته شد آیا تخت تو اینطور است؟ گفت چنین بنظر میاید که خودش است و قبل از این هم علم یافته و تسلیم بودیم (۴۲) و آنچه که بجای خدا پرستش میکردند مانعش شده بود، زیرا او از قومی از کافران بود (۴۳) به او گفته شد به حیاط قصر داخل شو. پس چون آن را دید پنداشت آبگیر است و ساقهای خویش را برهنه کرد. سلیمان گفت این قصری است از بلور صاف. آن زن که دید پادشاهیِ سلیمان از نوعِ پادشاهیِ پادشاهان نیست گفت پروردگارا من به خویش ظلم کرده ام و اینک همراه سلیمان تسلیمِ دینِ خداوندِ پروردگار جهانیان میباشم (۴۴)

و البته بسوی قوم ثمود برادرشان صالح را فرستادیم که خداوند را عبادت کنید و آنوقت آنها دو گروه شدند که با یکدیگر در جدال بودند (۴۵) صالح میگفت گفت ای قوم چرا با عجله بدی را قبل از خوبی میخواهید؟ چرا از خداوند آمرزش نمیخواهید شاید مورد لطف واقع شوید؟ (۴۶) گفتند تو و همراهانت را به فال بد گرفته ایم. گفت فال بد شما که در حقیقت عملی است خرافی و بی اساس و باطل، نزد خدا ثبت و ضبط میشود، بلکه شما به فتنه افتاده اید (۴۷) در آن شهر نُه قبیله بودند که به فساد می پرداختند و اهل اصلاح نبودند (۴۸) و چنین به تصمیم رسیدند که گفتند به نام خدا همقسم شویم که شبانه بر او و اهل او شبیخون ببریم سپس به خونخواهانش بگوئیم ما در کشتار خانواده اش حاضر و ناظر نبودیم و باور کنید که راست می گوییم (۴۹) و مکری

زدند و ما هم ضدّ مکری کردیم و متوجه نبودند (۵۰) بنگر عاقبت مکر آنها چه بود که ما آنها و قومشان را یکجا نابود کردیم (۵۱) این است خانه هایشان که بسبب ظلمی که کردند خالی مانده. که البته در این نشانه ای برای مردمی دانا است (۵۲) و اهل ایمان و تقوا را نیز نجات دادیم (۵۳)

و در داستان لوط نیز تفکر کنید که هنگامی به قوم خویش گفت آیا آگاهانه به کار زشت رو می کنید؟ (۵۴) آیا به مردان بجای زنان به شهوت روی می آورید؟ بلکه مردمی جهالت پیشه اید (۵۵) جواب قوم او جز این نبود که پیروان لوط را که اهل پاکیزه جوئی هستند از شهرتان بیرون کنید (۵۶) پس او و اهلش را نجات دادیم مگر زنش را که جزء بازماندگان رقم خورده بود (۵۷) و باران خاصی بر آنها باراندیم و باران هشدار یافتگان چه بد بود (۵۸)

ای پیامبر! بگو سپاس خدای را و سلام بر آن بندگانش که برگزیده. و به مردم بگو آیا خداوند بهتر است یا آنچه با او شریک میگیرند؟ (۵۹)
یا کیست که آسمانها و زمین را آفریده و از آسمان برایتان آبی فرستاده که بوسیله آن باغهای خرم می روید؟ که رویشِ درختهایش کار شما نیست، آیا خدائی با اوست؟ بلکه آنها که چنین میگویند مردمی منحرفند (۶۰)
یا کیست که زمین را قرارگاه نموده و در خلال آن نهرها قرار داده و برای آن لنگرها گذاشته و بین آن دو دریا حائلی قرار داده؟ آیا خدائی با اوست؟ بلکه اکثر کسانی که چنین میگویند علمی ندارند (۶۱)
یا کیست که به فریاد بیچاره میرسد و بدی را برطرف میکند؟ وشما را جانشینان زمین میکند؟ آیا خدائی با اوست؟ چه کم پند می پذیرند (۶۲)
یا کیست که شما را در تاریکی های زمین و دریا هدایت می کند؟ یا چه کسی بادها را پیشاپیشِ مژده بارانِ رحمتش می فرستد؟ آیا خدائی با اوست؟ خداوند بالاتر است از آنچه با او شریک میگیرند (۶۳)
یا کیست که آفرینش را شروع و سپس اعاده میکند؟ و چه کسی شما را از آسمان و

زمین روزی میدهد؟ آیا خدائی با اوست؟ بگو دلیل خویش بیاورید اگر راست میگوئید (۶۴)

بگو در آسمانها و زمین هیچکس جز خدا غیب نمیداند. و نمیدانند چه هنگام برانگیخته خواهند شد (۶۵)

بلکه علمشان به آخرت تا اینجا رسیده که درباره آن در شک هستند، بلکه اصلا درباره آن نابینایند (۶۶) و کافران میگویند آیا هنگامی که ما و پدرانمان خاک شدیم آیا بیرون می آئیم؟ (۶۷) و میگویند قبلا هم این وعده ها به ما و پدرانمان داده شده. این چیزی جز افسانه های پیشینیان نیست (۶۸) بگو در زمین بگردید و ببینید عاقبت مجرمان چگونه بوده است (۶۹)

ای پیامبر! بر آنها اندوهگین مشو و از آنچه نقشه می کشند تنگدل مباش (۷۰)

و میگویند این وعده ای که میدهید کی خواهد بود اگر راست میگویید؟ (۷۱) بگو چه بسا که بعضی از آنچه که به عجله میخواهیدش هم اکنون ردیف شده باشد (۷۲) و البته پروردگارت نسبت به مردم صاحبِ فضل و کرم است ولیکن اکثرشان سپاس نمی گزارند (۷۳) و البته پروردگارت آنچه را که در دلهاشان پنهان میکنند و آنچه را که آشکار می کنند میداند (۷۴) و هیچ نهفته ای در آسمانها و زمین نیست مگر اینکه درکتابی آشکار هست (۷۵) و این قرآن برای بنی اسرائیل اکثر چیزهائی را که درباره اش اختلاف دارند بیان میکند (۷۶) و نیز هدایت و رحمتی برای مومنان هم هست (۷۷) و البته پروردگارت بین آنها به حق حکم میکند و همو پیروزمند داناست (۷۸)

پس ای پیامبر! بر خدا توکل کن زیرا که بر حقی آشکار هستی (۷۹)
و تو به مردگان نتوانی چیزی بشنوانی، و نیزبه کران، وقتی که روی برگردانده و پشت می کنند (۸۰)

و نیز تو هدایت کننده کور از گمراهیش نیستی، جز این نیست که تو فقط به کسی که به آیاتمان ایمان دارد و تسلیم حق است می شنوانی (۸۱)

و هنگامی که آن قولی که راجع به قیامت داده ایم بر آنها فرود آید جنبنده ای از زمین برایشان بیرون می آوریم که با آنان گفتگو کند که مردم به آیاتمان یقین نمیدارند (۸۲)

و روزی که فوجی از هرامتی که آیاتمان را تکذیب میکردند گَرد بیاوریم که بهم بپیوندند (۸۳) تا اینکه همگی گَرد آیند. در آن هنگام خطاب خواهند شد که آیا آیات الهی را تکذیب میکردید؟ در حالیکه علمی به آن نداشتید؟ چه کاری بود که میکردید؟ (۸۴) و آن قول بر آنها بسبب ظلمی که میکردند فرود آید و سخنی نگویند (۸۵)

آیا نمی بینند که شب را برای آرامش و روز را برای دیدن قرار داده ایم؟ البته دراین برای مردمِ صاحب ایمان آیت هاست (۸۶)

و روزی که در آن شیپور دمیده شود، پس تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند به فریاد می افتند. مگر آنهائی که خداوند بخواهد و همگی با افتادگی بسوی او می آیند (۸۷) و کوه ها را می بینی و می پنداری جامدند درحالیکه مانند ابرها درحرکت خواهند بود. آفرینش خداوند است که هر چیز را به کمال آورده که او به آنچه میکنید آگاه است (۸۸) هر کس کار نیکی بیاورد پاداشی بهتر از آن خواهد داشت، و آنها از ناراحتی آنروز ایمن اند (۸۹) و کسی که کار زشتی بیاورد بر صورتش به آتش افکنده میشود و به آنها گفته میشود آیا این جزکیفر عملی است که انجام میدادید؟ (۹۰)

ای پیامبر! بگو جز این نیست که مأمورم پروردگارِ این شهر مکه را که آنرا حرمت داده عبادت کنم و همه چیز از آن اوست و مأمورم از مسلمین باشم (۹۱) و نیز اینکه قرآن را تلاوت کنم، پس هر کس که هدایت خواست بنفع خودش است و کسی که گمراه

شد جز این نیست که من از هشدار دهندگانم (۹۲) بگو ستایش از آن خداوند است. بزودی آیاتش را به شما نشان میدهد و می شناسیدش و پروردگارت از رفتارتان غافل نیست (۹۳)

سوره مریم

بسم الله الرحمن الرحیم

کهیعص (۱)

ای پیامبر! این یاد آوری رحمت پروردگارت به بنده اش زکریا است (۲)

هنگامی که با صدائی آهسته پروردگارش را ندا داد (۳) و گفت پروردگارا استخوانهایم سستی گرفته و سرم از پیری گویی شعله دار شده و من، ای پروردگار از دعا بدرگاهت بی بهره نبوده ام (۴) و از بابت بازماندگانم بیم دارم و زنم نازا است. پس، از جانب خویش وارثی عطایم کن (۵) که از من و از آل یعقوب ارث ببرد و پروردگارا او را پسندیده گردان (۶) به او ندا شد ای زکریا! به پسری مژده ات میدهیم که اسمش یحیی است و قبلاً همنامی برایش قرار نداده ایم (۷) گفت پروردگارا چگونه ممکن است پسری داشته باشم در حالیکه زنم نازا است و خودم از سالمندی به فرتوتی رسیده ام (۸) جواب شنید: که گرچه همینطور است اما چنین گفت پروردگارت که آن برایم آسان است و خودت را نیز قبلا آفریده ام و چیزی نبوده ای (۹) گفت پروردگارا برایم نشانه ای قرار ده. گفت نشانه ات این است که سه شب و دو روز با مردم سخن نتوانی گفت (۱۰) پس، از محراب بسوی قوم خویش بیرون شد و به آنها اشاره کرد که صبح و شام تسبیح گویید (۱۱) یحیی متولد شد و پس از چندی به او ندا دادیم ای یحیی! مفاهیم آن کتاب آسمانی را به قوت بگیر! و آن حکم پیامبری را در کودکی به او دادیم (۱۲) و از جانب خویش به او رحمت آوردیم و رشدش دادیم و تقوادار بود (۱۳) و

نسبت به والدین خویش نیز نیکوکار بود و زورگوی نافرمان نبود (۱۴) و سلام بر او باد در روزی که متولد شد و روزی که میمیرد و روزی که زنده برانگیخته خواهد شد (۱۵)

ای پیامبر! در آن کتاب آسمانی که نزدت هست، مریم را یاد کن، وقتی که از کسان خود در گوشه ای روشن کناره گرفت (۱۶) و بین خود و آنان پرده ای آویخت تا به عبادت مشغول باشد. پس روح خویش را بسویش فرستادیم که بصورتِ انسانی معتدل بر او ظاهر گشت (۱۷) مریم به او گفت از تو به خدای رحمان پناه میبرم با وجود اینکه شخص با تقوائی به نظر میرسی (۱۸) گفت جز این نیست که فرستاده پروردگارت هستم تا پسری پاک به تو ببخشم (۱۹) گفت چگونه ممکن است پسری داشته باشم در حالیکه بشری مرا لمس نکرده و بدکاره هم نبوده ام؟ (۲۰) گفت پروردگارت گفته که این کار برایم آسان است و اینکه میخواهم او را آیتی برای مردم و رحمتی از جانب خویش قرار دهم و این امریست که مقرر شده (۲۱) پس مریم بر او حامله شد و با او در مکانی دوردست جای گرفت (۲۲) و درد زایمان او را بسوی تنه یک نخل برد و گفت کاش پیش از این مرده و از یاد رفته و کاملاً فراموش شده بودم (۲۳) در این حال فرزندش او را از طرف پائین دستش صدا کرد که ناراحت نباش که پروردگارت در زیر پایت نهری قرار داده (۲۴) و آن تنه نخل را بسوی خویش تکان ده تا خرمای تازه برایت فرو افتد (۲۵) و بخور و بیاشام و چشمت روشن باشد و اگر کسی را دیدی به اشاره به او بگو برای خداوندِ رحمان روزه ای نذر کرده ام و امروز با هیچکس سخن نمیگویم (۲۶) پس او را با خود بسوی قوم خویش برد. گفتند ای مریم البته که چیزی عجیب آورده ای (۲۷) ای خواهر هارون نه پدرت آدم بدی بود و نه مادرت بدکاره بود (۲۸) پس مریم به فرزندش اشاره کرد. گفتند چگونه با کودکی که درگهواره است سخن بگوئیم؟ (۲۹) آن کودک به سخن در آمد و گفت من بنده خدا هستم. بمن کتاب داده و مرا پیغمبر قرار داده است (۳۰) و مرا در هر جا که باشم پربرکت قرار داده و مادام که زنده باشم به نماز و زکوة فرمانم داده است (۳۱) و نسبت به مادرم نیکوکار قرارم داده نه اینکه زورگوئی سنگدل باشم (۳۲) و سلام بر من روزی که زاده شدم و روزی که بمیرم و روزی که به زندگی مجدد برانگیخته شوم (۳۳)

ای پیامبر! حقیقتِ عیسی پسر مریم این است. قول حقی است که در باره آن بگومگو می کنند (۳۴) خدا را نمیرسد که فرزندی بگیرد. منزه است از آن. وقتی که امری را اراده کند جز این نیست که به آن میگوید باش پس میشود (۳۵)

و عیسی میگفت البته خداوند پروردگار من و شماست، پس او را عبادت کنید که راه مستقیم همین است (۳۶) آنگاه گروه ها بین خویش اختلاف کردند، پس وای بر کافران از حضور در روزی بزرگ (۳۷)

ای پیامبر! به آنها بشنوان و بنما روزی را که بسوی ما می آیند لیکن ظالمان در آن روز در گمراهیی آشکارند (۳۸) و آنها را راجع به روز حسرت هشدار ده. تا مبادا وقتی که کار از کار بگذرد و آنها هنوز در غفلتی بوده و ایمان هم نداشته باشند (۳۹) ما خودمان زمین و تمام کسانی را که روی آن هستند به ارث میبریم و آنها بسوی ما باز میگردند (۴۰)

ای پیامبر! در آن کتاب آسمانی که در دسترست هست، ابراهیم را یاد کن که پیامبری صدیق بود (۴۱) هنگامی که به پدرش گفت پدر جان چرا چیزی را می پرستی که نه می شنود و نه می بیند و نه میتواند هیچ کاری را برایت چاره کند (۴۲) پدر جان البته چیزی از آن علمِ حق بسوی من آمده که بسوی تو نیامده پس مرا پیروی کن که به راهی کاملا صحیح هدایتت کنم (۴۳) پدر جان شیطان را پیروی مکن که شیطان نسبت به خداوند رحمان سرکش است (۴۴) پدر جان میترسم عذابی از جانب خدای رحمان بتو برسد که در نتیجه آن دوستدار شیطان شوی (۴۵) گفت ای ابراهیم آیا از خدایان من رومیگردانی؟ اگر بس نکنی حتماً سنگسارت میکنم و مدتی طولانی از من دور شو (۴۶) گفت سلام بر تو. بزودی از پروردگارم برایت آمرزش خواهم خواست زیرا

که او بمن مهربان است (۴۷) و از شما و آنچه غیر از خداوند میخوانید دوری میگزینم و پروردگار خودم را میخوانم و امیدوارم در خواندن پروردگارم بی بهره نباشم (۴۸)

و چون از آنها و آنچه که غیر خداوند میخواندند کناره گرفت به او اسحق و یعقوب را عطا کردیم و همگی را پیامبر نمودیم (۴۹) و از رحمت خویش به آنها دادیم و برای آن ها ذکر خیر بلند آوازه ای قرار دادیم (۵۰)

و در آن کتاب موسی را یاد کن که او خالص شده، و فرستاده ای پیامبر بود (۵۱) و او را از جانب راست کوه طور صدا زدیم و به رازگوئی با خودمان تقربش دادیم (۵۲) و از رحمت خویش برادرش هارون را به او به معاونت دادیم که او نیز پیامبری بود (۵۳)

و در آن کتاب اسمعیل را یاد کن که او درست وعده و پیامبری فرستاده بود (۵۴) و کسان خود را به نماز و زکوة امر میکرد و نزد پروردگارش پسندیده بود (۵۵)

و در آن کتاب ادریس را یاد کن که صدیقی پیامبر بود (۵۶) و او را بلند مرتبه گرداندیم (۵۷)

آنها کسانی بودند که خداوند از میان پیامبران، از فرزندان آدم، و از کسانی که همراه نوح حمل کردیم، و از فرزندان ابراهیم، و یعقوب، و از کسانی که هدایت کردیم و برگزیدیم، نعمتشان داده بود و وقتیکه آیات خداوند رحمان بر آنها خوانده میشد گریه کنان به سجده می افتادند (۵۸)

ای پیامبر! پس از آن پیامبران کسانی جایگزین آنها شدند که نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی نمودند و بزودی دچار گمراهی خود ساخته میشوند (۵۹) مگر آنانکه توبه نموده و ایمان آورده و عمل صالح کنند که آنان داخل بهشت شده و هیچ ظلمی نمی بینند (۶۰)

بهشتهای جاودان که خدای رحمان از غیب به بندگانش وعده داده، و البته وعده اش حتماً عمل خواهد شد (۶۱) بهشت هایی که در آن سخن بیهوده ای نمی شنوند مگر سلامی و در آن رزقشان را صبحگاهان و شبانگاهان خواهند داشت (۶۲) این بهشتی است که به بندگانمان به ارث میدهیم، به کسانی که تقوادار باشند (۶۳)

سخن فرشتگان هم که مشرکان مدعی الوهیت برخی از آنها هستند این است که ما فرشتگان جز به امر پروردگار نازل نمیشویم. آینده و گذشته ما و هر چه بین آنهاست از اوست و پروردگار فراموشکار نیست (۶۴) همان پروردگار آسمانها و زمین و آنچه که بین آنها است،
پس، ای پیامبر! همو را عبادت کن و بر عبادتش پایداری ورز . آیا برای او همتائی میشناسی؟ (۶۵)

انسان میگوید آیا وقتیکه مُردم بزودی به حالت زنده بیرون خواهم شد؟ (۶۶) آیا انسان توجه ندارد که ما او را قبلا آفریدیم و چیزی نبود؟ (۶۷) پس قسم به پروردگارت که آنها و شیاطین را حتماً گرد آورده و پیرامون جهنم به زانو در خواهیم آورد (۶۸) آنگاه از هر گروهی کسانی را که نسبت به خداوند بیشترین جسارت را داشته اند جدا خواهیم کرد (۶۹) آنگاه خودمان بهتر میدانیم چه کسی به افتادن در آن سزاوارتر است (۷۰)

هیچیک از شما نیست مگر آنکه نزدیک آن خواهد شد که این امر بر پروردگارت قضای حتمی است (۷۱)
سپس تقواداران را نجات میدهیم و ظالمان را به زانو درآورده و در آن وامیگذاریم (۷۲)

هنگامی که آیات روشنگر ما را بر آنان بخوانند، کافران به مومنان میگویند کدام یک از دو گروه جایگاهی بهتر و محفل نیکوتر دارد؟ (۷۳)
و چه فراوان از پیشینیانِ آنها که هلاک کردیم که خوش ساز و برگ تر و با شکوهتر

از این مشرکانِ مخالف تو بودند (۷۴)
بگو هر که در گمراهی باشد خداوند رحمان به او مهلتی میدهد تا اینکه آنچه را به او هشدار میدهد، خواه عذاب دنیوی یا قیامت باشد، ببیند. در آنصورت خواهد دانست کدامشان بد مکان تر و کم نیروترند (۷۵)
و خداوند هدایتِ هدایت یافتگان را زیاد می کند و اعمال صالح ماندگار، نزد پروردگارت بهتر، و نتیجه اش هم نیکوتر است (۷۶)

ای پیامبر! نظرت چیست راجع به کسی که به آیاتمان کفر میورزد و میگوید البته مال و اولاد خواهم یافت؟ (۷۷) آیا برغیب مطلع شده یا از خداوند رحمان تعهدی گرفته است؟ (۷۸) نه! بزودی آنچه را که میگوید مینویسیم و برعذاب او سخت می افزائیم (۷۹) و آنچه را میگوید به ما میرسد و به تنهایی نزد ما میآید (۸۰)

و بجز خدا، خدایانی برگرفتند که مثلا مایه عزتشان شود (۸۱) نه. بزودی همان معبودان نسبت به عبادت آنها منکر خواهند شد و ضد آنها خواهند بود (۸۲)
آیا ندیدی که شیاطین را بر کافران فرستادیم تا از راه بدرشان کنند؟ (۸۳)
پس، ای پیامبر! درباره آنان عجله مکن که حساب کارشان را داریم (۸۴)

روزی که تقواداران را با احترام بسوی خداوند محشور کنیم (۸۵) و مجرمان را بسوی جهنم با تشنگی برانیم (۸۶) شفاعتی هم نخواهند داشت مگر اینکه آن شفیع از خدای رحمان اجازه ای داشته باشد (۸۷)

گفتند خداوند رحمان فرزندی برگرفته (۸۸) حقا چیز بدی پیش آورده اند (۸۹) نزدیک است آسمانها از بدیِ آن قولِ باطل بپاشد و زمین بشکافد و کوهها خرد شده و فرو ریزند (۹۰) از آن رو که برای خداوند رحمان فرزندی ادعا کرده اند (۹۱) و خداوند را سزا نیست که فرزندی برگیرد (۹۲) جز این نیست تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند به بندگی به درگاه خداوند می آیند (۹۳) و البته بر آنها احاطه

داشته و حساب همگی شان را دارد (۹۴) و همه آنها روز قیامت به تنهایی بسوی او خواهند آمد (۹۵) آنانکه ایمان آورده و عمل صالح کنند بزودی خداوند مِهرشان را در دلها جای خواهد داد (۹۶)

ای پیامبر! جز این نیست که ما قرآن را به زبانت آسان کرده ایم که بوسیله آن مومنان را مژده و خیره سران را هشدار دهی (۹۷) و چه بسیار اقوامی را که قبل از آنان هلاک کرده ایم. آیا هیچیک از آنان را می یابی و یا صدائی از آنان میشنوی؟ (۹۸)

سوره یوسف

بسم الله الرحمن الرحیم

الف. ل. ر.
این آیات آن کتاب آشکار است (۱)
ای پیامبر! آنرا خواندنیی به زبان روشن نازل کردیم شاید تعقل کنید (۲) با این قران که به تو وحی کردیم بهترین قصه ها را برایت میگوئیم و گرچه قبل از آن از بی خبران بودی (۳)

ای پیامبر! آن هنگام را به یاد آر که یوسف به پدرش گفت پدر جان در خواب دیدم یازده ستاره و خورشید و ماه مرا سجده میکردند (۴) گفت پسرکم خوابت را برای برادرانت تعریف مکن که حیله بزرگی برایت خواهند کرد زیرا که شیطان دشمن آشکار انسان است (۵) چنین است که پروردگارت تو را برمیگزیند و ازعلمِ معنی کردن خوابها به تو خواهد آموخت و نعمتش را بر تو و بر خاندان یعقوب تمام خواهد کرد چنانکه آنرا قبلا بر پدرانت ابراهیم و اسحق نیز تمام کرده، که پروردگارت دانای فرزانه است (۶) البته درباره یوسف و برادرانش برای پرسشگران آیاتی است (۷)

هنگامی که برادران یوسف در بین خویش میگفتند یوسف و برادرش نزد پدرمان

محبوب ترند در حالیکه ما جوانانی نیرومند و همدست هستیم، البته پدرمان درگمراهیی آشکار است (۸) تا اینکه بالاخره به اجماع رسیدند که: یوسف را بکشید یا در زمینی دور دست بیاندازید تا توجه پدرتان مخصوص شما باشد و پس از آن اشخاصی شایسته شوید (۹) از آن میان یکی گفت یوسف را نکشید بلکه او را در قعر چاهی بیفکنید تا بعضی از کاروانیان او را بیابند، اگر حتماً کننده آن کار هستید (۱۰) با چنین تصمیمی نزد پدرشان آمدند و گفتند پدرجان چه ات هست که ما را در مورد یوسف امین نمیشماری در حالیکه خیر خواهش هستیم؟ (۱۱) فردا با ما بفرستش بگردد و بازی کند و ما بخوبی حفظش خواهیم کرد (۱۲) گفت اگر ببریدش غمگین میشوم و میترسم گرگ بخوردش و شما هم غافل باشید (۱۳) گفتند با وجودیکه جوانانی نیرومند هستیم، اگر گرگ بخوردش که ما زیانکار خواهیم بود (۱۴) بالاخره پدرشان تسلیم شد و یوسف را به آنان واگذاشت و آنگاه که بردندش و نظرشان را یکی کرده بودند که در قعر چاهی قرارش دهند به یوسف وحی کردیم که نگران مباش و حتماً روزی خبر این کارشان را به آنان خواهی داد و البته آنها اینک که دارند چنین میکنند شعورشان به جا نیست (۱۵) آنها بالاخره کارشان را کردند و شب هنگام نزد پدرشان آمدند و گریه میکردند (۱۶) گفتند پدر جان رفتیم و مشغول مسابقه شدیم و یوسف را نزد چیزهایمان گذاشته بودیم که گرگ خوردش و البته تو که باور نمی کنی حتی اگر هم راست بگوییم (۱۷) و پیراهنش را با خونی دروغین آوردند. گفت نه بلکه نفس تان کاری را برایتان آراست، و صبر زیباست، و از خداوند باید در مورد آنچه که وصف می کنید یاری خواست (۱۸)

و کاروانی آمد و آبیارشان را فرستادند و او دلوش را انداخت گفت مژدگانی ام دهید که این پسرکی است و کاروانیان او را بطور پنهانی مایه منفعتی قرار دادند و خداوند به کارشان دانا بود (۱۹) و او را به بهائی ناچیز فروختند و درباره اش بی رغبت بودند (۲۰) و کسی که در مصر او را خرید به زنش گفت جایگاهش را گرامی دار، چه بسا فایده ای برایمان داشته باشد یا اینکه او را به فرزندی بگیریم، و چنین بود که یوسف را در آن سرزمین جای دادیم و از علمِ معنی کردن خوابها به او آموختیم و خداوند به

کارش مسلط است ولی اکثر مردم نمیدانند (۲۱) و هنگامی که به رشد خویش رسید به او حکم و علم دادیم و نیکوکاران را چنین پاداش میدهیم (۲۲)

و آن زن که او در خانه اش بود به نزدش رفت و آمد میکرد و او را میخواست تا اینکه درب ها را قفل کرد و گفت معطل چه هستی؟ یوسف گفت پناه بر خدا که پروردگار من است. اوست که جایگاهم را نیکو کرده، البته او کار ظالمان را درست در نمی آورد (۲۳) و آن زن آهنگ او کرد و او هم اگر دلایل پروردگارش راندیده بود آهنگ او میکرد. چنین بود که بدی و اعمال زشت را از او دور کردیم که او از بندگان خالص ما بود (۲۴) و هر دو به طرف درب دویدند و آن زن پیراهنش را از پشت درید و شوهر آن زن را دم دریافتند. زن گفت سزای کسی که به اهل خانه ات خیال بد داشته باشد چیست مگر اینکه زندانی شود یا اینکه عذابی دردناک داشته باشد؟ (۲۵) یوسف گفت او دوروبر من رفت و آمد میکرد و مرا میخواست. و شاهدی از نزدیکان آن زن گواهی داد که اگر پیراهنش از جلو پاره شده باشد زن راست میگوید و او دروغگوست (۲۶) و اگر پیراهنش از پشت پاره شده باشد زن دروغ میگوید و او از راستگویان است (۲۷) و چون شوهر آن زن دید که پیراهنش از پشت پاره شده، گفت این از حیله شما زنهاست که حیله تان بزرگ است (۲۸) ای یوسف از این موضوع در گذر. و ای زن تو نیز آمرزش بخواه زیرا که خودت از خطا کاران بودی (۲۹) و زنانی در آن شهر که این موضوع را شنیده بودند گفتند زن آن مقام عالیمرتبه نزد جوانِ برده خویش رفت و آمد میکند و او را میخواهد حتما دوستی او فریفته اش کرده و ما او را در گمراهیی آشکار می بینیم (۳۰) هنگامیکه آن زن توطئه شان را شنید بسوی آنها فرستاد و برای آنها بالش و پشتی فراهم کرد و بدست هر یک از آنها کاردی داد وبه یوسف گفت بر آنان بیرون درآی. اما هنگامیکه آنها او را دیدند بزرگش داشتند و از میوه ها دست کشیدند و گفتند: خداوندا! این بشر نیست. این چیزی جز فرشته ای بزرگوار نیست! (۳۱) آن زن گفت این همان است که مرا برایش ملامت میکردید و من او را خواستم اما او خودداری کرد و اگر آنچه را فرمان میدهم نکند حتما زندانی خواهد شد و از سرافکندگان خواهد گردید (۳۲) یوسف گفت پروردگارا ! زندان نزد من خوشتر است از آنچه مرا به آن

میخوانند و اگر توطئه شان را از من نگردانی به آنان متمایل میشوم و از جاهلان میگردم (۳۳) و پروردگارش اجابتش کرد و توطئه آنها را از او دور نمود که همو شنوای داناست (۳۴) سپس؛ پس از اینکه نشانه هائی از رفتارهای او که مغایر عادات آن شهر بود از او دیدند، نظرشان عوض شد و تصمیم گرفتند تا مدتی زندانیش کنند (۳۵)

و همراه با او دو جوان هم در زندان داخل شدند. یکی از آنان گفت خود را به خواب می بینم که شراب میسازم و دیگری گفت خود را درخواب می بینم که بر سر خویش نان حمل میکنم که پرندگان از آن میخورند معنی آن را بما بگو که ما تو را از نیکوکاران می بینیم (۳۶) گفت غذایی که روزیتان است برایتان نمی آید مگر آنکه قبل از آن معنی آنرا به شما گفته باشم. این از چیزهائی است که پروردگارم به من آموخته زیرا که من دین قومی را که به خداوند ایمان ندارند و به آخرت نیز کافرند ترک کرده ام (۳۷) و پیرو دین پدرانم ابراهیم و اسحق و یعقوب شده ام. ما را نمیرسد که با خداوند چیزی را شریک کنیم. این از فضل خداوند بر ما و بر مردم است ولیکن اکثر مردم شکر نمی گزارند (۳۸) ای دو یار زندانیم، آیا پروردگارانِ متفرق بهتر است یا خداوندِ تکِ قدرتمند؟ (۳۹) شما در دین خویش چیزی را عبادت نمی کنید مگر نامهائی را که خودتان و پدرانتان نامگذاری کرده اید که خداوند دلیلی برای آن نامگذاریهای شما نفرستاده. هیچ حکمی درست نیست مگر اینکه از جانب خداوند باشد. فرمان داده که جز او را نپرستیم. این آن دینِ پایدار است ولیکن اکثر مردم نمیدانند (۴۰) ای دو یار زندانیم، یکی از شما ساقی شراب اربابش خواهد شد و دیگری به دار کشیده میشود و پرندگان از سرش خواهند خورد. قضای چیزی که راجع به آن از من نظر خواستید رانده شده و حتمی است (۴۱) و به آنکه گمان میکرد نجات خواهد یافت گفت مرا نزد اربابت یاد کن اما شیطان او را به فراموشی انداخت که نزد اربابش یادش کند پس چند سالی در زندان ماند (۴۲)

پس از آن سالها، روزی پادشاه گفت من در خواب می بینم که هفت گاو چاق را هفت گاو لاغر میخورند و نیز هفت خوشه سبز و هفت خوشه خشک می بینم. ای بزرگان!

خوابم را معنی کنید اگر تعبیر خواب بلدید (۴۳) گفتند خواب تو مخلوطی از چیزهای پراکنده و چیزهای خوشایند است و علمِ تعبیر چیزهای خوشایند را نداریم (۴۴) و یکی از آن دو نفر که نجات یافته بود ناگهان پس از آن مدت یوسف به یادش آمد و و گفت من خبر معنی آنرا به شما میدهم، مرا نزد یوسف بفرستید (۴۵) ای یوسف! ای بسیار راستگو! برایمان هفت گاو چاقی را که هفت گاو لاغر میخورندشان و هفت خوشه سبز و خوشه های خشک دیگر را معنی کن. تا بسوی آن مردم برگردم و تا آنان بدانند (۴۶) گفت هفت سال پشت سر هم بکارید و آنچه را که درو کرده اید در همان خوشه اش واگذارید مگر اندکی را که میخورید (۴۷) آنگاه پس از آن، هفت سالِ سخت می آید که آنچه را که برای آن سال ها از پیش قرار داده اید میخورید مگر اندکی را که محفوظ میدارید (۴۸) آنگاه پس از آن، سالی می آید که مردم فریادرسی میشوند و فراوانی میشود و در آن زمان مردم در حال رفاه شیره میوه ها و روغن میگیرند (۴۹) و پادشاه گفت او را نزد من بیاورید. و هنگامی که آن فرستاده نزدش آمد گفت بسوی اربابت برگرد و از او بپرس قضیه زنانی که دستهایشان را پس از دیدن من از کاری که به آن مشغول بودند بازداشته بودند چه بوده که پروردگارم نسبت به توطئه آنها داناست (۵۰) پادشاه زنان را احضار کرد و گفت موضوع شما هنگامی که دور و بر یوسف میگشتید و او را می خواستید چه بوده؟ گفتند: خدا منزه است. ما هیچ چیز بدی علیه او سراغ نداریم. زن آن مقام عالیمرتبه گفت اینک حق جلوه گر شد. من بودم که دُور و بَر او می گشتم و او را می خواستم و او از راستگویان است (۵۱) یوسف پس از معلوم شدن حقیقت گفت این برای آن است که شوهر آن زن بداند که مخفیانه خیانتی نکردم و خداوند توطئه خائنان را پیش نمی برد (۵۲) و البته خویش را تبرئه نمی کنم، زیرا که نفس به بدی فرمان میدهد، مگر که خداوند رحم کند و از بدی باز دارد که پروردگارم آمرزگار مهربان است (۵۳)

و پادشاه گفت او را نزد من بیاورید تا او را مخصوص خویش کنم، پس هنگامکیه با او گفتگو کرد، گفت تو امروز نزد ما صاحب اختیار و امینی (۵۴) گفت مرا مسئول انبارهای زمین قرارده که نگهبانی دانا هستم (۵۵) و چنین بود که یوسف را در زمین

اختیار دادیم که هر جا که میخواست قرارمیگرفت. رحمت خویش را به هر کس بخواهیم میرسانیم و پاداش نیکوکاران را از بین نمی بریم (۵۶) و پاداش آخرت برای کسانی که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده باشند بهتر است (۵۷) پس از مدتی آن خشکسالی طولانی سر رسید و برادران یوسف آمدند و بر او وارد شدند و او آنها را شناخت و آنها او را نشناختند (۵۸) و وقتی که آنها را با بارهایشان تجهیز کرد گفت آن برادرتان را از نزد پدرتان به نزدم بیاورید. آیا نمی بینید که پیمانه را کامل میدهم و بهترین میزبانم؟ (۵۹) اگر او را برایم نیاورید پیمانه ای نزدم نخواهید داشت و نزدیکم نخواهید شد (۶۰) گفتند بزودی او را از پدرمان خواهیم ستاند و ما کننده این کاریم (۶۱) یوسف به جوانان زیر دستِ خویش گفت کالاهایی را که برای خرید آذوقه با خویش آورده بودند در بارهایشان بگذارید شاید وقتی به سوی خانواده شان برگردند بشناسندش و شاید بازگردند (۶۲) و هنگامیکه بسوی پدرشان بازگشتند گفتند پدر جان پیمانه را از ما دریغ داشتند پس برادرمان را با ما بفرست تا پیمانه بگیریم و ما نگهدارش خواهیم بود (۶۳) گفت آیا درباره او به شما اعتماد کنم؟ همانطور که نسبت به برادرش اعتماد کردم؟ البته خداوند بهترین نگهداراست و همو مهربان ترینِ مهربانان است (۶۴) و هنگامیکه کالایشان را گشودند و دیدند سرمایه شان بسویشان برگشته، گفتند پدر جان چه میخواهیم؟ این سرمایه مان است که بسوی ما برگشته و خانواده مان را غذا میدهیم و برادرمان را هم حفظ می کنیم و پیمانه بزرگتری هم دریافت خواهیم کرد. این پیمانه کوچک است (۶۵) گفت هرگز او را با شما نخواهم فرستاد مگر اینکه وثیقه ای خدائی به من بدهید که او را باز خواهید گرداند مگر اینکه مطلب از احاطه شما خارج باشد. پس وقتی که وثیقه شان را دادند گفت خداوند بر آنچه میگوییم نگهبان است (۶۶) و گفت ای پسرانم از یک درب وارد نشوید بلکه از درهای مختلف وارد شوید و من نمیتوانم درباره خدا مشکلی از شما چاره کنم. جز این نیست که حکم جز از ناحیه خداوند نیست. بر او توکل میکنم و هر توکل کننده ای نیز باید بر او توکل کند (۶۷) و هنگامیکه آنطور که پدرشان گفته بود داخل شدند، که البته مشکلی را از آنها در مقابل خداوند چاره نمیکرد مگر اینکه حاجتی را در دل یعقوب برمی آورد، و البته یعقوب با علومی آشنا بود و بر مبنای آن، آن توصیه را به فرزندان

خویش کرده بود، زیرا که او از برخی از علومی که ما تعلیمش داده بودیم برخوردار بود، ولیکن اکثر مردم نمیدانند (۶۸)

و هنگامیکه بر یوسف داخل شدند، برادرش را نزد خویش جای داد و گفت من برادرت هستم پس درباره آنچه می بینی ناراحت نشو (۶۹) و هنگامیکه یوسف دستور داد آنها را با کالاهایشان تجهیز کنند جام شاه را در بار برادرش قرار داد سپس اعلام کننده ای فریاد زد که ای کاروانیان شما دزد هستید (۷۰) آنها برگشتند و به ماموران گفتند دنبال چه میگردید (۷۱) گفتند جام پادشاه را جستجو می کنیم و هر کس که آنرا بیاورد بار شتری خواهد داشت و ما ضامن آنیم (۷۲) گفتند بخدا میدانید که ما برای فساد در زمین نیامده ایم و ما سارق نیستیم (۷۳) گفتند اگر دروغ گفته باشید سزایش چیست (۷۴) گفتند سزایش این است که هر کس که آن دربارش پیدا شد خودش سزایش است. ما ظالمان را چنین مجازات میکنیم (۷۵) پس در ابتدا بار آنها را گشتند سپس بارهای برادر یوسف را و آن را از بار او بیرون کشیدند. چنین به یوسف راه نشان دادیم. او را نمیرسید که برادرش را طبق قانون پادشاه بگیرد مگر اینکه خدا بخواهد. درجه هر کس را که بخواهیم بالا میبریم و بالاتر از هر دانائی داناتری هست (۷۶) سایر برادران یوسف که خیلی ناراحت بودند گفتند اگر اودزدیده، تعجبی ندارد زیرا برادری داشته که اوهم میدزدیده. پس یوسف این را در دل خویش پنهان داشت و به رویشان نیاورد و گفت بلکه شما بدترید و خداوند نسبت به آنچه میگوئید داناتر است (۷۷) گفتند ای بزرگوار! او پدر پیری دارد. یکی از ما را جای او بگیر که ما تو را از نیکوکاران می بینیم (۷۸) گفت پناه بر خدا که ما کسی را غیر از آنکه متاع خویش را نزدش یافته ایم بازداشت کنیم که در آنصورت از ظالمان خواهیم بود (۷۹) پس هنگامیکه مأیوس شدند با هم خلوت کردند و راز میگفتند و بزرگترینشان گفت آیا نمیدانید که پدرتان از شما وثیقه ای خدائی گرفته و قبلا هم درباره یوسف چه تفریطی کردید؟ من از این سرزمین خارج نخواهم شد مگر اینکه پدرم اجازه ام دهد یا خدا درباره ام حکم کند و همو بهترین حاکمان است (۸۰) سوی پدرتان باز گردید و بگویید پدرجان! پسرت سرقت کرده و ما جز به آنچه میدانستیم گواهی ندادیم و از غیب نیز آگاه

نیستیم (۸۱) از آن شهری که در آن بودیم تحقیق کن و نیز از کاروانی که با آنان آمدیم و ما راست میگوئیم (۸۲) گفت بله، نفس تان برایتان چیزی را آراسته. و صبر زیباست. چه بسا که خداوند همگی آنها را بسویم بیاورد که او خودش دانای پر حکمت است (۸۳) و از آنها روی گرداند و گفت ای افسوس بر یوسف و از شدت اندوه چشمهایش نابینا شد و خشم خود را فرو میخورد (۸۴) گفتند بخدا آنقدر یاد یوسف می کنی که سخت بیمار شوی یا به هلاکت بیفتی (۸۵) گفت جز این نیست که شکایت غم و اندوه خویش را فقط به خدا می برم و از خدا چیزی میدانم که شما نمیدانید (۸۶) ای فرزندانم بروید و یوسف و برادرش را جستجو کنید و از لطف خدا مأیوس نباشید که جز کافران از لطف او مأیوس نمیشوند (۸۷)

پس هنگامیکه آنان دگرباره بر یوسف داخل شدند، گفتند ای بزرگوار به ما و خانواده مان ناراحتی رسیده و با سرمایه ای ناچیز آمده ایم پس پیمانه کامل به ما بده و بر ما تصدق کن که خداوند تصدق کنان را پاداش میدهد (۸۸) گفت آیا دانستید با یوسف و برادرش چه کردید آن هنگام که جاهل بودید؟ (۸۹) گفتند آیا تو خودت حتما همان یوسفی!؟ گفت من یوسفم و این هم برادرم است. البته که خداوند بر ما منت گذاشت زیرا که هر کس که تقوا و صبر پیشه کند خداوند نیز پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهد گذاشت (۹۰) گفتند به خدا که خودش تو را از بین ما برگزیده و ما البته خطا کار بوده ایم (۹۱) گفت امروز هنگام رسیدگی به کارتان نیست خداوند می بخشدتان و همو مهربانترین است (۹۲) با این پیراهنم بروید و آنرا بر صورت پدرم بیندازید بینا خواهد شد و آنگاه تمام خانواده تان را دسته جمعی بسویم بیاورید (۹۳) و هنگامیکه آن کاروان راه افتاد پدرشان گفت من بوی یوسف را احساس می کنم اگر مرا کم خرد نشمارید (۹۴) گفتند به خدا که در همان گمراهی سابقت هستی (۹۵) اما هنگامیکه مژده دهنده آمد و آنرا بر صورتش انداخت بینا گشت و گفت آیا به شما نگفتم که از خدا چیزهائی میدانم که شما نمیدانید (۹۶) گفتند ای پدر برای گناهمان استغفار کن که ما خطاکار بودیم (۹۷) گفت بزودی از پروردگارم برایتان استغفار خواهم کرد که او آمرزگار مهربان است (۹۸)

پس هنگامیکه بر یوسف وارد شدند والدینش را به نزد خویش جای داد و گفت داخل مصر شوید و به خواست خدا در ایمنی باشید (۹۹) و والدین خویش را بر تخت نشاند و آنها به سجده افتادند و او گفت پدرم، این معنی آن خواب قبلی من است که پروردگارم آنرا راست درآورد و البته به من وقتی از زندان نجاتم داد و شما را از بیابان نزدم آورد، پس از آنکه شیطان بین من و برادرانم را بهم زده بود احسان کرد، البته پروردگارم درباره آنچه بخواهد دقیق است که او دانای پر حکمت است (۱۰۰) پروردگارا! چیزی از پادشاهی بمن دادی و چیزی از معنی کردن خوابها بمن آموختی. ای خالق آسمانها و زمین! تو در دنیا و آخرت سرپرستم هستی مرا تسلیم حق بمیران و با صالحان همراهم کن (۱۰۱)

این از خبرهای غیبی است که بسویت وحی کردیم. تو درآن هنگام که درباره کارشان همرأی شده بودند و حیله میکردند نزدشان نبودی (۱۰۲) و اکثر مردم ایمان نمی آورند حتی اگر خیلی هم دلت بخواهد (۱۰۳) تو درباره آن رسالت مزدی از آنها نمیخواهی. آن جز پندی برای جهانیان نیست (۱۰۴)

ای پیامبر! چه بسا نشانه هائی در آسمانها و زمین هست که اینان بر آن میگذرند و از آن روگردانند (۱۰۵) و اکثرشان به خدا ایمان نمی آورند و مشرکند (۱۰۶)
آیا ایمن هستند که فراگیرنده ای از عذاب خدا بسویشان بیاید یا قیامت ناگهان بر آنها درآید؟ (۱۰۷)
به اینان بگو این راه من است: از روی بصیرت خودم وپیروانم را بسوی خداوند دعوت می کنم و خداوند منزه است و من از مشرکان نیستم (۱۰۸)
و قبل از تو نیز پیامبرانی را که فرستادیم، که مردانی از اهالی شهرها بودند که به آنها وحی مینمودیم، آیا در زمین نمیگردند تا ببینند عاقبت پیشینیان چگونه بود؟ و اینکه خانه آخرت برای کسانی که باتقوا باشند بهتر است، آیا در این دو موضوع تعقل نمی کنند؟ (۱۰۹)

ای پیامبر! پیامبران سابق هم همین مشکلات تو را داشتند، تا اینکه از ایمان آوریِ مردم مأیوس میشدند و آن مردم هم گمان میکردند که به آنها دروغ گفته شده، تا اینکه یاری ما ناگهان میرسید، و هر کس که لیاقت داشت نجات می یافت و عذاب ما از گنهکاران برطرف نمی گردید (۱۱۰)

البته در قصه های آنها عبرتی برای خردمندان است. سخنی که افترا باشد نیست. لیکن این قرآن تصدیق چیزی است که قبل از خودش بوده و تشریح و تفصیل همه چیزِ لازم برای هدایت است، و هدایت و رحمتی است برای قومی که ایمان می آورند (۱۱۱)

سوره حِجر

بسم الله الرحمن الرحیم

الف. لام. ر.
این آیات، آیاتی از آن کتابِ آسمانی است، و خواندنیی روشنگر است (۱)

ای پیامبر! چه بسا سرانِ کافران دوست میدارند که کاش مسلمان میبودند (۲)
بگذار بخورند و کامروائی کنند و آرزوها سرگرمشان کند و زود باشد که بدانند (۳)

و ما هیچ شهری را هلاک نکردیم مگر اینکه کتابی معلوم داشت (۴) و سرآمد هیچ مردمی نه جلو و نه به تأخیر می افتد (۵)

ای پیامبر! اینان به تو میگویند ای کسی که مدعی هستی که آن پند بر او فرستاده میشود تو حتما دیوانه ای (۶) اگر راست میگویی پس چرا ملائکه را برایمان نیاوردی؟ (۷) در جوابشان بگو ملائکه را جز به حق نازل نمی کنیم و در آنصورت مهلتی نمی یابید (۸)

البته ما خودمان آن قرآن را فرستادیم و خودمان هم نگهدارش خواهیم بود (۹) و البته قبل از تو نیز در میان مردم گذشته رسولانی فرستادیم (۱۰) و هیچ رسولی بسویشان نیامد مگر اینکه مسخره اش میکردند (۱۱) در دلهای مجرمان چنین راه یافته (۱۲) که به آن حقایق ایمان نیاورند و البته روش اقوام پیشین نیز چنین بوده است (۱۳) و اگر دری از آسمان هم برایشان باز میکردیم و از آن دائما بالا میرفتند (۱۴) باز هم میگفتند جز این نیست که چشمهایمان خطا می بیند و بلکه جادو شده ایم (۱۵)

البته در آسمان برج هائی قرار دادیم و آنرا برای بینندگان تزئین کردیم (۱۶) و از هر شیطان رانده شده ای محفوظش نمودیم (۱۷) و اگر موجودی خیال استراق سمعی کند شهابی فروزان در پی او می افتد (۱۸) و زمین را گستراندیم و در آن لنگرهائی قرار دادیم و از هر چیزی موزون در آن رویاندیم (۱۹) و در آن برایتان روزی هائی قرار دادیم و نیز برای موجودات دیگری که روزی شان بر عهده ما است (۲۰) و هیچ چیزی نیست مگر اینکه نزد ما گنجینه هائی از آن است و ما البته جز به اندازه ای معلوم نازل نمی کنیم (۲۱) و بادها را بارور کننده میفرستیم و از آسمان آبی نازل و شما را با آن سیراب می نمائیم در حالیکه شما نسبت به خزانه آنها اختیاری ندارید (۲۲) و ما البته خودمان زنده میکنیم و میمیرانیم و خودمان وارثانیم (۲۳) و البته، هم پیشینیان شما را می شناسیم و هم پسینیان تان را (۲۴) و پروردگار آنها را گَرد می آورد که او دانا و حکیم است (۲۵)

و انسان را از ِگلی خشکیده از ِگلی سیاه متعفن آفریدیم (۲۶) و جن را هم قبلا از آتشباد آفریده بودیم (۲۷) و هنگامیکه پروردگار به ملائکه گفت که من آفریدگار بشری از ِگلی خشکیده از ِگلی سیاه میباشم، (۲۸) و پس از اینکه او را ساخته و پرداخته کردم و از روح خویش در او دمیدم برایش به سجده افتید (۲۹) و ملائکه همگی سجده کردند (۳۰) مگر ابلیس که سرپیچید که از ساجدان باشد (۳۱) خداوند او را گفت ای ابلیس چه ات شده که از ساجدان نیستی؟ (۳۲) گفت من سجده کننده کسی نیستم که او را از ِگلی خشک از ِگلی سیاه آفریده ای (۳۳) گفت پس، از آن موقعیت خارج

شو که تو رانده شده ای (۳۴) و البته تا روز قیامت بر تو لعنت خواهد بود (۳۵) گفت پروردگارا مرا تا روزی که برانگیخته می شوند مهلت ده (۳۶) گفت تو از مهلت یافتگانی (۳۷) تا روزی که وقت آن نزد ما معلوم است (۳۸) گفت پروردگارا به سبب آن گمراهیی که برایم روا داشته ای در روی زمین برای آنان چیزهایی را زینت خواهم داد و همگیشان را گمراه خواهم کرد (۳۹) مگر بندگان خالص شده ات را (۴۰) پروردگار گفت همین راهی است مستقیم که بر عهده من است (۴۱) البته درباره بندگانم بدان که بر آنان تسلطی نداری، مگر کسانی از گمراه شدگان که پیرویت کنند (۴۲)

والبته جهنم وعده گاه همگی شان است (۴۳) هفت درب دارد و هر دری برای قسمتی از آنان است (۴۴) و تقواداران البته در بهشت ها و چشمه سارهائی میباشند (۴۵) به آنان خطاب می شود با امنیت و سلامت داخل شوید (۴۶) و هر کینه ای را از دلهاشان میزدائیم. برادروار بر تختهائی روبروی یکدیگر تکیه خواهند زد (۴۷) و در آن نه رنجی به آنان میرسد و نه از آن اخراج میشوند (۴۸) ای پیامبر! به بندگانم خبر ده که من البته خودم آن آمرزگار مهربان هستم (۴۹) و عذابم نیز البته عذابی دردناک است (۵۰)

ای پیامبر! آنها را از داستان مهمانان ابراهیم آگاه کن (۵۱) هنگامیکه بر او داخل شدند و سلامی گفتند، گفت از شما بیمناکیم (۵۲) گفتند بیم مدار که تو را به پسری دانا بشارت میدهیم (۵۳) گفت آیا در حالیکه به بزرگسالی رسیده ام بشارتم میدهید؟ دیگر چه مژده ای میدهید؟ (۵۴) گفتند از نومیدان مباش که به حق مژده ات میدهیم (۵۵) گفت چه کسی غیر از گمراهان از رحمت پروردگارش نومید می شود؟ (۵۶) سپس گفت کارتان چیست ای فرستادگان؟ (۵۷)

گفتند بسوی قومی مجرم فرستاده شده ایم (۵۸) قوم لوط! البته غیر از پیروان لوط که همگی آنها را نجات خواهیم داد (۵۹) مگر زنش که چنین تقدیر نموده ایم که از ماندگان باشد (۶۰) پس هنگامیکه آن فرستادگان بسوی لوط آمدند (۶۱) گفت شما مردمی ناشناسید (۶۲) گفتند بلکه برای آنچه که درباره اش به شک هستند بسویت

آمده ایم (۶۳) و حق را بسویت آورده ایم و راست میگوئیم (۶۴)

اهل خویش و پیروانت را در پاره ای از شب ببر و خودت هم پشت سر آنها برو و هیچکدامتان به پشت سر خویش برنگردد و همانطور که گفته شد بروید (۶۵) و آن امر را با او در میان گذاشتیم که صبحگاهان دنباله آنها بریده خواهد شد (۶۶) و اهل آن شهر که خبر از آنچه قرار است دچارش شوند نداشتند شادی کنان آمدند (۶۷) لوط به آنان گفت اینها مهمان من اند، آبرویم مریزید (۶۸) و از خدا پروا کنید و خوارم نکنید (۶۹) گفتند مگر تو را از ارتباط با مردم عالَم نهی نکرده ایم؟ (۷۰) گفت اینها دختران من اند اگر فاعلید (۷۱) ای پیامبر! نمیدانی که آنها چقدر در مستی شان سرگشته بودند (۷۲) و هنگام برآمدن خورشید آن صدای بلند آنها را بگرفت (۷۳) و بالایشان را پائین شان قرار دادیم و از سنگهائی از سجیل بر آنها باراندیم (۷۴) البته در این برای نشانه شناسان نشانه هائی است (۷۵) و البته بقایایشان بر سر راهی که آن راه پابرجا است، قرار دارد (۷۶) که البته در این نشانه هائی برای مومنان است (۷۷)

و یاران ایکه نیز ظالم بودند (۷۸) واز آنها نیز انتقام گرفتیم و البته بقایای هر دو شان بر شاهراهی آشکار قرار دارد (۷۹) و البته یاران حِجر نیز فرستادگان الهی را تکذیب کردند (۸۰) و آیاتمان را به آنها عرضه کردیم اما از آن روگردان شدند (۸۱) و آنان از کوه ها اطاق هائی می کندند و در امان بودند (۸۲) پس صبحگاهان آن فریاد بلند بگرفتشان (۸۳) و آنچه بدست می آوردند دردی از آنها دوا نکرد (۸۴)

و آسمانها و زمین و آنچه را که بین آنهاست جز به حق نیافریدیم و قیامت حتما می آید، پس ای پیامبر! نسبت به اینان، با گذشتی نیکو در گذر (۸۵) البته پروردگارت آفریدگاری داناست (۸۶)

ای پیامبر! هفت تا از آن سخنانی که یکدیگر را تصدیق می کنند، و نیز این قرآن بزرگ را، به تو داده ایم (۸۷) چشمانت را با حسرت بر آنچه که به گروههائی از مخالفانت داده ایم تا در این دنیا برخوردارشان کنیم مکش، و بر پیروانت اندوهگین مباش و با مومنان فروتن باش (۸۸) و بگو من هشدار دهنده ای آشکارم (۸۹)

همانطورکه قبلا نیز بر قسمت کنندگان پیامبری فرستاده شده بود (۹۰) که کتاب آسمانی شان را قسمت- قسمت کردند و قسمتی را قبول و قسمتی را رد میکردند (۹۱) پس قسم به پروردگارت که از همگی آنها بازخواست میکنیم (۹۲) از آنچه که انجام میدادند (۹۳)

ای پیامبر! آنچه را که مامور ابلاغش شده ای آشکارا اعلام کن واز مشرکان روی بگردان (۹۴) که ما البته تو را از شر مسخره کنندگان کفایت میکنیم (۹۵) همانهائی که به خیال خویش با خداوند چیزی دیگر شریک قرار میدهند، که البته بزودی نتیجه رفتارشان را خواهند دانست (۹۶) و البته میدانیم از آنچه میگویند دلتنگ میشوی (۹۷) پس به ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از ساجدان باش (۹۸) و عبادت پروردگارت کن تا به حداکثرِ یقینی که در استعدادت هست برسی (۹۹)

سوره طه

بسم الله الرحمن الرحیم

طه (۱)

ای پیامبر! قرآن را بر تو نازل نکردیم که به رنجِ زیاد بیفتی (۲) جز اینکه پندی باشد برای کسی که خشیت دارد (۳)

فرو فرستاده ای است از جانب کسی که زمین و آسمانهای بلند مرتبه را آفرید (۴) همان خداوند رحمان که بر عرش مستولی شد (۵) همانکه آنچه در آسمانها و در زمین و در بین آنها و آنچه زیر زمین است از آن اوست (۶) اگر سخن را آشکار کنی یا نهان کنی فرقی نمیکند زیرا که او سخن سری و از آن مخفی تر را نیز میداند (۷) همان خدایی که خدایی جز او نیست که نامهای نیکو دارد (۸)

ای پیامبر! آیا داستان موسی به تو رسیده؟ (۹) آن هنگام که آتشی دید و به خانواده اش گفت درنگ کنید که من متوجه آتشی شده ام. شاید شعله ای از آن برایتان بیاورم

یا اینکه از روی آن آتش هدایتی یابم (۱۰) پس چون به آن رسید، ندا شد: ای موسی! (۱۱) من پروردگارت هستم، کفشت را درآر که تو در سرزمین پاکِ «طوی» هستی (۱۲) و تو را برگزیده ام پس به آنچه وحی میشود گوش ده (۱۳) من خداوند هستم و خدایی جز من نیست پس مرا عبادت کن و نماز را بعنوان ذکر من بپا دار (۱۴) قیامت حتما خواهد آمد. میخواهم زمان آن را پنهان کنم تا هر کس برای آنچه سعی کرده پاداش داده شود (۱۵) و کسی که به آن ایمان ندارد، و هوی و هوس خویش را پیروی میکند، تو را از اعتقاد به آن باز ندارد که هلاک خواهی شد (۱۶) ای موسی، چه چیز بدست داری؟ (۱۷) موسی گفت این عصای من است که بر آن تکیه میکنم و با آن برای گوسفندانم برگ می تکانم و احتیاجات دیگری نیز به آن دارم (۱۸) گفت ای موسی بیاندازش (۱۹) و انداختش. ناگاه آن عصا ماری شد که به تندی حرکت میکرد (۲۰) گفت بگیرش و نترس. بزودی آنرا به حالت اولش برمیگردانیم (۲۱) و دستت را به سینه ات بچسبان و اگر بیرون بیاوری بدون ضرر و علتی سفید خواهد بود که آیه ای دیگر است (۲۲) تا آیات بزرگ خویش را بعدا به تو نشان دهیم، (۲۳) فعلا بسوی فرعون برو که او طغیان کرده است (۲۴) گفت پروردگارا سینه ام را گشاده گردان، (۲۵) و کارم را آسان کن، (۲۶) و گره از زبانم باز کن، (۲۷) تا سخنم را بفهمند، (۲۸) و یاوری از میان خانواده ام برایم قرار ده، (۲۹) برادرم هارون را، (۳۰) و بوسیله او پشتیبانیم کن، (۳۱) و او را در کارم شریک فرما، (۳۲) تا تو را به فراوانی تسبیح گوییم، (۳۳) و نیز به فراوانی یادت کنیم، (۳۴) البته تو به وضع ما بینایی (۳۵)

گفت ای موسی خواسته ات را گرفتی (۳۶) و البته یکبار دیگر نیز به تو لطف کردیم (۳۷) هنگامیکه به مادرت آن وحی را کردیم (۳۸) که او را در صندوق بگذار و آن را به دریا بینداز و دریا او را به ساحل خواهد انداخت و دشمنم و دشمنش او را خواهد گرفت و محبتی از جانب خویش بر تو انداختم تا در مقابل چشمم ساخته شوی (۳۹) آن هنگام که خواهرت میرفت و میگفت آیا شما را به کسی که کفالتش کند راهنمائی بنمایم؟ سپس تو را بسوی مادرت برگرداندیم تا چشمش روشن شود و ناراحت نباشد، و کسی را کُشتی و تو را از اندوه نجات دادیم و به آزمایشهایی تو را آزمودیم و سالهائی

را در میان مردم مدین بودی سپس ای موسی بالاخره به اینجا آمدی (۴۰) و تو را برای خویش پرورانده ام (۴۱)

تو و برادرت با آیاتم بروید و از یادم سستی مکنید (۴۲) بسوی فرعون بروید که او طغیان کرده (۴۳) و به او سخنی نرم بگویید شاید پند گیرد یا حرمت روا دارد (۴۴) گفتند پروردگارا میترسیم بر ما دست درازی کند یا اینکه طغیان ورزد (۴۵) گفت نترسید من با شما هستم می شنوم و می بینم (۴۶) و بر او درآئید و بگویید فرستادگان پروردگار تو هستیم پس بنی‌اسرائیل را با ما بفرست و عذابشان مکن و ما با نشانه ای از پروردگارت آمده ایم و سلام بر کسی که هدایت را پیروی کند (۴۷) براستی به ما وحی شده که عذاب برای کسی است که تکذیب کند و روی بگرداند (۴۸)

فرعون گفت ای موسی پروردگارتان کیست؟ (۴۹) گفت پروردگارمان کسی است که هر چیز را می آفریند و آنگاه راهبریش میکند (۵۰) فرعون گفت پس پیشینیان چه؟ (۵۱) موسی گفت علم آن درکتابی نزد پروردگارم است و پروردگارم نه اشتباه و نه فراموش میکند (۵۲)

پروردگارم همان کسی است که زمین را برایتان گهواره ای نمود و در آن برایتان راه هایی قرار داد و از آسمان آبی فرستاد و بوسیله آن از روئیدنی های مختلف درآورد (۵۳) تا بخورید و چارپایانتان را بچرانید که در این البته برای صاحبان هوش و ذکاوت نشانه هائی است (۵۴) پروردگارم میگوید از آن زمین شما را آفریدیم و در آن برتان میگردانیم و بار دیگر از آن بیرونتان می آوریم (۵۵)

بوسیله موسی تمام آیاتمان را به فرعون نمایاندیم اما تکذیب کرد و نپذیرفت (۵۶)

گفت ای موسی آمده ای با جادویت از سرزمینمان بیرونمان کنی (۵۷) البته جادوئی مانند آن برایت می آوریم. بین ما و خودتان موعدی قرار ده که نه ما از آن تخلف کنیم

و نه تو (۵۸) گفت موعدتان روزی باشد که مردم در آن روز مانند اعیاد زینت میکنند و در روز روشن گرد می آیند (۵۹) پس فرعون برگشت و حیله هایش را جمع کرد و سپس بازآمد (۶۰)

موسی گفت وای بر شما افترای دروغ به خدا نبندید که عذاب شما را میگیرد و البته کسی که افترا بندد نابود میشود (۶۱) پس فرعونیان در کارشان بحث و بررسی میکردند ولی راز آن گفتگوهای پنهانی را حفظ نمودند (۶۲) بالاخره سخنشان را چنین جمع بندی کردند که گفتند این دوتا، موسی و هارون، جادوگرانی هستند که میخواهند با جادویشان شما را از سرزمینتان بیرون کنند و طریقه بهترتان را نیز از بین ببرند (۶۳) پس حیله هایتان را یکی کنید و به صف شوید، و در روز موعود که همگی حاضر بودند فرعونیان اعلام کردند که امروز هر کس که برتری یابد همو رستگار است (۶۴)

ساحرانی که فرعون جمع کرده بود گفتند ای موسی یا بیاندازش یا اینکه ما بیاندازیم (۶۵) گفت شما بیاندازید. پس بعلت سحرشان چنین وانمود شد که عصاها و ریسمانهایشان دارد به تندی حرکت می کند (۶۶) و موسی در دلش ترسی احساس کرد (۶۷) گفتیم ای موسی نترس که تو بالاتری (۶۸) و آنچه را که در دستت هست بیانداز که آنچه را ساخته اند ببلعد. جز این نیست که آن حیله ساحرانه است و ساحر از هر موضع که بیاید رستگار نخواهد شد (۶۹)

پس آن ساحران به سجده افتادند و گفتند به پروردگار هارون و موسی ایمان آورده ایم (۷۰) فرعون گفت آیا قبل از اینکه اجازه تان دهم به او ایمان آوردید؟ حتما او بزرگتان است که جادو را به شما آموخته، اینک دست و پایتان را به خلاف یکدیگر قطع و شما را در تنه نخلها به دار خواهم کشید و خواهید فهمید که کداممان از لحاظ عذاب شدیدتر و باقی تر است (۷۱) گفتند هرگز تو را به آنچه که از دلایل روشن بسویمان آمده ترجیح نخواهیم داد. هر کار که میتوانی بکن. جز این نیست که تو فقط در این دنیا حکم میکنی (۷۲) ما به پروردگارمان ایمان آورده ایم تا خطاهایمان و نیز

آنچه که از سحر و جادو به آن مجبورمان نموده ای ببخشد و خداوند بهتر و باقی تر است (۷۳) زیرافهمیده ایم هرکس که با وضعیت مجرم نزد پروردگارش بیاید جهنم را خواهد داشت که در آن نه میمیرد و نه زندگی شایسته ای دارد (۷۴) و کسی که با ایمان و عمل صالح نزدش آید، البته درجات عالی خواهد داشت (۷۵) بهشتهای جاودان که از کف آنها نهرها جاری است که همیشه در آن خواهند بود و این پاداش کسی است که دنبال رشد باشد (۷۶)

و به موسی وحی کردیم که بندگانم را شبانه حرکت ده و راهی خشک در دریا برای آنان بزن و نگران رسیدن آن دشمنان نباش و نیز نگرانی غرق شدن نداشته باش (۷۷) پس فرعون با لشکریانش در تعقیب آنها شد و قسمتی از آن دریا آنچه را که می بایست از فرعونیان بگیرد فراگرفت (۷۸) و فرعون قومش را گمراه کرد و هدایت نکرد (۷۹)

ای پیامبر! پس از آزادی بنی اسرائیل به آنان چنین خطاب کردیم: ای بنی اسرائیل شما را از دشمنانتان نجات دادیم و با شما در طرف راست کوه طور قرار گذاشتیم و منّ و سلوی را بر شما فرو فرستادیم (۸۰) از چیزهای خوبی که برایتان روزی کردیم بخورید و طغیان مکنید که غضبم بر شما فرود خواهد آمد و کسی که غضبم بر او فرود آید حتما سقوط خواهد کرد (۸۱) و البته من نسبت به کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح نماید و سپس هدایت یابد بسیار بخشنده میباشم (۸۲)

ای موسی چه چیز تو را واداشت که از قومت با عجله جلو بیفتی؟ (۸۳) موسی گفت پروردگارا آنها دنبال من هستند و من بسویت عجله کردم تا به نظر خودم رضایتت را کسب کنم (۸۴) گفت قومت را پس از تو آزمودیم و سامری گمراهشان کرد (۸۵) پس موسی در حالیکه غضبناک و متاسف بود بسوی قومش برگشت و گفت ای قوم! آیا پروردگارتان وعده نیکو به شما نداد؟ آیا مدتش طولانی شد یا اینکه خواستید غضبی

از جانب پروردگارتان شما را فرا گیرد که در وعده ام تخلف کردید؟ (۸۶) گفتند از وعده ات با اختیار خودمان تخلف نکردیم ولیکن بارهائی از زینت آلات آن قوم بما تحمیل شده بود که آنها را انداختیم و سامری نیز این طرح را در انداخت (۸۷) و برای آنها بدنی از گوساله که صدائی هم داشت ساخت و عدّه ای گفتند این خدای شماست و خدای موسی نیز هست که شما را فراموش کرد (۸۸) آیا نمی دیدند که آن مجسمه گوساله سخنی را به آنها برنمی گرداند و برای آنها مالک نفع و ضرری نیست؟ (۸۹)

و البته هارون قبلا به آنها گفته بود که ای مردم شما بوسیله آن به فتنه افتاده اید و پروردگار شما خدای رحمان است پس مرا پیروی و از امرم اطاعت کنید (۹۰) گفتند ما از عبادتش دست نمی کشیم تا اینکه موسی بسویمان بازگردد (۹۱) موسی به برادرش گفت ای هارون چه چیزی جلویت را گرفت وقتی که دیدی گمراه شده اند (۹۲) که مرا پیروی کنی؟ آیا از فرمانم سرپیچیدی؟ (۹۳) گفت ای پسر مادرم سر و ریشم را ول کن. ترسیدم بگویی بین بنی اسرائیل تفرقه انداختی و به سخنم اعتنا نکنی (۹۴) گفت ای سامری موضوع تو چه بوده؟ (۹۵) گفت چیزی دیدم که سایر مردم ندیدند و قسمتی از تعالیم رسول خدا را اختیار کردم و آن را با چیزهائی که برای بنی اسرائیل مانوس بود قاطی و سپس چنین القاء کردم، و نفسم برایم چنین آراست (۹۶) گفت برو که در زندگیت منزوی باشی، چنانکه بگویی به من دست نزنید. و البته موعدی داری که تخلف ندارد و اینک به این گوساله که به خدائی برگرفته ای نگاه کن که آنرا خواهیم سوزاند سپس به دریا میریزیم و پراکنده اش می کنیم (۹۷) جز این نیست که خدای شما خداوند است که خدائی جز او نیست که علم او به همه چیز احاطه دارد (۹۸)

ای پیامبر! از خبرهای گذشتگان چنین برایت حکایت میکنیم و از جانب خویش به تو پندی داده ایم (۹۹)

ای پیامبر! کسی که از پندهای الهی رو برگرداند روز قیامت باری بر دوش خواهد داشت (۱۰۰) که در آن جاودان خواهند بود و چه بار بدی است (۱۰۱)

روزی که در آن شیپور دمیده شود و مجرمان را در آن روز، بدچشم محشور کنیم (۱۰۲) بین خویش به آهستگی میگویند بیش از ده روز در قبر درنگ نداشته اید (۱۰۳) ما به آنچه میگویند داناتریم. هنگامیکه خوش رفتارترین آنها میگوید جز یک روز درنگ نکرده اید (۱۰۴)

ای پیامبر! از تو درباره کوه ها میپرسند بگو پروردگارم آنها را بکلی پراکنده میکند (۱۰۵) و آنها را پهن و صاف وامیگذارد (۱۰۶) که در آن نه کژی و نه برجستگیی بینی (۱۰۷) در آن روز همگان آن دعوت کننده را که ایرادی در کارش نیست پیروی میکنند و صداها بخاطر خداوند رحمان پائین می آید و جز زمزمه آهسته ای نمی شنوی (۱۰۸) در آن روز شفاعت فایده ای ندارد مگر از سوی آنکس که خداوند رحمان اجازه اش دهد و سخنش را بپسندد (۱۰۹) همان خداوندی که از آینده و گذشته شان خبر دارد اما آنها نسبت به او علمی ندارند (۱۱۰) و چهره ها برای آن زنده پاینده فرو می افتد

و کسانی که بار ظلمی بر دوش دارند رستگار نمی گردند (۱۱۱) و کسانی که کارهای شایسته نموده و ایمان نیز داشته باشند نه نگران خواهند بود که ظلمی به آنان میشود و نه نگران کاستیی خواهند بود (۱۱۲)

و چنین است که قرانی به زبان روشن واضح نازل کرده ایم و در آن از وعده های مایه نگرانی آورده ایم شاید تقوا پیشه کنند یا پندگیری شان تازه شود (۱۱۳) و خداوند

فرمانروای حقِ بلند مرتبه است و ای پیامبر! قبل از اینکه وحی آن بسویت تمام شود عجله به خواندن آن مکن و بگو پروردگارا علمم را زیادتر کن (۱۱۴)

ای مردم! قبلا عهدی به آدم سپرده بودیم اما فراموشش کرد و اراده ای در او نیافتیم (۱۱۵) آن هنگام که به ملائکه گفتیم برای آدم سجده کنید که سجده کردند مگر ابلیس که امتناع کرد (۱۱۶) گفتیم ای آدم این دشمن تو و همسرت است پس مبادا شما را از موقعیت تان بیرون کند و بدبخت شوید (۱۱۷) زیرا که تو در آن گرسنگی و برهنگی نداری (۱۱۸) و تشنگی و آفتاب تند نیز نداری (۱۱۹) پس شیطان وسوسه اش کرد. گفت ای آدم آیا تو را به درخت جاودانگی و پادشاهیی که کهنه نمیشود راهنمائی بکنم؟ (۱۲۰) پس، از آن خوردند و زشتی هایشان برایشان آشکار شد و شروع به چسباندن برگهای آن باغ به خویش نمودند و آدم نسبت به پروردگارش عصیان کرد و گمراه شد (۱۲۱)

آنگاه بعدا پروردگارش برگزیدش و بالطف و بخشش به او بازگشت، و هدایتش نمود (۱۲۲) گفت شما دوتا و همگی تان از آن فرود آئید بطوریکه بعضی تان دشمن بعضی دیگر باشید. پس اگر هدایتی از جانب من آمد کسی که هدایتم را پیروی کند نه گمراه و نه بدبخت نخواهد شد (۱۲۳)

ای پیامبر! کسی که از پندم روی بگرداند معیشتی سخت خواهد داشت و روز قیامت نیز کور محشور خواهد شد (۱۲۴) گوید پروردگارا چرا کور محشورم کردی در حالیکه بینا بودم؟ (۱۲۵) جواب خواهد شنید: زیرا آیاتم بسویت آمد و تو فراموششان کردی و امروز خودت فراموش میشوی (۱۲۶)

و چنین است که کسانی را که اسراف نموده و به آیات پروردگارش ایمان نیاورند سزا میدهیم و البته عذاب آخرت شدیدتر و باقی تر است (۱۲۷) ای پیامبر! آیا این نکته هدایتشان نکرد که ما قبل از آنان چقدر از جوامعی را که اینها درمساکنشان رفت و

آمد میکنند، را، هلاک کردیم؟ که البته در این برای صاحبان خرد نشانه هائی است (۱۲۸)

ای پیامبر! اگر اینطور نبود که قبلا کلمه ای از جانب پروردگارت صادر شده بود که مردم سرآمدی معین داشته باشند، البته حتما آن عذاب و هلاکت همراهشان میشد (۱۲۹) پس به آنچه میگویند صبر کن و پروردگارت را قبل از طلوع آفتاب و قبل از غروبش و از کناره های شب و اطراف روز به ستایش تسبیح گوی، شاید راضی شوی (۱۳۰)

ای پیامبر! چشمانت را روی آنچه که مایه رونق زندگی دنیاست و به عده ای از آنان داده ایم تا آزمایششان کنیم مدوز، و روزی پروردگارت بهتر و باقی تراست (۱۳۱) و اهل خویش را به نماز فرمان ده و بر آن پایداری کن، ما از تو روزیی نمیخواهیم و خودمان روزیت میدهیم و عاقبت از آن تقواست (۱۳۲)

و میگویند چرا از جانب پروردگارش برایمان معجزه‌ای نمی‌آورد؟ آیا دلایل روشنی که در صحیفه های قبلی بود بسویشان نیامد؟ (۱۳۳) و اگر قبل از آن به عذابی هلاکشان کرده بودیم میگفتند پروردگارا چرا رسولی بسویمان نفرستادی تا آیاتت را قبل از اینکه ذلیل و رسوا شویم پیروی کنیم (۱۳۴) بگو همگی منتظرند، شما هم منتظر باشید، پس بزودی خواهید دانست که اهل جاده درست چه کسانی هستند و هدایت یافته کیست؟ (۱۳۵)

سوره انعام

بسم الله الرحمن الرحیم

ستایش خداوند را سزاست که آسمانها و زمین را آفرید وتاریکیها و نور را قرار داد و با وجود این کافران برای پروردگارشان همتا قرار میدهند (۱)

ای پیامبر! به اینان بگو که هموست که شما را از گِل آفرید و سپس سرآمدی مقرر کرد و آن سرآمدِ تعیین شده نزد اوست ولی شما در ایمان آوری دودلی میورزید (۲) و همو در آسمانها و زمین خداست که پنهان و آشکارتان و نیز آنچه را که بدست می آورید میداند (۳)

ای پیامبر! هیچ آیه ای از آیات پروردگارشان بسویشان نیامد مگر آنکه از آن رویگردان شدند (۴) البته چیزی که تکذیب کردند حقی بود که بسویشان آمده بود پس بزودی خبر آنچه را که استهزایش میکردند خواهند شنید (۵) آیا درنیافتند چه اقوامی را قبل از آنها هلاک کرده ایم؟ کسانی که آنقدر در زمین قدرتشان داده بودیم که اینان به آن درجه از تمکین نرسیده اند و چنان بوده که آسمانها پی در پی بر آنها می بارید و نهرهائی برایشان قرار داده بودیم که در کف زمینهای آنها جاری بود، اما آنها را بسبب گناهانشان هلاک نمودیم و پس از آنها قومی دیگر پدید آوردیم (۶) ای پیامبر! اگر بر تو نامه ای در کاغذی بفرستیم و آنها آن را با دستهایشان لمس کنند باز هم کافران خواهند گفت این چیزی جز جادویی آشکار نیست (۷) و میگویند چرا فرشته ای همراه او نازل نشده و اگر فرشته ای نازل کنیم کارشان یکسره شده و دیگر هیچ مهلتی نخواهند یافت (۸) و اگر هم فرشته ای بفرستیم، او را نیز مردی قرار میدهیم و باز هم برای آنها همان اشتباهی که میکنند پیش خواهد آمد و به او خواهند گفت از کجا معلوم که تو فرشته باشی (۹) و البته رسولانِ قبل از تو را نیز ریشخند میکردند اما چیزی که مورد تمسخر قرار میدادند بر مسخره کنندگان فرود آمد (۱۰) بگو در زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیبگران چه بود؟ (۱۱)

ای پیامبر! بگو آنچه در آسمانها و زمین است مال کیست؟ بگو مال خداست که رحمت را بر خویش مقرر کرده و حتما شما را در روز قیامت که شکی در آن نیست جمع خواهد کرد. آنانکه ایمان نمی آورند خود را به خسارت افکنده اند (۱۲) و هر چه که در شب و روز جای گیرد مال اوست و همو شنوای داناست (۱۳) بگو آیا غیر از خداوند سرپرستی برگیرم که آفرینشگر آسمانها و زمین است و همو به همگان غذا میدهد و

هیچکس غذا دهنده او نیست؟ بگو من مأمورم که اولین تسلیم شده به این حقایق باشم و مبادا شما از مشرکان باشید (۱۴) بگو میترسم پروردگارم را نافرمانی کنم و از عذاب آن روز عظیم نگرانم (۱۵) هر کس که آن عذاب در آن روز از او برگردانده شود، مورد مهربانی او قرار گرفته و آن البته پیروزی آشکار است (۱۶) و اگر خداوند بلائی به تو برساند هیچ برطرف کننده ای جز او نخواهد بود و اگر خیری بتو برساند البته همو بر هر چیزی تواناست (۱۷) و او فوق بندگانش است و بر آنها چیره است و همو پر حکمت و آگاه است (۱۸) بگو چه چیزی از لحاظ گواهی مهم تر است؟ بگو گواهی خداوند مهم تر است، و همو گواه بین من و شماست و این قرآن بمن وحی شده تا شما را و هر کس را که این سخن به او میرسد هشدار دهم. آیا شما گواهی میدهید که همراه خداوند خدایانی دیگر است؟ بگو من چنین گواهیی نمیدهم. بگو جز این نیست که او خدائی است واحد و من البته از آنچه شما با او شریک می کنید بیزارم (۱۹)

یهودیان که کتابشان داده ایم این قرآن و این پیامبر را می شناسند، همانطور که فرزندان خویش را می شناسند. آنها کسانی هستند که خودهاشان را به خسارت افکنده اند و لذا ایمان نمی آورند (۲۰)

و چه کسی ظالم تر است از کسی که افترای دروغ به خداوند ببندد یا آیاتش را تکذیب کند؟ البته خداوند ظالمان را به سرانجام نیکو نمیرساند (۲۱) و روزی که همگی شان را در یکجا جمع کنیم و سپس به کسانی که شریک قائل شده اند بگوییم کو آن شریکانی که می پنداشتید؟ (۲۲) آنگاه آنها نیرنگی نخواهند داشت مگر اینکه بگویند قسم به خداوند پروردگارمان که ما مشرک نبودیم (۲۳) ببین چگونه به خویش دروغ میگویند و چگونه آن چیزی که افترا میزدند از نزدشان محو میشود (۲۴) و از آن مشرکان کسانی هستند که به تو گوش فرا میدهند اما بر قلب هایشان پرده هایی قرار داده شده که آنرا فهم نمیکنند و در گوشهایشان سنگینی هست و هر آیه ای را هم که ببینند به آن ایمان نخواهند آورد حتی وقتی هم که به نزدت بیایند با تو مجادله

می کنند و خواهند گفت این جز افسانه های پیشینیان نیست (۲۵) و دیگران را از ایمان آوری به آن نهی میکنند و از آن دور می دارند و جز خود را هلاک نمی کنند اما آگاهی ندارند (۲۶) و کاش آنها را وقتیکه درمقابل آن آتش قرار میگیرند میدیدی که میگویند ای کاش برمیگشتیم و آیات پروردگارمان را تکذیب نمیکردیم و از مومنان میبودیم (۲۷) بلکه چون حقیقتِ آنچه را که از قبل پنهان میکردند برایشان آشکار میشود این آرزو را میکنند و اگر بازگردانده هم بشوند، حتما ارتکاب آنچه از آن نهی شده بودند را تکرار میکنند و دروغگو هستند (۲۸) و میگویند چیزی جز این زندگی دنیایمان نیست و برانگیخته هم نخواهیم شد (۲۹) و کاش هنگامی را میدیدی که آنها نزد پروردگارشان توقیف میشوند، که پروردگار به آنان میگوید آیا این حق نیست؟ میگویند قسم به پروردگار که بلی حق است و او میگوید پس آن عذاب را به سبب آن کفری که میکردید بچشید (۳۰) البته کسانی که ملاقات پروردگار را تکذیب کردند زیانکار شدند تا اینکه قیامت بطور ناگهانی بر آنها در آید و میگویند ای حسرت بر ما درباره آنچه که درباره اش کوتاهی کردیم و بارهای خویش را بر شانه های خویش برمیدارند و چه بار بدی است که حمل میکنند (۳۱)

و زندگی دنیا جز بازی و هوسرانی نیست و سرای آخرت برای تقوا پیشگان بهتر است. آیا نمی اندیشید؟ (۳۲)

ای پیامبر! البته میدانیم آن چیزهایی را که میگویند اندوهگینت میکند اما البته آنها در حقیقت تو را تکذیب نمیکنند بلکه آن ظالمان آیات خداوند را انکار می کنند (۳۳) و قبل از تو هم پیغمبرانی بوده اند که تکذیب شدند اما بر آن تکذیب ها و آزار و اذیت هائی که میشدند صبر کردند تا اینکه یاری ما رسید و چیزی نمیتواند کلمات خداوند را تغییر دهد و البته از داستان پیامبران مقداری به تو رسیده است (۳۴) و اگر رویگردانیِ آنها برایت خیلی گران است، پس اگر توانستی زمین را سوراخ کنی یا نردبانی بگذاری و به آسمان بروی و معجزه ای برایشان بیاوری چنین کن! اما آنها باز هم ایمان نخواهند آورد و اگر خداوند میخواست همه آنها را بر هدایت جمع میکرد

پس مبادا که از جاهلان باشی (۳۵)

جز این نیست که فقط آنهائی که دلشان زنده است و سخن حق را میشنوند اجابت می کنند و مردگان را نیز خداوند برمی انگیزد آنگاه بسوی او باز میگردند (۳۶)

و میگویند چرا آیتی از جانب خداوند بر او نازل نمیشود؟ بگو خداوند تواناست که آیتی نازل کند ولیکن اکثر آنها نمیدانند (۳۷) و هیچ جنبنده ای در روی زمین و هیچ پرنده ای که با بال هایش پرواز میکند نیست مگر اینکه آنها هم مانند شما امت هایی هستند. ما در آن کتاب آسمانی چیزی را فرو گذار ننمودیم آنگاه بسوی پروردگارشان محشور میشوند (۳۸) و آنانکه آیاتمان را تکذیب کردند کر ولال و در تاریکیهائی هستند. خداوند هر که را که لایق گمراهی باشد گمراهش میکند و هر که را که لایق هدایت باشد بر صراط مستقیم قرار میدهد (۳۹)

ای پیامبر! بگو آگاهم کنید، اگر عذاب خداوند یا قیامت بسویتان بیآید اگر راست میگوئید آیا غیر از خداوند را به دعا میخوانید؟ (۴۰) نه! بلکه فقط او را به دعا خواهید خواند. پس اگر بخواهد، آنچه را که راجع به آن دعا کرده اید، برطرف می کند و شما آنچه را که با او شریک قرار میدهید فراموش خواهید کرد (۴۱) و البته رسولانی نیز بسوی اقوام قبل از تو فرستادیم و آنها را به سختی و ناراحتی بگرفتیم شاید تضرعی کنند (۴۲) پس چرا هنگامیکه سختی ما بسویشان آمد تضرعی نکردند بلکه دلهاشان سخت شد و شیطان نیز اعمالشان را برایشان جلوه داد؟ (۴۳) و هنگامیکه آنچه را که به آن پند داده میشدند فراموش کردند درهای همه چیز را بر آنها گشودیم تا اینکه به آنچه داشتند خوشحالی میکردند و ناگهان آنها را بگرفتیم و یکباره ناامید شدند (۴۴) پس دنباله آنانکه ظلم میکردند قطع شد و ستایش مخصوص خداوندِ پروردگار جهانیان است (۴۵)

بگو بمن بگوئید اگر خداوند گوش و چشمتان را بگیرد و بر قلبهایتان مهر بزند غیر از

خداوند چه خدائی هست که آنها را به شما برگرداند؟ ببین چگونه آیات را گوناگون می آوریم آنگاه باز هم روی میگردانند (۴۶) بگو بمن بگوئید اگر عذاب خداوند ناگهانی و یا آشکارا بسویتان بیاید آیا غیر از ظالمان هلاک میشوند؟ (۴۷)

و پیامبران را جز مژده دهنده و هشدار دهنده نفرستادیم، پس آنکس که ایمان آورد و رفتارش را اصلاح نمود نه ترسی داشته و نه اندوهگین باشد (۴۸) و آنانکه آیاتمان راتکذیب کردند، عذاب، بواسطه نافرمانیی که کردند به آنان خواهد رسید (۴۹) بگو نمیگویم که انبارهای خداوند نزد من است و نمیگویم علم غیب دارم و نمیگویم جزء فرشتگان هستم. جز از وحیی که بمن میشود پیروی نمی کنم بگو آیا کور و بینا مساویند؟ آیا فکر نمی کنید؟ (۵۰)

و با قرآن آنهائی را که از محشور شدن بسوی پروردگارشان خوف دارند هشدار ده، که جز او سرپرستی و شفیعی ندارند، شاید تقوا پیشه کنند (۵۱) و کسانی را که پروردگارشان را صبحگاهان و شامگاهان به دعا میخوانند و خودِ او را منظور دارند، آنها را مران. هیچ حسابی از اعمالشان بر عهده تو نیست، و هیچ حسابی از اعمال تو نیز بر عهده آنان نیست، که اگر طردشان کنی از ظالمان خواهی بود (۵۲)

و بعضی از آنها را چنین با بعضی دیگر آزمودیم تا گویند آیا این مومنان کسانی هستند که خداوند از بین ما بر آنها منت گذاشته؟ آیا خداوند شاکران را بهتر نمی شناسد؟ (۵۳) و کسانی که به آیاتمان ایمان دارند وقتیکه نزدت می آیند بگو سلام بر شما. پروردگارتان رحمت را بر خویش مقرر نموده. البته اگر بعضی از شما بعلت جهالتی عمل بدی کند سپس توبه نموده و رفتارش را اصلاح نماید خداوند آمرزشگر مهربان است (۵۴) و آیات را چنین تشریح می کنیم تا راه مجرمان مشخص گردد (۵۵)

ای پیامبر! بگو من نهی شده ام که آنچه را که شما غیر از خداوند به عبادت میخوانید عبادت کنم. بگو از هوای نفس شما پیروی نمی کنم که در آنصورت از گمراهان خواهم

شد و از هدایت شدگان نخواهم بود (۵۶)

بگو من بر دلیلی از پروردگارم استوار هستم و شما آنچه را که نزد من است تکذیب کرده اید. آنچه را که به عجله میخواهید، که عذاب قیامت را همین حالا برشما نازل کنم، در اختیار من نیست. فرمانروائی جز با خداوند نیست. او حق را پیگیری میکند و همو بهترین مشخص کنندگان است (۵۷) بگو اگر آنچه را که به عجله میخواهید نزدم بود میان من و شما کار به پایان میرسید و خداوند به حال ظالمان داناتر است (۵۸)

و بگو خداوندم کسی است که کلیدهای غیب نزد است. کسی غیر از او علم آنرا ندارد و انچه را که در زمین و دریا هست میداند. و هیچ برگی نمی افتد مگر اینکه آنرا میداند و هیچ دانه ای در تاریکیهای زمین و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی آشکار هست (۵۹) و هموست که شبها جان شما را دریافت میکند و میداند در روز چه کرده اید، سپس شما را در روزِ بعد برمی انگیزد تا سررسید تعیین شدهء عمرتان به سر آید، آنگاه بازگشت شما بسوی اوست و شما را از آنچه میکرده اید آگاه می کند (۶۰) و او بر مخلوقاتش غالب است. و بر شما نگهبانانی میفرستد، تا قبل از اینکه مرگ تان در رسد محفوظ باشید، که پس از سررسیدِ موعدِ مرگ تان فرستادگانش جان تان را دریافت می کنند و در این امر هیچ کوتاهیی نمی کنند (۶۱) سپس بسوی خداوند که سرور حقتان است بازگردانده میشوید. آیا جز این است که فرمانروائی از آن اوست و همو سریعترین حسابگران است؟ (۶۲) ای پیامبر! بگو چه کسی از تاریکیهای زمین و دریا آن هنگام که او را با تضرع و در خفا به دعا میخوانید نجاتتان میدهد ؟ همان وقتی که میگوئید خدایا اگر از این گرفتاری نجاتمان دهی حتما از شکرگزاران خواهیم بود؟ (۶۳) بگو خداوند است که از آن و همچنین از ناراحتی های دیگر نجاتتان میدهد، آنگاه شما با او شریک قرار میدهید (۶۴) بگو او این قدرت را دارد که از بالاسرتان و زیرپایتان عذابی بر شما برانگیزد، یا شما را گروه گروه کند، و سختی بعضی از شما را به بعضی دیگر بچشاند. ای پیامبر! ببین چگونه آیات را گونه گون ارائه می کنیم شاید فهم کنند (۶۵)

ای پیامبر! قوم تو آنرا تکذیب کرد در حالیکه آن حق است. بگو من نگهبان شما نیستم (۶۶) برای هر چیزی قرار گاهی است و بزودی خواهید دانست (۶۷) و هنگامیکه کسانی را که در آیاتمان فرو میروند ببینی از آنان رویگردان شو، تا اینکه در سخنی دیگر فرو روند و اگر شیطان تو را به فراموشی انداخت، پس از توجه، دیگر با مردمی ظلم پیشه منشین (۶۸) و چیزی از حسابشان بر عهده اهل تقوا نیست، بلکه این تذکری است شاید تقوا در پیش گیرند (۶۹) و کسانی را که دینشان را بازیچه و هوسرانی گرفته اند و زندگی دنیا آنها را فریفته، بحال خودشان واگذار و آنان را به آن قرآن و قیامت تذکر ده. مبادا کسی بواسطه آنچه کسب کرده از رحمت خدا محروم شود. زیرا هیچکس غیر از خداوند سرپرست و شفیعی ندارند و اگر فرضا بخواهند بعنوان غرامت عوض بدهند هیچ چیزی از آنان قبول نخواهد شد. آنها کسانی هستند که بواسطه آنچه از بدی هاکسب کرده اند از لطف حق محروم میشوند. نوشیدنی آنها از حمیم خواهد بود و بسبب کفری که می ورزیدند عذابی دردناک خواهند داشت (۷۰)

ای پیامبر! به اینان بگو آیا غیر از خداوند را بخوانیم؟ چیزی را که نه نفعی به حال ما دارد و نه ضرری؟ و پس از اینکه خداوند هدایتمان کرده بر پاشنه های خویش به عقب برگردیم؟ و مانند کسانی که شیطانها در روی زمین آنها را به هوا و هوس گرفته اند شویم؟ که آن شیطانها دوستانی دارند که اینها را چنین دعوت میکنند که اگر هدایت می خواهید بسوی ما بیایید. بگو هدایت فقط هدایت خداست و ما مأموریم برای پروردگار جهانیان تسلیم باشیم (۷۱) و اینکه نماز بپا داریم و از او پروا کنیم و او همان کسی است که بسویش جمع آوری میگردید (۷۲) و هموست که آسمانها وزمین را به حق آفرید و هنگامی که درباره چیزی بگوید «باش»، خواهد شد. قول او حق است و در روزی که در آن شیپورِ بیدار باشِ قیامت دمیده شود فرمانروائی از آن اوست. دانای پنهان و آشکار و حکیم آگاه است (۷۳)

ای پیامبر! آن هنگام را یاد آر که ابراهیم به پدرش آزر گفت آیا بتهائی را به خدائی گرفته ای؟ من تو و قومت را در گمراهیی آشکار می بینم (۷۴) و چنین بود که ملکوت آسمانها و زمین را به ابراهیم نمایاندیم تا از یقین داران گردد (۷۵) پس هنگامیکه شب او را پوشاند و ستاره ای را دید، گفت پروردگارم این است، پس چون ناپدید شد گفت من ناپدید شوندگان را دوست نمیدارم (۷۶) پس چون ماه را تابان دید گفت پروردگار من این است اما چون افول کرد گفت اگر پروردگارم هدایتم نکند حتما از گمراهان خواهم بود (۷۷) پس چون خورشید را در طلوع دید گفت پروردگار من این است. این بزرگتر است. پس وقتیکه افول کرد گفت ای مردم! من از آنچه شما به آن شرک میورزید بیزارم (۷۸) من البته رویم را بسوی کسی میگردانم که آسمانها و زمین را آفریده و معتدلم و از مشرکان نیستم (۷۹) و قومش با او مجادله میکردند. گفت آیا درباره خداوند با من گفتگو میکنید در حالیکه مرا هدایت کرده؟ و من از آنچه با او شریک میکنید نمی ترسم مگر چیزی که پروردگارم بخواهد. علم پروردگارم همه چیز را فرا گرفته. آیا توجه نمی کنید؟ (۸۰) و چگونه از آنچه با او شریک گرفته اید بترسم در حالیکه شما در خصوص چیزهائی که با خدا شریک کرده اید نمیترسید؟ آنهم در حالیکه برای رفتار شما دلیلی هم نفرستاده؟ پس کدام گروه برای احساس امنیت شایسته تر است اگر علمی دارید (۸۱) آنهائی که ایمان آورده و به ایمانشان لباس ظلم نپوشانده اند امنیت خواهند داشت و همانها هدایت یافتگانند (۸۲) و این دلیلی بود که به ابراهیم در مقابل قومش دادیم. هر کسی را که لیاقت داشته باشد درجاتش را بالا میبریم که پروردگارت صاحب حکمت و داناست (۸۳) و به او اسحق و یعقوب را دادیم که همگیشان را هدایت کردیم و نوح را هم که قبلا هدایت کرده بودیم و از فرزندان او داوود و سلیمان و ایوب و موسی و هارون بود و نیکوکاران را چنین پاداش میدهیم (۸۴) و نیز زکریا و یحیی و عیسی و الیاس که همگی از صالحان بودند (۸۵) و نیز اسمعیل و یسع و یونس و لوط که همگی را بر معاصران شان برتری دادیم (۸۶) و از بین پدرانشان و فرزندانشان و برادرانشان، برگزیدیم شان و بسوی صراطی مستقیم هدایتشان کردیم (۸۷) این هدایت خداوند است. هر کس از بندگانش را که لایق باشد به آن هدایت میکند. و اگر شرک ورزیده بودند آنچه میکردند تباه میشد (۸۸) آنها

کسانی هستند که کتاب و حکم و نبوت به آنها دادیم و اگر این کافرانِ معاصرِ تو به این قرآن که بر تو نازل شده کفر ورزند قومی را بر آن برمیگماریم که به آن کافر نباشند (۸۹) آنها کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده بود. پس، ای پیامبر! به هدایتشان اقتدا کن. بگو برای این رسالتم دستمزدی از شما نمیخواهم. این قرآن چیزی جزپندی برای جهانیان نیست (۹۰)

ای پیامبر! این مشرکان و این یهودیانِ معاصر، قدر خداوند را آنطور که باید و شاید ندانسته اند که گفتند خداوند هیچ چیزی بر هیچ بشری نفرستاده است. بگو پس آن کتابی را که موسی با آن به پیامبری آمد چه کسی فرستاده که نوری و هدایتی برای مردم بود و شما علمای یهود آنرا بصورت کاغذهایی درآورده اید که قسمتی را آشکار کرده و بسیاری از آن را مخفی داشته اید و خودتان و پدرانتان چیزهائی آموخته اید که علمی به آن نداشتید؟ بگو آنرا خداوند نازل نموده، آنگاه آنها را واگذار که بازی کنان به فرو رفتنِ خویش در باطل ادامه دهند (۹۱) و این قرآن کتابی است پربرکت که نازلش کرده ایم که تصدیق کننده آن کتابهائی آسمانیی است که قبل از آن بوده، تا مردمِ مادرِ شهرها، مانند مکه و اطرافشان را هشدار دهد. و آنان که به آخرت ایمان دارند نیز به آن ایمان دارند و نمازهایشان را هم محافظت میکنند (۹۲) ای پیامبر! چه کسی ظالم تر است از کسی که بر خداوند به دروغ افترا زند، یا اینکه بگوید بمن وحی میشود در حالیکه چیزی به او وحی نمیشود ونیز کسی که بگوید بزودی چیزی مانند آنچه خداوند نازل کرده نازل خواهم کرد؟ و کاش ظالمان را در گردابهای مرگ میدیدی که ملائکه دستهایشان را بر آنها گشوده اند که جانهای شان را برون آرند که امروز جزایتان به سبب آنچه که به ناحق درباره خداوند میگفتید و نسبت به آیاتش سرکشی میکردید عذابی خوارکننده خواهد بود (۹۳) و در قیامت به آنان خطاب خواهد شد که بطور انفرادی بسویمان آمده اید، همانطور که شما را در آفرینش اول آفریدیم، و آنچه را که به شما ارزانی داشته بودیم پشت سرتان رها کرده اید و کسانی را که شفیع خویش میدانستید همراهتان نمی بینیم. بین شما وآنهاجدایی افتاده و چیزهای باطلی که گمان می کردید وجود دارند و برایتان فایده ای خواهند داشت از نزدتان گم

شده اند (۹۴)

ای مردم! خداوند شکافنده دانه و هسته است. زنده را از مرده بیرون می آورد و بیرون آورنده مرده از زنده است. این است خداوند پرودگارتان. پس به کجا سرگردان میشوید؟ (۹۵) همو شکافنده صبحگاهان است و شب را مایه آرامش وآفتاب و ماه را وسیله شمارش شما قرار داده است. این برنامه ریزی آن پیروز داناست (۹۶) و هموست که ستارگان را قرار داد تا به وسیله آنها در تاریکیهای خشکی و دریا هدایت یابید. البته ما آیات را برای اشخاصی دانا تشریح کرده ایم (۹۷) و هموست که شما را از یک جان آفرید. آنگاه محل آرامشی و محل ودیعه ای قرار داد. البته آیات را برای مردم صاحب فهم تشریح نموده ایم (۹۸) و هموست که از آسمان آبی نازل نموده و روئیدنی هائی از همه چیز بیرون آورده، واز آن سبزیی و همچنین از آن دانه هایی روی هم چیده در آورده، و از نخل، از گُل آن، خوشه های آویخته بیرون آورده، و با غهایی از انگورها و زیتون و انار که شبیه هستند اما عین یکدگر نیستند برآورده، به میوه هایشان هنگام ثمر دادن و رسیدن بنگرید، که در این برای مردمی که ایمان دارند نشانه هاست (۹۹)

اما اینان برای چنین خداوندی شریکانی از جن درست کرده اند در حالیکه خداوند آنها را آفریده، وبدون اینکه علمی داشته باشند برای او پسران و دخترانی فرض کرده اند، او البته از این چیزها منزه، و از آنچه وصفش می کنند بالاتر است (۱۰۰)

خداوند به وجود آورنده آسمانها و زمین است، چگونه برایش فرزندی خواهد بود در حالیکه همسری ندارد و همه چیز را همو آفریده و نسبت به همه چیز داناست؟ (۱۰۱) ای مردم! چنین است خداوند، پروردگارتان، خدایی جز او نیست. آفریننده همه چیز است. پس او را عبادت کنید و همو بر همه چیز نگهبان است (۱۰۲) چشمها او را درنمی یابد و او چشمها را درمی یابد و همو لطیف آگاه است (۱۰۳)

ای پیامبر! بگو البته با نزول این قرآن بصیرت هایی از جانب پروردگارتان به سویتان

آمده، پس هر کس بینا شد به نفع خودش است و کسی که کوری را انتخاب کند به ضرر خویش نموده و من نگهبان شما نیستم (۱۰۴) ای پیامبر! آن آیات را چنین گونه گون ارائه می دهیم، و بگذار تا بگویند درسش را خوانده ای، و البته اشخاصِ صاحب علم خواهند فهمید (۱۰۵) آنچه را که از جانب پرودگارت به سویت وحی می شود پیروی کن. خدایی جز او نیست و از مشرکان روی بگردان (۱۰۶) و البته اگر خداوند می خواست میتوانست مانع شرک آوری آنها شود و تو از شِرک شان چندان نگران مباش زیرا که تو را نگهبان آنها قرار ندادیم و تو ناظر و مسئول آنها نیستی (۱۰۷)

ای پیروان پیامبر! به آن چیزهایی را که کافران به جز خداوند به دعا و از روی شِرک می خوانند دشنام مگوئید زیرا که آنها نیز از روی دشمنی و بدون اینکه علمی داشته باشند خداوند را دشنام خواهند گفت، چنین است که اعمال هر مردمی برای خودشان زینت یافته، سپس بازگشتشان به سوی ما است، که آنگاه آنها را به حقیقتِ کارهایی که می کردند آگاه میکنیم (۱۰۸)

ای پیامبر! اینان قسم های محکم به خداوند خوردند که اگر معجزه ای بسویشان بیاید حتما به آن ایمان خواهند آورد. بگو جز این نیست که معجزه ها نزد خداوند است و چه میدانید اگر هم آن معجزات بسویشان بیاید باز هم ایمان نخواهند آورد (۱۰۹) و دلها و چشمهاشان میگردد و مانند همان بار اول میشوندکه به آن ایمان نیاورده بودند و در این وضع آنها را در طغیانشان کوردل رها میکنیم (۱۱۰) و حتی اگر ملائکه را نیز بسویشان نازل کنیم و مردگان هم با آنها صحبت کنند و هر چیزی را بر آنها جمع کنیم اینطور نیست که ایمان بیاورند مگر اینکه خدا بخواهد ولیکن اکثرشان جاهلند (۱۱۱) و چنین است که برای هر پیامبری دشمنی از شیاطین قرار داده ایم، شیاطین انسانی یا جنی که بعضی از آنها به بعضی دیگر سخنان ظاهرا قشنگ برای فریب دادن یاد می دهند و اگر خداوند میخواست چنین نمیکردند پس آنها را با آنچه افترا می بندند واگذار (۱۱۲) تا اینکه دلهای آنانکه به آخرت ایمان نمی آورند به آن میل کند تا آن را بپسندند و به آنچه آنان دچار میشوند دچار شوند (۱۱۳)

ای پیامبر! بگو آیا جز خداوند را به حکمیت بجویم؟ در حالیکه هموست که آن کتاب را با تفصیل برایتان فرستاده؟ و اهل کتاب میدانند که آن از جانب پروردگارت به حق فرستاده شده است پس مبادا که از دودلان باشی (۱۱۴) و کلمه پروردگارت به صدق و عدل کامل شد. هیچ چیزی کلماتش را تغییر نخواهد داد و همو شنوای داناست (۱۱۵)

ای پیامبر! بدان که اگر اکثر کسانی را که در روی زمین هستند پیروی کنی از راه خدا گمراهت میکنند. زیرا آنها از چیزی جز گمان پیروی نمی کنند و جز تخمین نمیزنند (۱۱۶) البته پروردگارت بهتر می داند که چه کسی ازراهش گمراه شده و همو هدایت یافتگان را بهترمی شناسد (۱۱۷)

ای مردم! از آنچه که ذکر نام خدا به هنگام ذبح آن شده، بخورید، اگربه آیاتش ایمان دارید (۱۱۸) و چه تان شده که از آنچه ذکر نام خدا بر آن شده نمیخورید در حالیکه آنچه خداوند حرام کرده به تفصیل برایتان گفته شده، البته به استثناء شرایط سخت اضطراری که چاره ای برای آدمی نمیگذارد که در آنصورت مصرف همان هم به حداقل مقدار ممکن بخشوده است، و البته بسیاری از مردم چنانند که بدون اینکه علمی داشته باشند، دیگران را با هوس هایشان گمراه میکنند که البته پروردگارت به تجاوزکاران آگاه تر است (۱۱۹) و همچنین گناهان را چه آشکار باشد و چه پنهان ول کنید. همانا کسانیکه گناهان را مرتکب میشوند بزودی سزایشان را به خاطر آنچه انجام میدهند می بینند (۱۲۰) و نیز آنچه را که اسم خدا به هنگام ذبح بر آن یاد نشده نخورید، که نافرمانی است و البته شیاطین به دوستانشان آموزش میدهند که با شما مجادله کنند و اگر اطاعتشان کنید البته شما نیز مشرک خواهید بود (۱۲۱)

آیا کسی که مرده ای بود و زنده اش کردیم و برایش نوری قرار دادیم که به وسیله آن در میان مردم راه میسپارد، مانند کسی است که در تاریکیهائی است که از آن برون

رفت ندارد؟ برای کافران اعمالشان چنین آراسته شده است (۱۲۲) و به این ترتیب است که در هر شهری بزرگان گنهکارانشان در آن نیرنگ میکنند. اما کارشان جز بر ضد خودشان نیست و آگاهی ندارند (۱۲۳) و هنگامیکه آیه ای بسویشان بیاید میگویند هرگز به آن ایمان نمی آوریم تا اینکه به ما نیز آنچه به فرستادگان خدا داده شده داده شود. خداوند بهتر میداند رسالتش را کجا قرار دهد. به زودی کسانی که مرتکب جرم شده اند به سبب نیرنگی که زده اند به خواریی نزد خدا و عذابی شدید خواهند رسید (۱۲۴)

اگر خداوند بخواهد کسی را هدایت کند سینه اش را برای پذیرش اسلام باز می کند و اگر کسی لایق گمراهی باشد سینه اش تنگ و سخت می شود گوئی که دارد به آسمان صعود می کند. خداوند به این روش عذاب را بر کسانی که ایمان نمی آورند مسلط میکند (۱۲۵)

ای پیامبر! این جاده پروردگار توست که مستقیم است و البته آیات را برای مردمی که پند میگیرند با تفصیل بیان کرده ایم (۱۲۶) کسانی که پیرویت کنند نزد پروردگارشان خانه امن خواهند داشت و همو یارشان است به سبب آنچه انجام میدهند (۱۲۷) و روزی که همگیشان را به قیامت محشور کنیم خطاب شود ای جماعت جنیان! چه بسیار از آدمیان را بدام انداختید! و دوستان آدمیزادشان اعتراف میکنند که پروردگارا! بعضی مان از بعضی دیگر برخوردار شدیم و به سرآمدی معین که برایمان مقرر کردی رسیدیم. گوید اینک جایگاهتان آتش است که در آن جاودان خواهید بود مگر آنچه خدا خواهد که پروردگارت پر حکمتِ داناست (۱۲۸) و بعضی از ظالمان را بر بعضی دیگر چنین سرپرستی میدهیم به سبب آنچه انجام میدهند (۱۲۹) ای جماعت های جنی و انسانی! آیا رسولانی از خودتان بسویتان نیامدند که آیاتم را بر شما بخوانند و به این روز هشدارتان دهند؟ گویند بلی و ما علیه خویش گواهی میدهیم، چنین است که زندگی دنیا فریبشان داد وکافر شدند تا اینکه در چنان روزی علیه خویشتن گواهی خواهند داد که ما کافریم (۱۳۰) چنین است که پروردگارت اهل آن شهرها را از روی

ظلم و در حالیکه غافل باشند هلاک نکرد (۱۳۱) و همگی شان در آنچه از کارهای ناپسندی که میکردند به درجاتی رسیده بودند و پروردگارتان از آنچه انجام میدهند غافل نیست (۱۳۲) و پروردگارتان غنیِ صاحب رحمت است. اگر بخواهد شما را میبرد و پس از شما آنچه بخواهد جایگزین میکند. همانطور که شما را از فرزندان قوم قبلی ایجاد کرد (۱۳۳) آنچه به شما وعده شده حتما می آید و نمی توانید جلوگیری کنید (۱۳۴) ای پیامبر! بگو ای قوم! هر چه که قدرت دارید انجام دهید، من هم کار خویش میکنم. به زودی خواهید دانست چه کسی صاحب آن خانهء سعادت نهائی است. البته او ظالمان را رستگار نمی کند (۱۳۵)

ای پیامبر! اینان از آنچه که از کشت و زرع و حیوانات بدست می آورند برای خدا نصیبی قرار میدهند و به خیال خودشان می گویند این برای خدا باشد و این هم برای شریکانی که برای خدا قائل شده ایم. اما آنچه که مال شرکاء است به خدا نمیرسد ولی آنچه که مال خداست به شرکاء میرسد. چه بد حکم می کنند (۱۳۶) و چنین است که برای بسیاری ازمشرکان، شرکائی که برای خدا قائل شده اند، قتل اولادشان را زینت داده اند تا هلاکشان کنند و دینشان را بر آنان مشتبه نمایند و اگر خدا می خواست مانع آنها از این کار میشد، پس تو نیز آنها را با افترائی که به خدا میزنند واگذار (۱۳۷) و به خیال خویش می گویند این چارپایان و کشت و زرع قُرُق است و هیچ کس از آن نمیخورد مگر اینکه ما بخواهیم و همچنین است چارپایانی که پشت هایشان را برای سواری حرام میکنند و چارپایانی که اسم خدا را هنگام ذبح بر آنها نمیبرند. همه اینها افترائی است بر خداوند، بزودی سزای آنها را برای افترایشان میدهیم (۱۳۸) و میگویند آنچه در شکم این چارپایان است خاص پسرانمان و مردانمان است و بر زنان حرام است اما اگر مرده به دنیا آمده باشد همه آنان در آن شریکند. بزودی خداوند سزای وصفشان را میدهد که او پر حکمت داناست (۱۳۹) البته آنان که اولادشان را از روی سفاهت و بدون علم میکشند، و آنچه که خداوند روزیشان کرده به علت افترا به خداوند حرام می کنند، زیان کرده و گمراه شده اند و هدایت یافته نمی باشند (۱۴۰)

هموست که باغهائی دارای داربست و بی داربست بوجود آورد و نخل ها و کشت ها را که خورش آنها متفاوت است، و زیتون و انار را چه مشابه و چه نامشابه باشند آفریده، از میوه اش هنگامیکه به بار آید بخورید و حقش را روز برداشت بدهید و اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد (۱۴۱) و از چارپایان چه باربر و بزرگ و چه کوچک باشند، از آنچه خداوند روزیتان کرده، بخورید و از گام های شیطان پیروی مکنید که او برایتان دشمنی آشکار است (۱۴۲)

اینان راجع به هشت گروه از نر و ماده احکامی وضع کرده اند. از گوسفند دوتا. و از بز دو تا. بگو آیا دو نر را حرام کرده یا دو ماده را یا آنچه را که در رحم دو ماده هست؟ بگو از روی علم خبرم دهید اگر راست میگویید (۱۴۳) و از شتر دو تا و از گاو دو تا. بگو آیا دو نر را حرام کرده یا دو ماده را، یا آنچه را که در رحم دو ماده هست؟ مگر شما آن هنگام که خداوند به این تقسیم بندی سفارش میکرد حاضر بودید؟ پس چه کسی ظالم تراست از کسی که به خداوند افترای دروغ بندد تا مردم را بدون علم گمراه کند؟ البته خداوند قوم ظالمان را هدایت نمیکند (۱۴۴)

ای پیامبر! بگو در آنچه به من وحی شده چیزی را که خورنده میخورد حرام نمی یابم مگر آنکه مرداری باشد، یا خون ریخته شده، یا گوشت خوک که پلید است، یا اینکه از روی نا فرمانی بنام غیر خدا ذبح شده باشد، تازه اگر کسی ناچار شود، نه اینکه تجاوز و افراط کند، و از همانها هم بخورد، البته پروردگارت آمرزگار مهربان خواهد بود (۱۴۵) و بر یهودیان حرام کردیم هر ناخنداری را، و از گاو و گوسفند نیز پیه را بر آنان حرام کردیم. جز آنچه بر پشتشان یا روده های آنها باشد، یا به استخوان پیوسته باشد و این تحریم برای آن سرکشی بود که میکردند و البته راستگوییم (۱۴۶) پس اگر تکذیب کردند بگو پروردگارتان صاحب مهربانی گسترده است اما عذاب او از قوم گناهکار دفع نخواهد شد (۱۴۷)

بزودی مشرکان خواهند گفت اگر خدا میخواست نه ما و نه پدرانمان شرک نمی

ورزیدیم، و چیزی را هم حرام نمیکردیم. تکذیبگران پیشینِ انها نیز چنین تکذیب کردند تا اینکه عذاب ما را چشیدند. بگو آیا هیچ علمی نزدتان هست که برایمان ارائه کنید؟ جز این نیست که جز گمان را پیروی نمی کنید و جز به تخمین سخن نمیگویید (۱۴۸) بگو دلیل رسا خاص خداست، پس اگر میخواست حتما همگی تان را هدایت میکرد (۱۴۹) بگو آن گواهانتان را که شهادت میدهند که خداوند اینها را حرام کرده بیاورید. پس ای پیامبر! اگر کسانی شهادت دادند تو با آنها مباش و ازهوای نفس کسانی که آیاتمان را تکذیب میکنند و نیز از کسانی که به آخرت ایمان ندارند و برای پروردگارشان همتا قرار میدهند پیروی مکن (۱۵۰) بگو بیایید آنچه را که پروردگارتان بر شما حرام کرده برایتان تلاوت کنم:
چیزی را با او شریک میگیرید و به والدین احسان کنید و فرزندانتان را از تنگدستی مکشید که ما به شما و آنها روزی میدهیم و به کارهای زشت چه آشکار و چه پنهان نزدیک نشوید و هیچ کسی را که خداوند کشتن او را حرام کرده، مگر به حق، نکشید. این چیزی است که به آن توصیه کرده شاید تعقل پیشه کنید (۱۵۱) و به مال یتیم نزدیک نشوید مگر به وجهی که برای یتیم بهتر است. تا اینکه به رشد و قوت خویش برسد و پیمانه و ترازو را بطور کامل به عدالت ادا کنید. البته هیچ کس جز به قدر وسعش تکلیف نمیشود. و اگر سخن میگوئید به عدالت گوئید و لو اینکه درباره خویشاوند باشد و به عهد خداوند وفا کنید. این است چیزهائی که به آن توصیه تان کرده. شاید پند گیرید (۱۵۲) و اینکه این جاده ام مستقیم است. پیرویش کنید و راه های دیگر را پیروی مکنید تا شما را از راه او متفرق نکنند. این است آنچه که شما را به آن توصیه کرده شاید تقوا پیشه کنید (۱۵۳)

و به موسی آن کتاب را که همه ضرویات در آن بطور تمام ذکر شده بود را دادیم و همه چیزِ لازم را در آن به تفصیل ذکر کردیم و برای کسانی که به ملاقات پروردگارشان ایمان داشتند مایه هدایت و رحمت بود (۱۵۴) و این قرآن نیز کتابی است پر برکت که فرستادیم. پس، ازآن پیروی کنید و تقوا پیشه نمائید شاید رحمت شوید (۱۵۵) تا مبادا که بگوئید که کتاب فقط بر دو طائفه پیش از ما نازل شده و ما از آموختن

درسهای آن غافل بودیم (۱۵۶) یا اینکه بگوئید اگر کتاب بر ما نازل می شد حتما از آنها هدایت یافته تر می شدیم. براستی دلیلی از جانب پروردگارتان بسویتان آمده که هدایتی و رحمتی است. پس چه کسی ظالم تر است از کسی که آیات خداوند را تکذیب کند و از آن روی بگرداند. بزودی کسانی که از آیاتمان روی می گردانند برای رویگردانی شان عذاب بسیار بد خواهند داشت (۱۵۷) آیا انتظار دارند ملائکه بسویشان بیایند؟ یا اینکه پروردگارت؟ یا اینکه بعضی از آیات پروردگارت؟ روزی که بعضی از آیات پروردگارت بیاید ایمان کسی که قبلا ایمان نیاورده یا از ایمانش فایده ای نبرده سودی بحالش نخواهد داشت. بگو منتظر باشید که ما نیزمنتظریم (۱۵۸)

ای پیامبر! البته تو را با آنانکه دینشان را فرقه فرقه کرده وگروه گروه شدند کاری نیست، کار آنان فقط با خداست. سپس خبر انچه را که انجام میدادند به آنها میدهد (۱۵۹) هر کس که کار نیکی کند ده برابر آن پاداش خواهد داشت و کسی که کار زشتی کند فقط سزای همان را خواهد دید و هیچ ظلمی به آنان نمی شود (۱۶۰) بگو البته پروردگارم بسوی جاده ای مستقیم هدایتم کرده است. دینی استوار، دین ابراهیمِ معتدل، که از مشرکا ن نبود (۱۶۱) بگو البته نمازم و عبادتم و زندگیم و مرگم برای خداوندِ پروردگار جهانیان است (۱۶۲) که شریک ندارد و من مأمور به آنم و خودم اولین مسلمانم (۱۶۳) بگو آیا غیر از خداوند پروردگاری بجویم؟ در حالیکه او پروردگار همه چیز است؟ و هیچ کسی هیچ چیز بدی کسب نمی کند مگر اینکه علیه خود اوست؟ و هیچ باربری بار دیگری را برنمیدارد؟ آنگاه بازگشتگاهتان بسوی پروردگارتان است؟ وبگو همو خبر آنچه را که در آن اختلاف می کردید به شما میدهد (۱۶۴)

هموست که شما را جانشینان روی زمین قرار داد. و بعضی را به بعضی به درجاتی برتری داد. تا شما را در آنچه به شما داده بیازماید. البته پروردگار تند کیفر است و البته همو آمرزشگر مهربان است (۱۶۵)

سوره اعراف

بسم الله الرحمن الرحیم

المص (۱)

ای پیامبر! این قرآن کتابی است که به سویت نازل شده، پس مبادا دلتنگی از آن داشته باشی که نگران باشی نتوانی حق عظمتش را ادا کنی و نیز نگران باشی که چرا مخالفانت اهمیتی به آن نمیدهند بلکه تو فقط ماموری که بوسیله آن هشدار دهی و نیز اینکه آن پندی برای مومنان باشد (۲)

ای مردم! از آنچه از جانب پروردگارتان بسویتان نازل شده پیروی کنید و غیر از او از اولیائی دیگر پیروی مکنید، چه کم پند می پذیرید (۳) و چه بسیار شهر هائی که هلاکشان کردیم و عذابمان شبانه یا در حال خواب نیمروز آنها را بگرفت (۴) و سخنشان آن هنگام که عذابمان آنها را در گرفته بود چیزی جز این نبود که می گفتند ما ظالم بودیم (۵) و ما، هم از پیامبران بازجوئی خواهیم کرد و هم از مردمی که رسولان بسوی آنها فرستاده شدند (۶) و البته برای آنها جزئیات کارهایشان را بازگو خواهیم نمود که ما هرگز غائب نبوده ایم (۷) و سنجش آنروز حقیقت دارد. پس هر کس که موازینش سنگین باشد رستگار خواهد بود (۸) و هر کس که موازینش سبک باشد از کسانی است که جانهای خویش را بعلت ظلمی که به آیات ما میکردند به زیان انداختند (۹)

ای مردم! و البته شما را در زمین تسلط دادیم و برایتان وسایل معشیت قرار دادیم، چه کم شکر می گزارید (۱۰) و البته شما را آفریدیم سپس صورتگری کردیم سپس به ملائکه گفتیم به آدم سجده کنید پس سجده کردند مگر ابلیس که از ساجدان نبود (۱۱) خداوند گفت چه چیزی جلوگیرت شد که سجده کنی وقتی که فرمانت دادم؟ گفت من از او بهترم. مرا از آتش و او را از خاک آفریده ای (۱۲) گفت از آن فرود آی. تو را نمیرسد که در آن تکبر کنی. بیرون رو که از سرافکندگانی (۱۳) گفت مرا تا

روزی که برانگیخته می شوند مهلت ده (۱۴) گفت تو از مهلت یافتگانی (۱۵) گفت بسبب آنکه اغوایم کردی من نیز در آن صراط مستقیم بر سر راهشان می نشینم (۱۶) آنگاه از پیش و پس و راست و چپِ آنها بر آنان در می آیم و اکثرشان را از شاکران نخواهی یافت (۱۷) گفت نکوهش شده رانده شده از آن بیرون رو که جهنم را از کسانی که پیرویت کنند پر خواهم کرد (۱۸) و تو ای آدم با همسرت در آن باغ سکونت کنید و از هر چه میخواهید بخورید اما به این درخت نزدیک نشوید که از ظالمان خواهید بود (۱۹) پس شیطان آن ها را وسوسه کرد تا آنچه از عورت شان که از آنها پنهان بود برایشان آشکار کند و گفت پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرد مگر از این جهت که مبادا دو پادشاه شده یا اینکه جاودان شوید (۲۰) و برایشان قسم خورد که خیر خواهتان هستم (۲۱) آنگاه به فریبی سقوطشان داد. و چون از آن درخت چشیدند زشتی هایشان برایشان آشکار شد و شروع کردند از برگهای آن باغ به آنها چسباندن و پروردگارشان ندایشان داد که مگر شما را از آن درخت نهی نکرده بودم و نگفته بودم شیطان برایتان دشمنی آشکار است؟ (۲۲) گفتند پروردگارا برخویش ظلم کردیم و اگر ما را نیامرزی و بر ما نبخشی از زیانکاران خواهیم بود (۲۳) گفت فرود آئید. بعضی از شما دشمن بعضی دیگر خواهد بود، و در زمین تا مدتی معین استقرار و برخورداریی خواهید داشت (۲۴) و خداوند همچنین فرمود که در آن زندگی خواهید کرد و در آن درخواهید گذشت و از آن در روز قیامت خارج خواهید شد (۲۵)

ای فرزندان آدم! برایتان لباسی نازل کردیم که زشتی های شما را بپوشاند و نیز مایه زیبائی تان شود و لباس تقوی بهتر است. این از آیات خداست شاید پند گیرید (۲۶) ای فرزندان آدم! مبادا شیطان شما را بفریبد چنانکه والدین شما را از آن باغ بیرون کرد. لباسشان را از آنها می کند تا زشتی هایشان را به آنان بنماید. او و قبیله اش از جائیکه نمی بینید شما را زیر نظر دارند. ما شیاطین را اولیاء کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند (۲۷) همان کسانی که هنگامیکه گناه بزرگ و عمل زشتی مرتکب شدند میگویند پدرانمان نیز چنین میکردند و خداوند مجبورمان کرد. بگو خداوند به کارهای زشت فرمان نمیدهد. آیا علیه خداوند چیزی میگوئید که علمش را ندارید؟

(۲۸) ای پیامبر! بگو پروردگارم به عدالت فرمانم داده و اینکه روهای خویش را به هر مسجدی متوجه کنید و او را در حالی که دین خویش را برای او خالص کرده اید بخوانید. البته او همانطور که آفرینش شما را آغاز نمود شما را پس از مرگ در قیامت به حیات برمیگرداند (۲۹) در حالیکه در این دنیا گروهی هدایت شدند و ضلالت هم بر گروهی فرود آمد. البته آنها کسانی هستند که شیطان ها را بجای خداوند اولیاء خویش گرفته بودند و تصور هم می کردند که هدایت شده هستند (۳۰) و بگو ای فرزندان آدم! زینت خویش را نزد هر مسجدی برگیرید. و بخورید و بیاشامید اما اسراف نکنید که او اهل اسراف را دوست نمیدارد (۳۱) ای پیامبر! بگو چه کسی زینت خداوندی و روزی های پاکیزه را که برای بندگانش بیرون آورده، تحریم کرده؟ بگو این مواهب در روز قیامت فقط برای کسانی است که در این زندگی دنیا ایمان آورده اند. ای پیامبر! بدان که این چنین آیات را برای صاحبان علم بیان می کنیم (۳۲) بگو جز این نیست که پروردگارم کارهای زشت را، چه پنهان باشد و چه آشکار، و گناه، و تجاوز ناحق، و اینکه برای خداوند چیزی را که دلیلی برای آن نازل نکرده شریک بگیرید، حرام کرده و نیز حرام کرده که درباره خداوند چیزی بگوئید که علم ندارید (۳۳)
هر امتی سرآمدی دارند که اگر سرآمدشان بیاید، نه ساعتی تاخیر می کند و نه جلو می افتد (۳۴)

ای فرزندان آدم! هر گاه فرستادگانی از جنس خودتان بسویتان آمد که آیات مرا برایتان میگویند، هر کس که تقوی گزید و اصلاح کرد نه ترسی داشته باشد و نه اندوهگین باشد (۳۵) و آنانکه آیاتمان را تکذیب کنند و نسبت به آن گردنفرازی نمایند، اهل آتشند که در آن جاودان خواهند بود (۳۶)

ای پیامبر! از اینان بپرس چه کسی ستمکارتر است از کسی که افترای دروغ به خداوند ببندد یا آیاتش را تکذیب کند؟ نصیب آنها از آنچه که در آن کتابِ قانون دادرسیِ آخرتی مقرر شده به آنان میرسد و ملائکهء فرستاده ما بسویشان می آیند، میگویند

بجز بسوی خداوند به کجا دعا میکردید؟ میگویند گمشان کرده ایم و علیه خویش شهادت میدهند که کافر بوده اند (۳۷) به آنها گفته میشود در گروه هائی از جن و انس که قبل از شما بوده اند داخل آن آتش شوید. هر گاه که گروهی داخل میشوند دیگری را لعنت می کنند تا اینکه همگیشان جمع میشوند. متاخران نسبت به متقدمان میگویند خداوندا اینها گمراهمان کردند، پس، از آن آتش عذابی دو چندان به آنان ده. و جواب می شنوند که برای همگی دو چندان است ولیکن شما نمیدانید (۳۸) متقدمان میگویند شماها هیچ برتریی بر ما ندارید، پس عذاب را بچشید برای آنچه که خودتان کسب کرده اید (۳۹) کسانی که آیاتمان را تکذیب کرده و نسبت به آن سرافرازی کرده اند درهای آسمان برایشان باز نمیشود و وارد بهشت نمیشوند، چنانکه شتر از سوراخ سوزن رد نمیشود و سزای مجرمان این است (۴۰) از جهنم بستری خواهند داشت و در بالایشان هم از همان جهنم پوششی. و سزای ظالمان را چنین میدهیم (۴۱)

اما در مورد مومنان صالح عمل، به هیچکس جز به اندازه توانش تکلیف نمی کنیم. آنها یاران بهشتند که در آن جاودان خواهند بود (۴۲) و هر کینه ای را که در دلهاشان هست میزدائیم. از کف بهشت های آنها نهرها جاری است و میگویند سپاس خدای را که مارا به این هدایت کرد و ما اینطور نبودیم که اگر خداوند هدایتمان نکرده بود خودمان به این موقعیت هدایت شویم. البته فرستادگان پروردگارمان به حق آمدند و به آنان ندا میشود که شما این بهشت را بسبب عملی که میکردید مالک شده اید (۴۳) اهل بهشت اهل جهنم را صدا میزنند که ما آنچه را که پروردگارمان وعده مان میداد حق یافتیم آیا شما هم وعده پروردگارتان را حق یافتید؟ میگویند بله و بین آنها جارزننده ای جار میزند که لعنت خدا بر ظالمان خواهد بود (۴۴) همانها که از راه خدا جلوگیری میکردند و آنرا کج میخواستند و به آخرت هم کافر بودند (۴۵) و بین آنان حجابی خواهد بود.

و مردانی در بلندی ها خواهند بود که همگی آنها را از سیمایشان می شناسند و به اهل بهشت میگویند سلام بر شما. آنها هنوز داخل آن نشده و طمع آن را دارند (۴۶) و وقتیکه چشمشان میگردد و به اهل آتش می افتد میگویند پروردگارا ما را با قوم

ظالمان قرار نده (۴۷) و اهل بلندی ها به کسانی که آنها را از سیمایشان می شناسند میگویند جمعیت شما و سرکشی تان بدردتان نخورد (۴۸) آیا این بهشتیان همان کسانی نیستند که قسم میخوردید مشمول رحمت خداوند نخواهند شد؟ و بسوی آنها روی گردانده و میگویند داخل آن بهشت شوید که نه ترسی خواهید داشت و نه اندوهگین خواهید بود (۴۹)

اهل جهنم اهل بهشت را صدا میزنند که برایمان مقداری آب یا از آنچه خداوند روزیتان کرده بریزید، میگویند خداوند هردوی آنها را بر کافران حرام نموده است (۵۰) در این موقعیت خداوند میفرماید همانهائی که دینشان را به بازی و هوس گرفتند و زندگی دنیا مغرورشان کرد، پس امروز هم فراموششان می کنیم چنانکه آنها نیز امروزشان را فراموش کرده بودند و آیاتمان را انکار میکردند (۵۱) و البته کتابی که براساس علم، مشروح و مفصلش کرده بودیم، برایشان فرستادیم که برای مومنان هدایت و رحمتی بود. و آنها انکارش کردند (۵۲)

آیا منتظر معنی حقیقی آن بودند؟روزی که معنی حقیقی آن بیاید کسانی که قبلا فراموشش کرده بودند خواهند گفت فرستادگان پروردگارمان به حق آمده بودند، آیا شفیعانی خواهیم داشت که شفاعتمان کنند؟ یا اینکه برگردیم تا اعمالی کنیم غیر از آنچه میکردیم؟ جانهایشان را به ضرر انداختند و آنچه که افترا می بستند نیز از نزدشان محو گردید (۵۳)

البته پروردگارتان خداوند است که آسمانها و زمین را در شش مرحله آفرید. و آنگاه به عرش مستولی شد. شب را با روز می پوشاند که شتابان در طلب آن است. و خورشید و ماه و ستارگان به امر او رام هستند. آفرینش و تدبیر از آنِ اوست. پر برکت است پروردگار جهانیان (۵۴) پروردگارتان را به حالت تضرع و بطور پنهانی بخوانید که او تجاوزگران را دوست ندارد (۵۵) و در زمین پس از اصلاحش خرابکاری نکنید و او را با بیم و امید بخوانیدکه البته رحمت خداوند به نیکوکاران نزدیک است (۵۶) و هموست که بادها را پیشاپیشِ رحمتش میفرستد تا اینکه ابری سنگین بردارد و آنرا بسوی سرزمینی مرده می رانَد و با آن بارانی فرو می فرستد و از آن از هر گونه میوه

ای بیرون می آورد. مردگان را نیز چنین بیرون می آوریم. شاید پند گیرید (۵۷) سرزمین مناسب، روئیدنی هایش را به فرمان پروردگارش بیرون می آورد و از آن سرزمینی که نامناسب باشد چیزی جز اندکی ناچیز بیرون نمی آید. آیات را برای مردم شکرگزار چنین گونه گون ارائه میکنیم (۵۸)

همانا نوح را بسوی قومش فرستادیم و گفت ای مردم خداوند را عبادت کنید که خدائی جز او ندارید که من بر شما از عذاب روزی بزرگ میترسم (۵۹) عده ای از بزرگان قومش گفتند البته تو را در گمراهیی آشکار می بینیم (۶۰) گفت ای قوم گمراهیی ندارم ولیکن فرستاده ای از سوی پروردگار جهانیانم (۶۱) رسالت های پروردگارم را به شما میرسانم و برای شما خیر خواهی میکنم و درباره خداوند چیزهائی میدانم که شما نمیدانید (۶۲) آیا تعجب کرده اید که پندی از جانب پروردگارتان بر مردی از خودتان آمده تا شما را هشدار دهد تا تقوا پیشه کنید و شاید مورد رحمت واقع شوید؟ (۶۳) پس تکذیبش کردند، ما هم او و نیز همراهانش را در آن کشتی نجاتشان دادیم و مکذبانی را که آیاتمان را تکذیب کرده بودند غرق نمودیم که آنها مردمی نابینا بودند (۶۴)

و بسوی قوم عاد برادرشان هود را فرستادیم، گفت ای قوم خداوند را عبادت کنید که خدائی جز او ندارید، آیا تقوا پیشه نمی کنید؟ (۶۵) عده ای از بزرگان کافران قوم او گفتند ما تو را در سبکسری می بینیم و البته تو را از دروغگویان میشماریم (۶۶) گفت ای مردم سبکسریی در من نیست ولیکن فرستاده ای از جانب پروردگار جهانیانم (۶۷) که رسالت های پروردگارم را به شما میرسانم و برایتان خیر خواهی امینم (۶۸) آیا تعجب می کنید که پندی از جانب پروردگارتان بر مردی از میان خودتان آمده تا هشدارتان دهد؟ و بیاد آرید که خداوند شما را پس از قوم نوح جانشینانی قرار داد و

در آفرینشتان فزونیی به شما داد. پس نعمتهای خدا را شکر کنید شاید رستگار شوید (۶۹) گفتند آیا بسوی ما آمده ای که خداوند یکتا را عبادت کنیم و آنچه را که پدرانمان می پرستیدند رها کنیم؟ پس آنچه را که بما وعده میدهی بیاور اگر راست میگوئی (۷۰) گفت بطور حتم از جانب پروردگارتان بر شما پلیدی و غضبی فرود آمده است. آیا با من درباره نامهائی که خودتان و پدرانتان نامگذاری نموده اید و خداوند هیچ دلیلی راجع به آنها نازل ننموده جدال می کنید؟ پس منتظر باشید که من نیز از منتظرانم (۷۱) او و همراهانش را به رحمت خویش نجات دادیم و دنباله کسانی که آیاتمان را تکذیب نموده و مومن نبودند قطع نمودیم (۷۲)

و بسوی ثمود برادرشان صالح را فرستادیم که گفت ای مردم خداوند را عبادت کنید که غیر از او خدائی ندارید. از پروردگارتان دلیل روشنی بسویتان آمده است. این شتر خداست که برایتان نشانه ای است. پس بگذارید در زمین خدا بچرد و بدیی به او نرسانید که عذابی دردناک شما را در خواهد گرفت (۷۳) و بیاد آورید که خداوند پس از قوم عاد شما را جانشینانی قرار داد و در زمین جایتان داد که از تپه های آن قصرهائی برمیگرفتید و کوه ها را برای خانه سازی می تراشیدید. پس نعمت های خدا را بیاد آرید و در زمین فساد نیانگیزید (۷۴) بزرگانی از قومش که گردنفرازی میکردند به بعضی از مومنان که ضعیف نگهداشته شده بودند گفتند آیا شما حتم دارید که صالح از جانب پروردگارش پیغمبر است؟ گفتند ما به آنچه که محتوای رسالت اوست ایمان داریم (۷۵) گردنفرازان گفتند ما به آنچه که شما به آن ایمان آورده اید کافریم (۷۶) پس آن شتر را پی کردند و از فرمان پروردگارشان سرپیچیدند و گفتند ای صالح آنچه که وعده اش را میدهی بیاور اگر از پیامبرانی (۷۷) پس آن لرزه آنها را بگرفت و در خانه ها شان بی جان شدند (۷۸) و او از آنها روی گرداند و گفت ای مردم رسالت

پروردگارم را رساندم و برایتان خیر خواهی کردم ولیکن شما دوستدار خیرخواهان نبودید (۷۹)

و لوط آن هنگام که به قومش گفت آیا به کار زشتی که قبلا هیچکس مرتکب نشده می پردازید؟(۸۰) برای شهوت بجای زنان به مردان رو می کنید؟ بلکه مردمی اسرافکارید (۸۱) جواب قوم او جز این نبود که آنها را از شهرتان بیرون کنید زیرا که آنها در پی پاکیزگی میباشند (۸۲) پس او و اهلش را نجات دادیم. غیر از زنش را که از بازماندگان بود (۸۳) و بارانی خاص و مهلک بر آنها باراندیم. بنگر عاقبت مجرمان چه بود (۸۴)

و بسوی مدین نیز برادرشان شعیب را فرستادیم. گفت ای مردم خداوند را عبادت کنید که خدائی جز او ندارید. البته نشانه روشنی بسویتان آمده. پس پیمانه و ترازو را تمام دهید و کالای مردم را کم ندهید و در زمین پس از اصلاحش فساد نکنید. این برایتان بهتر است اگر ایمان دارید (۸۵) و بر سر هر راهی ننشینید که مردم را بترسانید تا کسی را که به خدا ایمان آورده از راه خدا باز دارید و آن را کج بخواهید. و بیادآرید که کم بودید و خدا زیادتان کرد و ببینید عاقبت مفسدان چگونه بود (۸۶) و اگر عده ای از شما به آنچه که به آن فرستاده شده ام ایمان آوردند و عده ای هم ایمان نیاوردند صبر کنید تا خداوند بین ما حکم کند که همو بهترین داور است (۸۷) بزرگانی از گردنفرازان قوم او گفتند ای شعیب هم تو را و هم کسانی را که به تو ایمان آورده اند از شهرمان بیرون می کنیم، مگر اینکه دوباره به دین ما برگردید. گفت حتی اگر دلمان نخواهد؟ (۸۸) در آنصورت پس از اینکه خداوند ما را از دین شما نجات داد اگر داخل آن شویم به خداوند افترای دروغ بسته ایم و سزاوارمان نیست که داخل آن شویم مگر اینکه خداوند پروردگارمان بخواهد. علم پروردگارمان همه چیز را فرا گرفته. به خدا

توکل می کنیم. پروردگارا بین ما و بین قوم ما به حق مشکل را بگشای که تو بهترین گشاینده ای (۸۹) و بزرگانی از گردنفرازان کافر قومش گفتند اگر شعیب را پیروی کنید حتما از زیانکاران خواهید بود (۹۰) پس آن لرزه آنها را بگرفت. و در خانه هاشان به حالت بیجان به زانو درآمدند (۹۱) آنان که شعیب را تکذیب کردند گوئی هرگز در آنجا نبودند. آنان که شعیب را تکذیب کردند خودشان زیانکار شدند (۹۲) پس، از آنان روی گرداند و گفت ای مردم رسالت های پروردگارم را به شما رساندم و برایتان خیرخواهی کردم. اینک چگونه براحوال مردمی کفر پیشه اندوهگین باشم؟ (۹۳)

ای پیامبر! در اواخر عمر هیچ تمدنی از تمدنهای ماقبل تاریخ، هیچ پیغمبری نفرستادیم مگر اینکه اهالی آنها را پس از گوش ندادن به پیامبرشان به سختی و ناراحتی دچار نمودیم تا توبه و تضرع کنند که البته متنبه نشده و توبه و اظهار پشیمانی نمیکردند (۹۴) لذا بجای چیزهائی که به نظرشان ناراحتی بود، برایشان چیزهایی را که خوش میداشتند، پیش می آوردیم تا اینکه خوشحالی میکردند و میگفتند این که چیز مهمی نبود و به پدرانمان نیز همواری و سختی رسیده بود. اما در این حالِ غفلت ناگهان آنها را برمیگرفتیم در حالیکه متوجه نبودند (۹۵) و البته اگر اهالی آن تمدن ها ایمان می آوردند و تقوا پیشه میکردند حتما درهای نعمت های بسیار زیادی را از آسمان و زمین برویشان میگشودیم ولیکن تکذیب میکردند و آنها را بسبب آنچه که انجام میدادند برمیگرفتیم (۹۶) آیا اهالی آن تمدن ها ایمن بودند که سختیِ ما در هنگام خوابِ شبانه بر آنها در آید؟ (۹۷) آیا اهالی آن تمدن ها ایمن بودند که سختیِ ما در هنگام ظهر که مشغول تفریح بودند بر آنها در آید؟ (۹۸) آیا از مکر خدا ایمن بودند؟ البته کسی خود را از مکر خدا ایمن بداند از خسارت پیشگان خواهد بود (۹۹) ای پیامبر! آیا این معاصرانت که پس از آنها وارث آن سرزمین ها شدند به این نکته راه نیافتند که اگر بخواهیم به سبب گناهانشان آنها را نیز فرو میگیریم و بر دلهاشان مُهر میزنیم که دیگر سخن حق را نتوانند شنید؟ (۱۰۰) ای پیامبر! این سرگذشتِ تمدن هائی مانند قوم نوح و عاد و ثمود و لوط و مدین است که برایت گفته ایم و البته پیامبرانشان

با دلایل روشن بسویشان آمده بودند، اما آنها اینطور نبودند که به چیزی که قبلا عملا تکذیبش کرده بودند بطور زبانی ایمان بیاورند و خداوند بر دلهای کافران چنین مُهرمیزند (۱۰۱) و ما در اکثر آنها هیچ پایبندیی به آن پیمانی که سبب ایجاد تمدنشان بود ندیدیم و اکثرشان را هم از فاسقان یافتیم (۱۰۲)

آنگاه پس از آنها موسی را با آیاتمان بسوی فرعون و بزرگانش برانگیختیم، و آنها به آن آیات ظلم کردند. پس بنگر عاقبت مفسدان چه شد (۱۰۳) و موسی گفت ای فرعون من فرستاده ای از جانب پروردگار جهانیان هستم (۱۰۴) بر من فرض است که راجع به خداوند جز حق نگویم و البته با دلیل روشنی از جانب پروردگارتان بسویتان آمده ام پس بنی اسرائیل را با من بفرست (۱۰۵) گفت اگر نشانه ای داری بیاور اگر راست میگوئی (۱۰۶) و او عصایش را انداخت و فورا به اژدهائی آشکار تبدیل شد (۱۰۷) و دستش را بیرون آورد، پس فورا برای ناظران سفید گردید (۱۰۸) بزرگانی ازقوم فرعون گفتند او یک جادوگردانشمند است (۱۰۹) که میخواهد شما را با جادویش از سرزمینتان بیرون کند پس چه میفرمائید؟ (۱۱۰) آنها خطاب به فرعون گفتند او و برادرش را بازداشت کن و ماموران جمع آوری را به شهرها بفرست (۱۱۱) که همه جادوگران متخصص را برایت بیاورند (۱۱۲) و جادوگران بسوی فرعون آمدند، گفتند البته برایمان پاداشی خواهد بود اگر غالب شدیم؟ (۱۱۳) گفت بله و البته شما صاحب مقام نزدیک به من خواهید بود (۱۱۴) گفتند ای موسی تو آنچه در بساطت داری می اندازی یا ما اول بیاندازیم؟ (۱۱۵) گفت بیاندازید. پس هنگامی که انداختند چشمان مردم را سحر کردند و آنها را ترساندند و جادوی عظیمی براه انداختند (۱۱۶) و بموسی وحی کردیم که عصایت را بیانداز که فورا آنچه را که آنها ساخته بودند بلعید (۱۱۷) پس حق جا افتاد و آنچه انجام میدادند باطل گشت (۱۱۸) و در آنجا مغلوب شدند و خوار و خفیف گردیدند (۱۱۹) و جادوگران به سجده افتادند (۱۲۰) گفتند به پروردگار

جهانیان ایمان آوردیم (۱۲۱) پروردگار موسی و هارون (۱۲۱) فرعون گفت به او ایمان آوردید قبل از اینکه اجازه تان دهم؟ این حتما توطئه تان در این شهر است که اهالی آنرا از آن بیرون کنید، پس بزودی خواهید فهمید (۱۲۳) دستها و پاهایتان را برعکس یکدیگر قطع خواهم کرد آنگاه همگی تان را بدار خواهم کشید (۱۲۴) گفتند بسوی پروردگارمان رو خواهیم نمود (۱۲۵) و تو نیز فقط به این خاطر از ما انتقام میکشی که به آیات پروردگارمان، وقتی که بسویمان آمده، ایمان آورده ایم. پروردگارا به ما پایداری عنایت فرما و ما را مسلِم دریافت کن (۱۲۶) پس از این واقعه، بزرگانی از قوم فرعون گفتند آیا میگذاری موسی و قومش در زمین فساد کنند و تو و خدایانت را وانهند؟ گفت بزودی پسرانشان را می کشم و زنانشان را زنده میگذارم و البته ما بر آنها چیره ایم (۱۲۷) موسی به قومش گفت از خداوند یاری بخواهید و صبر کنید. زمین مال خداست. به هر کس از بندگانش که خواهد میدهد و عاقبت از آن اهل تقواست (۱۲۸) گفتند ای موسی قبل از اینکه بیائی اذیت میشدیم و پس از آن نیز اذیت میشویم، گفت چه بسا که پروردگارتان دشمنتان را نابود، و شما را در آن سرزمین جایگزین نموده و نظاره کند که چگونه رفتار می کنید (۱۲۹) و البته فرعونیان را به خشکسالی و کمبود میوه جات بگرفتیم شاید پند گیرند (۱۳۰) پس هنگامی که چیز خوشایندی بسویشان می آمد میگفتند این مربوط به ماست و اگر چیز ناخوشایندی به آنان میرسید به موسی و همراهان او فال بد میزدند. هلا! جز این نیست که فال بدشان نزد خداوند بود ولیکن اکثرشان نمیدانند (۱۳۱) و گفتند هر قدر هم که معجزه برایمان بیاوری که با آن سحرمان کنی به تو ایمان نخواهیم آورد (۱۳۲) پس بسویشان طوفان و ملخ و شپشک و قورباغه و خون را بعنوان نشانه هائی جدا جدا فرستادیم اما باز هم گردنفرازی کردند و قومی گناهکار شدند (۱۳۳) و هنگامی که آن عذاب برآنها فرود آمد گفتند پروردگارت را به آن عهدی که نزد توست بخوان که اگر این عذاب را

از ما کنار بزند حتما به تو ایمان می آوریم و بنی اسرائیل را همراهت می فرستیم (۱۳۴) پس هنگامی که آن عذاب را تا سرآمدی که به آن رسیدند برطرف کردیم فورا عهد شکنی کردند (۱۳۵) از آنها انتقام گرفتیم و در آن دریا غرقشان کردیم زیرا که آیاتمان را تکذیب کردند و از آنها غافل گردیدند (۱۳۶) و به آن قومی که ضعیف نگهداشته شده بودند مشرق و مغرب های آن زمین را که در آن برکت نهاده بودیم به ارث دادیم و کلمه نیکوی پروردگارت نسبت به بنی اسرائیل بسبب صبری که کردند کامل شد و آنچه را که فرعون و قومش میساختند زیر و رو کردیم (۱۳۷)

و بنی اسرائیل را از آن دریا گذراندیم. پس به قومی رسیدند که به پرستش بتهایشان مشغول بودند، گفتند ای موسی برای ما نیز خدائی قرار بده. گفت شما قومی نادانید (۱۳۸) آنچه اینها مشغولند نابود شدنی است و آنچه انجام میدهند باطل است (۱۳۹) آیا برای شما غیر از خداوند خدائی بخواهم در حالیکه همو بود که شما را برجهانیان برتری داد؟ (۱۴۰) و آن هنگام را فراموش کرده اید که از فرعونیان که عذابی تلخ بر شما روا میداشتند که پسرانتان را می کشتند و زنانتان را زنده میگذاشتند نجاتتان داد؟ که در این آزمایشی بزرگ از جانب پروردگارتان بود (۱۴۱) و با موسی قرار سی شب گذاشتیم و ده شب نیز به آن افزودیم و قرار او با پروردگارش به چهل شب کامل شد و موسی قبل از اینکه به میقات برود به برادرش هارون گفت در قومم جانشینم باش و اصلاح کن و راه مفسدان را پیروی مکن (۱۴۲) و هنگامیکه موسی به وعده گاه آمد و و پروردگارش با او سخن گفت، گفت پروردگارا خویش را بمن بنما تا بسویت نظر کنم، گفت هرگز مرا نخواهی دید ولیکن به آن کوه نگاه کن، پس اگر برجای خویش ایستاد بزودی مرا خواهی دید. و چون پروردگارش به آن کوه تجلی کرد آنرا خورد کرد و موسی به بیهوشی افتاد، پس چون برخاست گفت تو منزهی، بسویت توبه

کردم و من اولین مومن خواهم بود (۱۴۳) گفت ای موسی! تو را به رسالتم و با کلامم بر مردم برگزیدم. پس آنچه را به تو دادم بگیر و از سپاس گزاران باش (۱۴۴) و درباره همه چیز، در هر زمینه، پندی، و برای هر چیز تفصیلی در آن الواح برایش نوشتیم و گفتیم آنرا با قوت بگیر و قومت را فرمان ده که از بهترین های آن برگیرند. بزودی منزلگاه گناهکاران را به شما نشان خواهم داد (۱۴۵) بزودی کسانی را که در زمین گردنفرازی ناحق می کنند از آیاتم منصرف می کنم و هر نشانه ای را هم که ببینند به آن ایمان نمی آورند و اگر راه رشد را ببینند آن را انتخاب نمی کنند و اگر راه گمراهی را ببینند آنرا انتخاب می کنند. این به آن علت است که آیاتمان را تکذیب کردند و از آن غفلت نمودند (۱۴۶) و کسانی که آیاتمان و رسیدن به آخرت را تکذیب کنند اعمالشان نابود میشود. آیا این جز سزای عملشان است که انجام میدهند؟ (۱۴۷) و قوم موسی در غیاب او از زیورهایشان گوساله ای برگرفتند که بدنی بود که صدائی داشت. آیا ندیدند نه با آنان گفتگو می کند و نه به راهی هدایتشان میکند؟ آنرا به الوهیت برگرفتند و ظالم شدند (۱۴۸) و وقتیکه روی دستشان ماند و دیدند گمراه شده اند گفتند اگر پروردگارمان به ما رحم نکند و ما را نبخشد حتما از زیانکاران خواهیم بود (۱۴۹) و هنگامیکه موسی بسوی قومش برگشت غضبناک و متاسف بود. گفت درغیابم چه بدجانشینیی برایم کردید. آیا راجع به امر پروردگارتان عجله کردید؟ و آن الواح را انداخت و سربرادرش را گرفت و بسوی خویش می کشید. گفت ای پسر مادرم این مردم مرا ضعیف نمودند و نزدیک بود بکشندم پس دشمنان را به سرزنش من وادار مکن و مرا جزء قوم ظالمان بحساب نیاور (۱۵۰) گفت پروردگارا مرا و برادرم را ببخش و ما را در رحمت خویش داخل کن و تو مهربان ترین هستی (۱۵۱) بزودی کسانی که آن گوساله را به پرستش بگرفتند غضبی از پروردگارشان و خواریی در زندگی خواهند داشت و افترا زنندگان را چنین سزا میدهیم (۱۵۲) ولی کسانی که

اعمال زشت نمودند، و پس از آن توبه کردند و ایمان آوردند، البته پروردگارت پس از آن آمرزنده مهربان خواهد بود (۱۵۳) و هنگامیکه خشم موسی آرام شد آن الواح را برگرفت و در نسخه های آن برای کسانی که از پروردگار بیم داشتند هدایت و رحمتی بود (۱۵۴) موسی از میان قوم خویش هفتاد نفر را جهت وعده گاه ما انتخاب کرد. پس هنگامیکه آن لرزه آنها را بگرفت گفت پروردگارا اگرمیخواستی میتوانستی آنها و مرا قبلا هلاک کنی. آیا ما را بسبب رفتار سفیهانی هلاک میکنی؟ نه، بلکه این آزمایش توست. هرکس راخواهی با آن گمراه میکنی، و هر کس را خواهی هدایت میکنی. تو سرپرست مائی. پس ما را بیامرز و با ما مهربان باش و تو بهترین آمرزشگرانی (۱۵۵) و در این جهان برایمان نیکی مقرر کن و همچنین در آخرت، که ما بسوی تو هدایت یافته ایم. گفت عذابم به هر کس که خواهم میرسد اما رحمتم همه چیز را فرا گرفته است. و بزودی آنرا برای کسانی مقرر میدارم که تقوا پیشه کنند و زکوۀ دهند و به آیاتمان ایمان داشته باشند (۱۵۶) همانها که از پیغمبر فرستادهء درس نخوانده ای که بعدا خواهد آمد، که وصفش را در توراتی که نزدشان هست، و نیز در انجیل، می یابند، پیروی می کنند. همانکه آنها را به چیزهای خوب و پسندیده فرمان میدهد و از چیزهای ناپسند باز میدارد و چیزهای خوشایند را برایشان حلال و چیزهای ناخوشایند را برآنها حرام مینماید و نیز آنها را از تکالیف سنگین و قیودی که برآنها تحمیل شده معاف میکند. پس کسانی که به او ایمان آورده و گرامیش داشته و یاریش نموده و نوری را که با او فرستاده شده است پیروی کنند، البته رستگار خواهند بود (۱۵۷) ای پیامبر! بگو ای مردم! من فرستاده خداوند بسوی همگی شما هستم. همان خداوندی که فرماندهی آسمانها و زمین از اوست. خدائی جز او نیست. زنده میکند و میمیراند. پس به خداوند و فرستاده اش که پیغمبری درس نیاموخته است که به خداوند و کلماتش ایمان دارد، ایمان بیاورید شاید هدایت شوید (۱۵۸) و از قوم موسی عده ای

بودند که به حق هدایت شده و بسوی آن متمایل میشدند (۱۵۹) و آنها را بصورت دوازده گروه تقسیم کردیم و به موسی وحی کردیم که هر وقت خواست به قومش آب برساند با عصایش به آن سنگ بزند. پس دوازده چشمه از آن میشکافت. بطوریکه هر کسی آبشخور خویش را می شناخت و ابر را سایه بانشان کردیم و منّ و سلوی را برآنها نازل کردیم، و گفتیم از چیزهای خوشایندی که روزی تان کرده ایم بخورید، و وقتیکه رفتار های زشت نمودند بما ظلم نکردند بلکه به خودشان ظلم میکردند (۱۶۰) آن هنگام که به آنان گفته شد در این شهر سکونت گزینید و از هر جای آن خواستید بخورید و در دعاهایتان بگوئید خداوندا گناهان ما را فرو ریز و از آن دربِ معبد به سجده داخل شوید که خطاهایتان را ببخشیم و اگر چنین میکردند بزودی نیکوکاران را فزونی می بخشیدیم (۱۶۱) اما ظالمانشان آن قول را به قولی دیگر تبدیل کردند آنگاه عذابی از آسمان برای ظلمی که میکردند برآنها فرو فرستادیم (۱۶۲)

ای پیامبر! از یهودیان درباره آن شهر کنار دریا سئوال کن که چگونه به حرمت حکم روز شنبه تجاوز کردند، همان موضوع که ماهی ها هنگام برگزاری مراسم عبادات در روزهای شنبه دسته دسته بسویشان می آمدند ولی آنها از صیدشان ممنوع بودند و روز های غیر از شنبه نمی آمدند، و آنها در حکم ممنوعیت صید در روز شنبه نافرمانی کردند و به سبب نافرمانیشان گرفتارشان گردیم (۱۶۳) و در همان موضوع چنین بود که در همان هنگام عده ای آنها را از آن تخلف نهی مینمودند و عده ای دیگر میگفتند چرا قومی را که خداوند هلاک خواهد کرد یا به عذاب شدیدی برخواهد گرفت موعظه می کنید؟ و نهی کنندگان میگفتند بخاطر معذرتی از پروردگار و اینکه شاید نهی فایده داشته باشد و تقوا پیشه کنند (۱۶۴) پس هنگامی که آن پند را به فراموشی سپردند آنهائی را که از بدی نهی میکردند نجات دادیم و ظالمان را برای نافرمانی شان به عذابی بسیار زشت بگرفتیم (۱۶۵) پس وقتی که از آن نهیی که شده بودند

سرپیچیدند مقرر نمودیم بوزینگانی مطرود شوند (۱۶۶) و پروردگارت اعلام کرد که تا روز قیامت کسانی را بر آنها مسلط خواهد کرد که عذاب زشت بر آنها روا دارد. زیرا که پروردگارت زود کیفر است و در عین حال بسیار آمرزنده مهربان هم هست (۱۶۷)

و یهودیان را در زمین بصورت گروه هائی تقسیم کردیم. عده ای صالح و عده ای غیر از آنند و آنها را به چیزهای خوب و چیز های بد آزمودیم شاید بازگردند (۱۶۸) و پس از آن نسل، دیگرانی را جایگزین شان نمودیم که آن کتاب را به ارث بردند و متاع ناچیز این جهانی را میگرفتند و میگفتند بزودی آمرزیده میشویم و اگر باز هم متاع ناچیزی مانند آن به آنان دست میداد آنرا هم میگرفتند. آیا از آنها پیمان محکم گرفته نشده بود که درباره خداوند جز به حق نگویند؟ در حالیکه مطالب آن کتاب را هم فرا گرفته بودند. وسرای آخرت برای آنانکه تقوا پیشه می کنند بهتر است آیا نمی اندیشند؟ (۱۶۹) و کسانی که به آن کتاب چنگ میزنند و نماز بپامیدارند، البته ما پاداش اصلاحگران را ضایع نمی گذاریم (۱۷۰) و آن هنگام که آن کوه را مانند سایبانی برآنها قرار دادیم و گمان میکردند که برسرشان فرود خواهد آمد. ندا دادیم آنچه را به شما دادیم با قوت بگیرید و آنچه را در آن کتاب است یاد کنید شاید تقوا پیشه شوید (۱۷۱)

ای پیامبر! آن هنگام را در نظر بیاور که خداوند از فرزندان آدم از پشت هایشان فرزندانشان را برگرفت و از آنها شهادت خواست که آیا من پروردگارتان نیستم؟ گفتند بلی. شهادت میدهیم که چنین است. تا اینکه روز قیامت نگوئید ما ازاین غافل بوده ایم (۱۷۲) یا نگوئید پدرانمان قبلا شرک ورزیده بودند و ما فرزندان آنهائیم. آیا ما را بخاطر عمل آن باطل اندیشان هلاک میکنی؟ (۱۷۳) و آیات را چنین تشریح میکنیم شاید مردم به راه صحیح بازگردند (۱۷۴)

ای پیامبر! خبر آنکسی را برآنان بخوان که علم آیاتمان را به او داده بودیم. پس خود را از آن جدا کرد و شیطان او را به پیروی خویش در آورد و از گمراهان شد (۱۷۵) و اگر میخواستیم با همان علم او را بالا میبردیم ولیکن او خودش رو به سوی زمین کرد و از هوای نفس پیروی نمود، و مثال او مانند سگ است که اگر بسویش حمله کنی پارس میکند و اگر هم به او پشت کنی باز هم پارس میکند. مثال کسانی که آیاتمان را تکذیب می کنند نیز همین است. پس آن قصه ها را برایشان بگو شاید تفکر کنند (۱۷۶) چه بد است مثال مردمی که آیاتمان را تکذیب می کنند و به خویش ظلم روا میدارند (۱۷۷) کسی را که خداوند هدایتش کند همو هدایت شده است و کسی را که او گمراه کند همو از زیانکاران است (۱۷۸)

و البته بسیاری از جن و انس را برای جهنم آفریدیم. آنها کسانی هستند که دلهائی دارند اما با آن فهم نمی کنند و چشم هائی دارند اما با آنها نمی بینند و گوشهائی دارند اما با آن نمی شنوند. مانند چارپایانند بلکه از آن هم بدترند و آنها همان غافلانند (۱۷۹)

و خداوند دارای نامهائی نیکوست. او را به آنها بخوانید و آنهائی را که از نامهای او منحرف شده اند واگذارید. آنها بزودی سزای آنچه را که میکرده اند خواهند دید (۱۸۰)

و از بین کسانی که آفریده ایم، گروهی هستند که به راه حق هدایت می کنند و به همان هم تمایل دارند (۱۸۱) و کسانی هم که آیاتمان را تکذیب می کنند بزودی آنها را پس از اینکه تدریجا به نعمتها متنعم می کنیم، ناگهان میگیریم (۱۸۲) و مهلتشان میدهیم که نقشه ما محکم است (۱۸۳) آیا به این نمی اندیشند که این پیامبر که مصاحبشان است هیچگونه جنونی ندارد و او جز هشدار دهنده ای آشکار نیست؟ (۱۸۴) آیا در ملکوت آسمانها و زمین نمی نگرند و نیز آنچه که خداوند آفریده و نیز

اینکه چه بسا سرآمدشان نزدیک شده باشد؟ پس غیر از اینها به چه چیزی باور خواهند داشت؟ (۱۸۵) کسی را که خداوند گمراه کند هیچ هدایت کننده ای نخواهد داشت و آنها را در سرکشی شان در حالیکه کور دل میباشند رها می کند (۱۸۶)

ای پیامبر! از تو درباره قیامت میپرسند که کی فرا میرسد. بگو جز این نیست که علم آن نزد پروردگارم است. وقتش که برسد هیچکس غیر از او آشکارش نمی کند. بارِ وقوع قیامت در آسمانها و زمین سنگین است. جز بطور ناگهانی بسراغتان نمی آید. چنان از تو می پرسند که گوئی تواز آن آگاهی. بگو جز این نیست که علم آن نزد خداوند است ولیکن اکثر مردم نمیدانند (۱۸۷) بگو من برای خود مالک نفع و ضرری نیستم مگر آنچه خداوند خواسته باشد و اگر علم غیب میداشتم ازخواستنی ها زیاد برمیگرفتم و بدیی بمن نمیرسید. من جز هشدار دهنده و مژده دهنده ای برای مومنان نیستم (۱۸۸)

ای پیامبر! بگو خداوند هموست که شما را از یک جان آفریده و جفت او را نیز از همان قرار داد تا بدو آرامش یابد. پس چون با او در آمیخت و او بار سبکی برداشت و مدتی گذشت، چون سنگین شد، خداوند را که پروردگارشان باشد دعا می کنند که اگر فرزند سالمی بما دهی حتما از شاکران خواهیم شد (۱۸۹) اما وقتی که فرزند سالمی به آنها داد در مورد آنچه به آنان داده برایش شریکانی قرار میدهند. اما خداوند از آنچه با او شریک قرار میدهند بالاتر است (۱۹۰) آیا شریکانی قرار میدهند که چیزی نمی آفرینند و خودشان مخلوقند؟ (۱۹۱) و نمیتوانند به آنان و نه حتی به خودشان کمکی کنند؟ (۱۹۲) ای مومنان! اگر این مشرکان را بسوی هدایتی که خودتان از آن بهره برده اید بخوانید پیرویتان نمی کنند، برایشان فرقی نمی کند چه آنان را بخوانید چه ساکت باشید (۱۹۳) ای مشرکان! آنهائی را که غیر از خداوند به دعا می خوانید بندگانی

هستند امثال خودتان. پس بخوانیدشان و باید اجابتتان کنند اگر راست میگوئید (۱۹۴) آیا پائی دارند که با آن راه روند؟ یا دستی که با آن به محکمی بگیرند؟ یا چشمهائی که با آن ببینند؟ یا گوشهائی که با آن بشنوند؟ ای پیامبر! به مشرکان بگو آن باصطلاح شریکان را بخوانید و آنگاه حیله ای برایم کنید و هیچ مهلتی هم بمن ندهید (۱۹۵)

ای پیامبر! بگو البته سرپرست من خداوند است که آن کتاب را بر من فرستاد و همو سرپرست صالحان است (۱۹۶) و آنهائی که غیر از او میخوانید نمیتوانند کمکی به شما و نه حتی به خودشان کنند (۱۹۷) ای پیامبر! اگر این مشرکان را برای هدایت بخوانی نمی شنوند و می بینی که بسویت مینگرند اما حقیقت را نمی‌بینند (۱۹۸) ای پیامبر! حال که چنین است، عفو پیشه کن و به نیکی فرمان ده و از جاهلان روگردان باش (۱۹۹) و اگر از جانب شیطان به وسوسه ای دچار شدی که به وسواس افتادی، به خداوند پناه بر که شنوای داناست (۲۰۰) تقوا داران وقتی که عبور کننده ای شیطانی برخوردی با آنها کند متوجه خداوند میشوند و فورا به بصیرت می آیند (۲۰۱) و برادران شیطان صفتِ آن دیگران، آنها را در همان گمراهی شان کمکشان می کنند وکوتاه نمی آیند (۲۰۲) و چون آیه ای بسویشان نیاوری میگویند چرا فراهم نکرده ای؟ بگو جز این نیست که من فقط وحیی را که از پروردگارم بسویم میشود پیروی میکنم. این مایه بصیرت هائی از جانب پروردگارتان و هدایتی و مهربانیی برای مردمی است که ایمان پیشه اند (۲۰۳)

ای مومنان! هنگامی که قرآن خوانده میشود به آن گوش دهید و سکوت کنید شاید مورد مِهر واقع شوید (۲۰۴) ای پیامبر! پروردگارت را صبح ها و شب ها در دل خویش به حالت تضرع و نگرانی یاد کن و صدایت را بلند مکن و از غافلان نیز مباش (۲۰۵)

آنان که نزد پروردگارت هستند از عبادتش سرپیچی و گردنفرازی نمی کنند و او را به پاکی می ستایند و برایش سجده می کنند (۲۰۶)

سوره کهف

بسم الله الرحمن الرحیم

ستایش خاص خداوندی است که این کتاب را بر بنده اش نازل کرد و در آن کژیی قرار نداد (۱)

کتابی که استوار است. و این ماموریت را هم دارد که از عذاب شدیدی از جانب خداوند هشدار دهد، و نیز مومنانی را که عمل شایسته می کنند مژده دهد که پاداشی نیکو خواهند داشت (۲)

که در آن جاودان خواهند بود (۳) و نیز کسانی را که میگویند خداوند فرزندی گرفته هشدار دهد (۴)

علمی به آن ندارند. پدرانشان نیز همینطور. این کلمه ای که از دهانشان بیرون می آید گُنده است و چیزی جز دروغ نیست (۵)

ای پیامبر! شاید میخواهی خودت را از شدت تأسف در پی آنها هلاک کنی که چرا به این کلام ایمان نمی آورند (۶) ما آنچه را که بر روی زمین هست زینتی قرار دادیم تا آزمایششان کنیم که کدامشان خوش عمل ترند (۷) و البته آنچه را که بر زمین هست به وقتش بصورت خاک خشک بایر در خواهیم آورد (۸)

ای پیامبر! آیا فکر میکنی اصحاب آن غار و آن نوشته از نشانه های عجیب ما هستند؟ (۹) آن هنگام که آن جوانان به آن غار پناه آوردند و گفتند پروردگارا ازجانب خویش رحمتی بما عطا کن و برایمان در کارمان هدایتی فراهم فرما (۱۰) پس در آن غار چند سالی آنها را به خواب بردیم (۱۱) آنگاه آنها را برانگیختیم تا معلوم کنیم کدام یک از آن دو گروه مدتی را که در خواب درنگ کرده بودند بهتر میشمارند (۱۲) ما قصه آنها را به حق بر تو میخوانیم. آنها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آورده بودند و

ما نیز هدایتشان را زیاد کردیم (۱۳) و دلهاشان را قوی نمودیم، هنگامیکه قیام کردند و گفتند پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمین است و ما هرگز غیر از او را نخواهیم خواند زیرا که در آنصورت سخنی بیجا گفته ایم (۱۴) اینها قوم ما هستند که غیر از او خدایانی بر گرفته اند پس چرا در موردشان دلیلی روشن ارائه نمی کنند؟ و چه کسی ظالمتر است از کسی که بر خداوند افترای دروغ بندد؟ (۱۵) به آنان الهام شد اینک که از آنها و آنچه غیر از خداوند می پرستند دوری می کنید، در آن غار پناه گیرید که پروردگارتان از رحمتش بر شما بگسترد و در کارتان برایتان گشایشی فراهم سازد (۱۶) ای پیامبر! اگر در آنجا بودی میدیدی که آفتاب هنگام طلوع از غارشان بطرف راست متمایل میشد و هنگام غروب بطرف چپ میگردید و آنان در فراخنای آن بودند. این از نشانه های خداوند است. هر که را خداوند هدایتش کند همو هدایت شده است و کسی را که گمراه کند هرگز برای او سرپرست رشد دهنده ای نخواهی یافت (۱۷) ای پیامبر! اگر در آنجا بودی آنها را بیدار می پنداشتی در حالیکه خوابیده بودند و ما آنها را به راست و چپ میگرداندیم و سگشان دو دست خود را بر آستانه غار گشوده بود. اگر بر آنان در می آمدی بحالت فرار روی میگرداندی و از آنها پر از ترس میشدی (۱۸) و چنین بود که پس از مدتی آنها را برانگیختیم تا از یکدیگر پرسش کنند. یکی از آنها گفت چقدر در اینجا درنگ کرده ایم؟ گفتند یک روز یا قسمتی از آن. برخی گفتند پروردگارتان مدت درنگ شما را بهتر میداند. اینک یکی را با این پول به شهر بفرستید تا ببیند کدام خوراک بهتر است و روزیی از آن بیاورد و باید ملتفت باشد که کسی متوجه شما نشود (۱۹) که اگر بر وضع شما مطلع شوند سنگسارتان می کنند یا شما را به دین خویش برمیگردانند و در آنصورت هرگز رستگار نخواهید شد (۲۰) و چنین بود که مردمِ قرون آینده را بر وضعشان مطلع کردیم تا بدانند وعده خدا حق است و اینکه درباره قیامت شکی نیست. آن هنگامی که بین خویش راجع به آنها مجادله میکردند و میگفتند بنای یاد بودی بر آنها بنا کنید. پروردگارشان به حال آنها داناتر است. آنهائی که درباره کار آنها بر دیگران غالب شده بودند گفتند بر غار آنها مسجدی خواهیم ساخت (۲۱)

ای پیامبر! مردم در باره آنها خواهند گفت سه تا بودند که چهارمی شان سگشان بود و بعضی میگویند پنج تا بودند که ششمی شان سگشان بود. تیری در تاریکی می اندازند و میگویند هفت تا بودند و هشتمی شان سگشان بود.
بگو پروردگارم به تعداد آنها داناتر است. جز عده کمی، کسی حقیقت را نمیداند. پس با آنها مجادله مکن، مگر بگو مگوئی سرسری، و درباره آنها از هیچ کدام از آنها نظر خواهی مکن (۲۲)
و هرگز مگو فردا فلان کار را خواهم کرد (۲۳) مگر آنکه بگوئی اگر خدا بخواهد، و اگر فراموش کردی پروردگارت را یاد کن و بگو چه بسا پروردگارم به نزدیکتر از این راهنمائیم کند (۲۴)
درغارشان سیصد سال ماندند که تقویم نگاران برای تبدیل قمری به شمسی نُه سال بر آن افزودند (۲۵) بگو خداوند بهتر میداند چه مدت ماندند.
غیب آسمانها و زمین در اختیار اوست.
و چه بینا و شنواست او.
غیر از او سرپرستی ندارند و در فرمانروائیش کسی را شریک نمی کند (۲۶)

ای پیامبر! آنچه را که بسویت از کتاب پروردگارت وحی شده پیروی کن که چیزی کلماتش را تغییر نمیدهد و هرگز جز او پناهی نخواهی یافت (۲۷) و خود را با کسانی که پروردگارشان را صبح ها و شبها میخوانند و رضایتش را میجویند شکیبا کن و مبادا چشمانت از آنها بلغزد و زینت زندگی دنیا را بخواهی و اطاعت کسی را مکن که قلبش را از یادمان غافل کردیم و خواستهء دلش را پیروی میکند و کارش به تباهی گرایش یافته است (۲۸) و به همگان بگو حق از جانب پروردگارتان است. هر کس خواهد ایمان بیاورد و هر کس خواهد کفر پیشه کند. که البته ما برای ظالمان آتشی تهیه کرده ایم که سراپرده های آن آنها را فرا میگیرد و هر وقت که اظهار تشنگی کنند چنین به فریادشان خواهند رسید که آبی مانند مس گداخته به آنها میدهند که

صورتهایشان را بریان می کند. چه نوشابه بد و چه آسایشگاه بدی است (۲۹) البته کسانی که ایمان آورده و عمل شایسته کنند بدانند که پاداش کسی را که کار نیکو کرد ضایع نخواهیم نمود (۳۰) بهشتهائی جاودان خواهند داشت که در کف آن نهرها جاری است. در آن دستبندهائی از طلا به بر و لباسهائی سبز از حریر و دیبا به تن کنند و بر تخت ها تکیه زنند. چه پاداش خوبی و چه آسایشگاه نیکویی است (۳۱)

برایشان مَثَل آن دو نفر را بزن که برای یکی شان دو باغستان انگور مهیا کردیم و دور تا دور هر دو را با نخل پوشاندیم و بین آنها کشتزاری قرار دادیم (۳۲) هر دو این باغها میوه هایشان را میدادند و هیچ نقصان نمی یافت و بین آندو نهری بشکافتیم (۳۳) و بار و بری بهم رسانده بودند. آنگاه که با رفیقش گفتگو میکرد به او میگفت من از تو ثروتمندتر و نیرومندترم (۳۴) و داخل باغش شد در حالیکه بر خویش ظالم بود و میگفت گمان نکنم که این هرگز از بین برود (۳۵) و گمان نکنم قیامت هم بپا شود و تازه اگر هم مرا بسوی پروردگارم برگردانند حتماً جایگاهی از اینهم بهتر خواهم یافت (۳۶) رفیقش که با او گفتگو میکرد گفت آیا به کسی که تو را از خاک و سپس از نطفه ای آفرید و سپس ترا بصورت مردی ساخته و پرداخته درآورد کافر شدی؟ (۳۷) اما بنظر من، او خداوند پروردگار من است و من هرگز با پروردگارم شریک قرار نمیدهم (۳۸) و چرا هنگامیکه داخل باغت شدی نگفتی «هر چه خدا بخواهد، هیچ نیروئی جز نیروی خدا نیست»؟ اگر هم می بینی که من از لحاظ مال و اولاد از تو کمترم (۳۹) چه بسا پروردگارم بهتر از باغت را بمن بدهد و از آسمان صاعقه ای به آن فرستد که زمینی بایر شود (۴۰) یا اینکه آب آن فرو رود و نتوانی آن را باز یابی (۴۱) و اتفاقاتی برایش افتاد، تا اینکه میوه اش بر باد رفت و او دستهایش را به حسرتِ مالی که خرج کرده بود به هم میمالید و زیر و رو میکرد و بعدا داربست های آن باغ نیز فرو ریخت

و او میگفت ای کاش برای پروردگارم شریک قرار نداده بودم (۴۲) و لشکری نداشت که در قبال خدا یاریش کنند و خودش نیز یاریگر خویش نبود (۴۳)

اینکه دنیاست، ولی در آخرت است که برای همگان معلوم خواهد شد که سروری خاص خداست که حق است. هم پاداش او بهتر و هم سرانجام دادن او نیکوتر است (۴۴)

ای پیامبر! از زندگی دنیا برایشان مثلی بزن که مانند آبی است که از آسمان فرو می فرستیم و روئیدنی های زمین با آن در می آمیزند، سپس خشک میشود، تا آنکه بادها آنها را پراکنده کند، و خداوند بر همه چیز تواناست (۴۵)

مال و فرزندان زینت زندگی دنیاست و چیزهای ماندنیِ شایسته نزد پروردگارت از لحاظ پاداش و امیدواری بهتر است (۴۶)

روزی خواهد رسید که کوهها را به جنبش درآوریم و زمین را آشکار بینند و آنها را گِرد آوریم و یکی را هم فرو گذار نکنیم (۴۷) و آنها به پروردگارت بصورت صف عرضه شوند، خطاب میشود همانگونه که بار اول شما را آفریده بودیم بسویمان آمدید بلکه می پنداشتید که هرگز برایتان موعدی قرار نداده ایم (۴۸) و کتابِ قانون جزاء و اعمال هرکس گذاشته میشود و مجرمان را بینی که از آن نگرانند و گویند وای بر ما این چه کتابی است که هیچ کوچک و بزرگی را وانگذاشته مگر که آنرا به حساب آورده و آنچه که انجام داده اند همه را حاضر می‌یابند و پروردگارت به هیچکس ظلمی نمی کند (۴۹)

و هنگامیکه به ملائکه گفتیم به آدم سجده کنید، پس سجده کردند مگر ابلیس که از جن بود. و از امر پروردگارش سر پیچید. آیا او و فرزندانش را بجای من دوست و

سرپرست میگیرید؟ در حالیکه آنها دشمن هستند؟ برای ظالمان چه بد جایگزینی است (۵۰) هنگام آفرینش آسمانها و زمین و آفرینش خودشان آنها را شاهد نگرفتم و اینطور نیستم که گمراهان را به کمک بگیرم (۵۱)

و در روز قیامت که خداوند میگوید آنهائی را که شرکایم تصور میکردید بخوانید. و میخوانندشان اما جوابی دریافت نمی کنند و بین آنها هلاکتگاهی قرار دادیم (۵۲) و مجرمان آتش را می بینند و گمان می کنند که در آن واقع خواهند شد و چیزی نمی یابند که از آن دورشان کند (۵۳)

و البته در این قرآن از هر مثلی، بطوری گوناگون برای مردم آورده ایم و انسان از هر چیزی پرخاشگرتر است (۵۴)

و هنگامیکه هدایت بسوی مردم آمد چیزی مانع آنان نشد که ایمان آورند و از پروردگارشان آمرزش خواهند مگر اینکه به همان روش پیشینیان پرداختند که ایمان نیاورند یا اینکه عذاب به استقبالشان آمد (۵۵)

و رسولان را نمی فرستیم مگر اینکه مژده و هشدار دهند و کافران به باطل جدل می کنند تا حق را با آن از بین ببرند و نشانه هایم و مایه های هشدار را به مسخره میگیرند (۵۶) و چه کسی ظالمتر است از کسی که به نشانه های پروردگارش پند داده شود، اما از آن روی برگرداند و آنچه را که از پیش فرستاده فراموش کند؟ ما بر دلهایشان پوشش ها نهاده ایم که آنها را نفهمند و در گوشهایشان سنگینی قرار داده ایم و اگر آنها را بسوی هدایت بخوانی، هرگز هدایت نخواهند یافت (۵۷) و پروردگارت آمرزشگرِ صاحب رحمت است. اگر آنها را بخاطر اعمالشان مواخذه کند عذابشان جلو خواهد افتاد. بلکه موعدی دارند که از آن گریزگاهی نخواهند یافت (۵۸)

این داستانها که قبلا برایت گفته ایم داستانهای شهرهائی بود که وقتی ظلم کردند هلاکشان کردیم و برای هلاکتگاهشان موعدی قرار دادیم (۵۹)

و هنگامیکه موسی به جوان همراه خویش گفت آرام نخواهم گرفت تا به محل تلاقی آن دو دریا برسم یا اینکه مدتی طولانی در راه باشم (۶۰) پس وقتی که به محل تلاقی آن دو رسیدند ماهی خویش را فراموش کردند و آن ماهی راه خود را در دریا در پیش گرفت (۶۱) و چون از آنجا گذشتند به جوان همراه خویش گفت غذایمان را بیاور که در این سفر به رنجی دچار شدیم (۶۲) گفت دیدی وقتی بر آن صخره جای گرفتیم ماهی را فراموش کردم؟ و جز شیطان مرا به فراموشی نیانداخت و آن بنحوی عجیب راهش را در دریا پیش گرفت (۶۳) گفت این همان چیزی است که بدنبالش بودیم پس جستجو کنان جای پای خویش را دنبال کرده و برگشتند (۶۴) و بنده ای از بندگانمان را یافتند که رحمتی از جانب خویش به او داده و از نزد خود علمی به او آموخته بودیم (۶۵) موسی به او گفت اجازه میدهی پیرویت کنم تا از علمی که به تو آموخته شده بمن بیاموزی و رشدی کنم؟ (۶۶) گفت هرگز نمیتوانی همراهی مرا تحمل کنی (۶۷) و چگونه به چیزی صبر خواهی کرد که به اخبار آن احاطه نداری؟ (۶۸) گفت انشاء الله مرا صبور خواهی یافت و تو را در هیچ موردی نافرمانی نخواهم کرد (۶۹) گفت پس اگر پیرویم میکنی از هیچ چیز سئوالی نکن تا خودم درباره آن به تو چیزی بگویم (۷۰) و رفتند. تا اینکه به کشتیی سوار شدند که او آن عالِم آن را سوراخ کرد. موسی گفت آیا آنرا سوراخ میکنی تا اهل آنرا غرق کنی؟ جدّا که کار ناشایستی کردی (۷۱) گفت نگفتم نمیتوانی همراهی مرا تحمل کنی؟ (۷۲) موسی گفت بازخواستم مکن. فراموش کرده بودم . و با من سخت گیری هم مکن (۷۳) و رفتند. تا اینکه به پسری رسیدند و او را کشت . گفت آیا یک شخص محترم را بدون اینکه قتلی کرده باشد کشتی؟ جدّا که کار بسیار زشتی کردی (۷۴) گفت آیا نگفتم

نمیتوانی همراهیم را تحمل کنی؟ (۷۵) گفت اگر بعد از این چیزی پرسیدم دیگر مصاحبت مرا تحمل مکن که از جانب من معذور خواهی بود (۷۶) و رفتند. تا اینکه به اهل شهری رسیدند و از آنها غذا خواستند و آنها از پذیرائی شان خودداری نمودند . اما در آن شهر دیواری یآفتند که داشت می افتاد و او آنرا برپا داشت. موسی گفت اگر میخواستی میتوانستی برای آن کار دستمزدی بگیری (۷۷) آن عالم گفت این دیگر وقت جدائی من و توست . اینک معنی آن چیزهائی را که نتوانستی تحملشان کنی بتو خواهم گفت (۷۸) اما آن کشتی، برای فقیران در دریا کار میکرد و من خواستم معیوبش کنم زیرا پشت سرش پادشاهی در پی آن بود که کشتی ها را بطور غصبی میگرفت (۷۹) و اما آن پسر، پدر و مادرش مومن بودند و ترسیدیم به کفر و طغیان دچارشان کند (۸۰) و خواستیم که خداوند بهتر از او را جایگزین کند که پاکیزه تر و مهربان تر باشد (۸۱) اما آن دیوار مال دو پسر یتیم در آن شهر بود و زیر آن گنجی بود و پدرشان نیز صالح بود و پروردگارت خواست بعنوان رحمتی از جانب او به رشد خویش برسند و گنجشان را استخراج کنند و من این کارها را سرخود نکردم. این بود علت آن چیزهایی که نتوانستی تحملش کنی (۸۲)

ای پیامبر! از تو درباره ذی القرنین می پرسند بگو بزودی درباره او برایتان مطلبی میخوانم (۸۳) ای پیامبر! اینک بگو خداوند چنین میفرماید که ما به ذی القرنین در زمین توانمندی داده و از هر چیز سر رشته ای به او عطا کردیم (۸۴) پس او نیز یکی از سر رشته ها را پیگیری کرد (۸۵) تا اینکه به سرزمینی رسید که انگار آفتاب در آن غروب میکند و چنین به نظرش رسید که آفتاب در چشمه ای گِل آلود فرو میرود و نزد آنجا قومی را یافت. گفتیم ای ذی القرنین اختیار با خودت، در میان این قوم فرمانروائی کن، یا عذابشان میکنی یا در میان آنان طریقه ای نیکو در پیش میگیری (۸۶) گفت اگر کسی ظلم کند بزودی عذابش می کنیم سپس بسوی پروردگارش باز

میگردد و او به عذابی ناخوشایند معذبش میکند (۸۷) و هر که ایمان آورد و عمل صالح کند جزائی نیکو خواهد داشت و بزودی از امر خویش به او آسانیی خواهیم نمود (۸۸) آنگاه باز هم سر رشته ای را پی گرفت (۸۹) تا اینکه به سرزمینی رسید که انگار آفتاب از آنجا طلوع میکند و چنین یافت که آن آفتاب بر قومی طلوع میکند که گوئی بین آنها و آفتاب حجابی قرار نداده ایم (۹۰) چنین است و ما از آن چیزهائی که نزد او بود خبر داشتیم (۹۱) آنگاه باز هم سر رشته ای را پی گرفت (۹۲) تا اینکه به بین آن دو دیواره رسید و آنطرف دو دیواره قومی یافت که وحشی بوده و سخن نمی فهمیدند (۹۳) مردم طرف مقابل به او گفتند ای ذی القرنین این قومِ یا جوج و ماجوج در زمین فساد می کنند، آیا ممکن است خرجی بتو بدهیم تا بین ما و آنها سدی قرار دهی؟ (۹۴) گفت توانمندیی که خداوند بمن داده بهتر است، اما شما با نیرو کمکم کنید تا بین شما و آنها حائلی قرار دهم (۹۵) برایم قطعات آهن بیاورید. تا اینکه بین آن دو دیواره را پُر کرد. گفت اکنون با آتش به آن بدمید تا اینکه آنرا مانند آتشی قرار داد. سپس گفت اینک مس گداخته برایم بیاورید تا بر آن بریزم (۹۶) در اثر این کارها بین دو دیواره پر شد و یاجوج و ماجوج نه میتوانستند از آن بالا روند و نه میتوانستند در آن نقب بزنند (۹۷) گفت این رحمتی است از جانب پروردگارم. اما هنگامی که وعده پروردگارم بیاید آن را هموار خواهد ساخت و وعده پروردگارم حق است (۹۸) ای پیامبر! در روز قیامت همه چیز تغییر میکند و میگذاریم همه عناصر رویِ زمینی بر هم موج زنند و در شیپور دمیده شود و آنگاه همه آنها را بطور شگفت انگیزی جمع میکنیم (۹۹) و آنروز جهنم را چنانچه باید و شاید به کافران عرضه خواهیم کرد (۱۰۰) به همان کسانی که چشم و گوش شان در مقابل ذکرم در پرده ای بود و نتوانستند سخن حق را بشنوند (۱۰۱) آیا کافران پنداشته اند که بندگانم را بجای من

سرپرست گیرند؟ البته جهنم را برای چنین کافرانی بعنوان پیشکشی آماده کرده ایم (۱۰۲)

ای پیامبر! بگو آیا خبرتان بدهم چه کسانی از جهت عمل زیانکارترند؟ (۱۰۳) همانهائی که سعیشان در زندگی دنیا بی نتیجه شد و فکر میکردند دارند کارِ خوب می کنند (۱۰۴) آنها کسانی هستند که به آیات پروردگارشان و ملاقاتش کفر ورزیدند، لذا اعمالشان نابود شده و روز قیامت برایشان وزنی بپا نمی کنیم (۱۰۵) جزایشان جهنم است بواسطه کفری که ورزیدند و آیات و فرستادگانم را به مسخره گرفتند (۱۰۶) البته مومنانِ دارای عمل صالح پیشکشی شان بهشت های فردوس است (۱۰۷) که در آن جاودانند که تغییری را در آن نمیخواهند (۱۰۸) بگو اگر دریا برای نوشتن کلمات پروردگارم مرکب بود، قبل از اینکه نوشتن کلمات پروردگارم تمام شود دریا تمام میشد حتی اگر نظیر آن را نیز بکمک می آوردیم (۱۰۹) بگو جز این نیست که من بشری مانند شما هستم با این فرق که بمن وحی میشود که خدایتان خدائی یگانه است. پس کسی که امید دارد به لقاء او برسد باید عمل صالح کند و در عبادتِ او کسی را شریک نکند (۱۱۰)

مرحله هشتم

به اوج رسیدن فشارها

اما در عین حال

تقویت روزافزونِ رشد مؤمنان

سوره فرقان

بسم الله الرحمن الرحیم

پر برکت است خداوند که همان کسی است که آن فرقگذارِ بین حق و باطل را بر بنده اش نازل کرد تا برای جهانیان هشدار دهنده ای باشد (۱)
همان کسی که فرمانروائی آسمانها و زمین از اوست و فرزندی برنگرفته، و در فرمانروائی شریکی ندارد، و همه چیز را آفریده، و بخوبی تدبیر کرده است (۲)

اما اینان خدایانی غیر از او به پرستش گرفته اند که چیزی نمی آفرینند و خودشان آفریده میباشند و درباره خویش نه مالک نفعی و نه ضرری و نه مرگی و نه زندگیی و نه برانگیختگیی می باشند (۳)

و کافران میگویند این قرآن چیزی جز دروغی که به خدا نسبت داده میشود نیست و دیگرانی هم در مورد تولیدش آن باصطلاح پیامبر را یاری کرده اند. البته آن کافران مرتکب ظلمی شده اند و سخن زوری گفته اند (۴) و میگویند قرآن افسانه هائی از گذشتگان است که این باصطلاح پیامبر می نویسد و صبح و شب بر او خوانده میشود (۵) ای پیامبر! بگو آنرا کسی که نهانی های آسمان ها و زمین را میداند نازل کرده که آمرزشگری مهربان است (۶) و میگویند این چه رسولی است که غذا میخورد و در بازارها رفت و آمد میکند، پس چرا فرشته ای همراه او فرستاده نشده تا در هشدار دادن با او همراه باشد؟ (۷) یا چرا گنجی برایش افکنده نشده یا اینکه چرا باغی ندارد که از آن بخورد؟ و ظالمان گفتند جز این نیست که شما از شخصی جادو زده پیروی می کنید (۸)

ای پیامبر! ببین چگونه برایت مثل هائی میزنند و گمراه شده اند و نمیتوانند راه را پیدا کنند (۹) پر برکت است کسی که اگر بخواهد چیزهائی بهتر از آن را برایت قرار میدهد، بهشتهایی که از کف آنها نهرها جاری است و برایت قصرهائی مهیا میکند (۱۰)

بلکه قیامت را تکذیب می کنند و ما نیز برای تکذیب کنندگان آتشی افروخته آماده کرده ایم (۱۱) که حتی وقتیکه از مکانی دور نیز آنها را ببینند، غضب و جوش و خروشی هولناک از آن میشنوند (۱۲) و هنگامیکه دست بسته به محل تنگی در آن انداخته شوند آرزوی هلاکت میکنند (۱۳) اینک فقط یکبار آرزوی هلاکت نکنید بلکه این آرزو را بسیار خواهید نمود (۱۴) بگو آیا این بهتر است یا بهشت جاودانی که به تقوا پیشگان وعده داده شده که پاداش و سرانجام آنهاست؟ (۱۵) که در آن هر چه بخواهند خواهند داشت و در آن جاودانند و وعده ای است که انجام آن بر عهده پروردگارت میباشد (۱۶)

روزی که آنها را و نیز آنچه را که غیر از خداوند می پرستیدند جمع کند و بگوید آیا شما بودید که بندگانم را گمراه کردید یا خودشان از آن راه گمراه شدند؟(۱۷) وآن باصطلاح شریکان گویند خداوندا تو منزهی، ما را نمیرسد که جز تو اولیائی بگیریم ولیکن آنها و پدرانشان را برخوردار کردی، تا اینکه آن پند را فراموش کردند و دچار هلاکت شدند (۱۸)ای کافران! ببینید آن باصطلاح خدایانتان چگونه در روز قیامت گفته های شما را تکذیب می کنند و شما نمیتوانید آن عذاب را از خودتان برگردانید و نمیتوانید یاری بجوئید و کسی از شما که ظلم کند عذابی بزرگ به او می چشانیم (۱۹)

ای پیامبر! قبل از تو نیز هیچ رسولی را نفرستادیم مگر اینکه آنها نیز غذا میخوردند و در بازارها راه میرفتند و بعضی از شما را برای بعضی دیگر مایه آزمون قرار دادیم که آیا صبر خواهید کرد؟ و پروردگارت بیناست (۲۰) و آنآنکه امیدی به لقای ما ندارند

میگویند چرا ملائکه بر ما نازل نمیشود یا پروردگارمان را نمی بینیم؟ اینها خود را در نزد خویش خیلی دستِ بالا گرفته اند و بسیار زیاده روی کرده اند (۲۱) روزی که ملائکه را ببینند آنروز دیگر برای گناهکاران نویدی نخواهد بود و به ملائکه خواهند گفت عذابم مکن، عذابم مکن (۲۲) و به اعمالشان خواهیم پرداخت و آنرا مانند گرد و غباری نابود خواهیم نمود (۲۳) در آنروز بهشتیان قرار گاه خوب و استراحتگاه عالی خواهند داشت (۲۴) و روزی که آسمان با ابر شکافته شود و ملائکه به وجهی حیرت انگیز نازل شوند (۲۵) آن روز فرمانروائیِ به حق و خاص خداوند است و برای کافران روزی سخت خواهد بود (۲۶)

روزی که ظالم بر دستهایش می کوبد و میگوید ایکاش با پیغمبر یک راهی در پیش میگرفتم (۲۷) وای بر من. ای کاش فلانی را دوست نمیگرفتم (۲۸) که مرا پس از آن پندی که بسویم آمده بود گمراه کرد و شیطان انسان را بحال خود رها میکند (۲۹) و پیغمبر میگوید پروردگارا قوم من از این قرآن دوری گزیدند (۳۰)

چنین است که برای هر پیغمبری دشمنی از گناهکاران قرار دادیم و پروردگار تو برای هدایت و یاری کافی است (۳۱) و کافران میگویند چرا قرآن یکباره بر او نازل نشده؟ برای آنکه قلب تو را بوسیله آن تثبیت کنیم و آنرا به آرامی بر تو خوانده ایم (۳۲) و کافران با هیچ مَثَلِ تحقیرآمیزی به تو رو نمی کنند مگر اینکه ما حق را با بهترین توصیف برایت می آوریم (۳۳) آنانکه بر رویهایشان بسوی جهنم کشیده میشوند جایگاه شان بدتر و خودشان گمراه ترند(۳۴)

ای پیامبر! بیاد آر که آن کتاب را به موسی دادیم و برادرش را نیز کمک کارش نمودیم (۳۵) و گفتیم بسوی قومی که آیاتمان را تکذیب کردند بروید و سپس فرعونیان را به وضعی عجیب هلاکشان نمودیم (۳۶) و قوم نوح نیز که پیامبران را تکذیب کردند غرقشان کردیم و آنها را برای مردم نشانه ای قرار دادیم و برای ظالمان عذابی دردناک آماده نمودیم (۳۷) و نیز قوم عاد و قوم ثمود و اصحاب رسّ و اقوام زیادی که بین آنها بودند را نیز (۳۸) و برای همگی آنها مثل ها زدیم و همگی را نابود کردیم (۳۹) و حتما بر آن شهری که بارانی بد بر آن بارانده شده است گذر کرده اند. آیا آنرا ندیده اند؟

البته کار اینان به این چیزها درست نمیشود زیرا زنده شدن پس از مرگ را باور ندارند (۴۰) و هنگامیکه می بینندت به مسخره ات میگیرند و میگویندایین است که خداوند بعنوان پیامبر برانگیخته است؟ (۴۱) نزدیک بود ما را هم اگر بر عقیده مان پایداری نکرده بودیم از خدایانمان منصرف کند و بزودی وقتی که آن عذاب را ببینند خواهند دانست چه کسی گمراه تر است (۴۲)

ای پیامبر! نظرت راجع به کسی که خواستهء دل خویش را خدای خویش بگیرد چیست؟ آیا تو نگهبان اوئی؟ (۴۳) شاید می پنداری که اکثر آنها می شنوند و تعقل می کنند، نه! آنها جز مانند چارپایان نیستند، بلکه گمراهترند (۴۴) آیا نمی بینی پروردگارت چگونه سایه را می‌کَشد و اگر میخواست آنرا ساکن قرار میداد، آنگاه آفتاب را راهنمای آن قرار داده؟(۴۵) آنگاه آنرا به گرفتنی ملایم بسوی خویش می برد؟ (۴۶) و هموست که شب را برای شما لباسی و خواب را آرامشی و روز را زندگی دوباره ای قرار داد (۴۷)

و هموست که بادها را قبل از باران رحمتش بعنوان نوید دهنده فرستاد و از آسمان آبی پاک کننده نازل نمود (۴۸) تا بوسیله آن سرزمین مرده را زنده نموده و بسیاری از چارپایان و آدمیانی را که آفریده سیراب کند (۴۹)

ای پیامبر! اینک این قرآن را بینشان گرداندیم شاید پند گیرند. اما اکثر مردم شانه خالی کردند و جز ناسپاسی کاری نکردند (۵۰) و اگر میخواستیم در هر شهری هشدار دهنده ای برمی انگیختیم (۵۱) پس، از کافران اطاعت مکن و بوسیله آن قرآن با آنان جهادی بزرگ کن (۵۲)

و هموست که دو دریا را بهم آمیخت، این یکی شیرین گوارا و دیگری شورِ تلخ. و بین آنها حائلی قرار داد و چیزی که انگار بوسیله آن هر یک به دیگری میگوید دور باش دور باش (۵۳) و هموست که از آب بشری آفرید و او را دارای نسب و سبب نمود، و پروردگار تو قدرتمند است (۵۴) و آنها بجز خداوند چیزهائی را عبادت می کنند که نفع و ضرری برایشان ندارد و آنگاه کافران علیرغم پروردگار از بتان پشتیبانی میکنند (۵۵)

ای پیامبر! تو را جز بعنوان مژده دهنده و هشدار دهنده ای نفرستاده ایم (۵۶) بگو از شما مزدی نمیخواهم مگر اینکه کسی بخواهد بسوی پروردگارش راهی بجوید (۵۷) ای پیامبر! بر آن زنده ای که مرگ ندارد توکل کن و به ستایشش تسبیح گوی و همو برای آگاهی برگناهان بندگان خویش بس است (۵۸)

همانکه آسمان ها و زمین و ما بین آنها را در شش مرحله آفرید و

سپس به عرش پرداخت، او خدای رحمان است. درباره او از کسی بپرس که آگاه است (۵۹) وقتی که به آنها گفته شود برای خداوند رحمان سجده کنید میگویند رحمان چیست؟ آیا به چیزی که شما میگویید سجده کنیم؟ و نفرتشان بیشتر میشود (۶۰) پربرکت است آنکه در آسمان برج هائی و در آن چراغی و ماه نورانی قرار داد (۶۱) و هموست که شب و روز را جایگزین یکدیگر قرار داد، و این، برای کسی که بخواهد پند گیرد یا شکر گزارد آیتی است (۶۲)

ای پیامبر! بندگان خداوند رحمان همان کسانی هستند که در روی زمین متواضعانه راه میروند و اگر جاهلان خطابشان کنند سخنی ملایم میگویند (۶۳)
و همانها که برای پروردگارشان قسمتی از شب را به عبادت به روز می آورند (۶۴)
و همانها که میگویند پروردگارا عذاب جهنم را از ما برطرف فرما زیرا که آن عذاب دست بردار نیست (۶۵) و بد قرارگاه و بد جایگاهی است (۶۶)
و همانها که وقتی خرج میکنند نه اسراف میکنند و نه سخت میگیرند و بین این دو حالت معتدلند (۶۷)
و کسانی که همراه خداوند معبود دیگری را عبادت نمی کنند و شخصی را که خداوند کشتنش را حرام کرده نمی کشند. مگر به حق. و زنا نمیکنند و هر که چنین کند با آن گناه ملاقات خواهد کرد (۶۸) عذابش در روز قیامت مضاعف خواهد بود و در آن به خواری جاودان خواهد ماند (۶۹) مگر آنکس که توبه کند و ایمان بیاورد و عمل صالح کند که خداوند بدیهای آنها را به نیکی بدل می کند و خداوند آمرزشگر مهربان است (۷۰) و کسی که توبه کند و عمل صالح انجام دهد حتما بسوی خداوند بازگشتی خوب

نموده است (۷۱)
و همانها که گواه باطل نمیشوند
و هنگامی که از لغو گذر کنند گذری بزرگوارانه می کنند (۷۲)
و همانها که چون به آیات پروردگارشان پندشان دهند کورکورانه نمی پذیرند (۷۳)
و همانها که میگویند پروردگارا از همسرانمان و فرزندانمان روشنی چشمی بما لطف کن و ما را از پیشوایانِ اهل تقوا قرار ده (۷۴)
آنها آن غرفه بهشتی را بخاطر صبری که کرده اند پاداش میگیرند و در آنجا با خوش آمد و سلام روبرو می گردند (۷۵) در آن جاودان خواهند بود. و چه قرارگاه و موقعیت خوبی است (۷۶)

ای پیامبر! بگو اگر دعوت شما از سوی پروردگارم نبود قدر و منزلتی نداشتید اینک که تکذیب کردید، این تکذیب بزودی همراهتان خواهد بود(۷۷)

سوره سجده

بسم الله الرحمن الرحیم

الم(۱)
فرو فرستادن این کتاب که شکی در آن نیست، از سوی پروردگار جهانیان است (۲)

شاید گویند آن را افترا بسته، نه! بلکه حق، و از جانب پروردگارت است، تا قومی را که قبل از تو هشدار دهنده ای بسویشان نیامده بود هشدار دهی، شاید هدایت یابند (۳)

خداوندی که آسمانها و زمین و آنچه را که بین آنهاست در شش مرحله آفرید، سپس به عرش پرداخت. غیر از او سرپرست و شفیعی ندارید. آیا پند نمی گیرید؟(۴) آن امر را از آسمان بسوی زمین تدبیر میکند،آنگاه در روزی که مقدار آن هزار سال از آن سالهائی است که می شمارید، بسوی او بالا میرود (۵) این خداوندِ دانای پنهانها و آشکارها است که همو پیروزمند مهربان است (۶) که آفرینش هر چیزی را نیکو کرده و خلقت انسان را از گِل آغاز نموده (۷) سپس نسل او را از خلاصه ای از آبی ضعیف قرار داد (۸) سپس او را بپرداخت و از روحش در او دمید و برایتان گوش و چشمها و دلها قرار داد. چه کم شکر میگزارید(۹)

و کافران میگویند: آیا وقتی که در زمین گم شدیم، آیا در آفرینشی جدید در خواهیم آمد؟ بگو بله، ولی ضمنا این را هم بدان که آنها این سخن را از این جهت میگویند که به ملاقات پروردگارشان کافرند (۱۰) بگو فرشته مرگ که بر شما گماشته شده، جان شما را دریافت می کند آنگاه بسوی پروردگارتان باز می گردید (۱۱)

ای پیامبر! اگر میدیدی چگونه مجرمان سرشان را نزد پروردگارشان به زیر انداخته و می گویند پروردگارا اینک حقایق را دیدیم و شنیدیم، ما را بر گردان تا عمل شایسته ای کنیم که یقین پیدا کرده ایم (۱۲) در آن روز به آنان جواب خواهیم داد که اگر می خواستیم، هدایت هر کس را به او می دادیم، و لیکن این حکم مقرر شده که جهنم از جنیان و آدمیانی مانند شما پر شود (۱۳) پس بسبب آنکه ملاقات امروزتان را فراموش کردید، این عذاب را بچشید که ما نیز با شما طوری رفتار میکنیم که انگار فراموشتان کرده ایم، و عذاب جاودانه را بسبب آنچه که می کردید بچشید (۱۴)

جز این نیست: کسانی به آیات ما مومنند هنگامی که به وسیله آن تذکر داده می شوند به سجده می افتند و پروردگارشان را تسبیح گویان ستایش می کنند و هیچ گردنکشیی هم نمی کنند (۱۵) پهلوهایشان را از رختخواب ها دور می کنند، و پروردگارشان را با بیم و امید می خوانند، و از آنچه روزیشان کرده ایم در راه خدا هزینه می کنند (۱۶)

ای پیامبر! هیچکس نمی داند به پاداش آنچه بجای آورده، چه چشم روشنی هائی برایش نهان شده است (۱۷)

آیا آن کس که مومن است مانند گناه پیشه است؟ هرگز مساوی نیستند (۱۸) آنانکه ایمان آورده و عمل شایسته کرده اند به جهت اعمالشان بهشت های جایگاه را خواهند داشت (۱۹) اما آنآنکه گناه پیشه کردند جایگاهشان آتش خواهد بود، هر گاه که بخواهند از آن خارج شوند به آن برگردانده می شوند و به آنان گفته می شود بچشید عذاب آتشی را که تکذیب می کردید (۲۰) و ما البته عذاب نزدیک تر را که هزیمت در جنگ یا مغلوبیت باشد زودتر از عذاب بزرگتر به آنها می چشانیم شاید به راه حق باز گردند (۲۱) و چه کسی ظالم تر است از آنکه به آیات پروردگارش تذکرش دهند اما روی بر گرداند؟ که البته از مجرمان انتقام می گیریم (۲۲)

و آن کتاب را به موسی دادیم، و در آن این مطلب بود که درباره ملاقات خداوند هیچ شکی نداشته باش، و آن را هدایتی برای بنی اسرائیل قرار دادیم (۲۳) واز بین آنها پیشوایانی قرار دادیم که به امر ما هدایت میکردند، چون صبور بودند و به آیات ما یقین داشتند

(۲۴) البته پروردگارت خودش در روز قیامت درباره آنچه که درباره آن اختلاف می کرده اند بین آنها حکم خواهد کرد (۲۵)

مگر نمی دانند چه اقوامی را قبل از آنان هلاک کرده ایم که دارند در مسکن های آنها گام میزنند؟ البته در این موضوع نشانه هائی است. آیا نمی شنوند؟ (۲۶) آیا نمی بینند که ما آب را به سوی زمین بایر میرانیم و بوسیله آن محصولی پدید میآوریم که خودشان و چهارپایانشان از آن میخورند؟ آیا نمی اندیشند؟ (۲۷)

میگویند: پس این فتح کی خواهد بود اگر راست میگوئید (۲۸) بگو روزِ آن فتح، دیگر ایمان آوردن بدرد کافران نخواهد خورد و مهلتی هم نخواهند داشت (۲۹)

پس، از آنان روی گردان و منتظر باش که آنان نیز منتظرند (۳۰)

سوره زمر

بسم الله الرحمن الرحیم

فرو فرستادن این کتاب از جانب خداوند پیروزمند فرزانه است (۱)

ای پیامبر! البته این کتاب را به حق بر تو فرو فرستادیم پس خداوند را در حالی که دین خویش را برای او خالص گردانیده ای عبادت کن (۲)

ای مردم! آگاه باشید که دین خالص برای خداوند است و کسانی که به جز او اولیائی بر گرفته اند میگویند اینها را جز برای اینکه ما را

به خدا نزدیک کنند عبادت نمی کنیم. خداوند درآنچه بین خویش اختلاف میکنند حکم خواهد کرد. خداوند دروغگویان ناسپاس را هدایت نمی کند (۳) اگر خداوند می خواست فرزندی بگیرد از بین آنچه آفریده هر چه را می خواست بر میگزید، اما منزه است، که او خداوند یگانه قهار است (۴) آسمانها و زمین را به حق آفرید، شب را روی روز و روز را روی شب می افکَنَد، و آفتاب و ماه را رام نموده که هر کدام تا سرآمدی معین حرکت و جریان دارند، بدانید که او پیروزمند آمرزنده است (۵) شما را از یک نَفس آفریده، سپس جفت او را از آن قرار داده، و برای شما از چارپایان هشت جفت فرو فرستاده و شما را در شکم های مادرانتان می آفرینند، آفرینشی پس از آفرینشی، در تاریکیهای سه گانه. این است خداوند پروردگارتان که فرمانروایی از آن اوست. خدائی جز او نیست. پس به کجا منحرف میشوید؟(۶)

اگر کفر بورزید البته خداوند از شما بی نیاز است، ولی کفر را به بندگانش نمی پسندد، و اگر شکر کنید به شما می پسندد، و هیچ کس بار دیگری را بر نمیدارد، سپس به سوی پروردگارتان بازمیگردید، و همو خبر آنچه را که انجام می دادید به شما می دهد، که او حتی به آنچه در سینه هاست نیز داناست (۷)

واگر ناراحتیی به انسان برسد پروردگارش را توبه کنان میخواند، آنگاه اگر نعمتی از جانب خویش بسویش حواله کرد، آنچه را که قبلا در حال دعا بسویش میخوانده فراموش میکند. و برای خدا همتایانی قرار میدهد تا مردم را از راه صحیح گمراه کند. بگو با همان کفرت اندکی برخوردار باش که البته سپس از یاران آتش خواهی بود (۸)

ای پیامبر! آیا کسی که لحظات شب را به عبادت می گذراند و در سجده و قیام است و از آخرت در حذر است و به رحمت پروردگارش امید دارد، مانند آنهاست؟ بگو آیا آنانکه علم دارند مانند کسانی هستند که علم ندارند؟ جز این نیست که فقط خردمندان پند می پذیرند (۹) بگو ای بندگان مومنم از پروردگارتان پروا کنید. آنانکه احسان کنند در همین دنیا نیز پاداش نیک خواهند داشت و زمین خدا وسیع است. جز این نیست که پاداش پایداران بدون حساب به آنان پرداخت میگردد (۱۰) بگو من مامورم که خداوند را طوری عبادت کنم که دینم خالص و فقط برای او باشد (۱۱) و مامورم که اولین مسلمان باشم (۱۲) بگو از عذاب روزی بزرگ میترسم که پروردگارم را نافرمانی کنم (۱۳) بگو فقط عبادت خداوند میکنم و دینم را برای او خالص کرده ام (۱۴) و شما هر چه را میخواهید غیر از او عبادت کنید، ضررش به خودتان برمیگردد. بگو البته زیانکاران آنهائی هستند که خودشان و اهلشان را در روز قیامت به ضرر انداخته باشند و بدانید که ضرر آشکار همان است (۱۵)

از بالا و پائین شان سایه هائی از آتش است و این چیزیست که خداوند بندگانش را از آن میترساند که ای بندگان از من پروا کنید (۱۶) و کسانی که از طاغوت و اینکه عبادتش کنند دوری کرده و بسوی خدا توبه کنند مژده خواهند داشت. پس بندگانم را مژده ده (۱۷) همان کسانی که سخنها را می شنوند و بهترینش را پیروی میکنند. آنها کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده و همانها خردمندند (۱۸)

ای پیامبر! آیا میتوانی کسی را که کلمه عذاب بر او فرود می آید

از آتش برهانی؟ (۱۹) البته آنهائی که از پروردگارشان پروا نمودند غرفه هائی خواهند داشت که روی آنها هم غرفه هائی است و از کف آنها نهرها جاری است. این وعده خداوندی است که از وعده اش تخلف نمی کند (۲۰)

ای پیامبر! آیا نمی بینی که خداوند آبی از آسمان فرو میفرستد و آنرا چون چشمه سارها میراند، سپس بوسیله آن زراعتی به رنگهای مختلف بیرون میاورد، سپس آن را می خشکاند و می بینی که زرد شده، آنگاه آنرا بصورت کاه و خس و خاشاک در می آورد؟ البته درهمه اینها پندهائی برای خردمندان نهفته است (۲۱) آیا کسی که خداوند دلش را برای اسلام گشاده گردانیده و بر نوری از جانب پروردگارش استوار است مانند کسی است که دلش سخت شده؟ وای بر کسانی که از لحاظ یاد خدا سخت دل هستند که در گمراهیی آشکار میباشند (۲۲)

خداوند بهترین سخن را فرستاد. در کتابی که هر قسمتش شبیه سایر قسمتهاست و بعضی قسمتهای آن به بعضی دیگر منعطف است که به سبب آن پوست کسانی که از پروردگارشان بیم دارند به لرزه می افتد، سپس پوست و دلشان بسوی یاد خدا نرم میشود. این هدایت خداست که بوسیله آن هر کس را خواهد هدایت میکند و هر کس که لیاقتش گمراهی باشد هدایت کننده ای نخواهد داشت (۲۳)

آیا کسی که در روز قیامت، با چهره اش خود را از عذاب حفظ می کند مانند مومنان است؟ در آن موقعیت به ظالمان گفته میشود اینک چیزی را که بدست آورده اید بچشید (۲۴) عده ای از

پیشینیان هم که قبلا تکذیب کرده بودند، از جائی که فکرش را هم نمیکردند عذاب بر آنان در آمد (۲۵) خداوند در زندگی این جهان، خواری را به آنها چشاند و البته عذاب آخرت بزرگتر است اگر میدانستند (۲۶)

و ما البته در این قرآن از همه گونه مثلی برای مردم زدیم. باشد که پند گیرند (۲۷) قرآنی به زبان روشن و بدون انحراف، شاید پروا کنند (۲۸)

خداوند مثلی میزند: شخصی است که چند شریک ناسازگار بر سر او نزاع میکنند و شخصی است که مخصوص یکنفر است. آیا این دو مَثَل مساوی است؟ ستایش مخصوص خداست ولیکن اکثرشان نمیدانند (۲۹) البته تو میمیری و آنها هم میمیرند (۳۰) آنگاه روز قیامت نزد پروردگارتان ستیزه خواهید داشت (۳۱) پس چه کسی ظالمتر است از آنکه بر خداوند دروغ بندد و سخن راست را وقتی که بسویش بیاید تکذیب کند؟ آیا در جهنم جایگاهی برای کافران نیست؟ (۳۲) و کسانی که راست بگویند و سخن راست را تصدیق هم کنند، آنها اهل تقوا هستند (۳۳) نزد پروردگارشان هر چه بخواهند خواهند داشت. این پاداش نیکوکاران است (۳۴) تا خداوند از بدترین عملشان صرف نظر کند و پاداش آنها را به بهترین عملی که انجام میدادند بدهد (۳۵)

آیا خداوند برای بنده اش کافی نیست که تو را از غیر او میترسانند؟ و کسی را که خدا گمراه کند هیچ هدایت کننده ای نخواهد داشت (۳۶) و کسی را که خداوند هدایت کند هیچ گمراه کننده ای نخواهد داشت. آیا خداوند پیروزمند صاحب انتقام نیست؟ (۳۷)

و اگر از آنها بپرسی که آسمانها و زمین را چه کسی آفریده حتما خواهند گفت خداوند. بگو خبرم دهید آیا آنچه را که غیراز خدا میخوانید اگر خداوند بخواهد صدمه ای به من بزند، آیا آنها برطرف کننده آن ناراحتی هستند؟ یا اگر خداوند خواست مهربانیی بمن بکند، آیا آنها جلوگیر مهربانی او خواهند بود؟
بگو خداوند مرا بس است. همو که توکل کنندگان بر او توکل میکنند (۳۸)
بگو ای مردم! هر کاری که میتوانید بکنید. من کار خودم را میکنم و بزودی خواهید فهمید (۳۹) که عذاب خوار کننده بسوی چه کسی خواهد آمد و نیز خواهید فهمید عذاب ماندگار بر چه کسی فرود می آید (۴۰)

ای پیامبر! البته آن کتاب را برای مردم بر تو نازل کرده ایم. پس هر کس که هدایت ورزید به نفع خویش کرده و هر کس که گمراه شد جز این نیست که به ضرر خود گمراهی ورزیده و تو مسئول آنها نیستی (۴۱)

خداوند جان ها را هنگام مرگ دریافت میکند و نیز کسی که نمرده در خواب جانش را دریافت میکند و جان آنکس را که مرده است نگه میدارد و جان دیگری را که مرگش نرسیده تا سرآمدی معین پس میفرستد. البته در این آیاتی است برای کسانی که تفکر می کنند (۴۲)

ای پیامبر! آیا اینان شفیعانی غیر از خدا گرفته اند؟ بگو حتی اگر هم که آن باصطلاح شفیعان مالک چیزی نباشند و قدرت تعقل هم نداشته باشند؟ (۴۳) بگو شفاعت تماماً از آن خداست. فرمانروائی آسمانها و زمین از آن اوست، سپس بسوی او برمیگردید (۴۴)

و هنگامیکه خداوند به تنهائی یاد میشود دلهای کسانی که به آخرت ایمان ندارند متنفر میشود و اگر غیر او یاد شود خوشحال میشوند (۴۵)

بگو ای خداوندی که آفرینشگر آسمانها و زمینی! دانای پنهان و آشکارتوئی. خودت بین بندگانت درباره آنچه که اختلاف میورزند حکم خواهی کرد (۴۶)

و آنآنکه ظلم کردند اگر بخواهند تمامی آنچه را که در زمین هست بعنوان جایگزین عذابِ روز قیامت بدهند قبول نمیشود و از خداوند چیزی برایشان آشکار میشود که قبلا گمانش را هم را نمیکردند (۴۷) بدی های آنچه که میکرده اند برایشان آشکار میشود و آنچه که مسخره اش میکردند بر آنان فرود می آید (۴۸)

ای مردم! چون به انسان ناراحتیی برسد ما را میخواند، سپس اگر نعمتی از جانب خویش به او عطا کردیم میگوید این به سبب لیاقتم بوده، نه! بلکه آن یک امتحان است ولیکن اکثرشان نمیدانند (۴۹) پیشینیان آنها نیز چنین میگفتند و آنچه که انجام میدادند فایده ای برایشان نداشت (۵۰) پس بدیهای آنچه میکردند به آنان رسید و کسانی از اینان که ظلم میکنند نیز همینطور، بزودی بدیهای آنچه را که میکنند به آنها می رسد و نمیتوانند جلوگیری کنند (۵۱)

آیا ندانستند که خداوند روزیِ را برای هر کس که بخواهد زیاد یا به اندازه میکند؟ که البته در این آیاتی برای مومنان است (۵۲)

ای پیامبر! بگو خداوند گفته : ای بندگانم که بر خویش ستم روا داشته اید! از رحمت خداوند نومید نباشید زیرا خداوند همه گناهان را می آمرزد که او بسیار آمرزنده مهربان است (۵۳) و بسوی پروردگارتان بازگردید و تسلیم او شوید قبل از اینکه آن عذاب به شما برسد که آن هنگام دیگر یاریی نخواهید دید (۵۴) و این قرآن را که بهترین

چیزی است که از سوی پروردگارتان بسویتان نازل شده، پیروی کنید. قبل از اینکه آن عذاب بطور ناگهانی به شما برسد و متوجه نباشید (۵۵) تا مبادا کسی بگوید افسوس که در رابطه با خداوند کوتاهی کردم و از مسخره کنندگان بودم (۵۶) یا اینکه کسی بگوید اگر خدا هدایتم کرده بود از تقواداران میشدم (۵۷) یا اینکه وقتی عذاب را ببیند بگوید کاش امکان می داشت میتوانستم یکبار دیگر زندگی کنم و از نیکوکاران بشوم (۵۸) در این حالت ها به او خطاب میشود آیاتم بسویت آمد اما تکذیبش کردی و گردنفرازی نمودی و از کافران شدی (۵۹)

و کسانی راکه برخداوند دروغ بستند در روز قیامت می بینی که رویشان سیاه است. مگر جهنم جایگاهی برای متکبران نیست؟ (۶۰) و خداوند تقواداران را با رستگاریشان نجات میدهد. هیچ عذابی به آنان نمیرسد و اندوهگین نیز نمیگردند (۶۱) خداوند خالق همه چیزاست و همو بر هر چیزی نگهبان است (۶۲) کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست و کسانی که به آیات خداوند کافر شدند خودشان زیانکارند (۶۳)

ای پیامبر! بگو ای جاهلان! از من میخواهید پرستش غیر خدا کنم؟ (۶۴) ای پیامبر! البته به تو و همچنین بر پیامبران قبل از تو نیز وحی شده که اگر شرک ورزید حتماً عملتان از بین خواهد رفت و از زیانکاران خواهید بود (۶۵) بلکه فقط خدا را عبادت کن و از شکر گزاران باش! (۶۶)

ای پیامبر! اینها قدر خدا را آنطور که باید ندانستند. همو که روز قیامت زمین در قبضه اوست و آسمانها بدست او در هم پیچیده میشود. منزه و بالاتر است از آنچه که با او شریک میکنند (۶۷) ودر شیپور دمیده میشود،و هر کس که در آسمانها و زمین است همگی بیهوش میشوند مگر آنکه خدا بخواهد. آنگاه یکبار دیگر در آن دمیده میشود و فورا برمیخیزند و نگرانند (۶۸) و زمین به نور پروردگارش روشن

میشود و کتاب آئین دادرسی گذاشته میشود و پیامبران و گواهان را میاورند و بین آنان به حق حکم میشود و هیچ ظلمی نمیشوند (۶۹) و به هر کس آنچه که عمل نموده بطور کامل داده میشود و همو به آنچه میکنند داناتر است (۷۰)

و کافران دسته دسته بسوی جهنم رانده میشوند، تا هنگامیکه به آن برسند درهایش باز میشود و نگهبانانش به آنان میگویند آیا رسولانی از بین خودتان بسویتان نیامدند و از چنین روزی هشدارتان ندادند؟ میگویند بله. ولی ای پیامبر! این تصدیق دیگر چه فایده ای برای آنان دارد در حالیکه کلمه عذاب بر کافران فرود آمده است (۷۱) به آنان گفته شود به درب های جهنم داخل شوید که در آن جاودان خواهید بود که جایگاه متکبران چه بد است (۷۲)

و آنانکه از پروردگارشان پروا کردند نیز دسته دسته بسوی بهشت برده میشوند. تا اینکه به آن برسند و درب هایش باز میشود و نگهبانانش به آنان میگویند سلام بر شما. خوشتان باد. داخل شوید که در آن جاودانید (۷۳) و میگویند سپاس خدائی را که وعده اش را برایمان راست درآورد و آن سرزمین را به آسانی بما داد که در بهشت هر جا که بخواهیم جای بگیریم و پاداش عاملان چه نیکوست (۷۴)

و ملائکه را می بینی که دوروبر عرش میچرخند و خداوند را به ستایش تسبیح میگویند، و بین آنها به حق قضاوت میشود، و گفته میشود ستایش از آنِ خداوند پروردگار جهانیان است (۷۵)

سوره لقمان

بسم الله الرحمن الرحیم

الم(۱)
این آیات آن کتاب پر حکمت است (۲) که هدایت و رحمتی برای نیکوکاران است (۳)
همان کسانی که نماز بپامیدارند و زکات میدهند و به آخرت یقین دارند (۴)
آنان بر هدایتی از جانب پروردگارشان استوارند و همانها نیز رستگارخواهند بود (۵)

و از میان مردم کسانی هستند که خریدار سخنان بیهوده اند،
تا مردم را به وسیله چیزی که خودش پوچ است، از راه خدا گمراه کنند و آنرا به مسخره گیرند.
آنان عذابی خوار کننده خواهند داشت (۶)
و هنگامی که آیاتمان بر آنها خوانده میشود با گردن فرازی چنان روی بر میگردانند که انگار آنرا نشنیده اند.
پس، ای پیامبر! به عذابی دردناک مژده شان ده (۷)
اما کسانی که ایمان آورده و عمل شایسته انجام داده اند بهشتهائی پر نعمت خواهند داشت (۸)
که در آن جاودانند. وعده خداوند حق است، و همو پیروزمند فرزانه است (۹)

خداوند است که آسمانها را بدون ستونهائی که آنها را ببینید آفرید،
و در زمین لنگرهائی انداخت تا مبادا شما را بلرزاند،
و از هر گونه جنبندگان در آن گسترد،
و از آسمانی آبی فرستاد تا در زمین از هر گونهء باارزش گیاهی بروید (۱۰)

ای پیامبر! بگو این آفرینش خداست، اما شما مشرکان نشانم دهید آن به اصطلاح خدایانِ غیر از او چه چیزی آفریده اند؟
البته که چیزی نیافریده اند ولی ظالمانِ مشرک در گمراهیی آشکارند (۱۱)

ای پیامبر به مردم خبر ده که آن حکمت را به لقمان دادیم که شکر خدا کن، و هر که شکر کند قطعا شکرش بنفع خود اوست، و کسی که کفر ورزد البته خداوند بی نیازِ ستوده است (۱۲) و بیاد آر لقمان را که به پسرش چنین پند میداد و میگفت پسرکم به خداوند شرک مَوَرز زیرا که شرک ظلمی بزرگ است (۱۳) و انسان را نسبت به والدینش سفارش کردیم، مخصوصا نسبت به مادرش، که او را حامله شد و سستیِ پس از سستی تحمل کرد، و شیر خوارگیش دو سال طول کشید. پس ای انسان! مرا و والدین خویش را شکر کن وسرانجام بسوی من است (۱۴) ولی اگر آنها با جد و جهد از تو خواستند که آنچه را که نسبت به آن علمی نداری با من شریک بگیری اطاعتشان مکن، و در این جهان با آنان با رفتار پسندیده مصاحبت کن و راه کسانی را در پیش گیر که بسوی من است و آنگاه بازگشت آنها بسوی من خواهد بود و من شما را به حقیقتِ آنچه انجام میدادید خبر خواهم داد (۱۵) همچنین از پندهای لقمان به پسرش این است که میگفت پسرکم! البته چنین است که اگر چیزی حتی باندازه دانه خردلی هم بوده و در صخره ای یا در آسمانها یا در زمین باشد خداوند میتواند بیاوردش. که خداوند دقیق و آگاه است (۱۶) پسرکم! نماز بپادار و به چیز های پسندیده فرمان ده و از چیز های ناپسند بازدار و بر آنچه بتو میرسد صبوری کن که انجام این چیزها از تصمیم قوی حکایت دارد (۱۷) ای پسرکم! چهره ات را برای مردم دژم مکن و با خود پسندی در زمین راه مرو، که خداوند هیچ خود پسند فخر فروشی را دوست نمی دارد (۱۸) و در روش خویش

معتدل باش و از صدایت بکاه، که ناپسند ترین صداها صدای خران است (۱۹)

ای پیامبر! به اینان بگو آیا نمی بینید که خداوند آنچه را که در آسمانها و زمین است رام شما کرد و نعمتهای آشکار و پنهانش را بر شما ریخت؟ باوجود این، بعضی از مردم هستند که بدون اینکه از علمی و هدایتی برخوردار بوده و به کتاب نورافشانی دسترسی داشته باشند، درباره خداوند جدل می کنند (۲۰) و هنگامی که به آنان گفته شود از آنچه خدا فرستاده پیروی کنید میگویند نه، بلکه از آنچه که نزد پدرانمان یافتیم پیروی می کنیم. آیا حتی اگر شیطان بسوی عذاب سوزان هم دعوتشان کند؟ می باید از پدرانشان پیروی کنند؟ (۲۱) و هر کس که روی بسوی خدا کند و نیکوکار نیز باشد به دستاویزی استوار چنگ زده و عاقبت همه امور بسوی خداوند است (۲۲) و کسی که کفر ورزید، ای پیامبر! کفرش اندوهگینت نکند. بازگشت آنها بسوی ما است و خبر اعمالی را که انجام میدادند به آنها میدهیم، که البته خداوند به حقیقت آنچه در دلها میگذرد آگاه است (۲۳) اندکی بهرمندشان می کنیم سپس بسوی عذابی ناگوار میرانیمشان (۲۴)

و اگر از آنان بپرسی چه کسی آسمانها و زمین را آفریده با تاکید خواهند گفت خدا. بگو ستایش مخصوص خداست. بلکه اکثرشان مطابق همین علمی که دارند رفتار نمیکنند (۲۵) آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست. البته خداوند بی نیاز ستوده است (۲۶) و اگر همه درخت های زمین قلم میشد و آن دریا و هفت دریای دیگر هم مرکب میشد شمارش کلمات خداوند تمام نمی شد. خداوند البته پیروزمند فرزانه است (۲۷) آفرینش و برانگیختن شما جز

مانند آفرینش و برانگیختن یکنفر نیست، و خداوند شنوای بیناست (۲۸)

ای پیامبر! به آنان بگو آیا نمی بینید که خداوند شب را داخل روز می کند و روز را داخل شب می کند و آفتاب و ماه را رام کرده و هرکدام تا سر آمدی معین جریان دارند؟ و البته چنین خداوندی به آنچه می کنید آگاه است (۲۹) این به آن خاطر است که خداوند خود حق است و آنچه را که غیر از او میخوانند باطل است و خداوند بلند مرتبه باعظمت است (۳۰) آیا نمی بینید که کشتی در دریا به نعمت او روان است تا از نشانه های او به شما بنمایاند؟ البته در این برای هر صبر پیشه شکر گزاری نشانه هائی است (۳۱) و هنگامی که موجی بزرگِ سایه بان مانند آنها را فراگیرد، از روی اخلاص خداوند را صدا میزنند، اما همینکه آنان را به سوی خشکی نجات داد، فقط بعضی شان معتدل خواهند بود. و نشانه های ما را جز عهد شکنانِ کفران پیشه انکار نمی کنند (۳۲)

ای مردم! از پروردگار خویش پروا کنید. و از روزی بترسید که نه پدر میتواند برای فرزندش کاری کند و نه فرزند برای پدر. وعده خداوند حق است. پس مبادا زندگی دنیا فریبتان دهد، و مبادا آن شیطانِ فریبکار که در همه جا نزدیکتان است درباره خداوند فریبتان دهد (۳۳) علم قیامت نزد خداوند است. و همو باران را میفرستد. و میداند در رحِم ها چیست. و کسی نمیداند فردا چه بدست می آورد. و کسی نمیداند در کدام زمین خواهد مرد. البته خداوند دانای آگاه است (۳۴)

سوره عنکبوت

بسم الله الرحمن الرحیم

الم (۱)

آیا مردم گمان کرده اند که به صِرف اینکه بگویند ایمان آورده ایم رهایشان می کنیم و امتحان نمیشوند؟ (۲) و البته پیشینیانشان را آزمودیم و خداوند آنان را که راست میگویند از آنانکه دروغ میگویند مشخص خواهد کرد (۳)

آیا آنآنکه کارهای زشت می کنند گمان کرده اند از ما جلو می افتند؟ چه بد حکم می کنند (۴) هر کس که آرزوی ملاقات خداوند را دارد بداند که سرآمدشان حتما می آید و خداوند شنوای داناست (۵) و کسی که کوشش کند جز این نیست که بنفع خویش کرده، که خداوند از جهانیان بی نیاز است (۶) و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند بدیهایشان را میپوشانیم و پاداش آنها را برای بهترین کاری که میکرده اند میدهیم (۷)

و به انسان سفارش والدینش را کرده ایم که به آنان نیکی کند، و اگر کوشیدند چیزی را که به آن علم ندارد با خداوند شریک کند مبادا در این مورد اطاعتشان کند، زیرا که بازگشتگاه شان بسوی خداوند است، که آنگاه آنان را به حقیقتِ آنچه انجام میدادند آگاه میکند (۸) و کسانی را که ایمان آورده و عمل صالح کرده اند در گروه صالحان داخلشان می کند (۹)

و از مردم کسانی هستند که میگویند به خداوند ایمان آورده ایم اما هنگامی که درباره خداوند دچار اذیتی شدند، اذیت مردم را همتراز عذاب خدا میگیرند، اگر یاریی از جانب پروردگارت بیاید خواهند گفت با شما بودیم، آیا خداوند درباره آنچه که در دل

جهانیان میگذرد دانا تر نیست؟ (۱۰)

و خداوند مومنان را از منافقان مشخص خواهد کرد (۱۱) و آنانکه کفر ورزیدند به مومنان خواهند گفت راه ما را پیروی کنید و ما نیز حتما بار خطاهای شما را حمل خواهیم کرد. آنها حمل کننده هیچ بار خطائی از آنان نخواهند بود والبته آنها دروغگویند (۱۲) و حتما بارهای سنگین خودشان و بارهای سنگین دیگر را با مال خودشان حمل خواهند کرد و روز قیامت درباره آن افترائی که میزدند باز خواست خواهند شد (۱۳)

و البته نوح را بسوی قومش فرستادیم که در میان آنان نهصدوپنجاه سال ماند. سپس آن طوفان درگرفتشان و قوم او ظالم بودند (۱۴) اما او و اهل آن کشتی را نجات دادیم و آنها را آیتی برای جهانیان نمودیم (۱۵)

و ابراهیم را نیز بیادآر، وقتی که به قومش میگفت خداوند را عبادت و از او پروا کنید، این برایتان بهتر است اگر دانا باشید (۱۶) آنچه را که بجز خدا عبادت میکنید جز بت هائی نیستند و جز دروغی که میسازید نیست. و مالک روزیی برای شما نیستند. روزی را نزد خدا بجوئید و او را عبادت نموده و او را شکر کنید، و روز قیامت هم بسوی او بازمیگردید (۱۷) و اگر تکذیب می کنید امت های قبلی نیز تکذیب کردند و چیزی جز رساندن آشکار بر عهده رسولان نیست (۱۸)

ای پیامبر! آیا نمی بینند که چگونه خداوند آفرینش را شروع میکند و آنگاه ادامه اش میدهد؟ این برای خداوند آسان است (۱۹) بگو در

زمین بگردید، تا ببینید چگونه آفرینش را شروع کرده، آنگاه خداوند مرحله آخرت را ایجاد خواهد کرد،که او بر هر چیزی تواناست (۲۰) هر کس را بخواهد عذاب می کند و هر کس را بخواهد می بخشد، و بسوی او باز میگردید (۲۱) و شما در زمین خداوند را عاجز نخواهید کرد و در آسمانها هم همینطور و جز خداوند هیچ سرپرست و یاریگری ندارید (۲۲) و آنانکه به آیات خدا و ملاقاتش کفر ورزیدند از رحمتم مایوسند و عذابی دردناک خواهند داشت (۲۳) جواب قوم او جز این نبود که گفتند بکشیدش یا آتشش بزنید و خداوند هم نجاتش داد. البته در این برای قومی که ایمان دارند آیت هائی است (۲۴) و گفت جز این نیست که شما غیر از خداوند بتهائی برگرفته اید که در زندگی دنیا بین شما دوستی برقرار کنند سپس روز قیامت بعضی تان به بعض دیگر کفر میورزد و یکدیگر را لعنت می کنید، و جایگاهتان آتش است و هیچ یاریگری ندارید (۲۵)

و لوط به او ایمان آورد و گفت من مهاجری بسوی پروردگارم هستم که او پیروزمند فرزانه است (۲۶) و به ابراهیم اسحق و یعقوب را دادیم و در فرزندانش نبوت و کتاب گذاردیم و در دنیا هم پاداشش دادیم و در آخرت نیز از شایستگان است (۲۷)

و لوط آن هنگامی که به قومش گفت آیا آن کار زشت را می کنید که قبل از شما هیچیک از اهل جهان به آن رو نکرده؟ (۲۸) آیا با مردان می آمیزید، و راه را قطع، و در انجمن خویش کارهای زشت مرتکب میشوید؟ اما جواب قومش جز این نبود که گفتند عذاب خدا را بیاور اگر از راستگویانی (۲۹) گفت خداوندا مرا بر مفسدان یاری کن (۳۰) و هنگامیکه فرستادگانمان با آن مژده به ابراهیم در آمدند گفتند ما هلاک کننده اهل این شهریم، زیرا که اهل آن ظالم شده

اند (۳۱) گفت لوط در آن است. گفتند بهتر میدانیم چه کسی در آن است. البته او و خاندانش را حتما نجات خواهیم داد، مگر زنش را که از ماندگان است (۳۲) و هنگامیکه فرستادگان ما به لوط رسیدند از دیدن آنان دژم شد و اوضاع بر او تنگ گردید. گفتند مترس و اندوهگین نیز مباش که ما تو و پیروانت را نجات خواهیم داد، غیر از زنت را که از ماندگان است (۳۳) ما بر اهالی این شهر بعلت آن گناهی که میکرده اند عذابی از آسمان فرود خواهیم آورد (۳۴) و البته در آن برای قومی که تعقل می کنند نشانه ای آشکار بجا گذاشتیم (۳۵)

و بسوی مدین نیز برادرشان شعیب را فرستادیم. گفت ای مردم خدا را عبادت کنید و امید روز آخرت را داشته باشید و در زمین فساد برنیانگیزید (۳۶) ولی تکذیبش کردند و آن لرزه آنها را بگرفت و در خانه هایشان از پا افتادند (۳۷)

و همچنین است داستان قوم عاد و ثمود. و این برایتان از سکونتگاههایشان آشکار است. و شیطان اعمالشان را برایشان آراست، و از راه حق بازشان داشت درحالیکه به حقایق بینا بودند (۳۸)

و داستان قارون و فرعون و هامان نیز همینطور بود که موسی با نشانه های روشن بسویشان آمد اما در زمین سرکشی کردند و پیروز هم نشدند (۳۹)

پس هر کدام را به گناهش برگرفتیم. بر بعضی از آنها سنگ فرستادیم، و بعضی شان را صدای بسیار بلند بگرفت، و بعضی را به زمین فرو بردیم، و بعضی را غرق کردیم. و اینطور نبود که خداوند

ظلمشان کند ولیکن برخویش ظلم میکردند (۴۰)

مثال آنانکه سرپرستانی به غیر از خدا برگرفته اند مانند عنکبوت است که خانه ای برگرفته، و البته سست ترین خانه ها خانه عنکبوت است اگر بدانند (۴۱) البته خداوند نسبت به آنچه بجز او را به عبادت می‌خوانند داناست و همو دست نیافتنیِ صاحب حکمت است (۴۲)

و مَثَل ها را اینطور برای مردم میزنیم اما غیر از صاحبان علم واقعی آنرا به عقل در نمی یابند (۴۳)

خداوند آسمانها و زمین را به حق آفرید. البته در آن نشانه ای برای مومنان است (۴۴)

ای پیامبر! آنچه را که از آن کتاب آسمانی برتو وحی شده تلاوت کن و نماز بپادار زیرا که نماز از کارهای بسیار زشت و ناپسند باز میدارد و البته یاد خدا از این لحاظ موثرتر است. و خداوند میداند چه میکنید (۴۵)

و با اهل کتاب مگر به بهترین حالت مجادله نکنید، غیر از کسانی از آنان که ظلم کردند. و بگوئید به آنچه بر ما نازل شده و آنچه به شما نازل شده ایمان آوردیم و خدای ما و خدای شما یکی است و ما تسلیم او هستیم (۴۶)

و آن کتاب را چنین بر تو نازل کردیم لذا آنان که کتابشان دادیم به آن باور دارند. و از قوم تو نیز کسانی به آن باور دارند. و غیر از کافران هیچکس آیاتمان را انکار نمی کند (۴۷)

و تو قبل از آن هیچ کتابی نمی خواندی، و با دستت چیزی نمی نوشتی، زیرا در آنصورت تباه اندیشان بد گمان میشدند (۴۸) بلکه این ها آیاتی است که در دلهای کسانی که علم به آنان داده شده حقانیت آنها دلایل روشن دارد. و جز ظالمان آیاتمان را انکار نمی کنند (۴۹)

میگویند چرا معجزاتی از جانب پروردگارش بر او نازل نمیشود؟ بگو جز این نیست که معجزات نزد خداست و من فقط هشدار دهنده ای آشکارم (۵۰) وآیا همین برایشان کافی نیست که این کتاب را بر تو نازل کردیم که بر آنان خوانده میشود؟ البته در این رحمتی و پندی برای مومنان است (۵۱) بگو خداوند برای گواهی بین من و شما کافی است. آنچه را که در آسمانها و زمین است میداند. و کسانی که به باطل میگروند و به خدا کفر میورزند زیانکارند (۵۲)

و آن عذاب را به عجله از تو میخواهند و اگر سرآمدی معین نبود البته برآنان در می آمد. به هر حال، بطور ناگهانی بر آنان در خواهد آمد و متوجه نخواهند بود (۵۳) آن عذاب را به عجله از تو میخواهند و البته جهنم فراگیر کافران است (۵۴) روزی که آن عذاب از بالایشان و از زیر پاهایشان آنها را فرا گیرد، در آن روز به آنان خطاب خواهد شد که بچشید نتیجهء آنچه را که انجام میدادید (۵۵)

ای بندگانم که ایمان آورده اید! زمینم وسیع است، پس فقط مرا عبادت کنید (۵۶) هر کسی چشنده مرگ است. آنگاه بسوی ما بازگردانده میشوید (۵۷)و آنانکه ایمان آورده و عمل شایسته کرده اند را در آن بهشت در مسکن هایی جایشان میدهیم که نهرها از کف آن جاری است که در آن جاودانند. پاداش عاملان چه خوب است (۵۸) همانها که پایداری کردند و بر پروردگارشان توکل نمودند

(۵۹)

و چه بسا جنبندگانی که روزیشان را هم نمیتوانند حمل کنند، خداوند است که روزیشان میدهد. به شما هم همینطور. و همو شنوای داناست (۶۰) و اگر از آن کافران بپرسی آسمانها و زمین را چه کسی آفرید و خورشید و ماه را چه کسی رام کرد حتما خواهند گفت خداوند. پس به کجا به خطا منحرف میشوند؟ (۶۱) خداوند است که روزی را برای هر کس از بندگانش که بخواهد بسط میدهد یا اندازه میکند، که خداوند به همه چیز داناست (۶۲) و اگر از آنها بپرسی چه کسی از آسمان آبی میفرستد و بوسیله آن زمین را پس از مرگش زنده میکند خواهند گفت خداوند. بگو سپاس خداوند را سزاست. اما اکثرشان عقل خویش را بکار نمیبرند (۶۳)

و این زندگی دنیا جز بازی و سرگرمیی نیست، و آخرت، اگر بدانند، زندگی واقعی است (۶۴)

این کافران چنانند که هنگامی که به کشتی سوار شوند خداوند را با اخلاص میخوانند. اما وقتیکه بسوی خشکی نجاتشان داد فورا به شرک میگرایند (۶۵) تا آنچه را که به آنان داده ایم کفران کنند و به خیال خویش برخوردار شوند، اما بزودی خواهند دانست (۶۶)

آیا نمی بینند که ما حرم امنی قرار دادیم و سایر مردم از دور و بر آن ربوده میشوند؟ آیا به باطل ایمان می آورند و به نعمت خداوند کفر میورزند؟ (۶۷) و چه کسی ظالم تر است از کسی که به خدا افترای دروغ بندد؟ و یا حق را وقتی که بسویش آمده تکذیب کند؟ آیا در جهنم جایگاهی برای کافران نیست؟ (۶۸)

و آنانکه در راه ما کوشش نمایند، آنها را بیشتر به راه های خویش هدایت خواهیم کرد. و البته خداوند با نیکوکاران است (۶۹)

سوره نحل

بسم الله الرحمن الرحیم

امر خدا آمد، پس ای کافران! عذاب را به عجله نخواهیدش. خداوند منزه و بالاتر است از آنچه با او شریک می کنند (۱)

ملائکه را با روحی از امر خویش بر کسانی از بندگانش که می پسندد میفرستد که هشدار دهید که خدائی جز من نیست. و از من پروا کنید (۲)

آسمانهاو زمین را به حق آفرید. بالاتر است از آنچه با او شریک می کنند (۳) انسان را از نطفه ای آفرید. آنگاه، همو، ستیزه گری آشکار است (۴) و چارپایان را آفرید که شما در آنها پوشش و منافع دیگر دارید و از آنها میخورید (۵) و در آنها زیبائیی در زندگی تان دارید، وقتیکه از چراگاه می آیند و وقتیکه به سوی آن میروند (۶) و بارهای شما را بسوی شهری که جز به دشواری به آن نمیرسید، حمل میکنند که پروردگارتان رئوف و مهربان است (۷) و اسبها و قاطرها و الاغ ها که سوارشان میشوید و مایه زینت هستند و نیز چیزهائی بسیار زیاد را که نمیدانید می آفرینند (۸) هدایت به راه معتدل بر عهده خداست و غیر از آن بیراهه است و اگر میخواست همگی تان را هدایت میکرد (۹) هموست که از آسمان برایتان آبی فرستاد، که از آن نوشیدنیی است و نیز روئیدنیی که در آن می چرانید (۱۰) و

بوسیله آن برایتان زراعت و زیتون و خرما و انگور و همه میوه ها را میرویاند. که در آن آیه ای برای متفکران است (۱۱) و شب و روز و آفتاب و ماه را برایتان رام کرد و ستارگان به امر او رام هستند، که در این آیاتی برای عاقلان است (۱۲) و آنچه در زمین برایتان آفرید رنگارنگ است. که در این آیاتی برای پند پذیران است (۱۳) و هموست که دریا را رام کرد تا از آن گوشتی تازه بخورید و زینتی استخراج کنید که برخویش بپوشید. و کشتی را می بینید که آب را می شکافد و تا از فضل او روزیتان را جستجو کنید و شاید شکر بگزارید (۱۴) و در زمین لنگرهائی درانداخت که مبادا شما را بلرزاند و رودها و راه هائی قرار داد شاید هدایت یابید (۱۵) و علامت هائی پدید آورد و بوسیله آنها و نیز ستارگان هدایت می یابید (۱۶) آیا کسی که می آفریند مانند کسی است که نمی آفریند؟ آیا ای کافران پند نمی گیرید؟ (۱۷) و اگر نعمتهای خدا را شماره کنید نمیتوانید آنها را به شمار آورید. و البته خداوند آمرزگار مهربان است (۱۸) و خداوند آنچه را که پنهان می کنید و یا آشکار میکنید میداند (۱۹) و آنانکه غیر از خدا را میخوانند بدانند که آنها چیزی نمی آفرینند بلکه خودشان مخلوقند (۲۰) مردگانی غیر زنده می باشند. و نمیدانند چه موقع برانگیخته خواهند شد (۲۱)

خدای شما خدائی است واحد. پس کسانی که به آخرت ایمان ندارند، قلوبشان انکارگر است و سرکشی میکنند (۲۲) البته خداوند آنچه را که پنهان می کنند و آنچه را آشکار می کنند میداند البته او سرکشان را دوست ندارد (۲۳) و وقتی که به آنها گفته میشود پروردگارتان چه فرستاده میگویند افسانه های پیشینیان است (۲۴) تا بارهای خود را در روز قیامت بطور کامل بر دارند و نیز قسمتی از بارهای کسانی را که بدون علم گمراهشان کرده اند. توجه کنید،

بدباری است که بر میدارند (۲۵)

پیشینیان آنان نیز نیرنگ کردند. پس خداوند نیز بنیان آنها را برکند و سقف بر آنان فرود آمد و عذاب از جائی که فکرش را نمیکردند به سروقتشان رسید (۲۶) آنگاه در روز قیامت خوار خواهند بود، و میگوید آن شریکانم که در مورد آنها بسختی با مومنان مخالفت میکردید کجا هستند؟

در آنروز صاحبان علم چنین ارزیابی میکنند: امروز خواری و بدی علیه کافران است (۲۷)
همان کسانی که به خویش ظلم میکنند، و وقتی ملائکه جانشان را دریافت میکنند، از در تسلیم درمی آیند و میگویند ما هیچ کار بدی نمیکردیم، بلی، خداوند میداند چه میکرده اید (۲۸)
به آنان خطاب میشود اینک داخل درب های جهنم شوید که در آن جاودانید و جایگاه متکبران چه بد است (۲۹)

و به کسانی که تقوا پیشه کرده بودند گفته میشود پروردگارتان چه نازل کرده؟ میگویند خوب. برای کسانیکه نیکی کردند، در این جهان پاداش نیکی خواهد بود و خانه آخرت بهتر است و سرای اهل تقوا چه نیکوست (۳۰) بهشتهائی جاودان که داخلش میشوند. در آن هر چه بخواهند خواهند داشت. خداوند تقوا داران را اینطور پاداش میدهد (۳۱)
همان ها که ملائکه جان آنها را در حالیکه پاکیزه هستند دریافت میکنند و به آنها میگویند سلام بر شما داخل بهشت شوید بسبب آنچه انجام میدادید (۳۲)

آیا این کافران به چیزی غیر از آمدن ملائکه یا آمدن امر پروردگارت رضایت نمیدهند؟ پیشینیان آنها نیز چنین کردند و خدا به آنها ظلمی نکرد بلکه خودشان به خویش ظلم میکردند (۳۳) و بدی های اعمال زشتی که میکردند به آنان رسید و آنچه را که مسخره میکردند بر سرشان فرود آمد (۳۴)

و مشرکان میگویند اگر خدا نمیخواست، نه ما و نه نیاکان ما هیچ چیزی را با او شریک نمیکردیم، و چیزی را هم حرام نمی نمودیم. پیشینیان آنها نیز چنین میگفتند. مگربرعهده پیامبران چیزی غیر از رساندن آشکار هست؟(۳۵)

و البته در هر امتی رسولی برانگیختیم که خداوند را عبادت و از طاغوت دوری کنید. از مخاطب های آن پیامبران کسانی را خداوند هدایتشان کرد و کسانی به گمراهی دچار شدند. پس، ای مردم! در زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیبگران چه شد (۳۶)

ای پیامبر! اگر چه بر هدایت آنها حریص هستی اما خداوند کسی را که گمراه کرده هدایت نمی کند و یاوری نخواهند داشت (۳۷) و سخت ترین قسم های خویش را ادا کردند که خداوند کسی را که مرده، زنده نمی کند. بلی، وعده ای است که بر عهده اوست و لیکن اکثر مردم نمیدانند (۳۸) تا اینکه علاوه بر رسیدن اهداف الهی، ضمنا برایشان آنچه را که در موردش اختلاف میکردند آشکار کند و اینکه کافران بدانند که دروغ میگفتند (۳۹)

جز این نیست که گفتار ما به چیزی وقتی که اراده اش کردیم این است که بگوییم باش، و خواهد شد (۴۰)

و کسانی که پس از ظلمی که دیده اند در راه خدا مهاجرت کنند آنها را در این جهان بخوبی جای خواهیم داد و البته پاداش آخرت بزرگتر است اگر بدانند (۴۱) همان کسانی که صبر کردند و بر پروردگار خویش توکل نمودند (۴۲)

ای پیامبر! قبل از تو کسی را به رسالت نفرستادیم مگر که بسویشان وحی میکردیم، پس، ای مردم! اگر در باره این موضوع خبری ندارید، از اهل علم و اطلاع بپرسید (۴۳) بله، اینطور بود که آن پیامبران را با دلایل روشن و نوشته ها بر اقوامی که در حوزه رسالتشان بود میفرستادیم، و این قرآن را نیز بسوی تو فرستادیم تا برای مردم بیان کنی که چه مطالبی برای آنان فرستاده ایم و شاید تفکر کنند (۴۴)

آیا آنهائی که توطئه های بد نمودند ایمن هستند از اینکه زمین آنها را فرو ببرد یا اینکه عذاب از جائی که به فکرشان نمیرسد بسویشان بیاید؟ (۴۵) یا اینکه هنگام رفت و آمدشان آنها را بگیرد و نتوانند کاری کنند؟ (۴۶) یا اینکه آنان را در حال ترس فراگیرد؟ و البته پروردگارتان رئوف و مهربان است (۴۷)

آیا اینان چیزهائی را که خداوند آفریده، نمی بینند که سایه شان از راست و چپ سجده کنان و با اظهار کوچکی می آیند؟ (۴۸) و آنچه در آسمانها و زمین است اعم از جنبندگان و ملائکه، برای خداوند سجده می کنند و سرکشیی ندارند (۴۹) از پروردگارشان که فوقشان است خشیت دارند و به آنچه مامورند عمل میکنند (۵۰)

خداوند گفت دو خدا نگیرید. جز این نیست که او خدایی است یگانه. و فقط از من پروا کنید (۵۱) و آنچه در آسمانها و زمین است از آنِ اوست و قیامتِ دردناک نیز از آن اوست. پس، آیا از غیر او پروا

میکنید؟ (۵۲)

ای مردم! هر نعمتی که دارید از خداست. و هنگامیکه ناراحتی به شما برسد بسوی او ناله درد آلود سر میدهید (۵۳) آنگاه که ناراحتی را از شما برطرف کرد فوراً عده ای از شما برای پروردگارشان شریک میگیرند (۵۴) تا نسبت به آنچه که به آنان عطا کرده ایم کفران ورزند. بر آنان چنین مقرر میشود که برخوردار شوید و بزودی خواهید دانست (۵۵)

این کفار از آنچه روزیشان کرده ایم، برای باصطلاح خدایانشان، نصیبی قرار میدهند. به خدا قسم حتماً درباره آنچه که افترا می بندند باز خواست خواهند شد (۵۶)

این کفار ملائکه را دختران خدا قرار میدهند، و برای خودشان اولاد پسر را می پسندند، منزه است خداونداز اینکه اولاد داشته باشد (۵۷) و هنگامی که به یکی آنها مژده دختر داده شود رویش از شدت ناراحتی سیاه میشود اما اندوه خود را فرو میخورد(۵۸) و مژده ای را که به او داده شده آنقدر بد میداند که نمیدانداز قوم خویش متواری شود و اینکه آیا دختر نوزاد را با خواری نگه دارد یا در زیر خاک پنهانش کند؟ چه زشت است حکمی که می کنند (۵۹)

برای آنها که به آخرت ایمان ندارند مَثَل زشت و برای خداوند مثل بالاتر است و همو پیروزمند حکیم است (۶۰)

اگر قرار باشد خداوند مردم را بسبب ظلمشان بگیرد، روی زمین هیچ جنبنده ای نخواهد ماند ولیکن آنها را تا سرآمدی معین مهلت

میدهد. پس هنگامی که سرآمدشان سررسید، نه ساعتی تأخیر خواهند داشت و نه جلو خواهند افتاد (۶۱)

چیزی را که بدشان می آید به دروغ به خدا نسبت میدهند و چنین میگویند که آن چیزی که به نظرشان خوب می آید، برای آنان است. چاره ای نیست، جز اینکه آتش از آن آنان است، و بسوی آن با سرعت رانده میشوند (۶۲)

به خدا قسم البته بسوی اقوام قبل از تو نیز رسولانی فرستادیم اما شیطان اعمالشان را برایشان آراست. و در آن روزِ قیامت همو سرپرست آنهاست و عذابی دردناک خواهند داشت (۶۳) و این کتاب را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه برایشان آنچه را که در آن اختلاف پیدا کرده اند بیان کنی و نیز هدایت و رحمتی برای مومنان باشد (۶۴)

خداوند از آسمان آبی فرستاد و بوسیله آن زمین را پس از مرگش زنده کرد. البته در این آیاتی است برای کسانی که می شنوند (۶۵) و برای شما درباره چارپایان عبرتی است: از آنچه در شکمهای آنهاست به شما می نوشانیم و از میان سرگین و خون شیری خالص و گوارا برای نوشندگان دارند (۶۶) و از میوه های نخلستان ها و تاکستان ها روزیی نیکو و مایه مستی میگیرید که البته در این آیتی برای خِرد ورزان است (۶۷) و پروردگارت به زنبور عسل وحی کرد که از کوهها و درختان و آنچه برمی افرازند خانه بگزینند (۶۸) سپس از شهد همه نوع میوه جات بخورد و به راه های پروردگارت به سهولت روان باشد. آنگاه از شکمهاشان نوشابه ای به رنگهای گوناگون خارج میشود که در آن برای مردم شفاست. که البته در

این آیتی برای اندیشمندان است (۶۹) و خداوند شما را آفرید، آنگاه شما را بطور کامل دریافت می کند، و بعضی از شماها آنقدر عمر میکنید که به پائین ترین درجات زندگی میرسید. آنقدر که پس از دانایی به جائی میرسید که چیزی ندانید. که خداوند البته دانای قدرتمند است (۷۰) و خداوند بعضی از شما را از لحاظ روزی بر بعضی دیگر برتری داد. پس آنانکه برتر شدند روزی شان را بر مملوکشان تقسیم نمی کنند که با آنان مساوی شوند. آیا نعمت خدا را انکار می کنند؟ (۷۱) و خداوند از خودهاتان برایتان جفتهائی قرار داد و برایتان از جفتهاتان اولاد و یاورانی قرار داد و شما را از چیزهای دلپسند روزی داد. آیا به باطل ایمان آورده و به نعمت خدا کافر میشوند؟(۷۲)

اما کافران غیر از خداوند عبادت کسانی را میکنند که در آسمانها و زمین اختیار روزیی را برای آنان ندارند، و نه میتوانند داشته باشند (۷۳)

پس برای خداوند مثل نزنید. زیرا خداوند میداند و شما نمیدانید (۷۴)

خداوند مثلی میزند: بنده مملوکی که قدرت بر چیزی ندارد و کسی که از جانب خویش روزیی نیکو به او داده ایم و او آشکار و پنهان از آن انفاق میکند، آیا اینها مساویند؟ سپاس خدای را. بلکه اکثرشان نمیدانند (۷۵) و خداوند بازهم مثلی میزند: دو نفر که یکی لال است و بر چیزی قادر نیست و سربارِ سرور خویش است و به هر طرف که او را متوجه میکنند خیری نمی آورد آیا او با کسی که به عدل فرمان میدهد و بر صراط مستقیم است مساویست؟ (۷۶)

علم غیب آسمانها و زمین از آنِ خداوند است و امر قیامت جز مانند چشم بر هم زدن نیست. بلکه از آن هم نزدیکتر است. خداوند بر هر چیزی تواناست (۷۷) و خداوند شما

را از شکمهای مادرانتان بیرون آورد و چیزی نمیدانستید و برای شما گوش و چشمها و دلها قرار داد شاید شکر کنید (۷۸)

آیا پرندگان را که در جّو آسمان رام هستند ندیدند؟ جز خداوند کسی آنها را نگه نمیدارد. البته در آن برای مومنان آیاتی است (۷۹) و خداوند برایتان از خانه هاتان وسیله آرامشی قرار داد و همچنین از پوست چارپایان خانه هائی قرار داد که در سفر و حضر سبک و مناسب باشد و از پشم ها و کرک ها و موهای آنها اثاثی و وسیله برخورداریی تا مدتی قرار داد (۸۰) و خداوند از آنچه آفرید برایتان سایه بان هائی قرار داد و برایتان از کوه ها چیزهائی قرار داد که خود را میپوشانید و برایتان پیراهن هائی قرار داد که شما را از گرما و از سختی تان هنگام جنگ و کار حفظ میکند. چنین است که خداوند نعمتش را بر شما تمام میکند شاید تسلیم حق شوید (۸۱) پس ای پیمبر! اگر روی بر گرداندند جز ابلاغی آشکار بر عهده تو نیست (۸۲) زیرا نعمت خدا را می شناسند اما انکارش می کنند و اکثرشان کافرند (۸۳)

ای مردم! به فکر روزقیامت باشید که از همه اقوام شاهدی علیه خودشان بر میانگیزیم، آنگاه به کافران نه اجازه ای داده میشود و نه اینکه عذر خواهیی کنند (۸۴) و هنگامی که ظالمان عذاب را ببینند نه تخفیفی خواهند داشت و نه مهلتی خواهند یافت (۸۵) و هنگامی که مشرکان آنهائی را که شریک گرفتند ببینند گویند پروردگارا اینها کسانی هستند که شریکشان گرفتیم و آنها را به جای تو میخواندیم. پس آن گفتار بر آنها فرود می آید که شما ها دروغگوئید (۸۶) و در آن روز تسلیم خداوند میشوند و آنچه بر او افترا می بستند از آنها محو میشود (۸۷) آنانکه کفر ورزیدند و از راه خدا بازداشتند عذابی به عذابشان می افزائیم، برای آن فسادی که میکردند (۸۸) در آن روز از هر قومی گواهی از خودشان بر آنها برانگیزیم و تو را نیز بعنوان گواه بر اینها بیاوریم. و این کتاب را

بر تو نازل کردیم تا بیان کننده همه چیز و هدایـت و رحمتی و مژده ای برای تسلیم شدگان باشد (۸۹)

خداوند به عدل و احسان و بخشش به خویشان فرمان میدهد و کارهای زشت و ناپسند و تجاوز را نهی میکند. خداوند موعظه تان میکند شاید پند گیرید (۹۰)

به عهد خدا وقتی که عهد کردید وفا کنید و قسم ها را پس از تأکید بر آنها نشکنید، در حالیکه خداوند را نیز بر خود گواه قرار داده اید، که خداوند به آنچه میکنید داناست (۹۱) و مانند آن زن مباشید که رشته خویش را پس از تابیدن پراکنده و گسیخته میکرد. قسم هایتان را بین خودتان سبب این قرار مدهید که گروهی به سبب قسم های دروغ شما بیش از دیگری برخوردار شود. جز این نیست که خداوند بوسیله آن قسم ها آزمایشتان میکند و برای شما در روز قیامت حقیقتِ آنچه را که در آن اختلاف می ورزیدید بیان خواهد نمود (۹۲)

و اگر خدا میخواست شما را مانندِهم قرار میداد، و لیکن هر که را زمینه گمراهی داشته باشد گمراه میکند و هر که را لیاقت هدایت داشته باشد هدایت میکند، و حتماً راجع به آنچه انجام میدهید ارزیابی خواهید شد (۹۳) و قسم هایتان را بین خودتان وسیله دغل قرار ندهید تا قدمی را بعد از استحکام بلغزانید، و درنتیجه جریمه اش را بچشید، و عذاب عظیم داشته باشید (۹۴) و عهد خدا را به قیمتی ناچیز مفروشید، جز این نیست که آنچه نزد خداست برایتان بهتر است اگر بدانید (۹۵) آنچه نزد شماست تمام میشود و آنچه نزد خداست میماند و البته پاداش کسانی را که صبر نمودند به بهترین وجهی میدهیم (۹۶)

هر کس، چه زن باشد و چه مرد، اگرعمل صالح کند و مومن باشد، البته او را به زندگیی دلپسند زنده میداریم و پاداشش را بهتر از آنچه که بسبب عملش سزاوارش شده است میدهیم (۹۷)

ای پیامبر! هنگامی که قرآن میخوانی، از شر شیطان رانده شده به خدا پناه بر (۹۸)
که او تسلطی بر مومنانی که بر پروردگارشان توکل میکنند ندارد (۹۹)
جز این نیست که تسلط او بر کسانی است که تسلط او را میپذیرند و نیز کسانی که با خداوند شریک قرار میدهند (۱۰۰)

و هنگامی که آیه ای را تبدیل به آیه ای دیگر کنیم در حالیکه خداوند آنچه را نازل میکند، بهتر میشناسد، میگویند جز این نیست که تو مفتری هستی. نه! بلکه اکثرشان علمی ندارند (۱۰۱) بگو آنرا روح القدس به حق از جانب پروردگارت نازل کرده تا مومنان را ثابت قدم کند و مژده ای برای مسلمانان باشد (۱۰۲) و البته میدانیم که با تاکید میگویند یک نفر بشر این چیزها را به او یاد میدهد. زبان کسی که این اشاره را به او میکنند عجمی است. و این قرآن به زبان عربی آشکار است (۱۰۳)

آنآنکه به آیات خدا ایمان نمی آورند خداوند هدایتشان نمی کند و عذاب دردناک خواهند داشت (۱۰۴) جز این نیست: فقط کسانی به خداوند دروغ می بندند که به آیات خدا ایمان ندارند و خودشان دروغگویند (۱۰۵) کسی که پس از ایمان به خداوند دوباره به او کفر ورزد و دلش را برای کفر گشاده گرداند، غضبی از جانب خداوند بر او خواهد بود و عذابی عظیم خواهد داشت
مگر اینکه مجبور به اظهار کفر شده، و قلبش به ایمان مطمئن باشد، که وضع او فرق خواهد داشت (۱۰۶)
این به آن سبب است که کسانی که بدون اینکه تحت فشار باشند از ایمان به کفر برمیگردند، زندگی دنیا را به آخرت ترجیح داده اند و خداوند کافران را هدایت نمی کند (۱۰۷) آنها کسانی هستند که خداوند بر قلبهاشان و گوششان و چشمهاشان مهر زده و از حقایق غافلند (۱۰۸)

چاره ای نیست جز اینکه آنها در آخرت زیانکارند (۱۰۹)

سپس پروردگارت نسبت به کسانی که پس از ناراحتی هائی که دچار شدند مهاجرت کردند و سپس جهاد کردند و صبر نمودند البته حتماً آمرزگار مهربان است (۱۱۰)

روزی می آید که هر کس گرفتار دفاع از خویشتن است و به هر کس هر چه کرده بطور کامل داده شده و هیچ ظلمی به آنان نمیشود (۱۱۱)

خداوند شهری را مثل میزند که امن و مطمئن بود و روزیش به فراوانی از همه جا میرسید آنگاه به نعمت هایش کفران ورزیدند و او نیز بسبب اعمالشان لباس گرسنگی و ترس بر آنها پوشانید (۱۱۲) و پیامبری از خودشان بسویشان آمد اما تکذیبش کردند و عذاب بگرفتشان در حالیکه ظالم بودند (۱۱۳)
پس، از آنچه خداوند از چیزهای حلال و دلپسند روزیتان کرده بخورید، و نعمتش را شکر گوئید، اگر فقط او را عبادت می کنید (۱۱۴) جز این نیست که مردار و خون و گوشت خوک و آنچه اسم غیر خدا بر آن بخوانند بر شما حرام است. البته اگر کسی ناچار شد، در صورتیکه زیاده روی و تجاوز نکند، البته خداوند آمرزگار مهربان است (۱۱۵)
و به هر چه به زبانتان میرسد به دروغ نگوئید این حلال و این حرام است تا به خداوند دروغ بسته باشید. کسانی که به خدا دروغ بندند رستگار نخواهند شد (۱۱۶)
کسی که چنین کند نتیجه اش برخورداریی اندک در این دنیا خواهد بود ولی در آخرت عذابی دردناک نصیبش میشود (۱۱۷)

ای پیامبر! آنچه را قبلا برایت گفتیم بر یهودیان حرام کردیم و به آنها ظلم نکردیم بلکه خودشان به خویش ظلم کردند (۱۱۸)
البته پروردگارت نسبت به کسانی که از روی جهالت کار زشتی نموده و سپس توبه کرده و اصلاح نمودند، آمرزگار مهربان است (۱۱۹)

ابراهیم خودش یک امت بود که در مقابل خداوند فروتن و یکتاپرست بود و از مشرکان نبود (۱۲۰) در مورد نعمتهایش نیز شکرگزار بود که برگزیدش و به سوی جاده مستقیم هدایتش نمود (۱۲۱) و در دنیا به او نیکی دادیم و در آخرت نیز از صالحان خواهد بود (۱۲۲)
آنگاه ای پیامبر! بتو وحی کردیم که دین ابراهیم را پیروی کن که یکتاپرست بود و از مشرکان نبود (۱۲۳) جز این نیست که حکمِ روزِ شنبه یهودیان علیه کسانی قرار داده شد که در آن اختلاف کردند و پروردگارت در قیامت درباره اختلافشان حکم خواهد نمود (۱۲۴)
به راه پروردگارت با حکمت و موعظهء نیکو دعوت کن و با مخالفانت به بهترین روش مبارزه کن.
پروردگارت بهتر میداند چه کسی از راهش منحرف شده و همو هدایت یافتگان را بهتر میشناسد (۱۲۵)

و اگر ظلمی را که برشما شده، پیگیری میکنید، فقط نظیر آن آسیبی که دیده اید پیگیری کنید و اگر صبر کنید، البته برای صابران بهتر است (۱۲۶)

ای پیامبر! صبر کن و صبر تو جز به یاری خداوند نیست و برایشان اندوهگین مباش و درباره نیرنگهائی هم که میزنند دلتنگ مباش (۱۲۷)
البته خداوند با تقوا داران است و نیز با کسانی است که نیکوکارند (۱۲۸)

سوره فاطر

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد مخصوص خداست که آسمانها و زمین را ایجاد و ملائکه را ماموراني قرار داد که دارای وسائلی هستند که ماموریت خویش را انجام دهند، دو تا وسیله و سه تا و چهارتا، هر چه بخواهد در آفرینش می افزاید که خداوند بر هر چیزی تواناست (۱)

آنچه خدا برای مردم از روی رحمت باز کند هیچکس نمیتواند ببندد و اگر ببندد هیچ کس نمیتواند بگشاید و همو پیروزمند فرزانه است (۲)

ای مردم! نعمت خدا را بر خویش بیاد آورید. آیا آفریننده ای غیر از خدا هست که از آسمان و زمین روزیتان دهد؟ خدائی جز او نیست. پس به کجا منحرف میشوید؟ (۳)

ای پیامبر! اگر تکذیبت کنند رسولانِ قبل از تو نیز تکذیب شدند و همه امور بسوی خدا برمیگردد (۴)

ای مردم! وعده خدا حق است. پس مبادا زندگیِ دنیا گولتان زند و بخصوص مبادا فریب هائی شما را درباره خدا بفریبد (۵)

شیطان البته دشمن شماست. پس او را دشمن گیرید. جز این نیست که پیروانش را به اموری دعوت میکند که نتیجه اش این خواهد بود که اهل آن آتش سوزان باشند (۶)

کافران عذابی شدید، و مومنانِ صاحب عملِ صالح آمرزش و پاداشی بزرگ خواهند داشت (۷)

آیا کسی که عمل زشتش برایش جلوه داده شده و آن را نیکو می

بیند مانند مومنان است؟ نه! بلکه خداوند هر که را که لایق گمراهی است گمراه میکند و هر که را لایق باشد هدایت میکند.
پس ای پیامبر! مبادا بعلت حسرتی که به حال مردم میخوری خود را از بین ببری. خداوند میداند آنها چه میکنند (۸)
و خداوند است که بادها را میفرستد و آنها ابرها را برمی انگیزند و آنها را بسوی زمین مرده میراند و بواسطه آنها آن زمین بعد از مرگش زنده می شود. زنده شدن پس از مرگ نیز چنین است (۹)

اگر کسی عزت بخواهد همه عزت ها از آن خداست. عقیده پاک بسوی او بالا میرود و عمل صالح است که آنرا بالا میبرد، و کسانیکه به توطئه شوم میپردازند عذابی شدید خواهند داشت و توطئه شان هم نابود میشود (۱۰)

و خداوند شما را از خاکی آفرید، سپس از نطفه ای، سپس جفتهائی قرارتان داد، و هیچ ماده ای حملی برنمیدارد و وضع حملی نمی کند مگر به علم او، و هیچ صاحب عمری عمر طولانی نمی کند و هیچ مقدار از عمرش کم نمیشود مگر آنکه در کتابی هست. که این برای خدا آسان است (۱۱)
و آن دو دریا یکسان نیستند. این یکی شیرین و گوارا و آن یکی شور و تلخ است. و شما از هر دو گوشت تازه میخورید و چیزهای زینتی استخراج کرده و می پوشید و کشتی را می بینید که آب را میشکافد تا از فضل او روزی خویش جستجو کنید و شاید شکرگزارید (۱۲)
شب را داخل روز و روز را داخل شب میکند و آفتاب و ماه را رام کرده وهر کدام تا سرآمدی معین درجریانند. این است خدای شما. فرمانروائی از آن اوست. و کسانی را که غیر از او میخوانید مالک

حتی قطمیری نیز نیستند (۱۳)
اگر آنها را بخوانید صدایتان را نمی شنوند و اگر هم بشنوند اجابتتان نمی کنند و روز قیامت نسبت به شرک شما کافرند،
و ای انسان! هیچکس تو را مانند آن خدای آگاه خبردار نمی کند (۱۴)

ای مردم! شما محتاج خدائید و خداوند بی نیازِ ستوده است (۱۵) اگر بخواهد شما را میبرد و آفریدگانی جدید می آورد (۱۶) و این برای خدا سخت نیست (۱۷) و هیچ کس در قیامت بارِ دیگری را برنمیدارد. و اگر کسی دیگری را برای برداشتن بارسنگینش بخواند چیزی از آن برنخواهد داشت. حتی اگر از خویشاوندان باشد. جز این نیست که تو کسانی را که در خلوت از پروردگارشان بیم دارند هشدار میدهی. همانها که نماز بپامیدارند، و هر کس که پاکیزگی پیشه کند بنفع خود اوست و سرانجام همه بسوی خداست (۱۸)

و کور و بینا مساوی نیستند (۱۹) و نیز نور و تاریکیها (۲۰) و نیز سایه و هُرم گرما (۲۱) و همچنین زندگان و مردگان مساوی نیستند.
خداوند به آنکه خواهد می شنواند و تو ای پیامبر! نمیتوانی به آنها که در قبرها هستند چیزی بشنوانی (۲۲)
تو جز هشدار دهنده ای نیستی (۲۳)
تو را به حق فرستاده ایم که مژده رسان و هشدار دهنده باشی و هیچ امتی نبوده که هشدار دهنده نداشته باشد (۲۴)
و اگر تکذیبت کنند، چیز عجیبی نیست، پیشینیان آنها نیز پیغمبرانشان را که با دلیل های روشن و پیامها و کتابهای نور افشان بسویشان آمده بودند تکذیب کردند (۲۵) آنگاه کافران را بگرفتیم و کیفرم چه سخت بود (۲۶)

ای انسان! آیا ندیدی که خداوند از اسمان آبی فرستاد که با آن میوه هائی به رنگهای مختلف در آورد؟ و از کوه ها نیز رگه راه هائی

دارای رنگهای مختلف سفید و سرخ و سیاه هست؟ (۲۷) و همچنین انسان و جنبندگان و چارپایان نیز با رنگهای مختلفند؟ چنین است که فقط بندگان دانا از خداوند بیم دارند که خداوند عزتمند آمرزشگر است (۲۸)

البته آنانکه کتاب خدا را تلاوت میکنند و نماز بپامیدارند و از آنچه روزیشان کرده ایم پنهانی و آشکارا انفاق می کنند به تجارتی امید دارند که زیانی ندارد (۲۹) تا خداوند پاداششان را بطور کامل بدهد و از فضل خویش نیز به آن بیفزاید که او آمرزشگر شکرگزار است.

ای پیامبر! آنچه که از آن کتاب بتو وحی کرده ایم البته حق است، و تصدیق کتب آسمانی قبلی است. البته خداوند به بندگانش آگاه بیناست (۳۰) سپس آن کتاب ها را به کسانی از میان بندگان خویش که آنها را برگزیده ایم به میراث دادیم (۳۱) از میان آنها کسانی بودند که به خویش ظلم کردند و بعضی معتدل بودند و برخی در کارهای خیر به اذن خدا سبقت میگرفتند. که آن خودش فضل بزرگی است (۳۲)

بهشتهائی جاودان که داخل آن میشوند و زینت آلاتی از دستبند های زرین و مروارید می آویزند و لباسشان در آنجا حریر است (۳۳) و میگویند ستایش مخصوص خدائی است که اندوه را از ما زدود که پروردگارمان آمرزشگر شکرگزار است (۳۴) همآنکه ما را از فضل خویش به محل اقامت دائمی آورد که در آن نه رنجی و نه ملالی به ما میرسد (۳۵)

و آنآنکه کافر شدند آتش جهنم خواهند داشت که نه کارشان را

میسازد که بمیرند و نه تخفیفی می یابند و هر کفران پیشه ای را چنین مجازات می کنیم (۳۶) و در آنجا فریاد میزنند پروردگارا بیرونمان بیاور که عمل صالحی غیر از آنچه که قبلا انجام میدادیم در پیش گیریم. خطاب میشود آیا به شما عمر ندادیم که در آن پند پذیر پند بپذیرد، و هشدار دهنده هم بسویتان آمد. پس بچشید که ظالمان یاوری ندارند (۳۷)

البته خداوند دانای نهان های آسمانها و زمین است، که حتی به اندیشه ها نیز داناست (۳۸) هموست که شما را جانشینان زمین قرار داد. پس هر کس که کفر ورزد کفرش به ضرر خود اوست و کفر کافران نزد پروردگارشان برای آنها چیزی جز خشم، و برای خودشان جز ضرر، اضافه نخواهد کرد (۳۹)

ای پیامبر! بگو آنهائی را که باخداوند شریکشان قرارمیدهید دیده اید؟ نشانم دهید در زمین چه آفرینشی کرده اند یا اینکه در آسمانها چه مشارکتی دارند؟ یا اینکه کتابی به آنها داده ایم که از روی آن برای اعتقاد شرک آمیز خود دلیل می آورند؟ نه! بلکه ظالمان بعضی شان بعضی دیگر را با وعده فریب میدهند (۴۰)

خداوند است که آسمانها و زمین را از فروپاشی نگهمیدارد و اگر فرو بپاشد هیچ کسی نیست که آنها را نگهدارد که همو حلیم آمرزنده است (۴۱)

و شدیدترین قسمها را به خدا میخورند که اگر هشدار دهنده ای بسویشان بیاید حتما هدایت یافته تر از همه امتها خواهند شد. اما وقتی که هشدار دهنده ای بسویشان آمد، جز بر رمیدنشان نیفزود

(۴۲) و نیز جز به گردنفرازی شان در روی زمین و توطئه بد نیفزودند. و توطئه بد جز بر اهل خودش فرود نمی آید. پس آیا انتظار چیز دیگری را غیر از سنتی که برپیشینیان جاری شد دارند؟ در حالیکه هرگز برای سنت خداوند دگرگونی نخواهی یافت. و هرگز برای سنت خداوند جابجائی نخواهی یافت (۴۳) آیا در زمین نگشتند تا عاقبت پیشینیان را که از اینان قوی پنجه تر بودند ببینند؟

و چیزی در آسمانها و زمین نیست که خداوند را ناتوان کند که او دانای قدرتمند است (۴۴) و اگر خداوند بسبب آنچه که مردم انجام میدهند مواخذه شان میکرد، هیچ جنبنده ای برپشت زمین باقی نمی ماند، ولیکن تا سر آمدی معین مهلتشان میدهد. پس هنگامی که اجلشان رسید البته خداوند خودش به وضع بندگانش بیناست (۴۵)

سوره روم

بسم الله الرحمن الرحیم

الم (۱)
روم مغلوب شد (۲)
در نزدیک ترین سرزمین نسبت به مسلمانان.
وهمانها پس ازشکست بزودی غالب میشوند (۳)
ظرف سالهائی اندک.
زمام امور چه قبل از آن وچه بعد از آن بدست خداست.
و مومنان در آنروز شاد میشوند (۴) به یاری خدا.
که هر که را خواهد یاری می کند و همو پیروزمند مهربان است (۵)
این وعده ای الهی است. و خداوند هرگز در وعده اش تخلف نمی‌کند.

ولیکن اکثر مردم نمیدانند (۶)
یک چیزی از ظواهر زندگیِ این دنیا را میدانند اما از عاقبت امور غفلت دارند (۷)

آیا با خود نیندیشیده اند که خداوند آسمانها و زمین و آنچه را که بین آنهاست جز به حق وسر آمدی معین نیافریده؟ و البته بسیاری از مردم نسبت به ملاقات پروردگارشان کافرند (۸)

وآیا در زمین گردش نکرده اند که ببینند عاقبت پیشینیان که از آنان قوی تر بودند و در زمین هم عمران وآبادی بیشتری کردند چه شد؟ همانها که پیامبرانشان با دلایل روشن بسویشان می آمدند اما آ نها کفر میورزیدند؟ و اینطور نیست که خداوند به آنان ظلم کرده باشد ولیکن آنها به خودشان ظلم کردند (۹) آنگاه عاقبت آنهایی که بدی ها را به بدترین وجه مرتکب میشدند این شد که آیات خداوند را تکذیب نمایند و مسخره اش کنند (۱۰)

خداوند آفرینش را شروع نموده سپس اعاده اش میکند و بالاخره بسوی او باز میگردید (۱۱) و روزی که قیامت بپا شود مجرمان پژمرده میگردند (۱۲) وهیچیک از کسانی که با خدا شریک قرار داده بودند به شفاعت آنها اقدامی نمی کنند و آنها به همان شریکان کافر میشوند (۱۳) و روزی که قیامت بپا شود از یکدیگر جدا میشوند (۱۴) ولی کسانی که ایمان آورده و عمل شایسته کرده باشند در باغی شاد و خرم خواهند بود (۱۵) اما کسانی که کفر ورزیدند وآیاتمان و ملاقات آخرت را تکذیب کردند برای عذاب احضار خواهند شد (۱۶)

خداوند را در عبادت هایتان، در غروب ها و صبحگاهان به ذکر و دعا منزه بدارید (۱۷) و همچنین اورا در ظهرها و شامگاهان به ذکر و دعا ستایش کنید (۱۸)

همو است که زنده را از مرده، و مرده را از زنده، در می آورد و زمین را پس از مرگش زنده می کند و شما را نیز همینطور از این دنیا بیرون می آورد و به آخرت داخل میکند (۱۹)
و از نشانه های اوست که شما را از خاک آفرید آنگاه شما بشری شده و منتشر گشته اید (۲۰)
و از نشانه های اوست که برای شما جفت ها ئی از خودهاتان آفریده تا بسوی آنان میل کنید وآرامش گیرید وبین شما دوستی و مهربانی قرار داد. البته در این موضوع برای کسانی که اهل تفکر باشند نشانه های زیادی هست (۲۱)
و از نشانه های او آفرینش آسمانها و زمین و اختلاف زبان ها و رنگهایتان است. البته در این موضوع برای اهل دانش نشانه های زیادی است (۲۲)
واز نشانه های او خواب شما در شب وروز ، و جستجوی روزی تان از فضل اوست، البته در این موضوع برای شنوایان، نشانه هائی است (۲۳)
و از نشانه های خویش، برق را به شما می نمایاند که هم جای ترس و هم جای طمع دارد. واز آسمان آبی میفرستد و زمین را پس از مرگش زنده می کند. البته در این موضوع برای خردمندان نشانه هائی است (۲۴)
و از نشانه های او این است که آسمان و زمین را به امر خویش بر پا میدارد، آنگاه وقتی که شما را با فرا خوانی از زمین فرا بخواند، فوراً بیرون می آئید (۲۵)
و هر کس که در آسمان ها و زمین هست از آن اوست، که همگی مطیع او هستند (۲۶)
و اوست که آفرینش را شروع میکند و باز هم تجدیدش مینماید و آن برایش آسانتر است. ومَثَل بالاتر در آسمانها و زمین خاص اوست، و همو پیروزمند فرزانه است (۲۷)

برایتان از خود شما مثلی میزند: آیا بندگانی دارید که جزء اموال شما باشند و آنگاه همانها در آنچه روزیتان کرده ایم با شما به تساوی شریک باشند بطوریکه همانطور که از خودهاتان حساب می برید، از آنها هم حساب ببرید؟ ما آیات را اینطور برای مردمِ

عقل پیشه توضیح میدهیم (۲۸)

ظالمان از این همه نشانه ها، عبرتی نمیگیرند بلکه بدون علم ، از آنچه دلشان میخواهد پیروی می کنند، و کسی را که خداوند گمراهش نموده چه کسی هدایت میکند و آنها هیچ یاورانی نخواهند داشت (۲۹)

پس ای پیامبر! توجه خویش یکسره به دین معتدل کن. به همان فطرت خدائی که مردم را براساس آن آفریده.
در آفرینش خدا تغییری نیست. این است آن دین پاینده. ولیکن اکثر مردم نمیدانند (۳۰)

و ای مردم! به سوی او رو کنید و از او پروا نمائید واز مشرکان مباشید (۳۱)
از همان کسانی مباشید که دین خویش را فرقه فرقه نموده و دسته دسته شدند و هر گروهی به آنچه نزد خویش دارند شادمانند (۳۲)
و هنگامی که ناراحتیی به مردم میرسد پروردگارشان را در حالیکه بسویش باز میگردند صدا میزنند. آنگاه پس از اینکه از جانب خویش رحمتی به آنان چشاند ناگهان عده ای ازآنها به پروردگارشان شرک میورزند (۳۳) تا آنچه را که به آنان داده ایم کفران کنند.
پس فعلا بهرهء اندکی برگیرید که بزودی خواهید فهمید (۳۴)
آیا دلیلی بر آنها فرستاده ایم که موافق آن شرکی که میورزند سخن میگوید؟ (۳۵)

و هنگامی که به مردم رحمتی بچشانیم به همان شاد میشوند و اگر بسبب آنچه که کرده اند بدیی به آنان رسد فورا نومید میشوند (۳۶)
آیا نمی بینند که خداوند برای هر کسی که بخواهد روزیش را فراخ و یا محدود میگرداند؟
البته در این برای آنآنکه ایمان دارند نشانه هائی است (۳۷)

پس ای پیامبر! به خوشاوندان نزدیک، و مساکین، و در راه ماندگان، حقشان را بده. این برای کسانی که رضایت خداوند را میخواهند بهتر است و رستگار خواهند شد (۳۸)

و ای مردم! «ربا»ئی که میدهید تا دراموال مردم زیاد شود نزد خدا زیادتی نخواهد داشت. اما زکاتی که برای رضایت خداوند میدهید اموال شما را زیاد خواهد کرد (۳۹)

خداوند است که شما را آفرید، آنگاه روزیتان داد، سپس شما را میمیراند، سپس زنده تان میکند. آیا هیچکس از آن کسانی که با او شریک قرار داده اید هیچیک از این کارها را می کنند؟ منزه و بالاتر است از آنچه با او شریک قرار میدهند (۴۰)

در خشکی ودریا، به سبب آنچه که مردم انجام داده اند، فساد پیدا شده، تا سزای قسمتی از آنچه را که انجام داده اند به آنان بچشانیم، شاید باز گردند (۴۱)

ای پیامبر! به کافران بگو در زمین بگردید و ملاحظه کنید که عاقبت پیشینیان که اکثر شان هم مشرک بودند چه شد(۴۲)

ای مردم! روی خویش بسوی دین پایدار کنید. پیش از آنکه روزی برسد که خداوند دیگر اجازه برگشت ندهد ودر آن روز همه از هم جدا شوند (۴۳)
هر کس که کفر ورزد کفرش به ضرر خود او خواهد بود وهر کس که عمل شایسته کند برای خویش ذخیره ای نموده است (۴۴)
خداوند آنان را که ایمان آورده و عمل شایسته کرده اند چنین از فضل خویش پاداش میدهد که او کافران را دوست نمیدارد (۴۵)

و از نشانه های اوست که بادها را که مژده آور باران هستند می

فرستد تا از رحمت خویش به شما بچشاند و کشتی ها به امرش راه بروند وشما از فضل او روزی خویش را جستجو کنید، شاید شاکر باشید (۴۶)

و البته ای پیامبر! قبل از تو فرستادگانی بسوی مردمشان فرستادیم که با دلایل روشن بر آنها در آمده اند، آنگاه از مجرمان انتقام گرفتیم و البته یاریِ مومنان بر عهده ما است (۴۷)

خداوند است که بادها را میفرستد تا ابرها را برانگیزد و آنها را در آسمان آنطور که بخواهد میگستراند و آنرا قسمت قسمت میکند، آنگاه می بینی که قطرات باران از خلال آنها بیرون می آید که آن را به هرکس از بندگانش که برساند شاد میشوند (۴۸) گر چه قبل از فرستادن آن پژمرده بودند (۴۹)
پس به آثار رحمت خداوند نگاه کنید که چگونه زمین را بعد از مرگش زنده میکند.
البته همو زنده کننده مردگان هم هست، و او بر هر چیزی تواناست (۵۰)
و البته اگر بادی میفرستادیم که زراعتهایتان را زرد ببینید حتما پس از آن کفر میورزیدید (۵۱)

ای پیامبر! البته تو به مردگان و کران چیزی نمی شنوانی. آنها که فورا روی برگردانده و پشت می کنند نیز مانند آنها هستند (۵۲)
وتو هدایت کننده کوران از گمراهی شان نیستی. جز این نیست که تو فقط به کسانی حقایق را می شنوانی که به نشانه های ما ایمان آورده و جزء تسلیم شدگانِ به حقیقت اند (۵۳)

خداوند هموست که شما را از ضعفی آفرید، سپس بعد از ضعف قوتی قرار داد، سپس بعد از قوت ضعف و پیریی قرار داد. هر چه بخواهد می آفریند و همو دانای تواناست (۵۴)

و روزی که قیامت بپا شود مجرمان قسم میخورند که غیر از ساعتی بر آنها نگذشته است. قبلا هم اینطور به باطل گرایش می یافتند (۵۵)
و کسانی که علم و ایمان به آنان داده شده میگویند البته شما آنقدر که در کتاب خدا ذکر شده، یعنی تا روزبرانگیختگی، درنگ کرده اید، و این همان روز است ولیکن شما نمی دانید (۵۶)
پس در آن روز، معذرت خواهی دردی از ستمکاران دوا نمی کند واز آنها خواسته نمیشود که سرزنش ها را از خود دفع کنند (۵۷)

در این قرآن برای مردم از هر نوع مثلی زدیم. واگر با معجزه ای بسویشان بروی کافران خواهند گفت شما دارید بیهوده گوئی میکنید (۵۸)
خداوند چنین بر دل نادانان مهر میزند (۵۹)
پس ای پیامبر! صبور باش، وعده خداوند حق است، و مبادا آنان که یقین ندارند تو را به سبکسری وادارند (۶۰)

سوره رعد

بسم الله الرحمن الرحیم

المر.
این آیاتِ آن کتاب آسمانی است و آنچه که از جانب پروردگارت بسویت نازل شده حق است ولیکن اکثر مردم ایمان نمی آورند (۱)

خداوندی که آسمانها را با ستون هائی که دیده نمی شوند برافراشته و آنگاه بر عرش مستقر شد و خورشید و ماه را رام کرد که همگی تا سرآمدی معین حرکت دارند.
آن امر را تدبیر می کند.
آیات را تفصیل میدهد.
شاید به ملاقات پروردگارتان یقین آورید (۲)
وهموست که زمین را کشیده و در آن لنگرهائی و نیز نهرهائی قرار داده و از همه گونه میوه ها جفتی دوگانه نر و ماده در آن قرار داده و شب روز را می پوشاند.
البته در این نشانه هائی است برای کسانی که تفکر می کنند (۳)
و در زمین قطعاتی پهلوی هم هستند و باغهائی از انگورها و کشت ها و خرماها، که از یک ریشه و نژادند یا از غیر یک ریشه، که با آب یکسانی آبیاری میشوند و با وجود این بعضی را از لحاظ طعم و خواص بر بعضی دیگر برتری یافته اند.
البته در این آیاتی است برای مردمی که به عقل درمی یابند (۴)

ای پیامبر! اگر تعجب می کنی، در حقیقت قول آنها عجیب است که میگویند آیا وقتی که خاک شدیم در آفرینشی جدید قرار خواهیم گرفت؟
آنها کسانی هستند که به پروردگارشان کافر شدند و زنجیرهائی به گردن دارند و یاران آن آتش میباشند که در آن جاودانند (۵)

و آنها با عجله بدی را قبل از خوبی از تو میخواهند در حالیکه قبل از آنان آن چیزهای مثال زدنی گذشته بود و پروردگارت نسبت به مردم در مورد ظلمشان آمرزشگر است و البته پروردگارت در پیگیری

هم شدید است (۶)
وکافران میگویند چرا نشانه ای از جانب پروردگارش بر او نازل نشده؟ جز این نیست که تو فقط هشدار دهنده ای و هر قومی هدایت کننده ای دارد (۷)

خداوند میداند هر ماده ای به چه چیزی حامله است و رحِم ها چه چیزی را کم و زیاد می کنند و همه چیز در نزد او به اندازه است (۸)
دانای پنهان و آشکار، و بزرگ و بلند مرتبه است (۹)
برای او فرقی نمی کند که کسی سخن را پنهان یا آشکار کند، و کسی در شبِ پنهانی، و یا در روزِ آشکارا، روان شود (۱۰)
هر کس به امر خدا تعقیب کنندگانی دارد، که چه از جلو و چه از پشت سر، حفظش میکنند.
البته خداوند اوضاع و احوال قومی را عوض نمی کند تا اینکه آنها آنچه را که در خودهاشان است تغییر دهند.
و اگر خداوند برای قومی اراده سوئی کند برطرف کننده ای نخواهند داشت و برایشان غیر از او ولیّ و سرپرستی نخواهد بود (۱۱)
هموست که برق را به شما می نمایاند که از آن، هم خوف و هم در آن طمع دارید، و ابرهای بارور ایجاد می کند (۱۲)
و رعد به حمدش تسبیحش میکند و ملائکه نیز ازبیم او چنان می کنند و صاعقه ها را میفرستد و هر کس را که خواهد دچارش می کند، اما آنها درباره خداوند جدل می کنند و همو سخت گیر است (۱۳)
دعوت حق مخصوص اوست، و کسانی که غیر او را میخوانند اجابت نمی شوند.
مانند کسی که دو دستش را بسوی آب باز کرده که به دهانش برساند

ولی به آن نمیرسد و دعای کافران جز در گمراهیی نیست (۱۴)
و هر کس که در آسمانها و زمین است، و سایه هایشان، چه به دلخواه و چه نادلخواه، برای خداوند صبحها و شبها سجده می کنند (۱۵)

ای پیامبر! بگو پروردگار آسمانها و زمین کیست؟ بگو خداوند است. بگو پس آیا کور و بینا یا تاریکیها و نور مساویند؟ یا اینکه برای خداوند شریکانی قرار داده اند که آفرینشی مانند آفرینش او دارند و آفرینش ها بر آنها مشتبه شده؟ بگو خداوند آفریدگار همه چیز است و همو تنهای قهار است (۱۶)

از آسمان آبی فرو فرستاده و از هر جائی به اندازه اش سیلابی جریان می یابد. آن سیلاب کفی حمل می کند،
و بعضی چیزها که برای ساختن زیور آلات یا وسایلی در آتش میگدازند نیز کفی مانند آن دارد،
البته کف به کنار میرود و چیزی که برای مردم مفید است بجا میماند.
خداوند چنین مَثَل میزند (۱۷)

برای کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کردند پاداش نیکوئی هست. و برای آنهائی که اجابت نکردند اگر آنچه در زمین هست و همانند آن نیز از آن آنها باشد که به عوض آن بدهند فایده ای ندارد، وحساب سختی خواهند داشت و جایگاهشان جهنم خواهد بود که بد بستری است (۱۸)

آیا کسی که میداند که آنچه از جانب پروردگارت نازل شده حق است، مانند کسی است که کور است؟ جز این نیست که خردمندان

پند میگیرند (۱۹)
همانها که به عهدشان با خداوند وفا می کنند و میثاق را نمی شکنند (۲۰)
و همانها که چیزی را که خداوند به وصلش فرمان داده وصل می کنند و از پروردگارشان بیم دارند و از حساب بد میترسند (۲۱)
و همانها که برای کسب رضایت خداوند صبر می کنند و نماز بپا میدارند و از آنچه روزیشان کرده ایم پنهانی و آشکارا انفاق نموده و زشتی را با نیکی دور می کنند که خانه نهائی از آن آنهاست (۲۲)

باغهائی جاودان که آنان، و نیز هر کسِ شایسته ای از پدرانشان و همسرانشان و فرزندانشان، داخلش میشوند و ملائکه نیز از هر دری برآنها در می آیند (۲۳) و میگویند سلام بر شما بواسطه صبری که کردید و خانه نهائی چه خوب است (۲۴)

اما کسانی که عهد خدا را پس از محکم کردنش می شکنند و آنچه را که خدا به وصلش فرمان داده قطع می کنند و در زمین فساد مینمایند، دوری از رحمت خدا و خانه ای بد خواهند داشت (۲۵)

خداوند است که روزی را برای هر که بخواهد گشاده میگرداند و یا تنگ میگیرد و آنها به زندگی دنیا خوشحالند اما زندگی دنیا در مقابل آخرت جز برخورداریی اندک نیست (۲۶)

ای پیامبر! کافران میگویند چرا معجزه ای ازنزد پروردگارش بر او نازل نشده. بگو خداوند است که هر که را خواهد گمراه میکند و کسی را که بسویش باز آید هدایت می کند (۲۷)
همانها که ایمان آورده و دلهایشان به یاد خدا آرام میگیرد. بدانید که دلها با یاد خدا

آرامش می یابد (۲۸)
همانها که ایمان آورده و عمل شایسته انجام دادند که خوشا بحالشان و عاقبت خوشی که دارند (۲۹)

چنین است که تو را به میان امتی فرستادیم که قبل از آنها امت های بسیاری گذشتند، تا بر آنها آنچه را که بر تو وحی کرده ایم بخوانی، در حالیکه آنها به خداوند رحمان کفر میورزند. بگو همو پروردگار من است که خدائی جز او نیست. بر او توکل کرده ام و بازگشتم بسوی اوست (۳۰) و اگر هم آن معجزه، قرآنی بود که بواسطه آن کوهها جابجا یا زمین تکه تکه میشد یا مردگان به سخن در می آمدند، باز هم ایمان نمی آوردند بلکه آن امر تماما با خداست. آیا مومنان از ایمان آوردن آنان مایوس نشدند؟ در حالیکه اگر خداوند میخواست همگی مردم را هدایت میکرد. و برای کافران همواره چنین است که بسبب اعمالشان کوبنده ای به آنان اصابت می کند یا نزدیک شهرهایشان فرود می آید. تا اینکه وعده خداوند فرا رسد که خداوند خلافِ وعده نمی کند (۳۱)

و البته رسولانِ قبل از تو نیز مسخره شدند ولی به کافران مهلت دادم، آنگاه آنها را بگرفتم و پیگیریم چه سخت بود؟ (۳۲)

آیا خداوندی که بر هر کسی مراقب است، با خدائی که اینان به خدائی برگرفته اند یکی است؟
به اینان که برای خداوند شریکانی قرار داده اند، بگو مشخصات آنها را بیان کنید!
یا اینکه به او از چیزی که در زمین نمی شناسد خبر میدهید؟
یا اینکه همینطور ظاهری یک چیزی میگوئید؟
نه! بلکه نیرنگ کافران برایشان آرایش یافته و به همین علت از راه بدر شدند.
و کسی را که خداوند گمراهش کند هدایت کننده ای نخواهد داشت (۳۳)
آنها در زندگی دنیا عذابی خواهند داشت و البته عذاب آخرت بُرنده تر است،

و کسی در مقابل خداوند سپری ندارد (۳۴)

مثال بهشتی که به اهل تقوا وعده داده شده چنان است که نهرها در کف آن جاری است. خوردنی ها و سایبانهایش دائمی است، این عاقبت کسانی است که تقوا در پیش گرفتند و عاقبت کافران آتش است (۳۵)

و اهل کتاب به سبب آنچه بر تو نازل شده شادمانی می کنند، و بعضی از گروه ها بعضی دیگر را انکار می کنند. بگو من مامورم که خداوند را عبادت کنم و با او شریک نگیرم. بسوی او دعوت می کنم و بازگشتم بسوی اوست (۳۶)

و بدین گونه قرآن را فرو فرستادیم، که حکمی به زبان روشن است. و ای پیامبر! اگر امیال آنها را پس از اینکه آن علم بسویت آمده پیروی کنی در مقابل خداوند هیچ سرپرست و نگهداری نخواهی داشت (۳۷) و البته قبل از تو نیز فرستادگانی فرستادیم و برایشان همسرانی و فرزندانی قرار دادیم و هیچ رسولی را نمیرسد که جز به اذن خدا معجزه ای بیاورد. برای هر سرآمدی نوشته ای هست (۳۸) خداوند هر چه را خواهد محو میکند وهر چه را خواهد تثبیت می کند و مادرِ کتابها نزد اوست (۳۹) و اگر قسمتی از آنچه را که به آنان وعده میدهیم به تو بنمایانیم، یا تو را به وفات برسانیم چه فرقی میکند؟ جز این نیست که رساندن آشکار بر عهده توست و حساب برعهده ماست (۴۰)

آیا نمی بینند که ما به زمین می پردازیم و از اطرافش میکاهیم؟ خداوند حکم میکند، و هیچکس پیگیر حکم او نیست، و همو در حسابرسی تند است (۴۱)

و البته پیشینیان آنها حیله ای زدند. و البته همه تدبیر ها مال خداست. خداوند هر چیزی را که هر کس کسب میکند میداند و کافران نیز بزودی خواهند دانست سرای نهائی از آن کیست (۴۲)

و کافران میگویند تو فرستاده خدا نیستی. بگو خداوند برای گواهی بین من و شما کافی است، و همچنین کسانی که علم کتاب های آسمانی را دارند(۴۳)

سوره مُلک

بسم الله الرحمن الرحیم

پر برکت است کسی که فرماندهی همه چیز بدست اوست و همو برهر چیزی تواناست (۱) همو است که موت و حیات را آفرید تا بیازماید که کدامتان خوش عمل ترید و او پیروزمند بخشنده است (۲) همو که هفت آسمان را طبقه بر طبقه آفرید. در آفرینش خدای رحمان تفاوتی نمی بینی. چشم بگردان و ببین آیا هیچ ضعف و اختلالی میبینی؟ (۳) آنگاه باز هم چشم بگردان. چشمت بسوی تو خسته و پر حسرت برمیگردد، که نتوانسته فطور و اختلال بیابد (۴) البته آسمان دنیا را با چراغ هائی آراستیم و آنها را مایه رماندن شیاطین قرار دادیم و نیز برایشان عذاب آتش مهیا کردیم (۵) و برای آنانکه به پروردگارشان کفر ورزیدند نیز عذاب جهنم آماده کردیم، که بد بازگشتگاهی است (۶)

هنگامی که در آن می افتند از آن فریادی می شنوند و می جوشد (۷) نزدیک است از شدت خشم پاره شود. هر گاه که عده ای در آن

می افتند نگهبانانش از آنان می پرسند: هشدار دهنده ای بسویتان نیامده بود؟(۸) میگویند چرا البته که هشدار دهنده بسویمان آمد، اما تکذیب کردیم و گفتیم خدا اصلا هیچ چیزی نفرستاده و شما هم جز در گمراهی بزرگی نیستید (۹) و میگویند: اگر گوش فرامیدادیم یا تعقل میکردیم، حالا در زمره جهنمیان نبودیم (۱۰) پس به گناهشان اعتراف میکنند و نابودی بر جهنمیان باد (۱۱) البته کسانی که در پنهانی ها از پروردگارشان بیم دارند آمرزش و پاداشی بزرگ خواهند داشت (۱۲)

چه سخنان خود را پنهان کنید و چه آشکار کنید او حتی به آنچه در دلها هم میگذرد آگاه است (۱۳) آیا کسی که شما را آفریده نسبت به شما علمِ کامل ندارد؟ البته که دارد و همو بسیار ریز بین آگاه است (۱۴) اوست کسی که زمین را برایتان رام کرد. پس برگرده های آن گام نهید و از روزیش بخورید و بازگشت شما بسوی اوست (۱۵)

آیا ایمن شده اید که کسانی که در آسمان هستند زمین را بشکافند و آن بلرزد؟ (۱۶) آیا ایمن شده اید که کسانی که در آسمان هستند شما را سنگباران کنند تا بفهمید به چه چیزی هشدارتان میدادند؟ (۱۷)

ای پیامبر! البته آنانکه قبل از اینان بودند نیز تکذیب کردند. پس کیفرم چگونه بود؟(۱۸)

آیا به پرندگان فرازِ سرشان که بال گشوده و بال بسته پرواز می کنند نمی نگرند که جز خدای رحمان کسی آنها را نگه نمیدارد؟

البته او به همه چیز بیناست (۱۹)

ای پیامبر! به اینان بگو این سپاهی که گوش به فرمان شماست و شما را در مقابل خداوند حمایت می کند کیست؟ کافران جز در فریبی بیش نیستند (۲۰) و کیست که به شما روزی میدهد و اگر دست از روزی دادن بکشد؟ چه خواهید کرد؟ بلکه لج نموده و از حق دوری می کنند و از آن بدشان می آید (۲۱) آیا آنکه بر صورتش بر زمین کشیده میشود هدایت یافته تر است یآ آنکه بطور راست و درست بر صراطی مستقیم راه میرود؟(۲۲)

بگو هموست که شما را بوجود آورد و برای شما گوش و چشمها و دل ها قرارداد، چه کم سپاس میگزارید (۲۳) بگو هموست که شما را در زمین آفرید و بسوی او بازمیگردید (۲۴)

و میگویند آن بازگشت چه وقت خواهد بود اگر راست میگویید؟(۲۵) بگو جز این نیست که علم آن نزد خداست و من فقط هشدار دهنده ای آشکارم (۲۶)

و هنگامی که آنرا نزدیک ببینند چهره کافران درهم میشود و به آنان گفته میشود این است آنچه که درخواستش میکردید (۲۷)

بگو نظرتان چیست: اگر خداوند مرا و همراهانم را چه هلاک کند و چه رحمتمان کند، در هر حال، چه کسی کافران را از عذاب دردناک پناه خواهد داد؟(۲۸)
بگو او خدای رحمان است که به او ایمان آوردیم و به او توکل می کنیم و بزودی خواهید دانست چه کسی در گمراهی آشکار است

(۲۹)
بگو بمن بگوئید اگر آبتان در زمین فرو رود چه کسی برایتان آبی گوارا خواهد آورد؟(۳۰)

مرحله نهم

انجام هجرت بزرگ

تشکیل رسمی حکومت مسلمین

و

ادامه رشد روزافزونِ

کمی و کیفی جامعه مؤمنان

سوره انشراح

بسم الله الرحمن الرحیم

ای پیامبر! آیا سینه ات را گشاده نگرداندیم؟ (۱)
و آن بار سنگین را از دوشت بر نداشتیم؟ (۲) همانکه برایت کمر شکن بود (۳)
و آوازه ات را بلند نگرداندیم؟ (۴)

پس، دیگر حالا باید بدانی که حتما همراه با آن سختی ها آسانیی هم هست(۵)
البته با آن سختی های بار رسالت که به دوش میکشی آسانیی هست (۶)

پس هنگامی که از هر سختی فراغتی یافتی به نماز و دعا بایست (۷) و بسوی پروردگارت مایل شو (۸)

سوره حج

بسم الله الرحمن الرحیم

ای مردم از پروردگارتان پروا کنید،
که لرزه قبل از قیامت موضوعِ بسیار مهمی است (۱)
روزی که آنرا ببینند شیردهندگان شیرخوارانِ خویش را از یاد می برند و حامله ها می زایند و مردم را می بینی که مَستند در حالیکه مست نیستند ولیکن عذاب خداوند شدید است (۲)

و از مردم کسانی هستند که بدون اینکه علمی داشته باشند درباره خداوند مجادله می کنند و هر شیطان شروری را پیروی می نمایند (۳)
چنین مقرر شد که هر کس او را به دوستی و سرپرستی گرفت گمراهش کند و بسوی عذاب سوزاننده هدایتش نماید (۴)

ای مردم! اگر درباره برانگیختگی روز قیامت شکی دارید توجه کنید که ما شما را از خاکی، و سپس از نطفه ای، و سپس از علقه ای، و سپس از مضغه ای، شکل گرفته یا نگرفته، آفریدیم، تا برایتان بیان کنیم.
و در رحِم ها آنچه بخواهیم تا سرآمدی معین قرارمیدهیم، سپس شما را بصورت طفلی بیرون می آوریم تا به نیرو برسید
و از شما کسانی هستند که میمیرند و کسانی هم هستند که به فرتوتی میرسند تا پس از اینکه به علم رسیده بودند به حالتی درآیند که علمی به چیزی نداشته باشند، و زمین را می بینی که افسرده است و تا آب بر آن فرو فرستیم فورا به جنبش در می آید و فربه میشود و هر گونه گیاه شادابی میرویاند (۵)
این بخاطر آن است که خداوند حق است و هموست که مرده را زنده می کند و اینکه بر همه چیز تواناست (۶)
و اینکه روز قیامت خواهد آمد، و اینکه خداوند کسانی را که در قبرها هستند برخواهد انگیخت (۷)

و از مردم کسانی هستند که درباره خداوند بدون اینکه علمی یا هدایتی و یا کتاب نورافشانی داشته باشند جدل می کنند (۸)
از روی تکبر پهلوی خویش را میگردانند تا مردم را از راه خدا گمراه کنند.
آنها در دنیا خواری خواهند داشت و روز قیامت به آنها عذاب آتش خواهیم چشاند (۹)
در آنجا به آنان خطاب میشود این بخاطر آن چیزهائی است که از پیش فرستادی و خداوند نسبت به بندگان خویش ظالم نیست (۱۰)

و از میان مردم کسانی هستند که خداوند را بر طریق انحراف عبادت می کنند، اگر چیزی که آن را خیر حساب میکنند به آنان برسد دلگرم میشوند و اگر چیزی که بلا حسابش میکنند به آنها برسد روی خویش را از حق برمیگردانند.
آنها زیانکار دنیا و آخرتند که همان زیانکاری آشکار است (۱۱)
یا اینکه چیزی را بجز خداوند به پرستش میخوانند که سودی و ضرری برایشان ندارد

و گمراهی دور همین است (۱۲)
چیزی را به دعا میخوانند که ضررش از نفعش نزدیک تر است. چه یار و چه همدم بدی است! (۱۳)

خداوند کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند داخل بهشت هائی میکند که نهرها در کف آن جاری است. خداوند هر چه بخواهد می کند (۱۴)

کافران که گمان میکردند خداوند هرگز در دنیا و آخرت به پیامبر (ص) کمک نخواهد کرد، یکطوری به جای مرتفعی بروند، آنگاه نظر خود را از چیز های دیگر قطع کنند، آنگاه در آن حالت به این بیندیشند آیا نیرنگشان میتواند الطاف الهی نسبت به این پیامبر را ازبین ببرد؟ (۱۵)

و آن قرآن را چنین نازل کردیم که آیاتی با دلایل روشن است،
وچنین است که خداوند هر کس را لیاقت داشته باشد هدایت می کند (۱۶)

خداوند در روز قیامت بین مسلمانان و یهودیان و ستاره پرستان و مسیحیان و زرتشتیان و مشرکان حکم می کند. خداوند بر هر چیزی گواه است (۱۷)

ای انسان! آیا نمی بینی که آنچه در آسمانها و زمین است، و آفتاب و ماه و ستارگان، و کوه ها و درختان، و جنبندگان، و بسیاری از مردم، و نیز بسیاری از کسانی که عذاب بر آنها فرود آمد، خداوند را سجده می کنند؟ و کسی را که خداوند بخواهد خوار کند کسی نمیتواند گرامی بدارد. خداوند هرچه بخواهد می کند (۱۸)

دو گروهند که درباره پروردگارشان مجادله می کنند و کافران پیراهنی از آتش برایشان اختصاص یافته و از بالای سرشان چرکابه جوشان بر آنها ریخته میشود (۱۹)
که پوست و آنچه را که در شکمها ست می گدازد (۲۰) و گرزهائی از آتش خواهند

داشت (۲۱)
هر وقت که به علت فشار ناراحتی بخواهند از آن خارج شوند، به آن برگردانده میشوند و به آنان گفته میشود عذاب آتش را بچشید (۲۲)

خداوند مومنانِ دارای عمل صالح را داخل بهشت هائی می کند که از کف آنها نهرها جاری است. دستبند هائی از طلا و مروارید به دست می کنند و لباسشان در آنجا حریر است (۲۳)
و به گفتار نیکو و راه پسندیده هدایت میشوند (۲۴)

البته به کافرانی که مردم را از راه خدا و مسجد الحرام که آنرا برای بومی و غیر بومی یکسان قرار دادیم، باز می دارند، و نیز کسی را که در آن انحراف و ظلم بخواهد، از عذابی دردناک می چشانیم (۲۵)

ای پیامبر! هنگامی را یاد کن که ابراهیم را در محل آن خانه جای دادیم، و گفتیم چیزی را شریکم مکن، و خانه ام را برای طواف کنان و نمازگزاران و رکوع و سجده کنان پاکیزه دار (۲۶) و در میان مردم اعلام حج کن که بسویت بیایند. چه پیاده، و چه بر مرکب های لاغری که از هر دره عمیقی آمده باشند (۲۷) تا به منافع خویش برسند، و نام خداوند را در روزهای معینی بر چارپایان زبان بسته ای که روزیشان کرده ایم ببرند و قربانی کنند، که از آن بخورید و به تنگدست فقیر نیز بخورانید (۲۸) آنگاه باید چرکها را زدوده، و نذرهایشان را ادا، و بر این خانه کهن طواف کنند (۲۹) چنین است. و هر کس که حرمت های خداوند را پاس بدارد، برای او نزد پروردگارش بهتر است. و ای مردم! چارپایان برای شما حلال شد، غیر از آن چیزهائی که بر شما خوانده میشود. پس، از پلیدی ناشی از بت ها و نیز از گفتار نابجا دوری کنید (۳۰) برای عبادت خداوند معتدل باشید و مشرک مباشید، و هرکس که شرک ورزد مانند آن است که از آسمان سقوط کرده و پرندگان او را ربوده باشند، یا اینکه باد او را به مکانی دور بیفکند (۳۱) چنین است. و هر کس که شعائر خداوند را بزرگ دارد نشانه تقوای

دلهاست (۳۲) برایتان تا سر آمدی معین در آن اعمال حج منافعی است، آنگاه پایان آن مراسم، بسوی آن خانه کهن است (۳۳)

و برای هر امتی روشی قرار دادیم تا نام خدا را بر آنچه از چارپایان روزیشان کرده ایم یاد کنند. و خدایتان یکی است، پس تسلیم او شوید، و ای پیامبر! فروتنان را مژده ده (۳۴)

همانها که وقتی خداوند یاد میشود دلهاشان میلرزد و بر آنچه به آنان از ناگواریها میرسد صبر می کنند و نماز بپا میدارند و از آنچه روزیشان کرده ایم انفاق می کنند (۳۵)

و ای مردم! قربانی شتران تنومند را برایتان از شعائر خداوند قرار دادیم که در آن برای شما خیر است، پس نام خدا را بر آنها هنگام ایستادنشان ببرید. و وقتیکه پهلویشان به زمین آمد، از آنها بخورید و به فقیر وسائل بخورانید. بدینگونه آنها را رام شما کردیم شاید شکرگزار باشید (۳۶)

هرگز گوشت و خون آنها به خداوند نمیرسد ولیکن تقوای شما به او میرسد. چنین برایتان رامشان کردیم تا خداوند را برای هدایتی که برایتان پیش آورد به بزرگی یاد کنید و ای پیامبر! نیکوکاران را مژده ده (۳۷)

خداوند از مومنان دفاع میکند. خداوند هیچ خیانتکار ناسپاسی را دوست نمیدارد (۳۸)

به آنانکه مورد هجوم قرار گرفتند اجازه داده شد بجنگند، چونکه مورد ظلم قرار گرفتند و البته خداوند به یاری آنها تواناست (۳۹)

همانهائی که از شهرهایشان به ناحق اخراج شدند، و اگر اینطور نبود که خداوند بعضی از مردم را بدست بعضی دیگر دفع میکند حتما صومعه ها و کلیساها و کنشت ها و مساجدی که در آن نام خدا بسیار یاد میشود منهدم میشد،

و خداوند کسانی را که یاریش کنند یاری میکند،که خداوند قوی و پیروزمند است (۴۰)

همانهائی که وقتی در زمین توانمندی شـان دادیم نماز بپا میدارند و زکوۀ میدهند و امر بمعروف و نهی از منکر میکنند و عاقبتِ همه کارها بسوی خداست (۴۱)

و اگر کافران تکذیب می کنند چیز تازه ای نیست و قبل از آنها پیامبران سابق توسط قوم نوح و عاد و ثمود نیز تکذیب شدند (۴۲)
و همچنین قوم ابراهیم و قوم لوط (۴۳) و اهل مدین نیز، و مو سی نیز تکذیب شد و به کافران مهلت دادم آنگاه بگرفتمشان و تعرضم چگونه بود؟ (۴۴)

و چه بســـا شـــهرهائی که هلاکشـــان کردیم که ظالم بودند و علیرغم بناهای بر پا ایستاده، چاه های بلااستفاده، و قصرهای محکمِ خالی بر جای گذاشتند (۴۵)

آیا این کافران در زمین نگشته اند تا ذهن هائی دا شته با شند که با آن بیندیشند یا گو شهائی که با آن بشنوند؟ و البته چشمها کور نیست ولیکن قلبهائی که در سینه هاست کور است (۴۶)

و از تو آن عذاب را به عجله میخواهند، در حالیکه خداوند وعده اش را خلاف نمی کند، و البته یک روز نزد پروردگارت مانند هزار ســال از آن ســالهائی اســت که می شمارید (۴۷)

و چه بســا شــهرهائی که مهلتشــان دادم با آن که ظالم بودند، آنگاه بگرفتمشــان، و بازگشت بسوی من است (۴۸)

ای پیامبر! بگو ای مردم جز این نیست که من برای شما هشدار دهنده ای آشکارم (۴۹)
و آنانکه ایمان آورده و عمل شــایســته نموده اند آمرزشــی و روزیی گرامی خواهند داشت (۵۰)

و آنانکه در آیاتمان میکوشند که ما را به خیال خود عاجز کنند اهل جهنمند (۵۱)

و قبل از تو هیچ رسولی و هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر اینکه وقتی آرزوئی میکرد شیطان چیزی در آرزوی او القاء میکرد، و خداوند آنچه را که شیطان القاء میکرد از بین میبرد، آنگاه آیاتش را محکم میکرد، وخداوند دانای حکیم است (۵۲)
تا آنچه را که شیطان القاء کرده برای کسانی که در دلشان مرضی هست و نیز برای سنگدلان فتنه ای قرار دهد و البته ظالمان در گمراهیی دور میباشند (۵۳)

و کسانی که به آنان علم داده شده بدانند که آن قرآن حق و از جانب پرودگارتوست. و به آن ایمان آورند و قلوبشان برای آن نرم شود و البته خداوند هدایت کننده مومنان بسوی راهی درست است (۵۴)
و کافران همیشه درباره آن در شک خواهند بود تا اینکه قیامت یا عذابِ روزی بی حاصل بر آنان در آید (۵۵)
فرمانروائی در آن روز از آنِ خداوند است که میان آنها حکم میکند.
آنگاه کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند در بهشتهائی پر نعمت خواهند بود (۵۶)
و کسانی که کفر ورزیده و آیاتمان را تکذیب نمودند عذابی خوار کننده خواهند داشت (۵۷)

و کسانی که در راه خدا مهاجرت کرده و کشته شدند یا مردند البته خداوند به آنها روزیی نیکو خواهد داد و خداوند بهترین روزی دهنده است (۵۸)
تا آنها را به جایگاهی شایسته داخل کند که به آن راضی باشند و خداوند دانای فرزانه است (۵۹)
چنین است. و اگر کسی به اندازه آنچه آزار دیده پیگیری کند، سپس به او تعدی شود، خداوند یاریش خواهد کرد که خداوند بخشنده آمرزگار است (۶۰)
این به آن سبب است که خداوند شب را در روز و روز را در شب فرو میبرد و شنوای

بیناست (۶۱)
این بدان علت است که خداوند حق است و آنچه غیر از او می خوانند باطل است و او والا مرتبه بزرگ است (۶۲)

آیا نمی بینی از آسمان آبی میفرستد و زمین سرسبز می شود؟ خداوند نازک بینِ آگاه است (۶۳) آنچه در آسمانها و زمین است از آن اوست و همو بی نیاز ستوده است (۶۴) آیا نمی بینی خداوند آنچه را در زمین است برایتان رام کرد و نیز کشتی که در دریا به امر او راه می رود؟ و مانع میشود آسمان، مگر به اجازه اش، بر زمین بیفتد؟ البته خداوند نسبت به مردم دلسوز مهربان است (۶۵) وهموست که شما را زنده کرد سپس شما را می میراند و سپس زنده تان می کند. انسان البته ناسپاس است (۶۶)

برای هر مردمی راه و روشی قرار دادیم که مطابق آن عمل می کنند، پس، ای پیامبر! نباید در آن امر با تو جدال کنند و تو مردم را بسوی پروردگارت دعوت کن زیرا که بر هدایتی مستقیم هستی (۶۷)
و اگر با تو جدال کردند بگو خدا به اعمال شما داناتر است (۶۸)
خداوند در روز قیامت بین شما درباره چیزهائی که در آنها اختلاف دارید حکم می کند (۶۹)

آیا نمی دانی که خداوند آنچه را در آسمان و زمین است می داند؟ البته آن در کتابی هست. البته این برای خدا آسان است (۷۰)

و بجز خداوند چیزی را عبادت می کنند که دلیلی برایشان نفرستاده و علمی هم راجع به آن ندارند و ظالمان یاوری نخواهند داشت (۷۱)
و هنگامی که آیات روشنگر ما بر آنها خوانده می شود در چهره های کافران ناخوشایندی می بینی، نزدیک است به کسانی که آیاتمان را بر آنها می خوانند دست تعدی بگشایند.

بگو آیا به بدتر از این خبرتان بدهم؟ همان آتشی که خداوند وعده اش را به کافران داده و بازگشتگاه بدی است (۷۲)

ای مردم مثلی برایتان زده می شود گوش فرا دارید! آنهائی را که بجز خداوند به دعا می خوانید یک مگس هم نمی آفرینند ولو اینکه همه با هم در این کار مجتمع شوند. و اگر هم مگس چیزی از آنها برباید نمی توانند از آن پس بگیرند. طالب و مطلوب هردوشان ضعیفند (۷۳)

قدر خداوند را آنطور که شایسته اش است، ندانستند. خداوند البته قویِ پیروزمند است (۷۴)

خداوند از میان ملائکه فرستادگانی انتخاب می کند و از میان مردم نیز همچنین. خداوند شنوای بیناست (۷۵)
آنچه را که در جلوی روی آنهاست و آنچه را که پشت سر شان است میداند و همه امور بسوی او باز میگردد (۷۶)

ای مسلمانان رکوع و سجده نموده و پروردگارتان را عبادت نمائید و کار های خیر انجام دهید شاید رستگار شوید (۷۷)
و در راه خدا آنطور که حق آن است جهاد کنید.
همو شما را برگزیده و درباره دین هیچ دشواریی برای شما قرار نداده.
دین پدرتان ابراهیم که همو شما را قبلا مسلم نامیده و در این خصوص رسول باید برشما گواه باشد و شما هم باید الگوی سایرین باشید.
پس نماز بپادارید و زکات دهید و به خداوند بستگی محکم داشته باشید که همو سرپرست شماست و چه سرپرست خوبی و چه یاور نیکوئی است (۷۸)

سوره بقره

بسم الله الرحمن الرحیم

الم (۱)
این کتاب که شکی در آن نیست هدایتی برای پرواداران است (۲)

همانها که به غیب ایمان دارند و نماز بپا میدارند و از آنچه روزیشان کرده ایم انفاق می کنند (۳)
و همانها که به آنچه برتو نازل شده و نیز به آنچه قبل از تو نازل شده ایمان می آورند و به آخرت نیز یقین دارند (۴)
آنها بر هدایتی از جانب پروردگارشان استوار هستند و رستگارند (۵)

البته آنانکه کافرند برایشان فرقی نمی کند که هشدارشان بدهی یا ندهی. ایمان نمی آورند (۶)
خداوند بر دلهاشان و گوششان مُهر زده و برچشمهاشان پرده ای هست و عذابی عظیم خواهند داشت (۷)

و از مردم کسانی هستند که می گویند به خدا و آخرت ایمان آورده ایم ولی مومن نیستند (۸)
با خدا و مومنان نیرنگ می کنند، در حالیکه جز با خودشان نیرنگ نمی کنند و متوجه نیستند (۹)
در دلهایشان مرضی هست، و خداوند هم بواسطه آن دروغی که میگویند مرضی به آن افزوده، و عذابی دردناک خواهند داشت (۱۰)
و اگر به آنها گفته شود در زمین فساد نکنید میگویند جز این نیست که ما اصلاحگریم (۱۱)
بدانید که آنها مفسدند ولیکن متوجه نیستند (۱۲)

و اگر به آنها گفته شود مانند مردم ایمان بیاورید، خواهند گفت: آیا مانند این کم خردان ایمان بیاوریم؟
بدانید که آنها خودشان کم خردند ولیکن نمیدانند (۱۳)
و هنگامیکه مسلمانان را ملاقات می کنند میگویند ایمان داریم. و هنگامی که با شیاطین خویش تنها میشوند میگویند با شمائیم و جز این نیست که مسلمانان را مسخره میکنیم (۱۴)
البته این خداوند است که مسخره شان نموده و در طغیانشان کمکشان میکند و آنها کوردلند (۱۵)
گمراهی را بجای هدایت خریدند اما تجارتشان سودی نمی کند و هدایت یافته نیستند (۱۶)
مثال آنان مانند کسی است که آتشی روشن کرده، و بمحض اینکه دور و برش روشن شد خداوند نورشان را می بَرد و آنها را در تاریکیهائی وامیگذارد که چیزی نمی بینند (۱۷)
کر و لال و کورند و باز نمیگردند (۱۸)
یا اینکه وضع آنان مانند کسی است که در بارانی سخت گیرکرده باشد که از آسمان بیاید و تاریکیها و رعد و برق داشته باشد که انگشتهایشان را در گوشهایشان کنند و تا حد مرگ از صاعقه ها بترسند، و خداوند برکافران احاطه دارد (۱۹)
نزدیک است برق روشنائیِ چشمشان را ببرد، هر وقت که محیط برایشان روشن شود در آن راه میروند و هنگامیکه تاریک شود می ایستند. و اگر خداوند میخواست شنوائی و بینائی آنها را میبرد، که خداوند بر هر چیزی تواناست (۲۰)

ای مردم! پروردگارتان را عبادت کنید.
همان کسی که شما و پیشینیان تان را آفرید، شاید به تقوا بگرائید (۲۱) همان خدائی که زمین را برایتان فرشی نمود و آسمان را بنائی. و از آسمان آبی فرستاد و از آن میوه هائی بر آورد که روزی تان باشد. پس برای خداوند همتا قرار ندهید در حالیکه میدانید (۲۲)

و اگر درباره آنچه بر بنده مان نازل کرده ایم شکی دارید، سوره ای مانند آن بیاورید، و غیر از خداوند گواهانتان را دعوت کنید اگر راستگو میباشید (۲۳) پس اگر این کار را نکردید و هرگز هم نخواهید کرد، از آتشی که گیرانه آن مردم و سنگ است و برای کافران مهیا شده پروا کنید (۲۴)

ای پیامبر! آنان را که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند مژده ده که بهشتهاتی خواهند داشت که کف آنها نهرها جاری است. هر بار که از آن میوه ای میخورند میگویند این همان است که قبلا روزیِ ما شده بود و مانند آنرا نیز برایشان می آورند. ودر آن همسرانی پاک خواهند داشت و در آن جاودان خواهند بود (۲۵)

خداوند خجالت نمی کشد که حتی به پشه ای و یا کوچکتر آن نیز مثال بزند. اما کسانیکه ایمان آوردند میدانند که آن حق و از جانب پروردگارشان است. ولی کسانی که کفر ورزیدند میگویند خداوند از این مثل چه منظوری داشت؟
بوسیله آن عده زیادی را گمراه می کند و عده زیادی را هدایت می کند و بوسیله آن جز فاسقان را گمراه نمی کند (۲۶)
همان کسانی که عهد خداوند را پس از محکم نمودنِ آن نقض می کنند و چیزی را که خداوند به وصل آن فرمان داده قطع کرده و در زمین فساد می کنند. آنها زیانکارند (۲۷)

ای کافران! چگونه به خداوند کفر میورزید در حالیکه مردگانی بودید که زنده تان کرد، آنگاه شما را می میرانَد، سپس زنده تان می کند، وسپس بسوی او باز میگردید (۲۸) همو که برای شما آنچه را که در زمین هست تماما آفرید. آنگاه به آسمان رو کرد و آن را به هفت آسمان سامان داد و همو به همه چیز داناست (۲۹)

هنگامیکه پروردگارت به ملائکه گفت در زمین جانشینی قرار خواهم داد، گفتند آیا

کسانی را قرار میدهی که در آن فساد کنند و خونها بریزند در حالیکه ما تو را به پاکی می ستائیم و تقدیس می کنیم؟ گفت چیزی میدانم که شماها نمیدانید (۳۰)
و همه آن نام ها را به آدم آموخت سپس آنها را به ملائکه عرضه کرد و گفت از اسامی اینها خبرم دهید اگر راست میگوئید (۳۱) گفتند ای خدای پاک! غیر از آنچه که خودت بما آموختی چیزی نمی دانیم و خودت البته دانای پرحکمتی (۳۲)
گفت ای آدم ! نامهای آنها را به آنان بگو. پس چون نام های آنان را به آنان گفت فرمود آیا به شما نگفتم که نهانی های آسمانها وزمین را میدانم و نیز میدانم که چه چیز را آشکار و چه چیز را پنهان می کنید؟ (۳۳)
و هنگامیکه به ملائکه گفتیم به آدم سجده کنید، سجده کردند مگر ابلیس که سر پیچید و سرکشی کرد و از کافران شد (۳۴)
و گفتیم ای آدم تو و همسرت در آن باغ سکونت یابید و از هر جایش که خواستید بفراوانی بخورید اما به این درخت نزدیک نشوید که از ظالمان خواهید شد (۳۵) اما شیطان آنها را لغزاند و آنها را از آنچه در آن بودند بیرون کرد و گفتیم از آن بیرون روید در حالیکه بعضی از شما دشمن بعضی دیگرید و در زمین تا مدتی استقرار و برخورداریی خواهید داشت (۳۶)
آنگاه آدم از پروردگارش کلماتی فراگرفت و خداوند به او به نظر رحمت بازگشت. زیرا که او بسیار بازگشت کننده مهربان است (۳۷)
پس خداوند مقرر کرد همگی از آن باغ بیرون روند، و فرمود اگر هدایتی از جانب من بسویتان آمد ، هر کس که هدایتم را پیروی کرد نه ترسی خواهد داشت و نه اندوهگین خواهد بود (۳۸) و کسانی که کفر ورزیدند و آیاتمان را تکذیب کردند اهل آتشند و در آن جاودان خواهند بود (۳۹)

ای بنی اسرائیل! نعمتم راکه به شما ارزانی داشتم بیاد آورید و به عهدم وفا کنید تا به عهدتان وفا کنم و فقط از من بیم داشته باشید (۴۰) و به آنچه که تصدیق کننده چیزی است که همراه شماست ایمان بیاورید و اولین کافرِ آن مباشید و آیاتم را به بهائی اندک نفروشید و فقط از من پروا کنید (۴۱) و لباس حق به باطل مپوشانید و

حق را آگاهانه کتمان نکنید (۴۲) و نماز بپادارید و زکات دهید و همراه با رکوع کنندگان رکوع کنید (۴۳)
آیا مردم را به نیکی میخوانید و خودتان را فراموش می کنید؟ در حالیکه آن کتاب را هم تلاوت می کنید؟ آیا خرد نمی ورزید؟ (۴۴) و از صبر و نماز کمک بگیرید، و این کار، جز برای فروتنان دشوار است (۴۵)
همانها که میدانند که پروردگارشان را ملاقات خواهند کرد و بسوی او باز خواهند گشت (۴۶)
ای بنی اسرائیل! نعمتم را بیادآورید که به شما ارزانی داشتم و شما را بر مردم معاصرتان برتری دادم (۴۷) و از روزی بترسید که هیچکس راجع به چیزی بدرد کسی نمیخورد و از او شفاعتی پذیرفته نمیشود و عوض هم قبول نمیگردد و یاری هم نمی شوند (۴۸)
و بیاد آرید که شما را از فرعونیان نجات دادیم. همانها که بر شما آن عذاب بسیار ناگوار را روا میداشتند که پسرهایتان را میکشتند و زنانتان را زنده میگذاشتند و در این، از جانب پروردگارتان، آزمایشی بزرگ بود (۴۹)
و بیاد آرید که دریا را برایتان شکافتیم و نجاتتان دادیم و فرعونیان را غرق کردیم و شما ناظر بودید (۵۰)
و بیادآرید که با موسی قرار چهل شب را گذاشتیم آنگاه شما گوساله را به پرستش برگرفتید و ظالم بودید (۵۱) سپس شما راعفو کردیم که شاید شکر بگزارید (۵۲) و به موسی آن کتاب جدا کننده حق و باطل را دادیم شاید هدایت یابید (۵۳)
و بیاد آرید که موسی به قوم خویش گفت ای مردم شما بعلت گوساله پرستی بر خویش ظلم کردید پس بسوی پروردگارتان توبه کنید و چنان در توبه بر خود سخت بگیرید که انگار خودتان را میکشید. این برای شما نزد پروردگارتان بهتر است.
آنگاه از شما درگذشت زیرا که بسیار بازگشت کننده مهربان است (۵۴)
و بیاد آرید که گفتید ای موسی هرگز بتو ایمان نخواهیم آورد تا اینکه خداوند را به آشکاری ببینیم و صاعقه شما را بگرفت و ناظر بودید (۵۵) آنگاه شما را پس از مرگتان برانگیختیم شاید شکر گزارید (۵۶)

و ابر را سایبانتان کردیم و منّ و سلوا را به عنوان خوراک و نوشاک برشما نازل نمودیم. و خطاب نمودیم از این چیزهای پاکیزه که روزیتان کرده ایم بخورید.
و برما ظلم نکردند ولیکن به خودشان ظلم میکردند (۵۷)
و بیاد آرید که گفتیم داخل این شهر شوید و ازهرجای آن که خواستید بخورید و از آن درب به حالت سجده داخل شوید و بگوئید خداوندا گناهان مارا فرو ریز، تا خطایتان ببخشیم و به نیکوکاران نعمت بیافزائیم (۵۸)
آنانکه ظلم کردند آن قولی را که به آنان گفته شده بود تغییر دادند و عذابی از آسمان بر آنها نازل کردیم برای آن گناهی که میکردند (۵۹)
و بیاد آرید که موسی برای قوم خویش آب خواست و گفتیم با عصایت به آن سنگ بزن. پس دوازده چشمه از آن برجست و هر کسی آبشخور خود را می شناخت. و خطاب کردیم از روزی خدا بخورید و بیاشامید، لیکن در زمین به خرابکاری مکوشید (۶۰)
و هنگامیکه به موسی گفتید هرگز به یکنوع غذا صبر نخواهیم کرد، و از پروردگارت بخواه که برای ما از آنچه زمین میرویاند، از سبزی و خیار و سیر و عدس و پیاز بیرون آوَرَد. گفت آیا چیز بهتر را با چیز پست تر عوض می کنید؟ پس، از اینجا که فعلا هستید به یک شهر فرود آیید که در آن آنچه خواستید داشته باشید،
و بر آنان ذلت و بیچارگی مقرر شد و به غضبی از جانب خداوند دچار شدند. زیرا به آیات خدا کفر میورزیدند و پیامبران را به ناحق می کشتند. این بدان سبب بود که عصیان کرده بودند و تجاوز مینمودند (۶۱)

البته مسلمانان، یهودیان، مسیحیان، و صابئی ها، هر کدام که به خداوند و آخرت ایمان داشته و عمل شایسته کنند نزد پروردگارشان پاداششان را خواهند داشت. نه ترسی داشته باشند و نه اندوهگین باشند (۶۲)

ای یهودیان! بیاد آورید هنگامیکه از شما پیمان گرفتیم و کوه طور را بالای سرتان بردیم و گفتیم آنچه را از تورات به شما داده ایم با قوت بگیرید و از آنچه که در آن

است پند گیرید، شاید پروا کنید (۶۳) اما به آن پشت کردید و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود حتما از زیانکاران میشدید (۶۴)
و حتما از حال کسانی از خودتان که درباره احکام روز شنبه تعدی کردند خبر دارید که به آنها گفتیم میمون هائی رانده شده باشید (۶۵) و آن را جریمه ای قرار دادیم که مایه عبرت معاصرانشان و آیندگان و موعظه ای برای پروا داران باشد (۶۶)
و هنگامیکه موسی به قومش گفت خداوند فرمانتان میدهد که گاوی بکشید. گفتند مسخره مان کردی؟ گفت به خدا پناه میبرم که از جاهلان باشم (۶۷) گفتند پروردگارت را بخاطر ما بخوان که برای ما بیان کند مشخصاتش چیست. گفت میگوید گاوی است نه پیر و نه خردسال و بین این دو حالت است، پس آنچه را که دستور یافته اید انجام دهید (۶۸) گفتند پروردگارت را بخوان که رنگش را برایمان بیان کند، گفت میگوید گاوی است زردِ روشن و بینندگان از رنگش شادمان میشوند (۶۹) گفتند پروردگارت را برای ما بخوان که آن را کاملا مشخص کند، زیرا که آن گاو بر ما مشتبه شده و انشاء الله هدایت شویم (۷۰) گفت میگوید گاوی است که نه رام است که زمین را شخم و کشت را آبیاری کند، و نه نشاندار است، بلکه رهاست، گفتند الان حقیقت را آوردی و ذبحش کردند و نزدیک بود انجام ندهند (۷۱)
و بیاد آورید آن هنگامیکه کسی را کشتید و درباره او کشمکش میکردید و خداوند آنچه را که پنهان میکردید بیرون کشید (۷۲) و مقرر کردیم قسمتی از آن گاو ذبح شده را به او بزنید. خداوند مردگان را چنین زنده میکند و آیاتش را به شما می نمایاند شاید تعقل کنید (۷۳)
سپس قلب هاتان پس از آن سخت شد، مانند سنگ، بلکه سخت تر. و از بعضی سنگها نهرها میجوشد و برخی از سنگها میشکافند و از آنها آب خارج میشود و برخی از آنها از خشیت خدا پائین می‌افتند و خداوند از آنچه میکنید غافل نیست (۷۴)

ای مسلمانان! آیا امیدوارید که یهودیان به عقاید شما ایمان بیاورند؟ در حالیکه عده ای از آنها کلام خدا را می شنوند و پس از اینکه فهمیدند، آگاهانه تغییرش میدهند (۷۵) و هنگامیکه مسلمانان را ملاقات می کنند میگویند ایمان داریم و هنگامیکه با

یکدیگر تنها میشوند میگویند آیا شما درباره چیزهائی که خداوند برای شما گشوده با مسلمانها صحبت می کنید تا بعدا نزد پروردگارتان بوسیله همانها علیه شما دلیل بیاورند؟ آیا تعقل نمی کنید؟ (۷۶) آیا نمیدانند که خداوند آنچه را که پنهان یا آشکار می کنند میداند؟ (۷۷)

و از آنها کسانی هستند که علم ندارند، از آن کتاب هم چیزی جز خیال های خام نمیدانند و جز به گمان نمیپردازند (۷۸)

پس وای برآنان که کتاب را با دستهایشان می نویسند آنگاه میگویند این از جانب خداست تا آنرا به قیمت کمی بفروشند. پس وای بر آنها از آنچه دستهایشان می نویسد و وای بر آنها از آنچه کسب می کنند (۷۹)

و میگویند آتش جز چند روزی بما نمیرسد. بگو آیا از خدا عهدی گرفته اید؟ و البته خداوند از عهدش تخلف نمی کند. یا اینکه راجع به خداوند چیزی میگوئید که نمیدانید؟ (۸۰)

بلی، کسی که گناهی کند و خطاهایش احاطه اش نماید اهل آتش است که در آن جاودان خواهد بود (۸۱) وکسانی که ایمان آورده وعمل صالح کنند از یاران بهشتند و در آن جاودانند (۸۲)

ای یهودیان! بیاد آرید که پیمان بنی اسرائیل را گرفتیم که جز خداوند را عبادت نکنید و به والدین و نزدیکان و یتیم ها و بیچارگان نیکی کنید و به مردم سخن نیکو گوئید و نماز بپادارید و زکات دهید. آنگاه غیر از کمی از شما به آن پشت کردید و روگردان بودید (۸۳)

و هنگامیکه پیمان شما را گرفتیم که خون هایتان را نریزید و خودهاتان را از شهرهاتان بیرون نکنید، شما هم اقرار کردید و شهادت دادید (۸۴) آنگاه این خودتان بودید که خودهاتان را می کشتید وعده ای را از شهرهاتان بیرون می کردید و بر ضد آنها به گناه و تجاوز همپشتی می نمودید و اگر بصورت اسیر بسویتان می آمدند فدیه میدادید در حالیکه اساسا اخراج آنها بر شما حرام بود. آیا به قسمتی از کتاب ایمان می آورید و به قسمتی کفر میورزید؟ پس جزای کسی که چنین کند چیست جز خواریی در

زندگی دنیا و اینکه روز قیامت به شدیدترین عذاب معذب شود و خداوند از آنچه می کنید غافل نیست (۸۵)
چنین اشخاصی کسانی هستند که آخرت را به دنیا فروختند، پس عذاب آنها تخفیف نخواهد یافت و یاریی نخواهند شد (۸۶)

و البته به موسی آن کتاب را دادیم و پس از او نیز پیامبران دیگر را فرستادیم و به عیسی نیز دلایل روشن دادیم و او را بوسیله روح القدس تقویت کردیم. پس چرا هر وقت رسولی بسویتان آمد که خوشتان نیامد عده ای را تکذیب وعده ای را کشتید؟ (۸۷)

ای پیامبر! این یهودیان میگویند دلهای ما در غلاف است. بلکه خداوند بسبب کفرشان لعنتشان نموده و مومنان آنها چقدر کم میباشند (۸۸) و هنگامیکه کتابی از جانب خداوند بسویشان آمد که تصدیق کننده کتابشان بود، و قبلا هم بعلت مژدهء آمدن پیامبر نسبت به کافران در طلب پیروزی بودند، اما بمحض آمدن همان چیزی که می شناختندش به آن کفر ورزیدند، و لعنت خدا برکافران باد (۸۹)

خود را به بد چیزی فروختند که از روی ظلم به آنچه خدا فرستاده کفر ورزیدند. آنهم به این خاطر که خداوند فضل خویش را به هر کس از بندگانش که لایق است داده. و سزاوار غضبی بر غضب دیگری شدند و کافران عذابی خفت بار دارند (۹۰)
و هنگامی که به آنان گفته شود به آنچه خدا نازل کرده ایمان بیاورید میگویند ما به آنچه برخود مان نازل شده ایمان داریم و به غیر از آن کفر میورزند در حالیکه آن حق است و تصدیق کننده چیزی است که با آنان است. بگو پس چرا قبلا پیامبران خدا را می کشتید اگر مومن میباشید (۹۱)
و موسی هم با دلایل روشن بسویتان آمد آنگاه شما گوساله را پس از او به پرستش برگرفتید و ظالم بودید (۹۲)
و هنگامیکه از شما پیمان گرفتیم و کوه طور را بالای سر شما بلند کردیم، و گفتیم

آنچه را که به شما داده ایم با قوت بگیرید و سخن حق را اطاعت کنید، به زبان گفتند شنیدیم و به دل گفتند نافرمانی کردیم و علاقه به آن گوساله در دلهاشان به سبب کفرشان نوشانده شد. بگو چه بد است آن چیزی که ایمان شما به آن فرمان میدهد اگر مومن هستید (۹۳)
بگو اگر در جهان آخرت، نزد خدا، بهشت فقط مخصوص شماست، پس آرزوی مرگ کنید اگر راست میگوئید (۹۴) و هرگز آنرا بسبب آنچه که از پیش فرستاده اند آرزو نخواهند کرد و خداوند به حال ظالمان آگاه است (۹۵) و آنها را حریص ترین مردم نسبت به زندگی خواهی یافت و عده ای از مشرکان نیز همینطورند. هر یک از آنها آرزو دارد که کاش هزار سال عمر کند و با آن که آن عمر هم برطرف کننده عذاب از آن ها نخواهد بود و خداوند به آنچه می کنند بیناست (۹۶)

ای پیامبر! بگو هر کس که دشمن جبرئیل باشد توجه کند که او آن قرآن را به فرمان خدا بر دلت نازل می کند که تصدیق کننده کتاب های قبلی، و هدایت و مژده ای برای مومنان است (۹۷)
هر کس که دشمن خداوند و ملائکه اش و فرستادگانش و جبرئیل و میکائیل باشد خداوند هم دشمن کافران است (۹۸)
و بسوی تو آیاتی دارای دلیل های روشن نازل کردیم که جز گناهکاران به آن کافر نمیشوند (۹۹)
چرا هر گاه عهدی بستند عده ای از آنها آن را شکستند؟ بلکه اکثرشان ایمان ندارند (۱۰۰)
و هنگامی که فرستاده ای از جانب خدا بسویشان آمد که تصدیق کننده چیزی است که با آنهاست عده ای از اهل کتاب، کتاب خدا را پشت سرشان انداختند که گوئی که اصلا چیزی نمیدانند (۱۰۱)

و به آنچه که شیطان ها در فرمانروائی سلیمان خواندند علاقه نشان دادند، و البته سلیمان کافر نبود ولیکن آن شیطان ها کافر بودند، و به مردم جادو، و نیز آنچه را که

بر آن دو فرشته در بابل نازل شده بود که اسم آنها هاروت و ماروت بود به مردم یاد میدادند، و هاروت و ماروت آن چیزها را به مردم یاد نمیدادند مگر اینکه میگفتند ما وسیله امتحان هستیم پس مبادا کافر شوید، اما مردم از آنها چیزهائی را یاد میگرفتند که بوسیله آنها بین مرد و همسرش جدائی می افتاد و - البته آنها جز به اذن خدا به کسی ضرری نمیرساند- و نیز از آنها چیزهائی یاد میگرفتند که برایشان ضرر داشت و نفعی نداشت در حالیکه میدانستند کسی که آن را جذب کند در آخرت بهره ای نخواهد داشت، و چه بداست چیزی که خود را به آن فروختند اگر بدانند (۱۰۲) و اگر ایمان می آوردند و تقوا پیشه میکردند پاداشی از جانب خدا برایشان بهتر بود اگر میدانستند (۱۰۳)

ای مسلمانان مانند یهودیان نباشید و نگوئید «رعایتمان کن »، زیرا این جمله در زبان آنها معنی بدی دارد، بلکه بگوئید «ما را در نظر داشته باش » و سخن حق را بشنوید و کافران عذابی دردناک خواهند داشت (۱۰۴) کافرانِ اهل کتاب و مشرکان دوست ندارند هیچ خیری از جانب پروردگارتان بر شما نازل شود در حالیکه خداوند رحمت خویش را به هر کس که خواهد اختصاص خواهد داد و خداوند صاحب فضل عظیم است (۱۰۵)

هر آیه ای را که منسوخ کنیم یا آنرا از یادها ببریم بهتر از آن را یا لااقل مثل آن را می آوریم. آیا نمی دانید که خداوند بر هر چیزی قادر است؟ (۱۰۶) آیا نمی دانید که خداوند مالک آسمانها و زمین است و جز خدا هیچ سرپرست و یاوری ندارید؟ (۱۰۷)

یا اینکه میخواهید از رسولتان چیزهائی بخواهید که قبلا از موسی خواسته شد؟ و هر کس که کفر را با ایمان عوض کند حتما از راه راست گم شده است (۱۰۸)

بسیاری از اهل کتاب پس از اینکه حق برایشان آشکار شد، بعلت حسدی که در درونشان است، دوست دارند کاش میشد که پس از ایمانتان به کفر برگردید. از آنها

در گذرید و چشم بپوشید تا خداوند امرش را بیاورد که خداوند بر هر چیزی تواناست (۱۰۹)
و نماز بپادارید و زکات دهید و هر چه برای خویش پیشاپیش بفرستید نزد خداوند خواهید یافت که خداوند به آنچه می کنید بیناست (۱۱۰)

می گویند هیچ کس داخل بهشت نمی شود مگر اینکه یهودی و یا مسیحی باشد. اینها آرزوهایشان است. بگو دلیل خویش بیاورید اگر راست می گوئید (۱۱۱)
بلی. کسی که رویش را برای خدا تسلیم کند و نیکوکار هم باشد، پاداشش نزد پروردگارش محفوظ است و نه ترسی داشته باشد و نه اندوهگین باشد (۱۱۲)
و یهودیان می گویند مسیحیان برچیزی از حق استوار نیستند و مسیحیان هم می گویند یهودیان برچیزی نیستند در حالی که آن کتاب را هم می خوانند. کسانی که علم ندارند نیز مانند آنها می گویند.
بلی خداوند روز قیامت درباره آنچه که در آن اختلاف دارند بینشان حکم خواهد کرد (۱۱۳)
و چه کسی ظالم تر است از کسی که از یاد خدا در مساجد جلوگیری نموده و سعی در خرابی آنها کند؟ آنها را نمیرسد داخل آن شوند مگر اینکه نگران باشند.
در دنیا خواریی و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت (۱۱۴)

و مشرق و مغرب از آن خداست، پس به هر جا که رو کنید همانجا رو به خداست که خداوند وسعت دهنده داناست (۱۱۵)

میگویند خداوند فرزندی برگرفته است. منزه است از آن. بلکه آنچه در آسمانها و زمین است مال اوست و همه فرمانبردار اویند (۱۱۶) همو بوجود آورنده آسمانها و زمین است و وقتی که امری را بخواهد اجرا شود جز این نیست که به آن می گوید: باش، پس می شود (۱۱۷)

و کسانی که علم ندارند می گویند چرا خداوند با ما سخن نمی گوید یا معجزه ای بسوی ما نمی آید؟ پیشینیان آنها نیز چنین گفتند. دلهاشان متشابه است. البته آیات را برای مردمی که یقین دارند بیان کرده ایم (۱۱۸)

ای پیامبر! تو را به حق مژده دهنده ای و هشدار دهنده ای فرستاده ایم و تو مسئول اهل جهنم نمی باشی (۱۱۹)
نه یهودیان و نه مسیحیان هرگز از تو راضی نخواهند شد مگر اینکه دین آنها را پیروی کنی. بگو البته هدایت همان هدایت خداوند است واگر هوای نفسِ آنها را پس از اینکه مقداری از آن علم بسویت آمده پیروی کنی از جانب خداوند یار و یاوری نخواهی داشت (۱۲۰)
کسانی که کتابشان داده ایم و آن را آنطور که حق تلاوت کردن آن است تلاوت می کنند، به آن ایمان دارند و کسی که به آن کفر ورزد زیانکار است (۱۲۱)
ای بنی اسرائیل! نعمتم را که برشما ارزانی داشتم بیاد آورید که شمارا برجهانیانِ معاصرتان برتری دادم (۱۲۲)
و از روزی پروا کنید که هیچ کس فایده ای برای دیگری نخواهد داشت و از او نه معادلی پذیرفته می شود و نه شفاعتی برایش فایده ای خواهد کرد و نه یاریی خواهد شد (۱۲۳)

و هنگامی که ابراهیم را پروردگارش به کلماتی امتحان کرد و او نیز تمامشان را انجام داد، گفت تو را امام قرار خواهم داد. گفت و آیا از نسل من نیز کسانی امام خواهند بود؟ گفت بلی، لیکن عهدم به ظالمانِ آنها نمیرسد (۱۲۴) و آن هنگامی را یاد کنید که آن خانه را محل مراجعه مردم و امن قرار دادیم و گفتیم شما از مقام ابراهیم نمازگاهی برگیرید و با ابراهیم و اسماعیل عهد کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و عاکفان و رکوع و سجود کنندگان پاکیزه کنند (۱۲۵) و هنگامیکه ابراهیم گفت پروردگارا! این شهر را ایمن کن و اهالی آن را که به خدا و آخرت ایمان دارند از میوه ها روزی ده. خداوند در جوابش گفت و کسی را هم که کافر باشد نیز اندکی برخوردار

خواهم کرد و آنگاه او را بسوی عذاب آتش خواهم کشاند که بازگشتگاه بدی است (۱۲۶) و آن هنگام که ابراهیم و اسماعیل داشتند پایه های آن خانه را بالا می آوردند و میگفتند پروردگارا از ما بپذیر که تو شنوای دانائی (۱۲۷) پروردگارا ما را تسلیم امر خودت گردان و نیز از فرزندان ما مردمی تسلیم قرار ده. و راه و رسم ما را نشانمان ده و توبه ما را بپذیر که توبه پذیری مهربانی (۱۲۸) پروردگارا و از میان آنها رسولی برانگیز که آیاتت را برآنها بخواند و کتاب و حکمت به آنها بیاموزد و پاکشان کند. که پیروزمند فرزانه ای (۱۲۹)

و چه کسی از دین ابراهیم روی می گرداند مگر اینکه خودش را سبک کرده باشد و البته او را در دنیا برگزیدیم و در آخرت از صالحان است (۱۳۰) هنگامیکه پروردگارش به اوگفت تسلیم باش گفت تسلیم پروردگار جهانیانم (۱۳۱) و ابراهیم آنرا به پسرانش سفارش کرد و یعقوب نیز چنین کرد، که ای پسرانم خداوند برای شما دین برگزید. پس مبادا بمیرید و مسلم نباشید (۱۳۲)

آیا شما یهودیان و مسیحیان آن وقتی که مرگ بسراغ یعقوب آمد حاضر بودید؟ هنگامی که به پسرانش گفت پس از من چه را عبادت می کنید؟ گفتند خدای تو را و خدای پدرانت ابراهیم و اسمعیل و اسحق را که خدائی یگانه است و ما تسلیم اوئیم (۱۳۳)

آنها امتی بودند که رفتند. آنچه کسب کردند برای خودشان خواهد بود و انچه شما کسب کنید برای خودتان خواهد بود و شما از اعمال آنان بازخواست نخواهید شد (۱۳۴)

و گفتند یا یهودی و یا مسیحی باشید تا هدایت یابید. بگو بلکه دین ابراهیم معتدل را داریم و او از مشرکان نبود (۱۳۵)

ای مسلمانان! بگوئید به خداوند ایمان داریم و به آنچه به ما نازل شده و به آنچه به ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و اسباط نازل شده و به آنچه به موسی و عیسی و آنچه به پیامبران از جانب پروردگارشان داده شده ایمان داریم. بین هیچ کدام از آنها تفرقه ای نمی اندازیم و تسلیم او هستیم (۱۳۶) پس اگر به مانند آنچه شما ایمان آوردید ایمان آوردند، هدایت یافته اند و اگر روی گرداندند در جدائیی هستند
و ای پیامبر! بزودی خداوند تو را از شر آنها کفایت خواهد کرد و همو شنوا و داناست (۱۳۷)

ای پیامبر! بگو این دین رنگ خدا است و چه کسی در قبال خدا خوش رنگ تر است و ما او را عبادت می کنیم (۱۳۸)

بگو آیا درباره خداوند با ما جدال می کنید در حالیکه او پروردگار ما و پروردگار شماست، و اعمال ما برای ما و اعمال شما برای خودتان است و ما دین خود را برای او خالص نموده ایم؟ (۱۳۹)

یا اینکه میگوئید ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و اسباط یهودی یا مسیحی بودند. بگو آیا شما بهتر می دانید یا خداوند؟ و چه کسی ظالم تر است از کسی که شهادتی را که از خداوند نزد اوست کتمان کند و خداوند از آنچه می کنید غافل نیست (۱۴۰)
اینها گروهی بودند که رفتند. آنچه کسب کردند برای خودشان بود و آنچه شما کسب کنید برای خودتان خواهد بود. و شما از آنچه آنها انجام میدادند بازخواست نخواهید شد (۱۴۱)

بزودی کم خردانِ کافر خواهند گفت چه چیزی سبب شد که آنها از قبله ای که برآن بودند رویگردان شوند؟
بگو مشرق و مغرب مال خداست، هر که را بخواهد بسوی صراط مستقیم هدایت می

کند (۱۴۲)

و چنین است که شما را مردمی معتدل قرار دادیم تا بر مردم الگو باشید و رسول نیز بر شما الگو باشد.
و ای پیامبر! آن قبله ای را که بر آن بودی قرار ندادیم مگر اینکه کسانی را که از رسول پیروی می کنند از کسانی که بر پاشنه های خویش میچرخند مشخص کنیم.
و گرچه این موضوع فقط برای کسانی که به هدایت خداوند نگرویده بودند گران بود، و اینطور نیست که خداوند ایمانتان را ضایع کند.
البته خداوند نسبت به مردم دلسوز و مهربان است (۱۴۳)

البته ما روچرخاندنت را در آسمان میدیدیم. لذا تو را بسوی قبله ای که دوست داشتی برگرداندیم. اینک روی خویش را بطرف مسجدالحرام کن و شما مسلمانان نیز هر جا که بودید روی خویش را به همان طرف کنید و البته اهل کتاب میدانند که آن حق، و از جانب پروردگارشان است و خداوند از آنچه میکنند غافل نیست (۱۴۴)

و اگر همه معجزات را هم برای اهل کتاب می آوردی از قبله تو پیروی نمیکردند، و تو هم از قبله آنها پیروی نمیکردی، و بعضی از آنها هم تابع قبله بعض دیگر نمیشدند.
و اگر پس از علمی که بسویت آمده، از خواسته های آنها پیروی کنی البته از ظالمان خواهی بود (۱۴۵)
اهل کتاب آن قبله را می شناسند همانطور که فرزندان خویش را می شناسند و البته عده ای از آنها آگاهانه حق را کتمان می کنند (۱۴۶)
حق از جانب پروردگارت است، پس از دو دلان مباش (۱۴۷)

و برای همگی سوئی قرار دادیم که بسوی آن رو می کنند. پس در کارهای خوب از یکدیگر سبقت گیرید. هر جا که باشید خداوند همگیتان را باز خواهد آورد. خداوند بر هر چیزی تواناست (۱۴۸)

ای پیامبر! از هر جا که خارج شدی، روی خویش را بطرف مسجدالحرام کن، و البته آن حق، و از جانب پروردگارت است و خداوند از آنچه می کنید غافل نیست (۱۴۹) و از هر جا که خارج شدی روی خویش را بطرف مسجدالحرام کن و ای مسلمانان! شما هم هر جا که بودید روی خود را بطرف آن کنید تا برای مردم علیه شما دلیلی نباشد مگر آنانکه ظلم نمودند.
به آنها اهمیتی مدهید و از نافرمانی نسبت به من بیم داشته باشید تا نعمتم را بر شما تمام کنم و شاید هدایت یابید (۱۵۰)

ای مسلمانان! این تغیر قبله نیز جزء احکام خاص تان است، چنانکه در میان شما رسولی از خودتان فرستادیم که آیاتمان را بر شما میخواند و رشدتان می دهد و کتاب و حکمت به شما می آموزد و نیز آنچه را که نمیدانستید تعلیمتان میدهد (۱۵۱)
پس مرا یاد کنید تا یادتان کنم و مرا شکر گذارید و کفران مکنید (۱۵۲)

ای مسلمانان از صبر و نماز کمک گیرید که خداوند با صابران است (۱۵۳)
و کسی را که در راه خدا کشته شده مرده مگوئید بلکه زنده اند ولی شما در نمی یابید (۱۵۴)
و البته شما را به چیزی از خوف و گرسنگی و کاستی در اموال و جانها و فرآورده ها خواهیم آزمود، و تو ای پیامبر! صابران را مژده ده (۱۵۵)
همانها که وقتی مصیبتی به آنان رسید میگویند ما مال خدائیم و بسوی او باز میگردیم (۱۵۶)
آنها کسانی هستند که مورد الطافی از جانب پروردگارشان و رحمتی هستند و هدایت یافته میباشند (۱۵۷)

البته صفا و مروه از شعائر خداوند است، پس کسی که حج آن خانه یا عمره کند، عیبی ندارد که آن اعمال آندو را انجام دهد، و هرکس که کار نیکی را داوطلبانه انجام دهد،

البته خداوند سپاسگزارِ داناست (۱۵۸)

البته کسانی که آنچه را از دلایل روشن و هدایت فرستادیم، پس از اینکه برای مردم در آن کتاب بیانش کردیم، کتمان می کنند خداوند و لعنت کنندگان لعنت شان می کنند (۱۵۹)
مگر آنهائی که توبه کردند و اصلاح نمودند، و آنچه را که کتمان کرده بودند بیان کردند، پس خدا نیز به لطف و رحمت بر آنان بازمیگردد زیرا که او بازگشت کننده و مهربان است (۱۶۰)

کسانی که کفر ورزیدند ودر حال کفر مردند لعنت خداوند و ملائکه و همگی مردم بر آنها خواهد بود (۱۶۱) در آن جاودان خواهند بود، عذابشان تخفیف نخواهد یافت، و مهلت هم داده نمیشوند (۱۶۲) و خدای شما یکی است. خدائی جز او نیست که بخشنده مهربان است (۱۶۳)

البته در آفرینش آسمانها و زمین،
و گردش شب و روز،
و کشتیی که در دریا به نفع مردم حرکت میکند،
و آنچه خداوند از آسمانها از آبهائی که سبب زنده شدن زمین پس از مرگش میشود میفرستد،
و اینکه همه جور جنبنده ای در زمین گسترانیده،
و در گردش بادها،
و ابرهائی که بین آسمان و زمین رامند،
آیاتی است برای اشخاصی که تعقل می کنند (۱۶۴)

و از میان مردم کسانی هستند که برای خدا همتایانی قرار میدهند و آنها را مانند خداوند دوست میدارند، ولی مومنان خدا را بیش از همه چیز دوست میدارند، و اگر

آنانکه ظلم کردند آن عذاب را میدیدند میدانستند که همه قدرت ها همگی مخصوص خداوند است و اینکه عذاب خداوند شدید است (۱۶۵)
آن هنگام که رهبران گمراهی از پیروان خویش بیزاری میجویند و عذاب را می بینند و سبب ها از آنها قطع میشود (۱۶۶) و پیروان آنان میگویند کاش بازگشتی بود تا ما هم از آنان بیزاری جوئیم همانطور که آنان از ما بیزاری جستند. خداوند اعمالشان را با چنین حسرت هائی به آنها نشان میدهد و از آن آتش خارج نخواهند شد (۱۶۷)

ای مردم آنچه را که در زمین هست و حلال و خوب هست بخورید و از گامهای شیطان پیروی نکنید که او برایتان دشمنی آشکار است (۱۶۸)
جز این نیست که شما را به بدی و کارهای بسیار زشت امر میکند و اینکه برخداوند چیزی بگوئید که نمیدانید (۱۶۹)
و هنگامیکه به آنها گفته شود آنچه را که خداوند گفته پیروی کنید، میگویند نه، بلکه چیزی را پیروی می کنیم که پدرانمان به آن انس گرفته‌اند. حتی اگر پدرانشان چیزی نفهمیده و هدایتی نشده باشند (۱۷۰)
و مثال کافران مانند آنست که به چیزی که جز صدا زدن و ندا کردن چیزی نمی شنود فریادی بزنی. کر و لال و کورند و تعقل نمی کنند (۱۷۱)

ای مسلمانان از چیز های پاکیزه ای که روزیتان کرده ایم بخورید و خداوند را شکر گوئید اگر فقط او را عبادت می کنید (۱۷۲)
جز این نیست که مردار و خون و گوشت خوک و آنچه به نام غیر خدا ذبح شده بر شما حرام شده است.
پس اگر کسی مجبور شد، در حالیکه متجاوز و متعدی نباشد و بیش از حد ضرورت نخورد گناهی بر او نیست که خداوند آمرزگار مهربان است (۱۷۳)
البته آنانکه آنچه را خداوند از آن کتاب فرستاده کتمان می کنند و آنرا به قیمت ناچیز میفروشند در شکم هایشان چیزی جز آتش نمیخورند، و خداوند در روز قیامت با آنها تکلم نمی کند و رشدشان هم نمیدهد و عذابی دردناک خواهند داشت (۱۷۴)

آنها کسانی هستند که گمراهی را به قیمت هدایت و عذاب را به قیمت مغفرت خریدند پس در مقابل آتش عجب پایدارند! (۱۷۵)
این به آن سبب است که خداوند آن کتاب را به حق فرستاد و کسانیکه در آن اختلاف کردند در جدائیی بسیار دور میباشند (۱۷۶)

نیکی آن نیست که روی خویش بطرف مشرق و مغرب کنید و لیکن نیکی آن است که ایمان به خدا و روز آخرت و ملائکه و کتاب ها آسمانی و پیامبران داشته باشید، و مال را علیرغم آنکه دوستش دارید به نزدیکان و یتیمان و بیچارگان و به راه ماندگان و خواهندگان و برای آزاد کردن بنده بدهید و نماز بپا دارید و زکات دهید، و هنگامیکه عهد می کنید وفا نمائید، و نیکی صفتِ پایداران در سختی ها و ناراحتی ها و هنگام جنگ است. آنها کسانی هستند که راست گفتند و انها همان اهل تقوا میباشند (۱۷۷)

ای مسلمانان در مورد قتل بر شما قصاص مقرر شد. آزاد در برابر آزاد، و بنده در مقابل بنده، و زن در مقابل زن قصاص شوند. پس اگر کسی از برادرش گذشتی کند، باید از عرف پیروی کرد و به نیکی ادای تلافی نمود. این تخفیفی از جانب پروردگارتان و رحمتی است. پس اگر کسی بعد از آن تعدی کرد عذابی دردناک خواهد داشت (۱۷۸)
و در قصاص برای شما زندگی است ای خردمندان! شاید که تقوا در پیش گیرید (۱۷۹)

بر شما مقرر شده که وقتی زمان مرگ یکی از شماها سررسید اگر مالی دارد برای والدین و نزدیکان به نیکی وصیت کند که این حقی بر عهده اهل تقواست (۱۸۰)
پس اگر کسی آن را شنید اما تغییرش داد گناهش بر کسانی است که تغییرش می دهند که خداوند شنوای داناست (۱۸۱)
اما اگر کسی ترسید که وصیت کننده دچار انحراف یا گناه بشود آنگاه بین آنها را اصلاح دهد گناهی بر او نیست که خداوند آمرزگار مهربان است (۱۸۲)

ای مسلمانان بر شما روزه مقرر شد، همانطور که بر گذشتگان شما مقرر شده، شاید

تقوا پیشه کنید (۱۸۳)
چند روز محدودی است و اگر کسی مریض یا مسافر باشد چند روزی از روزهای بعد بگیرد. و اگر کسی نتواند روزه گیرد بجایش بیچاره ای را غذا دهد و اگر کسی داوطلبانه کار خیری بکند برایش بهتر است و اینکه روزه بگیرید برایتان بهتر است اگر بدانید (۱۸۴)
در ماه رمضان که قرآن در آن نازل شده، که برای مردم هدایت و دلیل های روشن و فرق گذارِ بین حق و باطل است روزه را بگیرید،
هر کسی از شما که آن ماه را درک کرد باید روزه بگیرد و کسی که مریض یا مسافر بود در عده ای از روزهای بعدی بگیرد،
خداوند برای شما آسانی خواسته نه اینکه سختی خواسته باشد و باید تعداد روزهای روزه را تکمیل کنید و خداوند را بابت هدایت خویش تکبیر گوئید و شاید شکرگذار باشید (۱۸۵)

ای پیامبر! هنگامیکه بندگانم راجع به من از تو میپرسند بدانند که نزدیک هستم. دعای دعا کننده را اجابت می کنم. پس آنها هم باید مرا اجابت نموده و بمن ایمان آورند شاید رشد یابند (۱۸۶)
در شب های روزه نزدیکی تان با همسرانتان حلال است. آنها لباس شمایند و شما لباس آنهائید. خداوند میداند که شما برخویش خیانت میکردید پس بر شما بازگشت و از شما درگذشت. پس اینک با آنان مباشرت کنید و آنچه را که برای شما مقرر کرده، مثلا اولاد صالح، را بخواهید، و بخورید و بیاشامید، تا اینکه نخ سیاه و سفید در اثر فجر برایتان مشخص شود. آنگاه روزه را تا شب به اتمام رسانید، و در حالیکه در مساجد عاکفید با آنان آمیزش نکنید. این حدود خداست. به آن حدود خدا نزدیک نشوید. چنین است که خداوند آیاتش را برای مردم بیان می کند شاید تقوا پیشه کنند (۱۸۷)

و اموال خود را در بین خود به باطل مخورید و مبادا آن اموال را بسوی حکام سرازیر کنید تا در اثرِ این کار قسمتی از اموال مردم را به گناه بخورید در حالیکه به آن آگاهید

(۱۸۸)

از تو درباره هلالی بودن ماه میپرسند، بگو آنها اوقات را برای مردم معین می کنند و زمان حج را. و نیکی آن نیست که به خانه ها از پشت بام ها در آیند ولیکن نیکی آن است که تقوا داشته باشید و به خانه ها از درهای آنها درآئید و از خدا پروا کنید شاید رستگار شوید (۱۸۹)

و در راه خدا با آنانکه با شما می جنگند بجنگید و تعدی مکنید که خداوند تجاوزگران را دوست نمیدارد (۱۹۰)
و آنها را هر جا که یافتید بکشید و از آنجائی که شما را اخراج کردند اخراجشان کنید و فتنه از قتل مهم تر است و در نزد مسجدالحرام با آنان نجنگید مگر اینکه با شما بجنگند. پس اگر با شما جنگیدند بکشیدشان که جزاء کافران همین است (۱۹۱)
پس اگر دست کشیدند خداوند آمرزگار مهربان است (۱۹۲)
و با آنان بجنگید تا فتنه ای نباشد و دین برای خدا باشد پس اگر دست کشیدند دیگر هیچ برخوردی جز علیه ظالمان نباشد (۱۹۳)

ماه حرام در مقابل ماه حرام است و هر حرمت شکنیی قصاصی دارد. پس اگر کسی بر شما تعدی کرد، شما هم مثل همان تعدی را علیه او روا دارید، و از خدا پروا کنید و بدانید که خداوند با پروا داران است (۱۹۴)

و در راه خدا خرج کنید و با دست خویش خود را به هلاکت نیفکنید. و نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست دارد (۱۹۵)

و حج و عمره را برای خداوند به اتمام رسانید. و اگر باز داشته شدید هر چه که ممکن و آسان بود قربانی کنید و سرتان را نتراشید تا قربانی به محل قربانگاه خود برسد و اگر کسی مریض باشد یا درباره سرش ناراحتیی داشته باشد عوض آن نتراشیدن سر

روزه بگیرد یا صدقه دهد یا اعمال عبادی دیگر کند.
و وقتی که امنیت برقرار بود کسیکه خواست عمره را حج کند چیزی آسان و ممکن قربانی کند و اگر نیافت سه روز در ایام حج و هفت روز پس از بازگشت روزه بگیرد که جمعا ده روز شود. این برای کسانی است که خانواده شان در مسجدالحرام نباشند. و از خدا پروا کنید و بدانید خداوند در پیگیری شدید است (۱۹۶)
حج در ماه های معلومی است. پس کسی که حج در آنها بر او واجب میشود آمیزش و گناه و جدال در حج ممنوع است و هر کار نیکی که کنید خدا آنرا میداند و توشه گیرید و البته بهترین توشه تقواست و از من پروا کنید ای خردمندان (۱۹۷)
اشکالی ندارد که فضل پروردگارتان را جستجو کنید و هنگامی که از عرفات سرازیر شدید، در مشعر الحرام ذکر خدا بجای آرید، و او را همانطور که هدایتتان کرده بیاد آورید، و البته قبلا از گمراهان بودید (۱۹۸) آنگاه از همانجا که مردم راه می افتند راه بیفتید و از خدا آمرزش بخواهید که همو آمرزگار مهربان است (۱۹۹)
و هنگامیکه اعمالتان را تمام کردید خدا را یاد کنید همانطور که پدرانتان را یاد می کنید بلکه از آنهم قوی تر خدا را یاد کنید.
از میان مردم کسانی هستند که میگویند خدایا در دنیا بما بده وآنها در آخرت بهره ای ندارند (۲۰۰) و کسانی هم هستند که میگویند خدایا در دنیا و آخرت بما نیکوئی ده و از عذاب آتش نگهمان دار (۲۰۱) آنها از آنچه کسب می کنند نصیبی خواهند داشت وخداوند تند حساب است (۲۰۲)
و خدا را در روزهائی چند یاد کنید. پس اگر کسی خواست به عجله در دو روز تمام کند گناهی نکرده و کسی هم خواست تاخیر کند برای با تقوا گناهی ندارد. از خدا پروا کنید و بدانید که بسوی او محشور میشوید (۲۰۳)

ای پیامبر! کسانی هستند که از نظرشان درباره زندگی دنیا خوشت می آید، و خداوند را هم به شهادت میگیرند، در حالیکه سرسخت ترین دشمنان هستند (۲۰۴) و هنگامی که به ریاستی میرسند به فساد در زمین و هلاک کشاورزی و نفوس میکوشند و خداوند فساد ر ا دوست ندارد (۲۰۵) و هنگامیکه گفته میشود تقوا پیشه کن عزت خود را در

گناه می پندارند، پس جهنم بسشان است و چه جایگاه بدی است (۲۰۶) و کسانی هم هستند که خود را به رضای خدا میفروشند و خداوند دلسوز بندگان است (۲۰۷) ای مسلمانان همگی به تسلیم قوانین خدا درآئید و گامهای شیطان را پیروی مکنید که او دشمن آشکارتان است (۲۰۸) پس اگر بعد از اینکه دلایل روشن بسویتان آمد پایتان لغزید بدانید که خداوند پیروزمند فرزانه است (۲۰۹) آیا یهودیان انتظار دارند که خداوند و ملائکه در سایبان هائی از ابر بیایند و کار تمام شود؟ و البته همه امور بسوی خداوند برمیگردد (۲۱۰) از بنی اسرائیل بپرس چقدر آیات و دلایل روشن بسویتان آمد؟ و کسی که نعمت خداوند را پس از آمدنش تغییر دهد، خدا در پیگیری شدید است (۲۱۱) زندگی این دنیا برای کافران تزیین شده و مومنان را مسخره میکنند ولی اهل تقوا در روز قیامت بالاتر از آنها هستند و خداوند هر که را خواهد بدون حساب روزی میدهد (۲۱۲)

مردم همگی در مقابل قانون یکجور بودند، پس خداوند پیامبران را برگزید که مژده دهنده و هشدار دهنده باشند، و با آنها آن کتاب را فرستاد که بین مردم درباره آنچه اختلاف داشتند به حق حکم کنند، و در آن اختلاف نکردند مگر پس از اینکه آن دلایل روشن بسویشان آمد، برای اینکه بین خویش به ظلم بپردازند. آنگاه خداوند مومنان را درباره حقیقت امورِ مورد اختلاف ، به فرمان خویش، هدایت کرد، و خداوند هر که را خواهد بسوی جاده مستقیم هدایت می کند (۲۱۳)
آیا می پندارید وارد بهشت میشوید و مثال اقوام قبلی برسرتان نمی آید که سختی ها و ناراحتی ها به آنان رسید تا اینکه لرزه شان گرفت تا اینکه رسول و مومنانِ همراهش گفتند پس یاری خدا کی میرسد؟
بدانید که یاری خدا نزدیک است (۲۱۴)

ای پیامبر! از تو می پرسند چه انفاق کنند بگو هر چه انفاق می کنید، بهتر است به والدین و نزدیکان و یتیمان و بیچارگان و در راه مانده ها باشد و هر کار خیری که کنید، خداوند به آن آگاه است (۲۱۵) بگو ای مسلمانان! جنگ بر شما مقرر شد در

حالیکه آن را خوش نمیدارید و چه بسا چیزی که خوش نمیدارید اما برایتان خوب است و چه بسا چیزی که دوست دارید اما برایتان شر است و خداوند میداند و شما نمیدانید (۲۱۶)

از تو درباره جنگ در ماه حرام می پرسند بگو جنگ در آن گناهی بزرگ است، اما بازداشتن از راه خدا، و کفر به آن، و کفر به مسجدالحرام و اخراج اهلش از آن، نزد خدا گناهی بزرگتر است، و فتنه از قتل بالاتر است، و آنها آنقدر با شما می جنگند تا شما را، اگر بتوانند، از دینتان برگردانند، و هر کس از دینش برگردد و در حال کفر بمیرد اعمالش در دنیا و آخرت از بین میرود و اهل آتش بوده و در آن جاودان خواهد بود (۲۱۷)
البته آنانکه ایمان آورده و هجرت نموده و در راه خدا جهاد کرده باشند به رحمت خدا امیدوارند و خداوند آمرزگار مهربان است (۲۱۸)

از تو درباره شراب و قمار میپرسند بگو در آن دو گناهی بزرگ و منفعت هائی برای مردم است، ولی گناه آنها از نفعشان بزرگتر است، و می پرسند چه انفاق کنند، بگو افزون بر نیاز را انفاق کنید، خداوند آیاتش را چنین برایتان بیان می کند شاید تفکر کنید (۲۱۹) در باره دنیا و آخرت تفکر کنید.

و درباره یتیمان از تو می پرسند بگو سامان دادن به کار آنان بهتر است و اگر با آنها قاطی شوید پس بدانید که برادران شما هستند و خداوند مفسد را از مصلح باز می شناسد و اگر خدا میخواست شما را به زحمت می انداخت، که او پیروزمند فرزانه است (۲۲۰)

و با زنان مشرک ازدواج نکنید تا مسلمان شوند و البته کنیز مسلمان از زن مشرک بهتر است ولو اینکه از آن مشرک خوشتان بیاید
و با مردان مشرک ازدواج نکنید تا مسلمان شوند و یک برده مومن از مرد مشرک بهتر

است حتی اگر از آن مشرک خوشتان بیاید.
آنها بسوی آتش دعوت می کنند و خداوند به اذن خویش بسوی بهشت و آمرزش دعوت می کند. و آیاتش را برای مردم بیان می کند شاید پند گیرند (۲۲۱)

و از تو درباره حیض میپرسند. بگو آن رنجی است.
پس در ایام حیض با آنان نزدیکی مکنید تا وقتی که پاک شوند و وقتیکه پاک شدند آنطور که خداوند امر کرده به آنان درآئید که خداوند بازگشت کنندگان و پاکی جویان را دوست میدارد (۲۲۲)
زنان شما کشتزار شمایند پس به کشتزار خویش هر وقت خواستید در آئید و برای خویش توشه نیک از پیش فرستید و از خداوند پروا کنید و بدانید که به لقای او خواهید رسید و ای پیامبر! مومنان را بشارت ده (۲۲۳)

و خداوند را دستاویز سوگند های خود قرار ندهید که به بهانه آن، از نیکی و تقوا و اصلاح بین مردم خودداری کنید، و خداوند شنوای داناست (۲۲۴)
خداوند شما را در قسم های بیهوده مواخذه نمی کند بلکه به آن چیزی که دل هایتان کسب کرده مواخذه می کند و خداوند آمرزگار حلیم است (۲۲۵)
کسانی که قسم میخورند برای همیشه از زنان خویش کناره گیرند چهار ماه میتوانند در این حالت بمانند و اگر برگشتند خداوند آمرزگار مهربان است (۲۲۶)

و اگر زوجی تصمیم به طلاق گرفتند البته خداوند شنوای داناست (۲۲۷)
و زنان مطلقه تا سه دورهء پاکی بی شوهرِ جدید بمانند و برایشان حلال نیست آنچه را که خداوند در رحم های آنها ایجاد نموده کتمان کنند، اگر به خدا و روز آخرت ایمان دارند،
و شوهرانشان اگر قصد اصلاح داشته باشند سزاوارترند که به آنها برگردانده شوند و برای آن زنان حقوق شناخته شده ای است، مانند چیزی که برعهده شوهرانشان است، و شوهرشان بربازگشت به آنان مرتبتی دارند، و خداوند پیروزمند فرزانه است (۲۲۸)

طلاق دو بار است. یا بطور عرفی نگهداری شوند یا به نیکی آزاد گذاشته شوند و حلال نیست از آن چیزی که به آنان داده اید چیزی را پس بگیرید مگر اینکه آن دو بترسند که حدود خدا را بر پا نخواهند داشت، پس اگر ترسیدند که حدود خدا را بپا ندارند عیبی ندارد که زن به عوض خویش چیزی دهد. این حدود خداست. از آن تجاوز مکنید و هر کس که از حدود خدا تجاوز کند از ظالمان است (۲۲۹)

پس اگر بازهم برای بار سوم طلاقش داد دیگر بر او حلال نخواهد شد مگر اینکه آن زن با مرد دیگری ازدواج کند، پس اگر او طلاقش داد برای آنان اشکالی ندارد که به یکدیگر رجوع کنند در صورتیکه گمان کنند که حدود خدا را بپا خواهند داشت و این حدود خداست که برای مردمی دانا بیانش می کند (۲۳۰)

و هنگامی که زنان را طلاق دادید و به سرآمد خویش رسیدند آنها را مطابق عرف نگهدارید یا مطابق عرف آزاد شان بگذارید و آنها را به زور نگه ندارید که ضررشان بزنید تا به آنان تعدی کنید و هر کس این کار را کند به خویش ظلم کرده. و آیات خدا را به مسخره نگیرید و نعمت خدا و نیز آنچه از کتاب و حکمت به شما فرو فرستاده را یاد کنید و به آن موعظه تان میکند و از خدا پروا کنید و بدانید که خداوند به همه چیز داناست (۲۳۱)

و هنگامیکه زنان را طلاق دادید و به سرآمد خویش رسیدند مانعشان نشوید که با همسران دلخواه خود در صورتیکه بین خویش رضایت متقابل عرفی داشتند ازدواج کنند. کسانی از شما که به خداوند و روز آخرت ایمان دارند از این پند میگیرند. این برای شما پاکتر و مایه رشد بیشتراست و خداوند میداند و شما نمیدانید (۲۳۲)

و مادرانی که بخواهند شیردادن کامل انجام دهند فرزندان خویش را دو سال تمام شیر دهند، و برعهده صاحب فرزند است که روزی و لباس آنها را مطابق عرف تامین کند. هیچکس جزبه اندازه وسعش تکلیف نمیشود.

نه مادر بخاطر فرزندش و نه صاحب فرزند برای فرزندش نباید ضرر ببینند.

و بر عهده وارث نیز مثل آن است.

پس اگر با رضایت متقابل و مشاوره تصمیم به از شیر گرفتن گرفتند عیبی ندارد، و اگر خواستید برای اولادتان ازدیگری تقاضای شیر کنید عیبی ندارد در صورتیکه

فرزند را تسلیم کسی که بسوی او رفته اید می کنید مطابق عرف چیزی بدهید و از خدا پروا کنید، و بدانید که خداوند به آنچه می کنید بیناست (۲۳۳)
وکسانی از شما که میمیرند و همسرانی بجا میگذارند آن همسران چهار ماه و ده روز بمانند. پس هنگامی که به آن سر آمد رسیدند عیبی ندارد درباره خویش مطابق عرف عمل کنند و خداوند به آنچه می کنید آگاه است (۲۳۴)
و عیبی ندارد درباره خواستگاری زنان چیزی اظهار کنید یا در خویش پنهان کنید. خداوند میداند که بزودی آنها را یاد خواهید کرد و لیکن بطور پنهانی قول و قرار نگذارید مگر اینکه چیزی مطابق عرف بگوئید و نیز قصد عقد زناشوئی نکنید تا آن حکم مقرر شدهء عده به سر آمدش برسد و بدانید که خداوند آنچه را که در ضمیر شماست میداند، پس از او حذر کنید و بدانید که خداوند آمرزگار حلیم است (۲۳۵)
عیبی ندارد اگر زنانی را که به آنها دست نزده اید یا برای آنها مهریه ای قرار نداده اید طلاق دهید ولی برخوردارشان کنید.
شخص مرفه به اندازه خود وشخص تنگدست به اندازه خود،
متاعی مطابق عرف بدهد که حقی است بر عهده نیکوکاران (۲۳۶)
و اگر مهریه معین کرده اید اما به آنان دست نزده اید و طلاقشان دادید نصف آن چیزی را که معین کرده اید بدهید، مگر اینکه آنها خودشان ببخشند یا آنکس که ازدواج بدست او انجام شده ببخشد، و اگر ببخشید به تقوا نزدیکتر است. و بخشش بین خویش را فراموش نکنید که خداوند به آنچه می کنید بینا است (۲۳۷)

بر نمازها و بخصوص نماز میانی پایبند باشید و برای خداوند فروتنانه بپاخیزید (۲۳۸)
و اگر در حال ترس بودید پیاده یا سواره نماز کنید و هنگامیکه به امنیت رسیدید یاد خدا کنید همانطور که به شما چیزی را که نمیدانستید آموخت (۲۳۹)

و اگر کسانی از شما مردند و زنانی بجای گذاشتند باید برای زنانشان هزینه تا یکسال را وصیت کنند و نباید آنها را از منزل خویش بیرون کنند و اگر خودشان بیرون رفتند برای شما گناهی ندارد که آنها درباره خودشان مطابق عرف چه میکنند و خداوند

پیروزمند فرزانه است (۲۴۰)
و برای طلاق داده شدگان بر عهده تقوا پیشگان حقی است که متاعی مطابق عرف به آنان بدهند (۲۴۱)
خداوند آیاتش را برایتان چنین بیان می کند شاید تعقل کنید (۲۴۲)

ای پیامبر! آیا داستان آنان که از ترس مرگ از شهر های خویش خارج شدند و هزاران نفر بودند به تو نرسیده، که خداوند به آنان گفت بمیرید سپس زنده شان کرد؟ خداوند بر مردم بخشش دارد ولیکن اکثر مردم شکر نمی گزارند (۲۴۳)
و در راه خدا کارزار کنید و بدانید که خدا شنوای داناست (۲۴۴)
کیست که به خداوند قرض الحسنه ای دهد و او نیز آنرا برایش چندین برابر کند؟ و خداوند است که تنگ میگیرد و بسط میدهد و بسوی او باز میگردید (۲۴۵)

آیا ندیدی آن بزرگان بنی اسرائیل را که پس از موسی به پیامبرشان گفتند برای ما فرماندهی برگزین که در راه خدا بجنگیم، گفت آیا اینطور نیست که اگر کارزار برایتان مقرر شود انجامش ندهید؟ گفتند چه مان شده که در راه خدا نجنگیم در حالیکه از شهرهایمان و فرزندانمان بیرونمان کرده اند؟ اما چون جنگ بر آنها مقرر شد ، غیر ازعده کمی ، سر پیچی کردند و خداوند به حال ظالمان داناست (۲۴۶) و پیامبرشان به آنان گفت خداوند طالوت را برایتان به فرماندهی برگزیده است . گفتند چگونه فرماندهی برای او مقرر شده در حالیکه ما از او سزاوارتریم و او از لحاظ مالی نیز مرفه نیست؟ گفت خداوند اورا بر شما برگزیده و او را از لحاظ علم و جسم زیاده و گشایشی داده و خداوند فرماندهی خویش را به هر کس که خواهد میدهد و خداوند گشایش دهنده داناست (۲۴۷) و پیامبرشان به آنان گفت علامت فرماندهیش این است که آن صندوق را برایتان می آورد ، همان که در آن آرامشی از جانب پروردگارتان و بقیه ای از آنچه آل موسی وآل هارون بجا گذاشتند هست ، و ملائکه حملش می کنند . البته دراین نشانه ای است برای شما اگر مومن باشید (۲۴۸) و هنگامیکه طالوت با سپاهیان از شهر جدا شد گفت خداوند شما را به جویی آزمایش میکند . پس اگر کسی از آن

بنوشد از من نیست و کسی که نخورد از من است مگر آنکه فقط کفی برگیرد و بنوشد، پس جز عده کمی از آن نوشیدند . و چون او و مومنانِ همراهش از آن گذشتند عده ای از لشکریانش گفتند امروز طاقت مبارزه با جالوت و سپاهیانش را نداریم . اما آنانکه گمان ملاقات خداوند را داشتند گفتند چه بسیار بودند سپاهیانی اندک که بفرمان خدا بر سپاهیان بسیار پیروز شدند و خداوند با پایداران است (۲۴۹) و هنگامیکه به مقابل جالوت و سپاهش رسیدند گفتند پروردگارا صبری بر ما بریز و قدم هایمان را ثابت کن و مارا بر کافران پیروز فرما (۲۵۰) پس به فرمان خدا آنها را پراکنده کردند و داود جالوت را کشت و خداوند به او فرماندهی و حکمت داد و آنچه میخواست به او آموخت. و اگر اینطور نبود که خداوند بعضی از مردم را بدست بعضی دیگر دفع کند ، زمین فاسد میشد ولیکن خداوند بر جهانیان فضل و کرم دارد (۲۵۱)

ای پیامبر! این آیات خداست که به حق بر تو میخوانیم و تو البته از فرستادگانی (۲۵۲) این پیامبران، بعضی شان را بر بعضی برتری دادیم. از میان آنان کسی بود که خداوند با او گفتگو کرد و همو بعضی را بر بعضی برتری داد و به عیسی پسر مریم نیز دلیل های روشن داد و او را با روح القدس تقویت کرد
و اگر خدا میخواست پس از آنان، مردمی که بعدا پدیدار شدند، پس از اینکه آن دلایل روشن بسویشان آمده بود ، کارزار نمیکردند ولیکن اختلاف پیدا کردند و بعضی ایمان آوردند و بعضی کفر ورزیدند و اگر خدا میخواست با یکدیگر نمی جنگیدند، ولیکن خداوند آنچه بخواهد میکند (۲۵۳)

ای مسلمانان! از آنچه روزیتان کرده ایم انفاق کنید، قبل از آنکه روزی برسد که در آن نه خرید و فروشی و نه دوستیی و نه شفاعتی باشد و کافران همان ظالمانند (۲۵۴)

خداوند که خدائی جز او نیست زنده پاینده است، نه سستی میگیردش و نه خواب، آنچه در آسمانها و زمین است مال اوست، چه کسی نزد او شفاعت خواهد کرد مگر به اجازه اش؟ آنچه را که در پیش روی آنان و در پشت سرشان است میداند، وبه هیچ چیز از علم

او احاطه ای نخواهند یافت مگر به اذنش، کرسی او همه آسمانها و زمین را فراگرفته، و حفظ آنها برایش سخت نیست، و همو والامرتبه بزرگ است (۲۵۵)

در دین اجبار نیست. رشد از گمراهیِ عمدی متمایز شده. پس کسی که به طاغوت کفر ورزد و به خداوند ایمان بیاورد به محکم ترین دستاویز چنگ زده که هرگز گسستنی نیست. و خداوند شنوای داناست (۲۵۶)

خداوند دوست و سرپرست مومنان است که آنها را از تاریکیها بسوی نور هدایت می کند و سرپرستان کافران طاغوت است که آنها را از نور بیرون آورده بسوی تاریکیها می برد. آنها یاران آتشند که در آن جاودانند (۲۵۷)

آیا آنکس را ندیدی که خداوند به او فرمانروائیی داده بود و با ابراهیم درباره پروردگارش مجادله میکرد؟ هنگامیکه ابراهیم به او گفت پروردگار من زنده میکند و میمیراند، گفت من هم زنده میکنم، زیرا میتوانم زندگی محکومانِ به مرگ را ببخشم، و میمیرانم زیرا میتوانم حکم مرگ کسی را بدهم. ابراهیم گفت پروردگارم خورشید را از مشرق می آورد تو اگر قدرت واقعی داری از مغرب بیاورش. آنگاه آن کافر مبهوت شد و خداوند ظالمان را هدایت نمی کند (۲۵۸)
یا آنکسی که از خرابه های شهری میگذشت، گفت خداوند چگونه این را پس از مرگش زنده میکند؟ پس خداوند او را بمدت صد سال میراند، سپس برانگیختش. گفت چند مدت بودی؟ گفت روزی یا قسمتی از آن. گفت نه بلکه صدسال در آن حالت بودی، پس به غذایت و نوشیدنیت که دگرگون نشده و به الاغت نگاه کن، تا تو را نشانه ای برای مردم قرار دهیم. و به استخوانها بنگر که چطور آنها را ترتیب میدهیم و چگونه گوشت برآنها می پوشانیم. و هنگامیکه برایش روشن شد گفت دانستم که خداوند بر هر چیزی تواناست (۲۵۹)

و هنگامیکه ابراهیم گفت پروردگارا بمن نشان ده که چگونه مردگان را زنده می کنی.

گفت مگر باور نداری؟ گفت بله ولیکن میخواهم قلبم آرام شود. گفت چهار پرنده بگیر، و نزد خود قطعه قطعه کن، سپس بر هر کوهی قسمتی از آن را بگذار، سپس صدایشان بزن، خواهی دید که به شتاب بسویت می آیند. و بدان که خداوند عزتمند حکیم است (۲۶۰)

مثالِ عمل آنهائی که اموالشان را در راه خدا خرج می کنند مانند دانه ای است که هفت خوشه میرویاند که در هر خوشه صددانه است. و خداوند برای هر کس که بخواهد چندین برابر میکند و خداوند وسعت بخش داناست (۲۶۱)
آنهائی که اموالشان را در راه خدا انفاق می کنند و سپس دنبال آنچه که انفاق کرده اند منت و آزاری قرار نمیدهند پاداششان نزد پروردگارشان است. نه بیمی داشته و نه اندوهگین باشند (۲۶۲)
گفتاری نیکو و گذشت بهتر است از صدقه ای که درپی آن آزار باشد و خداوند بی نیاز حلیم است (۲۶۳)

ای مسلمانان! صدقاتتان را با منت و اذیت باطل مکنید و مانند کسی که مالش را برای نشان دادن بمردم خرج میکند و به خدا و آخرت ایمان ندارد نباشید و مثالِ کار چنین کسانی مانند سنگ سختی است که بر آن خاکی باشد و رگباری برآن ببارد و آنرا لخت بگذارد.
آنها برای حفظ آنچه کسب کرده اند قدرتی ندارند و خداوند کافران را هدایت نمی کند (۲۶۴)
و مثال آنهائی که اموالشان را برای کسب رضای خدا و اینکه جانشان تثبیت شود خرج می کنند، مانند باغی است که بر بالای تپه ای است که رگباری به آن برسد و آن باغ خوردنی هایش را دو برابر دهد و اگر هم رگباری نرسد باران ملایمی به آن میرسد و خداوند به آنچه میکنید بیناست (۲۶۵)
آیا هیچکس از شما میخواهد باغی از خرماها و انگورها داشته باشد که کف آن نهرها جاری باشد که در آن از همه نوع میوه یافت بشود و به پیری برسد و فرزندانی ضعیف

داشته باشد، اما به آن باغ آتشی برسد و بسوزاندش؟
خداوند آیاتش را چنین برای شما بیان می کند شاید تفکر کنید (۲۶۶)

ای مسلمانان! از پاکیزه های دستاوردهایتان و آنچه که برای شما از زمین بیرون آورده ایم انفاق کنید و پَستِ آن را که خودتان هم مگر با چشم پوشی نمیگیرید برای انفاق منظور نکنید و بدانید که خداوند بی نیاز ستوده است (۲۶۷)
شیطان شما را به فقر وعده میدهد و به کارهای بسیار زشت امر میکند و خداوند به آمرزشی از جانب خویش و زیادتی وعده میدهد و خداوند وسعت دهندهء داناست (۲۶۸)
به هر که بخواهد حکمت میدهد، و هر کس که حکمت به او داده شده خیر بسیار زیادی یافته، و جز خردمندان این پند را نمی پذیرند (۲۶۹)
و آنچه را که خرج کرده و یا نذر کرده اید، خداوند میداند، و ظالمان یاوری ندارند (۲۷۰)
اگر صدقات را به آشکاری دهید چه خوب، و اگر مخفی بدارید و به فقرا دهید برایتان بهتر است، و قسمتی از بدی های شما را می پوشاند و خداوند به آنچه می کنید آگاه است (۲۷۱)

ای پیامبر! هدایت آنها بر عهده تو نیست ولیکن خداوند است که هر کس را خواهد هدایت می کند، و هر مالی که انفاق کنید برای خودتان خواهد بود. و انفاق را جز برای کسب توجه خداوند نمی کنید. و مالی را که انفاق کنید بطور کامل به شما داده خواهد شد و ظلم نمی بینید (۲۷۲)
برای فقیرانی که در راه خدا به تنگنا افتاده اند که نمیتوانند برای کسب روزی در زمین مسافرتی کنند که شخصِ ناآگاه از شدت عفافشان بی نیازشان می پندارد. آنها را از نشانی هایشان می شناسی.
از مردم به اصرار درخواست نمی کنند.
و مالی را که انفاق می کنید خداوند به آن آگاه است (۲۷۳)

کسانی که اموالشان را شب و روز و مخفیانه و آشکارا انفاق می کنند پاداششان نزد پروردگارشان محفوظ است و نه ترسی داشته و نه اندوهگین باشند (۲۷۴)

آنانکه ربا میخورند جز مانند کسیکه در اثر تماس شیطان دچار خبط و انحراف از مسیر طبیعی شده باشد نمیشوند. این به آن سبب است که میگویند خرید و فروش مانند ربا است در حالیکه خداوند خرید و فروش را حلال و ربا را حرام کرده است. پس اگر کسی موعظه ای از جانب پروردگارش بسویش آمد و دست کشید، آنچه که گذشته، مال او باشد و کارش با خداست و کسی که به آن عمل باز گردد از یاران آتش است که در آن جاودانند (۲۷۵)
خداوند ربا را نابود و صدقات را زیاد می کند و خداوند هیچ کفرانگر گناهکاری را دوست نمیدارد (۲۷۶)
البته آنانکه ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و نماز بپاداشته و زکات داده اند پاداششان نزد پروردگارشان است و نه ترسی داشته و نه اندوهگین باشند (۲۷۷)
ای مسلمانان! از خداوند پروا داشته و بقیه ربا را ول کنید اگر ایمان دارید (۲۷۸) و اگر این کار را نکردید پس اعلام جنگ با خدا و رسولش کنید و اگر توبه کردید سرمایه هاتان مال خودتان باشد نه ظلم کنید و نه ظلم بینید (۲۷۹)
و اگر بدهکار گرفتار باشد مهلتی دهید تا گشایش یابد و اگر تصدق کنید برایتان بهتر است اگر بدانید (۲۸۰)
و از روزی که در آن بسوی خداوند برمیگردید پروا کنید، روزی که به هر کس آنچه که کسب کرده بطور کامل داده میشود و هیچ ظلمی نمیشوند (۲۸۱)

ای مسلمانان! هنگامیکه به یکدیگر قرضی تا مدت معینی میدهید آنرا بنویسید.
و باید یک نویسنده عادل آن را بین شما بنویسد.
و نویسنده نباید از نوشتن خسته شود. همانگونه که خداوند تعلیمش داده باید بنویسد.
و آن کسی که حق بر اوست باید املاء کند، و باید از خدا بترسد و چیزی از آن کم نگذارد،

و اگر کسی که حق بر اوست سفیه یا ضعیف است یا نمیتواند املاء کند باید سرپرستش به عدل املاء کند.
و دو مرد را به شهادت بگیرید و اگر دو مرد نبود یک مرد و دو زن که از میان گواهان می پسندیدشان به شهادت بگیرید تا اینکه اگر یکی فراموش کرد دیگری به یادش بیاورد
و گواهان وقتی که دعوت شدند نباید امتناع کنند،
و خسته نشوید از اینکه بنویسیدش، چه کوچک باشد و چه بزرگ، تا سرآمدش.
این نزد خدا به عدالت نزدیکتر، و از نظر شهادت دادن استوار تر، و از این لحاظ که شک نکنید مناسب تر است.
مگر اینکه معامله ای نقدی باشد که بین خویش اداره اش می کنید. در آنصورت گناهی ندارد که آنرا ننویسید
و هنگامیکه معامله ای کردید شاهد بگیرید و نباید نه نویسنده و نه شاهد ضرر ببینند و اگر چنین کنید گناهش برعهده تان است
و از خدا بترسید و خداوند چنین تعلیمتان میدهد و خداوند به همه چیز داناست (۲۸۲)
واگر در سفر بودید و نویسنده نیافتید گروئی بگیرید و اگر بعضی تان بعضی دیگر را امین شمرد، امین شمرده شده باید ادا کند و از خداوندِ پروردگارش پروا داشته باشد، و شهادت را کتمان نکنید و کسی که کتمانش کند دلش گناهکار است و خداوند به آنچه می کنید آگاه است (۲۸۳)

آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست و اگر آنچه را که در ضمایرتان است آشکار کنید یا پنهان کنید خداوند محاسبه اش می کند پس هر که را خواست می بخشد و هر که را خواست عذاب می کند و خداوند به هر چیزی تواناست (۲۸۴)

این پیامبر به آنچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده ایمان آورد و همچنین مومنان نیز.

همگی به خداوند و ملائکه وکتابهایش و رسولانش ایمان دارند و گویند بین هیچیک از رسولان جدایی نمی اندازیم و میگویند خداوندا! شنیدیم و اطاعت داریم و خواهان آمرزشت هستیم، و بازگشت بسوی توست (۲۸۵)

خداوند به هیچکس جز به اندازه وسعش تکلیفی نمی کند. هرکس آنچه نیکی کرده به نفع خود اوست و آنچه بدی کرده به ضررش است و مومنان میگویند پروردگارا اگر فراموش کردیم، یا خطا کردیم، باز خواستمان مکن، و تکلیفِ گران بر ما تحمیل مکن، چنانکه بر پیشینیان کردی، و چیزی که طاقتش را نداشته باشیم بر ما تحمیل مکن، و ما را ببخش و بیامرز و بما رحم کن.
تو سرپرست مائی و ما را علیه کافران یاری فرما (۲۸۶)

سوره بیّنه

بسم الله الرحمن الرحیم

عده ای از کافرانِ یهودِ ساکن در یثرب، و عده ای از مشرکین یثرب از لحاظ زندگی اقتصادی و اجتماعی از یکدیگر جدا نبودند تا اینکه آن دلیل روشن و آشکار بسویشان آمد (۱)
که رسولی از جانب خداوند بود که صحیفه هائی پاکیزه تلاوت میکرد (۲)
که در آنها نامه هائی استوار و پاینده بود (۳)

آن اهل کتاب از مسلمانان جدا نشدند مگر پس از آنکه آن دلیل روشن که در احکام اسلام بود بسویشان آمد (۴)
که طی آن مأمور نشده بودند مگر اینکه خداوند را به اخلاص عبادت کنند و نماز بپا دارند و زکات بدهند و دین استوار و پاینده نیز همین است (۵)

کافران اهل کتاب و مشرکان که کفر ورزیدند بطور ابدی در جهنم خواهند ماند که

آنها بدترین مردمانند (۶)

البته مومنانِ صالح عمل بهترین مردمانند (۷)
پاداششان نزد پروردگارشان باغهائی است مستقرِ جاوید که از آنها نهرها جاری است که در آن بطور ابدی جاودان خواهند بود.
خداوند از آنها و آنها نیز از او راضی هستند.
این برای کسی است که نسبت به پروردگارش حرمت میگذارد (۸)

سوره ماعون

بسم الله الرحمن الرحیم

ای پیامبر! چه نظری داری راجع به کسانیکه روز قیامت را عملا تکذیب می کنند؟ (۱)
از جمله صفاتشان این است که یتیم را با خشونت میرانند (۲) و بر غذا دادن مستمندان تشویق نمی کنند (۳)
و وای بر نمازگزاران (۴)که در بجا آوردن یا نیاوردن نمازشان زیاد اشتباه میکنند (۵)
و نیز آنانکه ریا میکنند (۶)
و چیزهای مورد استفاده عمومی را از دیگران دریغ میدارند (۷)

سوره عادیات

بسم الله الرحمن الرحیم

قسم به اسبان تیزتک که نفس نفس میزنند (۱) که در هنگام دویدن از نعل هایشان جرقه پدید می آید (۲) که صبح هنگام ناگهان بر دشمن هجوم می آورند (۳) و گرد و غباری بلند می کنند (۴) و ناگهان در وسط (آنها) قرار می گیرند (۵)

که انسان نسبت به پروردگار خویش بسیار کند است (۶)

و همو بر این واقعیت آگاه است (۷)
زیرا در دوست داشتنِ دارائی بسیار شدید است (۸)

مگر نمی داند وقتی که قبر ها زیرو رو شود (۹) وآنچه در سینه هاست آشکار شود (۱۰) پروردگارشان در آن روز نسبت به آنان آگاه است؟ (۱۱)

سوره صف

بسم الله الرحمن الرحیم
آنچه در آسمانها و زمین است خداوند را به پاکی می ستایند و همو پیروزمند فرزانه است (۱)

ای مسلمانان! چرا چیزی را میگوئید که انجامش نمیدهید؟ (۲) اینکه چیزی را بگوئید که انجامش نمیدهید موجب خشم بزرگی نزد خداوند است (۳)
خداوند کسانی را که در راه او می جنگند و آنقدر ثابت قدم باشند که گوئی دارای پی های فلزی می باشند دوست میدارد (۴)

و هنگامی که موسی به قومش گفت ای مردم چرا اذیتم می کنید در حالی که می دانید فرستاده خدا بسوی شما هستم؟ و هنگامی که منحرف شدند خداوند نیز دلهاشان را منحرف نمود و خداوند قوم فاسقان را هدایت نمی کند (۵)

و هنگامیکه عیسی پسر مریم گفت ای بنی اسرائیل! من رسول خدا بسویتان هستم که آنچه را که از تورات پیش از من بوده تصدیق می کنم و به آمدن رسولی که پس از من می آید و اسمش احمد است مژده میدهم.
اما وقتیکه با دلایل روشن بسویشان آمد گفتند این جادوئی آشکار است (۶)

چه کسی ظالمتر است از کسی که بر خداوند دروغ بندد در حالی که دعوت به اسلام میشود؟ و خداوند قوم ظالمان را هدایت نمیکند (۷)
میخواهند نور خدا را با دهانهایشان خاموش کنند در حالیکه خداوند نور خویش را بطور کامل ظاهر میکند ولو اینکه کافران بدشان بیاید (۸)
اوست که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه دین ها پیروز کند، گرچه مشرکان بدشان بیاید (۹)

ای مسلمانان! میخواهید تجارتی به شما نشان بدهم که شما را از عذاب دردناک نجات دهد؟ (۱۰) به خدا و رسولش ایمان بیاورید و در راه خدا با مال و جانتان جهاد کنید. این برایتان بهتر است اگر بدانید (۱۱)
گناهانتان را می آمرزد و شما را به بهشتهائی که در کف آنها نهرها جاری است و زیستگاههائی دلپسند در باغ هائی جاودان در می آوَرَد که این همان پیروزی بزرگ است (۱۲)
و چیز دیگری هم که دوستش دارید نصیبتان می کند: یاریی از جانب خدا و پیروزیی نزدیک. و ای پیامبر! مومنان را مژده ده (۱۳)

ای مسلمانان یاران خدا باشید. آنچنانکه وقتی عیسی بن مریم به حواریان گفت چه کسی در راه خدا یاریم می کند، حواریان گفتند ما یاران خدائیم.
و عدّه ای از بنی اسرائیل ایمان آوردند و عده ای هم کافر شدند.
و ما مومنان را علیه دشمنانشان تقویت کردیم و غالب شدند (۱۴)

سوره محمد(ص)

بسم الله الرحمن الرحیم
آنانکه کفر ورزیدند و از راه خدا جلوگیری کردند خداوند اعمالشان را نابود خواهدکرد (۱)

و آنانکه ایمان و عمل صالح داشته و به آنچه بر محمد(ص) نازل شده، که همان حق از جانب پروردگارشان است، باور داشته اند بدیهای آنها را خواهدپوشاند و وضعشان را اصلاح خواهدکرد (۲)
این به آن علت است که کافران باطل را و مومنان آن حق را که از جانب پروردگارشان است پیروی کردند.
خداوند برای مردم اینگونه مثل ها را می زند (۳)

ای مسلمانان! هنگامی که در جنگِ قریب الوقوعِ بدر کافران را دیدید گردنهای آنها را بزنید تا کار شما علیه آنها محکم شود، آنگاه آنها را به اسیر گرفتن ببندید، و بعدا یا منت نهید و آزاد کنید و یا فدیه بگیرید و آزاد کنید، تا اینکه جنگ بارهای خویش را بنهد.
چنین است.
و اگر خداوند می خواست شما را پیروز می کرد ولیکن بعضی از شما را بوسیله بعضی دیگر میازماید و کسانی که در راه خدا کشته می شوند اعمالشان را هرگز نابود نمی کند (۴)
بزودی هدایتشان می کند و احوالشان را اصلاح می نماید (۵)
و آنها را به آن بهشت که به آنان شناسانده در می آورد (۶)

ای مومنان! اگر راه خدا را یاری کنید یاریتان می کند و قدمهایتان را تثبیت می فرماید (۷) و کافران، سزاوار سرنگونی اند و اعمالشان نابود باد (۸)
این به آن علت است که آنچه را خدا فرستاده ناخوشایندشان است، لذا اعمالشان را نابود میکند (۹)

آیا این کافران در زمین گردش نکردند تا ببینند عاقبت پیشینیان چگونه بود؟
که خداوند خانه خرابشان کرد؟
و برای کافران از این مثالها زیاد است (۱۰)

این به آن سبب است که خداوند یاور مومنان است و کافران یاوری ندارند (۱۱)
خداوند مومنان صاحب عمل صالح را داخل بهشتهائی می کند که از کف آنها نهرها جاری است و کافران در این جهان برخوردار میشوند و مانند چارپایان می خورند اما در آخرت جایگاهشان آتش است (۱۲)
و چه بسا شهرهائی که از شهری که تو را بیرون کرد قوی تر بودند و هلاکشان کردیم و یاریی نداشتند (۱۳)
آیا کسی که دارای دلیل روشنی از جانب پروردگارش هست مانند کسی است که عمل زشتش برایش تزیین شده و از امیالش پیروی میکند؟ (۱۴)

آیا مَثَل بهشتی که به تقوا داران وعده داده شده که در آن نهرهائی از آبی که بو نمی گیرد، و نهرهائی از شیری که طعمش تغییر نمی کند، و نهر هائی از نوشابه ای که برای نوشندگان لذت دارد، و نهرهائی از عسل تصفیه شده هست، و از هر نوع میوه جات دارد، و آمرزشی از جانب پروردگارشان هم هست، مانند جهنم است؟ که کافران در آن جاودانند و آبی جوشان مینوشند که اندرونشان را پاره میکند؟ (۱۵)

ای پیامبر! از آنها کسانی هستند که به تو گوش میدهند و وقتی که از نزدت خارج میشوند از کسانی که به آنان علم داده شده میپرسند این پیامبر همین چندی پیش چه میگفت؟
آنها کسانی هستند که خداوند بر قلبهاشان مهر زده و امیالشان را پیروی کرده اند (۱۶)
و آنانکه در جستجوی هدایتند خداوند هدایتشان را زیاد میکند و نتیجهء تقوایشان را به آنها میدهد (۱۷)

آیا اینها منتظر قیامت هستند که ناگهان بر آنها در آید؟ البته علامت های آن آمده. اما اگر قیامت بیاید دیگر پند و تذکر چه فایده ای برایشان خواهد داشت؟ (۱۸) پس بدان که خدائی جز خداوند نیست و برای گناهان خویش و مومنان آمرزش بخواه و

خداوند به حرکت و سکون شما آگاه است (۱۹)

برخی از مسلمانان می گویند چرا سوره ای نازل نشده؟ پس هنگامی که سوره ای محکم نازل شود و حکم کارزار در آن باشد می بینی آنان که در قلبهاشان مرضی هست چنان به تو مینگرند که انگار مرگشان رسیده است، و همان هم برایشان سزاوارتر است (۲۰)
طاعتی و قول پسندیده ای از این نوع شعار دادن ها بهتر است،
آنگاه وقتی که کار به تصمیم رسید صداقت نسبت به خداوند برایشان بهتر خواهد بود (۲۱)

ای منافقان! نکند وقتیکه ریاست پیدا کردید، در زمین فساد کرده و به قطع ارحام بپردازید (۲۲)
کسانی که چنین اند خداوند لعنتشان کرده و کر وکورشان نموده است (۲۳)

پس آیا در قرآن تدبر نمی کنند یا اینکه قلوبشان قفل شده است؟ (۲۴)

البته کسانی که پس از روشن شدن حقیقت بر پاشنه های خویش میچرخند شیطان این امر را برایشان آراسته و آرزومندشان نموده است (۲۵) زیرا که آنها، به کسانی که آنچه را خداوند نازل نموده خوش نمیدارند، میگویند در بعضی از کارها از شما اطاعت می کنیم،
و خداوند از این پنهانکاری آنها آگاه است (۲۶)
چه وضعی خواهند داشت وقتیکه ملائکه جانشان را بگیرند و آنگاه به صورتها و پشت هایشان بزنند؟ (۲۷)
این به آن سبب است که چیزی را پیروی میکنند که مایه خشم خداست و رضایت او را خوش نداشتند و همین اعمالِ پیشین شان را نابود کرد (۲۸)
آیا آنانکه در قلوبشان مرضی هست می پندارند خداوند هرگز کینه هایشان را آشکار

نمیکند؟ (۲۹)
و اگر میخواستیم آنها را بتو نشان میدادیم آنگاه آنها را به چهره می شناختی،
و البته آنها را از روی لحن گفتارشان خواهی شناخت
و خداوند اعمالتان را می داند (۳۰)

و حتما شما را می آزمائیم تا جهاد گران و صابرانِ شما مشخص شده و اخبارتان را بیازمائیم (۳۱)

البته آنان که کفر ورزیدند و از راه خدا باز داشتند و با رسول خدا بعد از اینکه حقیقت برایشان روشن شد دشمنی نمودند هرگز ضرری به خداوند نمیزنند و خداوند بزودی اعمالشان را نابود می کند (۳۲)

ای مسلمانان! خدا را اطاعت کنید و نیز رسولش را فرمان ببرید و اعمالتان را باطل نکنید (۳۳)
کسانی که کافر شده و از راه خدا باز داشتند وسپس در حال کفر مردند خداوند هرگز نمی آمرزدشان (۳۴)
پس ای مومنان! سست نشوید،
و تقاضای صلح مکنید،
و شما بالاترید،
و خداوند با شماست،
و هرگز پاداش اعمالتان را کم نمی کند (۳۵)

جز این نیست که زندگی دنیا بازیچه و سرگرمی است، و اگر ایمان بیاورید و تقوا پیشه کنید خداوند پاداشهایتان را خواهد داد و اموالتان را هم نخواهد خواست (۳۶)
زیرا اگر آنها را بخواهد و بر شما سخت بگیرد بخل خواهید ورزید و کینه هایتان آشکار میشود (۳۷)

همین شماها! وقتی دعوت میشوید که در راه خدا انفاق کنید، بعضی تان دریغ میورزند.
و کسی که دریغ ورزد از خویش دریغ نموده.
و خداوند بی نیاز است و شما نیازمندید.
و اگر پشت کنید قومی دیگر را بجای شما قرار میدهد و آنان مانند شما نخواهند بود (۳۸)

سوره انفال

بسم الله الرحمن الرحیم

ای پیامبر! از تو درباره انفال میپرسند،
بگو انفال مال خدا و رسول است.
پس، از خدا پروا کنید و بین خویش را اصلاح نموده، و خدا و رسولش را اطاعت کنید اگر مومن هستید (۱)

جز این نیست که مومنان هنگامیکه خداوند یاد میشود دلشان میلرزد و وقتیکه آیاتش بر آنها خوانده میشود ایمانشان زیاد میشود و بر پروردگارشان توکل می کنند (۲)
آنان همانهائی هستند که نماز بپامیدارند و از آنچه روزیشان کرده ایم انفاق می کنند (۳)
آنها همان مومنان واقعی هستند که درجاتی نزد پروردگارشان و آمرزشی و روزیی گرامی خواهند داشت (۴)

ای پیامبر! همانگونه که خداوند تو را به حق از خانه ات بیرون آورد، و این در حالی بود که عده ای از مومنان این هجرت را خوش نمی داشتند (۵)
و با تو درباره حق پس از آنکه برایشان روشن هم شده بود جدال میکردند گوئی دارند خویش را مینگرند که بسوی مرگ رانده میشوند،
اما اینک از این پیروزی بزرگ خوشحالند (۶)

و ای مومنان! آن هنگام را بیاد بیاورید که خداوند پیروزی بر یکی از آن دو طائفه را به شما وعده میداد و شما دوست داشتید آنکه بی اهمیت تر به نظر می آید مال شما باشد، اما خداوند میخواست حق را با کلماتش فرود بیاورد و دنباله کافران را ببُرد (۷) تا حق را مستقر کند و باطل را نابود نماید، هر چند گناهکاران خوش نداشته باشند (۸) و آن هنگام را بیاد بیاورید که از پروردگارتان کمک خواهی میکردید، و اجابتتان کرد که من شما را با هزار ملائکه ردیف شده کمک خواهم کرد (۹) و خداوند آنرا فقط مژده ای قرار داد، و اینکه دلتان به آن آرام شود، و پیروزی جز از جانب خدا نیست، که خداوند پیروزمند حکیم است (۱۰) آن هنگام را به یاد آورید که خُماری چُرت را بر شما انداخت تا آرامشی از جانب او باشد و از آسمان آبی بر شما نازل نمود تا پاکتان کند و پلیدی شیطان را از شما زایل نماید و دلهاتان را به یکدیگر و به خدا ارتباط دهد و بواسطه آن قدمهاتان را ثابت کند (۱۱) آن هنگام را بیاد آورید که پروردگارت به ملائکه وحی میکرد که من با شما هستم پس مومنان را ثابت قدم کنید. بزودی ترس در دل کافران می افکنم، پس بالای گردنهای آنها را و همه سرانگشتانشان را بزنید (۱۲) این به آن علت است که آنها با خدا و رسولش مخالفت نمودند و هرکس که با خداوند و رسولش مخالفت ورزد البته خداوند در پیگیری شدید است (۱۳)

ای کافران! این است. پس بچشیدش و البته کافران عذاب آتش خواهند داشت (۱۴)

ای مسلمانان! وقتی که با کافران درجنگ برخورد کردید به آنان پشت نکنید (۱۵) و کسی که در آن روز پشت کند،
مگر اینکه بخواهد جنگ را با حیله طور دیگری کند، یا به لشکری خودی ملحق شود، البته غضبی از خداوند را به جان خریده و جایگاهش جهنم است و بد بازگشتگاهی است (۱۶)

ای مسلمانان در حقیقت شما آنها را نکشتید بلکه خداوند کشتشان، و ای پیامبر! تو

نبودی که تیر می انداختی بلکه خداوند بود که می انداخت، تا اینکه مومنان را به نعمتی نیکو از جانب خویش بیازماید که خداوند شنوای داناست (۱۷) چنین است. و اینکه خداوند حیله کافران را سست می کند (۱۸)

ای کافران! اگر پیروزی میخواستید، اینک این هم پیروزی(!) که بسراغتان آمد و اگر دست بکشید برایتان بهتر است و اگر باز هم به همان کارهای سابق بازگردید ما هم به شکست دادن شما باز میگردیم و هرگز لشکریان شما کاری برایتان نخواهند ساخت ولو اینکه زیاد هم باشند و البته خداوند با مومنان است (۱۹)

ای مسلمانان! خدا و رسولش را اطاعت کنید، و در حالیکه سخن او را می شنوید از او برنگردید (۲۰)
و مانند کسانی نباشید که میگویند شنیدیم و نمی شنوند (۲۱)
بدترین جنبندگان نزد خداوند کسانی هستند که کر و لالند و تعقل نمی کنند (۲۲)
و اگر خداوند خیری در آنها سراغ داشت حتما به آنها می شنواند و اگر می شنواند باز هم پشت میکردند و رویگردان می شدند (۲۳)

ای مسلمانان! خدا و رسولش را وقتیکه به چیزی که زنده تان می کند دعوتتان می کنند اجابت کنید، و بدانید که خداوند بین شخص و دلش حائل میشود و اینکه بسوی او محشور میگردید (۲۴)
و از فتنه ای بترسید که فقط ظالمان تان را فرا نمیگیرد و بدانید که پیگیری خداوند شدید است (۲۵)
و بیاد آورید که در زمین کم و ضعیف بودید و میترسیدید که مردم شما را بربایند تا اینکه پس از هجرت شما را جای داد و به یاری خویش تقویتتان کرد و از چیزهای خوشایند روزیتان داد شاید شکرگزارید (۲۶)
ای مسلمانان! به خدا و رسول، و همچنین در امانات تان، خیانت نکنید در حالیکه آگاهید (۲۷)

و بدانید که اموالتان و اولادتان فتنه ایست و اینکه نزد خداوند پاداشی بزرگ است (۲۸)
ای مسلمانان! اگر تقوا در پیش گیرید خداوند برایتان مایه تشخیص حق و باطل را قرار میدهد و گناهانتان را می پوشاند و می آمرزدتان و خداوند فضل عظیم دارد (۲۹)

و ای پیامبر! هنگامی را بیاد آر که کافران توطئه میکردند که تو را باز دارند، یا بکشند، یا اخراجت کنند.
آری آنها توطئه میکردند و خداوند نیز مکر میکرد و همو بهترین ماکران است (۳۰)
و هنگامی که آیاتمان برآنها خوانده میشد، میگفتند شنیدیم و اگر بخواهیم مانندش را میگوئیم، اینها چیزی جز افسانه های پیشینیان نیست (۳۱)
و هنگامی که میگفتند خداوندا اگر این مطالبی که این پیامبر میگوید، حق، و از نزد تو است، سنگهائی از آسمان بر ما ببار یا عذابی دردناک برایمان بیاور (۳۲)
و خداوند اینطور نیست که عذابشان کند در حالیکه تو در میانشان هستی و اینطور هم نیست که عذابشان کند در حالیکه آنها استغفار می‌کنند (۳۳)
و چه شان شده که خداوند عذابشان نکند در حالیکه همانها هستند که مومنان را از مسجدالحرام باز میدارند در حالیکه نسبت به آن هیچ سرپرستیی ندارند.
جز این نیست که سرپرستان آن کسی جز تقواداران نیست ولیکن اکثرشان نمیدانند (۳۴)
و نمازشان نزد آن خانه کعبه جز سوت کشیدن و کف زدن نیست. پس لایق آن هستند که عذاب بر آنها نازل شود و به آنها خطاب شود که بچشید عذاب را بخاطر آن کفری که میورزیدید (۳۵)
کافران اموالشان را خرج می کنند که از راه خدا باز دارند، و بزودی خرجش خواهند کرد، آنگاه مایه حسرتشان خواهد شد،
سپس مغلوب میشوند، و سپس بسوی جهنم محشور خواهند شد (۳۶)
تا خداوند پلید را از پاکیزه مشخص کند و بعضی از پلیدها را بر بعضی دیگر قرارداده و همه را متراکم نموده و در جهنم قرار دهد و آنها همان زیانکارانند (۳۷)

به کافران بگو اگر دست بردارند آنچه قبلا کرده اند آمرزیده خواهد شد،
و اگر ادامه دهند البته همان قانون پیشینیان در باره آنها اجرا خواهد شد (۳۸)

ای پیامبر! و ای مومنان! با آنها بجنگید تا هیچ فتنه ای نباشد و دین بطور کامل برای خدا باشد. پس اگر دست کشیدند البته خداوند به اعمالشان بیناست (۳۹)
و اگر پشت کردند بدانید که خداوند سرپرست شماست.
چه سرپرست و چه یاور خوبی هم هست (۴۰)
و بدانید که هر غنیمتی که بدست آوردید یک پنجم آن مال خدا و رسول، و خویشاوندان، و یتیمان، وبیچارگان، و براه ماندگان، است، اگر به خداوند و نیز بر آنچه بربنده مان نازل کردیم، ایمان دارید.

روزی که دو گروه به یکدیگر رسیدند، که همان روز جدا سازی حق و باطل بود، و خداوند بر هر چیزی تواناست (۴۱)
هنگامی که شما در بلندی نزدیک و آنها در بلندی دورتر بودند و آن قافله پائین تر از شما بود و اگر قرار ملاقات میگذاشتید حتما در محلِ قرار اختلاف پیدا میکردید ولیکن چنین شد تا خداوند کاری را بگذراند که تقدیرش انجام شده بود تا از روی دلیلِ آشکار کسی را که هلاک شدنی است هلاک کند، ونیز از روی دلیل آشکار کسی را که زنده شدنی است، زنده نماید، و البته خداوند شنوای داناست (۴۲)

ای پیامبر! هنگامیکه خداوند آنها را در خوابت کم نشان داد و اگر زیاد نشان میداد سست میشدید و درباره آن امر با یکدیگر مخالفت میکردید ولیکن خداوند شما را سلامت داشت که او به آنچه در سینه ها میگذرد داناست (۴۳)

و هنگامیکه باهم برخورد نمودید خداوند آنها را در چشم شما کم ارائه نمود و شما را هم در چشم آنها کم جلوه داد تا کاری را که مقدر بود در واقعیت نیز بگذارند و کارها بسوی خداوند بر میگردد (۴۴)

ای مسلمانان! هنگامیکه با لشکری بر خورد کردید ثبات ورزید و خداوند را بسیار یاد کنید شاید رستگار شوید (۴۵)
و خدا و رسولش را اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید زیرا سست خواهید شد و نیرویتان میرود، و صبر و پایداری کنید، که خداوند با صابران است (۴۶)
و مانند کسانی نباشید که از شهرهاشان برای غرور و خود نمائی خارج میشوند واز راه خدا باز میدارند و خداوند به آنچه می کنند احاطه دارد (۴۷)

و هنگامیکه شیطان اعمالشان را برایشان آراست و گفت امروز کسی بر شما پیروز نخواهد شد ومن هم پناه دهنده تان هستم، اما به محض اینکه آن دو لشگر یکدیگر را دیدند بر پاشنه هایش چرخید و گفت از شما بیزارم. من چیزی می بینم که شما نمی بینید. من از خداوند میترسم، و خداوند در عقوبت شدید است (۴۸)

هنگامی که آن منافقان و کسانی که در قلوبشان مرضی هست میگفتند دین اینها مغرورشان کرده، در حالیکه هر کس بر خداوند توکل کند، خداوند هم پیروزمند فرزانه است (۴۹)
وکاش آن هنگام را میدیدی که ملائکه جان کافران را میگیرند و به صورتهایشان و پشت هایشان میزنند و میگویند عذاب آتش سوزان را بچشید (۵۰)
این بخاطر همان چیزهاست که از پیش فرستادید و خداوند البته نسبت به بندگانش ظالم نیست (۵۱)
مانند شیوه فرعونیان و پیشینیان آنها که به آیات خدا کفر ورزیدند و آنها را به گناهانشان بگرفت که خداوند البته قوی و سخت کیفر است (۵۲)
این به آن علت است که خداوند وقتی نعمتی را به قومی داد، تا وقتیکه آنها آنچه را که در خودهاشان است تغییر ندهند نعمتشان را تغییر نمیدهد، و البته خداوند شنوای داناست (۵۳)
مانند شیوه فرعونیان و پیشینیانشان، که آیات پروردگارشان را تکذیب کردند، و آنها

را بخاطر گناهانشان هلاک، و فرعونیان را غرق کرد، و همگی ظالم بودند (۵۴)

بدترین جنبندگان در نزد خدا کافرانند که ایمان نمی آورند (۵۵)
همان کسانی که با آنها عهد بستی، آنگاه در هر دفعه عهد شکنی میکنند و پروا ندارند (۵۶)
و اگر در جنگ برآنان دست یافتی برآنان سختگیری کن و نیز بر کسانی که پشتیبانشان هستند، شاید پندگیرند (۵۷)
و اگر از قومی بیم خیانتی داشتی مانند آن را برآنها بیفکن که خداوند خائنان را دوست ندارد (۵۸)
و کافران نپندارند که پیش افتادند، البته آنها ما را عاجز نمی کنند (۵۹)
و برای آنها تا آنجا که میتوانید نیرو و اسبان یراق بسته تهیه کنید، تا بوسیله آن دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید، و کسان دیگری که غیر از آنها هستند و شما نمی شناسیدشان، و خداوند می شناسدشان. و آنچه که در راه خدا خرج کنید تماما به شما پس داده میشود و ظلمی نمی بینید (۶۰)
پس اگر تمایل به صلح پیدا کردند تو نیز تمایل نشان ده، و بر خدا توکل کن که او شنوای داناست (۶۱) و اگر خواستند نیرنگ بزنند البته خداوند تو را بس است،
هموست که با یاریش تو را و مومنان را پشتیبانی کرد (۶۲) و دلهای آنها را بهم الفت داد، اگر میخواستی تمام آنچه را که در زمین هست خرج کنی نمیتوانستی بین آنها الفت برقرار کنی، ولیکن خداوند بین آنها الفت داد که پیروزمند فرزانه است (۶۳)

ای پیامبر! خداوند و کسانی از مومنان که پیرویت می کنند تو را بس است (۶۴)
ای پیامبر ! مومنان را بر جنگ تشویق کن، اگر بین شما بیست نفر صابر باشند بر دویست نفر پیروز خواهند شد، و اگر صد نفر باشند بر هزار نفر از کافران پیروز خواهند شد، زیرا آنها کسانی هستند که نمی فهمند (۶۵) الان خداوند به شما تخفیف داد، و دانست که در شما ضعفی هست، پس اگر صد نفر صابر از شما باشند بر دویست نفر پیروز خواهند شد، و اگر هزار نفر باشند بر دو هزار نفر باذن خدا پیروز خواهند شد،

و خداوند با صابران است (۶۶)

پیغمبر را نمیرسد قبل از اینکه دینش در زمین محکم شود اسیرانی داشته باشد.
شما بهره دنیا را میخواهید در حالیکه خداوند آخرت را میخواهد و خداوند پیروزمند فرزانه است (۶۷)
اگر نوشته ای از جانب خدا سبقت نیافته بود، درباره آنچه اسیر گرفتید عذابی بزرگ به شما میرسید، ولی خداوند این بار را از شما اغماض کرد (۶۸)
لذا از آنچه غنیمت بدستتان آمد حلال و پاکیزه بخورید، و از خدا پروا کنید، که خداوند آمرزگار مهربان است (۶۹)
ای پیامبر ! به آنچه از اسیران که در دستتان است بگو اگر خداوند در دلهای شما خیری می شناخت راجع به آنچه از شما گرفته شده بهترش را به شما میدهد و می آمرزدتان و خداوند آمرزگار مهربان است (۷۰)
و اگر قصد خیانت با تو دارند البته قبلا هم به خداوند خیانت کرده بودند و خداوند هم تو را برآنها دستیابی داد و خداوند دانای حکیم است(۷۱)

آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند،
و با اموال و جانهایشان در راه خدا جهاد کردند،
و آنانکه آنان را جای دادند و یاری کردند، بعضی شان اولیاء بعضی دیگرند.
و کسانی که ایمان آوردند اما هجرت نکردند، میان شما و آنها هیچ ولایتی نیست مگر اینکه مهاجرت کنند، و اگر درباره دین از شما یاری خواستند یاری آنها بر عهده شماست،
مگر اینکه علیه قومی از شما یاری بخواهند که بین شما و آنها عهد و پیمان صلح باشد و خداوند به آنچه می کنید بیناست (۷۲)
و کافران نیز بعضی شان اولیاء بعضی دیگرند.
اگر آن کار را انجام ندهید وبه یاری کسانی که در امر دین از شما کمک می خواهند نشتابید،

در زمین فتنه و فسادی بزرگ پیدا خواهد شد (۷۳)

و کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا جهاد کردند، و آنانکه به آنها جای دادند و یاری نمودند آنها مومن حقیقی هستند که آمرزشی و روزیی گرامی خواهند داشت (۷۴)
و آنانکه بعدا ایمان آورده و هجرت نموده و همراه شما جهاد کردند آنها هم جزء شما هستند،

و خویشاوندان، در کتاب خدا، از لحاظ ارث بعضی ها نسبت به بعضی دیگر اولویت دارند، و خداوند به هر چیز داناست (۷۵)

سوره حشر

بسم الله الرحمن الرحیم
آنچه در آسمانها و زمین هست، خداوند را با پاک دانستنِ او از نقائص ستایش می کنند و همو پیروزمند فرزانه است (۱)

اوست کسی که کافران اهل کتاب را برای بار اول از دیارشان بیرون راند،
شما فکرش را هم نمی کردید که بیرون بروند، آنها هم فکر میکردند قلعه هایشان آنها را از تدبیر خداوند ممانعت می کند، اما خداوند از جائیکه فکرش را هم نمیکردند به سراغشان آمد و در دلهاشان ترس انداخت، بطوری که با دستهای خودشان و نیز با دستهای مسلمانان خانه های خویش را خراب میکردند.
پس ای صاحبان بصیرت عبرت گیرید (۲)
و اگر خداوند آوارگی را بر آنها مقرر نکرده بود حتما در دنیا به عذاب دیگر گرفتارشان میکرد، و در آخرت هم عذاب آتش خواهند داشت (۳)
این به سبب آن است که آنها با خدا و رسولش دشمنی کردند و هرکس با خدا دشمنی

کند بداند خداوند سخت کیفر است (۴)

ای مسلمانان! شما هیچ نخلی را قطع نکرده اید، و هیچیک را بحال خویش برپا رها نکرده اید، مگر به اذن خدا.
و اینها برای خوار کردن فاسقان است (۵)
غنیمتی که خداوند از آنان به رسول خود رسانید، بدون جنگ کردنِ شما رسانید و شما هیچ اسب و شتری بر آن نتاختید، ولیکن خداوند رسولانش را بر هر کس که خواهد مسلط میکند، و خداوند بر هر چیزی تواناست (۶)
از اموال اهالی آن شهرها آنچه خداوند به رسول خود رساند، از آنِ خداست ، و از آنِ رسول، و خویشاوندان، و یتیمان، و تهیدستان، و ماندگانِ در راه ها، تا مبادا بین ثروتمندانِ شما دست بدست بچرخد.
و آنچه رسول به شما میدهد بستانید، و از آنچه شما را نهی میکند دست بکشید،
و از خداوند پروا کنید، که خداوند سخت کیفر است (۷)
و نیز برای فقراء مها جران که بخاطر کسب فضل و رضایتی از جانب خدا از شهرها و اموال خویش اخراج شدند، و خدا و رسولش را یاری می کنند، که آنها همان راستگوهایند (۸)
و کسانی که قبل از آنها در آن خانه و ایمان جای گرفتند،
و هر کس را که بسوی آنها هجرت کند دوست دارند،
و در دلهای خود احتیاجی نسبت به آنچه به آنان داده می شود نمی یابند،
و آنها را بر خویش ترجیح می دهند،
حتی اگر خودشان محتاج باشند،
خداوند رفتارشان را می بیند و هر کس که جلوی بخل درونی خویش را بگیرد حتما از رستگاران است (۹)
و آنان که بعد از آنها می آیند، و می گویند پروردگارا مارا و برادرانمان را که در ایمان از ما سبقت جستند بیامرز، و در دلهای ما برای مومنان کینه ای قرار مده. که تو رئوف و مهربانی،

همه آنها رستگار خواهند بود (۱۰)

آیا ندیدی کسانی را که نفاق ورزیدند که به برادران کافرشان از اهل کتاب می گفتند اگر اخراج شدید ما هم حتما با شما خارج خواهیم شد، و از هیچ کس درباره شما اطاعت نخواهیم کرد، و اگر با شما جنگ کردند، حتما یاریتان خواهیم کرد؟ و خداوند گواه است که آنها دروغگویند (۱۱) اگر اخراج شوند با آنها خارج نخواهند شد، و اگر با آنها جنگ شود یاریشان نخواهند کرد، و تازه اگر هم یاری شان کنند زود فرار خواهند کرد، و آن وقت خودشان بدون یاور خواهند ماند (۱۲) شما بیشتر از خداوند در دل آنها هیبت دارید، زیرا که آنها مردمی بی فهم و بینش هستند (۱۳) آنها بطور دستجمعی با شما نمی جنگند، مگر در داخل شهرهائی برج و بارو دار، یا در پس دیوارها. سختی شان بین خودشان شدید است، آنها را یکپارچه می بینی اما دلهایشان پراکنده است. زیرا که آنها مردمی نابخردند (۱۴)

مانند آنهایی که اندکی پیش از آنان بودند، و نتیجه بدِ کار خویش را چشیدند، و عذابی دردناک خواهند داشت (۱۵)
مانند شیطان که به انسان می گوید کافر شو، اما وقتیکه کافر شد می گوید من از تو بیزارم، زیرا که من از خداوند پروردگار جهانیان بیم دارم (۱۶)
پس عاقبت هر دوی آنها این خواهد بود که در آتش جاودان خواهند بود و جزای ظالمان نیز همین است (۱۷)

ای مسلمانان! از خداوند پروا کنید و باید هر کس نگران آن باشد که برای فردای قیامت چه چیزی از پیش فرستاده است، و از خدا پروا کنید که خداوند به آنچه میکنید آگاه است (۱۸) و مانند آنهائی نباشید که خدا را فراموش کردند، و او هم خود هاشان را از یاد شان برد. آنها همان گناه پیشگان هستند (۱۹)

اهل بهشت و اهل جهنم مساوی نیستند، اهل بهشت همان پیروزها و برندگان هستند

(۲۰)

ای پیامبر! اگر این قرآن را بر کوهی نازل میکردیم میدیدی فروتن بوده واز حرمت و خشیت خدا متلاشی میشود،
و ما این مثل ها را برای مردم میزنیم شاید تفکر کنند (۲۱)

او خدائی است که خدائی جز او نیست. دانای نهان و آشکار و بخشنده مهربان است (۲۲) اوست خدائی که خدائی جز او نیست. آن فرمانروای پاکِ صلح آورِ ایمنی بخشِ مسلطِ عزتمندِ مجبورکنندهء بزرگمنش.
پاک است خداوند از آنچه با او شریک میگیرند (۲۳)
اوست خداوند آفرینشگرِ پدید آورِ تصویرگر،
که دارای آن نامهای نیکوست.
آنچه در آسمانها و زمین است او را به پاکی می ستایند و همو پیروزمند فرزانه است (۲۴)

سوره منافقون

بسم الله الرحمن الرحیم
ای پیامبر! هنگامی که منافقان نزدت می آیند میگویند شهادت میدهیم که تو رسول خدا هستی، خداوند میداند تو رسولش هستی، اما خداوند گواه است که منافقان بسیار دروغگویند (۱)
قسم های خویش را سپر قرار داده اند و راه خدا را بسته اند، بد کاری است که میکنند (۲)
این به آن سبب است که ایمان آوردند، سپس کفر ورزیدند، و در نتیجه بر دلهایشان مهر زده شد، و فهم ندارند (۳)
هنگامی که نگاهشان می کنی از ظاهر شان خوشت می آید، و هنگامی که سخن می گویند گوش میدهی، اما آنها مانند چوب خشکی هستند که بر دیوار متکی باشد، و

هیچ فایده ای ندارند.
هر صدائی را علیه خود می پندارند.
آنها دشمنند. پس از آنها بر حذر باش.
خدا خودش شرشان را کم کند، چگونه از حق روبر می گردانند (۴)
و چون به آنها گفته شود بیایید رسول خدا برای شما استغفار کند، سر می پیچند و می بینی که همچنان خودداری می ورزند و سرکشی میکنند (۵) فرقی نمی کند، چه برایشان استغفار کنی چه نکنی، خداوند هرگز آنها را نمی بخشد، زیرا که خداوند قومی گناه پیشه را هدایت نمی کند (۶)
آنها همانها هستند که می گویند بر کسانی که دور و بر پیغمبر هستند خرج نکنید تا پراکنده شوند.
در حالی که انبار های آسمان ها و زمین در اختیار خداست، لیکن منافقان این را نمی فهمند (۷)
می گویند وقتی که به شهر بر گشتیم باید آنکه عزیز تر است ذلیل تر را از آن بیرون کند. در حالی که عزت از آن خدا و رسول و مومنان است ولیکن منافقان در نمی یابند (۸)

ای مسلمانان! اموال و اولادتان شما را از یاد خدا غافل نکند،
و کسی که چنان شود حتما زیانکار است (۹)
و از آنچه روزیتان کرده ایم انفاق کنید، قبل از اینکه مرگ به سراغ هر یک از شما بیاید، و او بگوید پروردگارا چه میشد اگر کمی مهلتم می دادی تا صدقه ای میدادم و از شایستگان می شدم (۱۰)
و وقتی که سر آمد هر کس برسد هرگز خداوند مرگ او را به تاخیر نمی اندازد و همو به آنچه می کنید آگاه است (۱۱)

سوره جمعه

بسم الله الرحمن الرحیم

آنچه در آسمانها و زمین است خدای را به پاکی ستایش می کنند که همو فرمانروای پاک پیروزمند فرزانه است (۱)

هموست که در میان درس ناخواندگان فرستاده ای از خود آنان برگزید، که آیاتش را بر آنان تلاوت کند، و رشدشان دهد، و کتاب و حکمت بیاموزدشان، و گرچه قبل از آن در گمراهیی آشکار بودند (۲)

و نیز به دیگرانی که هنوز به آنان ملحق نشده اند همین مواهب را برساند، و همو پیروزمند فرزانه است (۳)

این فضل خداست که به هر کس خواهد میدهد، و خداوند صاحب آن فضل عظیم است (۴)

مَثَل آنانکه تورات بر آنان بارشد و از عمل به آن شانه خالی کردند، مانند دراز گوشی است که اسفار را حمل می کند.

چه بد است مَثَل قومی که آیات خدا را تکذیب می کنند.

و خداوند ظالمان را هدایت نمی کند (۵)

بگو ای یهودیان ! اگر شما فکر میکنید که علیرغم سایر مردم از دوستان خدائید پس تمنای مرگ کنید اگر راست میگوئید (۶)

و به سبب آنچه که انجام داده اند هرگز تمنای آن را نخواهند کرد و خداوند به کار ظالمان داناست (۷)

بگو این مرگی که از آن فرار می کنید حتما به سراغتان می آید، آنگاه بسوی خداوندِ دانای پنهان ها و آشکار ها باز میگردید، و آنگاه او به حقیقتِ آنچه که کرده اید آگاهتان میکند (۸)

ای مسلمانان! هنگامی که برای نماز جمعه ندا داده میشود بسوی ذکر خدا بشتابید، و خرید و فروش را رها کنید، این برای شما بهتر است اگر بدانید (۹)
و وقتیکه نماز انجام شد، در زمین پراکنده شوید، و فضل خدا را طلب نموده و خدا را بسیار یاد کنید، شاید رستگار شوید (۱۰)

ای پیامبر! اینان هنگامی که داد و ستدی یا سرگرمیی ببینند بسوی آن رو کرده و تو را ایستاده رها می کنند. بگو آنچه نزد خداست از سرگرمی و داد و ستد بهتر است، و خداوند بهترین روزی دهندگان است (۱۱)

سوره آل عمران

بسم الله الرحمن الرحیم

الم (۱)
خداوند که خدائی جز او نیست زنده پاینده است (۲)
او این کتاب را به حق بر تو نازل کرد که تصدیق کننده کتابهای آسمانی پیشین است و تورات و انجیل را نیز قبلا فرستاد (۳) که برای مردم هدایت و مایه تشخیص حق از باطل بودند.
البته کسانی که به آیات خداوند کفر میورزند عذاب شدید خواهند داشت و خداوند پیروزمند انتقامگیر است (۴)
هیچ چیزی در زمین یا آسمان بر خداوند مخفی نمی ماند (۵)
هموست که شما را در رحم ها هر طور که بخواهد چهره نگاری میکند.
خدائی جز او نیست.
همو پیروزمند فرزانه است (۶)

هموست که این کتاب را بر تو نازل کرد. قسمتی از آن، آیاتِ محکمات است، آنها مادرِ

کتاب هستند، و بقیه متشابهات هستند،
اما کسانی که در قلوبشان عیبی هست، از آن، آنچه را که تشابه دارد، برای جستجوی فتنه و جستجوی تاویلش دنبال می کنند.
و تاویل آنرا کسی جز خداوند نمی داند.
و فرو روندگان در علم میگویند به آن ایمان آورده ایم، که تمامش از نزد پروردگارمان است.
و جز خردمندگان پند نمی گیرند (۷)
دعایشان به درگاه این است که میگویند پروردگارا پس از اینکه هدایتمان کردی قلوبمان را معیوب مکن و از جانب خویش رحمتی بما بده، که تو بسیار بخشنده ای (۸)
پروردگارا البته مردم را در روزی که شکی در آن نیست جمع میکنی.
که خداوند البته وعده اش را خلاف نمی کند(۹)

اموال و اولاد کافران در مقابل خداوند کاری برایشان نمیسازد و خودشان سوختِ آن آتشند (۱۰) مانند همراهان فرعون و پیشینیان آنها که آیاتمان را تکذیب کردند و خداوند آنها را به گناهانشان بگرفت و خداوند سخت کیفر است (۱۱) به کافران بگو بزودی مغلوب میگردید و بسوی جهنم محشور میشوید و چه جایگاه بدی است (۱۲)

البته درباره آن دو لشکر که با یکدیگر برخورد کردند نشانه ای بود. یکی در راه خدا مبارزه میکرد و دیگری که کافر بود، و دو برابر به چشم می آمد آنطور شد، و خداوند هر کس را که خواهد با یاریش تایید میکند که البته در این برای اهل بینش عبرتی است (۱۳)

دوست داشتنِ خواستنی ها برای مردم زینت داده شده. خواستنی هائی مانند زنان و فرزندان، و گنجینه هائی از طلا و نقره، و اسبان نشاندار، و چارپایان و کشتزاران.
همه امثال اینها مایه برخورداری زندگی دنیاست، در حالیکه سرانجام خوب نزد خداوند

است (۱۴)
ای پیامبر! بگو آیا به بهتر از آن خبرتان بدهم؟ برای اهل تقوا نزد پروردگارشان بهشتهائی است که در کف آنها نهرها جاری است که در آن جاودانند، و همسرانی پاک، و رضایتی از جانب خداوند دارند. و خداوند به بندگان خویش بیناست (۱۵)
همان بندگانی که میگویند پروردگارا ایمان آوردیم پس گناهانمان را بیامرز و از عذاب آن آتش نگهمان دار (۱۶)
آنها صابران و صادقان و متواضعان و بخشندگان و آمرزش خواهانِ سحرها هستند (۱۷)

خداوند شهادت میدهد که خدائی جز خودش نیست، و ملائکه و عالمانی که به عدالت قیام میکنند نیز همین را گواهی میکنند، که خدائی جز او نیست که پیروزمند فرزانه است (۱۸)

دین، نزد خدا اسلام است که عبارت از تسلیم به رهنمودهای الهی است و اهل کتاب اختلاف نورزیدند مگر پس از اینکه آن علم بسویشان آمد،
و منظورشان تعدی بین خودهاشان بود،
و کسی که به آیات خدا کفر ورزد، خداوند البته تند حساب است (۱۹)

پس ای پیامبر! اگر کافران و یا اهل کتاب باتو به چون و چرا برخاستند، بگو من وپیروانم روی خویش را تسلیم خداوند کرده ایم، و به اهل کتاب و مردم معمولیِ مکتب ندیده، بگو آیا شما هم تسلیم خدا می باشید؟ پس اگر تسلیم بودند، هدایت یافته اند، و اگر پشت کردند چیزی جز رساندن پیام بر عهده تو نیست، و البته خداوند خودش به کار بندگانش بیناست (۲۰)

کسانی که به آیات خدا کفر میورزند، و پیامبران و کسانی را که به چیزهائی پسندیده فرمان میدهند و از چیز ناپسند باز میدارند به ناحق میکُشند، به عذابی دردناک مژده شان ده (۲۱)

آنها کسانی هستند که اعمالشان در دنیا و آخرت نابود شده و در قیامت یاورانی ندارند (۲۲)

آیا آنان را نمی بینی که نصیبی از کتاب دارند، و بسوی کتاب خدا دعوت میشوند تا بین آنها حکم کند، با وجود این عده ای از آنان پشت می کنند و روگردانند؟ (۲۳)
این به آن خاطر است که میگویند آتش غیر از چند روز مختصری بما نمیرسد. و در دین خویش و آنچه که خداوند گفته افترا می زنند و مغرور شده اند (۲۴)
پس چه حالی خواهند داشت وقتیکه در روزی که شکی در آن نیست جمعشان کنیم، و به هر کس آنچه که کسب کرده بطور کامل داده شود، و هیچ ظلمی نشوند؟ (۲۵)

بگو خداوندا! مالک فرمانروایی توئی. فرمانروائی را به هر که خواهی میدهی، و از هر که خواهی بازمیستانی، و هر که را خواهی عزت میدهی، و هرکه را خواهی به ذلت می اندازی، خیر بدست توست، که البته برهرچیز توانائی (۲۶)
و شب را در روز و روز را در شب داخل میکنی، و زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می آوری، و هر که را خواهی بی حساب روزی میدهی (۲۷)

مسلمانان نباید بجای مسلمانان کافران را دوست و سرپرست خویش بگیرند، و اگر کسی چنین کند هیچ نسبتی نزد خداوند ندارد، مگر اینکه با آنان از روی تقیه رفتاری کنند که در ظاهر چنین به نظر رسد.
و خداوند شما ها را از غضب خویش برحذر میدارد و بازگشت بسوی اوست (۲۸)
ای پیامبر! بگو آنچه در دلهاتان است، چه پنهان و چه آشکارش کنید خداوند آنرا میداند، و همچنین همه آن چیز هائی را که در آسمانها و زمین است میداند، و خداوند به هر چیزی تواناست (۲۹)
روزی که هر کس هر کار خیر یا بدی را که کرده در نزد خویش حاضر می یابد و دوست دارد بین او و کاربدش فاصله ای دور باشد و خداوند شما را از خویش برحذر میدارد و خداوند به بندگان دلسوز است (۳۰)

بگو اگر خدا را دوست میدارید مرا پیروی کنید، تا خداوند شما را دوست داشته باشد و گناهانتان را بیامرزد، و خداوند آمرزگار مهربان است (۳۱)
بگو خدا ورسول را اطاعت کنید و اگر به این دعوتت پشت کردند بدانند که خداوند کافران را دوست نمیدارد (۳۲)

خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم وآل عمران را برجهانیانِ معاصرشان برگزید (۳۳) نسل هائی که بعضی شان از بعضی دیگرند و خداوند شنوای داناست (۳۴) هنگامی که زن عمران گفت پروردگارا آنچه را که در شکمم هست نذر تو کرده ام که خدمتکار خالص دین تو باشد. پس از من بپذیر که توشنوای دانائی (۳۵) و هنگامیکه وضع حملش کرد گفت پروردگارا دختر زائیده ام- و خداوند بهتر میدانست چه زائیده- و همچنین گفت پسر مانند دختر نیست، و من او را مریم نامیده ام و او را و فرزندانش را از شر شیطان رانده شده در پناه تو در می آورم (۳۶) و پروردگارش به نیکی قبولش کرد، و او را بخوبی پرورش داد، وزکریا کفالتش را بعهده گرفت. هر بار که زکریا در محراب بر او وارد میشد نزدش روزیی می یافت. میگفت ای مریم اینها از کجا برایت آمده؟ میگفت از نزد خداوند آمده، که خداوند به هر کس که خواهد بی حساب روزی میدهد (۳۷) اینجا بود که زکریا پروردگارش را خواند و گفت پروردگارا از جانب خویش نسلی پاک بمن ده که تو شنونده دعائی (۳۸) پس ملائکه او را در حالی که در محراب به عبادت ایستاده بود ندا دادند که خداوند به تولد یحیی مژده ات میدهد که تصدیق کننده کلمه ای از خداوند است، و آقا، و تنها، و پیغمبری از صالحان است (۳۹) گفت پروردگارا چطور ممکن است پسری داشته باشم در حالیکه به سن و سال رسیده ام و زنم هم نازا است؟ گفت چنین است. خداوند آنچه بخواهد میکند (۴۰) گفت پروردگارا برایم علامتی قرار ده. گفت علامتت این است که سه روز با مردم، جز با اشاره، حرف نمیزنی. و پروردگارت را یاد کن و شبها و صبحها تسبیح گوی (۴۱) و ای پیامبر! یاد کن هنگامی را که ملائکه می گفتند ای مریم خداوند تو را برگزیده و تو را پاک نموده و تو را بر همه زنان معاصرت برتری داده است (۴۲) ای مریم برای پروردگارت فروتنی کن و سجده و رکوع کن و با رکوع کنندگان باش (۴۳) این از خبرهای غیبی است. و ای پیامبر! تو نزد آنها نبودی که قرعه های خویش را می

انداختند که کدامشان کفیل مریم شود ونزدشان نبودی که با هم ستیزه می کردند (۴۴) هنگامیکه ملائکه گفتند ای مریم خداوند تو را به کلمه ای از خویش که اسمش مسیح عیسی پسر مریم باشد مژده میدهد که در دنیا و آخرت آبرومند، و از مقربان خواهد بود (۴۵) چه آن هنگام که در گهواره است، و چه هنگام بزرگسالی، با مردم سخن میگوید و از شایستگان است (۴۶) گفت پروردگارا چگونه ممکن است فرزندی داشته باشم در حالیکه بشری بمن دست نزده؟ گفت چنین است. خداوند آنچه بخواهد می آفریند. هنگامیکه به وجود چیزی تصمیم گرفت، جز این نیست که میگوید: باش، پس میشود (۴۷) و او را کتاب و حکمت و تورات و انجیل می آموزد (۴۸) و رسولی بسوی بنی اسرائیل قرارش میدهد که خواهد گفت من با معجزه ای از پروردگارتان بسویتان آمده ام و اینکه از گِل چیزی مانند پرنده میسازم و در آن میدمم و به اذن خدا پرنده ای میشود، و کور مادرزاد و پیس را شفا میدهم، و مردگان را به اذن خدا زنده میکنم، و به شما خبر میدهم چه میخورید و چه در خانه هاتان ذخیره می کنید. البته در این برایتان نشانه ای است اگر ایمان داشته باشید (۴۹) و آنچه از تورات را که قبل از من بوده تصدیق میکنم، و بعضی چیزها را که بر شما حرام شده بود حلال می کنم، و با معجزه ای از جانب پروردگارتان بسویتان آمده ام. پس از خداوند پروا کرده و اطاعتم کنید (۵۰) زیرا که خداوند پروردگار من و شماست. و عبادتش کنید که راه راست همین است (۵۱) پس چون عیسی از آنها احساس کفر کرد گفت چه کسانی در راه خدا یاران منند؟ حواریون گفتند ما یاران راه خدائیم. به خدا ایمان آوردیم و تو نیز شهادت ده که ما مسلم میباشیم (۵۲) پروردگارا به آنچه فرو فرستادی ایمان آوردیم و از رسول پیروی کردیم پس ما را همراه گواهان منظور فرما (۵۳) و مخالفان عیسی نیرنگ زدند و خداوند نیز نیرنگ زد وخداوند بهترین نیرنگ زن است (۵۴) هنگامیکه خداوند گفت ای عیسی تو را به تمامی دریافت خواهم کرد، و نیز بالابرنده ات بسوی خویش، و پاک کننده ات از کافران هستم، و پیروانت را برکافران تا روز قیامت برتری خواهم داد، آنگاه بازگشت شما بسوی من است، و بین شما درباره آنچه اختلاف میکردید حکم خواهم کرد (۵۵) ولی کافران را به عذابی شدید در دنیا و آخرت عذاب خواهم نمود و یارانی نخواهند داشت (۵۶) و مومنانی که عمل شایسته کنند پاداششان بطور کامل به آنان داده خواهد شد و

خداوند ظالمان را دوست ندارد (۵۷)

ای پیامبر! این چیزیست که از آیات و پندهای محکم برتو میخوانیم (۵۸) البته مَثَل عیسی نزد خداوند مانند مثل آدم است که از خاک آفریدش سپس به او گفت: باش پس شد (۵۹) حق از جانب پروردگار توست، پس مبادا از دو دلان باشی (۶۰) پس هر کس که درباره او پس از اینکه آن علم بسویت آمد، با تو، به چون و چرا می پردازد، بگو بیائید پسرانمان و پسرانتان، و زنانمان و زنانتان، و خودهامان و خودهاتان را فرا بخوانیم، سپس مباهله کنیم، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم (۶۱) این البته از قصه های حق است و جز خدا هیچ خدائی نیست و البته خداوند پیروزمند فرزانه است (۶۲) و اگر روی گرداندند خداوند به حال مفسدان داناتر است (۶۳)

ای پیامبر! بگو ای اهل کتاب بیائید بسوی کلمه ای که بین ما و شما مورد توافق است همراه شویم، که جز خداوند را نپرستیم و با او هیچ شریک نگیریم و بعضی از ما بعضی دیگر را بجای خداوند به پروردگاری نگیرد. پس اگر پشت کردند به آنان بگوئید گواه باشید که ما مُسلم میباشیم (۶۴)

ای اهل کتاب چرا درباره ابراهیم چون و چرا می کنید؟ در حالیکه تورات و انجیل پس از او نازل شده، آیا نمی اندیشید؟ (۶۵)

شما که به چون و چرا درباره آنچه علمش را دارید پرداخته اید چرا به چون و چرا درباره چیزی می پردازید که علمش را ندارید؟

خداوند میداند و شما نمیدانید (۶۶)

ابراهیم نه یهودی و نه مسیحی بود، ولیکن معتدل و تسلیم خداوند بود، و از مشرکان هم نبود (۶۷)

سزاوارترین مردم به ابراهیم کسانی هستند که پیرویش کرده اند و این پیامبر و مومنان چنانند، و خداوند دوست و سرپرست مومنان است (۶۸)

طائفه ای از اهل کتاب دوست دارند کاش گمراهتان میکردند، و گمراه نمی کنند مگر خودشان را و متوجه نیستند (۶۹)

ای اهل کتاب چرا به آیات خدا کفر میورزید در حالیکه خودتان میدانید؟ (۷۰)
ای اهل کتاب چرا باطل را لباس حق می پوشانید و حق را کتمان می کنید در حالیکه میدانید؟ (۷۱)
وعّده ای از اهل کتاب به خودهاشان میگویند اولِ روز به آنچه که بر مسلمانان نازل شده اظهار ایمان کنید، و آخرِ روز اعلام کفر کنید، شاید عده ای از آنان از دین خویش برگردند (۷۲)
و همچنین میگویند به کسی اظهار ایمان نکنید مگر اینکه از دین شما پیروی کند. بگو هدایت واقعی هدایت خدائی است. آنها همچنین به خودهاشان میگویند مبادا کسی بپندارد که مانند آنچه از دین که به شما داده شده به دیگران هم ممکن است داده شود و مبادا مسلمانان بتوانند نزد پروردگارتان با شما چون و چرا کنند. بگو فضل بدست خداست. به هر کس خواهد میدهد، و او وسعت بخشِ داناست (۷۳)
هر کس را که بخواهد به رحمتش اختصاص میدهد و خداوند صاحب آن فضل بزرگ است (۷۴)
و از اهل کتاب کسانی هستند که اگر مال زیادی نزدش امانت بگذاری به تو پس میدهند و از آنان کسانی هم هستند که اگر دیناری نزد آنها به امانت بگذاری به تو پس نمیدهند، مگر اینکه بالای سرِ آن بمانی. این به آن علت است که میگویند ما درباره مردم معمولی مورد سرزنش قرار نمیگیریم، و بر خدا دروغ می بندند در حالیکه میدانند (۷۵)
بله. هر کس که به عهدش وفا کند و تقوا پیشه نماید البته خداوند تقوا پیشگان را دوست میدارد (۷۶)
آنها که عهد خدا و قسم هایشان را به قیمتی اندک می فروشند، در آخرت نصیبی ندارند، و خداوند با آنها سخن نمی گوید، و در روز قیامت به آنان نظر رحمت نمی کند، و رشدشان هم نمیدهد، و عذابی دردناک خواهند داشت (۷۷)
و از آنان کسانی هم هستند که زبانهایشان را طوری تکان میدهند که فکر کنی از کتاب خدا است، در حالیکه از کتاب نیست، و میگویند این از جانب خداست، در حالیکه از جانب خدا نیست، و بر خدا دروغ می بندند در حالیکه میدانند (۷۸)

به هیچکس نمیرسد که خداوند به او کتاب و حکم و نبوت بدهد آنگاه او به مردم بگوید بجای خدا مرا عبادت کنید، ولیکن چنین کسی میگوید شما که کتاب را آموزش داده و درسش را میخوانید گرایشتان مخصوص به پروردگار باشد (۷۹) و چنین کسی به شما نمی گوید که ملائکه و پیغمبران را پروردگاران خویش بگیرید. آیا شما را پس از اینکه تسلیم خدا شده باشید به کفر امر میکند؟ (۸۰) و هنگامیکه خداوند از پیامبران پیمان گرفت که وقتیکه چیزی از کتاب و حکمت به شما دادم، سپس رسولی بسویتان آمد که تصدیق کننده آن چیزی است که نزد شماست، حتما باید به او ایمان آورده و یاریش کنید، و از آنها پرسید آیا به این موضوع اقرار دارید و در این مورد تعهد میدهید؟ گفتند اقرار داریم، گفت گواه باشید که من نیز با شما از گواهانم (۸۱) پس هر کس که پس از آن به این پیمان پشت کند از فاسقان است (۸۲)

ای پیامبر! آیا مخالفانت غیر از دین خدا چیزی میخواهند؟ در حالیکه هر کس که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه تسلیم او هستند و بسوی او باز میگردند (۸۳)
بگو به خدا ایمان آوردیم، و نیز به آنچه بر ما نازل شده، و نیز آنچه بر ابراهیم و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل شده و آنچه به موسی و عیسی و پیامبران از جانب پروردگارشان داده شده، و هیچیک از آنان را از دیگران جدا نمی کنیم و تسلیم خداوند هستیم (۸۴)
و هر کس که بخواهد غیر از اسلام دینی بپذیرد هرگز از او پذیرفته نخواهد شد، و همو در آخرت از زیانکاران است (۸۵)

چگونه خداوند قومی را هدایت خواهد کرد در حالیکه پس از ایمانشان کفر ورزیدند، در حالی که شاهد بودند که آن رسول حق است، و آن دلایل روشن بسویشان آمده بود؟ و خداوند ظالمان را هدایت نخواهد نمود (۸۶)
سزای آنها این است که خداوند و ملائکه و همگی مردم لعنتشان کنند (۸۷) که در آن جاودان باشند و آن عذاب تخفیفی برایشان نداشته باشد و مهلتی نیابند (۸۸)

مگر کسانی که پس از آن توبه نموده و روش شان را اصلاح کنند که البته خداوند آمرزگار مهربان است (۸۹)

البته کسانی که پس از ایمانشان کافر شدند، سپس کفرشان زیاد شد، توبه شان قبول نمیشود و آنها جزء ظالمانند (۹۰) و البته آنانکه کفر ورزیدند و در کفرمردند، هرگز از هیچیک آنها عوض قبول نمیشود، حتی اگر به اندازه زمین طلا دهند. آنها عذابی دردناک خواهند داشت و یاورانی ندارند (۹۱)

ای مردم! هرگز به نیکی نمی رسید مگر اینکه از آنچه که دوست میدارید انفاق کنید، و هر چه انفاق کنید خداوند به آن داناست (۹۲)

همه غذاها بر بنی اسرائیل حلال بود، مگر آنچه را که یعقوب قبل از آنکه تورات نازل شود بر خویش حرام کرده بود. بگو پس تورات را بیاورید و تلاوتش کنید اگر راست میگوئید (۹۳) پس اگر کسی پس از آن به خداوند دروغ ببندد از ظالمان است (۹۴) بگو خدا راست گفت، دین ابراهیم را پیروی کنید که معتدل بود و از مشرکان نیز نبود (۹۵)

اولین خانه ای که برای مردم قرار داده شده، همان است که در مکه واقع است که پر برکت میباشد، و برای همه جهانیان موجب هدایتی است (۹۶) در آن نشانه های روشن است. ونیز مقام ابراهیم و هر کس که داخل آن شود در امان است و برای خداوند برعهده مردم این است که قصد آن خانه کنند، اگر استطاعت رفتن بسوی آن را داشته باشند. و هر کس که کفر ورزد خداوند البته از تمام جهانیان بی نیاز است (۹۷)

بگو ای اهل کتاب چرا به آیات خدا کفر میورزید در حالیکه خداوند به آنچه میکنید گواه است؟ (۹۸) بگو ای اهل کتاب چرا مردم را از راه خدا و اینکه کسی به آن ایمان بیاورد باز میدارید در حالیکه خودتان هم گواه حقانیت آن هستید؟ و البته خداوند از

آنچه میکنید غافل نیست (۹۹)

ای مسلمانان! اگر از عده ای از اهل کتاب پیروی کنید شما را پس از ایمانتان به کفر بازمیگردانند (۱۰۰)
و چگونه به کفر بازگردید در حالیکه آیات خدا بر شما خوانده میشود و رسولش در بین شماست؟ و کسی که خود را به خداوند بسپارد بسوی صراط مستقیم هدایت شده است (۱۰۱)
ای مسلمانان! از خداوند چنان پروا کنید که سزاوار پروا کردن است، و مبادا بمیرید مگر اینکه مُسلم باشید (۱۰۲) و همگی به ریسمان خداوند چنگ بزنید، و متفرق نشوید، و نعمت خدا را برخویش بیادآورید، آن هنگامی که دشمنان یکدیگر بودید، و خداوند بین شما الفت برقرار کرد، و به نعمت او برادران یکدیگر شدید، وبر لبه پرتگاهی از آتش بودید، و شما را از آن برگرفت. خداوند آیاتش را چنین برایتان بیان می کند شاید هدایت یابید (۱۰۳) و باید از میان شما عده ای باشند که بسوی امور خیر دعوت کنند، و به چیزهای پسندیده فرمان دهند، و از چیزهای ناپسند جلوگیری کنند، و آنها همان رستگارانند (۱۰۴) و مانند کسانی نباشید که متفرق شدند و اختلاف کردند، آنهم پس از اینکه آن دلیل های روشن بسویشان آمد، که عذابی بزرگ خواهند داشت (۱۰۵)

در روزی که چهره هائی سفید و چهره هائی سیاه است، به روسیاهان خطاب میشود آیا پس از ایمانتان کافر شدید؟ پس آن عذاب را بسبب آن کفری که مرتکب شدید بچشید (۱۰۶) و به روسفیدان نیز خطاب میشود داخل رحمت خدا شوید که در آن جاودانید (۱۰۷)

ای پیامبر! این آیات خداست که به حق بر تو میخوانیم، و خداوند هیچ ظلمی برای جهانیان نمیخواهد (۱۰۸) و آنچه در آسمانها و زمین است مال خداست و همه امور بسوی او برمیگردد (۱۰۹)

ای نخبه های اردوگاه ایمان! شما بهترین گروهی هستید که برای مردم پدید آورده شده، که به چیز های پسندیده فرمان میدهید و از چیزهای ناپسند جلوگیری می کنید، و به خدا ایمان دارید،

و اگر اهل کتاب هم ایمان می آوردند برایشان بهتر بود. بعضی از آنها مومن میباشند و اکثرشان گناهکارند (۱۱۰) جز اذیت و آزاری که به شما برسانند ضرر مهمی نمیتوانند به شما بزنند، واگرهم با شما بجنگند به جنگ پشت میکنند، و آنگاه یاری نمیشوند (۱۱۱) هر جا که یافت شوند بر آنها خواری مقرر شده، مگر اینکه به ریسمانی از خدا و ریسمانی از مردم چنگ زنند، و دچار خشمی از جانب خداوند گشته اند، و نیز برآنها تهی دستی رقم زده شده، زیرا که به آیات خداوند کفر میورزیدند و پیغمبران را به ناحق می کشتند، و این به آن جهت بود که عصیان ورزیده بودند و تجاوز میکردند (۱۱۲)

آنها مساوی نیستند. از میان اهل کتاب کسانی هم هستند که به حق قیام میکنند و آیات خدا را در لحظات شب ها میخوانند و سجده میکنند (۱۱۳) و به خداوند و روز آخرت ایمان دارند، و به کارهای پسندیده فرمان میدهند و از امور ناپسند جلوگیری می کنند، و در کارهای خیر از یکدیگر سبقت میجویند، و آنها از صالحانند (۱۱۴) و هر کار خیری که کنند حتما در نظر گرفته میشود و خداوند به حال متقیان داناست (۱۱۵)

البته اموال و اولاد کافران در مقابل خداوند کاری برایشان نمیسازد و اهل آن آتشند و در آن جاودانند (۱۱۶) مثال آنچه در این جهان خرج می کنند مانند بادی است دارای سوز سرما که به کِشت قومی که به خویش ظلم کرده اند میوزد و نابودش می کند، و خداوند ظلمی به آنها نکرده، ولیکن آنها به خویش ظلم می کنند (۱۱۷)

ای مسلمانان! از غیر خودتان دوست نزدیک مگیرید، که لحظه ای از شر رسانی به شما کوتاهی نمی کنند، و دوست دارند شما به زحمت بیفتید، و البته بغض و دشمنی از زبانشان آشکار است، ولی آنچه در دل پنهان میکنند بزرگتر است. البته آیات خویش را چنین برایتان بیان کردیم اگر در آن تعقل کنید (۱۱۸)
شما کسانی هستید که دوستشان میدارید در حالیکه آنها دوستتان نمیدارند و شما به همه کتاب های آسمانی ایمان دارید ولی آنها به کتاب آسمانی شما کفر می ورزند، و هنگامیکه شما را می بینند میگویند ایمان داریم و وقتیکه به خلوت میروند از شدت خشم نسبت به شما انگشت به دندان میگزند، بگو با خشم خویش بمیرید که خداوند به حقیقتِ دل ها داناست (۱۱۹)
اگر چیز خوبی به شما برسد ناراحت میشوند، و اگر چیز بدی به شما برخورد کند خوشحال میشوند، و اگر صبر کنید و تقوا در پیش گیرید حیله هایشان ضرری به شما نمیرساند، که خداوند به آنچه می کنند احاطه دارد (۱۲۰)

ای پیامبر! آن هنگام را به یاد آر که صبح از خانواده ات جدا شدی که محل جنگ را برای مسلمانان مشخص کنی و خداوند شنوای داناست (۱۲۱)
و آن هنگام که دو طائفه از منافقانِ شما تصمیم به سستی گرفتند، در حالیکه خداوند سرپرستشان بود، و مومنان باید به خداوند توکل کنند (۱۲۲)
و خداوند بود که در جنگ بدر یاریتان داد، در حالیکه شما ناتوانتر بودید.
پس، از خدا پروا کنید شاید شکر بگزارید (۱۲۳)
آن هنگام که به مسلمانان میگفتی آیا کافی نیست که پروردگارتان به سه هزار ملائکهء فرود آینده کمکتان کند؟ (۱۲۴)
بله. اگر صبر کنید و تقوا در پیش گیرید، و کافران از زورِ خشم شان شتابان به اینجا بیایند پروردگارتان با پنج هزار ملائکه نشاندار کمکتان می کند (۱۲۵)
و خداوند آن را جز مژده ای برایتان قرار نداد، و اینکه دلتان به آن مطمئن شود، و یاری جز از ناحیه خداوند نیست، که خداوند پیروزمند فرزانه است (۱۲۶)
تا اینکه قسمتی از کافران را هلاک کند، یا اینکه خوارشان کند، و نا امید شوند (۱۲۷)

ای پیامبر! تو درباره آن امر، که عاقبتِ کسانی باشد که نافرمانیت کردند، چیزی که در اختیار خودت باشد نداری. یا خداوند توبه شان را می پذیرد یا عذابشان میکند و البته آنها ظالمند (۱۲۸)
و هر چه در آسمانها و زمین است مال خداست، هر که را خواهد می آمرزد و هر که را خواهد عذاب میکند، و خداوند آمرزگار مهربان است (۱۲۹)

ای مسلمانان! ربا مخورید که چندین برابر شود. و از خدا پروا کنید شاید رستگار شوید (۱۳۰)
و از آن آتش که برای کافران تهیه شده بپرهیزید (۱۳۱)
و خدا و رسول را اطاعت کنید شاید مورد مهر قرار گیرید (۱۳۲)
و بسوی آمرزشی از جانب پروردگارتان، و بهشتی که عرض آن به پهنای آسمانها و زمین است، و برای تقواداران تهیه شده، بشتابید (۱۳۳)
همان کسانی که چه در حال توانگری و چه در حال تنگدستی انفاق می کنند و خشم خویش فرو میخورند، و مردم را می بخشند، و خداوند نیکوکاران را دوست می دارد (۱۳۴)
و نیز همان کسانی که وقتی کار زشتی کردند یا به خویش ظلم نمودند خدا را یاد می کنند و از گناهانشان آمرزش میخواهند، و چه کسی غیر از خداوند گناهان را می آمرزد، و بر آنچه کرده اند آگاهانه اصرار نمی ورزند (۱۳۵)
پاداش آنها آمرزشی از جانب پروردگارشان و بهشتهائی است که در کف آنها جوی ها روان است، که در آن جاودان باشند، و پاداش عمل کنندگان چه نیکوست (۱۳۶)

قبل از شما سنت هائی بوده که از میان رفته اند، پس در زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیبگران چه بود (۱۳۷) این بیانی برای مردم و هدایتی و موعظه ای برای تقواداران است (۱۳۸)

ای مسلمانان! در مواجهه با کفار سست نشوید واندوهگین نباشید و شما بالاترید اگر ایمان داشته باشید (۱۳۹)
اگر به شما آسیبی رسید، به آن قوم نیز آسیبی مانند آن رسید.
و ما این روزگار را بین مردم دست به دست میچرخانیم،
و تا اینکه خداوند ایمان داران را مشخص کند، و از شما گواهانی برگیرد،
و خداوند ظالمان را دوست ندارد (۱۴۰)
و نیز اینکه مومنان را پاک کند و کافران را نابود فرماید (۱۴۱)

آیا فکر کرده اید داخل بهشت خواهید شد در حالی که خداوند کسانی از شما را که جهاد کرده و صبر نموده اند مشخص ننموده باشد؟ (۱۴۲)
و همین شما بودید که قبل از اینکه با آنان برخورد کنید آرزوی شهادت میکردید.
پس چه شد که اینک که مرگ را دیده اید نگرانید (۱۴۳)

و محمد کسی نیست جز فرستاده ای که قبل از او نیز فرستادگانی بوده اند و گذشته اند. پس اگر او بمیرد یا کشته شود آیا شما بر پاشنه هایتان خواهید چرخید؟ و هر کس که بر پاشنه هایش بچرخد به خداوند ضرری نمیزند، و البته خداوند بزودی شکرگزاران را پاداش میدهد (۱۴۴)
و هیچکس را نمیرسد که مگر به اذن خدا بمیرد.
سرنوشتی است سررسیددار.
و هر کس که متاع دنیا خواهد از آن به او میدهیم،
و هر کس بهره آخرت خواهد از آن به او میدهیم،
و بزودی شکرگزاران را پاداش خواهیم داد (۱۴۵)

و چه بسا پیامبرانی بودند که خدا پرستان زیادی همراه آنها جنگیدند، و از آنچه در راه خدا به آنان رسید سست نشدند و تسلیم نگردیدند، و خداوند پایداران رادوست

میدارد (۱۴۶) و سخن آنها، جز این نبود که میگفتند پروردگارا گناهانمان و اسرافی را که در امر خویش کردیم ببخش، و قدمهایمان را ثابت کن، و ما را علیه کافران یاری فرما (۱۴۷) پس خداوند نیز بهرمندی دنیا و برخورداری نیکوی آخرت را نصیب آنها فرمود، که خداوند نیکوکاران را دوست میدارد (۱۴۸)

ای مسلمانان! اگر کافران را اطاعت کنید شما را بر پاشنه هایتان می چرخانند و زیانکار میشوید (۱۴۹) بلکه خداوند دوست دلسوز شماست و همو بهترین یاریگر است (۱۵۰) بزودی در دلهای کافران بواسطه شرکی که نسبت به خدا ورزیدند، و خداوند دلیلی برای آن نفرستاده است، ترس می اندازیم، و جایگاهشان آن آتش است، و جایگاه ظالمان چه بد است (۱۵۱)

و البته خداوند وعده اش را وفا کرد. آنهنگام که به فرمانش در جستجوی کافران بودید. تا اینکه سست شدید، و در آن امر کشمکش کردید، و پس از اینکه آنچه را دوست داشتید به شما نشان داد نافرمانی کردید. از شما کسانی بودند که فقط دنیا را میخواستند، آنگاه شما را از آنها منصرف کرد تا امتحانتان کند، و از شما در گذشت، و خداوند نسبت به مومنان صاحب بخشش است (۱۵۲)

آن هنگام را به یاد آورید که از صحنه جنگ به بالا می گریختید، و هیچ برنمی گشتید، و رسول خدا پشت سرتان بود و صدایتان میزد، پس از آن که بخود آمدید، نگرانیی روی غمی بر شما فرود آمد، تا اهمیت واقعه را دریابید و خودتان را فراموش کنید و بر آنچه از غنائم که از دستتان رفت، و شکست که برسرتان آمد، اهمیتی مدهید، و خداوند به آنچه می کنید آگاه است (۱۵۳) آنگاه، پس از آن غم، چُرت آرامش بخشی بر شما فرستاد، که طائفه ای از شما را فرا گرفت. و طائفه ای دیگر که بفکر جان خود بودند و راجع به خدا گمانهای نا حق نموده بودند، که همان گمان های جاهلیت بود، میگفتند آیا چیزی از آن امر بدست ما هست؟ بگو آن امر همه اش بدست خداست. چیز هائی را در خویش پنهان می کنند که برای تو بروز نمیدهند، و میگویند اگر چیزی از آن

امر بدست ما بود در اینجا کشته نمیشدیم. بگو اگر در خانه هایتان هم بودید آنهائی که برایشان قتل مقدر شده بود در خوابگاههایشان نیز برایشان پیش می آمد و خداوند به حقیقت دل ها آگاه است (۱۵۴)

روزی که آن دو گروه با هم برخورد نمودند، کسانی که به جنگ پشت کردند، جز این نیست که شیطان بسبب بعضی چیزها که کسب نموده بودند آنها را لغزاند، و البته خداوند بخشیدشان، که خداوند آمرزشگر حلیم است (۱۵۵)

ای مسلمانان! مانند کسانی نباشید که کافر شدند و درباره برادرانشان که زمین را به مسافرت در نوردیده، و یا به جنگ رفته بودند، میگفتند اگر نزد ما مانده بودند نمیمردند و کشته نمیشدند. تا خداوند آنرا حسرتی در دلهاشان قرا دهد، در حالیکه خداوند است که زنده میکند و میمیراند و خداوند به آنچه می کنید بیناست (۱۵۶) و اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید، البته آمرزشی و رحمتی از جانب خدا از آنچه جمع می کنید بهتر است (۱۵۷) و اگر مردید یا کشته شدید البته بسوی خداوند محشور خواهید شد (۱۵۸)

ای پیامبر! به سبب مهربانیی از جانب خداوند به آنان نرم گشته ای، و اگر تند خوی سخت دلی بودی حتما از دور و برت پراکنده میشدند. پس بر آنان ببخش، و برایشان استغفار کن، و درباره کارها با آنان مشورت کن. و هنگامی که تصمیم گرفتی بر خداوند توکل کن که خداوند متوکلان را دوست میدارد (۱۵۹)

اگر خدا یاریتان کند کسی بر شما پیروز نخواهد شد و اگر شما را بحال خود رها کند، غیر از او چه کسی است که یاریتان کند؟ و مومنان باید به خدا توکل کنند (۱۶۰)

و هیچ پیامبری را نمیرسد که نیرنگ زند. و کسی که نیرنگ زند در روز قیامت با آن نیرنگش همراه خواهد بود. سپس هر کس آنچه را که کسب کرده بطور کامل دریافت

خواهد کرد و هیچ ظلمی نمیشوند (۱۶۱)

آیا کسی که از چیزهای مورد پسند خدا پیروی کرد مانند کسی است که چیزی آورده که موجب خشم خداست و جایگاهش جهنم است؟ و چه بد سرانجامی است (۱۶۲)
آنها نزد خدا درجاتی دارند و خداوند به آنچه میکنید بیناست (۱۶۳)

البته خداوند بر مسلمانان منت گذاشت که در بین آنها رسولی از خودشان برانگیخت، که بر آنان آیاتش را تلاوت میکند، و رشدشان میدهد، و کتاب و حکمت می آموزدشان، و گرچه قبلا در گمراهیی آشکار بودند (۱۶۴)

آیا وقتیکه مصیبتی به شما اصابت کرد که دو برابر آن را به آنان رساندید باز هم میگوئید این از کجاست؟ بگو از جانب خودتان است که البته خداوند بر هر چیزی تواناست (۱۶۵)
و آنچه که در روز برخورد دو گروه به شما رسید به فرمان خدا بود، تا مومنان را مشخص کند (۱۶۶)
و منافقان را نیز مشخص کند.
همان کسانی که وقتی به آنان گفته شد بیائید در راه خدا جنگ یا دفاع کنید، جواب دادند اگر میدانستیم جنگی در راه است حتما از شما پیروی میکردیم.
آنها در آن موقع به کفر نزدیک تر بودند تا به ایمان. با دهانهایشان چیزی می گفتند که در دلهاشان نبود، و خداوند به آنچه پوشیده میداشتند داناتر است (۱۶۷)
همانها که به برادرانشان و کسانی که برجای خویش نشستند میگفتند اگر شهیدان اطاعتمان کرده بودند کشته نمیشدند. بگو پس مرگ را از خود دور کنید اگر راست میگوئید (۱۶۸) و مبادا کسانی را که در راه خدا کشته شده اند مرده بپندارید، بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی دارند (۱۶۹)
و به آنچه خداوند از فضلش به آنها داده شادمانند، و به آنانی که پشت سرشان هستند و هنوز به آنان نرسیده اند مژده میدهند، که نترسیدو اندوهگین هم مباشید (۱۷۰)

به نعمتی از جانب خداوند و فضلی مژده میدهند، و اینکه خداوند پاداش مومنان را ضایع نخواهد گزارد (۱۷۱)

کسانی که خداوند و رسولش را حتی پس از اینکه آن آسیب به آنان رسید اجابت کردند، برای نیکوکاران و تقوادارانِ آنها پاداشی بزرگ خواهد بود (۱۷۲) همان کسانی که وقتی مردم به آنان می گفتند که آنها برای جنگ با شما اجتماع کرده اند لذا از آنان بترسید، بجای ترسیدن ایمانشان زیاد میشد و میگفتند خدا ما را بس است و خوب وکیلی است (۱۷۳) پس بسوی نعمتی از جانب خدا چرخیدند، و فضلی که بدیی به آن نمیرسد، و از راه های رضایت خدا پیروی کردند، وخداوند صاحبِ فضلی بزرگ است (۱۷۴)

جز این نیست که شیطان است که دوستانش را میترساند، پس، از آنان نترسید، و مرا بترسید اگر مومن میباشید (۱۷۵)
و آنانکه در راه کفر با سرعت راه می سپارند اندوهگینتان نکند،
آنها به خداوند ضرری نمی رسانند،
خداوند میخواهد که بهره ای از آخرت برایشان قرار ندهد و عذابی عظیم داشته باشند (۱۷۶)
البته کسانی که کفر را به قیمت ایمان خریدند به خداوند ضرری نمی زنند و عذابی دردناک خواهند داشت (۱۷۷)
و کافران مپندارند که مهلتی که به آنها داده ایم بنفعشان است. جز این نیست که مهلت میدهیم تا گناه زیاد کنند و عذابی خوار کننده خواهند داشت (۱۷۸)
و اینطور نیست که خداوند مسلمانان را در این حالی که بر آن هستید رها کند، مگر اینکه خراب را از پسندیده جدا کند، و اینطور نیست که خداوند شما را بر غیب آگاه کند، ولیکن اینطور است که خداوند از میان فرستادگانش کسانی را که بخواهد برمی گزیند. پس به خدا و رسولانش ایمان بیاورید و اگر ایمان آوردید و تقوا پیشه نمودید آنگاه اجری بزرگ خواهید داشت (۱۷۹)

و مبادا آنانکه خداوند از فضل خویش به آنان داد، و بخل میورزند، اینطور خیال کنند که این بخل بنفعشان است، بلکه به ضررشان است. زیرا آنچه که در آن بخل ورزیده اند در روز قیامت طوق گردنشان خواهد شد،
و میراث آسمانها و زمین مال خداست و او به آنچه میکنید آگاه است (۱۸۰)
البته خداوند قول آنها را شنید که گفتند خداوند فقیر است و ما غنی هستیم.
بزودی آنچه را که گفته اند می نویسیم،
و نیز اینکه پیامبران را به ناحق می کشتند، و خواهیم گفت عذاب آن آتش را بچشید (۱۸۱)
این بخاطر آن چیز هائی است که قبلا انجام دادید و البته خداوند نسبت به بندگانش ظالم نیست (۱۸۲)
همانهائی که گفتند خداوند با ما عهد کرده که به هیچ پیغمبری ایمان نیاوریم مگر اینکه برای ما یک قربانیی بیاورد که آتش آن را بخورد، بگو رسولانی قبل از من با نشانه های روشن و نیز آنچه که میگوئید بسویتان آمدند، پس چرا آنها را کشتید اگر راست میگوئید (۱۸۳)
پس اگر تکذیبت کردند، ناراحت مباش، زیرا قبل از تو نیز فرستادگانی که با نشانه های روشن و نیز کتاب ها و آن کتاب نورافشان آمده بودند، تکذیب شدند (۱۸۴)

هر کسی چشندهء مرگ است، و جز این نیست که پاداشهایتان در روز قیامت بطور کامل به شما داده خواهد شد. پس اگر کسی از آن آتش دور شد و داخل بهشت گردید برنده است. و زندگی دنیا جز برخورداریی فریبنده نیست (۱۸۵)

البته در اموالتان و جانهایتان امتحان هائی خواهید شد، و از کسانی که قبل از شما به آنان کتاب داده شده، و نیز از مشرکان، آزارهای زیادی خواهید دید و اگر صبر کنید و تقوا پیشه نمائید، آن صبر و تقوا از جمله نشانه های محکم کردن کارهاست (۱۸۶)

و هنگامیکه خداوند از اهل کتاب پیمان گرفت که حتما باید مطالب آن کتاب را برای

مردم بیان کنید و نباید کتمانش کنید، اما آنها آن پیمان را پشت سرشان انداختند وآن را به قیمت ناچیزی فروختند، و چه معامله بدی کردند (۱۸۷) ای پیامبر! مبادا فکر کنی آنهائی که به آنچه بدست آوردند شادند و دوست دارند بخاطر کاری که نکرده اند ستایش شوند، از عذاب رهائیی خواهند داشت، نه! بلکه عذابی دردناک خواهند داشت (۱۸۸)

و فرمانروائی آسمانها و زمین مال خداست و همو بر چیزی تواناست (۱۸۹) البته در آفرینش آسمانها و زمین و گردش شب وروز برای خردمندان نشانه هائی است (۱۹۰) همان کسانی که خداوند را ایستاده و نشسته و بر پهلوها یاد کرده و در آفرینش آسمانها و زمین تفکر می کنند و میگویند پروردگارا اینها را به باطل نیافریده ای، پس ما را از عذاب آن آتش حفظ کن (۱۹۱) پروردگارا هر کس را که داخل آن آتش کنی خوارش نموده ای و ظالمان هیچ یاوری ندارند (۱۹۲) پروردگارا گوش به منادیی سپردیم که ما را به ایمان میخواند، که به پروردگارتان ایمان آورید، و ما ایمان آورده ایم، پس گناهانمان را بیامرز و بدی هایمان را بپوشان و ما را با نیکان دریافت کن (۱۹۳) پروردگارا و بما آنچه که به رسولانت وعده داده ای بده، و روز قیامت خوارمان مکن، که تو البته وعده ات را خلاف نخواهی کرد (۱۹۴) پس پروردگارشان دعای آن خردمندان را شنید و اجابتشان کرد که البته عمل عاملی از شما را، چه زن و چه مرد، که به سبب ایمان از از جنس یکدیگرید، ضایع نخواهم کرد. و کسانیکه که هجرت کردند و از شهرهاشان اخراج شدند، و در راهم آزار شدند، و جنگ کردند و کشته شدند، حتما بدی هایشان را خواهم پوشاند و حتما به بهشت هائی وارد شان خواهم نمود که نهرها درآن جاری است که برخورداریی از جانب خداوند است و البته برخورداری خوب نزد خداست (۱۹۵)

ای پیامبر! جنب و جوش کفار در شهرها گولت نزند (۱۹۶) برخورداریی اندک است، سپس جایگاهشان جهنم است و بد آرامگاهی است (۱۹۷) لیکن اهل تقوا نزد پروردگارشان بهشتهائی دارند که در کف آنها نهرها جاری است که در آن جاودانند، و

این پیشکشیی است از جانب پروردگارشان، و چیزی که نزد خداست برای خوبان بهتر است (۱۹۸)

و البته از اهل کتاب هم کسانی هستند که به خدا، و نیز به آنچه که بر شما نازل شده، و آنچه بر خودشان نازل شده، ایمان دارند، و برای خدا متواضعند، و آیات خدا را به قیمتی ناچیز نمی فروشند. پاداش آنها نیز نزد پروردگارشان محفوظ بوده و خداوند تند حساب است (۱۹۹)

ای مسلمانان! صبر کنید و دیگران را نیز به صبر سفارش کنید، و دلها را به یکدیگر وصل کنید، و تقوا داشته باشید، شاید رستگار شوید (۲۰۰)

مرحله دهم

تثبیت موقعیت
اسلام و مسلمین
و
ادامه
تعالی روز افزون

سوره تغابن

بسم الله الرحمن الرحیم

هر آنچه در آسمانها و زمین است خداوند را به پاکی می ستاید.
همو که فرمانروائی از آن او و ستایش مخصوص اوست، که بر هر کاری تواناست (۱) اوست کسی که شما را آفریده، آنگاه بعضی از شما کافر و بعضی مومن هستید، و خداوند بر آنچه میکنید بینا است (۲)
آسمان ها و زمین را مطابق حق آفریده، و شما را صورتگری کرده و صورتهایتان را زیبا نموده، و سرانجام همه تان بسوی اوست (۳)
علم آنچه را که در آسمانها و زمین است دارد، و آنچه را که پنهان میدارید یا آشکار می کنید میداند، و به آنچه در دل هایتان هست داناست (۴)

آیا داستان کافرانی که قبلا می زیسته اند به شما نرسیده؟
که چگونه فرجامِ بدِ کارهایشان را چشیدند و در آخرت نیز عذابی دردناک خواهند داشت؟ (۵)
علت آن نیز این بود که فرستادگان خداوندشان با دلایل و نشانه های روشن بسویشان آمدند، اما آنها گفتند آیا یک بشر هدایتمان کند؟
و کفر ورزیدند و به حق پشت کردند و از خداوند نیز بی نیازی جستند،
و خداوند بی نیاز ستوده است،
و به عبادت آنها نیازی نداشت (۶)
این کافران نیز چنین می پندارند که هرگز برانگیخته نخواهند شد،
بگو بلی و قسم به پروردگارم که حتما برانگیخته خواهید شد، سپس از حقیقتِ آنچه انجام میداده اید آگاهتان خواهند کرد،
و این برای خداوند آسان است (۷)

پس، ای مردم! به خدا و رسولش و نوری که با او فرستاده ایم ایمان بیاورید،
و بدانید که خداوند به آنچه میکنید آگاه است (۸)
هنگامی که در روزِ گردآوری جمعتان کند، آن روز روزِ افسوس خوردن است.
و کسانی که به خداوند ایمان بیاورند و عمل شایسته کنند او نیز زشتی هایشان را می پوشاند،
و آنها را به بهشتهائی که نهرها از کف آن جاری است وارد می نماید،
که در آن برای همیشه جاودان خواهند بود،
و این پیروزیی بزرگ است (۹)
و کسانی که کفر ورزیده و آیات ما را تکذیب کرده اند اهل آتشند که در آن جاودان خواهند بود،
که بد سرانجامی است (۱۰)

ای مردم! بدانید که هیچ مصیبتی جز به اذن خدا به کسی نمی رسد،
و کسی که به خداوند ایمان بیاورد او نیز دلش را هدایت می کند، زیرا که خداوند به هر چیزی داناست (۱۱)

ای مردم! اطاعت خدا و اطاعت پیامبر کنید،
و اگر به این توصیه پشت کردید، بدانید که که رسولمان فقط موظف به رساندنِ آشکار پیامِ ما است (۱۲)
خداوند که خدائی جز او نیست، شایسته است که مومنان بر او توکل کنند (۱۳)

ای مسلمانان! البته بعضی از همسرانتان و اولادتان، در حقیقت، دشمنان شما هستند، پس، از آنها احتیاط کنید،
و اگر از رفتارهایشان درگذرید و ببخشیدشان، خداوند نیز بخششگری مهربان است (۱۴)
جز این نیست که اموالتان و اولادتان مایه آزمایش شما هستند،

درحالیکه نزد خداوند پاداشی بزرگ هست (۱۵)
پس تا میتوانید تقوا پیشه کنید،
و به سخن حق گوش فرادارید،
و اطاعتش کنید، و مالی برای آخرتِ خودتان خرج کنید،
و کسی که موفق شود خود را از بخل خویش حفظ کند رستگار است (۱۶)
اگر به خداوند قرضی نیکو دهید برایتان چند برابرش می کند،
و می بخشدتان، و خداوند سپاسگزاری با وقار است (۱۷)
همو دانای نهان و آشکار و پیروزمند فرزانه است (۱۸)

سوره حدید

بسم الله الرحمن الرحیم

آنچه در آسمانها و زمین است خداوند را به پاکی می ستاید و همو پیروزمند فرزانه است (۱)
فرمانروائی آسمانها و زمین از آن اوست،
زنده می کند و میمیراند،
و همو بر هر چیزی تواناست (۲)
همو اول و آخر و ظاهر و باطن است و به هر چیزی داناست (۳)
اوست که آسمانها و زمین را در شش مرحله آفرید،
و آنگاه به عرش مستولی شد، میداند چه به زمین فرو می رود،
و چه از آن خارج میشود،
و چه از آسمان نازل میشود،
و چه بطرف آن بالا میرود،
و هر جا که باشید با شماست،
و خداوند به آنچه می کنید بیناست (۴)
فرمانروائی آسمانها و زمین از آن اوست،

و همه امور بسوی او باز میگردد (۵)
شب را در روز داخل می کند و روز را در شب فرو میبرد،
و همو به آنچه در دلها میگذرد داناست (۶)

ای مردم! به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از اموالی که خداوند شما را در آن جانشین کرده انفاق کنید،
که پاداش کسانی که ایمان آورده و انفاق کنند بزرگ است (۷)
و چه تان شده که به خدا ایمان نمی آورید، در حالی که پیامبرش به ایمان دعوتتان میکند،
و البته خداوند از شما پیمانِ ایمان نیز گرفته،
البته اگر این را باور داشته باشید (۸)
خداوند کسی است کسی که بر بنده اش آیاتی روشن میفرستد تا شما را از تاریکی ها بسوی نور بیاورد،
و خداوند نسبت به شما دلسوز مهربان است (۹)
و چه تان شده که در راه خدا انفاق نمی کنید در حالیکه میراث آسمانها و زمین از آن خداست؟
کسی که قبل از پیروزی انفاق و کارزار میکند با کسی که بعدا همین کار را میکند مساوی نیست و مرتبه اش بالاتر است.
و البته خداوند به هر دو وعده نیکو داده،
و خداوند به اعمال شما آگاه است (۱۰)
کیست که به خداوند قرضی نیکو دهد تا او هم آنرا برایش دو چندان کند و پاداش ارجمند نیز داشته باشد؟ (۱۱)

هنگامی که مردان و زنان مومن را در قیامت ببینید که نورشان در مقابلشان و به اطرافشان می شتابد،
و به آنان خطاب شود که مژده تان باد که بهشتهائی در انتظارتان است که نهرها در

کف آنها جاری است و در آن جاودانید،
و پیروزی بزرگ نیز همین است (۱۲)

در آن روز مردان و زنان منافق به مومنان میگویند توجهی بما کنید تا از نورتان بهره ای گیریم،
و به آنان گفته میشود به قبلِ خود برگردید و از آنجا نوری برگیرید.
آنگاه بین آنها دیواری زده میشود که دری دارد که داخل آن رحمت و بیرونش عذاب است (۱۳)
منافقان مومنان را ندا میدهند که: مگر ما با شما نبودیم؟
میگویند: چرا، ولیکن شما خود را فریفتید، و برای مومنان انتظار گرفتاری ها را کشیدید، و شک کردید، و آرزوها فریبتان داد، تا آنانکه فرمان خدا رسید و شیطان شما را درباره خداوند فریفت (۱۴)
لذا امروز دیگر نه از شما و نه از کافران فدیه ای قبول نمیشود،
جایگاهتان آتش است،
همان هم یارتان است، که بد سرانجامی است (۱۵)

ای مردم! آیا هنوز وقت آن نشده که دلهایتان برای خداوند و آنچه که از حق فرستاده نرم شود، و مانند کسانی که قبلا کتابشان داده شده بود نباشید، که در اثر مهلتی که یافتند دلسخت شدند و اکثرشان گناه پیشه بودند؟ (۱۶)

بدانید که خداوند زمین را پس از مرگش زنده میکند.
البته این آیات را برای شما بیان می کنیم شاید تعقل کنید (۱۷)
برای مردان و زنان تصدق دهنده و کسانی که به خداوند قرض الحسنه میدهند پاداشِ دو چندان خواهد بود و نیز پاداشی خاص و گرامی خواهند داشت (۱۸)
کسانی که به خدا و فرستادگانش ایمان آورده باشند همان راستگویانند،
و نزد پروردگارشان حاضر و گواهند،

پاداششان و نورشان را خواهند داشت،
وکافران و تکذیبگران آیات ما یاران آتش خواهند بود (۱۹)

بدانید که زندگی دنیا بازی، و سرگرمی، و زیور، و تفاخر بین خودتان درباره اموال و اولاد است.
و مَثَل آن مانند باران تندی است که رویاندن آن کشاورزان را به تحسین وا دارد، آنگاه آن روئیدنی ها به زردی گرائیده و خشک شوند.
و در آخرت از طرفی عذابی شدید و از طرفی آمرزشی از جانب خداوند و رضایت او هست.
و زندگی دنیا چیزی جز متاعی مایه فریب نیست (۲۰)

لذا بسوی آمرزشی از جانب پروردگارتان مسابقه دهید
و بهشتی که پهنای آن مانند پهنای آسمانها و زمین است که برای کسانی آماده شده که به خدا و رسولانش ایمان آورده باشند.
این لطفی است از جانب خدا که بهر کس که شایسته اش باشد میدهد و خداوند صاحب آن لطف بزرگ است (۲۱)

هیچ مصیبتی، چه در زمین و چه در خودهاتان ، رخ نمیدهد مگر آنکه قبل از رخدادن، در کتابی ثبت شده.
البته این امر برای خداوند آسان است (۲۲)
تا با دانستن این حقیقت، مبادا که بر آنچه از دستتان رفته تاسف خورید، وبه آنچه بدستتان آمد شادمانی کنید،
که خداوند هیچ خود پسند خودستائی را دوست ندارد (۲۳)
همان کسانی که خودشان بخیلی میکنند و مردم را نیز به بخیلی سفارش می‌کنند،
و هر کس که روی بگرداند البته خداوند بی نیاز پسندیده است (۲۴)

ای مردم! رسولانمان را با دلایل روشن فرستادیم،
و نیز کتابِ حاویِ حقایق فرا زمانی-فرامکانی، و نیز احکامِ مربوط به زمان و مکانِ هر پیامبر را،
همراهِ هرکدامشان نازل نمودیم،
تا مردم برای برقراری عدالت به پا خیزند.
و علمِ استفاده از آهن را نیز، که سختیی شدید و منافعی برای مردم دارد، فروفرستادیم، تا خداوند، در نهان مشخص کند که چه کسانی او و فرستادگانش را یاری می کنند، که خداوند البته قویِ پیروزمند است (۲۵)

و محققا نوح و ابراهیم را به رسالت فرستادیم و در فرزندان آنها پیامبری و کتاب قرار دادیم، آنگاه عده ای از آنها هدایت یافته و بسیاری از آنها گناه پیشه شدند (۲۶) سپس پیامبران خود را در پی آنان آوردیم، و عیسی پسر مریم را پس از آنها فرستادیم، و انجیل را به او دادیم، و در دلهای پیروانش رافت و مهربانی قرار دادیم، و نیز رهبانیتی که اختراع کردند، که آن را برایشان مقرر نکرده بودیم، جز آنکه رضایت خداوند را جستجو کنند، که آنطور که باید و شاید رعایتش نکردند، در هر حال مومنانِ آنها را پاداش دادیم و بسیاری از آنها نیز گناه پیشه هستند (۲۷)

ای مسلمانان ! از خدا پروا کنید و به رسولش ایمان بیاورید تا دو نصیب از رحمتش را به شما بدهد،
و برایتان نوری قرار دهد که بوسیله آن راه خویش را بشناسید، و شما را ببخشد، و خداوند آمرزنده مهربان است (۲۸)
تا اهل کتاب بدانند که تسلطی بر چیزی از فضل خداوند ندارند،
و اینکه آن فضل فقط بدست خداست،
که بهر کس که لایق بداند میدهد،
و خداوند صاحب آن فضل بزرگ است (۲۹)

سوره احزاب

بسم الله الرحمن الرحیم

ای پیامبر ! از خداوند پروا کن، و اطاعت کافران و منافقان مکن، که خداوند دانای حکیم است (۱)

و آنچه را که از جانب پروردگارت بسویت وحی شده پیروی کن که خداوند به آنچه میکنید آگاه است (۲)

و بر خداوند توکل کن و همو بعنوان کارساز بس است (۳)

ای مردم! خداوند دو قلب در سینه هاتان قرار نداده،

و همچنین زنانی که آنها را «ظِهار» می کنید (و میگوئید نزدیکی با تو بر من مانند مادرم حرام است) مادرانتان قرار نداده،

و همچنین فرزند خواندگان شما را فرزندان شما قرار نداده است.

اینها سخنان شماست که به دهان هایتان می آید ولی خداوند سخن حق میگوید و به سوی راه عادلانه هدایت می کند (۴)

فرزندخوانده هایتان را بنام پدرانشان بخوانید، این کار نزد خداوند عادلانه تر است،

و اگر پدرانشان را نمی شناسید برادران دینی شما و دوستانتان هستند،

اگر در این امر اشتباهی کنید گناهی ندارد ولیکن آنچه را عمدا انجام میدهید گناه دارد،

و خداوند آمرزشگر مهربان است (۵)

پیامبر نسبت به مومنان از خودهاشان سزاوارتر است، و زنانش مادران آنها هستند، و در کتاب خدا از لحاظ اولویت، خویشاوندان نسبت به یکدیگر نسبت به مومنان و مهاجران به ارث سزاوارترند،

مگر اینکه بخواهید راجع به دوستانتان کار خیری انجام داده باشید که البته این خیرات است نه ارث،

این امر در آن کتاب که نزد خداست مضبوط است (۶)

ای پیامبر! هنگامی را بیاد آر که از پیامبران و از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم تعهدی سخت گرفتیم (۷) تا خداوند صدق راستگویان را ارزیابی کند و برای کافران نیز عذابی سخت تهیه نموده است (۸)

ای مسلمانان ! نعمت خداوند را بر خویش بیاد آورید. آن هنگام که لشکریانی بسویتان آمدند و ما بسوی آنها بادی و لشکریانی که نمیدیدید فرستادیم و خداوند به آنچه می کنید بیناست (۹) هنگامی که لشکر دشمن از بالا دستتان و پائین دستتان بسویتان آمدند و چشمهای عده ای از ترس خیره شد و دل ها از ترس به گلوگاه ها رسید و درباره خداوند به گمانهائی ناصحیح پرداختید (۱۰) اینجا بود که مسلمانان امتحان شدند و به لرزه ای سخت افتادند (۱۱) و هنگامی که منافقان، و نیز آنهائی که در قلبهاشان مرضی هست، میگفتند خداوند و رسولش وعده ای جز فریب به ما ندادند (۱۲) و نیز عده ای از آنها گفتند: ای اهل یثرب! دیگر جای ماندن نیست، برگردید، وعده ای از آنان از پیامبر اجازه برگشتن میخواستند و میگفتند خانه های ما بی حفاظ است، با آنکه بی حفاظ نبود، و جز فرار منظور دیگری نداشتند (۱۳) و اگر از هر طرف وارد آن خانه ها شده و از آنان درخواست می شد که در فتنه ای داخل شوند حتما بسوی آن می شتافتند و جز اندکی درنگ نمی کردند (۱۴) در حالیکه قبلا با خداوند پیمان نموده بودند که به جنگ پشت نکنند و البته از چگونگی عهد با خدا بازخواست خواهند شد (۱۵) ای پیامبر! بگو فرار از لحاظ مرگ یا قتل هرگز بنفع شما نخواهد بود و در آنصورت جز تا مدتی بسیار کم زندگی نخواهید کرد (۱۶) بگو چه کسی شما را در مقابل امر خداوند مانع خواهد شد؟ اگر بخواهد به شما بدیی یا رحمتی برساند؟ و آنها البته غیر از خداوند سرپرست و یاوری ندارند (۱۷) خداوند آنهائی را که پیوستن به جنگ را به تعویق می اندازند می شناسد، که به برادرانشان میگویند بسوی ما بیائید، و جز اندکی به جنگ نمی آیند (۱۸) آنها نسبت به شما بسیار بخیلند.

هنگامی که مورد ترس پیش بیاید، می بینی چنان به تو مینگرند، و چشمشان چنان میچرخد که گوئی مرگ آنها را درربوده، اما پس از اینکه مورد ترس برطرف شد فورا با زبانهائی تیز در حالیکه نسبت به مال بخیل هستند به ملاقاتتان می آیند. آنها ایمان نیاورده اند، و خداوند اعمالشان را از بین میبرد، و این کار برای خدا آسان است (۱۹) می پندارند آن گروه ها هنوز نرفته اند، و اگر برگردند دوست دارند کاش در بیابان ها و میان چادرنشینان بودند و خبرهای شما را از این و آن می پرسیدند، و اگر هم در بین شما بودند، جز اندکی مبارزه نمیکردند (۲۰)

البته برای شما در رسول خدا الگوئی بسیار نیکوست.
برای آنانکه امید به خدا و روز آخرت دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند (۲۱)
و هنگامی که مومنانِ واقعی، آن گروه های مهاجم را دیدند گفتند این وعده ای است که خدا و رسولش بما داده بودند و خدا و رسولش راست گفتند و این امر جز به ایمان و تسلیمشان نیفزود (۲۲)
از مومنان مردانی هستند که عهد خویش را با خداوند وفا کردند، و از آنها کسانی هستند که در گذشته اند،
و بعضی شان هم منتظرند،
و چیزی از ایمانشان را تغییر ندادند (۲۳)
تا خداوند راستان را به راستی شان پاداش دهد،
و منافقان را اگر خواهد عذاب کند یا توبه شان را بپذیرد،
که خداوند آمرزشگر مهربان است (۲۴)

و خداوند کافران را علیرغم خشم شان بدون آن که به دستاویزی هم رسیده باشند برگرداند، و مومنان را از جنگ کفایت فرمود، و خداوند قویِ دست نیافتنی است (۲۵) و آن دسته از اهل کتاب را که کافران را پشتیبانی کرده بودند، از قلعه هایشان پائین کشید، و در دلهایشان ترس انداخت، که عده ای را کشتید وعده ای را نیز به اسارت گرفتید (۲۶) و زمینشان و شهرهایشان و اموالشان و زمینی را که

برآن نتاختید، به شما داد، و خداوند برهر چیزی تواناست (۲۷)

ای پیامبر! به زنانت بگو اگر زندگی دنیا و زینتش را میخواهید بیائید چیزی به شما بدهم و به خوبی رهایتان کنم (۲۸) اما اگر خدا و رسولش و خانه آخرت را میخواهید خداوند برای نیکوکارانتان پاداشی عظیم آماده کرده است (۲۹) ای زنان پیامبر! هر یک از شما که به زشتکاریِ آشکار دست زند عذابش دو چندان خواهد بود و این برای خداوند آسان است (۳۰) و هر یک از شما که برای خدا و رسولش تواضع نماید و عمل صالح کند، پاداشش دو چندان خواهد بود و برایش روزیی گرامی تهیه دیده ایم (۳۱) ای زنان پیامبر! اگر شما تقوا پیشه کنید مانند هیچ زن دیگری نیستید، پس هنگام سخن به فروتنی نگرائید، مبادا آنکس که در دل او بیماریی هست به طمع بیفتد، و سخنِ شایسته گوئید (۳۲) و در خانه خویش بمانید، و مانند زمان جاهلیتِ نخست خودنمائی نکنید، و نماز بپادارید و زکات دهید و اطاعت خدا و رسولش کنید. جز این نیست که خداوند چنین می پسندد که پلیدی ها را از اهل بیت پیامبر بزداید و آنان را بخوبی پاکیزه کند (۳۳) و از آنچه در خانه های شما از آیات خدا و حکمت تلاوت میشود یاد کنید که خداوند آگاه و دقیق است (۳۴) البته خداوند برای زن و مرد مسلمان، و مومن ، و متواضع، و راستگو، و صابر، و فروتن، و دهنده صدقه، وروزه دار، و از لحاظ جنسی عفیف، و بسیار یاد کننده خدا، مغفرت و پاداش عظیم تهیه دیده است (۳۵)

مردان و زنان مومن را نرسد که وقتی خدا و رسولش به امری حکم نمودند خود را صاحب اختیار حساب کنند،
و هر کس که نسبت به خدا و رسولش نافرمانی کند البته به گمراهیی آشکار افتاده است (۳۶)

ای پیامبر! آن هنگام که به آنکسی که خداوند نعمتش داده بود، و تو نیز نعمتش داده بودی، میگفتی زنت را نگهدار و از خدا پروا کن، و چیزی را در نزد خود پنهان میداشتی که خداوند آشکار کننده اش بود، و از مردم احتراز میکردی در حالیکه خداوند سزاوارتر به آن بود، و هنگامی که زید کامش را از او برگرفت و طلاقش داد، او را به همسری تو در آوردیم تا برای مسلمانان درباره ازدواج با همسران پسرخوانده هایشان پس از کام گیری آنها از آنان اشکالی نباشد. و سرانجام، امر خدا شدنی است (۳۷) برای پیامبر درباره چیزی که خداوند براو واجب نموده اشکالی نیست. این سنت الهی است که درباره گذشتگان نیز جاری است و امر خداوند اندازه دار و سنجیده است (۳۸) کسانی که رسالت های خداوند را تبلیغ می کنند، و از خدا میترسند و از غیر او نمیترسند خداوند پناهگاهشان است و خداوند برای حسابرسی کافی است (۳۹)

محمد پدر هیچکدام از مردان شما نیست، ولیکن رسول خدا و آخرین پیامبر است، و خداوند به هر چیزی داناست (۴۰)

ای مسلمانان! بسیار زیاد یاد خدا کنید (۴۱)
و صبحگاهان و غروب ها تسبیحش نمایید (۴۲)
هم او و هم ملائکه اش بر شما درود میفرستند تا شما را از ظلمات بسوی نور در آورند و او به مومنان مهربان است (۴۳)
درودشان در روزی که ملاقاتش کنند «سلام» است و برایشان پاداشی گرامی تهیه نموده است (۴۴)

ای پیامبر! ما تو را بعنوان شاهد و مژده دهنده و هشدار دهنده (۴۵) و همچنین، دعوت کننده ای بسوی خدا و به فرمانش، و چراغی روشنگر، فرستاده ایم (۴۶) و مومنان را مژده ده که از جانب خدا فضلی بزرگ خواهند داشت (۴۷) و کافران و

منافقان را اطاعت مکن، و آزار و اذیت آنها را بما واگذار، و بر خدا توکل کن و خداوند بعنوان نگهبان بس است (۴۸)

ای مسلمانان ! اگر با زنان مسلمان ازدواج کردید و آنگاه قبل از اینکه مقاربت کنید طلاق دادید لازم نیست عّده نگهدارید، پس برخوردارشان کنید، و به خوشی رهایشان نمائید (۴۹)

ای پیامبر! همسرانت را که طبق رسوم قبل از اسلام با آنان وصلت کرده ای بر تو حلال کرده ایم، همچنین همسران امتت را برآنان. چه آنها که حقشان را داده ای، و چه آنها که خداوند تو را از طریق غنیمت مالکشان نموده، و نیز ازدواج با دختر عموها و دختر عمه ها و دختر دائی ها و دختر خاله هائی که با تو مهاجرت کرده اند، که در رسوم جاهلیت ازدواج با آنها حرام شمرده میشد، اینک بر تو و پیروانت حلال است و نیز زن مومنی که مَهر خویش را به پیامبر ببخشد، و پیامبر هم بخواهد با او ازدواج کند، که این مورد نیز بر تو حلال است، ولی فقط مخصوص تو است، ما میدانیم چه حکمی راجع به زنان مسلمانان و کنیزان آنها صادر کرده ایم، تا در این خصوص اشکالی بر تو نباشد و خداوند آمرزگار مهربان است (۵۰) هر یک از آنان را بخواهی میتوانی امیدوار کنی و هر یک را که بخواهی میتوانی بخود نزدیک نمائی و کسی را هم که قبلا از او دوری گزیده ای میتوانی نزدیک کنی، این به خوشنودی آنان، و اینکه اندوهگین نشوند، و اینکه همگی به آنچه به آنان داده ای راضی شوند، نزدیکتر است. و خداوند به آنچه در دلهایتان است آگاه است، و خداوند دانای شکیبا است (۵۱)
غیر از این، که برایت برشمردیم دیگر ازدواج با هیچ زنی که خارج از محدوده برشمرده آیات فوق است برایت و امّتت حلال نیست. و نیز حلال نیست که زنانت را با زنان دیگری جا بجا نمائی، حتی اگر از زیبائی آنها خوشت بیاید، مگر اینکه کنیز باشند، و خداوند بر هر چیزی مراقب است (۵۲)

ای مسلمانان ! قبل از اینکه به شما اجازه دهند برای غذا داخل اتاق های پیامبر نشوید، که قبل از غذا منتظر باشید و به ظرفها نگاه کنید، ولیکن اگر دعوتتان کردند داخل شوید، و پس از اینکه غذا خوردید بروید، و ننشینید که گفتگو کنید. این کار پیامبر را اذیت می کند و از شما خجالت میکشد که بگوید بلند شوید و بروید ولی خداوند از ذکر حق خجالت نمی کشد. و اگر از آن زن های موجود در خانه چیزی خواستید، از پشت پرده بخواهید، که این برای دلهای شما و دلهای آنان پاکتر است. و شما را نمیرسد که رسول خدا را اذیت کنید و نیز اینکه با زنان او پس از او هرگز ازدواج کنید، که این امر نزد خداوند گناهی بزرگ است (۵۳) هر چیزی را که آشکار یا پنهان کنید، خداوند بر هر چیزی داناست (۵۴) هیچ اشکالی راجع به زنان، در باره پوشاندن خویش از پدرانشان وفرزندانشان وبرادرانشان وبرادرزادگانشان و خواهرزادگانشان و زنان و کنیزانشان نیست، و لازم نیست خود را از آنان بپوشانند، و ازخدا بترسید، که خداوند برهر چیزی گواه است (۵۵)

ای مسلمانان! خداوند و ملائکه اش بر پیامبر صلوات میفرستند. شما نیز بر او صلوات فرستید و به خوبی یر او سلام کنید (۵۶)

آنانکه خدا ورسولش را می آزارند خداوند در دنیا و آخرت لعنتشان می کند و برایشان عذابی خوار کننده تهیه نموده است (۵۷)
و کسانی که مردان و زنان مومن را بدون اینکه گناهی کرده باشند اذیت کنند مرتکب بهتان و گناهی بزرگ شده اند (۵۸)
ای پیامبر! به همسرانت و دخترانت و زنان مسلمانان بگو، قسمتی از چادرهایشان را برروی خود پیش بکشند، این نزدیک تر است به اینکه به این وسیله به مسلمانی شناخته شوند، و اذیت نشوند، و خداوند آمرزگار مهربان است (۵۹) اگر منافقان، و آنانکه در قلبشان مرض است، و نیز شایعه سازان مدینه دست برندارند، البته تو را علیه آنان برمی انگیزیم، آنگاه آنها جز مدت کمی مجاورت نخواهند بود (۶۰) و از رحمت خدا بدور و هر جا که یافته شوند گرفتار باشند، و بسختی کشته شوند

(۶۱) این سنت خدا است که درباره پیشینیان نیز جاری شد، و هرگز برای سنت خدا تغییری نخواهی دید (۶۲)

ای پیامبر! مردم از تو درباره قیامت میپرسند. بگو جز این نیست که علم آن نزد خداست و چه میدانی شاید قیامت نزدیک باشد (۶۳)
البته خداوند کافران را از رحمت خویش دور میکند و برایشان آتش سوزان مهیا نموده است (۶۴)
که در آن جاودان خواهند بود،
نه دوستی و سرپرستی و نه یاریگری خواهند یافت (۶۵)
روزی که چهره شان در آتش دگرگون میشود، میگویند ای کاش اطاعت خدا و رسولش را کرده بودیم (۶۶)
و میگویند پروردگارا! اطاعت بزرگانمان کردیم اما ما را گمراه کردند (۶۷)
پروردگارا! عذابشان را دو برابر کن و آنها را کاملا از رحمت خویش دور ساز (۶۸)

ای مسلمانان! مانند کسانی نباشید که موسی را اذیت کردند اما خدا از آنچه میگفتند تبرئه اش کرد و همو نزد خداوند آبرومند است (۶۹)
ای مسلمانان! از خدا پروا کنید و سخنی گوئید که مانند سد محکم باشد (۷۰)
تا خداوند اعمالتان را اصلاح کند و گناهانتان را بیامرزد و هر کس که اطاعت خدا و رسولش کند البته به پیروزی بزرگی دست یافته است (۷۱)

ای انسانها! ما آن امانت را به آسمانها و زمین و کوه ها عرضه نمودیم، اما آنها زیر بارش نرفتند، و از آن ترسیدند، و انسان آن را برداشت، که البته انسان بسیار نادانِ ظلم پیشه است (۷۲) تا خداوند منافقان و مشرکان را عذاب کند، و مومنان را بیامرزد، و خداوند آمرزگار مهربان است (۷۳)

سوره نساء

بسم الله الرحمن الرحیم

ای مردم! از پروردگارتان که شما را آفریده پروا کنید.
همو که شما را از یک نَفْس و جفتش را نیز از همو آفرید،
و از آنها مردان و زنان زیادی پراکند،
و از خداوندی پروا کنید که به احترام او ازیکدیگر درخواست می کنید،
و نیز درباره خویشاوندان از خدا پروا کنید که همو مراقب شماست (۱)

و اموال یتیمان را به آنان بدهید و مال نامرغوب را با مرغوب عوض مکنید که مال مرغوب یتیمان را بگیرید و بجای آن نامرغوب بدهید و (اگر سرپرست یتیمان شده اید) اموال آنان را بسوی اموال خودتان اضافه نکنید تا بخورید که گناهی بزرگ است (۲) و اگر خوف دارید که نتوانید درباره یتیمان به عدالت رفتار کنید، (با آنان ازدواج نکنید که اموالشان را در اختیار بگیرید، بلکه) از میان زنانی دیگر که مناسب شماست میتوانید برای ازدواج دوتا و سه تا و چهارتا اختیار کنید و اگر خوف دارید که عدالت نکنید یکی بگیرید یا با کنیزتان اکتفا کنید که این از لحاظ اینکه از عدالت دور نیفتید بهتر است (۳) و مهریه های زنان را به خوشی و شیرینی بدهید، و اگر باخوشی برایتان از چیزی از آن گذشتند بخوریدش که گوارایتان باد (۴) و اموالتان را که خداوند مایه قوام شما قرار داده به کم خردان مدهید. واز آن اموال روزیشان دهید و بپوشانیدشان و با آنها به نیکوئی سخن گوئید (۵) و یتیمان را تا وقتیکه به شرایط ازدواج برسند امتحان کنید، پس اگر در آنها رشدی یافتید اموالشان را به آنها برگردانید، و قبل از این مرحله اموالشان را با اسراف و تند تند نخورید که مبادا بزرگ شود و اموالش را بخواهد و کسی که بی نیاز است باید خودداری کند، و کسی که فقیر است باید مطابق عرف بخورد، و هنگامی که اموالشان را به آنها برمیگردانید بر آنها گواه بگیرید، و البته خداوند برای حسابرسی بس است (۶)

مردان از آنچه والدین و خویشاوندان بجا میگذارند نصیبی دارند، و زنان نیز همچنین. چه کم باشد چه زیاد. نصیبی است که معین شده است (۷) و هنگامیکه موقع قسمت فرارسید و نزدیکان و یتیمان و بیچارگان حاضر بودند، از آن، چیزی هم به آنان بدهید و به آنان سخن نیکو بگوئید (۸) و کسانی که اگر از پس خویش اولادی ضعیف برجا می گذارند، و نگران اجحاف دیگران بر آنان خواهند بود، باید از اجحاف کردن بر دیگران بترسند، و باید تقوا کنند، و سخنی مانند سد محکم گویند (۹)

آنان که اموال یتیمان را از روی ظلم میخورند جز این نیست که در شکم هایشان آتش میخورند، و بزودی به آتش سوزنده ای می افتند (۱۰)

خداوند درباره اولادتان سفارش می کند که «حظّ» هر پسر «مانند» دو برابر «حظ» هر دختر باشد، پس اگر وارثان، زنانی بیش از دو تا بودند دو ثلث ارث سهم آنان است، و اگر یکی باشد سهمش نصف است، و سهم پدر و مادر هر کدام یک ششم مالِ ارثی است، در صورتیکه فرزندی داشته باشد، و اگر فرزندی نداشته باشد و ورثه او فقط والدینش باشند، سهم مادر یک سوم است و اگر برادرانی داشته باشد سهم مادر یک ششم است، البته پس از اینکه وصیت او را از مالش انجام دادید یا قرضش را پرداختید. شما نمیدانید پدرانتان یا فرزندانتان کدامشان برایتان پر منفعت ترند.
این تعیینی است از جانب خدا و البته خداوند دانای حکیم است (۱۱)

و نصف آنچه زنانتان بجا می گذارند، اگر فرزند نداشته باشند مال شماست، و اگر فرزند داشته باشند سهم شما یک چهارم از بجا گذاشته آنهاست، پس از اینکه وصیت او را از مالش انجام دادید یا قرضش را پرداختید. و سهم آنها از آنچه شما بجا گذاشتید یک چهارم است اگر فرزندی نداشته باشید و اگر فرزند داشته باشید

سهم آنها یک هشتمِ بجا گذاشته شماست، پس از انجام وصیتی که کرده اید.

و اگر مردی وارث برادر و خواهرش باشد یا اینکه زنی باشد که برادری داشته باشد یا خواهری داشته باشد سهم هر یک از آنها یک ششم است، و اگر بیش از آن باشند همگی در یک سوم شریک اند، البته پس از انجام وصیت که بحال ورثه بسیار ضرررسان نباشد، و پرداخت قرض او.
این توصیه ای است از جانب خداوند و خداوند دانای حلیم است (۱۲)
این حدود خداست، و کسی که خدا و رسولش را اطاعت کند او را داخل بهشتهائی میکند که نهرها در کف آن جاری است که در آن جاودانند و رستگاری بزرگ همین است (۱۳)
و هر کس که خدا ورسولش را نافرمانی کند و از حدودش تجاوز نماید او را داخل آتشی می کند که در آن جاودان است و عذابی خوار کننده خواهد داشت (۱۴)

ای مسلمانان! زنانی از شما که مرتکب عمل زشت میشوند چهار شاهد برآنها بخواهید، پس اگر شهادت دادند آنها را در خانه ها نگهدارید تا مرگ آنها را دریابد یا خداوند برایشان راهی باز کند (۱۵) و دو نفری از شما که مرتکب آن عمل زشت شوند آزارشان کنید، و اگر توبه کردند و اصلاح نمودند از آنها در گذرید، که خداوند توبه پذیر مهربان است (۱۶) البته توبه برعهده خداست برای کسانی که کار زشت را از روی جهالت می کنند، و زود توبه می کنند، که خداوند توبه آنها را می پذیرد و خداوند دانای حکیم است (۱۷) و توبه برای کسانی نیست که کارهای زشت می کنند تا اینکه مرگشان در رسد، و بگویند همین الان توبه کردم، و نیز توبه برای کسانی نیست که کافر بمیرند. برای آنها عذابی دردناک آماده کرده ایم (۱۸)

ای مسلمانان، برایتان حلال نیست که زنان را مانند اموال، که طبیعتا نسبت به اینکه با آنان مانند اموال رفتار شودکراهت دارند، بر خلاف میلشان میراث ببرید، و یا اینکه

مانع آنها در تصرفِ اموالشان بشوید، تا اینکه قسمتی از آنچه را که به آنها داده اید ببرید، مگر اینکه کار بسیار زشتی مرتکب شوند.
و با آنها مطابق عرف معاشرت کنید،
و اگر از آنها خوشتان نمی آید بدانید که چه بسا از چیزی بدتان می آید و حال آنکه خداوند در ان خیر زیادی قرار داده است (۱۹)
و اگر خواستید همسری را بجای همسری دیگر قرار دهید و به یکی از آنها مال بسیار زیادی داده اید چیزی از آن را از او پس نگیرید، آیا آنرا پس می گیرید در حالیکه این کار بُهتان و گناهی آشکار است؟ (۲۰) و چگونه میگیرید در حالیکه بعضی از شما از بعضی دیگر کام گرفته و آنها از شما پیمان محکمی گرفته اند (۲۱)

و با آن کسانی که پدرانتان با آنها ازدواج کرده اند ازدواج مکنید مگر آنچه قبلا پیش از اسلام گذشته است، که کاری بسیار زشت و سبب خشم خدا و راه بسیار بدی است (۲۲)

مادرانتان بر شما از لحاظ ازدواج حرام شده است و همچنین دخترانتان و خواهرانتان و عمه هایتان و خاله هایتان و خواهرزاده هایتان و برادرزاده هایتان و مادران شیریِ شما و خواهران شیریِ شما و مادران زنان شما و دخترانیکه از زنانی باشند که با آنها زناشوئی کرده اید، و اگر زناشوئی نکرده اید اشکالی ندارد. ونیز کسانی که بر پسران صلبی شما حلالند و نیز اینکه در یک زمان با دو خواهر ازدواج کنید مگر آنچه قبلا پیش از اسلام بوده که خداوند آمرزگار مهربان است (۲۳)
و نیز حرام است بر شما زنان شوهردار مگر اینکه کنیزتان باشند، این نوشته خداست برعهده شما، و غیر از اینها برایتان حلال است، که با اموالتان زنان خوب بجوئید نه اینکه بدکاره باشند، پس اگر زنانی را صیغه کردید مزدشان را که معین شده است بدهید، و اشکالی ندارد که پس از تعیین، به آنچه که هر دو طرف به آن راضی هستید عمل کنید که خداوند دانای حکیم است (۲۴)

و کسانی از شما که توانائی مالی برای ازدواج با زنان عفیف مسلمان ندارند با کنیزانتان که از جوانان مسلمان باشند ازدواج کنند، و خداوند به ایمان بعضی از شما نسبت به بعض دیگر داناتر است. پس با اجازه خانواده شان با آنان ازدواج کنید و اجرتشان را مطابق عرف بپردازید و آنها باید خود نگهدار باشند و بدکاره و رفیق باز نباشند، و وقتیکه ازدواج کردند اگر مرتکب کار بسیار زشتی شدند برآنان نصف عذاب زنان آزاد اِعمال میشود. این برای کسانی است که نگران آن هستند که مبادا به سختیِ گناه بیفتند و اگر اینطور نبود و نگرانِ به گناه افتادن نباشید، صبر کنید و با کنیزان ازدواج نکنید، این برایتان بهتر است و خداوند آمرزگار مهربان است (۲۵)

خداوند میخواهد حقایق را برایتان بیان کند، و شما را به روش های صحیح هدایت نماید، و بسوی شما به رحمت بازگردد، و خداوند دانای حکیم است (۲۶) و خداوند میخواهد بسوی شما به رحمت بازگردد، و آنان که شهوات را پیروی میکنند میخواهند شما به انحراف عظیمی دچار گردید (۲۷) خداوند میخواهد بر شما آسان کند، و انسان ضعیف آفریده شده است (۲۸)

ای مسلمانان! اموالتان را بین خویش به باطل مخورید مگر اینکه تجارتی از روی رضایتِ متقابل باشد و خودهاتان را مکشید که خداوند نسبت به شما مهربان است (۲۹) و اگر کسی این کار را از روی ظلم و تعدی کند، بزودی او را در آتشی می اندازیم و این برخداوند آسان است (۳۰)

اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی شده اید دوری کنید بدی هایتان را میپوشانیم و شما را به جایگاهی گرامی داخل می کنیم (۳۱)

و از آنچه که خداوند از فضل خویش بعضی را بر بعضی برتری داده تمنا مکنید، زیرا که مردان از آنچه کسب می کنند نصیبی دارند و زنان نیز همینطور،

و درخواستهایتان از فضل خدا باشد که او به همه چیز داناست (۳۲)
و برای همگان سزاوارهائی قرار داده ایم درباره آنچه پدران و نزدیکان بجا میگذارند، ونیز به تعهداتِ مالی در مورد ذینفع های پیمانهائی که – مانند قراردادهای دوطرفه رفع خسارت اگر با کسانی - بسته اید، عمل کنید، و نصیب آن ذینفع ها را بدهید که خداوند بر همه چیز گواه است (۳۳)

مردان، مشروط بر اینکه، بسبب آنچه که خداوند بعضی شان را بر بعضی برتری داده، شایستگی داشته باشند و بسبب خرجی که از اموالشان می کنند، سرپرستان زنانند، و زنانِ شایسته خوب که به فرمان خدا متواضع و نگهدارندهء پنهانی ها باشند، چه خوبند، و اما درباره زنانی که از نافرمانی شان نگرانی دارید، موعظه شان کنید، و سپس در رختخواب ها از آنها دوری کنید، و اگر بازهم فایده ای نکرد، بزنید شان. پس اگر براه آمدند، دیگر علیه آنها راهی جستجو نکنید، که خداوند بلند مرتبه بزرگ است (۳۴) و شما بستگان آن زن و شوهر! اگر نگران جدائی آنها هستید، یک داور از خانواده مرد و یک داور از خانواده زن برانگیزید. اگر خواستار اصلاح باشند خداوند بین آنها توافق ایجاد خواهد کرد که خداوند دانای آگاه است (۳۵)

و عبادتِ خدا کنید و چیزی با او شریک مکنید، و به والدین و نزدیکان و یتیمان و بیچارگان و همسایه نزدیک و همسایه دور و رفیق مصاحب و در راه مانده و بردگانتان احسان کنید که خداوند کسی را که خودبزرگ بین و فخرفروش باشد دوست نمیدارد (۳۶)
همانهائی که بخل میورزند و مردم را نیز به بخل وامیدارند، و آنچه را که خداوند از فضلش به آنها داده کتمان می کنند، و برای کافران عذابی خوار کننده آماده نموده ایم (۳۷)
و نیز آنهائی که اموالشان را برای نشان دادن به مردم خرج می کنند، و به خداوند و روز آخرت ایمان ندارند،
و هر کس که شیطان از نزدیکانش باشد چه نزدیکان بدی دارد (۳۸)

و چه میشد که به خدا و روز آخرت ایمان می آوردند، و از آنچه خداوند روزی شان کرده خرج میکردند، و خداوند هم به کارشان دانا بود (۳۹)
خداوند به سنگینی ذره ای هم ظلم نمی کند، و اگر حسنه ای باشد دوچندانش میکند، و از جانب خویش بابت آن پاداشی عظیم میدهد (۴۰)

ای پیامبر! پس چگونه خواهد بود که از هر امتی گواهی بیاوریم و تو را نیز بر اینها گواه بگیریم (۴۱) در آنروز کافران و کسانی که پیامبر را نافرمانی کردند دوست خواهندداشت کاش با خاک یکسان میشدند و گفته خدا را کتمان نمی نمودند (۴۲)

ای مسلمانان! در حال مستی به نماز نزدیک مشوید تا اینکه بدانید چه میگوئید، و نیز در حالیکه جُنب میباشید به نماز نزدیک مشوید-مگر اینکه رهگذر باشید-تا اینکه غسل کنید، و اگر مریض یا مسافر باشید و یا از مدفوع برگشته اید یا با زنان تماس برقرار کرده اید و آب نمی یابید، با خاکی پاکِ خوشایند تیمم، و صورت و دستهایتان را مسح کنید که خداوند آمرزگار بخشنده است (۴۳)

ای پیامبر! آیا کسانی از اهل کتاب را نمی بینی که خریدار گمراهی اند و میخواهند شما نیز گمراه شوید (۴۴)
خداوند دشمنانتان را بهتر می شناسد و خداوند بعنوان سرپرست و یاریگر بس است (۴۵)

از یهودیان کسانی هستند که کلام را از مواضع آن تحریف می کنند و میگویند «شنیدیم و نافرمانی کردیم » و«بشنو که نشنوی» و«رعایتمان کن » و این ها را بازبان هایشان بنحوی میچرخانند تا مانند خواندن تورات بنظر رسد و در دین طعنه میزنند و اگر میگفتند «شنیدیم و اطاعت کردیم» و «بشنو و منظورمان دار» برایشان بهتر و پایدارتر بود ولیکن خداوند بسبب کفرشان لعنتشان کرده و جز عده کمی از آنان ایمان

نمی آورند (۴۶)

ای اهل کتاب! به چیزی که فرستاده ایم که تصدیق کننده چیزی است که نزد شماست ایمان بیاورید، قبل از اینکه صورتهائی را از ریخت بیاندازیم و آنها را به پشتها برگردانیم یا لعنتشان کنیم، همانطور که اهلِ آن روز شنبه را لعنت کردیم و امر خدا انجام گردید (۴۷)

خداوند شرک را نمی آمرزد، و غیر از آن را برای کسی که خواهد می آمرزد، و کسی که به خداوند شرک ورزد، گناهی عظیم را از روی افترا مرتکب شده است (۴۸)

ای پیامبر! آیا نمی بینی آنانی را که خویش را بی عیب می انگارند؟ بلکه این خداوند است که هر که را خواهد پاکیزه میدارد و حتی باندازه کمی هم ظلم نخواهند شد (۴۹) ببین چگونه به خداوند افترای دروغ می بندند و همین برای آنها بعنوان گناهی آشکار بس است (۵۰)

آیا نمی بینی برخی از اهل کتاب را، که به بت و طاغوت ایمان می آورند، و درباره کافران چنین میگویند که اینها از مسلمانان هدایت یافته ترند (۵۱) آنها کسانی هستند که خداوند لعنتشان کرده و کسی را هم که خداوند لعنت کند هرگز برایش یاوری نخواهی یافت (۵۲)
مگر اینان در آن امرِ مدیریت عالَم نصیبی دارند که چنین میکنند؟ اگر در آن امر نصیبی میداشتند که در آنصورت به مردم پشیزی نمیدادند (۵۳)
یا اینکه به مردم درباره آنچه که خداوند از فضل خویش به آنان داده حسد میورزند. البته ما به آل ابراهیم آن کتاب و حکمت را دادیم و به آنها فرمانروائیی عظیم بخشیدیم (۵۴)
و بعضی از آنها به آن ایمان آورده و بعضی شان از آن جلوگیری میکنند، و جهنم از جهت سوزانندگی بس است (۵۵)

البته کسانی که به آیاتمان کفر میورزند بزودی آنها را داخل آتشی می کنیم که هر گاه پوستهایشان سخت شود پوستشان عوض میشود تا آن عذاب را بچشند، که خداوند پیروزمند فرزانه است (۵۶)
و کسانی که ایمان آورده و عمل شایسته انجام داده اند بزودی آنها را داخل بهشتهائی می کنیم که نهرها در کف آنها جاری است و در آن برای همیشه جاودانند و در آن همسرانی پاکیزه خواهند داشت و آنها را داخل سایه هائی گسترده درخواهیم آورد (۵۷)

ای مسلمانان! خداوند به شما میفرماید که امانت را به اهل آن ادا کنید و هنگامیکه بین مردم حکم می کنید به عدل حکم کنید. خداوند خوب موعظه ای می کند. خداوند شنوای بیناست (۵۸)

ای مسلمانان! خدا ورسول و زمامدارانِ از میانِ خودتان را اطاعت کنید. و اگر درباره چیزی در بین خویش به نزاع برخواستید موضوع را به خدا و رسول ارجاع کنید اگر به خدا و آخرت ایمان دارید. این بهتر و سرانجامش نیکوتر است (۵۹)

ای پیامبر! آیا آنهائی را ندیدی که فکر می کنند به آنچه بر تو نازل شده و به آنچه قبل از تو نازل شده ایمان آورده اند اما در عین حال میخواهند محاکمه خویش را نزد طاغوت برگزار کنند، در حالیکه مامورند به آن کفر بورزند؟ شیطان میخواهد به گمراهی دوری گمراهشان کند (۶۰) و هنگامی که به آنان گفته میشود بسوی آنچه خداوند نازل کرده و بسوی رسول بیائید منافقان را می بینی که بشدت آنها را از تو باز میدارند (۶۱) پس چگونه است که وقتی مصیبتی بواسطه آنچه قبلا انجام داده اند به آنها رسید، آنگاه نزد تو می آیند و قسم به خدا میخورند که ما جز نیکوکاری و هماهنگی منظوری نداشتیم (۶۲) آنها کسانی هستند که خداوند از دل آنها خبر دارد، پس، از آنها روی گردان و موعظه شان کن و به آنها سخنانی رسا بگو (۶۳)

و هیچ رسولی را نفرستادیم مگر اینکه به اذن خدا اطاعت شود و اگر آنها وقتیکه به خویش ظلم کردند بسوی تو بیایند، و از خداوند آمرزش بخواهند، و رسول هم برایشان آمرزش بخواهد، حتما خداوند را توبه پذیر مهربان خواهند یافت (۶۴) نه! به پروردگارت قسم، که آنها ایمان نمی آورند مگر اینکه تو را درباره آنچه بینشان بوجود آمده است داور کنند، آنگاه در خودهاشان در آنچه که قضاوت کرده ای ناراحتیی نیابند و بخوبی تسلیم حکم تو باشند (۶۵)

و اگر بر آنها مقرر میکردیم که خود را بکشید یا از شهرتان بیرون روید، مگر عده کمی، بقیه قبول نمیکردند. و اگر آنچه را که به ان موعظه میشدند انجام میدادند برایشان بهتر و استوارتر بود (۶۶) و در آنصورت از نزد خویش به آنها پاداشی عظیم میدادیم (۶۷)

و به راه راست هدایتشان میکردیم (۶۸)

و کسی که خدا و رسول را اطاعت کند با آنهائی خواهد بود که خداوند نعمتشان داده، از پیامبران و راستگویان و شهداء و صالحان، و آنها چه همراهان خوبی هستند (۶۹) این فضلی است از جانب خدا، و خداوند به کاملا دانا است (۷۰)

ای م سلمانان! آمادگیِ دفاعی تان را حفظ کنید، سپس د سته د سته یا د ستجمعی بسوی جهاد حرکت کنید (۷۱)

و در بین شما کسانی هستند که کُندی می کنند،

و اگر به شما م صیبتی ر سید میگویند خداوند بمن لطف کرد که با آنها شهید نشدم (۷۲)

و اگر ف ضلی از جانب خداوند به شما ر سید گوئی که ا صلا دو ستیی بین آنها و شما نبوده، میگویند کاش با آنها بودیم و جایزه بزرگی میبردیم (۷۳)

پس شما مانند آنها مباشید بلکه طوری باشید که زندگی دنیا را به آخرت میفروشند و در راه خدا بجنگید، و کسی که در راه خدا بجنگد و کشته شود یا پیروزشود بزودی پاداشی عظیم به او میدهیم (۷۴)

و چه تان است که در راه خدا و مردان و زنان و بچگانی که ضعیف نگهداشته شده اند نمی جنگید؟ که میگویند پروردگارا ما را از این شـهری که اهلش ظالمند خارج کن، و از جانب خویش برایمان سـرپرسـتی قرار داده، و از جانب خویش برایمان یاوری بگمار (۷۵)

ای مسلمانان! بدانید، آنانکه ایمان آورده اند در راه خدا میجنگند و آنانکه کفر ورزیدند در راه طاغوت می جنگند، پس با دوستان شیطان بجنگید که حیله شیطان ضعیف است (۷۶)

ای پیامبر! آیا کسانی را ندیدی که به آنان گفته شده بود دست از اسلحه بکشید و نماز بپادارید و زکات دهید، و آنها تا اینجا را قبول کردند، اما هنگامیکه جنگ مقرر شـد ناگهان عده ای از آنان چنان شـده اند که از آن دشـمن ها هم مانند خدا بلکه شـدیدتر میترسـند، و میگویند پروردگارا چرا جنگ را بر ما مقرر کردی؟ کاش تا سـرآمدی نزدیک به تاخیر می انداختی. ای پیامبر! به آنان بگو برخورداری دنیا کم اسـت و آخرت برای اهل تقوا بهتر اسـت، و حتی به اندازه بسـیار ناچیزی هم ظلم نخواهند شد (۷۷)

ای مسلمانان! هر جا که باشید مرگ شما را می رباید، حتی اگر در برج هائی محکم باشید،
و هنگامیکه به شما چیزی که به نظرتان خوب است برسد میگوئید این از جانب خدا بوده، و اگر چیزی که به نظرتان بد است برسد میگوئید این از جانب پیامبر بوده.

بگو همه اش از جانب خدا بوده. اینها چه شان است که به این زودی ها سخن درست را نمی فهمند؟ (۷۸)
به آنها بگو هر چیزی که واقعا خوب باشد و به شما برسد از جانب خداست، و هر چیزی که واقعا بد باشد و به شما برسد از جانب خودتان است، و تو را برای مردم رسول فرستادیم و خداوند هم بعنوان گواه کافی است (۷۹)
کسی که رسول را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده، و ما تو را نگهبان آنها قرار ندادیم (۸۰) و برخی از آنها اظهار اطاعت می کنند اما همینکه از نزد تو بیرون میروند بطور پنهانی، چیزی مغایر قول تو میگویند، و البته خداوند آنچه را که پنهانی میگویند می نویسد.
پس، از آنان روی بگردان و بر خدا توکل کن و خداوند بعنوان وکیل کافی است (۸۱)

آیا آنان در قرآن تدبر نمی کنند در حالیکه اگر از جانب غیر خدا بود اختلاف زیادی در آن می یافتند (۸۲)

و هنگامی که موردی از امنیت یا نگرانی برایشان پیش آید آنرا منتشر می کنند و اگر آن را به رسول و یا کارگزارانِ از بین خودشان منتقل میکردند آنان که میتوانند استنباط کنند، آن را میفهمیدند.
و به آنان بگو اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود جز عده کمی از شما شیطان را پیروی میکردید (۸۳)
پس، ای پیامبر! در راه خدا بجنگ، واین تکلیف جز بر خودت نیست، و مسلمانان را نیز بر آن تشویق کن. چه بسا که خداوند نیروی کافران را از شما باز دارد و خداوند از لحاظ نیرو و عذاب قوی تر است (۸۴)

ای مسلمانان! کسی که شفاعت نیکوئی کند نصیبی از آن دارد، و کسی که میانجیگری بدی کند سهمی از آن را خواهد داشت، و خداوند بر هر چیزی به وقتش به حسابش میرسد (۸۵)
و هنگامی که به شما کلمه خوشایندی میگویند شما بهترش را یا لااقل مانند آن را بگوئید، که خداوند حسابرس هر چیزی است (۸۶)

خداوند که خدائی جز او نیست شما را حتما در روز قیامت که شکی در آن نیست جمع خواهد کرد، و چه کسی از خداوند راستگوتر است (۸۷)

ای مسلمانان! چه تان شده که درباره منافقان دو دسته شده اید در حالیکه خداوند بسبب آنچه که انجام داده اند سرنگونشان کرده؟ آیا میخواهید کسی را که خدا گمراه کرده هدایتش کنید؟
در حالیکه کسی را که خدا گمراه کرده باشد هرگز برای او راهی نخواهید یافت (۸۸) دوست دارند کاش شما هم کافر شوید همانطور که آنها هستند تا مساوی گردید، پس، از آنها دوستانی برمگیرید تا اینکه در راه خدا مهاجرت کنند. پس اگر پشت کردند هر جا که پیداشان کردید بگیریدشان و بکشیدشان و از آنها دوست و یاوری برمگیرید (۸۹)
مگر اینکه به قومی که بین شما و آنها پیمانی هست وصل شوند، یا اگر دلتنگ هستند و نمیخواهند نه با شما و نه با قوم خویش بجنگند و ضمنا نمیخواهند بسویتان بیایند پیگیری نکنید،
درحالیکه اگر خدا میخواست و آنها را مسلط میکرد حتما با شما می جنگیدند،
اگر از شما کناره گرفتند و با شما نجنگیدند و دست صلح بسوی شما افکندند، البته قبول کنید، زیرا در این حالت خداوند برایتان علیه آنها راهی قرار نداده است (۹۰) بزودی عده ای دیگر را می یابید که هم میخواهند خیال شما را راحت کنند و هم خیال قوم خودشان را. هر دفعه که بسوی فتنه ای رانده شوند در آن می افتند، پس اگر اینها از شما کناره گیری نکردند و دست صلح بسوی شما نیفکندند و دست از شما

باز نداشتند هر جا که یافتیدشان بگیریدشان و بکشیدشان و آنها کسانی هستند که ما برای شما علیه آنها دلیلی آشکار قرار داده ایم (۹۱)

و هیچ مسلمانی را نمیرسد که مسلمان دیگری را بکشد، مگر اینکه بر اثر خطا باشد، و کسی که مسلمانی را از روی خطا بکشد باید بنده ای آزاد کند و دیه ای به خانواده او تسلیم نماید، مگر اینکه آنها تصدق کنند و اگر مقتول از قومی بود که دشمن شما بودند ولی خودش مسلمان بود، باید بنده ای که آزاد میکنید مسلمان باشد، و اگر مقتول از قومی بود که طرفِ پیمان شما هستند، دیه ای که به خانواده اش تسلیم شود و آزاد کردن بنده ای مسلمان نیز بر عهده تان است و کسی که نمی یابد دو ماه پی در پی روزه بگیرد که سبب بازگشت نظر لطف خداوند به سوی شما است و خداوند دانای حکیم است (۹۲)
و کسی که مسلمانی را عمدا بکشد سزایش جهنم است که در آن جاودان خواهد بود و غضب خداوند و لعنتش بر او واقع خواهد شد و برایش عذابی عظیم آماده کرده است (۹۳)

ای مسلمانان ! وقتی که در زمین به مسافرت راه می سپارید بررسی کنید، و به کسی که دست صلح بسوی شما دراز کرد نگوئید تو مومن واقعی نیستی، که بهره ناچیز زندگی دنیا را جستجو کنید، و بدانید که غنیمت های بسیار نزد خداوند است. خودتان هم قبلا همانطور بودید و خداوند بر شما منت گذاشت. پس بررسی کنید که خداوند به آنچه می کنید بیناست (۹۴)

ای مسلمانان! مسلمانانِ بر جای نشسته ای که ضرری نمی کنند، و مجاهدانی که در راه خدا با مال و جان خویش جهاد می کنند، مساوی نیستند. خداوند مجاهدانِ با مال و جان را نسبت به نشستگان به درجه ای برتری داده است، و گر چه به هر دو وعده نیکو میدهد، اما مجاهدان را بر نشستگان به پاداشی عظیم برتری داده است (۹۵)

درجاتی از جانب خویش و آمرزشی و رحمتی. و خداوند آمرزگار مهربان است (۹۶) از کسانی که ملائکه آنها را ظالم برخویش می یابند و جانشان را میگیرند می پرسند در چه کاری بودید؟ میگویند در آن سرزمین مستضعف بودیم. میگویند آیا زمین خدا وسیع نبود که در آن مهاجرت کنید؟
و جایگاه آنها جهنم است و چه سرانجام بدی است (۹۷)
البته به استثنای مردان و زنان و بچه هائی که واقعا مستضعف باشند که نتوانند حیله ای بیندیشند و راهی بیابند (۹۸)
در مورد آنها چه بسا که خداوند ببخشدشان و خداوند آمرزگار بخشنده است (۹۹)
و کسی که در راه خدا مهاجرت کند در زمین پناهگاه ها و گشایش های زیادی خواهد یافت، و کسی که از خانه اش برای مهاجرت بسوی دین خدا و رسولش خارج شود سپس مرگ اورا در رباید، پاداشش برعهده خداوند است و خداوند آمرزگار مهربان است (۱۰۰)

و هنگامی که به سفر میروید اشکالی ندارد که از نمازتان کوتاه کنید، در صورتیکه میترسید که کافران شما را به فتنه بیاندازند،
زیرا که کافران دشمن آشکار شما هستند (۱۰۱)
ای پیامبر! و هنگامی که تو در میان آنها هستی و برای آنها نماز بر پا داشته ای باید عده ای از آنها با تو برخیزند و اسلحه هایشان را برگیرند و هنگام سجده در پشت سرت باشند و طائفه دیگری که نماز نخوانده اند بیایند و با تو نماز بگزارند، و باید وسائل احتیاط خویش و اسلحه شان را برگیرند.
کافران دوست دارند شما از سلاح و اموالتان غافل شوید و آنها یکباره بر شما بتازند، و اشکالی ندارد اگر از باران آزاری به شما میرسد یا مریض باشید سلاح هایتان را بگذارید، اما در هر حال وسائل احتیاط خویش را برگیرید که خداوند برای کافران عذابی خوار کننده آماده نموده است (۱۰۲)
و هنگامیکه نماز را تمام کردید خداوند را در حال ایستاده و نشسته و بر پهلوهایتان یاد کنید،

و هنگامی که اطمینان پیدا کردید نماز بپادارید زیرا که نماز برای مومنان در اوقات معین مقرر شده است (۱۰۳)

در جستجوی دشمن سست نشوید، زیرا اگر شما به رنج می افتید آنها نیز به رنج می افتند، همانطور که شما به رنج می افتید،
و شما از جانب خدا امیدی دارید که آنها ندارند،
و خداوند دانای حکیم است (۱۰۴)

ای پیامبر! ما آن کتاب را به حق بر تو نازل کرده ایم تا بین مردم بوسیله آنچه که خداوند به تو نشان داده حکم کنی،
لذا در مورد خائنان طرفداری مکن (۱۰۵)
و از خدا آمرزش بخواه زیرا که او آمرزگار مهربان است (۱۰۶)
و از آنان که به خودهاشان خیانت می کنند دفاع مکن،
که خداوند خیانت پیشه گناهکار را دوست نمیدارد (۱۰۷)
همانهائی که اعمالشان را از مردم پنهان می کنند ولی از خدا نمیتوانند پنهان کنند در حالیکه او با آنهاست.
همان موقعی که آن قولی را که نمی پسندد برنامه ریزی می کنند،
و خداوند به آنچه می کنند احاطه دارد (۱۰۸)
شما که از آنها در زندگی این دنیا دفاع میکنید، چه کسی از آنها در روز قیامت دفاع خواهد کرد یا چه کسی حامی آنها خواهد بود؟ (۱۰۹)

کسی که عمل بد کند یا به خویش ظلم کند آنگاه از خداوند آمرزش بخواهد خدا را آمرزشگر مهربان خواهد یافت (۱۱۰)
و کسی که گناهی کند جز این نیست که به ضرر خویش کرده و خداوند دانای حکیم است (۱۱۱)
و کسی که خطائی یا گناهی کسب کند آنگاه آنرا به شخص دیگری نسبت دهدالبته

بهتانی و گناهی آشکار برخودحمل کرده است (۱۱۲)
و اگر فضل خدا و رحمتش بر تو نبود طائفه ای از آنها همتشان را بر این قرار میدادند که گمراهت کنند، و جز خود هاشان را گمراه نمی کنند و ضرری به تو نمیزنند، و خداوند آن کتاب و حکمت را بر تو نازل کرده و چیزی به تو آموخته که نمیدانستی، و فضل خدا بر تو بسیار بزرگ است (۱۱۳)
در بسیاری از رازگوئی های آنها خیری نیست، مگر کسی که توصیه ای به صدقه ای یا کار نیکی یا اصلاحی بین مردم کند، و اگر کسی این کارها را به جستجوی رضایت خداوند انجام دهد بزودی پاداشی عظیم به او خواهیم داد (۱۱۴)
و کسی که پس از روشن شدن هدایت برایش باز هم رسول را اذیت کند و راهی غیر از راه مسلمانان در پیش بگیرد، چیزی را که به سرپرستی گرفته سرپرستش قرار میدهیم و به جهنم می اندازیمش و چه سرانجام بدی است (۱۱۵)

خداوند شِرک را نمی آمرزد ولی غیر از آن را برای کسی که لایق باشد می آمرزد و کسی که به خداوند شرک ورزد البته به گمراهیی بسیار دور افتاده است (۱۱۶)

جز این نیست که مشرکان فقط غیر از او را به دعا می خوانند وآنها از جنس مادگان اند (زیرا آنها را به شفاعت نزدیک تر حساب میکنند) و همچنین فقط نیروهای شیطانی سرکش را به دعا می‌خوانند (۱۱۷) که البته خداوند لعنتش کرده و او به خداوند گفته که از بندگانت نصیبی معین برخواهم گرفت (۱۱۸) و حتما گمراهشان خواهم کرد، و به آرزو خواهمشان افکند، و فرمانشان خواهم داد که گوش چارپایان را بشکافند، و اینکه آفرینش خدا را دگرگون کنند، و کسی که شیطان را بجای خدا دوست و سرپرست خویش بگیرد البته زیان آشکاری نموده است (۱۱۹) وعده شان میدهد، و به آرزو می افکندشان، وشیطان وعده ای جز فریب نمیدهد (۱۲۰) جایگاهشان جهنم است و از آن گریزگاهی نمی یابند (۱۲۱)

و کسانی که ایمان آورده و عمل شایسته کنند بزودی آنها را داخل بهشتهائی مینمائیم که در کف آنها نهرها جاری است که برای همیشه در آن جاودان خواهند بود. وعده حقی است از جانب خداوند وچه کسی از او راستگوتر است؟ (۱۲۲)

نه به خواسته شماست و نه به خواسته اهل کتاب. هر کس که کار زشتی کند سزایش را می بیند وکسی غیر از خداوند دوست و سرپرست و یاریگر نخواهید یافت (۱۲۳) و هر کس که کارهای شایسته انجام دهد چه زن باشد و چه مرد و مومن هم باشد داخل بهشت خواهد شد و باندازه کمی هم مورد ظلم واقع نخواهد شد (۱۲۴)

و دین چه کسی بهتر است از دین کسی که خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار هم باشد و از دین معتدل ابراهیم پیروی کند؟ و خداوند ابراهیم را دوست خویش برگرفته بود (۱۲۵)

و آنچه در آسمانها و زمین است مال خداست و خداوند به همه چیز احاطه دارد (۱۲۶)

ای پیامبر! درباره زنان از تو میپرسند، بگو خداوند درباره آنها فتوایتان میدهد و در آنچه که در آن کتاب بر شما تلاوت میشود نیز آمده که درباره دختران یتیمی که مقرری ارث آنها را نمی پردازید و میل به ازدواج با آنان دارید، و نیز درباره بچه های مستضعف، و نیز درباره یتیمان، که در مورد آنان به عدالت رفتار کنید و هر کار خیری که کنید خداوند به آن داناست (۱۲۷) و اگر زنی درباره شوهرش نگران بی توجهی و رویگرداندن بود اشکالی ندارد که بین خودشان سازشی کنند و سازش بهتر است، و البته بخل در روان اشخاص تحریک میشود، و اگر نیکوکاری کنید و تقوا در پیش گیرید خداوند البته به آنچه میکنید آگاه است (۱۲۸) و هرگز نمیتوانید بین زنان عدالت کنید ولو اینکه براین امر بسیار مایل باشید. پس، تمام تمایلتان را به یکطرف ندهید، و آن یکی را مانند آویزان نگذارید، واگر اصلاح کنید و تقوا درپیش گیرید خداوند هم آمرزگار مهربان است (۱۲۹) و اگر جدا شوند خداوند از وسع خویش هر

یک را بی نیاز خواهد کرد و خداوند وسعت بخش حکیم است (۱۳۰)

و آنچه در آسمانها و زمین است مال خداست و قبل از شما به اهل کتاب و اکنون نیز به شما توصیه می کنیم که تقوا پیشه کنید و اگر کفر ورزید به خداوند ضرری نمیرسد، زیرا آنچه در آسمانها و زمین است مال خداست و خداوند بی نیاز ستوده است (۱۳۱) و آنچه در آسمانها و زمین است مال خداست و خداوند برای کارسازی شما کافی است (۱۳۲) اگر بخواهد، ای مردم، شما را می برد و دیگرانی را میآورد و خداوند بر این امر تواناست (۱۳۳)

هر کس که بهره دنیا بخواهد، بداند که نزد خدا هم بهره دنیا هست و هم آخرت و خداوند شنوای بیناست (۱۳۴)

ای مسلمانان ! برای عدالت بسیار قیام کنید، و برای خداوند به گواهی دادن نیز اقدام کنید، ولو اینکه ظاهرا به ضرر شما یا والدین و نزدیکانتان باشد. زیرا اگر بی نیاز یا فقیر باشند خداوند به آنها سزاوار تر است، و از خواسته دل پیروی نکنید که به یکطرف متمایل شوید، و اگر منحرف شوید یا اصلا روبرگردانید، خداوند به آنچه میکنید آگاه است (۱۳۵)

ای مسلمانان! به خدا و رسولش و آن کتابی که بر رسولش نازل کرده و آن کتابهایی که قبلا نازل کرد ایمان بیاورید، و کسی که به خداوند و ملائکه اش و کتابهایش و پیامبرانش و روز آخرت کفر ورزد، البته به گمراهی بسیار دوری افتاده است (۱۳۶)

کسانی که ایمان آوردند و سپس کافر شدند و آنگاه ایمان آوردند و باز هم کافر شدند و سپس بیشتر کافر شدند خداوند اینطور نیست که بیامرزدشان و اینطور نیست که به راهی هدایتشان کند (۱۳۷)

ای پیامبر! منافقان را به عذابی دردناک مژده شان ده (۱۳۸) همانها که کافران را بجای مومنان دوست گرفتند. آیا نزد آنها عزت میجویند؟ در حالیکه تمام عزت ها نزد خداوند است (۱۳۹) و البته در آن کتاب بر شما چنین نازل شده که وقتی شنیدید به آیات خدا کافر میشوند و مسخره اش می کنند با آنها ننشینید تا اینکه وارد یک گفتگوی دیگر شوند، زیرا که در آنصورت شما هم مانند آنها خواهید بود. البته خداوند همگی منافقان و کافران را در جهنم جمع خواهد کرد (۱۴۰)

همانهائی که شما را زیر نظر دارند، اگر از جانب خدا پیروزیی نصیب شما شد میگویند آیا با شما نبودیم؟ و اگر کافران نصیبی بردند به کافران میگویند آیا شما را علیه آنها هدایت و شما را از آنها دور نمیکردیم؟

و البته خداوند روز قیامت بین شما حکم خواهد کرد و خداوند هرگز برای کافران علیه مومنان راهی قرار نداده است (۱۴۱)

منافقان به خیال خود با خداوند نیز نیرنگ می کنند در حالیکه همو نیرنگ کننده آنهاست، و هنگامیکه برای نماز بپا می خیزند با کسالت بپا می خیزند، و ریا می کنند، و خدا را جز کمی یاد نمی کنند (۱۴۲)

سرگردانند. نه بسوی اینها هستند و نه بسوی آنها. و هر کس را که خداوند گمراهش کند هرگز برای او راهی نخواهی یافت (۱۴۳)

ای مسلمانان! کافران را بجای مومنان دوست و سرپرست خویش مگیرید. آیا میخواهید برای خداوند علیه خویش دلیلی آشکار قرار دهید؟ (۱۴۴)

البته منافقان در پائین ترین سطح جهنم قرار میگیرند و هرگز یاوری برایشان نخواهی یافت (۱۴۵)

مگر آنهائی که توبه کنند، و خطاهای سابق خویش را اصلاح کنند، و به خداوند تکیه کنند، و دین خویش را برای خداوند خالص کنند، که در آنصورت با مومنان هستند و خداوند نیز بزودی به مومنان پاداشی عظیم خواهد داد (۱۴۶)

ای مردم! اگر ایمان آورید و شکر بگزارید چرا خداوند عذابتان کند؟ و خداوند شاکری داناست (۱۴۷)

خداوند سخن بد را که به صدای بلند باشد دوست ندارد مگر اینکه گوینده اش مورد ظلم قرار گرفته باشد و خداوند شنوای داناست (۱۴۸)
اگر خیری را آشکار کنید یا مخفیانه انجامش دهید یا از بدیی عفو کنید خداوند نیز بسیار بخشنده تواناست (۱۴۹)

کسانی که به خدا و رسولانش کافر میشوند و میخواهند بین خدا و رسولانش جدائی بیاندازند و میگویند به بعضی از آیات ایمان داریم و به بعضی دیگر کافریم و میخواهند بین آن دو دسته آیات راهی به نفع خویش برگزینند، (۱۵۰) آنها حقا کافرند،
و برای کافران عذابی خوار کننده آماده کرده ایم (۱۵۱) و کسانی که به خدا و رسولانش ایمان آورده و بین آنها جدائی نمی اندازند بزودی پاداشهایشان را میدهیم و خداوند آمرزگار مهربان است (۱۵۲)

اهل کتاب از تو میخواهند بر آنها کتابی از آسمان نازل کنی.
و البته از موسی بزرگتر از این را خواستند و گفتند خداوند را به آشکاری بما نشان ده، و بسبب ظلمشان صاعقه آنها را بگرفت، و سپس باوجود اینکه آن آن دلایل روشن بسویشان آمده بود آن گوساله را به پرستش گرفتند، و ما آن را عفو کردیم و به موسی دلیل آشکاری دادیم (۱۵۳) و کوه طور را برفرازشان بلند کردیم تا به پیمانشان وفادار بمانند، و به آنها گفتیم از آن درب بحال سجده وارد شوید، و گفتیم در روز شنبه تعدی مکنید و از آنها پیمانی سخت بگرفتیم (۱۵۴) پس به سبب نقض پیمانشان، و کفرشان به آیات خدا، و قتل ناحق پیامبرانشان، و گفتارشان که دلهای ما در پوشش است، و نه فقط اینها، بلکه بسبب کفرشان، خداوند بر دلهاشان مُهر زد، و بهمین خاطر جز عده کمی از آنها ایمان نمی آورند (۱۵۵) و نیز بسبب کفرشان و گفتارشان در

مورد مریم که بهتانی بزرگ بود (۱۵۶) و همچنین قولشان که ما مسیح عیسی پسر مریم رسول خدا را کشتیم، و البته نه کشتندش و نه دارش زدند ولیکن بر آنان مشتبه شد، و کسانی که در آن اختلاف کردند در شکی از آن هستند و علمی به آن ندارند مگر اینکه گمانی را پیروی می کنند، و بطور حتم او را نکشته اند (۱۵۷) بلکه خداوند او را بسوی خویش بالا برد و خداوند عزیز حکیم است (۱۵۸)

و هیچ اهل کتابی نیست مگر اینکه حتما قبل از مرگش به آن ایمان خواهد آورد و او روز قیامت علیه آنها گواهی خواهد داد (۱۵۹)

و بسبب ظلمی که یهودیان کردند چیز های خوشایندی که حلالشان بود بر آنها حرام کردیم، و نیز بخاطر آنهمه که از راه خدا جلوگیری می کردند (۱۶۰) و نیز بخاطر رباخواری شان، در حالیکه از آن نهی شده بودند، و بخاطر خوردن اموال مردم به باطل، و برای کافرانِ آنها عذابی دردناک تهیه نمودیم (۱۶۱) لیکن فرو روندگان در علم از میان آنها، و مومنان آنها، به آنچه برتو نازل شده، و نیز به آنچه که قبل از تو نازل شده، ایمان می آورند. آنها بپادارنده نماز و دهنده زکات و ایمان آورنده به خدا و روز آخرت هستند و بزودی پاداش عظیمی به آنها خواهیم داد (۱۶۲)

البته ما بسویت وحی کردیم ، همانطور که بسوی نوح و پیامبرانِ پس از او وحی کردیم، و بسوی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و اسباط و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سیلمان وحی کردیم، و به داود هم زبوری دادیم (۱۶۳) و رسولانی که قبلا برایت گفتیم و رسولانی که قصه شان را نگفتیم و خداوند با موسی بطور خاصی سخن گفت (۱۶۴) رسولانی که مژده دهنده و هشدار دهنده بودند تا اینکه پس از آنها مبادا برای مردم علیه خدا دلیلی باشد و خداوند پیروزمند فرزانه است (۱۶۵) لیکن خداوند در مورد آنچه بسوی تو نازل کرده گواهی میدهد که آنرا به علمش نازل کرده، و ملائکه نیز بر این امر شهادت میدهند، و خداوند برای شهادت دادن کافی است (۱۶۶)

کسانی که کافر شدند و از راه خدا بازداشتند البته به گمراهی بسیار دوری دچار شدند (۱۶۷)
آنانکه کافر شدند و ظلم کردند اینطور نیست که خداوند بیامرزدشان، و اینطور نیست که آنها را به راهی هدایت کند (۱۶۸)
مگر راه جهنم که در آن برای همیشه جاودان خواهند بود و این برای خدا آسان است (۱۶۹)

ای مردم ! پیامبر از جانب پروردگارتان به حق بسویتان آمده، پس اگر ایمان آورید برایتان بهتر است، و اگر کفر ورزید آنچه در آسمانها و زمین است مال خداست و خداوند دانای حکیم است (۱۷۰)

ای اهل کتاب! در دینتان غلوّ نکنید و درباره خداوند جز به حق مگوئید جز این نیست که عیسی پسر مریم رسول خدا بود و کلمه ای که آنرا بسوی مریم القا کرد و روحی از او بود. پس به خدا و رسولانش ایمان بیاورید و نگوئید خدا سه تاست، و بس کنید که برایتان بهتر است.
جز این نیست که خدا یکی است.
منزه است که برایش فرزندی باشد.
آنچه در آسمانها و زمین است مال اوست و خداوند برای نظارت کافی است (۱۷۱)
خود مسیح هرگز سرپیچی نمی کند که بنده ای برای خدا باشد و ملائکه مقرب نیز همچنین، و هر کس که از بندگی او سرپیچی کند و بزرگی طلبد البته خداوند بزودی همگی آنها را جمع خواهد کرد (۱۷۲)
اما در مورد مومنانِ صاحب اعمال شایسته، پاداش هایشان را بطور کامل میدهد واز فضل خویش نیز برآن می افزاید، ولی در مورد گردنکشان و مستکبران، آنها را به عذابی دردناک معذبشان میکند و هیچ دوست و سرپرستی جز خداوند نخواهند داشت (۱۷۳)

ای مردم دلیلی از جانب پروردگار بسویتان آمده و بسویتان نوری آشکار نازل نموده

ایم (۱۷۴) پس، آنانکه به خداوند ایمان آورده و به او تکیه کرده اند آنها را در رحمتی از جانب خویش و فضلی داخل خواهد کرد و به جاده مستقیمی بسوی خویش هدایتشان خواهد نمود (۱۷۵)

ای پیامبر! از تو فتوا میخواهند، بگو خداوند درباره کلاله فتوا میدهد:
اگر مردی بمیرد و فرزندی نداشته باشد، و خواهری داشته باشد نصف مال بجا مانده مال اوست. و او نیز از آن خواهر ارث میبرد اگر فرزندی نمی داشت و اگر آن خواهر ها دو تا باشند دو سوم مال بجا مانده مال آنهاست و اگر چند برادر و خواهر باشند نصیب هر مردی مانند دو زن است. خداوند حق را برایتان بیان می کند، مبادا گمراه شوید، و خداوند به همه چیز داناست (۱۷۶)

سوره نور

بسم الله الرحمن الرحیم
سوره ای فرستادیم و مقررات آن را واجب نمودیم و در آن آیاتی روشن کننده فرستادیم شاید پند گیرید (۱)

هر یک از مرد و زن زناکار را صد شلاق بزنید و در دین خدا نسبت به آنان رافت نشان ندهید، اگر به خدا و روز آخرت ایمان دارید،
و باید عده ای از مسلمانان شاهد مجازاتشان باشند (۲)
مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نکند و زن زناکار نیز جز با مرد زناکار و یا مشرک ازدواج ننماید و آنها بر مسلمانان حرامند (۳)

و کسانی که به زنان شوهردار نسبت زنا میدهند و سپس چهار شاهد بر صحت ادعای خویش نمی آورند هشتاد ضربه شلاقشان بزنید و دیگر هرگز از آنها گواهیی قبول نکنید و آنها گناهکارند (۴)

مگر کسانی که پس از آن توبه کنند و رفتار خویش را اصلاح کنند که خداوند آمرزشگر مهربان است (۵)

وکسانی که به زنان خویش نسبت زنا میدهند و شاهدی جز خویشتن ندارند شهادت دادن آنها به این صورت است که هر کدامشان چهار بار خدا را شاهد بگیرد که از راستگویان است (۶) و بار پنجم اینکه لعنت خدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد (۷) و مجازات را از آن زن دور میکند در صورتیکه چهار بار خدا را شاهد بگیرد که شوهرش از دروغگویان است (۸) و بار پنجم اینکه غضب خدا بر خودش باد اگر شوهرش از راستگویان باشد (۹)
و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود از این رفتارهای نا صحیح تان چه ها که بر سرتان نمی آمد و اینکه خدای شما بسیار توبه پذیر فرزانه است (۱۰)

البته آنهائی که آن دروغ را که تهمت زنا به یک زن محترم بود از خودشان در آوردند جمعی از شما مسلمانان بودند.
آنرا برای خویش شری مپندارید، بلکه برایتان خیر است.
هر کدامشان، از آن گناه قسمتی را کسب کرده، و کسی که در میان آنها سرپرستی و بزرگی داشته، عذابی عظیم خواهد داشت (۱۱)
چرا وقتیکه آنرا شنیدید مردان و زنان مومن راجع به خویش گمان خیر نبردند و نگفتند این دروغی آشکار است؟ (۱۲)
چرا آن تهمت زنندگان راجع به آن تهمت چهار شاهد نیاوردند؟
وقتیکه شاهد نیاوردند نزد خداوند دروغگو محسوب میباشند (۱۳)
و اگر فضل خدا و رحمت او در دنیا و آخرت بر شما نبود حتما درباره آنچه در آن افتادید عذابی عظیم به شما میرسید (۱۴)
همان وقت که آنرا با زبانهایتان فرا میگرفتید و با دهانهایتان چیزی را که راجع به آن علم نداشتید میگفتید، آنرا آسان می پنداشتید، در حالیکه نزد خداوند مهم بود (۱۵)

و چرا وقتیکه آنرا شنیدید نگفتید ما را نمیرسد که راجع به آن سخن بگوئیم؟ و نگفتید خدایا منزّهی، این بهتانی بزرگ است (۱۶)
خداوند نصیحتتان میکند که مبادا هرگز به مانند آن گناه باز گردید اگر مومن میباشید (۱۷)
و خداوند آیات را برایتان بیان می کند و خداوند دانای حکیم است (۱۸)

البته کسانی که دوست دارند کارهای زشت در بین مسلمانان شایع شود در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهند داشت،
و خداوند میداند و شما نمیدانید (۱۹)
و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود و اینکه خداوند دلسوز مهربان است چه ها بر سرتان می آمد (۲۰)

ای مسلمانان! از گامهای شیطان پیروی مکنید و کسی که گامهای شیطان را پیروی کند بداند که او به کارهای زشت و ناپسند فرمان میدهد، و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود هرگز هیچیک از شما پاک نمی ماند ولیکن خداوند است که هر کس را بخواهد پاک میکند و خداوند شنوای داناست (۲۱)

و نباید صاحبان رفاه و زیادت از بین شما خودداری کنند از اینکه از مال خویش به نزدیکان و بیچارگان و مهاجران راه خدا بدهند، و باید عفو کنند و چشم بپوشند، آیا دوست ندارید که خداوند ببخشدتان؟ و خداوند آمرزگار مهربان است (۲۲)

البته کسانی که به زنان شوهردارِ مومنِ غافل تهمت زنا میزنند، در دنیا و آخرت از رحمت خداوند دورند و عذابی عظیم خواهند داشت (۲۳)
در روزی که زبانهایشان و دستها و پاهایشان در مورد اعمالشان علیه آنها شهادت خواهند داد (۲۴)

در آن روز خداوند جزای راستین آنها را بطور کامل خواهد داد و خواهند دانست که خداوند خودش حق آشکار است (۲۵)
زنان پلید برای مردان پلید و مردان پلید برای زنان پلید، و زنان پسندیده برای مردان پسندیده و مردان پسندیده برای زنان پسندیده باشند.
آنها از آنچه میگویند بدورند و آمرزشی و روزیی نیکو خواهند داشت (۲۶)

ای مسلمانان! به خانه هائی غیر از خانه های خودتان داخل نشوید مگر اینکه با آنها آشنائی برقرارکنید و بر اهلش سلام کنید،
این برای شما بهتر است. باشد که پند گیرید (۲۷)
و اگر کسی را در آن نیافتید داخلش نشوید مگر اینکه به شما اجازه دهند و اگر گفتند برگردید، البته برگردید، که برای شما پاکیزه تر است و خداوند به آنچه میکنید داناست (۲۸)
برایتان گناهی نیست که داخل خانه های غیر مسکون که چیزی در آن دارید بشوید و خداوند آنچه را که آشکار و پنهان می‌کنید میداند (۲۹)
ای پیامبر! به مردان مومن بگو قسمتی از نگاه های خویش را فرو پوشند و اندام جنسی خویش را حفظ کنند، این برایشان پاکتر است،
خداوند به آنچه می کنند آگاه است (۳۰)
و به زنان مومن بگو قسمتی از نگاه های خویش را فروپوشند و دامن خویش حفظ کنند و زینت خویش غیر از آنچه ظاهر است آشکار نکنند، و باید روپوش های خود را بر گریبان هایشان بیاندازند، و زینت خویش را آشکار نکنند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدران شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنهایشان، یا بردگانشان، یا مردان تابعی که خواسته ای نسبت به زنان ندارند، یا اطفالی که متوجه عورت های زنان نیستند، و نیز نباید پاهایشان را بکوبند که قسمتی از زینت های آنها شناخته شود، و همگی بسوی خدا توبه کنید ای مومنان شاید رستگارشوید (۳۱)

و عزب هاتان و غلامان و کنیزان شایسته تان را به ازدواج در آورید. اگر فقیر باشند خداوند از فضل خویش بی نیازشان میکند. و خداوند وسعت دهنده داناست (۳۲)
و آنهائی که امکان مالی برای ازدواجی نمی یابند باید عفاف پیشه کنند تا اینکه خداوند از فضل خویش بی نیازشان کند.

و کسانی از بندگان شما که میخواهند بتدریج خود را باز خرید کنند در صورتیکه خیری در آنان یافتید قبول کنید و از مال خدا که به شما داده به آنها بدهید.
و اگر کنیزان شما خواستار پاکدامنی بودند آنها را به بدکاری وادار نکنید تا چیزی از ظاهر زندگی دنیا بدست آورید و کسی که آنها را مجبور کند خداوند پس از مجبور شدنشان آمرزنده مهربان است (۳۳)
و البته آیات روشنگری بسویتان نازل کردیم که مَثَلی از پیشینیانتان که در گذشتند نیز در آن هست،
و همچنین موعظه ای برای تقوا پیشگان است (۳۴)

خداوند نور آسمانها و زمین است.
مثال نورش مانند چراغدانی است که در آن چراغی است.
آن چراغ در شیشه ای است،
و شیشه گوئی که ستاره ای درخشان است که از درختی پر برکتِ روغن دار که نه شرقی و نه غربی است مشتعل گشته،
نزدیک است روغنش مشتعل شود گرچه آتشی هم به آن نرسیده باشد،
نوری برفراز نوری است،
خداوند هر کس را که خواهد به نور خویش هدایت میکند و برای مردم مثل ها میزند و خداوند به همه چیز داناست (۳۵)

در خانه هائی که خداوند اجازه داده که بر پا شده و نام او یاد شود، برای او در آنها صبحها و شبها تسبیح میکنند (۳۶)
کسانی که تجارتی و خرید و فروشی آنها را از یاد خدا و برپائی نماز و دادن زکات غافل نمی کند، و از روزی که دلها و چشم ها در آن میچرخند می ترسند (۳۷)
تا خداوند پاداش کاری را که میکنند، به بهتر از آن، به آنها بدهد،
و از فضل خویش نیز به آن بیفزاید، و خداوند هر که را خواهد بدون حساب روزی میدهد (۳۸)
و آنانکه کافرند اعمالشان مانند سرابی است در بیابانی که تشنه آنرا آب می پندارد، ولی هنگامی که به آن میرسد چیزی نمی یابد، و خداوند را نزد آن اعمال خویش می یابد که حسابش را به تمامی میدهد و خداوند تند حساب است (۳۹)
یا چون تاریکی هائی در دریائی عمیق که موجی آنرا می پوشاند که بالای آن نیز موج دیگری است و روی آن ابری است، تاریکی هائی که پشت بر پشت یکدیگرند، اگر دستش را در آوَرَد ممکن است از شدت تاریکی آنرا نبیند، و کسی که خداوند برایش نوری قرار نداده، نوری ندارد (۴۰)

آیا نمی بینی که هر که در آسمانها و زمین است، و نیز پرندگان بال گشاده، او را تسبیح می کنند؟ همگی نماز و تسبیح خویش را میدانند، و خداوند به آنچه می کنند داناست (۴۱)
و فرمانروائی آسمانها و زمین از آن خدا و بازگشت بسوی اوست (۴۲)
آیا نمی بینی خداوند ابرها را ایجاد کرده و سپس بین آنها پیوستگی برقرار میکند سپس آنها را فشرده کرده و آنگاه می بینی که باران از بین آنها بیرون می آید؟
و از آسمان از کوههائی از ابر تگرگ نازل می کند و به هر کس که خواهد میزند و از هر کس خواهد باز می دارد، آنطور که نزدیک است برقش چشم ها را ببرد (۴۳)
خداوند شب و روز را میگرداند، که در این برای صاحبان بصیرت عبرت هایی است (۴۴)

و خداوند است که همه جنبندگان را از آبی آفریده. برخی از آنها بر شکم می خزند، و برخی از آنها بردو پا و برخی بر چهارپا راه میروند.
خداوند هر چه بخواهد می آفریند که خداوند به هر چیزی تواناست (۴۵)
البته آیاتی بیان کننده فرستاده ایم و خداوند هر که را خواهد بسوی صراطی مستقیم هدایت می کند (۴۶)

ای پیامبر! برخی از اینان میگویند به خدا و رسول ایمان آورده ایم و اطاعت داریم، آنگاه عده ای از آنها روی میگردانند و مومن نیستند (۴۷)
و هنگامیکه بسوی خدا و رسولش دعوت میشوند که پیامبر بین آنها حکم کند عده ای از آنها روی میگردانند (۴۸)
و اگر نتیجهء حکم، حق با آنها باشد اعتراف کنان بسوی او می آیند (۴۹)
آیا در قلوبشان مرضی هست یا شک دارند یا میترسند خدا و رسولش به آنها ظلم کنند؟
بلکه آنها خودشان ظالمند (۵۰)
جز این نیست قول مومنان که وقتی بسوی خدا و رسولش دعوت میشوند که بین آنها حکم کند، این است که: شنیدیم و اطاعت می کنیم و آنها همان رستگارانند (۵۱)
و کسی که خدا و رسولش را اطاعت کند و از خدا بیم داشته باشد و از او پروا کند کامیار است (۵۲)
و سخت ترین قسم های خویش را یاد می کنند که اگر به آنان امر کنی حتما برای جهاد خارج میشوند.
بگو قسم نخورید، اطاعت شناخته میشود.
خداوند به آنچه میکنید آگاه است (۵۳)
بگو خدا و رسول را اطاعت کنید، و اگر پشت کردید، آنچه که بر او واجب شده بر عهده اوست و آنچه بر شما واجب شده بر عهده شماست،
و اگر اطاعتش کردید هدایت خواهید شد،

و بر عهده رسول جز رساندن آشکار نیست (۵۴)
خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و اعمال شایسته انجام داده اند وعده داده است که آنها را حتما در زمین جایگزین خواهد کرد،
همچنانکه پیشینیان آنها راجایگزین کرده، و دینشان را که برایشان پسندیده مستقر خواهد کرد، و پس از خوفشان امنیت را جایگزین خواهد نمود، که خدا را بپرستند و چیزی را با او شریک نگیرند، و کسی که پس از آن کفر ورزد از فاسقان است (۵۵)
و نماز بپا دارید و زکات دهید و رسول را اطاعت کنید شاید رحمت شوید (۵۶)

ای پیامبر! مپندار کافران در روی زمین خداوند را عاجز می کنند، بلکه جایگاهشان آتش است و چه سرانجام بدی است (۵۷)

ای مسلمانان ! بردگان شما و کسانی که هنوز به بلوغ جنسی نرسیده اند باید سه بار از شما اجازه بگیرند. قبل از نماز صبح، و وقتی که لباستان را در ظهرها کم می کنید، و پس از نماز عشاء.
سه باری که زمان کم لباسی شماست.
پس از آن، نه بر شما و نه بر آنها گناهی نیست که دور و بر شما بچرخند.
خداوند آیات را چنین برایتان بیان می کند و خداوند دانای فرزانه است (۵۸)
و هنگامی که بچه ها به بلوغ جنسی رسیدند باید اجازه بگیرند، مانند کسانی که قبلا اجازه میگرفتند. خداوند آیاتش را چنین برایتان بیان می کند و خداوند دانای فرزانه است (۵۹)
و زنان باز نشسته ای که امید ازدواجی ندارند اشکالی ندارد که جامه خویش را بگذارند، در صورتیکه با زینت هایشان خود آرائی نکنند.
و اگر عفاف بورزند برایشان بهتر است.
و خداوند شنوای داناست (۶۰)

اشکالی ندارد که کوران و لنگ ها و مریض ها و خودهاتان از خانه های خویش بخورید،

یا خانه های پدرانتان یا خانه های مادرانتان، یا خانه های برادرانتان، یا خانه های خواهرانتان، یا خانه های عموهایتان، یا خانه های عمه هایتان، یا خانه های دائی هایتان، یا خانه های خاله هایتان، یا جائی که کلیدهایش را دارید، یا خانه های دوستانتان، اشکالی ندارد که دستجمعی بخورید یا جداگانه.
و هنگامی که به خانه هائی در می آئید بر خودهاتان سلامی کنید که تحیتی پسندیده از جانب خداوند است که پر برکت و خوشایند است.
خداوند آیات را چنین برایتان بیان می کند شاید به عقل در یابید (۶۱)

جز این نیست که مومن کسی است که ایمان به خدا و رسول دارد و وقتی که در یک کار دستجمعی با اوست بدون اجازه نمیرود، کسانی که از تو اجازه میخواهند کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان دارند، پس اگر برای بعضی کارهایشان از تو اجازه خواستند به هر کس از آنها که خواستی اجازه بده، و از خدا برای او آمرزش بخواه، که خداوند آمرزگار مهربان است (۶۲)
پیامبر را در بین خویش آنطور که همدیگر را صدا میزنید صدا نزنید.
البته خداوند کسانی از شما را که پنهانی در میروند می شناسد.
پس باید کسانی که با امرش مخالفت می کنند بترسند که مبادا فتنه ای یا عذابی دردناک به آنان برسد (۶۳)

بدانید: آنچه در آسمانها و زمین است مال خداست.
میداند شما در چه موقعیتی هستید،
و روزی که بسوی او برمیگردند خبر اعمالشان را به آنان میدهد و خداوند به هر چیزی داناست (۶۴)

سوره طلاق

بسم الله الرحمن الرحیم

ای پیامبر! هنگامی که زنان را طلاق میدهید آنها را تا سر آمدِ عّده شان طلاق دهید وحساب عده را نگهدارید و از خداوندِ پروردگارتان پروا کنید.
آنها را از خانه هایشان بیرون نکنید و خودشان هم خارج نشوند مگر اینکه کار زشت آشکاری مرتکب شوند،
و اینها حدود خداست،
و کسی که از حدود خدا تجاوز کند بر خویش ظلم کرده،
نمی دانی شاید خداوند بعد از آن امری پدید آورد (۱)
پس هنگامی که به سر رسید عدّه خویش رسیدند، یا آنها را به نیکی نگهدارید،
یا به نیکی از آنان جدا شوید،
و دو نفر از عادل های خودتان را به شهادت بگیرید و شهادت را هم برای خدا برپا دارید، اینها نکاتی است که اشخاصی که به خدا و آخرت ایمان دارند از آن پند میگیرند
و هر کس که تقوا پیشه کند خداوند برایش راه نجاتی قرار میدهد (۲)
و از جائی که فکرش را هم نمی کند روزیش میدهد، و هر کس که به خدا توکل کند او را بس است.
البته خداوند کار خود را به سرانجام میرساند.
البته خداوند برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است (۳)

آن زنانتان که یائسه شده باشند در صورتیکه شکی داشته باشید، یا آنهائی که حیض ندیده اند، عدّه آنها سه ماه است.
و عدّه زنان حامله تا وضع حملشان است.
و هر کس که تقوا پیشه کند خداوند از فرمان خویش برای او آسانیی قرار میدهد (۴)
این فرمان خداست که بسویتان نازل کرده، و کسی که تقوا پیشه کند خداوند زشتی هایش را می پوشاند و پاداشش را بزرگ میفرماید (۵)

آنان را در همان مساکنی که بر حسب توانائی خود دارید سکونت دهید، و از جهت اینکه آنها را در تنگنا قرار دهید به آنان ضرر نرسانید، و اگر حامله هستند خرجشان را بدهید تا بزایند، و اگر برای شما شیر دادند مزدشان را بدهید،
و بین خودتان به خوبی مشورت کنید ،
و اگر در توافق سخت گیری کردید یکنفر دیگر شیرش دهد (۶)
توانگر باید متناسب با توانائی خویش خرج کند،
و تنگدست باید از آنچه خدا به او داده هزینه کند،
خداوند به هیچکس جز مطابق با قدرتی که به او داده تکلیفی نمی کند.
خداوند بزودی بعد از سختی آسانیی قرار میدهد (۷)

چه بسیار شهرهائی بودند که مردمش از فرمان پروردگارشان و فرستادگانش سرپیچیدند، و آنها را به حسابی شدید و عذابی ناشناخته بگرفتیم (۸)
آنگاه نتیجه بدِ کارشان را چشیدند و عاقبت امر آنها نیز خسارت بود (۹)
خداوند برای آنان در آخرت عذابی شدید تهیه دیده است.
پس ای خردمندانِ مومن تقوا پیشه کنید که خداوند بسوی شما پندی نازل کرده است (۱۰)
رسولی که آیات روشن کننده خدا را برشما میخواند تا کسانی را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام میدهند را از تاریکیها خارج کرده بسوی نور ببرد.
کسی که به خدا ایمان بیاورد و عمل شایسته کند خداوند او را داخل باغ هائی می کند که در کف آنها نهرها جاری است که همیشه در آنها جاودان خواهند بود،
و البته خداوند روزی او را نیکو نموده است (۱۱)

خداوندی که هفت آسمان، و از زمین نیز مانند آنها را، آفرید.
فرمان او پیوسته در بین آنها نازل میشود، تا بدانید که خدا بر هر چیزی تواناست، واینکه علم خدا به همه چیز احاطه دارد (۱۲)

سوره فتح

بسم الله الرحمن الرحیم

ای پیامبر! البته تو را با پیروزیی نمایان پیروز خواهیم کرد (۱)
تا خداوند گناهان گذشته و آینده ات را بیامرزد و نعمتش را بر تو تمام نموده و به جاده ای مستقم هدایتت کند (۲)
و به یاریی که از آن بالاتر نباشد یاریت کند (۳)

خداوند هموست که آرامش را در دلهای مومنان فرستاد تا ایمانی به ایمانشان بیفزاید، و لشکرهای آسمانها و زمین از آن خداست،
و خداوند دانای فرزانه است (۴)
تا زنان و مردان مومن را به بهشتهای جاودان داخل کند که نهرها از کف آنها جاری است و در آن جاودان خواهند بود،
و زشتی هایشان را بزداید و این نزد خدا پیروزیی بزرگ است (۵)
و مردان و زنان مشرک ومنافق را که به خدا گمانهای بد میبرند عذاب کند،
و چرخش بد روزگار بر خودشان باد،
و بر آنها غضب روا دارد و لعنتشان کند،
و برایشان جهنم و سرانجام بد مهیا نماید (۶)
و لشکریان آسمانها و زمین از آن خداست، و خداوند پیروزمند فرزانه است (۷)

ای پیامبر! تو را گواه و مژده بخش و هشدار دهنده فرستادیم (۸)
تا مردم به خدا و رسولش ایمان بیاورند
و پیامبرش را یاری کنند و احترامش نمایند
و خدا را شبها و صبحگاهان به پاکی بستایند (۹)

جز این نیست آنان که با تو بیعت میکنند البته با خدا بیعت میکنند.
دست خدا بالای دستها یشان است.
پس هر کس که پیمان بشکند جز این نیست که به ضرر خود شکسته، و چه کسی نسبت به عهد خویش از خدا با وفاتر است؟
که به زودی اجری عظیم عطا خواهد نمود؟ (۱۰)

ای پیامبر! بزودی تخلف کنندگانی از اعراب بتو خواهند گفت اموالمان و خانواده مان مشغولمان کرد، پس برایمان استغفار کن.
با زبانشان چیزی میگویند که در دلهاشان نیست.
بگو چه کسی از شما در برابر خداوند حمایت میکند اگر برای شما ضرری یا نفعی خواسته باشد؟
بلکه خداوند از آنچه می کنید آگاه است (۱۱)
بلکه گمان کرده اید که پیامبر و مومنان هرگز بسوی خانواده هایشان بر نمیگردند، واین در دلتان جلوه داده شد، و گمانهای بد بردید،
واینک قومی پاکباخته هستید (۱۲)
و کسی که به خدا و رسولش ایمان نیاورده باشد،
البته برای کافران آتش سوزان آماده نموده ایم (۱۳)
و فرمانروائی آسمانها و زمین از آن خداست.
هر که را بخواهد می بخشد و هر که را بخواهد عذاب میکند، و خداوند بخشنده مهربان است (۱۴)

هنگامیکه بسوی غنیمت ها میروید که تصرف کنید بزودی تخلف کنندگان خواهند گفت بگذارید دنبالتان بیائیم.
میخواهند کلام خدا را عوض کنند،
بگو هرگز همراهمان نخواهید آمد.

خداوند از قبل چنین گفته است.
پس خواهند گفت بلکه بر ما حسد میورزید،
نه! بلکه آنها جز چیز کمی نمی فهمند (۱۵)
به تخلف کنندگانِ از اعراب بگو بزودی دعوت می شـوید با قومی پر صـلابت برخورد کنید، تا با آنان کارزار کنید یا تسلیم شوند.
پس اگر اطاعت کنید خداوند اجری نیکو به شما میدهد و اگر پشت کنید، همچنانکه قبلا پشت کردید، شما را به عذابی دردناک معذب میکند (۱۶)
نه بر نابینا گناهی اســت و نه بر لنگ و نه بر مریض که در جنگ شــرکت نکنند، و کسی که خدا و رسولش را اطاعت کند او را به بهشتهائی که در کف آن نهر ها جاری است داخل میکند،
و کسی که در جنگ به دشمن پشت کند به عذابی دردناک عذابش می کند (۱۷)

البته خداوند از مومنینی که زیر آن درخت با تو بیعت کردند را ضی شده، و دا ست چه در دلشان میگذرد و آرامش را بر آنها فروفرستاد و پیروزیی نزدیک عطایشان کرد (۱۸)
و غنیمت های زیادی که خواهند گرفت و خداوند پیروزمند فرزانه است (۱۹)

خداوند غنیمت های زیادی به شــما وعده داد که بدســت می آورید و این یکی را که فتح خیبر باشد، برایتان جلو انداخت،
و دست مردم را از شما کوتاه کرد، تا نشانه ای برای مومنان باشید،
و شما را به جاده ای مستقیم هدایت کند (۲۰)
و چیز دیگری که قدرتش را نداشتید، و همو به آن احاطه دارد،
و خداوند بر هر چیزی تواناست (۲۱)
و اگر کافران با شما کارزار کرده بودند حتما به جنگ پشت میکردند و آنگاه نه یاوری و نه دوستی می یافتند (۲۲)

این سنت خداست که قبلا هم جاری شده و تو در سنت خدا تغییری نخواهی یافت (۲۳)

و هموســت که در دل مکه، پس از اینکه شــما را پیروز کرد دســت آنها را از شــما و دست شما را از آنها کوتاه کرد.
و خداوند به آنچه میکنید بیناست (۲۴)
آنها همانها بودند که کفر ورزیده بودند و از ورودتان به مسجد الحرام جلوگیری نموده و مانع رسیدن قربانیهای شما به قربانگاه شده بودند.
و اگر نبود مردان و زنان مومنی که آنها را نمی شناسید، و ممکن بود زیر دست و پای شما بیفتند،
و بدون اینکه بدانید به آثار سوء آن گرفتار شوید،
خداوند اینگونه رفتار نمی کرد بلکه اگر آنها از کفار جدا شـــده بودند، البته کافران را به عذابی دردناک عذاب می کرد.
و خداوند هر کس را بخواهد در رحمت خویش داخل خواهد نمود (۲۵)

ای پیامبر! به یاد آر هنگامی را که کافران در دلشــان حمیت جاهلیت قرار داده بودند و خداوند آرامش خویش را به رسولش و بر مومنان فرو ریخت،
و آنها را ملزم به کلمه تقوا کرد، که نســـبت به آن ســـزاوارتر هم بودند، زیرا اهل آن بودند،
و خداوند به هر چیزی داناست (۲۶)

البته خداوند خواب رسولش را راست درآورد که اگر خدا بخواهد با ایمنی وارد مسجد الحرام خواهید شد، بدون اینکه تر سی دا شته با شید، سرتان را خواهید ترا شید و موهایتان را کوتاه خواهید کرد، و چیزی میداند که شـــما نمیدانید و قبل از آن پیروزیی نزدیک قرار داد (۲۷)

هموست که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آنرا بر همه ادیان غالب کند و خداوند برای شاهد بودن کافی است (۲۸)

محمد رسـول خداسـت. و آنانکه با او هسـتند بر کافران سـخت گیر و میان خویش مهربانند.
آنها را می بینی که بسیار در رکوع و سجودند و فضل خدا و رضایتش را جستجو می کنند، و علامتشان در صورتشان از اثر سجود نمایان است.
این وصـف آنان اسـت در تورات و در انجیل که مانند زراعتی هسـتند که از شـدت برکت جوانه هائی میزنند و آن جوانه ها ضخیم می شوند و مستقیم بر پای خود می ایستند بطوری که کشاورزان را به شگفت می آورند،
تا خداوند کفار را بواسطه آنها به خشم آورد.
خداوند از بین آنها به مومنان ودارندگان اعمال شایسته وعده مغفرت و پاداش عظیم داده است (۲۹)

سوره ممتحنه

بسم الله الرحمن الرحیم

ای مسلمانان! دشمنم و دشمنتان را دوست نگیرید،که با حالت دوستانه ملاقاتشان کنید،
در حالیکه به آنچه از حق که بسویتان آمده کفر میورزند،
و رسول و شما را بعلت اینکه به خداوند پروردگارتان ایمان آورده اید اخراج می کنند، اگر بخاطر من و کسب رضایتم برای جهاد از جایگاه تان خارج میشوید نباید پنهانی با آنان دوستی کنید،
و من به آنچه پنهان میدارید و آشکار می کنید داناترم و هر کدام از شما که این کار را کند بطور قطع از راه مستقیم منحرف شده است (۱)
اگر بر شما دست یابند دشمنانتان خواهند بود و دست و زبان خویش را علیه شما به

بدی باز خواهند کرد و دوست دارند کافر شوید (۲)
روز قیامت اولاد و ارحام شما فایده ای برایتان نخواهند داشت.
در آن روز بین شما فاصله می افتد.
و خداوند به اعمال شما بیناست (۳)

برای شما الگوی خوبی در ابراهیم و همراهان اوست هنگامی که به قوم خویش گفتند: ماز شما وآنچه که بجز خداوند میپرستید بیزاریم، و به شما کفر میورزیم واز حالا تا قیامت میان ما و شما دشمنی و نفرت خواهد بود مگر اینکه به خدای واحد ایمان بیاورید. غیراز گفتار ابراهیم که به پدرش گفت: برای تو استغفار خواهم کرد و البته هیچ کاری در مقابل خدا از من ساخته نیست. پروردگارا برتو توکل می کنیم وبسوی تو باز میگردیم و سرانجام بسوی توست (۴) خدایا ما را آماج فتنه کافران قرار مده، و ببخشمان، که تو پیروزمند فرزانه ای (۵) البته برای آن دسته از شما که امید به خدا و آخرت دارند در آنان الگوی پسندیده ای است و هر کس هم که پشت کند، خداوند بی نیاز پسندیده است (۶) چه بسا که خداوند بعدا بین شما و همانها که با آنان بخاطر خدا دشمنی کرده اید دوستی بر قرار کند. و خداوند تواناست، و خداوند بخشنده مهربان است (۷)

در مورد آنانکه در امر دین با شما مبارزه نکردند و شما را از دیارتان اخراج نکردند، خداوند نهی تان نمی کند که به آنان نیکی کنید و درباره آنان رفتار عادلانه داشته باشید. زیرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست میدارد (۸) خداوند فقط شما را نهی می کند که کسانی را که در امر دین با شما مبارزه کردند و شما را از دیارتان بیرون کردند و یا در این کار پشتیبانی کردند، دوست بدارید. و هر کس که دوستشان بدارد از ظالمان است (۹)

ای مسلمانان! هنگامی که زنان مسلمان مهاجر بسوی شما آمدند امتحانشان کنید. البته خداوند به ایمان آنها داناتر است،

پس اگر آنها را مومنه یافتید بسوی کفار برشان نگردانید. نه اینها برای آنها حلالند ونه آنها برای اینها.
وآنچه آنها خرجشان کرده اند بهشان بدهید،
و گناهی ندارد پس از اینکه اجر و مَهرشان را بدهید، با آنان ازدواج کنید.
وبه دامن زنان کافر چنگ نیندازید، باید آنچه را که خرج کرده اید مطالبه کنید و آنها هم باید آنچه خرج کرده اند مطالبه کنند،
این حکم خداست که بین شما حکم می کند.
و خداوند دانای فرزانه است (۱۰)
و اگر از زنان شما بعضی ها بسوی کفار رفتند و شما موضوع را وخرج و هزینه ای را که کرده اید تعقیب نمودید، پس به کسانی هم که زنانشان ازپیش آنها رفته اند همانند آنچه را که خرج کرده اند بدهید.
واز خدائی که به او ایمان پیدا کرده اید پروا کنید (۱۱)

ای پیامبر! هنگامی که زنان مسلمانی بسوی تو آمدند که با تو بیعت کنند،
که چیزی را با خدا وند شریک قرار ندهند،
و سرقت نکنند،
و زنا نکنند،
و اولادشان را نکشند،
و برآنچه بین دست وپایشان است به کسی بهتان نزنند،
و درباره هیچ کار پسندیده ای با تو مخالفت نکنند،
تو نیز بیعت آنان را بپذیر و برای آنان از خداوند آمرزش بخواه زیرا که خداوند بخشنده مهربان است (۱۲)

ای مسلمانان ! با قومی که خدا غضبشان کرده دوستی نکنید.
که آنها امیدی به آخرت ندارند،
همانطور که کفار از مردگان نومیدند (۱۳)

سوره نصر

بسم الله الرحمن الرحیم

ای پیامبر! وقتی که یاری خدا و آن پیروزی بیاید (۱) و ببینی که مردم گروه گروه داخل دین خدا می شوند (۲) پس به شکرانه آن، پروردگارت را حمد و تسبیح گوی و استغفار کن که او بسیار توبه پذیر است (۳)

سوره برائت (توبه)

ای مردم! این اعلام بیزاریی است از جانب خدا و رسولش نسبت به آن کسانی از مشرکان که با آنها پیمان بسته بودید (۱)

پس م شرکان مورد نظر چهار ماه در زمین بگردند و بدانند که نمیتوانند خدا را عاجز کنند و خداوند خوار کننده کافران است (۲)

و نیز این اعلامی از جانب خدا و ر سولش به مردم در آن حج بزرگ ا ست که خداوند و رسولش از مشرکان بیزارند.

پس اگر توبه کردند برایشان بهتر ا ست و اگر پشت کنند بدانند که نمیتوانند خدا را به ستوه آورند

و ای پیامبر! کافران را به عذابی دردناک نوید ده (۳) غیر از مشرکانی که با شما پیمان دارند و چیزی از آن را نقض نکرده و بر ضد شما کسی را یاری نکرده اند، که در مورد آنها پیمانشان را تا مدتش تمام کنید که خداوند تقواداران را دو ست میدارد (۴)

و هنگامی که ماه های عدم تعرض تمام شد هر جا که مشرکان را دیدید بکشیدشان و بگیریدشان و محاصره شان کنید و برای آنها در هر کمینگاهی کمین کنید، و اگر توبه کردند و نماز بپاداشتند و زکات دادند راهشان را باز کنید که خداوند آمرزگار مهربان است (۵)

ای پیامبر! اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست، به او پناه ده تا کلام خدا را بشنود، آنگاه او را به پناهگاهش برسان، زیرا که آنها مردمی هستند که نمیدانند (۶)

ای مسلمانان! چگونه ممکن است مشرکان پیمانی نزد خدا و رسولش داشته باشند؟ مگر در مورد آنهائیکه نزد مسجدالحرام پیمان بستند، در مورد آنان تا آنجا که به پیمان وفادار میمانند شما نیز وفادار بمانید که خداوند تقوا داران را دوست دارد (۷)
چگونه است که اگر بر شما غالب شوند نه خویشاوندی را رعایت می کنند و نه پیمان را، شما را با زبان راضی می کنند و دلهاشان با آن مخالفت دارد و اکثرشان گناهکارند (۸)
آیات خدا را به بهائی اندک میفروشند و از راه خدا باز میدارند، چه کار بدی است که می کنند (۹)
درباره مومنان نه خویشاوندی را رعایت می کنند و نه پیمانی را، وتجاوزکارند (۱۰)
اما اگر توبه کردند و نماز بپاداشتند و زکات دادند برادران دینی شما هستند، و ما آیات را برای مردمی دانا چنین تشریح می کنیم (۱۱)
و اگر سوگندهایشان را پس از پیمانشان شکستند، و در دین به شما طعنه زدند ، با بزرگان کافران بجنگید که آنها اهل پایبندی به قسم ها نیستند شاید به این روش دست بکشند (۱۲)
ای مسلمانان! آیا با قومی که سوگندهایشان را شکستند و به اخراج پیامبر همت گماشتند نمی جنگید؟ در حالیکه همانها بودند که شروع به تعرض کردند؟
آیا از آنها میترسید؟ خداوند به اینکه از او بترسید سزاوارتر است اگر مومن میباشید (۱۳)
با آنان بجنگید که خداوند به دست شما آنها را عذاب و خوارشان میکند و شما را علیه آنها یاری، و دلهای مومنان را شفا میدهد (۱۴)
و غیظ دلهای آنها را میبرد و خداوند بر هر که بخواهد بازگشت میکند و خداوند دانای فرزانه است (۱۵)

آیا پنداشـــته اید خداوند بدون اینکه معلوم کند که کدامتان در راه خدا جهاد کرده و غیر از خدا و رســـولش و مومنان همرازی نگرفته اند، رهایتان می کند؟ و خداوند به آنچه می کنید آگاه است (۱۶)

ای مســلمانان! مشــرکان را نمیرســد که مســاجد خدا را در عین حالی که برخویش گواهی کفر میدهند آباد کنند. اعمال آنها نابود و خودشـــان هم در جهنم جاودانند (۱۷)

جز این نیســت که مســاجد خدا را کســانی آباد کنند که به خدا و روز آخرت ایمان داشــته و نماز بپادارند و زکات داده و جز از خدا نترســند و جای امیدواری اســت که آنها از هدایت یافتگان باشند (۱۸)

ای کافران! آیا آب دادن به حاجیان و آباد سازی مسجدالحرام را مانند کار کسی قرار داده اید که به خدا و آخرت ایمان داشـــته و در راه خدا جهاد کرده اســـت؟ نزد خدا مساوی نیست و خداوند ظالمان را هدایت نمیکند (۱۹)

کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جان جهاد نموده اند نزد خداوند بلندمرتبه تر بوده و همانها رستگارند (۲۰)

پروردگار شان به رحمت خویش، و رضایتی، و بهشتهائی که خواهند داشت، و در آن مقیم خواهند بود، مژده شـــان میدهد (۲۱) که در آن برای همیشـــه جاودانند، که پاداشی بزرگ نزد خداوند است (۲۲)

ای مســـلمانان! پدرانتان و برادرانتان را در صـــورتی که کفر را به ایمان ترجیح دادند دوست مگیرید. و هر کس چنین کند از ظالمان است (۲۳)

ای پیامبر! بگو اگر پدرانتان و فرزندانتان، و برادرانتان، و همســـرانتان، و فامیلتان، و اموالی که فراهم کرده اید، و تجارتی که از کسادی آن نگرانید، و خانه هائی که از آنها خشـــنودید، از خدا و رســولش و جهاد در راه او برایتان محبوب تر اســت، پس منتظر باشید تا خدا امر خویش را بیاورد و خداوند نافرمانها راهدایت نمیفرماید (۲۴)

البته خداوند شـما را در جاهای زیادی یاری کرد، و همچنین در روز جنگ حُنین که خیلی از کثرت خویش خو شتان آمده بود، اما فایده ای برایتان نکرده و زمین علیرغم گ شادیش بر شما تنگ شد. آنگاه برگ شته و پا به فرار گذا شتید (۲۵) آنگاه خداوند آرامشش را برپیامبرش و بر مومنان واقعی نازل کرد و نیروهائی فر ستاد که شما نمی دیدید و کافران را عذاب کرد و سزای کافران هم همین ا ست (۲۶) و خداوند پس از آن بر هر کس که بخواهد به لطف بازمیگردد وخداوند آمرزگار مهربان است (۲۷)

ای مسـلمانان! جز این نیسـت که مشـرکان پلیدند. پس، از امسـال به بعد نباید به مسـجدالحرام نزدیک شـوند، و اگر از تنگدسـتی میترسـید بزودی خداوند از فضـل خویش اگر خواهد بی نیازتان می کند که خداوند دانای حکیم است (۲۸)

ای مسلمانان! با آنانکه از اهل کتابند و به خدا و آخرت ایمان ندارند و آنچه را که خدا و رسولش حرام کرده حرام نمیدانند و به دین حق نمی گروند بجنگید تا اینکه با دست خویش جزیه دهند و سرافکنده باشند (۲۹)

و یهودیان میگویند عُزیر پسر خداست و مسیحیان میگویند مسیح پسر خداست. این سخن آنهاست که به زبان خویش میگویند. شبیه گفتار کافران قبل است. به جنگ خدا گرفتار شوند، چگونه از حق منحرف میشوند (۳۰)

یهودیان روحانیان، و مسیحیان رهبانان خویش، و نیز عیسی پسر مریم را، بجای خداوند به پروردگاری برگرفتند، در حالیکه جز این مامور نبودند که خدای واحد را بپرستند که خدائی جز او نیست و از آنچه با او شریک میگیرند منزه است (۳۱)

میخواهند نور خدا را بادهانهایشان خاموش کنند و خداوند جز این را نمی پذیرد که

نورش را کامل کند ولو اینکه کافران نپسندند (۳۲) هموست که رسولش را با دین حق فرستاد که آنرا برهمه دین ها غالب گرداند ولو اینکه مشرکان نپسندند (۳۳)

ای مسلمانان! بسیاری از روحانیون یهودی و رهبانان مسیحی اموال مردم را به باطل میخورند و از راه خدا باز میدارند،
و تو ای پیامبر! کسانی را که طلا و نقره جمع نموده و در راه خدا خرج نمی کنند به عذابی دردناک وعده شان ده (۳۴)
عذابی که در روز قیامت خواهند دید که در آن روز آن طلاها و نقره ها را در آتش جهنم سرخ نموده و با آن پیشانی هایشان و پهلوهایشان و پشتهایشان را داغ بنهند و به آنان گفته شود که این چیزی است که برای خود جمع کرده بودید، اکنون بچشید آنچه را که انباشته بودید (۳۵)

ای مسلمانان! تعداد ماه ها نزد خدا و در کتاب وی دوازده ماه است، از همان روزی که آسمانها و زمین را آفرید چنین بوده، و از آن ماه ها در چهارتایش جنگ حرام است. این یکی از احکام دین استوار است. پس در آن ماه ها به خویش ظلم مکنید که به جنگ بپردازید
و همگیتان با مشرکان بجنگید همانطور که همگیشان با شما می جنگند و بدانید که خداوند با تقوا پیشگان است (۳۶)
جز این نیست که به تاخیر انداختن حرمت جنگ در ماه حرام زیادت در کفر است که کافران به آن گمراه میشوند که یک سال آن را حرام و یکسال حلالش میدارند، تا تعداد آنچه را که خداوند حرام کرده یکسان کنند. بدی اعمالشان برایشان زینت داده شده و خداوند کافران را هدایت نمی کند (۳۷)

ای مسلمانان! چه تان شده که وقتی به شما گفته میشود در راه جهاد برای خدا رهسپار شوید بسوی زمین سنگین شده اید؟ آیا به زندگی دنیا در مقابل آخرت راضی شده اید؟ در حالیکه برخورداری زندگی دنیا در قبال آخرت جز چیز کمی نیست (۳۸) اگر

به جهاد رهسپار نشوید به عذابی دردناک عذابتان نموده و مردمی دیگر را جایگزین شما میکند و ضرری به او نمیزنید و خداوند به هر چیز تواناست (۳۹) اگر این پیامبر را یاری نکنید البته خداوند یاریش کرده، همان موقعی که کافران راهی برایش باقی نگذاشته بودند مگر اینکه از سرزمین مالوفش فرار کرده و در مسیر هجرت همراه با یکنفر دیگر در آن غار پنهان شود، آن هنگام که در غار بودند و او به همراهش میگفت اندوهگین مباش که خدا با ما است. آنگاه خداوند آرامش خویش را براو نازل کرد و او را با لشگریانی که نمی دیدند یاری داد و کلمه کافران را فروتر و کلمه خویش را بالاتر قرار داد و خداوند عزیز حکیم است (۴۰) لذا ای مسلمانان! چه سبکبار و چه گرانبار، به جهاد رهسپار شوید، و با جان و مالهاتان در راه خدا جهاد کنید. این برایتان بهتر است اگر بدانید (۴۱)

ای پیامبر! اگر غنیمتی نزدیک و سفری کوتاه باشد حتما پیرویت میکردند ولیکن آن راه بنظرشان دور و سخت می آید و بزودی به خدا سوگند میخورند که اگر استطاعت میداشتیم حتما همراه شما برای جهاد خارج میشدیم، خود را هلاک می کنند و خداوند میداند دروغ میگویند (۴۲) ای پیامبر! خدا ببخشدت! پیش از اینکه راستگویان برایت مشخص شوند و دروغگویان را بشناسی چرا اجازه شان دادی که در مساکن شان بمانند و با تو برای جهاد خارج نشوند؟ (۴۳) آنهائی که به خدا و روز آخرت ایمان دارند از تو اجازه نمیگیرند که با اموالشان و جانهایشان جهاد کنند و خداوند به حال تقوا داران داناست (۴۴) فقط کسانی که به خدا و روز آخرت ایمان ندارند از تو اجازه عدم خروج میخواهند و دلشان شک دارد و در تردید خویش سرگردانند (۴۵) و اگر تصمیم به خروج داشتند برای آن تهیه ای میدیدند ولیکن خداوند برانگیختنشان را خوش نداشت و بازشان داشت و مقرر شد با نشستگان بنشینند (۴۶) اگر با شما خارج هم میشدند جز خرابی در کار شما نمی افزودند و در بین شما برای شرّ می شتافتند و فتنه بوجود می آوردند و در میان شما برای آنها خبر چینی میکردند و خداوند به حال ظالمان داناست (۴۷) البته قبلا هم دنبال فتنه بودند و کارها را برتو وارونه میکردند تا

اینکه حق آمد و امر خدا غالب شد و آنها آن را دوست نداشتند (۴۸) و از آنان کسانی هستند که میگویند اجازه ام ده و مرا به فتنه میانداز، بدانید در فتنه افتاده اند و جهنم بر کافران احاطه دارد (۴۹) اگر چیز خوبی به تو برسد ناراحت میشوند واگر چیز بدی به تو برسد میگویند ما صلاح کار خود را قبلا در نظر گرفته بودیم و با خوشحالی برمیگردند (۵۰) بگو چیزی بما نمیرسد مگر آنچه خداوند برایمان مقرر کرده، همو سرپرست ما است و مومنان باید بر خدا توکل کنند (۵۱) بگو آیا انتظار دارید جز یکی از دو چیز خوب بما برسد؟ و ما انتظار داریم که خداوند عذابی از جانب خویش یا بدست ما به شما برساند. پس شما منتظر باشید و ما نیز منتظر میمانیم (۵۲) بگو انفاق کنید، چه با تمایل و چه با ناراحتی. خداوند هرگز از شما قبول نخواهد کرد زیرا که شما مردمی نافرمانید (۵۳) و چیزی مانع قبول انفاقشان نشد جز اینکه به خدا و رسولش کافرند و به نماز جز با کسالت نمی آیند و انفاق هم جز با کراهت نمی کنند (۵۴) پس اموالشان و اولادشان تو را به شگفت نیاندازد. جز این نیست که خداوند میخواهد در زندگی دنیا بوسیله آن عذابشان کند و جانشان برود و کافر باشند (۵۵) و به خدا قسم میخورند که از شما هستند ولی از شما نیستند و مردمی پراکنده اند (۵۶) اگر پناهگاهی یا غارهائی یا گریزگاهی می یافتند حتما با شتاب بسوی آن می شتافتند (۵۷) و از آنها کسانی هستند که درباره صدقات نکوهشت می کنند و اگر از آن به آنان داده شود راضی میشوند و اگر داده نشود خشمگین میگردند (۵۸) و اگر به آنچه خدا و رسولش به آنان میدهند راضی میشدند برایشان بهتر بود و می باید میگفتند خداوند بسِ مان است و بزودی خداوند و رسولش از فضل خویش بما خواهند داد و ما بسوی خدا رغبت داریم (۵۹) جز این نیست که صدقات مخصوص فقراء، و بیچارگان، و ماموران آن، و برای دلجوئی، و برای آزادکردن بندگان، و بدهکاران، و در راه خدا، و در راه ماندگان است، که از جانب خدا تعیین شده و خداوند دانای حکیم است (۶۰) و از آنها کسانی هستند که پیامبر را اذیت می کنند و میگویند او خوشباور است بگو این برایتان بهتر است. به خدا ایمان دارد و سخن مسلمانان را باور میکند و رحمتی برای ایمان آوردگان شماست. و کسانی که پیامبر را اذیت می کنند عذابی دردناک خواهند داشت (۶۱) به خدا قسم میخورند که راضی تان کنند، در حالیکه خداوند و رسولش

به اینکه راضی شوند سزاوارترند اگر آنها مومن میبودند (۶۲) آیا نمی دانند کسی که با خدا و رسولش تندی کند سزایش جهنم است که در آن جاودان است و خواری عظیم هم همان است؟ (۶۳) منافقان می ترسند مبادا سوره ای علیه آنها نازل شود، و خبر از آنچه در دلهایشان هست بدهد. بگو مسخره کنید و خداوند البته آنچه را که از آن میترسید بیرون خواهد آورد (۶۴) و اگر از آنها بپرسی میگویند داشتیم گفتگو و تفریح میکردیم بگو آیا خدا و آیاتش و رسولش را مسخره میکردید؟ (۶۵) عذر خواهی نکنید، البته که شما پس از ایمانتان کافر شدید. اگر طائفه ای از شما را هم عفو کنیم طائفه دیگری راعذاب خواهیم کرد زیرا که مجرم بوده اند (۶۶) منافقان همسان همدیگرند. به کار ناپسند امر می کنند، و از کار پسندیده نهی می کنند، و دستشان را از انفاق باز میدارند. خدا را فراموش کردند و او نیز آنها را فراموش کرد، زیرا که منافقان نافرمانند (۶۷) خداوند به منافقان و کافران وعده آتش جهنم را داده که در آن جاودان باشند، همان بس شان است و خداوند لعنتشان کرده و عذابی پایدار خواهند داشت (۶۸) مانند کسانی که قبل از شما بودند که از شما قوی تر و مالدارتر و پر نفوس تر بودند، و به آنچه نصیبشان بود برخوردار شدند و شما هم از نصیب خویش مانند آنان برخوردار شدید، و شما هم در باطل فرو رفتید چنانکه آنان فرو میرفتند، اعمال آنها در دنیا و آخرت از بین رفت و آنها همان زیانکارانند (۶۹)

آیا خبر پیشینیان به آنها نرسیده؟ قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اصحاب مدین و دهکده های باژگون شده؟ که پیامبرانشان با دلیل های روشن بسویشان آمدند؟ و خداوند اینطور نبود که ظلمشان کند ولیکن خودشان به خویش ظلم میکردند (۷۰)

و مومنان بعضی شان اولیاءِ بعضی دیگرند. به کارهای پسندیده امر می کنند، و از کارهای ناپسند بازمیدارند، و نماز بپا می کنند، و زکات میدهند، و خدا و رسولش را اطاعت میکنند. و خداوند بزودی به آنان رحم میکند که خداوند پیروزمند فرزانه است (۷۱)

خداوند به مومنان وعده داده که بهشتهائی خواهند داشت که در کف آنها نهرها جاری است که در آن جاودان باشند، و جایگاههائی دلپسند در بهشتهای ماندگار داشته باشند، و رضایتی از جانب خداوند که از آن مهمتر است، و پیروزی بزرگ همان است (۷۲)

ای پیامبر! با کافران و منافقان به جهاد پرداز و برآنها درشتی کن که جایگاهشان جهنم است و بد سرانجامی است (۷۳)

به خدا قسم میخورند که نگفته اند ولیکن کلمه کفر را گفته اند و پس از اسلامشان کافر شده اند و برای چیزی کوشش کرده اند که به آن نرسیده اند و ناراحت نیستند مگر به این خاطر که خدا و رسولش آن مومنان را بی نیاز کرده اند، پس اگر توبه کنند برایشان بهتر است و اگر پشت کنند خداوند در دنیا و آخرت به عذابی دردناک عذابشان خواهد نمود و در زمین سرپرست و یاوری نخواهند داشت (۷۴)

و از آنها کسانی هستند که با خدا عهد کرده اند که اگر از فضلش به آنان دهد حتما تصدق خواهند کرد و از صالحان خواهند شد (۷۵) اما هنگامی که از فضلش به آنان داد بخل ورزیدند و پشت کردند و روگردان شدند (۷۶) پس نفاقی در دلهایشان انداخت که تا روز ملاقاتش در قیامت به دنبال آنان خواهد بود، بسبب آن خلف وعده ای که نسبت به خدا کردند و آن دروغی که میگفتند (۷۷)

آیا نمی دانند که خداوند راز و درِگوشی هایشان را میداند و اینکه خداوند دانای نهان ها است؟ (۷۸)

همانها که مومنان بخشنده را درباره صدقات نکوهش میکنند و همچنین کسانی را که جز کوشش خویش چیزی نمی یابند مسخره میکنند، خداوند مسخره شان کرده و عذابی دردناک خواهند داشت (۷۹)

چه برایشان آمرزش بخواهی و چه نخواهی فرقی نمی کند، حتی اگر هفتاد بار هم برایشان استغفار کنی خداوند نمی آمرزدشان، زیرا که به خدا و رسولش کافر شدند و خداوند فاسقان را هدایت نمی کند (۸۰)

بجا ماندگان خوشند که پشت سر رسول خدا راحت نشسته اند و جهاد با مال و جانشان در راه خدا را خوش نمیداشتند و میگفتند در گرما رهسپار نشوید، بگو آتش جهنم گرمتر است اگر میدانستند (۸۱)
پس باید کم بخندند و زیاد گریه کنند بسبب آنچه انجام داده اند (۸۲)
و اگر خداوند تو را بسوی طائفه ای از آنان برگرداند و از تو اجازه خروج برای جهاد خواستند بگو هرگز همراهم خارج نخواهید شد، و هرگز همراهم بادشمن نخواهید جنگید، زیرا که شما اول بار به کناره جوئی راضی شدید، پس با بجا ماندگان کناری بنشینید (۸۳)
و هرگز بر هیچ مرده ای از آنان نماز مخوان و بر قبرش نایست که آنها به خدا و رسولش کافر شدند و گناهکار مردند (۸۴)
و اموال و اولادشان تو را به شگفتی نیاندازد، جز این نیست که خداوند میخواهد در زندگی دنیا بوسیله آن عذابشان کند و جانشان برود و کافر باشند (۸۵)
و اگر سوره ای نازل شود که به خدا ایمان بیاورید و همراه رسولش جهاد کنید توانگرانشان از تو اجازه میخواهند و میگویند بگذار با نشستگان بمانیم (۸۶)
راضی شده اند با بجا ماندگان بمانند و بر دلهاشان مهرخورده و نمی فهمند (۸۷)
لیکن رسول و کسانی که با وی ایمان آورده اند با اموال و جانهایشان جهاد می کنند و خوبی ها مال آنهاست و آنها رستگارند (۸۸)
خداوند برای آنها بهشت هائی که نهرها در کف آنها جاری است که در آن جاودانند تهیه دیده است و پیروزی بزرگ همین است (۸۹)

عده ای از اعراب بیابان‌نشین با معذرت‌خواهی می‌آیند که اجازه جهادشان دهی و آنانی که بخدا و رسولش دروغ گفتند در جایشان نشستند، بزودی به کافرانشان عذابی دردناک خواهد رسید (۹۰)
بر ضعیفان و مریضان و برکسانی که چیزی برای انفاق نمی یابند گناهی نیست که به جهاد نیایند، در صورتیکه برای راه خدا و رسولش خیرخواهی کنند. آری علیه

نیکوکاران هیچ ایرادی نیست. و خداوند آمرزگار مهربان است (۹۱) و نیز علیه کسانی که وقتی بســـویت می آیند تا آنها را ســـوار کنی که بجنگ بروند، و به آنان میگوئی چیزی نمی یابم که سوارتان کنم نیز ایرادی نیست. همانها که با چشمانی اشکریز برمیگردند و محزونند که چرا چیزی نمی یابند که انفاق کنند (۹۲) جز این نیســـت که ایراد فقط بر کسانی است که از تو اجازه می خواهند و غنی هستند. راضی شده اند که با بجاماندگان باشند و خداوند بر دلشان مهرزده و نمی دانند (۹۳)
هنگامی که باز گردید برای عذر خواهی بسویتان می آیند، بگو عذر خواهی نکنید که ما هرگز سخنتان را باور نمی کنیم، زیرا که خداوند از اخبارتان بما خبر داده است، و بزودی خدا و رسولش عملتان را خواهند دید، سپس بسوی دانای پنهان و آشکار برمیگردید و به شما خبر خواهد داد که چه میکردید (۹۴)
بزودی وقتی که بســویشــان برگشــتید برایتان به خدا قســم خواهند خورد تا از آنان چشــم بپوشــید. از آنها روبرگردانید که پلیدند و جایگاهشــان جهنم اســت برای آنچه انجام میدادند (۹۵)
برایتان قسم میخورند تا از آنها راضی شوید و اگر شما هم راضی شوید خداوند از نافرمانان راضی نخواهد شد (۹۶)

اعراب بیابانی از لحاظ کفر و نفاق شدیدترند، و سزاوارترند که حدود آنچه را خداوند بر رســـولش نازل نموده ندانند، و خداوند دانای حکیم اســـت (۹۷) و برخی از اعراب بیابانی هستند که آنچه را انفاق نموده اند غرامت و ضرر میدانند و برای شما چشم انتظار حوادث بد هســـتند، حوادث بد علیه خود آنها باد، و خداوند شـــنوای داناســـت (۹۸) و از اعراب کسانی هم هستند که به خدا و روز آخرت ایمان دارند و آنچه را که انفاق نموده اند سبب نزدیکی به خداوند و جلب دعای خیر پیامبر میشمارند. بدانید که آنها ســـبب نزدیکی آنها هســـت. بزودی خداوند آنها را در رحمتش داخل خواهد کرد که خداوند آمرزگار مهربان اســت (۹۹) و پیشـــتازان اولیه از مهاجران و انصـــار و کسانی که به نیکوئی آنان را پیروی نمودند، نیز ، مورد رضایت خداوند هستند، و آنها

هم از او راضی خواهند بود، و برایشان بهشت هائی که در کف آنها نهرها جاری است آماده کرده که در آن برای همیشه جاودانند و این همان پیروزی بزرگ است (۱۰۰)

و از اعرابی که دور و بر شما هستند عده ای منافقند و از اهل مدینه نیز همچنین، که به نفاق خو کرده اند.
آنها را نمی شناسی ولی ما می شناسیم.
آنها را دوبار عذاب خواهیم کرد، سپس بسوی عذابی بزرگ باز میگردند (۱۰۱)
و غیر از آنها کسانی هستند که به گناهانشان اعتراف نمودند. و عملی شایسته و عملی زشت را با هم مخلوط کردند. چه بسا که خداوند برآنها به توبه بازگردد که خداوند آمرزگار مهربان است (۱۰۲)
ای پیامبر! از اموال آنها صدقه ای برگیر که بوسیله آن پاکشان کنی و رشدشان دهی و برآنها صله کن که صله تو سبب آرامش آنهاست و خداوند شنوای داناست (۱۰۳)
آیا نمی دانند که خداوند توبه را از بندگانش می پذیرد و صدقات را خودش دریافت می کند و اینکه خداوند خودش بسیار توبه پذیر مهربان است؟ (۱۰۴)
و بگو عمل کنید، بزودی خداوند و رسولش و مومنان عملتان را خواهند دید، و بزودی بسوی دانای پنهان و آشکار باز خواهید گشت و او شما را از حقیقتِ آنچه انجام میدادید خبر خواهد داد (۱۰۵)
و بقیه که امیدوارِ امر خدایند که آیا عذابشان کند، یا به توبه به آنان باز گردد، و خداوند دانای حکیم است (۱۰۶)

و مواظب کسانی باش که مسجدی را برگرفتند که ضرر زنند، و بین مومنان تفرقه افکنند، و کمینگاه کسانی که قبلا با خدا و رسولش جنگیده بودند باشد، و قسم میخورند که جز نیکی منظوری نداریم، وخداوند گواهی میدهد که آنها دروغ میگویند (۱۰۷) در آن هرگز به نماز نایست. البته مسجدی که از روز اول بر اساس تقوا بنا شده باشد سزاوارتراست که در آن به نماز بایستی. در آن کسانی هستند که دوست دارند پاکیزه شوند و خداوند پاکیزگی خواهان را دوست دارد (۱۰۸) آیا کسی که

بنیان خود را بر پروای از خدا و ر ضایتی از جانب او بنا نهاده بهتر ا ست یا ک سی که بنیان خویش بر لب سیلگاهی که فرو ریختنی است نهاده که او را به آتش جهنم فرو ریزد؟ و خداوند ظالمان را هدایت نمی کند (۱۰۹) بنیانی که نهاده اند همواره موجب نگرانی در دلهایشـان اسـت تا آنکه دلهاشـان پاره شـود و خداوند دانای حکیم اسـت (۱۱۰)

خداوند از مومنان جانها و مالهایشان را میخرد، زیرا که بهشت از آنِ آنان است.
در راه خدا می جنگند، یا می کشند یا کشته میشوند.
وعده حقی است بر عهده خدا که در تورات و انجیل و قرآن گفته و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟
پس به داد و ستدی که کرده اید شاد باشید و پیروزی بزرگ همان است (۱۱۱)
آنها، توبه کنندگان، عبادت کنندگان، ستایش کنندگان، سیاحت کنندگان، رکوع و سجده کنندگان، امر کنندگان به کارهای پسندیده، و نهی کنندگان از کارهای ناپسند، و نگهدارندگان حدود خدا هستند
و ای پیامبر! مومنان را مژده ده (۱۱۲)

پیامبر و مومنان را نمیرسد برای مشرکان استغفار کنند. حتی اگر نزدیکانشان هم باشند. البته پس از آنکه برایشان روشن شد که آنان از یاران آن آتشند (۱۱۳) و استغفار ابراهیم برای پدرش نیز بعلت وعده ای بود که به او داده بود، اما هنگامیکه برایش روشن شد که او دشمن خداست از او اعلام بیزاری کرد، که ابراهیم البته بسیار خدا ترس و حلیم بود (۱۱۴)

و خداوند اینطور نیست که قومی را پس از هدایتشان گمراه کند، مگر اینکه موارد تقوا را برایشان بیان کند، که خداوند به همه چیز داناست (۱۱۵)
فرمانروائی آسمانها و زمین از آن خداست. زنده میکند ومی میراند و شما جز خداوند

سرپرست و یاوری ندارید (۱۱۶)

خداوند بر پیامبر و مهاجران و انصار به توبه بازگشت، و نیز برآنان که در زمان تنگد ستی، پس از اینکه نزدیک بود قلوب عده ای از آنان بلغزد، پیرویش کردند. آنگاه بر آنان به توبه بازگشت که البته او به آنان دلسوز مهربان است (۱۱۷) و نیز بر آن سه نفر که بجا نشسته بودند تا اینکه زمین علیرغم فراخیش برآنها تنگ گردید، و جانهایشان نیز بر آنها تنگ گردید، و دریافتند که هیچ پناهگاهی جز خدا ندارند، مگر اینکه بسوی او بروند که آنگاه خداوند برآنها نیز به توبه بازگشت تا توبه کنند که خداوند توبه پذیر مهربان است (۱۱۸)

ای مسلمانان! از خدا پروا کنید و با راستگویان باشید (۱۱۹)

اهل مدینه و اعرابِ دور و برش را نمیرسد که از امر رسول خدا تخلف کنند و اینکه جانهایشان را بر جان او ترجیح دهند. زیرا که هیچ تشنگیی، و هیچ رنجی، و هیچ مخمصه ای، در راه خدا به آنان نمیرسد، و در هیچ جائی که کافران را به خشم آورد قدم نمی گذارند، و هیچ زیانی به دشمنی نمی زنند، مگر اینکه برای آنان عمل صالحی نوشته میشود، و البته خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی گذارد (۱۲۰) وهمچنین هیچ خرجی نمیکنند، چه کوچک چه بزرگ، وهیچ زمینی را نمی پیمایند، مگر اینکه برایشان نوشته میشود، تا خدا به بهتر از آنچه انجام میدادند یاداششان دهد (۱۲۱)

مومنان نباید همگی رهسپار کسب علمِ دین شوند،
اما چرا از هر فرقه ای کسانی کوچ نکنند تا در کار دین صاحب نظر شوند،
و قومشان را پس از بازگشت هشدار دهند، شاید از عاقبتِ بد حذر کنند؟ (۱۲۲)

ای مسلمانان! با کفاری که نزدیک شما هستند بجنگید، و باید در شما درشتی بیابند، و بدانید که خداوند با تقوا پیشگان است (۱۲۳)

و چون سوره ای نازل شود کسانی از آنها میگویند این سوره به ایمان کدامتان افزود؟ اهل ایمان ایمانشان زیاد میشود و شاد هم میشوند (۱۲۴) اما کسانی که در دلهاشان مرضی هست پلیدیی به پلیدی شان اضافه میشود و در حالیکه کافرند میمیرند (۱۲۵) آیا نمی بینند که در هر سال یک بار یا دوبار امتحان میشوند، اما باز هم توبه نمی کنند و پند نمی گیرند؟ (۱۲۶) و وقتیکه سوره ای نازل میشود بعضی از آنها بسوی بعضی دیگر نگاه میکنند که آیا کسی متوجه شما هست؟ آنگاه برمیگردند. خداوند دلهایشان را بگرداند که آنها نمی فهمند (۱۲۷)

البته از جنس خودتان رسولی به سویتان آمد که برای او گران است به رنج و ناراحتی بیفتید، و بر هدایت و نجات شما حریص است، و به مومنان دلسوز و مهربان است (۱۲۸) پس اگر برگشتند بگو خدا مرا بس است. خدائی جز او نیست. به او توکل کرده ام و همو پروردگار آن عرش بزرگ است (۱۲۹)

سوره حجرات

بسم الله الرحمن الرحیم

ای مسلمانان ! از خدا و رسولش جلو نیفتید و از خدا پروا کنید که خدا شنوای داناست (۱)

ای مسلمانان ! صدایتان را از صدای پیامبر بلند تر نکنید و آنچنانکه با یکدیگر صحبت می کنید با او بلند بلند سخن مگویید، مبادا که اعمالتان از بین برود و متوجه نباشید (۲)

البته آنانکه صدایشان را نزد رسول خدا پایین می آورند جزء کسانی هستند که خداوند قلوبشان را برای تقوا آزموده است و مغفرتی و پاداشی عظیم خواهند داشت (۳)

البته آنان که تو را از بیرون اتاقها صدا می زنند بیشترشان خِرد نمی ورزند (۴) و اگر صبر می کردند تا بسوی آنان خارج شوی برایشان بهتر بود و خداوند آمرزنده مهربان است (۵)

ای مسلمانان! اگر گناه پیشه ای با خبری بسویتان آمد تحقیق کنید. مبادا به عده ای از روی جهالت مصیبتی برسد و آنگاه شما از کار خود پشیمان شوید (۶)
و بدانید که رسول خدا در بین شماست، که اگر در بسیاری از کارها از شما پیروی کند، خودتان به زحمت می افتید. ولیکن خداوند ایمان را برای شما خوشایند کرد و آن را در دلهای شما پسندیده نموده و کفر و گناه نافرمانی را در نزدتان ناپسند کرد. آنها که چنین هستند رشد یافتگانند (۷)
که این فضل و نعمتی است از جانب خداوند و خداوند دانای حکیم است (۸)

و اگر دو طائفه از مسلمانان با یکدیگر به کارزار پرداختند بین آنها آشتی برقرار کنید، و اگر یکی از آنها به دیگری ستم کرد، با آنها کارزار کنید تا به حکم خدا گردن نهند، و اگر نهادند، بین آنها به عدل، صلح برقرار کنید و انصاف دهید، که خداوند انصاف داران را دوست دارد (۹)

جز این نیست که مومنان برادران یکدیگرند. پس بین برادرانتان آشتی برقرار، و از خداوند پروا کنید شاید مورد رحمت قرار گیرید (۱۰)

ای مسلمانان! عده ای عده دیگر را مسخره نکنند، چه بسا که آنها بهتر باشند، و در مورد زنها هم همینطور. و عیوب خودهاتان را باز مگوئید، و لقب های زشت بر یکدیگر مگذارید. بد نامگذاریی است که پس از ایمان، از گناه پیشگی یاد شود و کسانی که توبه نکنند ستمکارند (۱۱)
ای مسلمانان! از بسیاری از گمانها بپرهیزید، و بدانید که بعضی از گمانها گناه است، و تجسس نکنید، و بعضی از شما غیبت بعضی دیگر را نکند، آیا هیچکدامتان دوست

دارد که گوشـــت برادر مرده اش را بخورد؟ البته که از آن نفرت دارید. و از خدا پروا کنید که خداوند توبه پذیر مهربان است (۱۲)

ای مردم ! شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم، و به صورت تیره های بزرگ و تیره های کوچک قرارتان دادیم تا شناخته شوید. البته گرامیترینِ شما از نظر خداوند با تقواترینِ شماست. البته خداوند دانای آگاه است (۱۳)

اعراب گفته اند ایمان آورده ایم، بگو ایمان نیاورده اید ولیکن بگوئید به اسلام گرویده ایم، و هنوز ایمان به قلوب شـما داخل نشـده، و اگر خدا و رسـولش را اطاعت کنید خداوند از پاداش اعمالتان چیزی کم نمی کند زیرا که او آمرزنده مهربان است (۱۴)

جز این نیست که مومنان آنهایی هستند که به خدا و رسول ایمان آورده، و سپس شـک نکرده، و با مال و جانشـان در راه خدا جهاد کرده اند، و همانها راسـتگویان میباشند (۱۵)
بگو می خواهید راجع به دین خویش چیزی به خداوند یاد بدهید؟ در حالیکه خداوند آنچه را که در آسمانها و زمین است می داند و همو به همه چیز داناست؟ (۱۶)
بر تو منت می گذارند که مسـلمان شـده اند. بگو منت مسـلمانی خویش را بر من مگذارید. بلکه اگر راست بگوئید، خدا بر شما منت دارد که شما را به راه ایمان هدایت کرده است (۱۷)

خداوند البته پنهانی های آسمانها و زمین را میداند و خداوند به آنچه میکنید بیناست (۱۸)

سوره مجادله

بسم الله الرحمن الرحیم

ای پیامبر! خداوند سخن آن زنی را که در باره همسرش با تو مجادله میکرد شنید که به خدا شکایت می بُرد،
و خداوند مکالمه شما را می شنود،
که خداوند شنوای بیناست (۱)

کسانی از شما که به زنان خود میگویند حکم تو مانند حکم مادرم است و بمن حرام هستی، بدانند که البته که آنها مادرانشان نیستند، مادرانشان هیچ کس نیست جز آنهائیکه آنان را زائیده اند، و آنها البته سخنی ناپسند و زور میگویند. و خداوند بخشنده آمرزنده است (۲)

و کسانی که به زنان خود میگویند حکم تو مانند حکم مادرم است، آنگاه از حرفشان بر میگردند، باید قبل از اینکه آمیزش کنند بنده ای آزاد کنند. این پندی است که به آن موعظه می شوید و خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست (۳)
اما اگر کسی نمی یابد که بند ه ای آزاد کند باید قبل از آمیزش دو ماه پشت سر هم روزه بگیرد،
و باز هم اگر نمی تواند، باید شصت فقیر را غذا دهد.
این از این جهت است که به خدا و رسولش ایمان بیاورید و این حدود خداست،
و کافران عذابی دردناک دارند (۴)

کسانی که با خدا و رسولش تندی می کنند، خوار می شوند، همچنان که پیشینیان آنها خوار شدند. و ما آیاتی روشن نازل کردیم و کافران عذابی خوار کننده خواهند داشت (۵)
در روزی که خداوند همگی شان را بر انگیزد و خبر اعمالشان را به آنان بدهد.
خدا آن اعمال را حساب کرده اما آنان فراموشش کرده اند
و خداوند بر هر چیزی گواه است (۶)

آیا نمیدانی خداوند آنچه را که در آسمانها وزمین است می داند؟
هیچ صحبت درِگوشی سه نفری نیست مگر آنکه خداوند چهارمی آنهاست، و هیچ پنج نفری نیست مگر اینکه او ششمی آنهاست، و هیچ کمتر وبیشتری نیست مگر این که او با ایشان است، هر جا که باشند. آنگاه روز قیامت اعمالشان را به آنها خبر میدهد، که خداوند به همه چیز داناست (۷)

آیا کسانی را ندیدی که از صحبت درگوشی نهی شدند، اما به این نهی توجهی نمیکنند، که تازه صحبت هایشان هم راجع به گناه و تعدی و نافرمانی رسول خدا است، و هنگامیکه بسوی تو می آیند طوری سلام میکنند که با آنچه خدا توصیه کرده متفاوت است، و با خویش میگویند پس چرا خدا علیرغم این که اینطور گفته ایم عذابمان نمیکند؟
جهنم که در آن خواهند افتاد بس شان است و بد سر انجامی است (۸)
ای مسلمانان! هنگامی که صحبت در گوشی می کنید، صحبتتان مربوط به گناه و تعدی و نافرمانیِ رسول خدا نباشد، بلکه راجع به نیکی و تقوی باشد، و از خداوندی که بسوی او محشور خواهید شد پروا کنید (۹)
جز این نیست که صحبت درگوشی از شیطان است، تا مومنان را افسرده کند،
وضرری به آنها نخواهد رسانید مگر به اذن خدا.
و مومنان باید به خدا توکل کنند (۱۰)
ای مسلمانان! وقتی که در مجالس به شما گفته میشود جا باز کنید، این کاررا بکنید تا خداوند نیز به شما وسعت دهد، و وقتیکه گفته میشود برخیزید، این کار را هم بکنید. خداوند مومنانِ شما را بالا میبرد و عالمان شما را نیز به چندین درجه بالاتر میبرد و به اعمال شما آگاه است (۱۱)
ای مسلمانان! وقتی که با رسول خدا در گوشی صحبت می کنید، قبل از آن صدقه ای بدهید. این برای شما بهتر و پاکیزه تر است. پس اگر مالی برای صدقه نیافتید، خداوند آمرزنده مهربان است (۱۲)
آیا از اینکه قبل از هر صحبتِ در گوشی صدقه دهید دریغ نمودید؟ اینک که این کار

را نکردید و خداوند هم از شما در گذشت، پس نماز بپادارید و زکات دهید و خداوند و رسولش را اطاعت کنید و خداوند به اعمال شما آگاه است (۱۳)

آیا آنهائی را که با قوم مغضوب خدا دوستی می کنند ندیدی؟ نه آنها جزء اینها هستند و نه اینها جزء آنها، و دانسته به دروغ قسم می خورند (۱۴)
خداوند برای آنها عذاب شدید آماده کرده. و البته عمل آنها بسیار بد است (۱۵)
قسم های خود را مانند سپر قرار می دهند، و از راه خدا باز می دارند. پس عذابی خوار کننده خواهند داشت (۱۶)
اموال و اولادشان در مقابل خداوند دردی از آنها دوا نخواهد کرد.
آنها اهل آتشند و در آن جاودان خواهند بود (۱۷)

روزی که خداوند همگی آنها را بر انگیزد، در آن روز برای خداوند هم قسم خواهند خورد همانطور که برای شما قسم می خورند و تصور می کنند قدر و منزلتی دارند. آگاه باشید که آنها دروغگویند (۱۸) شیطان بر آنها چیره شده، و ذکر خدا را از یادشان برده، آنها جزء حزب شیطانند. بدانید که حزب شیطان زیانکار است (۱۹)

آنهائی که با خدا و رسولش تندی می کنند به نهایت خواری در خواهند افتاد (۲۰)
خداوند مقرر کرده که او و رسولانش حتما غالب خواهند بود.
البته خداوند قوی پیروزمند است (۲۱)
هرگز نخواهی دید کسانی که ایمان به خداوند و روز قیامت داشته باشند با کسانی که با خدا و رسولش تندی می کنند دوستی برقرار کنند. حتی اگر پدرانشان یا فرزندانشان، یا برادرانشان، یا فامیلشان باشند.
ایمان در قلوب آنها تثبیت شده و خداوند آنها را بواسطه روحی از جانب خویش تقویت میفرماید و داخل بهشتهائی که در کف آنها نهرها جاری است می نماید که در آن جاودان باشند.
خداوند از آنها راضی و آنها هم از او راضی خواهند بود. آنها جزء حزب خدایند. بدانید

که البته حزب خدا رستگار است (۲۲)

سوره تحریم

بسم الله الرحمن الرحیم

ای پیامبر! چرا برای کسب رضایت زنانت آنچه را که خدا برایت حلال کرده بر خود حرام میکنی؟

و خداوند آمرزگار مهربان است (۱)

خداوند کفاره شکستن قسم هایتان را برای شما واجب نموده و آنرا چاره ای برایتان قرار داده و خداوند دوست و سرپرست شما است و همو دانای فرزانه است (۲)

و هنگامی که پیغمبر نزد بعضی از زنانش رازی را سپرد، و چون آن زن آن راز را افشاء کرد، و خداوند پیغمبر را بر این امر آگاه نمود، و پیامبر گوشه ای از این موضوع را واگو نمود و از بقیه خودداری کرد، آن زن گفت چه کسی خبرت کرده؟ گفت آن دانای آگاه خبرم داد (۳)

و خداوند چنین مقرر کرده اگر شما دو زن توبه کنید، دلهای شما را از انحراف به استقامت باز گردانده، و اگر هم بر ضد پیامبر با یکدیگر همکاری کنید، بدانید خداوند سرپرست اوست، و جبرئیل و آن مومن شایسته دوست اویند، و ملائکه نیز علاوه بر همه اینها پشتیبان او هستند (۴)

چه بسا که در صورتیکه شما را طلاق دهد پروردگارش زنانی بهتر از شما نصیبش کند. زنانی که مسلمان و مومن و خاشع و توبه کار و عبادتگر و روزه دار باشند. اعم از اینکه باکره باشند یا قبلا شوهردار بوده باشند (۵)

ای مسلمانان! خودتان و اهل تان را از آتشی که گیرانه اش آدمی و سنگ است حفظ

کنید، که فرشتگانی درشتخو نگهبان آنند و هرگز خدا را در مورد دستوراتش نافرمانی نمی کنند و آنچه را که دستورشان دهد انجام میدهند (۶)
در آن شرایط به کافران خطاب میشود ای کافران! امروز دیگر معذرت خواهی نکنید زیرا جز این نیست که جزای آنچه را که کرده اید می بینید (۷)
ای مسلمانان! بسوی خدا توبه توبه ای خالص کنید،
شاید خداوندتان زشتی های شما را بپوشاند و شما را داخل باغهائی کند که نهرها درکف آن جاری است.
در روزی که خداوند پیغمبر و کسان همراه او را خوار نمی کند،
نورشان پیشاپیش آنها و اطرافشان میدود،
میگویند پروردگارا نورمان را کامل کن و بیامرزمان،
که تو بر هر چیز توانائی (۸)

ای پیامبر! با کافران و منافقان بجنگ و بر آنان سخت گیری کن.
جایگاه آنها جهنم است و بد سرانجامی است (۹)

خداوند برای کافران، زن نوح و زن لوط را مثل زد که تحت عقد ازدواج دو بنده صالح از بندگان ما بودند اما به آنان خیانت کردند و آن دو پیغمبر در مقابل خدا بدردشان نخوردند و به آنها گفته شد با سایر وارد شوندگان داخل آتش شوید (۱۰)

و خداوند برای مومنان، زن فرعون را مَثَل زد، هنگامی که گفت پروردگارا نزد خود برایم خانه ای در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و عملش و نیز از قوم ظالمان نجات ده (۱۱) و نیز مریم دختر عمران را مثل زد که دامن خویش را پاک نگهداشت و از روح خود در آن دمیدیم و کلمات پروردگارش و کتاب هایش را تصدیق کرد و از فروتنان بود (۱۲)

سوره مائده

بسم الله الرحمن الرحیم

ای مسلمانان! به قرارداد ها وفا کنید،

گوشت چارپایان برایتان حلال شد. مگر آنچه حکم آنها برایتان خوانده میشود، غیر از صیدی که شما در حال احرام از حیوانات شکار شدنی محلی کنید که آن هم حرام است که خداوند هر چه بخواهد حکم میکند (۱)

ای مسلمانان! شعائر خدائی را حلال نشمارید،

و نیز ماه حرام را،

و نیز حیوان قربانی را،

و نه قربانی قلاده دار را،

و نه پناه آورندگانِ به آن خانه را، که فضلی و رضایتی از جانب پروردگارشان را میجویند.

و هنگامی که از احرام بدر آمدید عیبی ندارد که شکار کنید،

و مبادا که دشمنیِ قومی که شما را از مسجدالحرام بازداشتند به گناه بیاندازدتان که به آنان تعدی کنید،

و بر نیکی و تقوا همکاری کنید، و برگناه وتعدی همکاری مکنید،

و از خداوند پروا کنید که او در پیگیری شدید است (۲)

مردار و خون و گوشت خوک و آنچه هنگام ذبح برای غیر خدا نامبرده شده، و خفه شده، و با ضربت کشته شده، و پرتاب شده، و یا شاخ خورده و کشته شده، و آنچه حیوان درنده قسمتی را خورده، مگر آنکه تذکیه و ذبح کرده باشید، و آنچه برای بتها ذبح شده، و آنچه با تیرها ی قرعه کشی قسمت شده، همه اینها بر شما حرام شد. و خوردن آنها گناه است.

امروز کافران از دین شما نومید شدند، از آنها نترسید و از خدا بترسید.

امروز دینتان را برایتان کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و اسلام را برایتان بعنوان دین پسندیدم. پس اگر کسی به مخمصه مردن از گرسنگی افتاد و ناچار شد

از آنها بخورد، به قدر ضرورت، و نه آنقدر که به گناه دچار شود، میتواند بخورد، و البته خداوند آمرزگار مهربان است (۳)

از تو می پرسند چه چیزی حلال است، بگو چیزهای پسندیده برایتان حلال شده است، و از شکار های حیوانات شکاری تعلیم یافته، و نیز از شکاری که سگان، که از آنچه خداوند به شما یاد داده به آنان تعلیم میدهید شکار میکنند، چیزی را که برایتان نگه میدارند میتوانید بخورید، و نام خدا را بر آن یاد کنید، و از خداوند پروا کنید که او تند حساب است (۴)

امروز چیزهای دلپسند برایتان حلال شد، و طعام اهل کتاب نیز برایتان حلال است، و طعام شما هم برای آنها حلال است، و ازدواج با زنان پاکدامن مسلمان و زنان پاکدامن از کسانی که قبل از شما کتابشان داده شده، هنگامی که اجرتشان را بدهید، و به منظور پاکدامنی باشد، نه اینکه بدکاری و رفیق بازی باشد، برایتان حلال است، و کسی که به ایمان کفر ورزد عملش از بین رفته و همو در آخرت از زیانکاران است (۵)

ای مسلمانان! هنگامی که برای نماز بپا خواستید رویتان و دستها را تا آرنج ها بشوئید، و قسمتی از سرتان و پاهایتان را تا برآمدگی روی پا مسح کنید، و اگر جُنب بودید طهارت کنید، و اگر مریض یا در سفر بودید و یا از مدفوع آمدید یا اینکه با زنان تماس داشته اید و آب نمی یابید با خاک خوبِ پسندیده تیمم کنید، و از آن، بخشی از صورت و دستهاتان را مسح کنید. خداوند نمیخواهد برای شما سختی ای پیش بیاورد ولیکن میخواهد پاکتان کند و نعمتش رابر شما تمام نماید شاید شکر بگزارید (۶)

و نعمت خداوند را بر خویش بیاد آورید و نیز پیمانی که از شما بگرفت، همان پیمانی که طی آن گفتید شنیدیم و اطاعت کردیم را بیاد آورید، و از خدا پروا کنید که خداوند به آنچه در سینه هاست آگاه است (۷)

ای مسلمانان! برای خدا بپا خیزید و با عدالت گواهی دهید. و مبادا دشمنی قومی شما را وادارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که به تقوا نزدیکتر است. و از خدا پروا کنید که خداوند به آنچه میکنید آگاه است (۸)

خداوند به کسانی که ایمان آورده و عمل شایسته کرده اند وعده داده که آمرزشی و پاداشی عظیم خواهند داشت (۹) و کسانی که کافر شده و آیاتمان را تکذیب کردند از یاران جهنم خواهند بود (۱۰)

ای مسلمانان! نعمت خدا را بر خویش بیاد آورید آن هنگام که عده ای سعی کردند دستشان را علیه شما بگشایند و او دستشان را از شما کوتاه کرد، و از خدا پروا کنید و مومنان باید برخدا توکل کنند (۱۱)

و البته خداوند پیمان بنی اســـرائیل را گرفت، و از آنها دوازده مراقب برگزید، و گفت اگر نماز بپادارید و زکات دهید و به ر سولانم ایمان آورید و احترام و تقویت شان کنید و به خداوند قرض الحسنه دهید بدیهایتان را می پو شانم و شما را داخل بهشتهائی میکنم که در کف آنها نهرها جاری ا ست. اما هر کس از شما که پس از آن کفر ورزد راه اعتدال را گم کرده ا ست (۱۲) پس، بسبب شکستن پیمانشان لعنتشان کردیم، که دلهاشـان را سـخت نمودیم بطوریکه کلام را از مواضـع آن تحریف کرده، و سـهم خویش را از اینکه از آن پند بگیرند فراموش کردند، و ای پیامبر! همیشه برخیانتی از آنها مطلع خواهی شد، جز عده کمی از آنها که چنین نیستند، پس عفوشان کن و در گذر که خداوند نیکوکاران را دوست میدارد (۱۳)
و از کسـانی که میگویند مسـیحی هسـتیم پیمانشـان را بگرفتیم، و آنها هم نصـیب خویش را از پندی که باید میگرفتند فراموش کردند، پس بین آنها تا روز قیامت دشـمنی و کینه ورزی بوجود آوردیم و بزودی خداوند به آنچه میسـاختند خبرشـان میدهد (۱۴)

ای اهل کتاب! اینک ر سول ما بسویتان آمده که بسیاری از آن چیزهائی را که از آن کتاب مخفی میداشتید برایتان بیان کند و بسیاری را ببخشد.
اینک از جانب خداوند بسویتان نوری و کتابی آشکار آمده است (۱۵)
که خداوند بسبب آن هر کس را که رضایتش را پیروی کند به راه های سلامت هدایت میکند، و آنها را به اذن خویش از تاریکیها بسوی نور بیرون می آورد، و بسوی جاده مستقیم هدایتشان می کند (۱۶)

البته کسانی که گفتند خداوند همان مسیح پسر مریم است کفر ورزیدند.
بگو اگر خدا بخواهد مسیح پسر مریم و مادرش و همه اهل زمین را هلاک کند چه کسی میتواند جلوگیری کند؟
و فرمانروائی آسمانها و زمین و هر چه بین آنهاست از آن او است.
هر چه بخواهد می آفریند و خداوند برهر چیزی تواناست (۱۷)

و یهودیان و م سیحیان گفتند ما فرزندان خدا و دو ستان اوئیم، بگو پس چرا ب سبب گناهانتان عذابتان می کند؟ بلکه شما بشری از آنانکه آفریده است هستید،
هر کس را که خواهد می آمرزد و هر کس را خواهد عذاب می کند و فرمانروائی آسمانها و زمین و بین آنها از آن خداست و بازگشت بسوی اوست (۱۸)
ای اهل کتاب! اینک رسولمان پس از دوره ای از نبود پیامبران بسویتان آمده که برایتان بیان کند، تا مبادا بگوئید که مژده دهنده ای و هشدار دهنده ای بسویمان نیامد، اینک مژده دهنده و هشدار دهنده بسویتان آمده است،
و خداوند بر همه چیز تواناست (۱۹)

و هنگامیکه موسی به قومش گفت: ای قوم! نعمت خدا را برخویش بیاد آورید که در میان شما پیامبرانی قرار داد و شما را پادشاهانی نمود و به شما چیزهائی داد که به

هیچیک از جهانیان نداد (۲۰) ای قوم! به آن سرزمین مقدسی که خدا برایتان مقرر نموده وارد شوید و به پشت برنگردید که زیانکار خواهید شد (۲۱) گفتند ای موسی قومی بسیار جبار در آن هستند و ما هرگز داخل آن نخواهیم شد مگر اینکه از آن خارج شوند و اگر از آن خارج شدند ما داخل خواهیم شد (۲۲) دو نفر از آنانکه از خدا میترسیدند و به آنها نعمت داده بود گفتند به آن درب داخل شوید، و هنگامیکه داخلش شدید غالب خواهید شد، و بر خدا توکل کنید اگر مومن میباشید (۲۳) گفتند ای موسی! ما هرگز، تا ابد، مادام که آنها در آن هستند، داخل آن نخواهیم شد، پس تو و پروردگارت بروید و با آنان بجنگید و ما همین جا نشسته ایم (۲۴) گفت پروردگارا من اختیار چیزی جز خودم و برادرم را ندارم، پس بین ما و فاسقان جدائی افکن (۲۵) خداوند مقرر فرمود که وارد شدن به آن شهر چهل سال برآنان حرام شده و باید در زمین سرگردان باشند و ای موسی! تو برای قومی فاسق اندوهگین مباش (۲۶)

ای پیامبر! خبرِ آن دو پسر آدم را بر آنها به حق بخوان، که قربانیی پیش آوردند و از یکی از آنها قبول شد و از دیگری قبول نشد، گفت حتما تو را خواهم کشت، گفت جز این نیست که خداوند از تقوا پیشگان قبول میکند (۲۷) اگر دستت را بسویم بگشائی که مرا بکشی، دستم را بسویت دراز نمی کنم که بکشمت، زیرا از خداوند پروردگار جهانیان میترسم (۲۸) میخواهم گناه مرا و گناه خودت را بر دوش بگیری و از یاران آن آتش شوی، و این سزای ظالمان است (۲۹) پس نَفْس او قتل برادرش را برایش آسان کرد، و کشتش، و از زیانکاران شد (۳۰) آنگاه خداوند کلاغی را برانگیخت که زمین را می کاوید تا به او نشان دهد که چگونه جسد برادرش را پنهان کند، گفت وای بر من آیا عاجز شده ام که مثل این کلاغ باشم و جسد برادرم را پنهان کنم و از پشیمانان شد (۳۱) به این خاطر بر بنی اسرائیل مقرر نمودیم که اگر کسی، کسی را بدون اینکه شخصی را کشته باشد، یا مرتکب فسادی در زمین شده باشد، بکشد، مانند آن است که همه مردم را جمیعا کشته باشد. و کسی که کسی را زنده بدارد مانند آن است که تمام مردم را زنده داشته باشد. و البته رسولانمان با نشانه های روشن بسویشان آمدند، آنگاه بسیاری از آنها پس از آن در زمین از اسرافگران گردیدند (۳۲)

جز این نیست که سزای کسانی که با خدا و رسولش می جنگند و در زمین به فساد بر می خیزند، این است که کشته شوند یا به دار کشیده شوند، یا دست و پای آنها به عکس یکدیگر بریده شود، یا از آن زمین تبعید شوند. این در دنیا برایشان خواری است، و در آخرت عذابی عظیم خواهند داشت (۳۳) مگر کسانی که پیش از آنکه برآنها دست یابید توبه کنند و بدانید که خداوند آمرزگار مهربان است (۳۴)

ای مسلمانان! از خدا پروا کنید،
و بسوی او راه بجوئید،
و در راهش جهاد کنید،
شاید رستگار شوید (۳۵)
البته کافران حتی اگر دو برابر آنچه در زمین هست نیز مال آنها باشد، و بخواهند بجای عذابِ روز قیامت بدهند، از آنها قبول نمیشود و عذابی دردناک خواهند داشت (۳۶) میخواهند از آن آتش خارج شوند ولی از آن خارج شدنی نخواهند بود و عذابی ماندنی خواهند داشت (۳۷)
و در مورد مرد و زنِ سارق، دستهایشان را قطع کنید.
این سزای عملشان است که مجازاتی از جانب خدا است،
و خداوند پیروزمند فرزانه است (۳۸)
و کسی که پس از ظلمش توبه کند و اصلاح نماید، خداوند نیز بر او بازگشت خواهد نمود،
که خداوند آمرزگار مهربان است (۳۹)
آیا نمی دانید که فرمانروائی آسمانها و زمین از آن خداست؟ و هر که را بخواهد عذاب می کند و هر که را بخواهد می آمرزد و خدا بر هر چیزی تواناست؟ (۴۰)

ای پیامبر! مبادا کار کسانی که در کفر سرعت میگیرند اندوهگینت کند،
کار همان کسانی که با دهان هایشان میگویند ایمان آوردیم ولی دلشان ایمان نیاورده،
و بعضی از یهودیان که به دروغ گوش میسپارند و برای دیگرانی که هنوز بسویت نیامده
اند جاسوسی میکنند و کلام را از مواضع آن تحریف می کنند، و میگویند اگر این
حکمی که ما میگوئیم به شما داده شده، بگیریدش و اگر داده نشد بر حذر باشید. و
کسی که خدا بخواهد به فتنه اش اندازد کسی نمیتواند در مقابل خداوند برایش کاری
کند.
آنها کسانی هستند که خداوند نخواسته دلهاشان را پاک کند.
در دنیا خواری و در آخرت عذابی عظیم خواهند داشت (۴۱)
گوش کنندگان دروغ و خورنده حرام هستند، و اگر بسویت آمدند، یا بین آنها حکم
کن یا از آنان روی برگردان،
و اگر از آنان روی برگردانی هرگز نمیتوانند ضرری به تو بزنند، و اگر هم حکم میکنی
به عدالت حکم کن که خداوند عادلان را دوست میدارد (۴۲)
و چگونه تو را به قضاوت میخوانند در حالیکه تورات بینشان است که حکم خدا در آن
است؟ آنگاه، پس از آن، بر می گردند و مومن نمی باشند (۴۳)

البته تورات را نازل کردیم که در آن هدایتی و نوری هست که پیامبرانی که تسلیم
امرخدا بودند مطابق آن حکم میکردند. برای یهودیان، و خداشناسان، و روحانیون
یهودی، مطابق آنچه که از کتاب خدا حفظ بودند و بر آن شهادت میدادند. پس، از
مردم نترسید و از من پروا کنید و آیاتم را به بهائی اندک مفروشید و کسانی که به
آنچه خداوند نازل کرده حکم نکنند از کافرانند (۴۴)

و در آن برایشان مقرر کردیم که جان در مقابل جان، و چشم در مقابل چشم، و بینی
در مقابل بینی، و گوش در برابر گوش، و دندان در مقابل دندان، و جراحت ها، به مانند

خویش قصاص شود. پس اگر کسی بخشش کند و از قصاص بگذرد کفاره ای برای گناهانش خواهد بود. وکسانی که به آنچه خدا نازل کرده حکم نکنند از ظالمانند (۴۵)

و عیسی پسر مریم را پس از آنها فرستادیم که توراتِ پیش از خویش را تصدیق میکرد، و به او انجیل را دادیم که در آن هدایتی و نوری بود، و آنچه را قبل از آن از تورات فرستاده بودیم تصدیق میکرد، و هدایتی و موعظه ای برای تقوا پیشگان بود (۴۶)
و اهل انجیل نیز باید به آنچه که خدا در آن نازل کرده حکم کنند و کسانی که به آنچه خدا نازل کرده حکم نکنند از فاسقانند (۴۷)

و این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم که تصدیق کننده چیزی است که قبل از آن، از آن کتاب ها نازل شده بود، و برآن نگهبان است، پس بین آنها به آنچه خداوند نازل کرده حکم کن، و از هوا و هوس های آنان علیرغم آنچه که از حق بسویت آمده پیروی مکن.
برای همگی تان شریعت و روشی قرار دادیم،
و اگر خدا میخواست همه تان را یکجور قرار میداد،
ولیکن میخواهد در آنچه به شما داده بیازمایدتان،
و در کارهای خیر سبقت گیرید.
بازگشت همگی شما بسوی خداست.
پس همو درباره آنچه که اختلاف میکردید شما را آگاه خواهد نمود (۴۸)
و ای پیامبر! بین آنها به آنچه خدا نازل کرده حکم کن،
و از هوا و هوس آنها پیروی مکن،
و برحذر باش که مبادا تو را به فتنه اندازند،
که از قسمتی از آنچه خدا نازل کرده اندکی منحرف شوی،
پس اگر روی برگرداندند بدان که خداوند میخواهد برای بعضی از گناهانشان مصیبتی به آنان وارد کند،
و اینکه اکثر مردم از فاسقانند (۴۹)

آیا حکم جاهلیت را جستجو می کنند؟
و حکم چه کسی از حکم خدا برای قومی که یقین دارند بهتر است؟ (۵۰)

ای مسلمانان! یهودیان و مسیحیان را دوست و سرپرست خویش مگیرید.
بعضی از آنها دوستان بعضی دیگرند.
پس اگر کسی از شما آنان را دوست و سرپرست بگیرد از آنان است.
خداوند البته قوم ظالمان را هدایت نمی کند (۵۱)

کسانی را که در دلهاشان مرضی هست می بینی که با سرعت در میان آنها رفت و آمد میکنند، میگویند میترسیم حادثه بدی بما برسد،
وچه بسا که خداوند پیروزی یا امری از جانب خویش بیاورد و آنها در آنچه که در دلهای خویش پنهان میداشتند پشیمان گردند (۵۲)
و مومنان گویند آیا اینها کسانی بودند که سخت ترین قسم های خویش را به خدا میخوردند که با شما هستند؟ و اینک ایگونه رفتار میکنند؟
اعمالشان نابود شد و زیانکار گردیدند (۵۳)

ای مسلمانان! اگر کسی از شما از دینش برگردد باکی نیست،
و خداوند بزودی قومی را خواهد آورد که دوستشان دارد و دوستش دارند که در مقابل مومنان متواضع و در برابر کافران عزتمندند،
در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش سرزنش کننده ای نگرانی ندارند.
این فضل خداست که به هر کس خواهد میدهد و خداوند وسعت بخش داناست (۵۴)

جز این نیست که دوست و سرپرست شما خداوند، و رسولش، و مومنانی هستند که نماز بپامیدارند و زکات میدهند در حالیکه در رکوعند (۵۵)
و کسی که خدا و رسولش و مومنان را دوست و سرپرست بگیرد البته حزب خدا غالب خواهد بود (۵۶)

ای مسلمانان! کسانی را که دین تان را به مسخره و بازیچه میگیرند دوست و سرپرست مگیرید
و از خدا پروا کنید اگر مومن میباشید (۵۷)
همانها که وقتی شما را به نماز میخوانند، به سخره و بازیچه تان میگیرند،
زیرا که بی خِرد میباشند (۵۸)

بگو ای اهل کتاب آیا به این خاطر با ما می ستیزید که به خدا و نیز به آنچه که بسوی ما نازل شده و آنچه قبلا نازل شده ایمان داریم؟
و اینکه اکثرتان گناهکارید؟ (۵۹)
بگو آیا به بدتر از این کیفر از نزد خدا خبرتان بدهم؟
کسانی که خداوند لعنتشان کرده، و بر آنها غضب نموده،
و از آنها میمون هائی و خوک هائی و بندگان طاغوت قرار داده،
آنها از لحاظ جایگاه بدتر و از راه معتدل گمراه ترند (۶۰)
و هنگامیکه بسوی شما می آیند میگویند ایمان آوردیم،
در حالیکه با کفر به درون آمده و با کفر بیرون رفته اند (۶۱)
و بسیاری از آنها را میبینی که در گناه و تعدی و حرام خواری سرعت بخرج میدهند، چه زشت است کاری که می کنند (۶۲)
چرا باصطلاح علماء ربانی و روحانیونشان آنها را از گفتار گناه و خوردن حرام نهی نمی کردند؟
و این البته کار بسیار زشتی بود که می کردند (۶۳)
و یهودیان میگویند دست خدا بسته است. دستانشان بسته باد،
و برای آن سخنشان لعنت شوند،
بلکه دستهای او باز است، و هر طور که خواهد انفاق می کند،
و البته عده ای از آنها چنان خواهند بود که آنچه از جانب پروردگارت برتو نازل شده طغیان و کفرشان را زیاد خواهد کرد،

و بین آنها تا روز قیامت دشمنی و نفرت انداختیم.
هر بار که آتشی برای جنگ برمی افروزند خداوند آنرا فرومینشاند،
و در زمین به فساد میکوشند و خداوند مفسدان را دوست نمیدارد (۶۴)
و اگر اهل کتاب ایمان می آوردند و تقوا پیشه مینمودند بدیهایشان را میپوشاندیم و آنها را داخل بهشتهای پر نعمت مینمودیم (۶۵)
و اگر همان تورات و انجیل و آنچه را که از سوی پروردگارشان بسویشان نازل شده بود را هم بپامیداشتند، هم از بالای سرشان و هم از زیر پایشان نعمت میخوردند.
از آنها عده ای میانه رو، و بسیاری از آنها بدکارند (۶۶)

ای رسول! آنچه را که از جانب پروردگارت بسویت نازل شده تبلیغ کن،
و اگر نکنی رسالتش را نرسانده ای!
و خداوند تو را از مردم حفظ میکند،
خداوند قوم کافران را هدایت نمی کند (۶۷)

ای پیامبر! بگو ای اهل کتاب! تا تورات و انجیل و آنچه که از جانب پروردگارتان بسویتان نازل شده را بر پا ندارید بر چیزی از حق استوار نیستید ، و ای پیامبر! آنچه که از جانب پروردگارت برتو نازل شده کفرو طغیان بسیاری از آنها را خواهد افزود ، پس بر قوم کافران اندوهگین مباش (۶۸) البته مسلمانان و یهودیان و ستاره پرستان و مسیحیان ، هر کس که به خداوند و روز آخرت ایمان آورده و عمل شایسته کند نه نگرانی داشته باشد و نه اندوهگین باشد (۶۹) البته پیمان بنی اسرائیل را گرفتیم و رسولانی بسویشان فرستادیم ، هر بار که رسولی بسویشان آمد که مخالف هوای نفس شان بود ، عده ای را تکذیب و عدّه ای را کشتند (۷۰) و چنین پنداشتند که امتحانی نخواهد بود و کور و کر شدند ، آنگاه خداوند به توبه، به آنها بازگشت ، آنگاه باز هم بسیاری از آنها کور و کر شدند ، و خداوند به آنچه میکنند بیناست (۷۱)کسانی که گفتند که خداوند همان مسیح پسر مریم است . کفر ورزیدند ، در حالیکه مسیح گفت

ای بنی اسرائیل خداوند را که پروردگارم و پروردگار خودتان است عبادت کنید ، زیرا کسی که به خداوند شرک ورزد البته خداوند بهشت را بر او حرام خواهد کرد ، و جایگاهش آتش خواهد بود ، و یاورانی نخواهند داشت (۷۲) کسانی که گفتند خداوند سومی آن سه تاست ، کفر ورزیدند و خدائی جز خدای واحد نیست ، واگر از آنچه میگویند دست نکشند به کافرانِ آنها عذابی دردناک خواهد رسید (۷۳) آیا بسوی خدا توبه نمی کنند و از او آمرزش نمیخواهند ، در حالیکه خداوند آمرزگار مهربان است؟ (۷۴) مسیح پسر مریم جز رسولی نبود که قبل از او نیز رسولانی گذشتند و مادرش هم بسیار راستگو بود . آنها غذا میخوردند . ببین چگونه آیات را برایشان بیان می کنیم آنگاه ببین به کجا رانده میشوند (۷۵) بگو آیا بجای خدا چیزی را عبادت می کنید که برایتان مالک نفع و ضرری نیستند؟ در حالیکه خداوند شنوای داناست (۷۶) بگو ای اهل کتاب! در دینتان به ناحق غلوّ نکنید و از هوا و هوسِ قومی پیروی نکنید که قبلا گمراه شده‌اند ، و عده زیادی را هم گمراه کرده اند ، و از راه معتدل دور گشته اند (۷۷) کافران بنی اسرائیل بر زبان داود و عیسی پسر مریم لعنت شدند ، بخاطر عصیانی که می‌ورزیدند و تجاوزی که می‌نمودند (۷۸) آنها از کارهای ناپسند نهی نمی‌نمودند . چه کار زشتی بود که می‌کردند (۷۹) بسیاری از منافقان و سست ایمانان را می بینی که کافران را به دوستی و سرپرستی میگیرند . چیزی که برای خویش پیش می‌فرستند چه بد است ، نتیجه اش این است که خداوند بر آنان خشم کند و در عذاب جاودان باشند (۸۰) و اگر به خداوند و پیامبر و آنچه بر اونازل شده ایمان می آوردند ، آنها را دوستان و سرپرستان خویش نمی گرفتند ولیکن بسیاری از آنها فاسقانند (۸۱) ای پیامبر! از لحاظ دشمنی با مسلمانان ، یهودیان و مشرکان را شدید ترین دشمنان خواهی یافت ، و از لحاظ دوستی نسبت به آنان ، نزدیکترین کسان آنهائی هستند که میگویند مسیحی هستیم . و آن به این علت است که کشیشان و راهبان از آنها هستند و گردنکشی نمی کنند (۸۲) و هنگامی که به آنچه بر رسول خدا نازل شده گوش میدهند ، می بینی از چشمشان اشک سرازیر شده ، بخاطرآنچه که از حق شناخته اند ، و میگویند پروردگارا ایمان آوردیم پس ما را از گواهان بنویس (۸۳) وچه مان شده که ایمان به خدا و آنچه که از حق بسویمان آمده نیاوریم؟ در حالیکه امید داریم که

پروردگارمان ما را در میان صالحان قرار دهد؟ (۸۴) و خداوند بسبب آنچه که گفتند به بهشتهائی که نهرها در آن جاری است پاداششان داد که در آن جاودان خواهند بود و این پاداش نیکوکاران است (۸۵) و کافران و تکذیبگران آیاتمان اهل جهنم خواهند بود (۸۶)

ای مسلمانان! چیزهای پسندیده ای را که خداوند برایتان حلال نموده حرام نشمارید، و تجاوز مکنید، که خداوند تجاوز کاران را دوست نمیدارد (۸۷)
و از آنچه حلال و پســـندیده روزیتان کرده بخورید و از خدائی پروا کنید که به او ایمان دارید (۸۸)

خداوند شما را به قسم های لغوتان باز خواست نمی کند، ولیکن به آنچه که قسم ها را آگاهانه برای آن یاد کرده اید باز خواست می کند،
و کفاره شکستن آن این است که ده بیچاره را از غذاهائی که بطور متوسط به خانواده تان میخورانید خوراک دهید،
یا بپوشانید،
یا بنده ای آزاد کنید،
و کسی که اینها را نمی یابد سه روز روزه بگیرد.
این کفاره قسمهایتان است،
پس حرمت قسم هایتان را نگهدارید.
خداوند آیاتش را چنین برایتان بیان می کند شاید شکرگزارید (۸۹)

ای م سلمانان! جز این نی ست که شراب و قمار و سنگ های قربانی و چوبهای قرعه پلیدیی از عمل شیطان است.
از آن ها دوری کنید شاید رستگار شوید (۹۰)

جز این نیست که شیطان میخواهد با شراب و قمار بین شما دشمنی و کینه بیاندازد، و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد،
آیا دست نمی کشید؟ (۹۱)
و خدا و رسول را اطاعت کنید،
و از این ها دوری کنید،
پس اگر روی برگرداندید بدانید که بر عهده ر سولمان جز پیام ر سانی آ شکار نی ست (۹۲)

بر مومنانِ دارای عمل شای سته گناهی نی ست در آنچه خورده اند، هنگامی که تقوا و ایمان و عمل صالح دا شته با شند، و آنگاه باز هم تقوا دا شته و ایمان آورده، و باز هم تقوا داشته و نیکوکاری کنند، و خداوند نیکوکاران را دوست میدارد (۹۳)

ای م سلمانان ! خداوند حتما شما را به چیزی از شکار که د ست و نیزه شما به آن میرسد می آزماید،
تا کسانی را که از او در نهان میترسد مشخص کند،
پس هر کس که پس از آن تعدی کند عذابی دردناک خواهد داشت (۹۴)
ای مسلمانان! شکار را در حال احرام نکشید و کسی که عمدا آنرا بکشد کیفرش چارپائی ا ست مانند آنچه ک شته شده، که دو نفر عادل از بین شما به آن حکم کند، که قربانی باشد که به کعبه برسد، یا اینکه کفاره اش غذا دادن بیچارگان یا معادل آن روزه است، تا وبال کارش را بچشد. خداوند آنچه را که قبلا صورت گرفته می بخشد، و کسی که به آن عمل بازگردد خداوند از او انتقام میگیرد، و خداوند پیروزمند انتقامگیر است (۹۵)

صید دریائی و خوردن آن برایتان حلال شد که برخورداریی برایتان و برای رهگذران با شد، و صید خ شکی برایتان مادام که در احرام ه ستید حرام شد، و از خدائی که بسوی او محشور خواهید شد پروا کنید (۹۶)

خداوند کعبه بیت الحرام را مایه قوام مردم قرار داد، و نیز ماه حرام را، و نیز بردن قربانی بی نشان و قربانی قلاده دار را. برای اینکه بدانید خداوند آنچه را در آسمانها و زمین است میداند و خداوند به همه چیز داناست (۹۷)

بدانید که خداوند در پیگیری شدید است و نیز اینکه خداوند آمرزگار مهربان است (۹۸)

بر عهده رسول چیزی جز رساندن پیام نیست و خداوند آنچه را که آشکار و پنهان می کنید میداند (۹۹)
بگو پلید و پسندیده مساوی نیست، و لو اینکه زیادیِ پلید تو را به تعجب اندازد، پس ای خردمندان از خداوند پروا کنید شاید رستگار شوید (۱۰۰)

ای مسلمانان! از چیزهائی سئوال نکنید که اگر برایتان آشکار شد ناراحت خواهید شد، و اگر هنگامی که قرآن نازل میشود درباره آنها سئوال کنید برایتان آشکار خواهد شد، و خداوند آمرزگار حلیم است (۱۰۱)
قومی قبل از شما نیز درباره اش سئوال کردند و سپس به آن کافر شدند (۱۰۲)
خداوند راجع به شتر ماده گوش بریده، وشتر ماده نذرِ بت شده، و میش دوقلوی نر، و ماده زائیده، و شترِ نرِ دارای ده نتاج، حکمی قرار نداده ولیکن کسانی که بر خدا افترای دروغ می بندند چیزهائی گفته اند و اکثرشان تعقل نمی کنند (۱۰۳)
و وقتیکه به آنها گفته شود به سوی آنچه خدا نازل کرده، و نیز بسوی رسول خدا بیائید میگویند آنچه پدرانمان را بر آن یافته ایم ما را بس است.
آیا حتی اگر هم پدرانشان چیزی نمیدانستند و هدایت نشده بودند باز هم شایسته است از آنها پیروی کنند؟ (۱۰۴)

ای مسلمانان! مواظب خودهاتان باشید! کسی که گمراه شده، اگر شما هدایت شده باشید، ضرری به شما نخواهد زد.
بازگشتگاه همگی تان بسوی خدا ست و او شما را به آنچه انجام میدادید آگاه خواهد کرد (۱۰۵)

ای مسلمانان! حکم شهادت دادن وقتی که مرگ یکی از شما در رسید این است که هنگام وصیت دوعادل از شما یا دو نفر دیگر از غیر شما باشند، اگر در مسافرت هستید و مصیبت مرگ به شما برخورد، آنها را پس از نماز نگهدارید، و قسم به خدا بخورند که اگر شک دارید بدانید ما آن امانت را به قیمتی نخواهیم فروخت، گر چه به خویشاوند باشد، و شهادت خدا را کتمان نمی کنیم، که در آنصورت از گناهکاران خواهیم بود (۱۰۶) در صورتیکه معلوم شد آنها گناهی مرتکب شده اند دو نفر دیگر جای آنها را بگیرند، از آن کسانی که به میت اولویت دارند، و قسم به خدا میخورند که شهادت ما از شهادت آنان حق تر ا ست، واگر تجاوز کنیم از ظالمان خواهیم بود (۱۰۷) این روش برای اینکه حقیقتِ مورد شهادت حا صل شود نزدیک تر ا ست، یا اینکه شاهدان بترسند که ممکن است قسم هائی پس از قسم های آنها خورده شود، و از خدا بترسید و بشنوید و خداوند فاسقان را هدایت نمی کند (۱۰۸)

روزی که خداوند پیامبران را جمع می کند و میگوید چه جوابی از قوم هایتان دریافت کردید؟
میگویند علمی نداریم و تو خودت، ای خداوند، دانای پنهانی ها هستی (۱۰۹)
هنگامی که خداوند میگوید ای عیسی پسر مریم! نعمتم را بر خویش و بر مادرت یاد کن، آن هنگام که تو را به روح القدس تقویت کردم که چه در گهواره و چه در بزرگی با مردم سخن میگفتی، و هنگامی که آن کتاب و حکمت و تورات و انجیل را به تو آموختم، و آن هنگام که از گِل چیزی مانند پرنده به اذنم می ساختی و در آن می دمیدی و باذنم پرنده ای میشد، و کور مادرزاد و مریضِ پیس را به اذنم شفا میدادی،

و به اذنم مردگان را زنده میکردی، و هنگامی که دست بنی اسرائیل را از تو بازداشتم، همان موقعی که با آن دلایل روشن بسویشان آمدی و کافرانشان گفتند این چیزی جز جادوئی آشکار نیست (۱۱۰)

و هنگامی که به حواریون وحی کردم که بمن و رسولم ایمان آورید، و گفتند ایمان آوردیم و شاهد باش که ما تسلیم امر توئیم (۱۱۱) آن هنگام که حواریون گفتند ای عیسی پسر مریم، آیا پروردگارت میتواند بر ما از آسمان سفره ای نازل کند؟ گفت از خدا بترسید اگر مومن میباشید (۱۱۲) گفتند میخواهیم از آن بخوریم و دلهامان آرام شود و بدانیم که بما راست گفته ای و بر آن گواهی دهیم (۱۱۳) عیسی پسر مریم گفت خداوندا بر ما سفره ای از آسمان بفرست که برای ما عید باشد، چه برای پیروان اول ما و چه آخر ما، و نشانه ای از جانب تو باشد، و روزیمان ده، و تو بهترین روزی دهنده ای (۱۱۴)

خداوند گفت من آنرا بر شما نازل خواهم کرد، اما کسی از شما که بعدا کفر ورزد او را عذابی کنم که هیچکس را چنان عذابی نکرده باشم (۱۱۵)

و هنگامی که خداوند به عیسی پسر مریم بگوید آیا تو بمردم گفته ای که مرا و مادرم را بجای خداوند به خدائی بگیرید؟ میگوید تو منزهی. مرا نمیرسد که درباره خویش چیزی خلاف حق بگویم، اگر گفته بودم میدانستی، آنچه در ضمیر من است میدانی، و من آنچه را که در وجود تو هست نمیدانم، البته تو خودت دانای غیب هستی (۱۱۶) من به آنها چیزی نگفتم مگر آنچه که مرا به آن مامور کردی، که خدا را بپرستید که پروردگار من و شماست، و خودم برآنها مادام که بین آنها بودم گواهم، و هنگامی که مرا به وفات رساندی خودت مراقب آنها بودی و تو برهر چیز گواهی (۱۱۷) اگر عذابشان کنی بندگانت هستند، و اگر بیامرزیشان البته خودت پیروزمند فرزانه ای (۱۱۸)

خداوند گوید این روزی است که راستگوئیِ راستگویان فایده شان میرساند.

بهشتهائی خواهند داشت که در کف آنها نهرها جاری است و در آن برای همیشه جاودان خواهند بود، خداوند از آنها راضی و آنها نیز از او راضی خواهند بود، و پیروزی بزرگ هم همین است (۱۱۹)

فرمانروائی آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست از آنِ خداست، و همو بر هر چیزی تواناست (۱۲۰)